

140

140

SÜLEYMANİYE C. KÜTÜPHANESİ	
Kısmı	Yeni Cami
Yeri	
Esri No	835
Tasnif No	92:8(496)



سرنامه صحیفه آن پند تذکره که مفتاح خزان سحره در و فرست سعاد ابدی
 که درجه کرامت سرمد در حمد و سپاس قیاس خالق حق و انکسار منکام کلام اعجاز
 اسرار در که رتبه شوای شری موی مقام بحر آفرینا شوارابی کلامی عدیل قرین
 که صفت و آنها تذکره للمتمیقین در و الشوایر بجمع الف و و کل مبدی است و ادنی قلشکن
 ثقیلی کرامت مغزای آلا الذین امنوا و عملوا الصالحات ایل بلند و بالا ایلدی بیت
 حال شوی حق بیان همیشه در استغنی ایل شانی اثبات ایدر کنگ بیر بدر الا ایل
 و جواهر زو اهرستایش که خزانه تعداد و صدوقه حسابده کنجایش طوئیه
 اول مبدع معنی بدیع الشان آذی خلق الیک و علمه الیک جنبه شایسته در و
 که خلعت اعجاز بحر طراز دن غبار افعال شستی و ما هو بقول شاعر مقال ایل از آن
 و صیاض تقدس کلام بلاغت نظاره سر چشمه میم و ما علمناه الشیخ و ما ینبغی له دن
 ما رنغی اسرار ایچکل در حاجت شوانی منیع و اعلی ایلدی **قطعه**

بایه شهبین که چون زنبی	لفی لغت پیمبری کردند
بجز تصحیح نسبت قرآن	آهت اوبش عری کردند

زهی فیاض ذوارف عوار و و با صلیح و شرافیه که معیار رنگین کلرین کلبان
 چنان اهل عرفانده رایحه نشا ذات معکاسیل بو یا اید و عند لب دمان و طبل
 لسان استستان برای بهانده نغمه شکر نغمت و احسن ایل نغمه سیر ایلدی **بیت**

هر زبانی که ذکر تو کند کویا نیست هر دلی که نه بفکر تو بود کویا نیست
 بر منش بر کمال و مبدع لایزال در که و رفع بعضهم فوق بعض در جواهری سر
 در جواهری کلام جلال منطاهری که طراز قبای حامد و ماثر در ز نایزده نفاوت و اقتدار
 که بعضی کلام مانند اصوات حیوانا و بعضی کلام ادرا در روز سکه مشتمل انواع شهبان و استعارات
 تعالی الله که مایه شده بر کنش از آن **بیت** کین ایلدی با قل کین ایلدی حق تعالی

و هو الخالق الباری المصور مقتضای قدر قاهره سی بر سیر نمای خانه ابدی در
 هر روز برای سمایی رنگ کافوری ایل مصیقل و جلی ایدر و بر نقش کشای ایوان کینت
 اختراع در که شهب کاشانه سماوات شمعان زرین و قنادیل شهب بروین ایلدرین
 و جلی ایدر **بیت** بین نگار و نشان کعبه هزار زبان بر آن نگارگری کوجین نگار اداست
 بر صانع در که خامه نقش بند و نگار رادی قدر تلوح موجودات سر لوحه دیدر
 رسم و تحریر اتمیش در که هر ورق رومی و خطایی سنده نقاشان نگار خانه عقل
 خرد و اله و حیران در و بر بیدع در که صحیف ایجاد مواد مخلوقات کلک ابدی
 در قلم اختر اعلی صور مخدات بر نقش ایل تصویر اتمیش در که هر صورتک خد و خاندانده
 و هر سیر که رنگ و انده مصوران عالم مثال قلم جلدن باشکرین اشغ ایلدی
 دوا اسامیرین انزلین اجوب بر کار کبی زار و سرگردان او مشدر **بیت**

چنان نکاشت بلوح وجود صورت خلق که خیره گشت در و دیده اولوالعصار
 بر ملک الملک متعال در که اسطین سطلین سر عبودیت و نیازی جناب چار
 سازنده زمین سات و نگر بره سوده اتین منشور اختیار و یرینج اقتدار کبر
 آن ایکم بسط مبین عنوان ایل معنون و موشخ اولمز و اول یا در شاه لایزال
 و قهار لم یزل در که خواقین حشمت این بیت ضوع خوشو عکری سحر نوت و عظمه
 قلینج تاج بر اینهاج تسلط و حکومت و نقد کنانم فی الارض بواقبتی ایلدرین و مریخ

نظم پادشاهی که پادشاهان را / پادشاهی رضیض نعمت اوست
 سرافرازان و تاج داران را / کردن جان بطوق منت اوست

لطیف در که لطف سیران و حسن فراواندن شبها ز بند پر و ارغوان
 سرای عالم قدس کنگره سین اشیا نه و ماوی اید و طوطی شیرین زبان
 شکرستان جهانک نفس مقدسی مقام و مثنوی ایلدی **بیت**

دیاچه نویسنده عقل	رضائی بخش کو عقل	پرکار زن حیط افلاک
برگزینک عرصه خاک	کاشانه فوزت سیامان	ارمنغل نور صبحکامان

بر حکیم رزاق و کریم پروردگار در که هر کجایچه ارزن سیمینی صحرا ای سپهر برین
 نثار اید و هر صبح آبی بر غروب سوزینه غدا ابلر و بر لطف قهار در که هر شب غبار
 جواری ثواب و سیار مقاصد لطف نهار چون صفا را است آتشین ظهور طلع
 چشمید خورشید ایل برانده مجلسی نابود و ناپید اید **بیت**

نور شعله افتاب عالمتاب	کشاید از رخ کیتی جاب طمانی
نشته عذار صبحی سن ایندک منور	مساز یعنی سن قلدک معنبر
جواهر سلکنه و پردک نظامی	کم اندن بوله عالم انتظامی
عیون انجمن کحل در جایی	چکوب زین ایلدک وجه سماکی
سن آوردن کفک چرخه زین زمین	سمند اسمانه غسل سیمین

اول حکیم خلاق پادشاهی اطلاق در که بگوید عالم حد و امکانی غرایب
 بجایب مخلوق تدرک موع اید و بیت القصیده جرح کن مکانی جواهر زوایر
 ابداع و هنر اعلا نجوم هر و مرصع ایوب بر نظر رافت و رحمت نه یک در با صورت
 کتم عدله ایکن جلوه کرمنصه وجود اید و هر برینی و حدایت ذات پر جودینه شهود
 ایلد نظم نور بر تو او موعه تجلی کرد • پدید گشت ازان افتاب نورانی

خفا
 باوزات
 علی

تعالی الله زهی قدر که ذات واحدی ایکی حرفه اوج مولود و چار خضر و پنج اوقار
 و شش جها و هفت سیاره اسما و هشت جنان جاودان و نوافلک و عقول عشره
 چالاک ایجاد ایلد و زهی حکمت باهره که زنبور حقیرک ضایبند فیه شفا و لسان درونی
 تمبیه ایوب بر کم ضعف حجر مکعبانده نیاب بندس خضر و استبرق اسرار زین ایلد
 ایلد انی انواع تشریف و تکرمایه مواد ایلدی **نظم** باذات واحد تو عهد ادا کو
 بود جو خفت ظهور مستند خضار و حد تو جمال ذکر گرفت در دیده شهو ز خال و خط ایلد
منشیه بر بسین که ایکی حرفه سن ایلدک ایچ **بیت** وقت و بدی نجم و طقوز جرح معلا
 و بر جواد کریم در که زلال و صفا شوقنده نور استکان بوستان وجود و ساکنان صوامع
 جرح کبود آنس من جانب الطور نار ابر و نیکمانند وادی حیرته سرگردان و طیب
 و فیانی جنت وجوده بایم و حیرا اوبو و حسینا کم من با و غدق سی بندن متقاطر
 اولان شایب رحمتنه و صبنا الاصبنا جسته سنده ظاهر و جارا اولان جویبار

رافته منتظر عظمنا او شکر در	نهار را او بیکر بند عالم	صفا جسته کلز ارادم
فلک فلکینی بحر کاف و نون	پدیدار ایلدک بطن کون	دو عالم عکس مرات وجود

جهان دشته انهار وجود که خدایا چونکه سالکان خطه میا کل بشری کم نقوش سما
 حد ناندن بری و خالی دکل بلکه حکمت لایه عوائق وجود اید ساغر فلک کمالی در
 الوهیت بارگاهنک مدح کبریا سی جنبانده مقام طومق نه حدیدر و ایوان جلال
 با کمالک بیانی آنها سی بانده او تور مقی شانی در بو باده صدر نشینان صفت
 و صطفی و سر بر ارای مقام حلت و وفا اولان هزار عجز و تصور مفر فکر و اول
 جلت اتاردن ایادی مذت و انکس از ایل مفر فکر اول بر مقوله عسیره که جوائیم
 انام اندن سیر و نفس ظالمه او جند بد فعل و بد خوی اوبو غم مثال در و خوام
 ایلد مملو و مشغول اولمش سبوی ایکی دستی قانده قابو میایی کی بنری خون اولمش دایم

معای و خطیات اشکله جست و چاکا در غسل حسن عمل مبرور قلمقه و معیض و
 مدام کوی هواد و هویر یولندن کلوب بر کون مسجد یولندن کلز و هر بار کج
 مرجانی الدن قوم یوب ذکر و تسبیح یزدانی الندن کلز **نظم منشی**
 روسیه جرم و عاصی منم | ترکب جلد معاصی منم | هر کون ایتم ایتد در ربیکناه
 ایلمن بر کنه بر کون آه | اولد مدد جرمه حال آه | صاکه صفندم کرم ایتم الله

قطعه درم خریدم حرمم ستم رسیده از | مطبوع حکم امانی مستخر آمال
 بسان کوه کران جنبتم براه هدی | بسان کوی سبک کردتم براه ضلال
 دایم عصیت و موافقت نفس بر طغیان شیوه و نیک تمیز و غبار معای شمار آید
 سینه زنگ طوفش اولد اعتراف جز تصور دن دم زمان اولق نهایتده فغولوق ایدو
 تحمل ریب کان کل در شیه چکله قادر دکل ملک کان نبیا نبی استویا الهی بودل پیجاره یا
 چون قصاید و ایست سخن لالی عهد پادشاه ذالین ایلمار است اولد ملایم و مناسب
 بلکه تم و وفا اولد که جواهر زو اهر صلوا خواجه کائنات ایلمجلی و پیر اولد
 تاج عهد اولد چو شاه سخن حلیه ذات زینت اولق کر اول تاجه حلی صلوا
 نعت نبی بس صل صلوا و جیات حیات اول سلطان سل بادی التسل امام الهدی
 نور افصح من نطق بالاضاد و اعلی من روی عین مکارم کل صداد نور حدیقه
 آفریش نور دیده عقل و بنیش رهنمای قافل سالار انبیا راه کشای سلاسل
 اولیا و سبطه قلاده رسالت صفة نبوت و جلال خیل انبیا و جنبه صفیایه
 جیش بلبل کلنتا انا افصح العرب بیدانی من قریش طوطی شکرستان
 انا سید ولد آدم عنده کلزار انا افصح العرب و العجم خلوت کزین ماز
 الارجمه للعالمین مستند نشین کنت نبیا و آدم بین الما و الطین رسول جنبی
 حضرت محمد مصطفی صلعم جنابنه که مطلع دیوان نبوت وصف کانی و مقطع

دانش است نعت جلا اولو تاج پرا تهاج بلاغت و بیانی اکلیس طویل
 ان من البیان لیسرا ایله مکمل و تونس صعب القیاد بلاغت و فصاحتی
 حکمه آن من اشعر حکمه ایله منقاد و مد تل ایله ی **شعر منشی**

اول رسول کزین کلکله	عالم و بر در رب و پیرایه	اسماندن نزل ایدن است
اولد شوق فزینی آیه	قلدی شعری شامل حکمت	پایه شعرا یردی شعرا یه

اول نر کس باغ مازاغ البصر و ماطنی و طوطی اشکرستان و ما نطق عن الهوی در
 که تنزیل جلیل ربانی و قرآن واضح البرهان صدق عصمت و منبر بلاغته آسمان
 قدر و بارگاه عظمتدن نازل اولوب شیطانی جهالتی نورانی ایتد کده فصحا
 عرب حکم لمن غلب دیوب قصاید سبعة معلقه ی در کعبه معظه دن انیدر شکر
 و بالآخره معارضه بالکلام و کور فی تقارعه با آرماع و سیوفه دوندر مشا یردی
 همانا قیامت اول فرقه بر شامک نشسته قویبند که سبعة سیاره لری و ادا الکون
 انشترت مضمون اوزره یره دو کلمت سید عمان جهانده بادبان بلبل کلین اوجوب
 کیدر کن عظمت فرقان کریمی کور یک تلکینی اشاعه قودیلر و نبرد گاه دورانده علملر
 اوجوب هر بر صاب قرار ما بجز کن شوکت و هیبت قران عظیمی مشاهده ایدجک علملر
 دورتو دلالت تیغ مؤمنین ایله دیار عدم فحاشه یوز طو ند بلر **نظم منشی**

صدق تو لجه صبح بر افق روشنست	در عرض معارضه از روی مجرات
هر سواد مدحت و نعت جناب نست	ترکان چشم من قسّم و کاغذ و دوات

اول سلطان سل در که عقل کل حقیقی کلند بر برکت در و اول قادی اقوم السبل در که
 بنیان شرع مبین و احکام دین مبینی قلعه کرد و دون حصین و بر در در

طایفت فلک ز بار کاهنت	بر غیبت ملک ز اشیا نعت
کوشه رفیقت از حبیبنت	طوبی و رقی ز بوستان

و اول بر شکر جنس مسلمین در که هنوز آدم صغی که مظهر کرامت قعود است
 بن امان و الطین اولو نخت فیه من روحی سعادتیه داخی قرین اولدین اولی امان
 انبیا و مرسلین چار باش قرب حضرتند کسند نشین اولو سر بر آرد علی و سر بر آید
مشبه دخی پوزمیش خاک آدم سن اولشد که سرای رازده کسرم
 وجودت اولدی که چه صکره ظاهر ولی مقصود کسین اول آخریت
 داشت در صلب ترا آدم وی دید خدای بهر عظیم تو تعلیم ملک کرد سجود
 و اول رسول تعین و خلاصه کونین سلطان سر قاپ قوسین در که بود کله صور
 خدشات و امثال جلوه کر مات شهود اولو سبب وجود پر جودی از و بر جلال جان
 محبوب حضرت رحماند که طاعت جهان و عبادت این جهان باعث خضوع و سجود در
 از لولا که دلموک تحت و تاجش کشیده جبرج بر کردون رخ آیش
 امیر تارگاه لی مع الله زده بالای این زخمه خوکاه
 ای راسخانگ کنشی دی بنی عربی قریشی عصا آینه ملاذ و طیبی سسین و از با خوف
 خفته مرید و بنی سسین اتب شیخ و شاب جناب فلک قبا که در حاشا که مردود اول
 و استناد بنده و آزاده سده سدره نهاده که در حاشا که باب که مکسد و اوله **المنه**
 ای رسول حق شفیع المنین بقصد انبیا و مرسلین عاشق و شوریده حال کدر حسن
 خاک راه پایمال کدر حسن جوی جو قدر برینا قیل کانا یا رسول الله شفاعت قیل
 چونک شاد کلام و مقاله تاج محمد ملک متعال و قلاید صلوا رسول بر افضال ایله
 ایش و جمال ویرکد نسب اولدر که خدات اصحا و ال دخی اول نو عروس حسن و کماله
 در خفا اوله پس جواهر زواهر زهریه که کان صدق و صفاده تربیه او نمش در
 ال و اصحاب و عزت و جبابنه که کفره ایام قبول ایما و اسلامه نابین اولد قرینه
 مجلسی فلام عن التذکره معضین ذیو کیمی باش و جانله جالسو نیزه جانستان

راه هدایی کفار بی دین و ایمانه کوسر لر و وجود شرت نادر فصل کیم برینی
 تیر بر تا شیر لیل عالم بیس المصیره کوجورر و متبع بی در بغیر بی اول نماذیل و ملا عینه
 طریق فنا ایدو دست فاقوا المشرکین ایله اول فرقه بی دینی فکانه کیم بر لر اید
 کیمی دخی زبان و نشانی ایله خد ایدو اول مفرنگ طمع و ناسنده بیچه قصه غرا
 انشاء و انشا ایدو مظهر القاب بید و اتها لری اولور لر اید و لند اهر بری نجوم هد
 و بدورتی او تو حقا مناقب و مفاخر کاشد اعلی الکفار رحما بنیم خلعت ایله مکرم و عز
 خلعت بر شهادت منقبتک رضی الله عنهم و رضوانه طرار ایله مغرور و مطرز اولد که
 ابر رضوان که بیغ طوریه بر و آن **روضه** الله اصحابه اولسو باران
ذکر القاب پادشاه جهان مرآت ضمائر اهل بصائر ده واضح و ظاهیر و مشکات انظار
 ارباب عالم و مفاخره کاشمش اوقا الهوا جرزوشن و باهر در که بر فحوا ی عمرزا
 و جعل لی ک صدق فی الاخرین همیشه ناظان در رکلام عت این صحیفه ادوار
 ذکر می شایان فلک تکمین ایله تزیین ایدو هر قرنک دیباچه سنده اول هنگام
 حسب قران زما و فرمان فرمای زمین اوسلری که حارک نفور ملک ملت جان
 سرر عزود و مستظل سر ادقا جلت و جاه وزیر سایبان وجود و امکانده
 صدر نشین شادروا السلطان ظل الله در تحدید و تعیین اتمک عادت رضیه ری
 و هواره سرور انجمن سخن پرور و پیش روان سالک عت و بر ا کسری
 کردن و کوش ایامی جواهر مائز سلطانین بر احرام ایله که مظهر انواع فتوحات
 کثیره و فیوض شریفه در و معطف و اذیال شور و اعوامی زواهر مفاخره خلق
 سپهر اقتدار و کواکب احتشام ایله که شایسته خلعت بر کرمت انا جللت ک خلق
 محلی و مطرز و مزین و مغرور و اتمک شیره کردید و سنت سنیه ری در بنا علی
 اول آینه هدایه اقتدا اولند فی الواقع هر منبرده که نام یاده عدالت کسری

برارنده مطلوب و نام او **امیرالمؤمنین** نام در مرتبه ویرن باشد که در حد ویرن است و برین کیم در
 بو مقدمه دخی صد نشینان محافل فضل و عرفان اولاد اهل دانش و از غایت ظاهر
 عبادت که سزاوار خلت حضرت مبارک و شایسته سرپرستانت و کامکاری ذات
 سعادت مند اولی که مکه منظور و مکتوبت دین مستبین و نصیب العین ضمیر بر
 مثبت احکام سید المرسلین اولو ایندیه تیغ ظفر پیکری هر چند که متصفه
 تا سید الهی و الطاف نامشاهی ایلا بخلا بوله جام جهان نای مالک ار سنده صورت
 نیکو ایمن غیر بر نفس منطبع اولیه و هر زمانه دیده دل و جان امن و امان
 رعایا و زبردستان ایچون برق و عد تیغ آتش نندن غیر بر نسیه طبع
 زلال تیغ ابدار رضا رکلزار عدل داد اسرخ روی لک و بر زد بیکان جوشن کداز
 خار ظلم و بیداد هر طر و ج و تفکار کسینه تحت خزینه سندن پیره و نهال
 بر جلا گلشن سعادت و اقباله کشیده بالا اولد قده سایه امن لایحه و لایحه
 سوزگان مضی تحت و عنان اوله مدود اید و کلین فوادی غنچه مراد بتوره
 محمد و صد محمد بر کاه کریم متعلک کنعنا بی غایت کریم مختار بموجب و الله یونی ملکه
 من شایکوی سلطنت و جهان بر سلطنت سعادت نشانک جوکان اختیارینه تیور شد **مصرع**
 شکر و صد شکر بنمای کریم رزاق نر که اراد حضرت پروردگار تقبضا و الله یونید نضیره
 من شیا عنان مالک ایران و تورا بر یاد شاه کامکار که قرضه اقتدارینه کورس
 که تاج بر انتهاج خلافت استحقاقه شاهد عدل و سر بر عالم مصیر سلطنته استیماله نجیبی بد
 بیت آن لطف حق که عقل ندیدت و دید **شکرانه** واجبست که در روزگار ما
 سلطنت سلطین جهان با سبط امن و امان همیشه مشتری مهر و کین اسکنر کون
 چشم و تکین بهرام ریخ حله و انگ دار آخور شید غلام فیر و جنگ خسرو نایند
 فرید و عطر در عزم و حرم سلیمان ماه زان و علم افراسیاستاره خدم و چشم **نظم**

در بحر پادشاهی قطب جرح سلطنت	سایه لطف الهی مایه فضل و بهتر
پادشاه بحر و بر بحر اندی طوطی العلی	افتاب سایه و رکف الهی صبر البشیر
خورشید ز خلج و همیشه فلک کاس ایندیه جمال فرخنده مثال فاحکم بین الناس	
نقد وقت اشرف و تیغ قران سواف مظهر شراف و مرآت لطف جعلنا کم خلافت	
وارث ملک سلیمان حارسین جهان با طول و العرض مظهر کلام بخت نظام	
و ما صدق خطاب بر انتظام انا جعلناک خلیفه فی الارض نظم	
خورشید صبح سنجی و ماه ز خلج کل	دارای جرج کویه مشتری خصال
خاقان بی نظیر و سپه دار بی شبیه	سلطانی عدیل و شهنشاه بمثال
همه اساس شوکت و جهان بنا کیمی ما ترعدا نو شیر وانی خورشید عالم مکام	
و احسن بی نهایت سلطنت سکندر آیت و دارا در آیت ثمره شجره و جعلنا کم خلافت	
فی الارض شجره ثمره و نعنا بعضکم فوق بعض مایه رحمت و اما سایه حضرت سنجی	
منیض انواع نعم و عطایا معین کافه خلق و معیت عاده رعایا بنضار بخش قلوب افضل	
ترک زدای مرآت صدور اما مثل نمکبایوان سرا وجود رباطه صورت و ماده مرد	
نظم سکندر قدر و دارا در آفرید و فرودم	خضر الهام و موی کف محمد خلق و عیسی دم
جهان دار فلک قدر مبارک رای و فرخ رخ	جهانگیر جهان بخش همایون مویک و مقدم
بر سلطنت عافیت و عنواندر که بلال پسر رخ دوار فعال نوسن صبار رفتار او حله	
استیاج و افتخار بولوت کیمکت نازین بر تزیینت حوام و طلسم کردون شرف نام غایب	
او فخر قدر و اعتبار بولور ذات رشیدی و اتق شرع مبین و مستقیم صیل التیازین	
کزین در پس آفتاب فنا و زوال ان نامون اوله روادرو ذرا جمیده در صفا تنگ	
کاری دفع فتن و شرور بلیات در پس نوایب و اخوان جهان در کرم و حصون	
نظم سایه یزدان مغز دین حق شاه جهان	ارذله شیر دل دارا اسکندر خصال

است است او و لیکن اسما بر قرار افتاب است او و لیکن افتاب زو
 بر سلطان عدالت نشاند که زما سلطنته کان ملک ایل نام و نشان بولد و چون
 هر زمان گرفتار آلام کشاکش و لطف ایشان صور لقا عا درل عاشقان
 بی سرو پا اید و ایسا جمعیت خاطر رینی دل سرور را کمی بر مرده و بر ن ایند و چون
 احوال در هم و خوش **بیت** چکیکس سر موفتند ندارد در سر در زما تو مگر طره زبان طراز
 گاه ربا گاهی بی سبب برک گاهی غصبت و چون هر زمان خوف و خشیت مبتلای مرض
 یرحی و شجره بیده محسنی خلا او لعل دایما اضطراب و در مشتند گرفتار علت خفقان
بیت بغیر گاه ربا در زمان معدلتش کسی غصب نیارد بود برک آگاه
 دایما اوضاع و اطوار دایره انصافان بیرون اولد و چون بزم ایالت و
 عدالتند و دفن غیر بر کند دست افزیده دن طبع کور شد رنی دخی آگاد
 اولد و چون ایشی فریاد و فغان اولد بک دکل در و هر زمانه کجا خارج شرح و
 قانون اوغین جنگ و قانوندن اوز که کیم دین ضرب و بخت بخت در باب غنی
 ایلیم آواز او لعل دایما کاری ناله وزاری اولد بدیع و غریب دکل در **بیت**
 بعد عدل تو جزنی نمی زند ناله **بیت** در دست هاده خرد نمی کند آواز **بیت**
 دور گده که جور ستمگر دن انگیز **بیت** ای شریع ایدر ایدر که اگر جنگ دنی فغان
 بر پاده سعادت استگاه در کشف اشرف و انفسی لوح محفوظ کمال انش و ذات اولد
 و اقدس نبی جامع کرامت انفس ذات جلال سما مهبط اسما انوار ربانی و مجمع فیوضات
 اسرار سبحانی خاطر عا طری منظر نظر عقل فعال و مختصر شریفی منظر خیالی و معال لفظ
 کبریا صد شکاف در عدن و خلق کریمی نافه کشای مشک ختن لفظ و عبارت
 بخرج منها التوت و المرجان رای و ضمیری الشمس و القمر سبحان ابکار افکاری که پنهان
 انش قبله و لاجان خدام بارگاهی متکین علی رفوف خضر و عبقری حوت و آ

بر نادی لیلو فون بینها و بین کسیم آن در **نظم**
 انگس که در هوایت چون صبح صادق آمد | مشهور عالمش کن کارش کن کرد و
 و انگس او دود شد بادام وار بانو | و ندان نا و آور منزش چو بته برو
 بخار ز خاردست کوه بارینه دعوی شکست ایدر **بیت** تنگستی آبی شود دیده حال به صفا
 و سی میزار کف ز رخس و پراش را ایلالا معاد قلوب **بیت** مژه کرد با دیم کدای تو است
بیت با فیض دست با ذل او بجز مسکت | با درک طبع روشن او برق کبودست
 اول لفظ و ال ارتب و خاق فلک مزنگ ظاهری بس شعر صلاح و تقوی **بیت**
 مطرز و مطری و باطنی مکارم اخلاق جز بیا ایل زمین و بجلی جمال کمال زبور حسن **بیت**
 ایلار است و شیر و سر بر زینت خلق عظیم ایل پیر است **بیت** بالسی مصدر آثار
 عواطف الهی و بنان برینجا منشا و مدار حکم نامتاهای در **بیت**
بیت محض رحمت ترش عقل بجز ذراتش | که جوان هر دو سر ایا لطف و مهر
 خط فرمان طلوع ای مناسبتی قضا | حکم دیوان تو امضای قضا و قدر است
 بر پاده زهد پیشه و صلاح اندیشه در که سلطنت ربیع کون و فصل روی زمین
 که ایات که بقعه حی سیر ملوک سواف و غایت نعت شامان پیشین در و اصل حق
 البیقین و عین البیقین اول نظر دیده حق بیننده بی قدر و اعتبار در در **بیت**
 علمت و متعاسم طبعی استری اوزره همیشه منظور ایتهاج و افتخاری ترک
 تعلقات فانیه و نفی ماسوا ایل قرب جوار حضرت پروردگار در **بیت**
 داور دور جهان **بیت** با وجود عظمت در نظرش خست است
 بر سلطان دراک و خاقان برادر که در که دامن عظمت و غنی مانند اذیال افلاک
 که دورا طبیعیه و اوساخ بشریه دن ظاهر و پاک و افکار کار اخوت ایل ترش و غنی
 او لعل هر که ز کس بخیزد قطرات بکاشیم کرد ایل فلک در بارک الله و گوش

زهی قوت نفسی و طهارت قدسی که وجودی بود ممالک قدرت و استقامت و الوالی و
 مستو و ادراک غایت مطالب نفسی و نبل نهایت مآرب شهبات حسی بر قادر و
 اولو زمان قیضا قوای سهوا و هنگام میلان مستلذات نفسی اینک تابع فرمان
 و الهی نفس عن الهو او بوجبت انواع ملاهی و مناهی و مطر انظار عتبی ری
 استیفا لذات باقیه در رضا حضرت الهی و لذت بریت طرازدوت باقی بر ابراز دوست
 که کمتت نبرد نام عالم قانی در خلوت گریه بی عالمی حریک تو باشد سماع روحانی
 بهمانا اولی علی ملک کمال صلاح و تقوی و حسن بها و انواع محامد اطلاق و محاسن
 بر ملک و جانیدر که تمثیل و تشخص هیکل انشا در وزمه افراد بشری داخل حوزه
 اولی تحت قبایلی لایم فهم غیری در که ظاهر اسرار است سلطان در منش

اگر چه ظاهر شاه جهان در	تحقیقه ولی قطب زمان در بیت
توی که صورت جسم ترا هیولانیت	جو جوهر ملکی در لباس انشانی

تمام کرامت و ولایت برین بوعلمت و آیت کافی و اثبات مراده که بوجه مقبوله
 وافی در که شایان ایران الی هذا الان هر بری ضحاک روزگار و افزای بیجا
 کیر و دار او بوز زملر بجهت و انلق نو بین او ریش و قطع جهانده فرزاد بکین
 نیچه شاهری پیاده ایدو اسب دولت خاکی مذتته و دشور مش در اجد اذ عظم
 و سواف کرامی بالذات جنگ و بکار اید اخذ انتقامه بجز نامری و ارا یکین جناب
 سپید صترامی ادنی بنده رینه اشارت ایتملا اکثر ممالک و ولایاتی داخل حوزه
 تصرف و اقتدار ایدو فسی اباد توران و ایران باشند تنگ و تار کش در بیت

والی تبریز را که خط اشرف میرسد	تاج بر کردن ز اذر بایجان می آورد
چشم بر راند اهل صوفیان تا بادگی	سرمه اذر اهدت با اهل اصفهان می آورد

فی الواقع ذات بایدار قطب سیرغ دوار در بسن ثابت و برقرار الهی و وار و مرکز

وار برنده طور مغلله دایره مثال عالمی محیط اوست نه جای جدال و انکار در بیت

المنه لله که درین فتح نداری	جز منت حق جل تبارک و تعالی
اطراف بلاد تو شد از فتح مزین	اسبامراد تو شد از فتح مهین

الاد هو السلطان العظمی و خاقان العدل الاکرم مالک رقاب العالم مولی ملوک العرب و العجم
 مفتوح ابواب البر علی کل بقی مغیض سیول المکارم فی المغارب و المشارق و المسلمین و الکفر
 عقلا و اکثرهم فضلا و اصدقهم مقالا و ارفقهم خصالا و اوفهم علما و اوفهم علما
 و اعداهم خلقا و اجملا خلقا السلطان العظمی مراد خان خلد ملک بیت

غیبت اهل ممالک مغیبت ملک و ملک	غریزه مصر مکارم معز دولت و دین
قضا توان و قدر قدرت و ستاره سپاه	زمین و قار و زمان عرت و خرد نگین
یناه و شب سلطین و داور ایام	خطب جریار افتاب ابر میسین

ادام الله تعالی ملک و سلطانه و اعز انصاره و اعوانه کما اعلى شان و قرن ایام
 الی اعوام الدوام و التحمید الی ان برت الارض من علیها انه حمید مجید بیت

دعای دو سلطان همیشه و در دست	نه بر امید عطا و توقع ادرار
تو یاد شاه جهانی و ورد من انست	گر یاد شاه ز شاهی و ملک بر خور دار

اول سلطان جهان و مالک ملک حضرت نوری طریقت بر حقیقت مشایخ کرامه سالک اتمه اگر کلام
 محققانه و موحده انه اولو مشایخ زمانه شرح بیکل مظهر الطیب بیکر اندری اول شد در بیت
 مکر دیوان بر عنوان نری و عربی و فارسی و ترکی کلمات غنث نشان نری وار در نظم

بود بیایه آن سخن بسین	کی انجا رسد و صف ما را کند	سخنهای شمه کردل با کلمات
به پاگان که شاه سخنهای ما	برین نکته باشد دلیل تمام	کلام الملوک ملوک الکلام
من از و صف گفتار تو فهم	بمدحش چه ساره بر دهام	بشیراکی اشعار نامدار

اول سلطان مکارک اولی شاه با عدل و دادک اول خاقان سعادت ندادک اول شهید

سپهر اشک اول اسکندر زین و غلام اول افتاب عالمتاب خلافتک اول دریا
 عمان چهار افک اول مغیث و معین ملک درینک اول و اتق جبل المین شرح
 مینک اول داور سو زینک اول جسر سخا و کوه وقار و تکلیک کلمات
 بغت سماندن در که برنگا و تینت خسر و تسطیر اولندی

عشقتک بو کو کله اول لید بر و پیدا صغمه صوله باشین صالو بن سرو خزان یکم قبوسینه واره لم ای شه عادل بر دله وطن عشق اول عشقتک اول دل قرار عشق یلدن باشه سو دا ایشیکک لیدین جاناید ما وادن استغنا جمالک بر نظر سیر المین ای شاه خوبان فراقک جگر بایند ایاد بر کباب آب زخم قل ایکی مزارت چشمه ن اقرن یا شنه نظر حال کیمیا وصله بن خاک بی قدره شب بجزانده ناپید ایم ای هر و عنایت قل صورتی عیب اولن ای لبر شیرین حرکات چون سیه پوش اولکین ای تابان جهان بولور التبه صبا ابدی اول عاشق طبعشون دلیجات او همک زلفنه کم استانگدن انگ که مرادی زینهار دل در دیاره دو سینه بر چاره وارمی یارب	طوبتم یوزدی ساکنه بن ای ساه دلار توجید ایدر شو قدشانا سنگ اعل قانیک کی شانا وار ایکن باب معص میل ایلمی رویه روضه رضوانه خدایا قراری قالمدی بو کو کلک اصلا تماشایلمین قدک ایدر طوبادن استغنا محقق در قلور دنیا دن عقبتادن استغنا ایکی کوزدن اقریا شتم نیم جام شراب اش کوز لک با دیدار اولزه جهانده اسیا آسا نیچه بر خاک زنده اولم یار اتراب آسا بو ذره قدره بر توصال صعبم افتاب آسا بذرک معال عشقانی یا خود آب حیات قبلتد رحمتسن آب حیات ظلمات که وفا اولسه انگ مونس کروت وقت لیده القدر انگ برسی بری بر است کرم اوک ایسه بولق سنگ اعل در جاتا برین کی جهانده اواره وارمی یارب
---	---

اولدی مرادی چونم عشق حبیبه چاکر نجیب حالت اولور حالت وصلت یارب انگ کم کوز لری پرغم دکل در دیزرا انکا عاشق کم کوز نده دلگت طو تکم زبا تک دوزبانک مبر اولمیان ایکی جهاندن مراده هر نه کم سندن کلور سه جو حرف رنگ کلی خندان اولپدر قشک با مینه ای سرور وانم نیچه مپاره لر وار بو جهانده فتن در در فراقه او غرسه دل کدای کو یک اولدی چون مرادی سنگ دیز سرور کم اوله انگ سرنده تاج مراده درس عشقک تعظیم ایده مز الحق بنی عالمده فرهاد ایلمین شیرین زبا تک جمالک گلشن عرضت ایده تانوه طیبیلر دراز ایش زبا سو سنگ حسنو کی مدح کل بو وارلق برده سن قالد در جمال یاری کور بر حور استبندده کر بوغیه ای مدعی عمر سنگ فیا لک ایله روز و شب کچر نار فراقک ایله بو غم سرم کباب در	ایرما که چاره بردم دلداره وارمی یا بردخی ال ویره بیزه اودو یارب حقیقت بل کم اول آدم دکل در غم اشکی برین دم دکل در بیجان در شوکم ایسم دکل در توصال یار ایله همدم دکل در انکا شادی در اول غم دکل در هزاران بلیک نالان اولپدر نیچه بیک عاشق قربان اولپدر سنگ کل یوزو که حیران اولپدر خیالک در دم درمان اولپدر افندم عالمه سلطان اولپدر سیرر و تاج سردن ترک ایدر بلک سرور فوادنده کتاب عشق انگ هر دمده بنی بلبلدین زار ایلمین غم دمانک در یقار جا ک ایده کلر کر الرقصه سنبلر جمیع لاله لر حیرانده اولمشر سیه دلر دیده جانگشا ده ایملک دیداری کور عاشق حیران کسک قلبنده یانن ناری صبر ایده لم بلایه اولور جمله هب کچر انظر بوسینه عشقتک صان ربا بدر
---	--

اولدی

تاب رخ دلداره کوزم تاب کتورمز
 هم صحبت خیا لک او بود ز شهاب بنم
 عشق اهل بلورید و غنی اشبو مراد کن
 بکون عاشق که اسرار نیه آگاه اول کلون
 یکی دنیا بی ترکیدن بویول باش اچ کین
 بو عشقک ز مین فهمی همی دکه بر عاقل
 شراب عشقی نوش ایدن بخندرجام صهبان
 کل یوزکن ابر لالی بسبل آسا غلام
 بیت بالاکئی اکتوب ای برج شرف
 اولدم یونس جانانه نک قربان دیو
 عشقه اسن صنه ای دل عاشقه برها کرک
 بعضی نعلدی کو کلم بریش ان ایلدی
آنا بعد جوهر یک دکان کون و مکان
 اندوزن عالم اولو صیغ ادراسی قلام کبک رایله توشخ ایدن ناطمان
 در رفعت و صفای ازمانی لفظ خامه گوهر شرایله زمین و ترنج ایدن
 نازان غزربخت اول اصحاب معارف و از با لطایفه و نامداران اقبالیم سخن و
 موصی ذکا و فطن و ساکنان لکنظم و نثر و مالکان مالک قریض و شعرا اول اهل
 و متصف صنفه عقل و دهایه نور ذکا کبی واضح و اشراق خورشید حسن و بهادری
 ظاهر و لایح در که غایبده قیمتدار کو هر بر اعتبار که کانی امکانده حال اولش اول
 و نهایتده لطیف متاع شریف که دکان حیرت مکانه مستجب ابداء و تاجران اختر ایدن
 واصل اول و غایتده حسن و اهی نولوی یکدانه اکران با که کوهری خرد خورده دان

اندن اشرف و سنی بردانه پیدائش اوله و بر نقش دلکش که عشقند فکرت و خیال
 اندن زیبا صورت و مثال صبره کشا اوسیه جوهر زواهر کلام و دیبای زیبای سخن
 فصاحت نظام در که شاهد زیبای فصاحت و سر سینه خلوت و افسر اندن قلیون
 و عرو شبستان کردن و کوشنده زرزور انکله او نیور **نظم**

سخن ارایش دیر کندم	بره کو کدن نزول ایدن	سخن نوری اوسه پاک گوهر
انی ارسال ایدر دخی دا	وهر کز متد باد حوادث ایام	و صصر قدر دهنز افحام

ایله جاه صین و اساس میننی منهدم اولمز و نقش و نگاری صحیفه روزگار دن کرد
 دهور و مور و شهر ایل منهدم اولمز **نظم** هست سخن برده کش رازنا

زنده کن مرده آواز نا	هر نفس را کند اثبات جهان	جز سخن خوش نبود جان آن
هست نفس قالب جانش سخن	این نفس از زنده دلا کون	کشف حقایق بزبان و سیت
حلقه قایق بزبان و سیت	چنگ سخن که بیسی ساز خست	از دم او نغمه ای عجی زیست

و ضمیر منبر هر روزان و خاطر عاظم بحریر دازان و لهم و ادعان از بنا ذوق و
 وجدان و اصحاب فضل و عرفانه مانند خورشید چرخان ظاهر و عیا در که سخن لالی
 اگر چه اصفا و افرادی منتشر در سکن ایکی قسمه که منشور و منظوم در نخبه در و قسم ثانی
 که در زرعته اولغله حبیبو مدایح و مثنائی در در ابدار و لولوی شاهوار
 اولدی و غیون اکتبا لازم و زر کامل العیار و سکه بر رواج و اعتبار اول
 صبا و وزن دایم در برامی در که دکر دن جدا اولمز و بر مالک در یاد رک
 بگردن حقیبه حیات و بقا اولمز بوجب رقاصه در که مدام رقص و سماعده ایکن
 دایره دن صغیر و بر استاد کوبینده در که بود تکلف نقش و صوت او تیوب هر بار عمل
 کارده ایکن بر گره اصولدن دو نمر بونه حالتدر که بر کار و از عالمی زیر پانیه
 الویب دنیا بی کشت و گذارده ایکن اصلا دایره دن بسیر و اولمز بر جانبا

بجز در آن در که اندک تراز و کمز و بصیرتی بقادر در که بازار جهانده میزان
 بچار سز بر کار را نیز لاجرم اهل طبع موزون و صفا ذهن معارف مشحون اولنگر
 اول صاحب حسن و جمال و لاجب و بیباک عاشق شوریده حالی اولشدر
 علی الخصوص کنوز حقایق در موزد قایق و احوال عشق و محبت و اوصاف اشواق
 مود و مدح جمال و جلال و شرح فراق وصال بوسمه مقرر و ضایح دلپذیر که
 بسیر غفلت بند از غفقه لرین بیدار ایدر و مواعظ و رقایق بر تاثیر که گوشه کسل و
 بخت مانده لرین و وادی رذیلت و ذلت در مانده لرین بر کار کبی بر با و نیز
 کار اید بونوعه میسر در بنا و علی اصحاب و جد و حال بود لب بر بیباک و کلمات سبک
 ز کس و ار کوز دیکو بشیری هر بار با نگاه نظاره اولوز با فضل و کمالک در و غنچ و دلال
 مقاله صد باره اولس **لرین** یا روز و حرکت اولو محبوب مثال مبتلا اولوز حسنه هر اهل کمال
 بر و دلار ادر که اصحاب عرف و آرا بظن که شاهد مقاله حسن و جمال و بر نر اول
 محبوب بی ماله عاشق شوریده حال جو بیار آسا پائینه یوزر سور و و ارینی بولنه رو ایدر
 در کل رعنا و غنچه زیبا در که جمله اهل عرفا ببلبل هزار دست کبی عشق و د کاسیله عالم

داستان اولور لرین	طرفه عروسی ز زور تپی	ایداز و دلبری و دل دمی
چونکه بزور شود ار استه	طعنه زند بر مه نو کاسته	چون که نظم جمایل کند
عاشق صدقانه دل کند	چون کند از قافیه خنایا	جان خرد مند بلوغ ز جای
چون زد و مهر کند ابرو	رخنه شود در دل پرو	معنی ز کین چو شود غازه اش
باغ شود دل ز گل تازه اش	من که زهر شاهد و می ایدر	عمر تلف کرده این شاهد هم

اول اجلان بو داعی شوریده حال خاک راه اصحاب کمال داعی اول لب بر حسن و جمال
 و محبوب مرغوب ملک مشک عاشق بر محبت و ملک اولو قدی غمیله سرو کبی پای در کل
 و جیم زلفی المیلدال مثال دونتا اولو نقطه صفت داعی بر دل در دیشیری از و سبیل

سین کبی شکسته دندان و چشم زیبا عین رعنا سینه صفا کبی مدام نگران اولو حلقه
 سیم کبی لام زلفی نمندن عالم باشند تنگ تار و اول مردم دیده رعنا غنچه
 ایکی کوزم تا کبی حیران و زار اول غنچه باد صبا کبی هر زرده انی تنگ و پورده و هو بیار
 مانند هر بار آنی حبت وجوده ایدم اول کل رعنا نیردن تو بخش در و اول جهان
 ارا ایا قنقی مطلع دن طو غمشدر و اول محبوب شیرین شمایل کبی کسر سینه و حکمشدر
 و اول جوان موی میا کمر آسا کبک در کنار ایشدر و اول افتاب عالمتابی مانند
 سیاب کم جامه خواب الممش در و بجز وصاله غواص و اری کبک طلا ممش در و علی التوالی
 بخش و تحض آتیکدن حال دکل ایدم **لرین** و از و اول کوزری شایهینی سگار اچون
 شاهباز نظری در طرفه صالمشیدم **لرین** بو خاطر خاطرده جا کبک اولو بو اعل
 همو ایه ضمیر اولمشید و کاکل دلبر ان کبی با شدم بوسوداد و غنچه که اول اشعار
 در بار اید شهرت شمار اول نامدار لری که علم قلمی در کس هم لرین مرفوع و سر
 و نمارق مصفوفه **لرین** سخن افرونیق مکننه موضوع قلمغله اقلیم خنک سر و و
 و کمال بلا غنچه شانی کمال صفا اولو بولس سخن وریده نوایی بر مرتبه حسینی **لرین**
 که اهل عراق و حجاز کب بزرگ کوی جکی حیرت زیاده ایدو او ازه لری کوشش
 کز و رنجه جامی خاک کیناک اهل کلای تازه و ترا تیش در قریه طبعی لری
 اولغله انا رطبع بر اقدار کصیغ روز کارده نکلده و باقی اولو مدام فکر و
 مجلس کلام و مقاله ساتی اولشدر و اول فاضل نامدار کبک بوننده دخی
 اقتدار لری وار در مجلسی بر وین کبی بریره جمع ایدو لابی ایدر کبی
 رشته ترتیب و تدوینه چک و اول حضرات ستوده صفا قلم ایدر رقم قیسم
کنش در ربیبا اعذار کن غلام علایق ایام و سخا بر طلام عوائق دهنرنا و جام
 مانع و جاب ظهور افتاب مرام اولغله دیده بخت بر گره بیدار اولو خواب مدام

بر آن کوز اجزید و بحسب حال و ایام و مشهور و اعوام ایذیکه متبازا و امال هوای
 معتصفا حال و متغای بلد، پرواز ایتموب برشت اولک ایدین قنات صلابوب
 او جزید تواتر و تقاطر امطار احزان و الالم بغض کوز اجدریوب ارام بریزید
 که رو امید و رجای نظاره ایله کام الام و زلف هووشان برشان کبی بری شان
 اوللا بودل واله و صیرانه بر زمان محبت خاطر کلزید که کلام بر اختلاط و الفاظ
 فی الجمله انضباط و تنظیم و **بر** **نشد** **نی** **فان** **دید** **آهید** **متصوده** **منقل** **بار** **اشک** **غم** **کوز** **اجدر** **خبر**
 علی خصوص بو ایامه، اوللا لیام ایجاب صدق فی جمید ما جبل من صد
 و از با بغض و غرض که مظهر کلام فی قلوبهم مرض در هر بار کاری انکار و اعراض
 او بود امدام افعال و انما طریق انصاف دن انحراف و قبول حق و صواب دن اعراض
 نیضیاتا دقیقه ابداع اید و انواع شبهات شیعف و انیقه اختراء ایلیک فہم و
 اذعان ایتمدین خل و تریض اظهار و اسکن ایدر لری نفس و ہنردن جرد او طغین
 اشک منع جرد در و کمال جہا و تمام تقصیر ندن ابو جہل کی کارگر با بیان و اتزاری
نظم کمال مہر و محبت بین کفص کنہ کہ ہر کہ بہ ہنر افتد نظر حبیب کنہ
 اخوان زمان دیو یونہ جان و پر و مصفا و معاشر اولد و نک برادران یوسف کی
 القوہ فی خیابہ حبیب دیوب ہر کون نجب مخارج و مکایدہ مباشر اولور اعناق و
 اجمیاری قلاید فضل و رشاد دن حالی و حال در ام عید دن آنکس علی ما آتہم
 فضل مکنتہ سند غافل و ذاہل اولد لر غیب کل در و موسی و ارا اظہار یذہب
 افتد ابر کوی قدر فرعون کبی انکار ایله اشیری حتی فغا و اسرار اولد غیب کل در **شعر**

یا حاسد اکل دی عمہ	اندری علی من اسات اللاد	اسات علی اللہ فی حکم
لانک لم ترض ما قدو	تتر بر ریدہ سوا برقطہ زاید کورس	لر د و لکار دہ کعبہ
ترقب ایدر لر و قابل تصحیف	اوللا بر لفظ نصیحی محمول تعجیم	و تعویب ایدر لر غایت فساد

محل المؤمن علی الصلاح معنا سنی بلزله و غدیر وجود شریاری ما بر اکر معاف و وفا
 ایل مملو و لغزہ جل من لا عیب و علی لکتہ سنی یاد قلزلر اول اجلدن شاہد ارام مروض
 حصو و اتمامدہ جلوه کرا و لزید کشتی امل و رجاسل انجام و اختتامدہ لنگر بریزید
 آیینہ شینہ نک روینی رنگ غزن و ملال طومشید بسن جمال مقال نہ یوز دن چہرہ
 کشا اولسو و دم سرد حاسد ان سدا کلکتہ جنتا بر حزان قلمشید بسن لب
 دل جانہ و جہل نغمہ سرا اولسو فضل و ہنردن عاری بر الای کمال بازار معارف
 لفظی کا سدا یکد بسنج دیبای زیبای مقال اوللا اہل کمال تارو بود لفظ معانی
 منوال بجا و فصلا نیون طوقر و شعری شردن ذوق ایتمین جہلہ بطلد بازار شعرو
 اشعاری رواج قلدیر بسنج اطلاق اوراق کلام اوللا ہنروران ایام
 حیرانم کہ نہ منفعت ایون سدا استادی کلوب او نور **رباعی**

- مراد دست ہنرہای خوشین فریاد • کہ ہر کی بدگر کونہ داردم ناشاد
- منتی کہ من از فضل در جہا دیدم • ہمان جفا بد بود و سی استا

بردم کہ خاطر خلوت کزین گوشہ غموزانہ زمیندہ حضور جب غزلہ و پای ذابنی
 دامن قناتہ چکوب نفیثہ مثال سپہر نفیثی رنگک فسون و نیز نگندن زانوی نگرہ سر
 ولالہ وار داغدار ایله سی دیدہ مدراردن مترشح اوللا قطرات و رشاندن بر
 نیلوفرہ شبنم دادہ ایدی ناگاہ در چہ گوشدن قصر سرای ہووہ مائت غیبکہ رات
 وجود محل غبار رب و عیب کل در بوظربتہ استا ایرشید و بر زمان لفظ افسانہ
 کہ نفس رنیت پرور ارواح ملأ اعلا ایلمراقبہ انسہ بسط شہیر ایلمر عجب
 طارم افلاک سیرندہ کنکڑہ عالم مثالہ بروبال الجشندی ہدہ جنیال جلاک
 سیماعقل دراک و جنگ من سبائبنا یقین فحواسی اوزرہ بر ضرب غفلت اثری
 کتورد کہ روز کار زور کارک عمد و قراری دوستی یاران کبی بے ثبات

محل المؤمن

د سپهر جفا پرتنگ و فادار تی عهد سنده ایستد و قول پیمان وعده وصال دلبر
 کی قایل بیستد **نظم** جهان غدا را بگرفتن در نیچاردن قلا پریره زندر
 اینانم وعده مهر نه انگ ملا ندر عهد و پیمان جهانک تر پس عاقل و لبیب و فطن
 اریب و ادیب لازم در که بقا ذکر جمیل و اصل فی ک صدق فی الاخرین فی اونی افروزه
 مسارت هوسانده اوله و الواح غدا و روا حده مانند خط صباح هر کون مشهود
 منظور رهبر اولور بر یاد کار تو نغمه مبارکست فکرنده اوله
 کمالک کتبه وجودی نجیب ایجادی قانور سخن انچه کور کم ار اولور ادی قانور
 پس سگادنی لازم و مهم اولان اولدر که اول امام همام اقتدا ایده سین
 و اول اسفل کرام که اشرف فی مדר افتخار قله سین **نظم**

ز بولدک سن عظمت تو سنده	ز یا نور سین عزت کور سنده	او یار جان سلیمی نغمه ساز است
کل مقصود که عرض نیاز است	سخن برین ترانکه نازه آرن	کلامک هر جا پر آوازه آرن
دگر خون خرم اولور سوا اهل	سوز کدن خرم اولور عالم جان	ضمیر کدر نکارستان مانی
دگر در عین این زندگانی	کرک نظم ایده سین بر در کون	فکاده ایلیم بو نینه کردون

لالی کلامی رسیده انتظام چوب بر کتاب بخت بقا تالیف تصنیف ایلیم که مانند
 دراری هفت سیاره کوشش سوا سبوعه کوشواره اولور هر اهل کمال اول محبوب بیتا ک
 ایگو مرغوب لاویز و طرز خوب لطافت آمیزینه عاشق بیچاره اولور اول کل رعنا
 و غیب زینا ک عشق دل صبا نظر آ بیل شیدا کی هزار باره اوله و بر شرد لاویز
 بناکنه صرف ارا ایلیم که مانند کعبه علیا اهل فضایل و تحقیق بر فحوا ی ناین من کل
 نج عمیق مکان عبید و دیار تحقیق مقصد امتداد اعناق هم و طالع نظر ارا ایلیم
 کرم اولور باعث شد حال رجال عالم اوله **نظم** ایدای فارسی ان عرفان
 بو کون سین سخن نغمه کجا جورام اولمش دلو که نغمه نغمه ز ایچون کوه سوز سن غمزو

دلک قنادینی کوردم شکر ریز شکر شکنی کشفایت ایتم بر میر
 بنا علییه بو اوراق عجز نشانی و انفا و عبار ا پریشانی تسوید ایلد و توفیق
 خلاق کریم معین و رفیق اولمخله بو مجموعی مسجوعه و نظیر مطبوعه نک اجراستی
 جمع و توفیق ایتمشیدم مکن اکابر زمان و اعظم جهانک بقوله جواهره غمگینی
 یا نکرده حرف ایل صد فرمهره ایلد لولو برابر و هوای انش و اذغانکرده شهبان
 بلند پرواز ایلد تپه هوسر اولور قوری مدح و تشادن سنه حال اولور و بیت و
 قصیده نکاتی نیز درسی کینیز دیو یوزینه بقدر لر ردینی سیم و زر اولور **تقصیه**
 الالمز و مالدار اولور اهل کمال رغبت قلندر پیش کش تذکره سین او قور لر تذکره
 اشعر اندر بلبلر هزار بیتدن اثاث بیت فضل و اعلی و شعردن حال اولور کل
 خربانکرده نجیب شعردقیق و ناز کتردن ارنه و اولی در عجب حالتدر که بازار
 جهانده متاع عرفانی که اولوپ صحتز اما که تماش عجب و جفا طور سوبه صانع مقدره در
 و غریب واقعه در که اصعبی معرفت ذره حیل و غریب غیسین هر طرفه تیر طعن و سنگ ملامت
 اتمقده در **بیت** معرفت نیست درین قوم خدایا کسی که بر کم بو هر خود را بخند ایدار در
 لاجرم ترادف بلیا و تحفه رزیانیدن نطق اوقا و عناق افتر اصند تک
 کور بنوب مرایا امانی و امان تصادم غبار خون و ملال ایلد پر رنگ اولمخله جهره
 که بو مستودانگ بیاض اولمشیدر ججا بخرده و جمال مطلوب نقاب تقصیرده
 فاشید و بو سبید نور کس ام جله موانع ایا مده مستور قیام و نازبانه سعی
 اجتهاد الالبو رکوب توشن رجا ایلد سلوک مناج مراد غیر مقدور اولمشیدی
تالیف کتاب و ذکر اوصاف و القاب جناب سعادت نصیب

مکر بر روز پیروز و بروقت سعادت افروزده که اسما شرفدن ستاره سعد ظهور
 بروز ایتمشید و بر زمان بهبود لفظ فرودده که افق برج سعوددن کوب

حجت نمود فلک البروج طلوع نمود ایشید بر زمان کماذ اقران اید یک تعالی
 کوشش طند جهره روز کار روی دلجوی دلبراگی بزور خسته و کل کل و مثال
 اقداح افراح و نسا طند خرم غوم و جن باکلیه درون عاشق طردن کمی خسته
 کل اولشید ایام مسرتی صبوح شترندن اول کلمت و بدوش اید یک نام
 نیروز خشر غوم و هموم دهری و اموش ایشید فتنه چشم بیمار دلبراگی خواب
 صفاده و نوائب و احوان و حواد دورانگ کورنگه یوز اولمخه برده اید
 و خفته اید بیت برور که دور بر میند بود نظر ساز اواریونند بود
 اتفاق عنایت بی غایت کریم خلاق اید اول ایامده افتاب عالتاب یونس وار
 بطن جودن خلاص و مفاصل یولوب کت نور دزیر ورزده صدر شین مقام ص
 فخاص اولدقه بلیک نغ پر داز صدای بلند و ندای دراز اید اطراف و ان
 زمین وزمانه اوازه صالحید که عالم پیرد کر باره جوان خواهد شد
 درمغان خوش احکان و قماری هزارستان صحن جهان کسرای کشتی بر ناله و نغان
 ایشید که علفن باد صبا مشک فشان خواهد شد نهها نابو خیرت اثر دن
 باد سبک پای سرای کستانه فرانس و ابر چایک دست تزیین تصور زمین چون
 نقاش اولکو باغبان جهان و مشاطه کلستان سلطان بهار ایچون نور و سن باغی حل
 سبک رایقه و طراز مدینه یارقه اید موشخ و رخسار کل طری و خط زنگار بفت
 طریسی نسیم نسیم کوی اید رشح ایدد مجره کرد آن نسیم صبا تخر مجلس بخت
 فرا ایچون بخوردان لاله به اظکر افزونه و تطیب مشام ساکنان بهشت
 ایچون بختقایق نغانی به نخی عنبر سار اشته افزونه ایشید **شعر**

مخدرات بچن جلوه میکنند امروز	عروسیست بنات بنات ایداز
صبا غالیه نسیم نسیم سوز	شمان جهره کشای و زلال اینه دار

ملربان خوش نوای بلابل و تفسیر ایان ملایم صدای عنادل تویج خواطر
 دل ایچون کل شنیده دن دستنه دف بر صبل الوب هد نسیم کوی و حریر اورا
 شجری اید نقش غم و صور الی سینه عالمیاندن بر تفسیر اید لحوایک ملزم و عامل ایدی

نظم آغاز حیاتت در باره جهانرا	سر سبزی معیش است زمین را و زمانرا
تا نیر هواد در بد خاک قرینت	کرین لفظت ببرد اب روانرا

سلطان بهار عا که از ناره عرض دیدار ایدد کند از کسک چشم بختی بیدار
 اولشید و شاه کل ملک کستانه سلطان عالین اولد و چون کوفه هر طرف دن
 سیم افغان او یوبو صفادن لاله کل اهنی اسمانه انداخته ایشید و اشجار بر نزار
 هر طرف دن اعلا و سرور نشاطی بالا اسمان و فرق فرقدانه افزونه **نظم**

چمن از بلبیل و کل برک نوایی دارد	عالم از طلعت نوروز صفیاد آرد
ابر نوروز مهر روزه جو من مینالد	سپح شک نیست که او نیز هوایی دارد

سوسنده زبا کمر بنده کی سلطان بهار میان جانینه حکم و استوا ایدد مدح و
 تناسی ایدر طبیبان و خطیب قاری هزارستان منا بر سر روان
 اوزره ایات القاب و سجایع و اوصافی تکرار ایدد عذاب الی اولشید **نظم**

بوی شیراز دهن نسیم ازان می اید	که بنورش سرستان مبارد است
ده زبانت و نکو بد سخن و حق با او	با چنان عکر که با اوست چه جای خست

اعتدال بهج خوش دم اید فزاج پر اعتدال عالم صبح و عالم اولد در رنده کم
 و قبلنده منصف اولد حروف علتدن فی مثال اجوف اولدوغی ظاهر اید یک
 بیض شمال لفظ اوزره حرکت ایشید و فزاج لفظ امتزاج عالم در عرض عارض
 برود سرد باکلیه زایل اولشید که اثره کونا کون و معاین تقویت مقرون اید
 دماغ حاصل قلمشید **نظم** همی صدف صدف خوش خوش کبد اعتدال تا طبایع را فزاج مختلف مستقیم

جمله از مار درون مرغزارده صفای بشمار اید که داده دل و فرخنده الطوار کین
 بنفشه مکین لب جوده سرزبانو میخیزد و گلین اولق مجید در میان کستانده
 سرو چمان خزان او پلو غنچه بر هر طرف از بلقده و گل رعنائیچه بیدن یوز
 کوستر و ب عرض دیدار ایچکله روی جهان خسرو و خندان اولقده کین
 عند لب نالان هرب صباح که ناله و فغان ایچک غریب در **مشیه**
 جان عرض ایدر که هزار آن ناله چون ندر باث بود کله ناله و افغانه ای طویل
 کیشملا هر کجیچه زین قده ایدر بام ایتدو کنیچ انکار ایدر که چشم کوزین
 صبح ظاهر و بیدار در رونال بلند بالای سر و رعنائی عاشق و عذار عذر **مشیه**
 زیبا و واقی اولو هو باغدن کجی و کین صفتی که رخ زرد و تن لاله زار روشن و

بیت سرش از سغری نیست زمان خالی	همه سیم و زرخود کرد درین سر زکس
شمع طری چشم و حسرت	زان عین راهی چشم بود بر زکس

با صبا باغ و رانک بو صفاسنی کورک ایل سرورندن بریده طور معافه اقتدا
 یوغیس و جو بیارفت کلزاری مشاهده ایچکله بران قراری قالمشیدی سرور
 رعنائی کاشی طشیره اولقده آب رونا امانی باغ المشید و شمشاد چنار هو
 اولقده سبب باغدن چمن و گوشه کستاند کتمسود پونهال اسمان ایچک صهار مشید **نظم**
 از طراوت بی پذیرد آسمان عکس زمین و زلفاتی نماید بر زمین رنگ سما
 صفتی قطرات سحاب مواهب ایل بر وجه ریاح اولمشید که خشک سال
 غموم و احزان ظاهر و عین اولق امر حال ایدی و چیز از امید رشحات فیض خایه
 ایل بر مرتبه شان و خندان اولمشید که ناله از زوئیال پزمرده و بر نال
 اولق محض خیال ایدی با ناله روی زمان مثال خلد برین ایدی که کسک
 طایر براد و مرانی که هوای خیالنده پرواز ایدر کوز اوج پو میخیزد و صفت حصوله

مشاهد محسوس اولور و لفظ هوادان عالم بر حال کلمشید که نقش بند از زود هر
 نقشی که ورق خیال و صمیمه باله رسم و خسر ایدر حال صبور و مختال اولور
بیت ز اعتدال هوا حکم جانور کرد اگر بنوک قسم صورتی کند نکار
 بو مقوله زمانده غنچه تنگ دل کل کی خندان اولر رواد و ولاده نعلی سغ
 نشاطی بران الدن تو سرزاد رغبت مسکین نجیدم حزین و گلین اولو کج
 غنچه و ملال ایل باشی حالتی ایدی پیش سر شراب بدن باش قالد کس بریدر
 و کیشملا عشق باغله زرد و زار اولمشید دفع کزند و ملال ایچک سغ
 لعلین ایل منت و خرد او قستی در **بیت** میا مردم ازان رو دسته شدر کس
 که چنین سره و قنمت سرکان ز غار بو مقوله زمانه لفظ شانه ابر کربا اولوا شک
 چشمی ریزان اولد و غنچه چمنزار جهان انا تسم کنان او تو کور ایدی و بو کوه بهنگام
 نزاهت قرینده رعنائی حزن ایتدو کنه برق مدا هم خنده زمان اولور **بیت**

رفت انکار روز ما رسم تیره رنگ بود	واندوه را بنزد دل مادر رنگ بود
وان عهد شد که چون گل رعنائی چون دل	رفا رعل ما ز برون زرد رنگ بود
آخردان جو کل شکر خنده باز کرد	از آنکه هر غنچه دل از غنچه تنگ بود

اتفاق بر کون یاران صفا و اخوان وفا ایل که هر بری ایل مطاع علم کمال
 و اما فی انواع مکارم و فضائل شمع ایچن فضائل و معارف و مهربان علوم و
 کواکب ثواقب فنون لطیف او تو مهربری مردم چشم کی گوشه کیر کین قلم و
 کماله بی درد سر نیزه و آمد شد بیکان **بیت** یک قلم ضبط و تخیل ایچکله مانند خورشید
 ستیر مشهور و مشهور صغیر و کبیر اولمشدر در مثال پروین بر بره جمع اولو
 تا در صفت عقد صلحه صحبت ایتدو که بود اعی بی اریا به بو کوه خطب مستطاب
 بیوردی که اولن جو ایتدو و کک کلمات لفظ سما نیچ بر بطون سودا نده مکنون اول

واولگان کمال یافتن استخراج ایند و کنگ جوهر بر رغبته و درواج بچیدک
 صفة قلب مجنون و ننگه مخزون قابل دیدر که رشته انتظار چکوب درون
 دلدن رقیب رقیب رقیب اطاعتت کجوب سلک عبودیتینده منسک و بجز
 اولو کردن افتخار و کوشش اعتبار کنی جوهر او امرایه منضبط و منسبط و کنگ
 و صفت وار هر بار غریق بجای لطف بشماری و کوی پرتال پرورده کان
 در راز اولدو عکس صراف جوهر سخن و عراف از باطن اولو سلطان فضلان اهل
 زمین حضرت تریک جناب سعاد نصیبت صورت ساز از نثار ابدی که اولدو مقصد خلق جهان

عنایت بخشد اهل زمانه	او در کل کبی عرض اید چای	او در کویا اید اهل کالی
مغیض بود و انواع کردار	معین زمره اهل حکم در	زمانده معاند بولدی غیبت
او ویرد اهل فضل قدر و	متاع فضل ویر مکار واهی	معاف اهل بولدی استباهی

ذکر انقب جناب خواجہ احمد

الا وهو المولى العاقل والتجرب الكامل سلطان العلماء فى الافاق مالک اذنه الفضائل کمال
 الاستحقاق علم الهدى علی اوری کشف المشکلات طلال المعصنات هو الذى بکارم
 الخلاق فی الافاق موصوف و فی تعداد اصحاب الفضل و التراد واحد تعدد المانوف
 مولی عنان عنایت البهره تجویبیه اصحاب العلوم و الفضائل و صفة دولته القاهره
 مظهر حال جلال الدهر و عظیم خیم الانبیا صل هو الذى بیده نفاذ خزان الفضل
 و الکمال منشور و منظوما و باسمه السعید نیشة السعادة و القبال مفتوحا
 و کثوما ضبر کل نجد و متبده و نهایت کل فضل و شهاده ظل بار العالی مدار العالی
 دار الزمان علی و فی المراد لولوی لالی صفا و وجود جوهر کتیبی معدن لطف وجود
 منظور و دیده اعین و شهود ایت بحد مصحف وجود مرصع تيجان الفضائل بلقا
 اللیظ مغر علماء الایام بید اول الفضائل و المعاد شمسوار میدان فضل و عرفا

انقب
 احمد

نظر اسرار و معجز انظار علم و ایتقان غواص دریای تحقیق و ایضا کجور کونوز علم
 ایچد و کران قاموس لالی فضل و حکم طماوس ریاض صیقل علوهم بانی استقامت
 لطف و کرم مشید اساس بکارم و حسن شیم مصدر افعال مسند الیه مردود است
 آینه جمال فضل و کمال مطلع انوار حسن مقال مشرق افتاب عالمات بود و نوال است
 ان لطف حق که عقل ندیدست و نشینید شکرانه و ایت که در روزگار است
 ذره بیضا کمال فنوت غره و ضحای صیهه مترو در دریای کون و مکان خلاصه
 جوهر کان امکان مطلع کواکب مشرق افتاب معانی و مواهب سباق فزونی
 میدان کلام منطلق صدر نشین جامع مخرجه مشرق علی غایبه مترو و کون خلاصه
 تاثیر و تاثر و جوب و امکان رأی عالی نظر من مطلع انوار حسین ذات فرج اثرش منظر الطراف
 برد افلاک سما و ملک صفات در که منبسط سعادت و علی قطب فلک مستدیر کبی قائم و ریح
 و فرس قصر عالیقدر مانند فلک الافلاک علی و شامخ اولفد سباین انواه اننده
 اغصان و افق کون منظر ذکر جمیلی و برکت جلالت نشاند که حبیب عنایت و جزیل
 هدایتی صغیر و کبیر و برنا و پیرک قاید و دسیل اولو غمام و انعام و احسان اطهار
 اشجار اکوانه باران اولمعه جلازلک و عطاء خلق جهان جنتی دارم کرمی و معتطف
 نماز ریاض جود و نوح اولشدر نی عقل بسر حد کمال بوسیدنی جان سراج نوال نور
 اجزای جهان اگر همه دید شود ممکن نبود که در جلال نور خطیم ملائک مطاف و حرم
 فضائل اوصاف قبیله جلائل شمایل و کعبه قوافل کما حسن ایل اولد قدری
 نه تحمل کلام در که جمله انام و عطاء اصحاب معارف و ارباب لطف احرام عبودیت
 طایف و انانی تحقیق و تدقیق بر فوای با تین من کل فی عمیق بلاد عبید و دیار
 شد حال اید و حرم محتر بلرنده که دار الاما جمله عالم در مقیم و عاکف اولمشدر
 نعل سیم سمنش تاج سیر اکابر خاک در سرایش آب رخ انخائل

نظر

ان کعبه معانی و ان کعبه موالی • ان منبع امانی و ان مجمع فضائل
 ذات سعادت ستم جامع سعادت دنیا و آخرت و صاحب انواع علوم و اصناف
 فضیلت اوله زینب کحل که اول سعادت فضل اوله است سعادت علمانک نام نامی و اسم اکبر
 سعادت در زمین هم موفور لرید زما بر حضور و حضور رنده ستم قلوب امانی و امانت
 مومن مطور و منازل صدور اعانگی و افاضل ممانت بیت عمور او عیب و کل سحاب
 کرامت موابی ابر بر برق در عدد در سیم کجیست وصل دست که عالم طلسم است
 کبرس که یافت حکم سعادت با اسم است نذر در ولای ایلر ستم زمین مالی دکل که
 بخار زخار دست جواد بخارینا رینه مشاکل اوله و عاتق خلق غریب شرق تراکم و
 لقا ترا مطار ایلر غرق اولمش در که سحاب لو لو بارکف در پیش کو هر شارینه حال
 کف در پشته بگزرد اوله فی الجمله ابره بخشید و غنی بین الماسه بخار
 اوله و اریه صد فضل و عتق خواجه جها اولدو غنمه دلیل و برمان نه لازم
 استاد فرمان فرمای زمین و زماندر و اول در دریا گرکت علوم رضی حکم
 ستم ثانی اولدو حکم بر دلیل بر تقاضا حجت که اول سلطان اقلیم عرفا خواجه سلطان
 نظر هم جها ترا خواجه هم نقره اریا جها • نت سرفقه لکن حجت استار غنا
 حقا که بر ذات شریف و منظر لطیف در که کلمات استا ندر نه آب رو انگی یوز او
 معطشان وادی حن زمین اب جوی خوی نیکو لریدن اب جوی و سیراب
 و غما هانم و نوالیر نک شحات و نظراتی ایلر عامه عالمک کلمات امانی و امانی
 سبز و شاد در در عیله مخصوص خزان در و ن صفا معرو لانی و مسلک ایلر ستم
 معلون ایلر ملو و مشون اوله طایفه شریفه علمای و الوان سعادت ن قلب الشعرا
 خزائن الرحمن ده منزل و مکان ایدن فزیه لطیفه شوا و سایر اصحاب معارف
 و از باطن لطف غیبی جنتان ایم و انعام حسن لرید خندان و هر برینک خاطر

و دل شکسته و غمخور الطاهر مکارم از حدیر و نرک سرور و شادان اولمش در
 بود عواقب تو در ره هد ستم بود مساعی تو در طریق دین کور
 برار کتاب اثر جبهتس مجبول برکت مفاخر طبیعتش مفسور
 حالا بلبلا کلک ستم او نکر کشید الغنه باعث کل روی خندان و طوطی
 هندوستان غت کو یا لغنه سبب مکر لطف و احسانی در ریضه
 ورقی شود کمالی کم او قور کیم دکلمه حتی بو حقیری کثیر التقصیری که یوسف مثال
 اخوان زماندن کم التقاض و اخوان یوسف کبی حضرت عزیز نه تحفه کلمات بعضا
 مزاجه ایکن رعایت و تفقدی جانبته میل ایدر رو کمال کر مرندن الاترونانی
 او فی الکبیل دیرر اول سبب دایما اخوان اهل در جاتر جنب مهرانه کیدر
 و هر بار بو کلام بل غت ایچی مکر ایدر ریشور یا حسن من لطفک حسنت الین
 تا لقه لقا ترک الله علینا خاک حقیر تر ستم بولور وجود باد بهار نه کم صحن ستم زار
 افتاب عالمنا وجود بارقی افق دوت و ابلال دن لایع و شارق اولک غت
 و اقبال چاکر دوت روز افزونی و ما بجه قدر اسمک مکانی مطلع سعادت دکامره
 طایع و لایع اولک شوکت و ابلال محیط مقام بیا یونی اولمش در ستم
 طاق ایوان رعیش را محل آسمان خاک درگاه معیش را خواص کیمیا
 شادی اندر نام او مدغم جود در صلبا سمت اندر ذات او مضمون جود در جیم
 اسم قدر قدر اسم کبی متجا و ز مدارک افهام و سپهر معنی رفعت سپهر مثال
 خارج حیطه ادراک او نام خورشید فضل خورشید کبی ساطع و ظاهر
 و غمام انعام انعام مانند می متعاطر و متواتر نور طلعتی طلعت نور کبی
 بارق و با هر صلیفه شریفه خاطر عا طری محل نقوشش هتایق و لوح ضمیر منیر
 خورشید تنوری مهبط انوار دقایق عمان طبع کو هر فتانی منبع اسرار الهی

ذین نقاد عالی نشانی معدن الطمانناهی در بیت جو در طبیعت که بی غور و کنار
 جاه توجه نیست که بید و کراست است سعادت آشیانی رفعت و علاقه بلا فرق
 فرق عیوقد همسطاق فلک نظاتی ایوان کیوانه برابر بلکه قله سماک و قنده قبه
 افلاک کن بالا و بر تراوس بریدر که انده منزل و مقام ایدن اول سعادت کبر
 و جبریس انور در و بوی لبوی نیکو سندان مشام عالم معطر و عود مسعود خلق محمود
 دماغ بنی آدم مغنیر و مخز اول در که عطر سابق ایدن اول ذات فضیلت کس در
 نظم مشکین ز طیب نافه و غنچه شام گل روشن زگر دمکوب تو چشم تو تبتا **بیت**
 شمد نکر و کور سه رواد صدای کل باد بهار خلعکله طولی هر دیار
 بنا در دست بهر انتظامی اساس شوکاری ایله اسکا هم لاجرم شرقا ایوان بر احترام
 مناکب جوذا و اکلیل نریا ایله حکاکت ایله تحسب یاد کل در وقوعه سعادت و
 احتشام قوای اصل مقبول و مطبوع اوزره مبنی و موضوع در بیسایم سقف
 رفوعی ایوان کیوانه مبارک قلبه غریب کل در نی اقلام جوهر انتظامی عین شکر
 که هر شمس قطره نبات و خضر خاند سنک ظلمات رواندن اخراج آینه کی قطرات
 مثال آب حیواندر که طیبی عظیم رفات اصحاب جابجا در کلام روح بخشی دم عیسی دن
 دم اور و روحی بخروم جمله عالم و آدم در که بر سوز ایله شکیب دل مرده کرا هیای
 نظم حاجت بقول نیست که بی منت سوله حاجت سائلان ز در تو شود در و **بیت**
 مسج و ار کند مرده زنده از دم خوشی مگر که لفظ روانش بود روان سخن
 بخبر که مرصع اصحابی اهل در جای بی زحمت ادویه و عقاقیر کما جانفز او در پذیر
 برانده بخشنده قانون شفا اولور و معالجه و مداوا آئنده اطباء جهان حکمت
 اندوزان دور اول و صیرا قالد قری مرضی بر سوز لر یله علاج و دوا بولوز **بیت**
 در عبارت او تو توضیحی منهای نجاس در اشارت تو کلیات قانون شفا

جان تا تو آمده الفظ و عبارت و کلام بر کنایا استعاره ایما قدرت و استعلا یوق
 قنطرة حقیقت مدح و اطراف الریه بجاز معده و راوله و شهاب ز قوه متفکره ده
 اول کلومنت و طاعت یوق که هوا در شتاب بید و آنها لرنده بر و از اینک مکن در سوز
 اول او راق آسمان و اطباق زمین و زمانه الم ایریز که مناقب و مغا فریبی و
 کرانه لرین تقریر و تطییرده قادر اولم و اشجار داور دیار اقلام مشکبار ایما
 قدرتم تمیز که مدایج و منایج لرین الفکر تسوید و خسر بر قبیل **بیت**
 کشت در شرح شایسته قلم سرگردان روزگار است که تا در زمر این سودا
 قوه ناطقه که صراف نفوذ اوصاف و طوطی و سرابستان نون و کاف در و اول
 حایر در و متامل و متفکر در که پونه قلبنده قال آینه و کی ز خالص العیار نه حال
 قال ایله اول اجناب عالیضا یک تحریر اوصاف و القابنه شایسته و لایق اول
 و قنطری لفظ شکرین و کلام شیرین اول خسر و ملک فضل و مکنیک تعریف ذات بفرنده
 نظر ناقدان معانی و بیانده رائق و شایق اول قطار اشتران حروف احتمال
 اعمال لطف و معروفتدن باشکسته و نکلدر و میدان او راق اول ذات کریم
 الاطلاق و شریف الایراق که غنا کیمت توصیف استیصال و استحقاق قلبنه غایتده
 تکدر **بیت** اوصاف کالات تو از شرح برود وصف تو نه اندازه فکر بهتر است
 بیخه شهوار الوام در که شمسوار میدان ادراک اول لاذهن وقاد و عقل اصلاک
 توت امتضاد فیض و الهام و نیروی بازوی بکمال انجام ایله بود ای صفت عبادت
 و فیاضی مکنون کنایا و استعاره آئنده علی الله و ام ترک و نازده و بیخه دیوار
 ایام در که شهباز بال بیبال توادم و صوفانی تفکر و ضیال ایله هوای حقیقت و مجاز
 و فضای اطناب و ایجازده مدام بر و ازده در مکن اول ذات ملک صفت
 و فلک سماک سر منزل مدح و تماشای و اصل و سمانت لایحه و لایحه لرینه

۷

نایل اولیٰ امثال و محض ضیال در بلکادنی نرفات قهر عالیله نینه نازل اولیٰ
 قوای طایران عرصه عرفیه امکان و بیرون اقالیم اقتدار اسکان کون و مکان در
 شو و لو ان لی فی کل منبت شجرة | لسانا لما استوفیت غایه وصف بیت
 که زانگونه را همه اعضا شود زبان | صدیک ز وصف تو نتواند شمار کرد
 مسکین زمین ربع دایره ایل اول افتاد و لت قاهره و خورشید سلطنت همه
 در قایق رفعت شانی بلکده قاصد اوله عجب دکل که اولک معدل النهار واسطه
 ماه ایل اول در اسعاد دنیا و جلا جایگاه در جابج و معاینی در کایکده
 بیت سپهر رتبه آن خواجه بجهت شده | بذات خویش صف کمال را حاصر
 ز قهر قدر رفیع وی او تین پایه | رواق تاسع افلاک را بود عاشر
 مبادی خالدن بو سن و کلین ایتمار او امر الهی و از جاز و داعی مناهی
 شعرا در اسعاد کردار و تحصیل تکمیل فضائل ذات مطبوع الخلاق و التماثل
 دتاری اوله و غندن غیری بونقت علیه و سبیه جلایه ایل ممتاز و سر و مثال
 بخلق جمیل ایل کشیده بالا و سرافراز اولمدر در که انتظام امور جمهور و ضبط و نظ
 بلاد و صغور تعیین مناصب و مراتب از با فضل و کمال و با جلیه جلایل و دقایق
 جاه و جلال تعلیم و ارشاد جناب بر صلاح و سد اولرینه موقوف و موقوف این
 لوازم و مهام جمله اهل اسلام مواظب و مشغول اولو آمدند اصحاب طایع ایل
 ملان و بی تردد در دربار با مناجات ذهن شریفینه تعب و کلال و بی شکیکن
 هر طالب علم که جناب فضل و حکمینه برکت علمی ایل ایده فی الحال اول تعب
 کلال صورت انحلال بو تو غنچه خاطر عاظر لری و بیتر آن صغیر سعادت مظهر لری بو هو
 تر و تازه اولور و چنزار طبع با اقتدار بر برده اکت نصارت بید و اندازه فکوره
 چه حاجت دلت را بکدر فکر و نظر ز نور غیب شود بر تو آشکارا سر

مهارت بود آن کونه در ننون حکم که در هر جو حکیمان یک فنی ما هر
 اول علم بل تفسیر ده و در کسر از تنزیل ملک قدیر ده بر امام فایق در که
 جمله اهل حقایق جناب بر احصا منه که محض عطیه الهی و منبع سعادت نامت
 اقتدار ایل در اید و عامه علماء اول نرسایل و بحر معارف و فضایل در اختر
 ایدر و ذات استوده صفات که کشف مشکلات و حلل معضلات در کشف ابرار
 نکت و مزایا و رفع استار حجب و ضمایا فلقده اول و صدور عجز و تصور
 موفور رتبه اعتراف ایدر لریضیا و دخی حکم انصافه قاضی اولو حکم
 حکم بکشته زاضی اولور و علم حدیثه بر مرتبه عالی سند امام اهل
 و مهام اوله جامع اهل فضل و کرم و راوی اخبار حسن شیم در ایجاب
 افکار کفایت متصرف و متوطنی اوله جیب دکل که مالک فضل هر کیدر و
 و مغار بده مصابیح ذهن ثاقبی متلالی و نشان اوله غریب دکل که
 احادیث کمال و اکمالی معنی و صحیح در علم اصوله کتاب حکم مقتدای اهل
 ناس و بالا جماع اهل سنت و جماعتک عام و خاص میمانند فضائل و کمال
 خارج حیطه عقل و قیاس در علم زور عبارات لطیفه و اشارات شریفه لریله
 تنقیح و توضیح ابتد و کی نه محل کلام در که صدر الشریعه و الاسلام در و اول
 سراج و ما جک سالک ناسک اولد قری منهاج موصل مطلق و بغیه اولد و غنچه
 ابراد دلائل نقلیه و بر این عقلیه به جهت منافع فضائل بید و شمار مشهور
 منظور جمله انام در علم فقهده اول حکم اصحاب علوم و مختار رباب
 صدور رسوم و اول واقعات و نوازنده اصحاب فضائل و فواضل عدله
 حایز کمال و معارف بلا عده هدایه ربانیه و عنایت یزدانی ایل عاریج معراج
 و صد مصداق فضائل بلانهای اولور دریا حیطه فضل و عرفان و مجمع مناسبت

تحقیق و ابقان اید و کی معلوم و مجرد عالم و عالمیان در **نظم**
 ابو ضیفه ثانی دلیله نوله انما فضائل البحره افاض اولو بدر انکام عیال
 و علم کلامه اول معتد انام خواجر مکتب حدوث و مکان معلول غلظت فضائل
 و عرفان واقف موافق فضل بشیاء مبادی نظره مقصد و مرصد اصحاب انظاره
 و اصل و پیشوایان تحقیق و ابقان نیزه نمانده اکتب ایتد کلامی حقایق و در قالیقه
 برانده نایل اولو مقام فضل و کمال طبقات اید بلادن رفیع و منبع اولد و دخل
 ریب و کمان در که بر صدر تدقیق و اتقان اولد هر کون سده سعادت و کمال اید در
 و هر آن اصحاب مطارها و مباحثات است فلک سمانه التقاط جوهر معارف و کمال اید
 بیت مثل عقولیت مصور گشته که سر با به علم و هنر و حلم و حکمت است
 امالی فضائل و ارباب فنون الامام بی انجام دهر دون و غنوم و هموم سپهر و ارباب
 نغم جگر که باب عالیسی عامه موالی یسند در و مؤلفان کتب و رسائل پنجون محتاج
 و سائیل اولور که اول ذات انجد و احد در اول بر کزیده امالی مغرب و مشرق
 خدمت نیک علم الی منطلقه دخی مهار و قدر تری بیرون تصور و تفکر اید و
 جمله اهل تحقیق و عرفان تصدیق و اذعان اید و اول ذات فضائل ایجابیه فرد اید
 نسبت اولمغه لایق و شایق دکل اید و کنه حکم اید و بوقتی نیک صدق و تو معنی
 نور افتاب رخسار کبی ظاهر و عین قلندر در علم مرقوم کشفی و جلی جزوی و کلی حسنی
 جامع و حائز و دقایق و حقایق و جلایل و رقائقه و اصل و فایز اوله بر بدر
 که جنب جلالت نسبه فضائل بجد و حب اید مسود در و صور و قضایای علم مزبور
 دلایل و اسخالی و تصور و تصدیق فن مسطور تفصیل و اجمالی و ایراد است و اشکالی
 اید با بده معلوم و مجرد لری اولد و غنی نه جای تجبدر که نقوش و صور
 و عبارات لوح ضمیر فضائل ایا نکرده حرر و مسود در جانیوس زمان سعادت

مانوسکرده

مانوسکرده اولیدی قدم عالم شمسیدم اور مرز و میا حکامه کج و کج اولد
 موسوم اولیب دریا سعادت اید و نایوس و طوم اولوزید ابو علی سینا زمان
 پر بهجت و سنا رنده حضا و کوزات فضائل مشهور نکرده قاعده و قانون اولوز
 تحسین علوم و فنون اید بید امراض و عسل شکو کج محل دن شفا و نجات بولوز
 اقتناص و احتیاز انواع فضائل و احصا کمال اید در **نظم**
 زدر کغایت علمش علوم مدر که قاصر زکنه آیت بخش نفوس ناطقه مضطر
 و علوم غریبه و فنون عجیبه علی خصوص علم اوفاقده علی الطسلاق میا صی
 استیها و استحقاقه شهره افاق اولوز بوفتن بر اعتماد و وثا قده دخی است
 ما هر اید و کینه اجماع و اطباق اولمشدر عجایب صلات و غرایب اتفاق تذکر
 جناب فضائل مانی محروسه بروده مدرسه علیه بیدوم خانیته ده مدرس و بنای
 سرای وجود بر جود برین انواع فضائل نا محصور و کمال نامعد و دایله موسوس
 علم مزبوره فی اجماع کوشش و در ریش ایتمکله بوفنده دخی استاد اولوز بوعلمک
 غوامض و قضایا و اسرار و ضمایستی جامع بر قصیده بر کزیده بلا تالیف
 اید و وفق المراد یواد و میر شریذی فی الواقع کواکب نواقب عزت و رفعت
 وفق المراد سیر و حرکت اید و جوق مدت کج بدین پادشاه با عدل و داد اسکندر
 نوشیروان نژاد افتاب عالمات عقل و سداد پادشاه حضرت لفظ مراد ادام
 الله سلطنته بالا و اولاد و انفراد الی یوم التنا و خدمتله خدمت تعلیم و آرد
 اید استاد اید و بعنایه الله تعالی اول زمان بر و کامروا و بر مراد اولمشدر
 منع الله الوجود بطول بقایه و نور صدور المسلمین بنور لقایه و لازات نجوم
 بافاق الوجود طالع و شرفه و الحسن حاتم الانشأ بسواج المدح و الاثر منطلقه
 حقا که مثلثات و مرتب اوفاق اول ذات بوده اطلاق حضرت نیک دست

و بر انفا قلزده پختنیر ایست که اشرف است و امین او قائده آنی رسم و تصویر
 سعد اکبر در و اول ذات کریم انرا که در حالت انک نزاع و شقاق اید و
 زمان واجب الاذعانته انقیاد و ارتفاق اوزره او سو که قبض و بسط جمله
 جهان علم جلالت نشانیه مسخر در **نظم** سپهر اهد بر قطب دولت تو مدار
 ستاره راه برکت طاعت تو مسیر چونکه اول خواجه جهان فضل و عرفانک نشتر خلف
 و اوصاف نیر مداح و وصف اوقات لازم که ایضا واضح البینا کما صدق و کمال
 حسن ملکاتی نجاع و محافل کاتبی نوع ان سنده متلو و خردن فلوب و ذوقین
 صد و رانس و جان جوهر زواهر و صف خلق عظیم اید مشون و مملو اولش در **نظم**
 به کس اشرف و فریبت و بهر تویی انکس که بتو علم و هنر معجز است
 اقدام اقدام تصد اعلام و افهام لیکن هر مادح که بردیاره داره فیهای
 بی اوصاف اخلاق بشمارگی استقبالی اید و هر کس بلد و کندن زیاده نموده
 بر افاده اید ساکنان اریل و قال اید **رب** بوی اخلاقت صبا اقصی یا قصبی میر
 صیت است خیر کشور بکشور میکند **نظم** بر نشان سعادت نشانک که ذکر جمیع اغوار و تجار
 ربع مکنده هر بار مشک سالیک اید انک اوصاف و القابنی اشاء و اذاعه ایلیک
 تحصیل حاصل اید و کی نور خورشید کی روشن و واضح و بر ذات توده صفاتک
 که شمیم کیمت خلق کریمنی لطیم سلال و ماد روی زمین منتشر ایده انی از بار
 عقول و طباعه بیان و عین خلق تطویل بلا طایل اید و کی بوی عود و عنبر کی ظاهر
نظم بوی خلق خوشت هیچ کاروانیم سحر که از طرف تبت و خطا نرسید
 فاند در راه افاق ذره که درو ز افق تبت بر تو عطا نرسید
 اول حضرتده اول انباشت روی و طلاق کس و صبا و جد و عذوبت بی
 و کلام روزگه سنده اول احسن و ملا و عبارات فصیح سنده اول لطف

جهت نظر روی مهوشان بر صبا کی قابل تعبیر و ممکن تقریر و در واکل در
 رقیق کلامی رصیق و ملائم ارق و اللطف در سخاسی در سخا بد احسن
 اطفاف هر کلام که در بیان بر انتظام استعدیا اوله نچینان هر روز او اول
 مکرانفاسین که دل مرده اصنی حاجت ملا فی او صبا جاودا بولور
 غایت علوجاه ایل نهایت مسکت و کمال مکت و اقدار ایل فوق الغایه
 در ویشی و مسالت اوزره او تو فقر او علم ایل کمال ملایمت و انبساطی و
 و جباریه ایل اولاشتم غضب و ابطال و اضباطی اقلام بر استظام ایل
 قابل اعلام و افهام و کل اید و کی معلوم و مجزوم جمله انامدر حاصلی هر کس که بر
 نفس مجلبس و محفل قدس نیر داخل اولو صفا کلام و لطف ادر الینی کوش
 و خاک سیاه با مال ایتد کلمی هر دم بردن بر قطره سین که نوش ایده بالکلیه
 کند و فراموش اید و تا دم شرمست و مدهوش اولسی معرر در احوال
 فرزند فاکر علی الاجال بونوال اوزره جریان تمشدر و کواکب نواب
 امور مشارق و مطالع بروز و ظهور دن بو و جمله طالع و رخشان اولشدر
 که جناب بر معارف و انصاف تاریخ بجزت رسول بر ابلادن که زد ز که نیر
 سراوقات جلال نر نه نلت و اربعین و ستمایده بو عالم وجوده نشاء بر وجود
 قدم صیوبات فرزند و سعود ایل صحن جهان تازه خرم او تو هر گوشه نشین
 نگارخانه خانه چین و آرام گاه ارم اولشید زوایا گردون و اقالیم ربیع
 انواع نرف و سعادت ملو و مشون و احسن است و اجناس حبه منور اوله
 غریب و کل که افق وجود و شمیم امکان طالع و رخشان اول اول سعد اکبر در و
 فلک جو آل اضواء و انوار ایل مال او سبب کل که مطلع جلالت بارق و شارق
 اول خورشید انور در **نظم** روز ولادتش چون نظر کردی انصاف دادی که او سعادت

روز ولادته را احد اسب پر تقدیر و ستاره شناسان افلاک سعد المراد اول
 جلالت نهاد و سیادت نژاد که سعادت ظاهر و بخت خدا دادند معلوم و مجزوم اند
 که عن قرب آنکه با نور دیده اکابر و اعیان نور دیده که منظور و مقبول خلق
 اولوب عالم فضل و کماله الامال مثال مشار با لبث او سر که و تکلم قانیه
 گذار و فصیح زبانان سحرانار صین تکلم و تبسمه اول ذات بزرگوار کلام
 فرزند اطوارین کور یک جزم آید بیکر که سهل زمانه خواجه جهان اول که
 فرخ آن که طالع شد بعون کردگار افتاب فضل و دانش خواجه عزت مدار
 بعد ذلک بر فوای فلما بلخ اشده انبیاه علما و علما وادی تحصیل علم و کماله
 و ذات مستثنی سی سن تیزه بالغ اولو انواع معارف و لطیف با نغمه حایزو
 مالک اولیجی قانون محسود و اولوب معهود او زره افضل و اکارم نام معهود و متبینه
 تکمیل اصناف فضایل اسکود او تو هر بری موسسه زبان کی مدح و اطراف ریل
 اللک و عذب البیت او شیدا **نشیه** هر کیم کم آید سن عرض جمالی کل کی
 عاشق بیچار که اولور دایا بلبل کیسی **نشیه** بعد سلطه افضل بر مان الا مثل قدوة
 المفسرین اسوة المتأخرین کشف المشکلات حلال المعصلات شیخ الاسلام
 الانام ضلیلا اصحاب دانش و اذعان نم الهاد اولو مولانا ابو سعود السعادی
 وهو الذی لم یسج الا یام بمثل فی البوارح و القواد حد متلین دانمند اولوب
 اول کسب صادم و اسد صادم خدمت لیدن ملازم اولو قدن صکره طریق بر توفیق
 تدربیه عازم اولو قد ه اولو او تو زاجه ایله مدرسه علیه مراد پاشا ایله پدید
 و بر مراد او شریکی بعده طروسه بر ساده فرق ایله مدرسه یلدرم خانیه تحصیل
 انواع فضایل و سعادت جا و دانیه ایتمشکر بی جلدان مولانا مصباح الدین رو
 تواریخی ترجمه ایله و انت لطیف و بلوغ ایله بر کتاب بدیع ایتمشکر در که استاد در

دخواجه جهان کتبت وجود و امکانه نظیر و مثالین کور مشدر و متشیان عالم و مشهور
 بی آدم اول کلمات غت سائک قرین و همان ایتمشدر عبارت را فایقه و استعداد
 رایقه سی غیرت نمای اصحابی بکلمت و کلمت علی و الفاظ فصیحی حیرت فرایبی صحت
 فصاحت و بر ایتمدر بر کتاب مستطابدر که الفاظ و عبارات نیم کردن اهدن کلمات بر
 سیر کردن حسن و اطیب هر صیغه سنده لطیف و هر صیغه سنده نخبه فرجه هر صیغه
 نخبه طرفه هر صیغه سنده نخبه کتبت هر فرزند نخبه کنز هر اشارنده نخبه بشارت مندرج
 و ضلال سطور و حروف و شکین ظر و فنده حال سحر صلال مشمول و مندرج در شعر

کتاب الحیاط العیون السوحر	لفظ کسلسال الرلال البواک	ونظم کازهار هدایقی رونقا
ونشر کانون النجوم الزواهر	انفائیس در من نتایج خاطر	اذا ماج اذری بالبحار الزواهر

اول کتاب بلاغت فصاحتی تمام آید و بعضی وزر و عظام اهدا ایتد کلنده بر لبرنده
 اول چه ترقی او نمشید جوق زمان کجدین پایه نغز تری مدرسه سلطانه برو
 ایله رفیع و معنی اولو اول پایه بذات فضایل بر ایری انواع عزت و علا و در
 سعادت اول منصب که تشریف جناب شریفی ایله مغز و فشر اولو و دو اول کنگ که
 کوش دل و جان جو اهرز و اهر کلمات بر عنوانی ایله موقوف و مشرف اولو بعد قدر مدار
 نمایه شوای یانیه اور و اول مقام عالینک صحنی تشریف ذات حوری ششتری ایله
 معادل و مشاکل هشت بهشت اولدی **نشیه** منصب بولدی عزتی خلق جهان ولی
 بولدی شرف و وجود کله عزت و علا **نشیه** بعد هشت و سعادت اسعاف و سعادت ایله پادشاه
 سعادت نژاد سلطه مراد حضرت زینب شزاده ایکن خواجه اولو عنایت به غایت رحمت
 و حکم بیکر آن سنی ایله کامروا و بر مراد اولمشدر در اول ماندن بر و صدرین
 رفیع عزت و علا و آد پایه شرفات رفعت و عظمتی فرق و فرقین و فرزند
 برتر و بالا در حق تبارک و تعالی سر عزت و رفعت و باقی و مخلد و ایام عزت و

سعادتمندی الی قیام سعاد و سعاد القیام مستدام و مؤبد اید و حرم سر اوجود
 سعادت پیرایه برینی بستاجنان کی خزان اخرا ندن مصون و طواری و نوائیب
 حد ثاندن محروس و مأمون **المیسر بیت** او رم امین دید روح الامین
 کم درون دلان اولمش در این بز بوننده دخی طبع بز کو ار لرنیک اقتدار بر زمین
 اقلام مشکبار ایل قابل اعلام و اظهار کمال در قطره منبع از لال در شکر نرسید
 سگال ایل چمنزار قلوب اهل معارف و کمال خضر و منقر و عود عبارت مسعود
 و غیر سار کلمات مدوح و محمود ایل دماغ مستشفا فضایل نامحدود و محتر
 و معطر اید و هر بار دامن جهانیا نه گوهر نامدار و جوهر اعتبار نثار و انوار
 اینک طبع عالی و ذاکامل العیار لرزه شعار و دثار اولمش در تبرکات و تمنا فواید
 طبع اش فروز و نوادر در حکمت اندوز زین بعضی بو صحنه اخبار و صغیر
 اناره ایراد و اصدار او کند بوبرقاج اشعار بلا شعار اول ذات سوده اوضاع
 و اطوارک اول معدن لطف و فتونک اول منبع کرم و مرو تک اول سر چشمه فضایل
 عرفانک اول سرد فر اصحاب الطاف و هسانک اول مایه معین جود و نوالک اول ناقص
 اهل معارف و کمالک انار اقلام مشکین ارقام و نایب طبع فضایل استظا مندند
 سوز خانه صوبه بوق دیده بر نم کمی
 شوی او کرشمه کوش کل جواز کم وصل استمر
 هر کی کور کم نم بجز اندا سرشته در
 یولنه دو شدم غبار خاک یک اوز یوب
 راحتم در مهر حقیق تیر غم گذن شها
 ایچیز میسن کوزم یا شینی مردم زاده
 حمد لله بنده سلطان مراد ز کم انگ

اگر در سیکار از زده صفا قالی کدر کتسون
 قدینه بکره دم دیو مکرش دشا دوش
 قیام قورس دور حسنده اوم سیکر
 کیدر قاپوسند بن فقیری غزل دشمن
 غم فرا فکله جیب صبری چاک ایدرم
 رقیب جوئی رگم کدن سور کیدر کتسون
 یا قویا دوزخ ان اخرا ندی کویا کتسون
 دل اواره صبر اتون هله دور قمر کتسون
 ای کوره بن آنی دخی بندن بر کتسون
 بو جوره بن دویم کند ولی هلاک ایده

تمه در وصف این کتاب و اظهار عجز و تعصیر حیب

چونکه عنایت بی غایت ربنا و الطفا و اعطای جنات سجایا ایله بو طایر میمون بال و پها
 همایون فالک هوای کالده پرواز ایلدی بس کمال لایق در که اول بارگاه جاه و
 دایوان سعادت و اقباله اشیا ساز اوله و بو خذره بر حسن و جمال و غایت
 بر غنج و دلالت که تنق کون و سر پرده غیب دن ظهور ایلد نزار وارد که حرم
 سرای مکارم و افضالده مقبول منظور اوله و بو حدیقه رشیده که غصصا اشجار
 انواع و الوان شمار ایلد مالا مال و زمین لطف قرینی اصنا و اجناس راضی
 ایلد خلد شال اولد انکاشایسته و خلیقدر که کاهنر جهان جناب سعاد دنیا ایلد

بر لطیف ایدینه در بو کده زمانگده ظهور
 حاشا شمشاد ز خردانه نیکوست لاف بلا
 لطف و احسان که لا یقدر اولور منظور
 لکن بوفضولانه کار فضایل

بلکه اشیا ندن رسیده و عقاب عقاب بدن رهیه اولمش بر عیند لب خزان
 مکر کلتن انتفات بجد و کراندرنده بال ایوب کل الطفا و اعطاف خدام بارگاه
 خندان اولمعه مقاله کله و مجله مجلده نشسته دست یابی عقال انفعال ایلد
 بر نور حسن بلقا و شاهدی حسن و بهادر مکرین نظر طافتد جمال بو کوه مطالعه
 همایون ایلدی ایچک کمال بوله و شک سالخت و ملائکه ذبول بلوش و ایشی
 علوم ایلد بر کبار کتسون بر بال در مکر فیض انظار رحمت و افضال و رشید ندراد

۲۹

کتاب حیب

اگر در سیک

تاریخ

مکرمت و نوال ایلدیر و خرم اول **ظ**
 شود روانه بی بازارگاه فضل و کمال
 نظر کنند بر افتادگان صف نعال
 معلوم و مجرم ذوی الالباب اوله که بوی

کرامین بهره کس یابد از تور واج
 بود که صدر نشینان بارگاه کرم

مستطاب اول فصل اوزره در فصل اول سلطان همیه ال عثمان بیاننده در فصل
 ثانی شترادگان و صفنده فصل ثالث حروف بجا ترتیبی اوزره علمای و شواشیخه

فصل اول برضه رضیه ربیع کون مغرب ضیاء سعادت منجونی و بطبیط اغبرشالی
 خط سادات عظمت و جلالت اولو تحت نشین اقالیم جهان باطلو الوض اینه جمال
 کمال اناجلنک خلیفه فی الارض مرکز دایره سپاه نظربناه مطلع انوار کسلطان
 ظل الله اولو اولاد اجماد کعباد نثر اد عثمانیدن بر تواند از ضرر وجود اولو
 نامدار کردن و وجهه همت و قبله منتظرین صلاح امور عباد و بلاد و نظم مصالح
 معاش و معاد ایتد کردن صیگره تیغ زبان ایلد ملک بلاغت و بیانی کشوده
 ایدو جوکان بناندر ایلد کوی نظلی ربوده قیطان شهریار لر و صفنده در
ذکر حضرت سلطان محمد خان اولو اولو در دما کثیر الکن و خاندان لطیف
 امتنا ندن کند و بشو ایلد شعار و بز و عرصه بلات و میدان فصاحتده صاحب
 کیرودار اولو رماح خطی بر می حسن خطی بی منظم و دقایق تیغ از مایه به صحایق
 سحر ارای طی ایتمکله صاحب السیف و القلم تیغ بی در بیخ ایلد قلمه اش ایدو دست فزاید
 ایلد دامن جهانیا که کوه بر باش اولو اولو سلطان سلطین جهان فرمان فرمای دین
 زمان نصارت بخش ریاض اراضی و مالک طراوت فزای هدایق مناسج و مالک
 واسع کننده حومه اسلام بار و کننده قلاء کوفه لیام افتاب عالمات و ملت قاهره
 و ماه جهان افزونگت باهره **بیت** کرد کس تا و ج داران سنان سر و آشر یاران
 نایح حصو و قلاء کاسر عبده و دو سوان اکثر مالک رومی عا کر ظفر رومی ایلد کس

و نیچه صاحبکده و سریر اولو اسر در کفارک برین قویس المصیر ایدن بلاد دین و
 ایامی به حارس و اولاد اجماد کزین عثمانی به سادس اولو ابو الفتوح و المغاربه
 مرحوم لفظ مراد خان عشار در مرحوم مرحوم ذکرا لطف و ایانتک سادسی لفظ
 که صاحب فلک مشری در علمای دانشورانه میل و رغبتی و طایفه شریفه فضل ایلد
 صحبت و الفتی اولو مرات ضمیر سرور اجمیت منظور نظر انعام و احسان و سفینه
 سینه اصحی کمال مستغرق در ریاضیهای فراوان ایدی نقاشان صور حکایت
 بگو ندر رسم و صورت روایت اتمش در که اول کوب برج شاهای مهر عالم افروز
 پادشاهی خاقان حبیب قران مهر هفته ایلی کون علمای و شوا ایلد قران ایدو کماهی
 مشکلا علوم و محضلات فنوندن همیشه و مناظره و کماهی محارف و لطیف کونا
 کون ایلد شاعره و محاوره ایدر دس سنه خمس و عشرين و ثمانیایده بعیت
 همایونری اولو سر سلطنته جلوس سعادت معرو نری اوشید بعده سنه خمس و عشرين
 و ثمانیایده یا ایتهما النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه نداسنه اجاب
 ایدو شهباز جان اشیا جهاندن ریاض رموانه پرواز قلوب فادخل فی عبان
 و ادخلی جننی فرمانیل جنبت برین و اوج علیین ده اشیا ساز اولو بی ضیل خدم
 و طبل و علمک و تنها ایلدی خرم عالم عقبان خدمت والد فردوس مکان و قد اشیا
 ناسک مناسک حکایت و سالک مسالک روای اولو جی راضبارده غواصلی ایتمکله
 سال تحقیق و بیان کتوردو کی دررولائی نماندند که بر کون بر در ویش دریش
 که نظر المحتاج نان کورینورد لیکن عالم باطن ده سلطه جهان ایدی **بیت**
 خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر بای دست قدر نکرد منصب صاحب جانی
 کوشه و بر آستین سلطه یه کس و کلاه فخری تاج بر ایتهاج شاه دهره و بر مزایدی
 هر کون یادشمان صاحب بختی سر بر و کشندن ایدو در و نیفتادگان

رظفون علی شکر
رشارتند

وینچندگان کوی ذلت و هوای تخت سلطنت و سرریخته ایر کورردی **بیت**
 برد میگذه رندان قلندر باشند گستانند و دهند آفرینشاهی
 سلطان مغفور امر از نامدار و سار شکر کار اید گشت کوه و دشتند کور کن
 نداید و دیر که ای پادشاه با عدل داد و ای موسوم اسم شریف مراد تحقیق یقین
 اوزره اول که وعده یقین اذ لو جناب بی ریب و مینه گنا و بر بلا دینک وعده
 تیش در مدت گیر و دار و بت و کث داخرا و کث شمدنگیر و سفر عالم عقبای
 اولوب چشم جان و دیده جنانکی جانب نیادن و ندر و ریاض ملکیت
 ناظر اول پادشاه نظر و تصور دخی سرای سعادت پیرای و تخت پر سرور زین
 کلوب ترتیب تقدما ضیافت مباشرت اید و علما و صلی و مشایخ و فقواری د
 قلوب حضور موفور عبور رنده کجید بسا توبه و انابت التیش و بوجالتدن برای
 مقدار مدت کچمدین بو غار غرور دن سرای سرور حلت التیش در نور الله
 آقا قبره بو برانکی اشعار اول پادشاه کامکار کفتار نذر

کجه کم خدمت دکل در بوسگی قلمی طلب	عارف اولی چون بلورانی نه لازم سویی
ساقی کتور کتور نیه دونکی شرایمی	سویت بر و کتور نیه چنگ و ربایمی

ذکر حضرت سلطان محمد خان اول سلطان عظام و خواقین خاندان بر کدی سلطان
 سلطان العرب و العجم بر مان ملوک الامم با عدل الامم بانی مبنای وجود و اکرم
 لاوی الفضل وارث ایا اقالیم ارض مطلع افتاب سلطنت قاهره با طول الاصل
 حاقان زحل و فلک ساس رات جمال کمال فاحکم بین الناس در دریای
 سلطنت و معد کتری خورشید اسما رافت و ذره پروری **نظم**
 شاهی که یافت ملک شمشیر او تو را خورشید ماه طلعت و چشید کامکار
 محمد و جها عالم عدل مشید ارکان بنیان علم و فضل غمام انعام و ابر بر و عوارف

مظفر شریف لفظ جعلکم خلافت سلطان اقالیم وجود والی حوالی کمیت وجود
 السلطان المحکم آیه عظمه بالصدق الصریح و بحق یقین و المعلم رانیه غزیه بالنصر
 العزیز و الفتح البین مؤسس مبنای الانصاف مادم قواعد لاجور و الاغنی المنبسط
 فی نواحی البلاد انار الشایعه و المنشر بین الاقاصی و الاداء انوار الساطعه
 السلطان الموبد و الخالق العظیم المجد السلطان محمد انار الله تعالی بر مانه و نقل یوم
 عشر میزانه حضرت بیدر که کخلص شریفی عونی در حقا که بر پادشاه عالم پناه ایدیک
 دره تیجان خواقین جها حصبا حه جنبا و شامه تقد و در کمیت وجود
 سواد نقطه حکم و کتابی ایدی اشبه جبه و حکما اول مرتبه بر راضی دکل ایدیک
 اکلیل فلک حوال مسایر نسا اوله خلعت همت بالی اول ایزره یسر و ذر کزد
 که در درجته آسمان پاره حاشیه اذ یا اوله جها پناه مظفر و مؤید اید
 زحل و فلک رتبت و ملک سیمانه هر طایفه تک پای مودتی حبال کرمی اید قید
 و رخ بال اصحاب کمالی رانیه حجت و نوال اید صید اید و خواطر انانی لطیف
 اگر امید مستح و مصابیح خلق جها نواقب شمع لطف سیرانی اید منور انیمک اید
 جامع قلوب خاتم عام جولانکه توسن کسبت و واکا و خواطر اکابر و اصاغر
 زردخم و فود جنود حجت و شامی اید **بیت** شمشیری که جهان شد مطیع فرمانش
 کرفت روز زمین نور عدل و هسانش **نظم** اوامر الهی ایمنی مقدمه اطوار
 پادشاهی بلشید و تقویت شریعت مصطفوی قلمی و سید استخاج امان کسر و
 قلمشید زمان سعادت اقر انکر زنده همت عالیله ظاهر اولی انالی و موالی دیار
 دوده بر مرز و بومده اولد و غنی معلوم و مجزوم دکل در اطراف و کن قد
 علما و اشرف کعبه جناب مکارم انصاف من مطب اید و فضل و مواید
 عواید کثیر الانسرفین وجه معیشت و سبب کفایت شمشیری **بیت**

قلايد منش طوق کردن کردن | جواهر بخشش بخدایو را آیام
 جناب کرمش قبله وضع و شرف | حرم بخشش کعبه خاص عام

حکایت اول نور که بو طایفه شریفیه کمال میل و محبتندن حوضه حمایت کننده
 اولاً تو ابل و اما نزل زماندن دانمند و محسود و طالب و مستفید هر یکم و اریه هم
 رسمی ایلد دفتر ایلد و حضور شریفنده صقلا را ایدی که منصب جدید مخلول اولد
 قنفسی لایق و معقول ایتکلید ایتک ایلد بنایک سرائی علم و کمالی تشبیه ایدر ایدی
 بود عابیه شاه صادق نوز افتاب کبیر مع و شارق در که تخیم کرم حضرت با ش
 و مقرر آیات حکما نظر اولاد ادر لطفه التسهی قسطنطنیه محمه ده اساس وجود
 خاک کرم و وجود ایلد شرف اولش مشاکل و اما نزل ایشته بهشت که هر برینیک قبه سی
 قوه فلک واره و اصل و هر برینیک صحن بهینی سینه باغ رضوانه مقابل در
 جنت بخش مقابل می نهاد استاد عقل • گفت ضوایش بیان عرصه ان حصه لک
 دارس ثانیه بنا ایتک ایلد قدر علمی شوای یا نسیه به ایر کوز و علم و کمال کو کده ایدر
 یرده بولدی و موافق فواید فضل و انصاف ایلد سینه عظیم المصه زمین و زمان طوطی
 ذکر مدایح و مکرمات و تعداد مغازی و فتوحات کنده بو کلام کافی و صدق مدعا
 بو شاهد واحد وافی در که کلام بحر نظام و بلده طیبیه جمال حاله نظر و سواد اعظم
 بلدان عالم اولد و غنی محقق و مقرر اولاد قسطنطنیه محمه که فتح و تخریب غایت
 بغیت طغول سحر و قصار ایتغای سری و تخریب مغبوط و خود کلف خواقین
 مطلوب و مقصود سلف سلطین ایدی ملوک جهان فتح و تخریب صید عقاب کبیر
 محال و حوالی فلک انصافه قریب اولدی اقدام بر عقل ایلد زروه سپهر قواله
 ایر مک کبیر بخش ضیال انظر را ایدی اول هر سپهر کبیر و دار عا که در آید شمار ایلد
 که هر بری شیرینیه مردانگی و یلک صنگ پیشه و زانکی در عازم فتح اولوب

اولوب عنایت یردانی ایلد که مفتاح مغلق اما در منفح و قلوب اهل ایمان السوره
 شمشیر اسلام ایلد شرح اولوب بین الملوک کند و برینی نوم الامیر امیر شریف و تکریم ایلد
 بر بها ایلد بکافیات سعادت بنامی شوارر سینه فضی دورا ایلد صحبت ایلد و بوطیفه
 کلی میل و رغبت ایلد و کند و دردی احسانا کلین یا حیرت افغانده صد ایلد
 اشعار بلات شعار دیر برسد و بوزمه عقده الطاف علیه ری کامل و مکارم و مرام
 سینه ری شامل اولوب تصرف منصب و مراتب فتنده ایلد بکلیه ادر زار و ایتکلید
 و مقرر ایلد بو بر یکی اشعار اولاد شاه کردن و قار وانی و لا و ضابطه ایلد کرم و دراک

جگرم پاره لای سحر جور و ستمک	صبر و ملک چانه سینی طوطی در قرص ملک
سجده گاه ایلد بکعبه محراب کبیری	کو یکا بجنده ملک کورسه نشان قدیمک
ای کوزم کون یوزینه قرشونجه بر دو کسین	رخسری تابی ایلد توریدی قالمادی نمک
ساقیا صحنیک بر دم لال زار الدن کیندر	ایر شیور فصل خزان وقت بهار الدن کیندر

ایرانا اوغلی ایلد صحنه موده دیندر در

بزم سلطنت لافن اورش اول فرامانی | خدا نوصت و بر سره کمره بیره قریم ایلد

ذکر حضرت سلطان با بزرید اول حضرت عالی کوده صفاتک برسی دخی یاد شاه
 فرید و منش و خاقان کیندر در انش مهر سلطنت و جهاندار مرات جهان کمال
 خلقت و شریاری دارای معدلت و درش و رعیت پرور خاقان ستاره سیر و
 لشکر عنوان منشور خلقت فرمان فرمای اقلیم خود و رفت سلطنت ثوابت ثبات
 و خورشید منزلت نتیجه امتزاج ارکان حش و معدلت مبدع مکارم جزیره و بزم
 شریفه مطلع انوار کلام بحر نظام انا جعلناک خلیفه نجی رفات حسن صفات
 ملوک سوائف طغرای زینت ارای برینج خلوصی بلینج جعلناک خلیف سعاد و
 انصافک هر نور افشا و خانقاه زهد و صلاح ده با بزرید ثانی اولاد سلطنت سلطین

منش کوهل خوش خلقی
 و اولوغ و سید

ارزنان

باسط باطالکس رافع الویه العدل والایضا قاطع الماین الظلم والاحیاف
 مزاولیا الدین بیزته البیره مذل اعداء الله بسطوته العاربه ای قاصد
 حضرت سلطان بایزید شی الله تراره جعل یاج کعبان مقبله و مشواه خداید که
 فخلص شرفیکر عد در بر پادشاه سعادت دستگاه و بر شمشاد معدت بناه ایدیک
 رقبه استعظم ملوک مسخر رقبه اطاعتی و شرف مغارق ملوک افاق ذره القناع
 انقیاد و متابعتی آید افتاب عالمی عدل و رافتی که سپهر سلطنت و خلافتی شتاق
 و طالع او شد مغارق جمله خلافتی بارق و لامع همیشه خبر صحیح لطف و کرم
 و حدیث حسن شکی ارباع و اصقاع جمله بلاده متصل استاد و معنی و آثار
 الطی بیتیست نتایج قیاسا منطقی کبی مدلل و مبرهن اولو صوره قطان قاصد
 رواج فواج انعام عامی ایل مقهور و محافل و منازل اعما و اسافل مشاعل شفاق
 و انصاف کامل و قنادل محسن اوصاف لطف شاملی ایل منور او شمس بجزه نیویک
 علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات سنه ست و ثمانین و ثمانیایه سنده جناب عزت
 قیاب توئی الملک من شان دن منشور سلطنت و ایامنا مزدات بر عدلی اولوب
 سر سلطنته جلوس سعادت مانوسری او شمس بجزه زمان امن و امان او زره و زمان
 فرمای جهان او بخلق عالم بخت بیدار لر زنده غنوده و کیت عدل و دادگری ایدیک
 شور و فتنه و فساد او بخوده ایدی لیکن او افرایام سلطنت لر زنده معتقد است
 خلقت او زره ابدان عالم مانند دم و باعث حیات جمله عالم اولو حارات غریز
 نقصان پذیر و پای بار کزی رضی فریسی ایل علی او تو تکاور کیر و دار و بلوق
 جنگ و بیکاره سوار او لمغله میشه فساد و خداعنده محتفی اولو اشغال بر تیر و بر
 شیر دلیر کیمه بتلیوب سد سدید با جوج فتن اولو تیغ جوشن فکندر نیر مردان
 و دهور ایلدخ بجه ضعف و فتور کلکین سبل رعوب و خطوب تلال و ماده جاری

صفحه دعوا

و صوف رباع فتنه و فساد اغوار و انجاد بلاد ساری او شمس بنا علی
 کند و کرحسب رار ایل او غلبه شزاده سلطان احمد که ولی عهد فتنه انکارا
 و تسلیم تصیم ایشید سلطان احمد در فی اول ارزو ایلد جو ار سکد ارده یال دیک
 دیکلر شتار بولک موضع ده نزول ایدیک مترصد و مترقب و صومامون اولو شمس
 لیکن تقدیر مالک الملک ملک قدر ایلد رای و تدبیر موافق تقدیر اولو هر چند
 که شاه سلطنتی در اغوش ایچون دست آرزو نمیشی در از ایدر ایدی تیغ غلوق
 موانع ایلد منقطع اولورد و هر وقت که بذر شفقری قائم مقام نصب ایتمک اهتمام
 ایدد جناب تنزیع الملک من شان دن منزل و منقطع اولورد افرایام امرایان مدار
 و بندگان صاحب عقل و اختیار سلطان احمد که سلطنته عدم نیست منظور نظر اعتبار کس
 او تو عقل حاذق و رای صادق ایلد متفکر و متامل اولد بیلر که شزاده نکسان
 وجود صهبای سلطنته متحمل کل در کاسه ملان اولد بجه عاقبت باد و ریزان اولد
 لمحقق و واقع و مدام می پرست او لمغله خلق عالم مست مد هوش جام المومسی
 لایع جو ساطع در دیو عالم عالمی بی نزاع و نفاق جمله سنگ اجماع و اتفافی ایلد
 سلطان سلیم خان خدمت لر نی کفده متصرف امارت ایکن کوز و تاج پرا تهاج سلطنت و
 خلعت بار و اج ایالتی ابسال ایدیک سر سلطنت و خلافته اجلاس ایدیک دیار
 حمیده که بار شایع اعتبندیه دن مسیح اوصاف شریفه پیری خلیفه دیر لر بر سر روشن
 نمیر و ایدیک مرکز دایره ولا و قطب فلک کرا اولو غوث زمان ایدیک کنده
 ریب و کمان یوغید و الد فردوس مکان جناب شت اشیا لر دن نقل و رو ایدیک
 ایدی لیور دیکر که اول شتاده ملائک ارض و سما و سکان ملائک ایلدن انهم برین
 بعید او زراه قریبا صد کلوب جمله سی بوائی رفیع آرائی تالی او تو زمین
 و زمانه با و اوزه ایلد با اولد بر بر هفته مقداری نه اولد بیه متفکر و محیر اولدده

ص

ینہ اول طرفدن کون سلیم امیر احمد اول اول اطلاع صحیفت حال حاصل اولد فی الواقع
 غزایب امور و نذر که سلطان احمد بود کلو یقین کلوب سلطان نور قود کجری او طرز
 مکین ایکن لوا سلطنت کف اول سلطان سلیم خانک کف کفایت سلیم اولد الفضاوه
 ناضواہ حضرت خداوند کار شہزادہ کرد و قار سلطان سلیم نامداره تاج ابرہہ سلطنت
 بر سر و تخت پرخت خلقتی انکا منزق مفر قلب لوائی ظفر پیرای ایایی دست حلیم و مینہ
 تنویض سلیم اید و کند و لری دیتوقہ نام قصبہ بر غزویہ تقسیم ایشکرید همانا روح
 روان و بخت حیث و زندگانیری اول سلطانن جدا اولد قدہ هنوز اول قصبہ
 و اول ولدین قطع منازل و طی مراحل ایدرک روح بر فتو حکم بو عالم آب و کلان
 کجلی غلیوب ریاض رضوان و حدائق جہنم منزل ایدک و کان لک شہر صفر المظفر
 ثمان عشر و ستمایہ من ہجرۃ خیر النبیہ پادہ مذکورک علیہ رحمۃ الملک الغفور علما و
 صلحا و ہنورا اشوارہ غایتہ میل و رغبتی اولو سایرہ حواقین جہانک قلم و فریادہ
 اول فضل زمان و بلفا قصت عنوانہ ارسال جوایز و حسن ایدرک ایدرک جملہ ان
 فضل و کمالک سلطان عالینہ و عالم علم و عرفانک خورشید نور افش اولد و معلوم
 و مفہوم ہر قاصی و دنا اول مولانا جلال الدین آلد و غنی نہ عشق و حبیبہ
 ساقی شود و حقیقت النذن نوش دوستگانی ایدن جناب ساقی حضرت مولانا
 جامی بہ ذرہ بر در لکلر و خاک نواز لقا ایدو ارسال جوایز و حسن ایدرک ایدرک
 اندر دخی الدن کلد کجہ قصاید و ریل کونلر و میانلرندہ آمدشد و سالیط و ویریل
 اسک دکل اید و الد فردوس مکان بو کونہ کوہر فن اولو بویر لرا ایدرک خدمت
 مولانا جامی بردفعہ بشیر فلور زیادہ کونلر دکلرند حضرت مولانا جلال لکلر
 ابال و متکدر احوال اولو شواریل و رغبت زیادہ و قدر موی و قیمت اما معلوم
 اولو متاع علم کسادہ وارد و غنڈ شکات ایدو بر قصیدہ بلیغہ بدیعہ کونلر لرا

اول قصیدہ مطلعی بود **سبت** دیدم اندر سارح انظار بچی زار صلا لیل و تنہار
 بو بر ایکی کلمات بلاغت سہمت اول پادہ سوادہ صفاتک و اول شاہ کیتی بخش کردون
 اقتدارک و اول خلایق حواقین و نقادہ سلاطین کاکارک نامصبت ایات بود
 استانک رافع الویہ انواع معانی و اسانک ایات بلاغت عنوانیدر

ای سوار اسب ناز اول کار کاہنہ بعض	حسن میدانی سنگ در انیک مردانہ بعض
مردود کہ پیدا شود از سنینہ چاکم	ابری شود و کرہ کند بر سر خاکم

شوار و وقتی تنبج ایدو دیتلر در **حاجاتی**

ہزار کز نور سد بردل چاکم	بر نیای شود و نال کند بر سر خاکم
صنوبر سی ہر سنگ جفا کز نور سد بردل چاکم	سردی شود و سایہ کند بر سر خاکم
وصفی ہر سنگ جفا کز نور سد بردل چاکم	لوجی شود و سایہ کند بر سر خاکم
نویزادہ ہر تیرسد بجز نور سد بردل چاکم	مرغی شود و ورقش کند بر سر خاکم
حاجت زادہ ہر غزہ شوخی کہ رسد بردل چاکم	سوسن شود و سایہ کند بر سر خاکم
کمال زادہ سودا خطت کز نور سد بردل چاکم	سنبل شود و بوی دهد بر سر خاکم

در سلطان سلیم اول حواقین زمانہ بری فی مسلط سلاطین جہا افتخار آل عثمان
 کسری تاج بخش فریدون کامران نضار بخش جہن سلطان زینت افزای ایوان
 حکومت رہنہ مجتہد شتری رای این اسکندر کیوان چشم و تکمین بہرام قرچ نقی
 دارا خورشید علم خسرو نامید بزم فرید و عطار در حرم افتاب سبارہ خدم
 افزایا ماہ رأیت و علم رزم و وغادہ قدر کوشش بزم نخادہ نضار بخش فارس
 میدا شیعت و علا مبارز معارک شہامت و جلال **نور** سہمی از قاعدہ موکاشش رزم نشین

تو کی از کوکبہ سلطنتش پور شینک	کو مرید و سکندر کہ بیاموزد از تو
این جہا دار و آن رای رزم و فرا	مجتہد سریر دین و دو خورشید ملک

صاحب بخش بند
 حکما کز داندان سنگ در انیک مردانہ بعض
صنوبر سی
 ہر سنگ جفا کز نور سد بردل چاکم
وصفی
 ہر سنگ جفا کز نور سد بردل چاکم
نویزادہ
 ہر تیرسد بجز نور سد بردل چاکم
حاجت زادہ
 ہر غزہ شوخی کہ رسد بردل چاکم
کمال زادہ
 سودا خطت کز نور سد بردل چاکم
صاحب بخش بند
 حکما کز داندان سنگ در انیک مردانہ بعض
صنوبر سی
 ہر سنگ جفا کز نور سد بردل چاکم
وصفی
 ہر سنگ جفا کز نور سد بردل چاکم
نویزادہ
 ہر تیرسد بجز نور سد بردل چاکم
حاجت زادہ
 ہر غزہ شوخی کہ رسد بردل چاکم
کمال زادہ
 سودا خطت کز نور سد بردل چاکم

مهتاب تمال لطف و نوال مصتب بحال العالم و اتصال تاسع سما سلطنت و در
 پروردگد جهان عدالت کسری سلطان اسلام خلیفه الله علی الانام
 حرز ممالک دنیا مظهر کلمه الله العلیا حافظ ثغور المسلمین ضابط امور الملک
 والدین قانع الکفره و المشرکین قانع الخیره و الممردین ناصر الحاج البیاضه
 قانع الشیام و القاهره کاسر تجان لاکاسره مادقم قصور القیصره **شعر**
 ملک نبی با عدل قصر استیدا / فصار به ملک الامان ممتدا
 مالک سر بر خلافت فی الافاق و الی اقالم العالم بالاحتقاق الفاضل انوار
 رحمت الی طبقات الجهور اللایح اثار مکرمة علی صفیات الدهور سلطان الفیض
 خادم الحرمین الشریفین المقنی لانا الصدیق فی انتهاج مناجیح الصدق و قیل
 الرزاق المتکف بحجج الابواب عدل عمر خطاب سجا هیأ فی العتره العتیقه
 حایز المکارم السنیه و المرام العلیه باغض اهل سنت و جماعت اول الخیره و دروا
 عرق نابض وجود نبی قاطع و قارض اولی خاقان بنازع و بی معارض صاحب
 الفیض العظیم سائب اللطف العظیم السلطان السلطان سلیم خان خد متدبر و روق
 تعالی روحه و زاد فی عالم القدس فتوجه مخلص شرفیاری سلی در حقا که بر پادشاه
 بلند اهدت و شهنشاه غصن اهدت و سطوت ایدیکه رعد و برق تیغ بر عرق و در
 انانی ممالک غرب شرق لرزان و نهیب صخر همییدن امیر عراق غرق عراق
 و شاه خورشید هراسان اولو هر موکه ده که برق حرم خون اشامی لعان ایدیه
 و شش حله شیران کارزار مظفی و مهیدانده که قامت سنان حضرت اقرانی بالا
 کوسره امداد مکت اقتدار دشمنان با کلمه منتفی اولوردی **بیت**
 ان زمان که ز کرد مید اجتم کرد و کور شد / ان زمان که ز بانک استا گوش کتی کتبی کرد
 ماه ملک آرای فتح از شیر بیکر بخش / ان کنان می یافت که قلب اید باند خور

و بر خاقان بر عدت و است ایدیکه سایم اخلاق عطر سایندن غنچه مراد عالمیا
 شکفته و خندان و تاب خورده رقص جور اولی تشنه لبان قطرات زلال
 افشانند زینا و هر طرفدن سوختگان بادی حوران اولو ساید بان عدلت
 احساندن بر فراغ امان ایدی **بیت** شاهی که زیر شهپر شاهین دوش
 خوش خفته است کبک دری با فراغ بال **شعر** حله تیر مرک تاثیر و صده شمشیر مالکی
 که کوه این جهان باشنه ستوه اولو بر فریوای و است لجهال با بیزدن قالو ایدی **نظم**
 بر کوه جامدار گذرد بانک بهشتش / کردند چون سحاب رو در هوا اید
 و سطوت جهانگیر قلعه کشایی پیشه زار روزگاره گذر ایت بر حقیقت سودگت
 الارض دگازره مثال با دفن کیدر ایدی **بیت** حلمش شب ار نی از عافان قهرش
 یکبار کشته بود او تا در ارض زایل زمان اهایونده شب رو لک ایدن لختی
 ضیال و عهد میونده غار کرم عقول اولی همان سهیبا ال ایدی قتمه و فسار شول
 و جهله گوشه گیر اولمشیدیکه غره خوبانندن غیری یرده کور غمز و زمان بر امان
 و ایام سعادت اقره اننده پریشانق کاکل دلبران ایدن او ر که بر مکانده بو نمزدی **نظم**
 بجز زلف پری رویا بدور نشس سر رویی / کسی را در دل خاطر نمی آید پریشانی
 بر باد شاه عالیناه ایدیکه زهر زجر و قهر نیه پانزهر لطف بید و جهرنی صخر
 و نیش سر همیید نویش تر عیبی مقارن و محشر کینان خون اشامی منابر
 عطا شده تالی اوصاف اجمام و اقدامی و اقلام کتاب اقالیم حجاب حروف
 کتابده مقیم اولو سجد و شاکر احک و انعامی ایدی سنه شان عشر و ستم
 دیوان انشا توانی الملک من تشادن منشور ایات زمین با تطول و العوض
 و بارگاه پادشاه و ما انظر الا من عند الله دن تاج بر آتجاج انا جعدنک
 خلیفه فی الارض نامزد جناب عالیله و سیرت تارک مبارک بر معالیله ایدی

اولا که سر بر سلطنت جلوس شد ایستاد بکمالی دست فتن و مهاکت محفوظ بود
 ایستاد بعبده فرمانده دیار بجم شاه شیطا چشم و خدم مظهر انواع بدع و ابل
 و سردار ارشاد و رئیس فرقه منی ذیل حکم خود را خواند اول شاه اسمعیل که اطراف
 و جوانبده اول ملوک طوائف ایله جنگ بیکار اندکده اظهار دست غلبه و اقتدار
 اید و میدان خالی بوجه حکومت ایرانی غم جوگان اقتدار نیکو کشیدی و
 منازع و مدافع و محاصم و مسلم او بمغله توسن ایالتی اکثر ولایه تیر کشیدی **بیز**

چو پیشه تنی کرد از زره شیر | اشغال اندر آید به پیشه دلیر
 باین جمله مطابقت شرع و احکام الهی در آن روگردان اول تو تمام جور ملامتی
 و غایت اناام و مناهبی ایله تصدیه جهه او کشیدی بر خوی یا ایها الذین
 امنوا کونوا انصارا للذات منکم لئلا یقلع و تمح و قطع و ضلعی لازم و نهم و اول
 و محتم او غین حومه حمایتنده اولای کرکاسره و ق و ورقاسره و بواتر
 و آتره و قواطع قاهره ایله که هر بری اجل بود کی بر وجه دو نمک امر حال مثال
 قضا بمر هر چند که دفع و دفعه محمد اول نه یوزد و ندر تک بخش ضیال در **نظم**
 گروهی جوانان رزم آزمای همه غرق آهن ز سر تا بسپای
 میان نیزه و ستانده خار بجزه شکفته اولان غنچه کبی خنده زنان اولور لرایدی
 و مقابل تیغ کشیده زبانه افتاب بر شونیلو فرمانند باشترین جوشن آب
 کوزن نمایان ایدر لرایدی **بیز** بیدار و با سبارک هم کیتی افروز بانام و
 زمانه و از زمره زمانه بی شرم ایله رزم ایدر لرایدی و حکام کیر و دازده
 غدار ایله جنگ بیکاره غم ایدر لرایدی **نظم** دلیران شیر افکن و جنگ جوی
 هم کرده چون شیر با جنگ خونز مثال دریا بر فروش و مانند ماهی چو پیشه بوش
 شیران دلیر ایله یک نیست نماندن غیر بی پیشه بیز لرایدی و خونخواران نیزه

گذاردان ایدیکه نوش خون دشمنان او زک اندیش فکر لرایدی **نظم**
 دلیران شیرین پیشه بر دم کدایی چو کبیده **نظم** صحرا بر جالد رانده تک
 عکران واقع اولو سفار سهام زبان آوری حسام مبدل و محاربه کلام
 و کرب و مقارعه با ترامح و السیوفه محول اولو تیر اینین بیکان توت نظاره
 کلام ایله قلب دشمنانه یوزد اورش حمله کرز و تیره جوشن و سپر مانع اولو بویجه

دلور لر که روحیاتنی خاکه سوکسیدی نظم	روز کین وقتی که مرد در صف میدان رزم
پشت بر جان جهل کردند و بر یکدیگر	تیغ کاهی تن زد کاهی ربا کردی
بردی از زخم زان کردن تراغز بر	تیغ پیمان عمان زره و خفتانده عوا

کبی لالی صبا ادر لر و تیر و جگر مثال عیاران خواته سینه بهلو انا در لرایدی
 بجد الله تعالی و عنایت غنچه دولت نسیم ظفر و حضرت ایله خندان و انار کلام
 معجز نظام الا ان صند الله هم الغابون ظاهر و عیان اولوب **نظم**
 از بهار فتح و نصرت لاله زار کشت دست کرد ابر و کوس عدو تیر برق و خون
 شاه اسماعیل بقیه السیوف اولان خا ذیل ایله قراری فواره و غزنی تیر نمیه تبدیل
 ایله دی بوحالده پادشاه معالی مشمول جنگ و نبرد شاه کذوله مشغول اولدوقده
 امر او ذوالقادریه دن امیر علی بیک که زما نسنده رستم او سفند یار و متمن
 میدان خرب و کیر و دار بر اید میدان شجاعت دلاوری و شوالیه مضار
 مهابت و سرور کجودی جاده انصاف منصف و دایره سعادت منصف
 او بو آورد و همایونه کلن نزلی غار ایله اولو اولو مسکن اول رتبه شهنشاه
 ابتدا و کینه اول لطف و عریک فواره غضبی جوشان و عمان قهر و زهری
 خروشان و آتش صدتری فرزند اولدوقده فرمان قضا جریا ظاهر و عیان
 اولد که بعضی امر ابر مقدار لشکر شیر شکار ایله اول طائفه طایفه دن دمار لرایدی

گذاردان

فی الواقع خواص خدم ستاره شدن بر کرد و نهی که غبار میدان کارزار تو تکیا
 رو و اعتبار بلور را اید و عین الحیوة بقای ظلمت زلمکاه و بر صفت و غما
 صانور را اید خود و غوا نیدن حد و دیما تیر هیچ اید لر و طره مشکین
 رمای کاکل عنبرین ملاحدن تقضیل قنور را اید تعین اید نگارنده دلیران کارزار
 اظفار تیغ آید را اید نام سعودین دفتر وجودن حک اید و احوال کت و کت
 مصدوقه حال کان لم یکن شیئا کور انظم چه حجت باننش که خاطر کار در
 بی دفع اعدا بر تیب شکر نر بدین شکوت و جاه و اقبال دولت بهر جاندر وی اید مظفر
 و یو فالک خلا ننده سلطان ممالک ملک عرب اول سلطان غوری کلاه استکباری
 بر سر و در غرور و استخبار در برابر اید و سلطان بحر و بر اید ارالنده الی الان
 ظاهر و نمایا اول ابوالجنتی ما میر عداوت اید مسدود و اطناب مخالفتی
 اوتاد نبخت اید مشدود اید و سردار فرقه زندق و الحاد اول شاه
 کت سپاه اید اتفاق و اتحاد یکجا سر و اتفاق اید اول بنیاد و دادی
 مندم و بی سبب النده اول اجل المتین محبت سلطان دنیا و دینی بر یکی زنده
 و ملحد نیک اغوا و اهلالی اید منقطع و منصرف اید و کت زبانه هشتم شاه زمان
 مشعل و منضم اول سراج و تاج جاه و دین اول علما جهند نیک فتواری اید
 های حایت ننده اول افضیال استیا و هوا جنب ساریا یعنی عاگر کوه نبات
 و حیا فل هوا نهفت و صبا حکا اید که جلسی دلا و پر دل بلکه کف دل و هر که
 آهن پوشش و آهن کسل که فرط جلا نیدن که کشمیر جو زایه ال اور لر و نور
 جلا نیدن تاج اکلیدی فرق بهرامدن اور لر ایدی **ششوی**

بشکرتندان بلکه دریا خون	بسیار از یک صحران	بند سیر خون و کین با نهند
هم تیغ و رایت بر ز فرزند	ز یولاد یون الماس تیغ	خورشید روشن در اورد

کند و آتری اید ابواسجد تلرین بسته و بی وجه پیمان بی سنگ نقض اید کت
 اید طایفه طایفه نیک قلع و قمع ایچون زمین غزی باره حزم بسته اید و
 متوجه اولد قده قربانیه حبلده مرج و ابغده رایه دشمن بی در ا حافق
 اول ملاقات فریقین ظاهر و شارق اولد قده و هله اولد ره بنای نبات و
 قرار ری خرابی لوب سمنای چند ماهنا لک نوم من الا حوالا مع و بارق اولد

بچه شهنی که ایت صیلتش جو رایت اسلام	بهر طرف که رسد ان دیار بکشاید
تعمنی که جوزه بر کمان کین سهند	ظنون کین زمین و یار بکشاید

اول اشرار که سردار کرد اول غور دریا بی غور فناده ناپید او تو ماء معین
 حیا مصداق ان اصبح ماء کم غورا اولد قده عامه دیار عرب مصر و م حطب
 و جله و مضایق ممالک و سیه منظم اولد خلعت سلطنت طراز خدمت حرمین
 اید مطرز و معلم اولد مده سلطنت قاهره و زمانه کت باهره لری طغوز سیل اید
 بود کلو مدته بود قدر فتوح و معاش بیورد قری طرح و شار ننده کافی و وافی در
 بند همت و بسیار در اواندک سال ● جهانگشای و ممالک ستان و کیتی دار
 در حرم کمان سازاده نیک طرح دست جمیل ننده بوجه نکر عظیم العیدل المشر در **قطعه**

از مدته چوق ایش لکشیدی	سایه سی اولمشیدی عالم گیر
شمس عصر ایدی عصره شمسک	طلعی ممدود او نور زمانه قصیر

اول شاه هنر و سلطنت سخندانگ فارسی مرتب و مکمل دیوا و بی نظیر و بی عدل
 کلام بلاغت عنوانی و اردر که معنای کلام الملوک ملوک الکلام بجز حال و نشانی
 و هر بی مغبوط و محسود شاعران ساحران زمانی اولمشدر بولریکی ایسانا ملار
 و مطالع غلت شعرا اید اولندیک خلقی جهان ذره دن خورشید خشانه استلا
 اید و غوا صاعقا بر طره اید دریا موج بی بن و کرانه انتقال اید اول ایسات

بوند در

کند و آتک

کو در عشق آتشک سرخ و روز زردی باید	که این در عاشقی دخی ندارد دردی باید
فکر میکردم که آن ماه می بینم بخواب	من درین بودم که ناکه شد طلوع افتاب
جنون دشت و سخنه ویرانه میرسد	طفلا شهر مرده که دیوانه میرسد
ابروان تو و چشم تو ای زهره حسین	اهو اندزده شاخ شاخ از سر کین
و اول حضرتک سپیدیده و شامانه مطلع لرزان برسی دخی تو مطلع در بیت	
نیست یهوده سخنا و فرس رانی ما بهر جمعیت دلهاست پریشانی ما	
و بوابیات پادشاهانه و کلمات تجیعانه مرحومکدر بیت	
من شاخ درخت سایه پرورد دیم	من بیخ حویص بادیه در دیم
کر بر سر کشتان بزور بازو	مجز تنم همچو زمان مردنیم
ذکر سلطان سلیمان خان اول سلاطین نامدار و حواریین ذوی الانس و اردن	
بری دخی اول شاهیم هم پادشاه دیم ششم سلطان جمشید نگین جاقان و	
آمین دارای خورشید گوین از اسیا سلیمان نگین جمشید جهان خا خورشید	
آسمان است و آسمان در آینه ذریه بعضیها من بعضی صاحب لوای گرامت اجنوی	
انا جعلناک خلیفه فی الارض پادشاه ولی نعمت شاه فرید و غلظت طمسود	
روان کنیز و کعبه مسجد جنان اسلاف انجاد اجداد مشهوری	
ز جبرش سپهر برین سایه	رقدرش فلک کترین پایه
جو خورشید کو آسمان گرفت	بسیخ زرافشان جهان گرفت
تختش هم سرور سوده تاج	بغیش همه خسرو دادده باج
منظره چارطاق مناقب نفاخه بجزه رواق ادراک عقل عاشر لایق سلطنت	
ایالت ارضی مغبوط حال سلاطین مستقبل و ماضی برج خلا و ایالتک کوب	
بر زلف و بعد روزنه رواق لب ملک لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق لایق	

نظم شهریارگان بسیار ویم بیان هر که ملک بخش زیر نگیین
 مطلع افتاب جهانتاب صحنه کخلیفه فی الارض فاحکم منشور داریر بیخ بلوغ
 عسری بگم ان بیملک عدوکم صفدر هفت کمال او صفا جز سر بر اقطا و عطفای بی

شهنشاه مقبل جهاندار محض	سپهدار عادل جهانگیر صنف در
حکمت چو یقمان بختت سلیمان	بصوت فریدون بدولت سکندر

نوی ملوک العرب و العجم غیاث الورد ملاذ الام عالی هبینه الاسلام راعی رعایه
 کافه الانام قدوة سلاطین المشارق والمغرب حافظ الدین البین بانصر الامم
 و کجند العقب **نظم** نطق العداة بفضل لظهوره کرنا و قد حوصوا علی اخصایه
 السلطان الاعظم مالک رقاب الام حاشرفات الهم ناشر القوانین السلطانیة
 عاشر الحواقین العثمانیة السلطان بن السلطان سلیمان خان نور الله
 مرقدہ و فی تصور کجنان ارقدہ خدمتاری در کجملخص شریفی طی در بر پادشاه
 عالم پناه ایدیکه خور اعصار دهوره زینت و یرن جواهر زو اهر نفاخی
 و صعب امور جمهور متذلل اعنه نواهی و اواری ادر زرعام انفا مندان
 باطین قلوب نام کجیات تجری و مشکوة سریر خلافتده اشعه مصباح عنایتنگ
 برقی و لغات کانه کوب دری درر اسس ما افتاب وجود بار علی افق و لا
 لامع و طالع او کوشه و عشرین سونده دوت و اقباله سریر سلطنته جلوس
 بر اجلا لری واقع او لشدر عفا که بر سلطنت جمشید عنوان و حاقان کندر و
 نشان ایدیکه است سر و شالی جو بیار سلطنتده بالا کوشتره لی بختیاران زمان
 مانند آب روان پایه یوز لر سوز و خدمتده اردو ابکی روان اولدیلر کلین
 ذات سعادت الصلوات زمین جلا و کلتان ایالتدن نابت و حیزان اولاد ناچاران
 جهان مثال بلبل نالا اشقه کل فندک اولدیلر افتاب سلطنت پایداری

افتخار و زینت بیدار اولی که فتح و نصرت سایر و از ملازم پلوار فرزند لقا و میونی و نایب
 آسمان است مطلع اقبال و کامرانی نماید اولی که فتح و نصرت سایر و از ملازم پلوار فرزند لقا و میونی و نایب

بیت جوهرت جهان داری نهد بیا	سرافرازد بدو تیغ کبیا نی
زمین تیغ اور و شمشیر آفاق	چنان که تیغ برقی یمانی

اول پادشاه سعادت مانوسک فتوحات شریفه رنگ اقدمی بلکه اعظمی فتح قلعه رود
 حقا که اول قلعه رفیع بر رتبه ده اید یک طائر و هم و ضیال شواهی صبا قلعه فلک
 مثالی عروج تمیسی مقتضای عقل و ادراک آن خروج و کنگره دیوار رفت مدار
 نظر عقول حواس ده ماس جاذب فلک البروج آید بیت رنگ انداز او سنگی که جستی
 پس از قرنی سر کیوان شکستی طغوز ای اول قلعه فلک فرسای عا که قلعه کاشی
 محاصره اید و بعنایه اللہ تعالی و قدره القاهره هبت و ابنت شکر نصرت اثر
 تر بهیو بعد و اللہ وعد و کم موجبی اوزره اول کفره و غیر تک بصیرت برنده
 ظاهر و عیب اولی و از ه بشارت و اورنگ ارض هم و دیار هم و الی گوش بوش
 عالمیا اولی که نظم شاه صاحب قران سلطان سلیمان که بروی ختم شد صاحب قران
 یک نظمتان کشور بر ما همین باشد حد کشورستانی بهر کشور که راند خورشید
 کند با و سعادت اعمق نیز غرائب اتفاقا نند که اول سلطان سعادت معونک اول
 نصرت همایونی فتح قلعه اولدوغی کبی اخرنیت میونری دخی فتح قلعه سکونار
 آید حقا که بود دخی بر حسن حصین قلعه متین و رزین اید یک برج باروسی فلک رحل
 اید دعوی مبارک و قلعه حصار نیز تو سکی منطقه اجوز اید دم جاگات و مساواة
 اور رد در و دیوار دل ظالمانی آهن و سنگ و ره آمد شدی دهن دبران
 تنگ ایدی اول کونکه قلعه مزبور نه فتح و استخلاصی میسر و مقدر اولد باد
 طائر روح بر فتوحی عالم اشباح ملک اروا صیران اولی فتح ابوالقلاء صبا
 اولی

بود دعوت او در ره هدی محمود بود مساعی در طریق دین مشکور
 برار کتاب نیز جلیش مجبول برکت بفاخر طبیعتش مفسور

و کان ذلک سنة و سبعین و ثمانیة ده صبا قران سفورک فتح اندوکی قلا
 و بلاد بیرون حصر و افزون تعداد در اون سز بکل یکسک مالکی که هر بری بر
 پادشاهک متورایت و علمی ایدی فتح اید و مالک محروسه رینه ختم او شدر
 و فن اشعار ده اقتدار لری دا و صفا اشعار بلا غت شعاری نور افتخار
 کبی روشن و اشکار در سلطان جهان و جاقان مهر اولدوغی کبی مالک نظم و
 نثر ایدی مطلع طبع در برابر لرنظن ظاهر و پدیدار اولی لالی ایدار و جوهر
 شاهوار درج دیوانده درج اید و ابکار افکار پر اعتبار و عارفان
 اشعار کماله جمعه تزیین و ترتیب اید و جاقان بلا غت و بیان
 مرتب و مکمل دیوان بلا غت عنوان اراسته الیش در

کار این چشمه ز سر چشمه خواست مرا	دیدم از آتش دل غرقه ابست مرا
خورشیدی فروغ شود چون چراغ روز	چون بخوری رو تو گردد جهان فروز
باش و بریر یوننده بزلف سیه کارا	جانم قالم بوسه زلف سیه کار استین
یار منرقا نور جهانده عیب سز بار استین	بی وفا یار کجی جورینی معذور طوت
حکمک دون کون مهرشید خورشید اولدی طوت	آمد که مرده بر کل نور جاننا اولدی طوت
برالف سینگه بر سر و خانا اولدی طوت	چونکه دگر زحمت و صیص صنوبر قدرک
کند و عالم سر برنده سلیمان اولدی طوت	تاج و تخت و سلطنت بر باد اولور طوت
ایچد و کلک جام شرابی ایهیون اولدی طوت	قالدور سن چون ایامی بزم دنیا دی
داغلیر جسمکده بررور و چند اولدی طوت	دهر باغینک کجی یوق کلنده بو لطف
شوکو کلدن کجین کسی تها بر کلغزار اولدی	مقر توبه می مردم کجی نوش اید و بی جامی

ذکر سلطنت سلیمان فی اول لاطین نظام و خواتین فحاشه بری فی سلطنت نظام
 دارای گشید خدم و کیوان غلام سلطنت اعظم فیروز تخت سزاوار تاج و دیلم
 تحت شمشاد کوشیروان تخت کجسر و هوشنگ صفت کعباد فریدون دولت
 در فرید صند شریار کو هر یکتای کان کامکاری لبه بحر محیط عواطف
 دریای بیکران عالم عوارف کیومرث گشید مکانت و کنت جامع لوازم
 شرایط ارکان سلطنت شریار نفور در آ و بهرام لب کامکار اسکندر جلا
 و بهمن اصفا و بهلول سلطنت اعظم الاظم و الخاقان الامد الاکرم ظل الله تعالی
 المبسو ط علی نام اهل العالم صاحب نیل الارب و حقایق الهم مالک الامامه العظمی
 و السلطان البهر و ارث الخلفه الکبری کابرا عین کابرا رفع رایات آیدین
 موضع آیات شرع المطهر قرین انوف الفرائضه و جبابره مقفر جباهه الایال
 و الاکاسره العقل اعداد عشر الشمس الازهر و البدر الانور سلطنت المشرقین
 حاقان هانقین التامل عدله احوک لمصالح کافه الانام اکامل بنذله الوافر
 المتدارک امور الخواصر و العوام السلطان السلطان سلیمان خان علی العزمه
 و الغفران و اسکندره عرفه و صفا هجتان حضرت بیدر که کخلص کبری سلی در
 حقا که بر پادشاه فلک دستگاه و ملک انتباه اید یک فلک منبع و سپهر برین جبهه
 جبینی آستان بر یکینند سورجی رفعت و جلال بولز و قمر عالی منزلت تراب
 بر غنچه متمکن او منجی موسوم اسم هلال اولز که تراروی لدن اعز و اکرم
 اولاد سعادت دم و جلا تو اولز رینه رویال ایملکه مائه شریار تکر و خاک پاک
 سده سما سیمای تقبیل نعال ضیول بر جلا اید لال سمایه تجر ایدردی
 شمشه که بر خطه روشنان فلک نهد پیش تو بر خاک تیره پیشانی
 سخا لطف بیجا انصاف استا امکانه فیض ریش او مخلص شیخ و شهاب کتاب

تحصیل لطف قلور را اید و غم راحت و انصاف حدائق و ریاض کوانه باران
 بیرو جوان مغموم و شادان ارم و کرم و روغن نغدن آبتنا غار بید و سیرا ایدر اید
بیت پادشاهی انصاف عدل سرایه است و در سخا چون خاتم در عدل چون کوشیروان
 هنوز تاج و تخت اید سر فراز و کامکار اولدین بنا و کار بار لرینی توکل جناب حضرت
 کرد کار اوزره نهاده ایملکین طبع معانی ترا در نینه پیش نهاد اید و اسباب عزیمت
 ما فیح الله للناس من رحمه فلان مسک لهما خوانندن اعداد و مقالید امور رزده
 فیض مواهب یوتی الملک من یشان امداد ایملکه سعادت و کامرا بر وفق امال و
 امانی محصل و مرتب اولو اول شهنشاه در است اعتقاد کتب کبری و جبهه و بی سب
 محرک و مخلص ترک ادب تیموب بنا و ایملکی سکون اوزره منی ایکن صام خون اشانی
 زخم سینه دشمنان شام اید محبوب اولور د برادر لری بایزید خان سالک بادیه
 خداوت و عقیق اولو یانه اطراف و اکناف جهات دن ابطال و شجان کردان
 بید و کران لشکر فراوان جمع او مخلص شهنشاه ضیال بوضوح و تماشای صحنه ضمیر نینه
 نقش و تصویر ایددی که لشکر یا جوج ایدر اسکندر خلیف نذیر اول و عاکر مورز
 اید ملک سیمای تجر اید **بیت** خصم تو که ز ذره فروست در عدد
 با آفتاب تیغ تو از ذره کم است **بیت** لیکن بومناد غافل و بویکت زیباردن اهل
 ایدر که شول نال کامرا که آب خورده جو بیار تو نوق یزدانی اوله بوقوله باددن
 لرزان اولز و اول سرای سعادت مباح که طرح معمار یزدان اوله بوقوله نقاب بله مندم
 ویران اولز **بیت** خصمت برای ملک بسی همدر کرد لیک توفیق اهل معتبر و باب منطقت
 آخر الامر بایزید خان عاکر فراوان ایدر جنگ و بیکاره اهنک ایدر که مرحوم
 توان سلطنت سلیمان خان شه بایزیدک بوافعال و اطوار بنا متغیر و متکدر اولوب
 عاکر حضرت ماژردن دلیران بیکار و شیران کار زاری که هر بری بر اقلیم نادر است

تسخیر و دم گیری و دارده سیران روز کاری طمعه مورچه کشید ایدر لردی نظم

بگو که یک بیک صفدار	بگو که سر بر صف در	چرخ از زخم تیغشان بفرخ
مرکز از زخم تیغشان بگذرد	باهر بران پیش هم باین	با بلبلکان بگو هم بپستر

سلطان مذکور ه اعان حضرت ایچون کوندر کشیدی ظاهر تونیه ده صحرای ارامه
تلاقی در عکرمین اولو خاک سو که غبار چهره ماه و زمین تا وارد گاه دیده دیده
خورشید عا جایگاه اولو صا اتمام سر کشان مرد کشان و تیغ بی در تیغ
نشان خوفشان اولو تر و سنان غمزه خوبا کبی فتنه انگیز و تیغ خوفشان
ثره عاشقان کبی خونریز اولوشید نیزه جانستان الف مثال جان ایچره مکان
ایتمشید و حجر خوشوار غمزه دلداره کبی سینه بی سینه ده قرار کشیدی نظم

روزی که سواد سینه فتنه کندنگ	بر کوبه روز مجال جولان را
قهر تو بیک صریش بر کند از جای	چون باد حسران از شجر اوراق خزان را

سردنمان برک زران کبی بریزان و خون بی در بیغ اعدای میزاب سنان جان
روان اولو صاعقه تیر و شمشیر عالم گیردن بنای نبات دشمن نهادم و برق جمله
بیکردن کفر خصم بی ظفر منزم اولو خنده تیغ درنده لرزنده چهره ظفر خنده زنا
و ابته صا خون اشاملرند مباسم دو بانظام خندان اولدی بیت

با حمله شمال چه تاب آورد جویان • بادولت همای چه بهلوزند زغن
شبه با یزید منزم و منکر و عسکر مور بگری بگردن شتر فزاری عین قرار و نبات
و کرینا کزیری نامن جیبا بلوب هزار غصص و کرب ایله خائف تر قرب بگردی و غایت
خوف و دهرشتن سایه سی اردنه دوشمش شکر تو تم ایدر د شبح اشجار عساکر
حرار ضعیف ریاضی ضفوق ریح در آ کرده انبوه و برک گاهی مثال کوه بلورده
ایمانا علی جنک و بیچار و هر که گیر و دارده نایوم لایک بعضیک بعض نغوا و لافرا

منش و روشن اشکار اولو میدان نبرد گاه روز قیامتدن نشان اولو
یوم یفر المرء من اخصیه فی اسطی هر و عیا اولوشید بو حال ایله مقرر آیت و منقر
جلالتی اولو اما سیه و وارو کو اکب اقبالی راجع و افتاب عباد طالع می
اولو غیظ ظاهر و ساطع اولو حیق ایتدو که جبار و عصیان نام و پشیمان
اولوشید الان قدندمت ما نیفیع التندم هزار توبه و استغفار ایله راه نضره
و تخفیف کلوب تمک دامن اعتذار و قدم سالت و سکت ایله سالک عاده
تذلل وانک را اولو حمام نام معدر اجنبی حضرت ایله متطایر و مشاعر
باطن و ظاهری ظلمت انفسا ایتنی تالی و ذاکر و الفرقی تثبیت بکل حشیش
خو اسی او زره تیر جابه ناسر اولوشید لکن مقدما کند و به راه هدایتی
مشاعل ضیاع ایله دلالت ایتدو کلنده لایده بصیرت کور اولو نوز بزرگوارین
کوزه کو ستر مزید و کلام مو عظ و پند کوشوار کوشش سوشش استدل کلنده
انامل استکبار ایله نینه نغلی در فی حکم ایدو صقی ضنفا ایچون طعنا اول طرفه
قولق طومر زید پد شفق و لا لکن مع الکافرین خطا مستطابنی تکرار ایتدو که
یانه جمع اولو لاشیا طین سنگ اضلال و اف دنه تابع اولو ساوی الی جیل
جوابنی اظهار ایدردی عاقبت ضمیر منیر حضرت صاحب قرانه اغلی شه با یزید
یطغیانک حالی مظهر آنه عمل غیر صالح ایدو کی روشن و واضح اولو قدده تیر
ماتولی هدف قبول موصول اولدی و ترتیب ایتدو کی مقدما جرم و شاع
منج کلام و لا نفع الشفاعة اولو و مسایط و شغافه جناب سلیمانید فلن ایتدو
بجنود لا قبل لهم با و نخر جنهم منها اذله حکم و وارد و صادر اولوشید اخود
امید دامن مطلوب بدن قاصر اولو مرآت دستنده که غبار ذلت ایله رنگ گرفته اولو
مقدرا ایدی جمال عفو سکت ظاهر و باهر اولو حیق فقرت منکم خفتکم معناسی ایله

عامل اولوب خواه و نا خواه شاه کت سپاه طهاسب عقل و انبیا که مقرر صلوات
 پناه ایدو مالک برها که داخل اولاد اول شیطا بر غصبا و دیو لعین بر خدا
 ازک صانوب خانه بوم اشیا نهنده همان اولاد های جانی دارالامان
 طن ایله اول فخری جنود کرسی نیدن نهیب فراوان اوکو رعایت جاب
 صبا قرانی ایچون فرور شهریار حسب استبداد صکره اولاد صغار پارتب
 شهادت تیور شید و مقتضا حبت طبیعتنه دشمن زنده نهادار کی برین کتور شید
 که رات خوار خورشید امانی چون با دلی نمت تعایل روشش کرد تا
 بعد سرشته خلا و نزاء منقطع و در انوش هر کس مرا ملکه مانع و مزاج
 مرتفع اولوسته اربع و سبعین و تمامی ده سر سلطنت و خلافته جلوس
 مانوسری واقع اولشید فی الواقع نال وجود سعود لرینه چونکه گوشش ناخسور
 و نامعد و ایدار کتاب بر دیر لاجرم ریاض سلطنته بالا کوسر سر و اولاده
 اخوان و برادر زدن یوسف شال مبدل الام و طلال اولشید یس عزیز
 مصر ایا اولسه لر لایق و نرا پادشاه فرور وارث ملک سیمیا اولوسته جهان
 بکران فرما استبداده قبرین جزیره سنی فتح اینکه غنیمت اختیار دیدی فی حقیقه
 جزیره مذکوره لغت آب هوایا معروف مصر شال کثرت محصول و ادارات
 موصوف اولود داخل جزیره ده نفقوشه و خوسه نام قلعه لرنیک هربری حصن
 حصین مرتفع الذی و متمتع الذری و بقلعه رفیع ملک شال و منبع حبال
 ایدیکه ارضی سما و جوازی جوزا اولوسته مرکب باد باکها دامن کوه بالا سر ما
 بولق محال و متمتع و برق جهان نور در هوا راتش رفتار اید برج و بارونه
 ترقی اینه سنگ استخاری نور غزاله کیی متمتع در نهانش رانیا با خورشید
 نه بوش از زبرف و باران بوکارک خنوسه وزیر شتری تدبیر و خردستشیر

طوای مشیر حسن تدبیر اینیه صورع الس تقذیر حضرتی مرحوم مصطفی است
 خدمتگرنی نامزد ایدو اول وزیر در یاد دل بیکر ان عینی لشکر فراوان اید
 میل سائل و فضا نایل کی ذکر اولون جزیره به داخل اولدده قل جا ایچ
 و ذوق البطل معنا معلوم اعا و اسافل اولو بنایه الله الملك جلیل زمان
 پسر و مهل قلیل ده فتح اولنوب سیر مالک سلا میه ضمیر اولغده قل اید مطیع
 شاه کریمه و عقود مناقب شهنشاه سلیم و طیمه اولدی و کان ذکرت شوی
 سه شان و سبعین و تمامی پادشاه مذکور انواع معارف و کمال انحصور اید
 و مشهور شام کلزار طبع سیمدن مشام جان معطر و نسیم مشکب زین
 مستقیمدن دماغ جنان معنر ایدی بو اشعار اول پادشاه کامکارک
 و منتشاه کوه و قارک اشعار بلغت شعار ننددر

نوای نیده روح افزا اولور عشاقه بر دم و او طالب سحر بلع ایت کوی یاره وارگی کوی لبردن گل ای زا هد کماله طاب اول چشم دلبر خشمه عشاقی قتل ایلر دمیسه زلف دلبر حلقه حلقه روی یار اوزره باغچه زهر قهرندن نه غم عشاقه اعدانک دلا شاه عشق امرین قیوب کل عقلا اویده ای عاشق صادقده دل برد اولمز یاریکی	بر لانی کیمی نال اولمه ده بر اوزرک عالم جان جانانه ویزو ترک ایلر یونی واری ارزوی صیتی فوجمه ایدو دیداری کرد مرده راهیا اید لعل سحر اناری کور سرتر قلمش احاطه کنج حسنی ماری کور لطفه عشاقه اول شیرین شکر گفتاری کور شهنه بو یورد و غننه حکم ایلین خونکاری کور هیچ بخت اوزره ممکن اولد خونکاری کی
--	--

فصل ثانی اول حضرت عالیانک اولاد اجدادندن که طاعت برکات خلافتی
 پوشیده اولمدین سنا اجداد جام جمالی پوشیده اولا شهریار لر بیاننده در
ذکر سلطان قورقود جلدن بری اول مطرح اشعه عدل احکام مظهر انوار اول

عزیز

طفا

مطالع دو با بهره دن طالع اولی که در اینک انوری و احدی سلطنت
 قاهره دن ظاهر اولی لالی ایدارگ اشرف اهری شمشاه سعید حضرت
 سلطان قورقود در که سلطان یازیدیک فرزند ابری در میان شترزاده گاه
 علم و کمال ایدر و سرافراز کبی فایق و ممتاز و طبع ملک نهاد و ذهن سقیم
 پس در عالم رشد و رشادده طیران ایدر شهباز بلند پرواز ایدی
 عین فضل و دانش و علم و فضل کسز که سعاد صحت برینه نایز او بوب مجاب شده
 نظای خاطر فضیلت معاطر بنی استی که کشف مشکلا علوم و فنون حایز اولور کرد
 مطایح انظار علییه و مسایح افکار حلیه ری اولی کتب علوم شرح موافق
 جو کاتبی کوردم کنار بنده خط شریفی بعضی ایراد حکمیر و شیطانی که
 کمال فضل و افضال برینه اندن انتقال اولی اول انار شریفه دن مؤثره استلال
 اول نور و فن موسیقی ده تمام مهارت اولد و غنودن غیری ساز نو اختلکه بی بدل
 و بولده دخی صاحب عمل ایدی والد فردوس مکان مجلس فیاض و عرفان زنده
 کوه نشان اولی بیورر ایدیک حسین عواد که عود نواز نکرده استاد ماهر
 و بونده عدیل و نظیری نادر اواز ساز دسور مانند عود قاری شام جهان
 و دماغه روز کاری مشکبار و معطر ایدر و زهره زهرابی حسن صیدا و نوجوان
 نواسی مجلس سعادن ایدر و زودم نواخته شده عین که ایدر دی **بیت**
 ناهید اگر نغمه عود شنود خواهد که و را بوسه زند بر بر چنگ
 استاد اولی ازین العابدین دن که دیار بچون کلش استاد نامدار و ساز
 کار روز کار ایدی که اوازه کما بجه سن کوشش ایدر که قدی کمان کوه
 بی ریب کمان ناله و نغان و اصل قبه جه اولورده عرصه نواخته ده کمان
 کما بجه سین الالب تیر بر تاثیرین راست ایدر که استماع ایدر که مرغ چای

نیر مثال و ج سمایه بر آن اولور در روایت و حکایت ایدر دیکه دیار نامدار
 مرز بوم روم قدم بصد قدده بر مدت خدمت شمشاه محمد سلطان اجد ایدر سر آمد
 اولمشیدق بعد سلطان قورقود بود یازیدیک حلیل ال اعتبارده اوازه اشتهار و مر
 استماع ایدر یک برادر لرندن بزی در قواست ایشیدی بز دخی دستور ایدر
 خدمت شترزاده مزبوره روم اولی مساعده طالع ایدر برج سعادتده اول کوه
 سعید ایدر قران ایدر که اهل روم دقایق سازه واقف و دقت و نزاکت
 نغمه عارف اولی لرطن ایدر دخی دقت و اهتمام بر فصل ساز چالوب تمام ایدر که
 اول شهر یار کامکار درج ده نندن ایتار جو اهر شاهوار ایدر بیور دیکر که
 ظاهر استاد نامدار که اوازه اشتهار لرینه دوشن و صدای اعتبار لرینه
 لایق و سزاوار اولی اول کل در که بوننده آفت ارری بی بو مقدار اولی
 کلمه انش علی قدر عوام فو اسید اعمال اولی بوب بو عمله عدم اذ غامزه کوره
 ایهال ایدر کوز بوننده بز دخی جزئی علمز والدن کلاجه ساز نو اختلکه ایدر
 وارد در دیو روح افزا نام ساز لرینی اظهار و ابراز ایدر برداشته آغاز
 ایدر حقا که بر کلاستیدیر که زهره جری برین فلکه هزار افرین ایدر نغمه
 نوز و نه زیر و بم والجان بدیعه خوش نغمه استاد زما بیشتر کتب ایدر در
 بو محلات و شرمسار ایدر قائم چنگ کبی کمان اولی آتش جان کد از آنک رده
 عود مثال سوزان اولدم آخر الابر بند دخی معذور بی بدل ایدر بر فصل دخی
 سازه آغاز ایدر هوای میکر و عالم برتر دن برداز ایدر که حضور نیر
 مقبول اولی قبول طبع بر اصول لرینه موصول اولی حضور موفور کعبور لرندن
 مفارقت لازم کلوب دار کل لحنه العلیه قسطنطنیه نغمه جاننده مباحث
 اولند قدده ناله ماه تابا و قرص خورشید خشان دن اوسع و اگر بر صحن

اوستینه صفراء فاتح لونها تشرکت نظیر ایندو موصو اولنا زرسکو کدن برتل
 عظیم و بلا سینه تشار شکوفه کیم ایدو هزار امتد از ایلد بیوردید که سز سلطان
 یعقوب سلطان حسین بقرانک داخل مجلس بر عنوانی او تو مظهر العالی و او
 و مطرچ اشعه افتاد اهنی اولد و کوزا کانسبت بوندر در یادن بر قطره و
 بر ذره در حال انکه شمشاه زبور اید و کی ایشارد در هم و دنیاری اول کمال
 نیچر روز کارده ایتد کلمی نمود همتا کبی ظاهر و نور افتاد کبی روشن با هر درت
 و مکمل دیوان واردر بر مطلع مشهور اول شمزاده معانی موفوک کلماتند در
 توتیای خاکپا یکدن ایدن قطع نظر ایکی کوزه کر که جیسوای نور بصیر
 و بو ایشاد درویشانه اول شمشاه عالی شاه منسوب در

تاج و تکیه ترک ایدو عیال اولاین بزمان	نور سیده سیرا ایلینو مها اولاین بزمان
چنگ و بابک صحنی مطرب تمام اولد تمام	بزم بلا ده نی کبی نالان اولاین بزمان
که دوشین کا طبری رو که کولین کاه ایلوب	که قان یولوب سر خوش اولو سکران اولاین

ذکر سلطان هم بری فی اول شمزاده جم هشتم منبع تر و در کم شمشاه دیم ششم و الا
 هم نور دیده شهریار نور شجره کامکار جامع کالات و معارف بدر لامع شرافت
 ایضا اولنا شهریار فزنده دم خدمت سلطان جم در مرحوم سلطان محمد خانک فرزند
 جلال مجری و مرحوم سلطان بایزید خان غازی نیک برادر همتری در شمزاده فرزند
 سعد سعادت مسعد و بخت دوست معاون و معاضد و اقدام اقدامه طارح عزت
 ایلد معارج خلافته راتی و صعد المویج بورس حوالی سنده تلاق صفین
 اولد لیر ان کیر و دار مباشر جنگ و بیچاره ایکن بعضی ارکان دولتی تک حوالی
 ایدو خدمت شمزاده ترک ایدو اکثر عساکر سلطان بایزید خان تاج فرمان
 اولیج صایر انصار و اعوانی دینی بو حال کورد که کمال سیران کبی برین

اول شمشاه

اول شمشاه آخر کار شمزاده دخی ناچار فرار ایدو سلطان معمره تبا ایشید اول
 خدمت شمشاه بر احترام ایت سلطان مرفوعه طواف بیت حرام و رویا کسره
 خیر لایم ایدو مشرف اولو نیچر ایام اول مقام بر احترامده کجاورد و اول
 جلیل اعتبارده ایت قلمشید بعده اول سر و جویبار جلالنگ هوادار اول
 بعضی سفها سلسله مسودا سلطانی تحریک ایتد هوادار خلیل باشه او شوبینه از رو
 تاج و تخت و رجاء استقا سیاره بخت ایدو دیار روم خت عودتی باره ایت
 حکم و تخت ایدو لشکر مور بیکر ایلد جم و بر یکی حشرات بی نام و علم ایله کف عالم
 اولق قلمشید ترتیب هیل و هشتم جم ایشید یکن دیوان قضا و قدرده طغرای
 ایالت جهان نام سلطان بایزید خان طرز و مسطر و حکومت روی زمین امر
 اعلمین ایل شاه سکندر ایننگ بکران فرمانینه سحر اولو با تف غیب خطه

مستقا لب لبر کبی مکرر اولد قدده	ای صها کیرد جهان بخش که در حکم ازل
سلطنت تا با ایدر تو مقرر شده است	الفصه شکار زخم خورده معوله سی اولمین

تصا دم حله لشکر بجه کون مظهر و حسابها جامده و همی مکرر السی در ظاهر
 رعد و برق و خرق و حرق و هر قدر هر است او پو آتش جانسوز حرق و قتال اشغال
 بولوب فوزا اولدین دست اجلدن کر بیان جانی قورتر معجون کریزان
 و در یای خوف و خطر کین رو کران بولق امید ای ایشید و وجودینی جانب
 فرنگتانه صالمشید و نیچر اول لیمانده لشکر اقامت بر شمشاه اول ایام ده
 روز کار روز کار و خاندن کمال حاصل هیانده لشکر ثباتی اولد کشتی و
 غرق در یای فنا و نما اولدی روتا اولنور که فرنگ لیمین رعایت خاطر
 سلطان بایزید خان ایکن اول شمشاه سر اوزارک باشنی زهر الوده استره ایل
 تراش ایلوب زمره شهادیه باش ایشید و جسدینی دفن ایکن خطه اسلام کوندر

بروسه و طر و سه ده مرادیه جوارنده مدقوندر سرگذشت و سرجام بجد و
 معرو و معلوم عامه خاص و عام در اول دیار دن بشمار خشت نامه لر
 کوندر مکه قصه بخت سین اخبار و سخن موفور و کرب سخن ناخسوردن ابد او
 اظهار اید و نقشه المصدور بر قصیده دیو کوندرش در مطلع بودر

جام جم نوش ایلیای جم بوفونک ساندز	بر قو لک باشیند بازین کلور دور اندز
ساقیا دور سلیماندرال و جام جم	بیزه می صون ایچلم چاره بودر دفع
سنی مقصود اید نیوب عشق اید بایز کورکل	بریدر بنیق اوده هر که طبرسه صنف
کیده مزقادی کیر و جم بوی ابلکند مکر	بر یوزی کل صبح سنبل لبی مل غنچه نم
جون او بر نفس اول لعل شکر باری قدح	روز کار ایله طبر اغزی باری قدح
لبک اکتیجی نولاسرینی فاشات کوکل	لازمیدر که عین ایدیه سراری قدح
چاره یوق ایر مکه ای جم دهن چانه بهج	قان بو طوب در دنا چار ایچلم باری

ذکر شهنشاه **جعفر مرعوم سلطان مصطفی** بری داخی اول شهنشاهه عالیجناب **سلطان**
 گروه شهیدان جگر کش ساز شهادت سرکران باده سعادت جوج تیر غدر وستم
 زنجت حبسیده زهر عذاب و الم زخم خورده شکر جعفر مرعوم و منور سلطان **مصطفی**
 که سلطان سلطین جهان مرعوم سلطان سلیمان خانک فرزند هوتندی و اول روز
 جلا و خلافتک مقدس سر زده اولان ناهل بلندی در سنوز پادشاه مرقوم سر
 سلطنتی انحصار قدم شریف و مشرف و منابر و محافل اذان انوش جانی کوازه
 القاب بر عنوانی اید مشتف ایتمدین قصیده مغنیاده ایکن اول مطلع صدق و صفات
 مانند خورشید بر دنیا طالع و هویدا اولش در اول شهنشاه ملک سیستان
 سرای خلافتده بالا چکوب بجه سجاغه جقد قدح عتبه علیه سی محل تقبیل اعان سیده
 سینه سی معتکف اکابر و انالی اولو بصیت معدت و جلالتی قبه چهار بر طنین و آواره

بیت و شری سستی و سبب
 سینه ایچله کوندر
 سینه ایچله کوندر
 سینه ایچله کوندر

شجاعت و سبالتی و اصل عاقده کمان و کین اوین کوس انالت استاننده نوبت
 و همای قلات سر بر وجود و زاننده بسایه فکن اولوق خوفند سایر شهنزادگانک
 و الده اولان مهد علیا بخت قلا ده کردن عصمت بانوی جهان بقیس نام خانک
 سلطان اتفاقا وزیر پرور و زو ستم منظر بدایع حسیل و لخد اعده ستم پادشاه
 کین گاه غدر و مکر و ظلم و جورده طور و دام احتیالی مدام نور رر و تیر بر
 نفاق کمان اتفاقا اول دستوده اخلاق اثر اید هر چند بود کل تیر خیاک
 بری خطا ایدر بر بری خطا ایتمی مقرر و تنها بر کیش و بند کلن اعدا ایل مقام
 ایلمک متصور دکل ایدوکی نور شمدن اظهر و انور در رعایت هزار حیل و تدبیر
 ایل مشایخ شفقت و بطوقت جناب صاحب و انی مکر و سر سینه و ضمیر خورشید
 توری هزار اکاذیب و تزویر ری ایل مغیر اولو بالافره حضرت صاحب و انی
 ملک عراقی محو بکرانی ایچون بیورد قری سغوده ارکلی ندیم موضوعه نیش
 ساده دل بونرک مکر و خد اعندن غافل و ذابل و شفقت و مروت پذیری
 زاینل اولوق خیال فاسد و ظن باطل در دیور و یال سده سیکم اینه کده خون
 تا حقیقی خاکه دور ایدو اول شهنشاه عالیجناب **سلطان** حسیل گروه شهیدان استبدیل
 پدر مکر بر نیک استانی دار الاما ظن ایدر د بلمیکه دار بلینه و اخوان اولدی
 وسده فلک کمانی ساحل دریای نجات حیا اکلریدی کنن عمان بکران فنا و
 دولت حقا که سپهرنا فرجاده بوظلم ظلم کظلم و مطلع ایامدن بونام جوز که
 دیده خاص و عامی سائر اولدی فریاد صاعقه و اکابر قبه اسما و اشیا فخر
 بچیده و صیاح و صراع اولاد آدم و غریبونا در خلق عالم سبب سماخ کیوان
 توأم سیده اولک بیت درین آن سرو افسر شهریار درین آن قدا و قامت بهلوانی
 صنهار و کبار صباقر آن کامکارک بوکارینه انکار ایدو سلطان فرزند کوش بو تاریخ

مکرسم دخی تاریخ وفاتی او شدر شزاده مزبور ششوا و اهل عرفانه میل در عینتی
 او تو خواجری اولا سرور افند ایله علم صحبیتی او غله بوفنده کرچک دن
 قدر و مکنتی و ارایدی بواشعار اول شهر یارک در

سور یوز هر کون یره ایله نزل باکی	رفت استرسک اگر مهر جهان ار اکی
فی المثل دنیا مثال عالم رویا کی	خوش قبایل در کل باقی بوقش و کار
بوده قالد ای مسیحی حضرت عیسی کیسی	سوزن ترکان نزل کجدی ل رسته
طوبی چرخ مهر ننده اونیا در الما کیسی	یهلوان عالم او شتر قلب استغنا اید
نظم ایله در در در و کر طبعک سنگ ریایکی	قطره دن کدر وجود کفخصی آماجیب

ذکر سلطان محمد اول شهر یارک بری فی اول شزاده معالی شکار ذات مکارم
 پیشه و دثار جا یکسو از میدان شهر یاری یکنانه مضار مرد و کامکاری
 ریاض جلا و ایالتک سر و نو خیز و نو دمیده سی و کلت سلطنت و خلافتک
 کلین تازه رسیده سی شبل اسد ضاری ضویر قمر ساری قره معین سلطنت و
 جلا قوه ظر محدلت و ایات تجل اجل و اسد شهنشاه اشرف و انجد حدیقته
 شهر یاریده سرور آمد اول شزاده سلطان محمد در مهان عز و دولتی سیاب
 جود و رافتک شاد و مراجه ملک و ملتی تمام انعام و معدت ایله سیر ایدوب
 روضه سلطنته کشیده بالا اولاده غنیایه سخا غنه چقد قد و او این بهار عمر
 هنوز تو کفنه و خندان ایکن اول نهال کامرا سچک چقا تو بهار عمری حران و
 عییا صر فنا و تند باد مات ایله نزلان اولک **نظم** در نیا که باغ بهار جوانی
 فرورخت از تند باد خزان **نزه** و اولد ماجدی صیب قران معالی شاهک بزوده
 محبت تام و شفقت و عطوفت مالا کلامی اولد و غندان جنازه سنی استنبول
 کوزو جامع شریف و مدرسه و عمار بنا سنه فرما بیا یونی اول شدر حالا جنازه

انده طوفون و روح پر فتوحی انواع دعای غفرانه متو و نذر مرحوم سلطان سلیمان
 مرثیه دیو بو تارخیلرینی انده درج المیشدر **در** شزاده لکرزیده سلطان محمد
 اول شهر یار نامدار دن بعض اشعار صادر و واقع اولو مشرق ضمیر نیردن بعض
 مطالع ظاهر و طالع اول شدر جمله دن بو مطلع اول منبع صفا شدر عد نذر

کرمسون کلکسون بلا طاعنه شروم دیه	اول لیلی او مردم باک کجنونم دیه
حبس ایدو چاه زخدا نکرده مدیونم دیه	یولنه جان ویرمه انکجون اقرار ایلدم
قنده در کلسون بر و اول در کمنونم دیه	او مر شکر بایرم اشتد کده نکهار
نازد اول هشتی ترکس باک مفتونم دیه	دال دو اول کجا تمیزی بود نیاده کم
بویک شنبه ایلدم زلف بهایونم دیه	دلبر اولدر ای محمد حشم ایدیکجک عاشق

ذکر شزاده سلطان بایزید اول شهر یار در دن بری فی اول شهنشاه نامدار دلیر
 مکره گیر و دار شزاده بهمن صیلا خانزاده رستم شجاعت در عهد شاهمی
 در ی برج شهنشاهی افتاب آسمان مکارم و عکا شهباز بلند پرواز همت عالی
 مطلع انوار الطاف و همت مرحوم شزاده سلطان بایزید خان در خلص شریفی شاهمی در
 سلطان سلیم خان ثانی حضرت تنگ برادر کتر یدر حقا که او ایل حالنده مکارم غلی
 و مراسم اشغالی مذکور و مسوع و صیب هب و تخم و لاسی زمین بال امانی دنیا
 بکاشته و مزروع او تو سفاین احوالی با دیان صلاح و سداد ایل مقتضای حال
 و مرتضای بل اوزره جبار و لموعه بارقه اهتمام و اجتهاد ندن ظلمت ظلم سداد
 کم عمده مستور و متواری ایدی لکن ارزو سلطنت ایلا ظاهر دلیری و شجاعت
 ایدو بهادر نامه بر لای صیان چیا و ابطل ادن برقاج بطان و جان یانده
 او تکمله کثرت جنود و عا کر و غایت مردانگی و بهادر لغنه اعتماد ایدو افسر
 حقوقی عین عقوفه تبدیل و بساط رعایت ادبی ایای قیامت و نامرد ایل نزل

سلطان جهانگیر
 پادشاه سلیمان باکاه و سلطان جهانگیر
 پناه حضرت تنگ و وزیران و اسب ارباب
 جان نیند و در جهان عو صه و در کار ناهو
 اول شزاد و بیوب جهان بی وقار
 تنگ و تار کوبوب عالم بقا جان کوب
 بوس و فاکو بوب عالم بقا جان کوب
 روضه جا و از مغر و صو و علمای
 برکن از جان کنت صوفی و اشعار
 اول موصوم و معفور کت و همن
 مذکورک مخلصر کت و طبع و کت و همن
 کمال جنبه و امین صفا با طبع و کت و همن
 نظم ماعت مضمون مانند در کت و همن
 رسته نظمه کلوب منکوش کوش ارباب
 هوش فکیرن فتح اول کار ارباب
 بو سخا و کلمه بار و نارون کت و همن
 عقل و کلمه کت و کت و کت و کت و کت
 فیه صیب کت و کت و کت و کت و کت
 در کون ز کت و کت و کت و کت و کت
 هر انده مانو و کت و کت و کت و کت

الطواغیت ذوی القلوب اربک ترقی قابل روزگار دہ تاثیر تاجی دار بود
 ظاهر و آشکار در دست روزگار اصداء بجا ز خاک تربیت اتمی قطره
 بهار لؤلؤ شامهوار و مزیدی و افتاب عالم تابیدن نوازش بیشتر ظاهر و پدیدار
 اولیہ کان جهان لعل ابدار و گوهر اعتباری حاصل قلزدی **مشہد**
 ایدر سے قطع منازل نوله دل اکاہ سمنند طبعه اولور تا زیانہ وقت شاه
 هر چند حکم جل و عرو من الطوق ذکر فضائل جلائل و تعداد موفقات و رسائلی
 محتاج تحریر ارقام و تحریک اقلام و کل در لاجرم مقصود اصلی که اشعار زرین
 انبیان ایک ادلی و احوی در مروج خط و حال علم و کمال ایلر و روح علوی
 ایتد کدن صکره کجسب الطبیعه البشریه لوازم شعاری طبیعی بر تنزل ایلد و گاهی در منشوری
 نثر ایلر جهانیا ننگ کردن و کوش و بر و اعوشن مزین و آراسته و گاهی لولو منظوم
 کبی نظم ایلر خلق زمانک ساعد و دوشین غمی و پیرسته ایدر دی اشعار بر صفا کمالی مخصوص
بیت قصه یوسف و زینحای نظم جان بخش و روح بخشاسی
 مشهور در اول کتاب بلاغت سماذہ اولان حصه ابیات در **دراشت**

کجی سیرینی فاش ایتد و کجی ناز	دوشتر زانی دلان تم بهار	در وصف شاه
نه امر اتمیه کنش ایلر دی بر بر	ز بر جدی و صر خامید کریم	بر این مشری ایلر د اسلا
دینودن چکوب سینه طغرا	در استوری	قرار مشن دکل در پای سینه
کنش دوشن دکل در سایه	یوزین کوره دیو چشم شاه	کجیلد ماهه ایتزدی نظاره
در وصف عیارت	دوزر لر بر گاره خوب با	که رحمت اوله اکیزه زینحای
صد کبی کجی بر در و گوهر	طشقی نقش صد نقاری سزا	مرصع سقنی کویا صبر پیشد
زلفان قشع نغمی کوی	روا اوتویوله چون اسب و	اولور صوا املان بر لر بر
حشا طولی انک بر گل در	ایر شنگ عمقنه طول امل در	در ترک دنیا

شور سیم کج و مالی ایتدی تاراج
 نوشته قابل اسم جوج اطلس
 چون اولد سگون چو کله و کله
 بو فاکه تیز اوله انشاسا
 قبا وصل اولور د جهان ایزنا
 اگر پیشنده اولد سیدی

در وصف محیا	کر خلق اولد غنی و کندی کجی	شور سیم کج و مالی ایتدی تاراج
دو وصف شب	چقوب با مینی ایلر د منوس	نوشته قابل اسم جوج اطلس
در دفع غضب	مداد شب بو یاد کاینه	چون اولد سگون چو کله و کله
در ذم دنیا	کر بن ابی سم و باد زینحای	بو فاکه تیز اوله انشاسا
اول کتاب مستطابک ابیات	اگر پیشنده اولد سیدی	قبا وصل اولور د جهان ایزنا

ملکت انکسایه حد و حد یو قدر بو قدر ایلر انکفا اولوب ترک الطناب
 بر تالیفی ذمی تواریخ ال عثماندر اگر چه اول کتاب بکلیتاً معنی نفیس در
 لیکن اکثر الفاظی صنعت خنثی اوزره بنا و تائیس اولمغله ادا چند اسلوس
 روان دکل در خارج حسن ایلر عدا و سابقه لغوی شکایت کونه بو ابیات دیشدر

ابن حسن اول قبیح صورت	شتر منظری نظر جهالت	با کونولر معارض اولر
خورشید کماله عارض اولر	ان اهل اولور معارض اهل	هر اجمده بو لنور ابو جهل

و فارسی نگار ستاوار در بعضیها کلمات حکایه در فی الجمله بعضی ترتیب و ادا
 ایلد و وجه حسن و بیخ ابلغ اوزره تعبیر اتمیشدر لیکن لطافت و تاثیر سخن
 سعده مرتبه ایلد و کی معلوم صغیر و کبیر در مروج نگار ستانده دیشدر نظم
 بهارستان نگارستان مانیت • ولیکن چون نگارستان مانیت
 و سلطان سلیم خان ایلر اناطولی قاضی عسکری ایکن مصره وارد قدح جمال الدین
 ابن تنگری سیر دینک نجوم زاهره اولو کتابی امر سلطان ایلر ترجمه اتمیشدر
 حکایت اولنور که بروقتنا سنه تقاعد ایتد کدن صکره انتقال ایلر اشجی زاده
 حسین صلیب اول سفر ظفر بهر ده اولور ایلر بدر سه دن معزول اولور ذکر اولون
 ترجمه تک سوه ده سین بیاض ایگه مشغول ایلر هده منلا زبوره بیور ایلر
 بن کتاب بکلیتاً نهما یک ترجمه سین خامه سیاه ایلر صحیفه د ماه کبی اوراق اوزره

هرگاه که سوید ایدم سز خاتم مشک افشان ایله افتاب چشان کجی غداوزره بیاض
 ایک فی الواقع خد مولانا هر کچه بر جزو ترجمه ایدو پادشاه ملک خصلت ایل مهران
 عودتده قطع فیانی وطنی سباسب ایتد کجی اتمام مرام مزوره طلب ورا
 او تو هر کچه فونقه قندیل ماه کجی هر غلرین صبا صیقر و شاه افتاب بر انوار
 فلک افلاک سوار او تو پادشاه معالی کردار دخی سوار سمندر هو ارا و لجه
 حضور سلطانکاره بر جزو حضور ایدر ردی مر جوک مع و نو اداری جوق
 و لطف و مطایبانه حد و غایت یوقدر حکایت اولنور که افضل و امانت روز
 نیچنا مدار لر بر وانه وار بر کجی مستلا نک شمع بر انوار دیدار نینه جمع و باران
 و نیشا نو تو بار کجی کلام فصاحت شاعرینه صد کردار کوش طو توب جمله سمع
 اولشردی اچلرندن بر یسی منلار فیعی اهل علم دکل ابا بولدوغنی کتابی جمع ایدر
 بود کجی کتابی جس اتمکن مرادنه اول دید کده منلادنی علمای زمانه دن کنایت
 و اینا روز کار دن شکایت ایدو یاران صفحا کتابی اوب اولنج ایدر لر
 بد بو جس ایدر مشجر و جس خود ایدنج اتمکن اولی ایدو کی ظاهر و هوید ادر
 دیو سوزلر وینه حکایت اولنور که صفا شوکت باهره اول سلطان سلیم خان
 فتح مصر قاهره دن عودت و اول مرزو بومد دیار روم جهت ایتد کده سلطان
 کامیاب و زرادن بری یا شوب رکاب بر رکاب عرض قضایای شیب و شب
 ایدر کن سمند وزیرک اعبان بر قطره جائه شاه فلک قدره و ارجق پادشاه نظرفون
 غایتده بخصور او تو قصد ایدر که وزیرک سرنی تنندن جدا و جدین الوده خاک
 فنا ایدر آخر و الکاظمین العظیمین عن انکس فوا سنده اقتدا ایدر
 بعض خواص و ندماسی شفاعتی ایلر غزله اکتفا ایتشدی ارته سی خد منلار شوب
 کیدر کن سم سمند حضرت منلا جائه دیبای پادشاه دنیای بر باره کل ایلر با

مت لایق و بلا س عاشق پاد رکلی اوده و رسوا ایدر کجی جان با سحر اوب
 چشمه سار خاطر عا طر سلطان قاهر مغبر و آینه ضمیر منیر خورشید تنویری غبار کجی
 ایلر مکرر اولدین مطمح مصحبت مقطع ویردین و افسانه پایانه و کلام نجابه
 ایزدین مجله غر و س کلام بو کونه تزیین ویزو دیر کجی پادشاه سپهر تکین
 سلاطین پیشین و خواقین روی زمین دن خلفا عباسیه دن ناصر خلیفه نک
 که آوازه کوشش همتی غفلت انداز سپهر دوار و صدای گرنای مهابت و تجاعتی
 و اهل قبه غلر دیار ایتد جهاندار که اطفای مکتش ازم تا باهی
 بر خوائ کل اجل کتاب قبا بخت عالیجناب دست نهاب ایلده خراب و سبب اولوب
 بساط خلعت و ساط ایلاتی بر خیزای یوم نظوی التما کجی التجل لکبت مطوی و تحت رو
 تابوت ایلر عازم دیار اخروی اولو افر وقت مرض موشنده وصیت ایدر که
 چون بر قبرده هم اغوشش سنگ و کجی خلده محتاج باین و سپر اولم فلک
 صندوقده انواع نوحه اهر ایلر مشجون و درون خزانده مکنون اول خشتی
 بکجا بالین رحمت ایلک کجی امید مغوت و رجای رحمت اول خشت سعادت
 خلیفه اخره حلت ایتد کده بر مقتضای وصیت اول صندوق کتور لر کور لر که
 انواع عطر ایلر ادرسته حویره صاریلی خشت بولوب انی جد خلیفه به باین ایدر لر
 بعده خواص و خدم و مقربان حرم دن سر خشتی شخص ایتد کجی کجی جواب ایدر لر
 خلیفه کند و یکن علمای کجی کلن جمع ایدو خشت ایتد و رو وصیت ایتد کجی
 قبرده بله دفن ایدر لر زیرا که رعایت علمای سبب دفع عذاب قبر و عتق فوز و نجای
 و اخرتده موجب دفع درجادر حضرت منلا بو حکایت نصیحت ایتد و رو ایتد
 انکیز ایلر انا غرضی و جنات سلطان و مرید دور ایدو روی اشنا کجی انوار
 سرور ایلر خندان و پر نور ایلدی وینه روا اولنور که سلطان کامکار ایلر و ان

ویدارنده نیاشوب کلور کن بر کرد یا پید او تو پادشاه ملک حاصلت و نهشت ملک
 رفت مثل حضرتند استفسار ایدر که قرمان دیار نیک کرد باد نه حد و غایت
 بود در خصوص مزبور حکمتی و موجب علتی و از میدرد دید که منتهای جواب و بر
 بود زدن کوفته شان اولی که تونید که بای تحت خط قرمانند حضرت منتهای
 مبط انوار و مجلای بر توی در اول جلد ندر که دست و طایع و طائر و طبری سماء ایدر
 است عرصه عشق و کور حضرت نوری طور مدین افی و وزاوت یولدا نشی
 حسب قرآن زما افتخار و دوزمان ال عثمان فاتح مالک ایران و توران حضرت
 سلیم خان سهل زانده سبط جهان مسخر بکران فرما اید و حربه ضرب و شمشیر قر
 بی غوری کاسر افسر غرور غوری و تیغ خون باز جانستان بعبلی بدل ناسخ بر و ج
 اسمعیل او تو اسکندر و از زمان قصیر و مده سیرده ربع کونی تخریب میشد بود
 تعبیرده بوقطع سی غایتده بی عدیل نظیر در **قطعه** از مده جوق ایش تخریب
 سایه او شیدا عالم گیر • شمس ایدر عصره شمسک • ظلی مد و داو لور زمان قصیر
 ماه شوال کجی کونی سنه اربعین و شمایه ده روح شریف و عظیمین جنات کرم و
 رحمن و رحیم و نادای یا ایته النفس المطمئنه از بی بر سلیم اید و کفیل فضایل دینو
 ایتدگن صکره تکمیل درجا اخروی به اشتغال و بوفنای غرور دن سرای بر و
 انتقال و ارتحال ایدی زما نه منده ظهیر اولی شاعر بی نظیر مولانا ذالینک روح
 مر قو ملک و فائنه تاریخی خارج دایره تحریر و بیرون مرتبه تعبیر و تقریر در بزور تاریخ
 مات تحریر در و مزار و مرقدینه هذامقام اجد و کفن نموت اقتباسه بی خالباس
 دید و کی کتابه قصر و زکار اولاد و اهل اعتباره روشن و آشکار در بو شمار
 غلت شعار حد مولانا نکیا دکار قلم بحر انار و نتایج طبع بر اقتدار نند در
 نیج طویله کورم سن کل نازک بکن • کند و کر بوم او لویدر بنگا کوزم دکنی

رک

عشق

چون اهر اودی اغزی اچدرم بنم
 عیش و نوش ایلر بکون که غم فردایی
 دامن کل صا نورسین ندرای یا و صبا
 غمگ صحرای زحمن دغانم صاندیلر
 بنم او بسم دید و کم موزه سینک کیکبیدر
 کلشک اب رو نه ساکا او یکمگ ندن
 صند کلکون او کد جام قنلو یا شمد بنم
 ای و کون شمع جمالک یوز نیک پروایه
 ایشکلن اشک چشم سائلین کل قلمه رد
 عشق ایلر نده سینه بلا کوهساری
 قنر ایلادی سر زلفک چمنیل خام لر
 دیدی دلبر شمع کبسی یا نه سویرسین بنگا
 اولدم قنی ترانه بزم فغان ایدی
 آیا حسن ایدی یزین لوج سینه ده
 صجدم ایوب کل و زکس کوزین

احمد شوار و روک مقدم و پیشوا سی و بو طایفه علییه تک تقلد و معتقد اسر دفتر
 اصنی فصاحت و مہر ملک برت بلغا خار و یک مرد دلیری و تسلیم بلا ملک امیر و
 ولی الدین او سی میکلا سوز و ابا و اجداد فضل و شاد و صلاح و سداد ایل
 موصوف در باب سابقه کلام مراده قاضی عسکر اوشدی مرتبی علما و اهل عرفان
 اولی خاقان فردوس مکان شهنشاه مؤید سلطان محمد زبور کس نه اقا بلتینی جو بیار
 تربیت ایل سیراب و کلش جنابن انار حنا فراوان ایل سر سبز و شاد ایل کل

مطلب اصلاحت
لحمه

نهایت مرتبه مدارج بلغمه ارتقا و غایت معارج اهلیته امتلا اید و ولوله کوس
 زمین وز ما بر صدا و اوازه شربت و اعتبار قبه بجزه جهان پرناله و غوغا
 ایله سلطان مجده خواجه اولاد قدس صکره وزیر اعظم و مدبر امور جلوه عالم
 اولشدر حقا که اشعار در رباب صحن و حکم و مهندک قصر بلت یا نندره
 بی تصور و سلم در شعر ترکی حالت و نزاکتی اول بو ویرد و چون استاد مقدم اولد
 خلعت صیفا خلعت مقالی الفضل لمتقدم طرازی ایله مطرز و معلم در فی الواقع
 بوند اقدم شعر ترکی سلا و نزاکت دن دور و دنیا قابلان کی جهت و لطفان
 مهور ایدی راقم هر وقت جدی اولامیری افندی والد فردوس مکان رواق
 ایدر ایدیکه احمد پاشانک اوایل حالنده دید و کی اشعار و مقاله جووق حالت
 حلت یوغید صکره امیر علی شیر نوایی او تو ز اوج دانه غزل کوندر رشید احمد پاشا
 اکا اقتدا ایتمکله اسلوب شعری خوب و طرز گفتاری مرغوب اولشید بعضی مورخین
 انی بخانی ریح ایتمک جاننی بصریح ایتمشدر در خجائینک که نامی عیبی در بر بویند
 ایتمش اول بود بیت بخجائینک دیند او بی همک کیدر که عیبی کلره آغینه دم اوور
 اما که طریق انصاف صد مر حله دور اید و کی ظاهر و کلام مزبور نهایت حسد دن صادر
 اولد و روشن باهر در احمد پاشا وزیر اعظم ایکن بعضی اصحاب بعضی ستم اوج اولد
 برینه عشق و محبت ایتمشدر دیومنی ضیانت ایله جناب پادشاه غر و غیبت ایدر
 آخر سلطان نکته دانانی حربه و امتحان ایکن هنوز کرمه عیشقه سوزا و زلف برین
 و کاکل مشکینی تمیله در هم و برین ایکن اول جوان بری شان ایله انی حقه قومه فرمان
 ایدر و سودای عشق فاش ایکن دلبریم اندانک زلفی تراش اندوز و خرد
 عشق جانان و نکته مرض مجران اول احمد بیجان اول طبیب دل جان ایلاب
 کوزدن خوشتر شربت جابر و در ارسال ایدر احمد پاشا دخی اول طبیب عیبی خصلتک شربت

ایچکده

ایچکده و کیفیت باده مست اولو کچکده بدیه بوینی دیر بیت
 زلفن کیدر ش اول منم کافر لحن قوم بنوز زنا رینی کمنش ولی داخی مسلمان اولمش
 پادشاه غیور خصوص مزبور دن کیر و بجز و نهائیده بخصیور او تو احمد پاشای نیت قتل
 قیو جیلر اودا سنده حبس ایدر احمد پاشا دخی جبرده ایکن کرم قصیده سن دیوب
 کناهنه اقرار و جرم و عصیانند استغفار ایدیکه پادشاه کا مکار و شکر بار ایدر
 و کافین الغیظ العافین عن الناس کلام فرخنده پیام اقتدا و بو خلق جمیلده اسلاف
 کبار و سلاطین نامداره اقتفا ایتمکله جرم و کناهنی عفو و اب لطف بجا بل نقوش
 جرایم و عصیاننی جواد بروده او تو ز اوج ایله اولو سلطان او رخا حلت ایدر رشید احمد پاشا

ای خطی که کفره سی عمان کسرم	باغ جود ابر کفکن طلوع باران کرم
تول کناه اتسه نور غفوشه شاه قنی	طوته لم ایکی الم قنده امیش قانی کرم

رتوا اولنور که اول موس قواعض و عرفان و بانی مبانی علوم و ایقان اول
 شمشاه نکته دان علیه ترجمه و الفغان قصیده مزبوره او قود قده بو کونه کوهر
 اولمش که بو غزوت بیباقتی و فصاحت کسا که وجودده احمدده نمایا در سلاطین دن اوتد
 وجودنه زوال و کمال فضله عین کمال ایریک امر خیال و محض خیال در والد فردوس
 خطی ایله مسطور در رتوا اولنور که احمد پاشانک پادشاه جهانک بعضی فداکار لرینه
 تعلق خاطر واقع اولو بعضی کسدر غر ایدیکه پادشاه تحقیق حال ایکن علامت
 استکده مزبور جوانک زلفنی کلا هده بنهان ایدر ابته احمد پاشا حال نظم مقال
 دیشتر فی حقیقه ایله ایدیکه فی کمال احمد پاشا کین که نظم اصل زلف دلا ویزی جو حبس کلدن
 کم ظلم این اوزاندی قتی فتنه لری وار شانتی کلام اشرف بعد حضرت ابرو قافنه متونی
 اول حضرت بر کو ارک اسرار طیبه و انار صیبه دن استلاد ایدو بو بر جمیع دیشدر نظم

ای عالم ولایتی سلطان اولامیر	وی ملک روده رحمت رحمان اولامیر
------------------------------	--------------------------------

ایچکده اول کفره سی عمان کسرم
 باغ جود ابر کفکن طلوع باران کرم
 طوته لم ایکی الم قنده امیش قانی کرم

بترجیح بندی دیدگان که در وقت حضرت امیر مزبوره ظهیر معین و دستگیر او سلطان
 اوکی سنجانی ایله جبر دل کویله شد بعد جراید و اسلام و صحیفات استقامت
 سلطان بازر یک برین قضا آنها و توقیع خورشید انجیل سید مصدر و زوی
 وجهه زینت است جمال سلطان مزبور و اشعاع کمال خاقان سفور ایله منور اولده
 بر سنجان اینک ایله مظهر انار لطف بکیرانی اولمش در بعده قصیده عمری مخطوط
 و انتهایه ایز و مانت حیانتان کند و به نخل صحنه ایله سینه آنگه و سمانده
 جوار ملک متعال انتقال و ارتحال ایله او اخر عمرنده بروده بحق بی ایکن برادیه
 محاذی سنده بر مدرسه شریفیه بنا الیش در ترتبه عالیسی فی اول بقا مقصود متوالی در
 انجیل روزگار و اما مثل نامداردن بیچارگه لر اول مدرسه سعادت مدار و فضیلت قراره
 مدرس اول شد و والد فردوس مکان را فی اول بقا مده افاده فضل و عرفا ایشد در
 بحمد الله تعالی و منه آذی توای بوقیر قلیل البضای و عدم الاستطاعه فی افاده تعلیم و
 ابلاغ و تعلیم خدمت و اول مدرسه سنیه و بعد علییه ده مدرس اولق و دو سال اول
 اول شد مرحوم مرقومک تر سنده افلاکون غلبه منب ت غت سلسله مکرر و مکتوب
 هذ مشکوة انوار لمن عده الزمکن من ممد و قرین ادناس تک الازاد
 راج مشتاق الی سبوحه قال روح القدس فی تاریخنا ان فی جنات ماوی روجه
 چونکه اشعار بلا شغری افواه صبا بلبله شهود و ابیات متا در تاریک دور ارباب
 مسطور در ایراد و اکتاره احتیاج یوقدر کن تمیز الی اشعار ایله اکتفا و اختصار اولده
 چین تفک مسکه بگزندم خط حسن بلدم کی برین سولیم بویوز قراسین بلدم
 لب لعلینک اچوب حقه یا قوت تری صدی برضنده شیرین ایلدر و کوی
 جان قلمز بونه لعل لب یار استین باش ویر ربوی سزلف سیه کار استین
 کونی کور کلدان کن اولمز نار شوق قانع اولمز جنت فردو دیدار استین

عارض

ع

عارض خطن قرمش اول شکر قنده سین	ای کل تر صفتن بی زحمت خار استین
مشکل بودر که هر کیم کم عالم اعلیم	عشقک یوننده اول فی بندن بر صبر
احمد عجبی جنت کویکدن او دور	بلزک ایله آدم لندن نلر صبر
اول کم لیلی زلفن کر کبر الیش	رحم ایدو کجونه تدبیر زنجیر الیش
حق لو عشقنی صبح از لدن احمدک	مهر سنک کیسی ای مه آسمان کبر الیش

اهدای ولایت کر میانه سلطان مراد هینک برادر امیر سلیمان شوا سنده و نا خان رومک
 اقدام قدما سنده زینک نامه اولو برکتابی خلق ارا سنده مشهور استی واردر بو ابیات

ایا خورشید بیکر جمالک مشتری نظر	نه منظر منظر طالع نه طالع طالع انور
جمالکدن جهان گلشن دورنگدن زمان	یکلشن گلشن جنت نه جنت جنت کونتر
یوز کدرایت رحمت اور کدر نظر قدرت	نه قدر قدرت صانع نه صانع صانع اکبر

و دیوان اشعارنده اول مطالعک اعلا سیدر که ثبت اولندی **بیت**

کوزم بیچ کور دوک و آرز بق سوره طه	بنم یارم کیسته بنم کو کلم کیسی سیدا
-----------------------------------	-------------------------------------

هدیه دو کین اولملر نذر انزعامتی حبیلی شوکت و ریاضی وار ایکن کوی
 فنا و انزواده عزلت اختیار ایدو وادی توکل و صبره رغبت ایشیدی
 فقر و فنا ی متعلق اشغاری و اهل تقوی و حقیقه ملاک گفتار واردر

زین ایکن جنت انسان ایلدر لر	تو لوفه آکا حوری و عثمان ایلدر لر
جان یوسفنی مخرج و دنده بولور	کنفا ایلینه اسکی سلطان ایلدر لر
واعظ بزی قورقتمه جهنمه اور اولمز	هر کیشی اودن نمنه بوندن ایلدر لر

احمد برج دبار و قله سپهر سینی بلند و رفیع و سواد لطف بنادی سما اهل کرم کی
 فنیج و وسیع اولنا شهر استنبول نذر بنا امینی حسین جلینک اوغولکنی در طریق علم
 سالک و نهضا فضل مالک اولود انشمند ایکن نهایت عشق و کسند که وجود بهیون

طبیعت او شید جفای لارا اید صبر و قزازه بجانی و کند و ده بار ملای یاره
 تحمل احتمالی او بچین حضور حضرتی مشقت سوزه تبدیل انگی اختیار اید و نبل کی اطراف
 و کنا فصری کشت و کذا از اینجند اندن دخی مهر پاشاسی اولاً اسکنند ربان
 او علی دروشن سیک اید قدس شریفه وار دقده روح روانی عالم قدس صانه طیران
 و ستیاج کجا ملک فناندن مقصد اقصای سیر اول عالم بقایه روا او شید و کان
 ذک فی حدود سبعین و تمانه علم اد و ارده بی نظیر روزگار ایدی بوسه مسس
 و دور چنبرید بخشس و مر بکثره داور دیار و مقبول مدوح صغار و کبار
 عمل و صنیعه صد نشینان کستان مقاماً عند لب و غفل و آواز اتمش در و دیار
 روم و نبل و غنی بر بقری اشک خن خونان عراق و حجاز او شید اکثر اشعاری ساده
 و عاشقانه و کشاده در ترکی و فارسی اشعاری و در در سرور انجام اید و خالط و
 کند و ده دخی بزم زاده لک بتمنی اولد و غنند فارسی اشعار دیگر دخی اقتدار و ارایدی

رخونای چکر چون لاله پر خون دامنی دارا	بسینه جا که از دست کل بر اهنی دارم
هر بلا که آید از آن قامت بالا آید	چه توان کرد بلا که ز بالا آید
رفته از جای خود از دست دل بی صلح	دست نه بر سینه جا که بدست آوردلم
بچید بوغز لنی خوب بخشش اتمش در	کسی چون وقتی آتمنی عادت ایتمه
عقلوکی باشو که جمع اید سفاهت ایتمه	تسخ بند یله صاقن قطع مودت ایتمه
ایده جانانیه اغیار اید صحبت ایتمه	سنی سوسن دیر ایسک اکا نصیحت ایتمه

عده قیطاس زاده دیکله مور و مشهور و مکارم اخلاقه موصوفه مذکور در زبانی
 لیاقت و استحقاق اید میر سخاقت او شید کند و لری یا یا باشی او تو عبده دیوان سعادت
 مدارده دو اندار عبده ار پنهانی بعد شهر امینی عبده روم اید بیمار دفرزاری
 عبده دیار بگرد مال دفرزاری او تو تحصیل مال میر عبده سی و کفایه لری او عین سخاقت

بکلی و بر سید مکن منسوب و ولدن کوشه و غننده عفت اولی در دیو اختیار مقام
 ایلوب بوز فرق بنک اچیه تیمار اید در گاه عالی متفرقه لر دن او شید اوره کوی
 سیره خواص و عوامده لب در یاده بر جای صنت انسا برار امکاه ارم این
 رنگ نزهت سرای ملب برین بر عشرت گاه وسیع و قصر دلکش و رفیع بنا ایشید نظم
 بنای مکن بذوق و صفا بدیع و نشاط او رد دکت نرغیب و مسافر و مقیم و مجاور
 اصحاب موت و از با فضیلت از اد و بنده و آینه و رونده اید اول قصر فلک غننده
 صحبت و یاران و اخوان اید الفت او زره ایکن سینه اشین و عین و تمانه ده بر خوی
 و ای نعیم لا یگذره الله هر قصر صفا موصوفه صفت قاصد صفا او تو کشتی وجودی
 غرق در یای فنا اولد بور بر ایکی اشعار انک گفت رندانده

تول اولدی قدو که کلشنده نمشاد	انگون اولدی شام غدن ازاد
تومز سین او یک بر دم الوکی	الندن یار شام داد فریاد
جفا طاشینی با که ایتنج	نیم ویرانه کو کلم اولمز اباد
مزاران طایع یقدم سینه یه بن	بکجا بر طایع اید بکر می فرماد
خون دنیا کی کشت یایتم سراسر حاصلی	ارایو بر دانه نخلص بو ییادم کندو

اهل جلی جامع اصفا و فضایل و کمالات و منبع انواع فوایل و مکرمات زمین و قادر و طبع
 نقاد ادراک دقیق و حقایق اسرارده مفسر یکا در زبانه ایضی و لولم کسینه نار و ری
 مشکل کشای کشف مشکلا جمهور و حل معضلات امورده کشف سر نور علی نور اول
 خیر کامل و عالم و قال مخر علی آروم جامع الفنون و العلوم سنان جلی افندی حضرت بنک
 او علی زیده العلماء المستجیرین قدوة الفضل المتقودین آنی علم مالا تعلمون طلیه و جللیه
 شرف نسب آن لار باشی کبیر اشرفنه علاوه و خزینه سینه و فضایل دینیسی نفود
 علوم اولین و آخرین طرف و ادا و اید حسین افندی بنک فرزند سعودی و در

کرامت و صف و جودی در کند و نک فی صحت وجود سعیدی الولد ارشد سعیدی
 بوالده سعید طرازی ایلامی و ذات فخره صفیة فضایل حسنی و کمال موروثی
 و کتب بی ایلد کریم و عز در تحصیل علوم مداوم اولاد قدس کرده قاضی زاده افندی
 اولو طریق تدریس لک عازم اولمش در ترجمه ری بر اولند قدس قرق ایچ مدرسون
 معزول و تکمیل علوم و فنون مشغول ایدی انشاء الله الملك الفقار شویله که بر مقدار قاید
 توفیق قرین و رفیق اولو کلزار روز کارده نخل ارچند و دو حصه برومند وجودی
 ثابت و برقرار و مریاتی و در زندگانی ایلام برادر و بر خوردار اولو که چکدن حساب اعتبار
 اشتها و اولورنجی زماندر که کلزار جهانده غنچه دل جان سیم کما کوهن بنده منفتح
 و دل قرین و خاطر نکلین فی کل زمانه و صین صحبت دلکش ایلد منبسط و منشرح در لاجرم خدمت
 شریفین تعریف و توصیف کند و کند و لرینی مدح ایلمک معناسنه عاید و راجع ایدونی
 منیر اهل عرفان روشن و لامع در بناء علیه بوذن زیاده کیت خام میدان اطنابده
 انکه بوعلی اولاد و ام شاهد مرالی اولو اسبابی حبت و جو ایلمک فخرت و یریکد بو اشعار انکه گفتار
 دایم اوسک رقیبه رعایتده یاریمز بر ایچ بوق یا ننده بزم اعتباریمز
 بعضی طب و مارب سعیر اولو بر مقتضای بشریت انکه ر خاطر اولد قدس بو غسزل
 شکایت کون راقم بحر و فادن صادر اولمش ایدی

علم و کمال و فضل ایلد در افتخاریمز	عالمده منصب ایلد و کل اعتباریمز
خاک اولو مویه شمدی نوله روز کارده	عین عدویه کور نکر ایلر اعتباریمز
برآت قلبی که چه شکست ایلدی فلک	خیر ایز انکلرین انکه ده انکلریمز
مختصر ایلد کاریمز زاری ایلدی	جو ق در ستاره ایلد بزم کارزاریمز
کرداب نمده کشتی دل قالدی حسن	بر کون موافق اولمیه می روز کاریمز
عدم ملکیت کم اولو لایق یار	دناک اولانده داخی سوز وار

من بنده سینه کرج او شاه ایز انکفات
 اعلیوب طور مزجهانه فاش ایدر عشقم دیونا
 دیزر قیبه داخی اهل ایتیمین نسین
 اول شمه قان اعلام بودیده خونبارون
احمد بیک صاحب قران زما مرحوم سلطان سیاه قلعه مسکواری محاصره ایلد که کتبا جناب
 روان اولو نشانی محمد بیک او علی در تمش بیک ایچ بیمار ایلد در گاه عالی توفیق بر ندر
 مدام اداره کوس کمال و معرفنده و دایا اهل عرفان ایلد معاشرت و مصاحبه طبیعت
 شعریه سی اعمال تمش و جو بیار سلاقت نظمی ایلد مال کمالی کمال تمش در
 اشعاری عاشقانه و ساده و معارفی کبی حد و عددن زیاده در
 بو تذکره یه تحریر اولمیشون بو فقیره ارسال ایلد و کی اشعار دندر

در عشق یار ایلد و شدم بلا و حسنه	با که بیمار ایلوب کیره طیب از کیت
کویکه وار و عجبی و صلک التسم ارزو	طالب دیدار اولو ایزر قناعت حسنه
و صل مشوقی ذوق ایلدی در پیش صوفی	بنجه بن و آل الیم سن او قدر رحمت بول
یکجه باشه حقیر عشق ایلد بو جهانده	ایلی هو اسی ایلد بخون کزریبانه

احمدی لطیف تذکره سنده سیواسد نذر دیش در کون طاش کبری زاده شقایقه سلطان
 مرادی غازی دورنده کچن عمادون یازو اصلی قلا کربیا نذر دیش ابتدا جاننده
 مرحوم منلا قنار و فن طبله تالیف اولان کتاب شفاک توفیق حاج پاشا ایلر کت
 اوزره صدرده شارح الهدایه شیخ اکل خدمنده تحصیل علم اشتغال ایلمک تکمیل فضل و
 کمال ایشردر روت اولور که مزبور بر کون شیخ طرفیقان حساب دلا و کرامت
 بر عزیز که زیارتنه وارد قدس شیخ مزبور احمدی سین ناظم و شاعر و حاجی پاشا سین فن
 طبله حاذق و ماهر و مولانا فناری سین علم و فضل ده کاتار علمی علم مشهور حله عالم
 اولو جامع علم باطن و ظاهرا اولور سین دیر فی الواقع مزبور رک احوال و اطواری
 دید و کی کبی ثبات و قرار طوب هر بری فتنده حساب اعتبار و اشتها را اولمش در

فی صفا

حکایت اول نور که قتل و غارت تیر ایل دیار روم دینی برتر و مشهور و تامل و تراکم
 انواع فنن منظر حال فاذاهی تیر اولو اما سیدیه کلکده اهدی تیروره قصیده و بر
 عیشتی دید و عرض کالاکردن طوایی اوزره عرض متاع معرفت استیکده تیرور دینی
 مزبور ره زغبت موفور کومر مکمل جمل خاصنه داخل اولو دولت تقرب و منادیت و اصل
 اوشیدی بر کون تیرور بعضی دلبران سیم اندام ایل عزم تمام ایل و خلال بیاسط و آینه
 کلامه مزبوره خطاب ایلالتقا ایلدو جوسج با ایلدی با نه اولو دلبران سیم
 و عالم لطف ملایمتده یکهانه اولو موشان پری سیکری بایه طوت دیدکده اهدی
 دینی کیمینک سیمین تنی دنیا طلوعی سیم وزر دگر و کیمینک قیمتی در و نداننه مضر خراجی
 دگر اصل و کوهرا بنج و فایدر دیکجک تیرور بنی دینی بایه طوت دیر شاعر مزبور دینی
 اولو مالک خزانین جهنم و ضابط و حارس کنج شایکانی اولو تیرور کور کانی سیم
 ایلدو بیایه تیرور مزبور بو قول منفورند رنجور اولو پیا کوز بنم فو طم سکسین
 دگر دیدکده اهدی بن دینی بایه طوت و غم فو طکر خوشین بر ایلدو ایز سیم
 نفس لایرده فلس امره دگر سیم دیر تیرور شاعر مسفور ک لطیفه سنن کظوظ
 سرور اولو جیب دامان غرق در و کهر و امیا میان بر سیم وزر ایلدو اگر چه تیرور
 اسکندر نامه می مشهور در لکن نه مقول نظم ایلدو کی معلوم جمهور در حقی روایه اولو نور
 اهدی کتاب مزبوری اعینا عصرینه عرض ایلدکده اند دینی بو مقوله کتابد بر ایوجه
 یکدر دیر اهدی دینی شیخی ایلدیس و لیلی و ایام و مشهور و انواده مزبور ایلدکده
 و انیس اهدی نامه شیخی اولو کجه قصیده دیوب ایرتیه سی اهدی قصیده بمر دینو
 مزبور ره عرض استیکده اولو مانده اولو اکابر و عین ناقدان مقول بلاغت و سن
 و صرافان بازار فضایل و عرفی اوغین کورر لیک قصیده ایلدو نظم کتابک اول قدر
 و انظ و معانی ده اصل مشابعتی اویوب اکیسی بر شکوه دن اقتباس اولدو دینی

اول نوامه عالم غیبیک بر ما در دن طوئل و غنی نور خورشید کی روشن و باطنی
 قصیده سنگ ایسه کتابک دکل در منع سند اخص بر قصور دیو متر عیسی رد اولو
 قبول و خستی بو یوزدن سند ایشرا بنج بوئی مشهور و اول دینی بو مقوله ایلدو غیر مشهور

فرصتنده دمنه ویرن امان	قیدی کیسی اویسر بی گمان
شول طواقم کیم بیهیسه اولوردی زور	بیدی انی قیغوسی نامور

احمد زور امرار بر عنواندن حساب قران زما سلطان سینی خان دورنده غم با نه رضوان
 اشعار اگر چه حدون بیرون در اما کجور در کلام موزون در جمله اشعار نیک ایلدو بودر

تار عشق کججهتم اودی یا ندر زنی	تشنه یم کیم بیدی در یا صوفی قدر زنی
کی صاق عاشق اینده زاهد ک افسونده	بیک کرا کومر ترسه بیچ ایناندر زنی

ادایی استنبول ندر غزاز بکر چلی دیکله مشهور در اصحاب فتن و از با مرفند
 مسانت انظ و ملا ادایی جامع لطیف ابیات و فوب مطامع مشرق ضمیر ندن
 شارق و لامع اولشدر طقوز یوز الی ایلدو ایشرا ار اسنده خلق جهان ار اسندن جانی
 کی زبان اولمخله عالم عقبا به روان اولشدر بو اشعار انک در

اگه مدی کیم کجه جهان ایلدکده باش	با که باش اگدردی خبری یغلا اول سرتاش
بولدی افلاکی طوفوز طونوب ایشرا سنی	قنقی بر جک کوبی سین بلسک ای ایشرا سنی
کوردم بولدن چیر کتد کجه بجز کرسنگ	کلدی صفندن انک ای قاشی یا تیر کرسنگ
جبتش ایلدو ازادی سوغ جمال	روح پاک ایل عشقی حسن تعبیر کرسنگ
کیردی برکز قولایینه ادایی اول شهک	کاکلی اوچندن اولو اه شکر کرسنگ

ادایی بیک ایتیه دندر اوایل حانده خاقان صلب قران مرحوم سلطان سلیمانک
 اوغلی سلطان مصطفی ک استانه انت ایلدو حیات شان اکت ایلدو مجتهد
 داخل اولمخله کچکدن دوسته صلح نایل اولمشید علم ادوارده بی نظیر روزگار ایلدی

اول فن پر عبادت کرده حساب استوار و لطف از حسنی صداسی کی قبول اولی الهبار در
 مرضی طباع اهل وجد و سماع اندی حتی شزاده نک مجبو بلندن غنچه کیوان در
 بر ماه شهر آشوب تربیع دیو شزاده سپهر اریاننده ضیاع اعتبار بوسید بعد
 حواد اول شهر یار که در وجودین تار و مار و روزگار زور کار و تقویت دیوان
 اوراق دیوانگی برین روزگار آید کده استنبول کلوبه زمره کت بخریه سلطان
 کامیاب اول قدون صکره آصف ضیاع صفا حضرت پیاله پاشا تک هلاکت سنده
 جام مرو و عطاسند مست و تمایل و ذره دار اول افتاب بر انواره مقابل اول
 منجبالیه به وصال اول شید قبولان یا سنده ایکن سینه آفتین و غمانین و تمایه ده عالم
 بقایه انتقال بلوب نامی اظهار فنا اید دفتر بقادون حک اولندی بو شکار انگ در

اسمان جنگ ای بر و هلالی سن مین	یوحنه کوزر کور مدک بر طاق عالی سن
تبع دن نیچون کچور دیر بو کون ای خطانی	رومده باش قالدورن یوحنه جلاک سن

میر لوالا قیا بیگ مریه بو بی بی اعلا و مقبول یاران صفا در **بیت**
 بهر شریف مریه بو یاسید البشر • بر سینه قیاشده کالغش فی
 از مری شرای روم که ما سندنر بیاض جبهه مالک دم بلاد روم اچره دلبر
 جبر اول بلده اق شهر دندر واسمی نور الدین اولخله از مری خلص اتمش در سلطان
 خان غازی دورنده سالک خطه وجود اول شید اشعار بجز کلام منظوم ایدو کی اراد
 وضت الیرتیکن وقتی عینیت بللم
 عمرز صعلتی مهر و حجت بللم || مهر عزیزک ایغی توزینه یوزر سورلم | کر قبول الیریه انی سعادت بللم |
| مردن اولدی غدارک کلام مستور | خطکدن اولدی شوک مشکنا به مستور |

ازری سکی ابراهیم اولخله ازری خلص اتمش در مرحوم مسم زاده نک باغ وجودین
 بر نال و اول دو صدن مقنطف مرفه و کمال اولو جلا خوانک اولی وار حنی و نال

۲۱
 و او انک شعر و فصیح در لفظ طبع و صد ذکا اید مورو و مکارم اخلاق و در اسم استغفار
 موصوف در نوجوان و نوسال ایکن فن بختده حساب کمال اولمش در استاد
 الا فضل و السلام شیخ الاسلام مفتی الانام مرحوم ابو سعود افندی ملازم
 صکره برادر بهتری محمود چلبی صحن مدرسندن شایخی اولغین کندوسی دخی اولوز
 بیک الحبه بیمار ایلد در گاه عالی متفرقه لرند اولخله بر قاج کون اگر چه بر شوق اولمش
 کن سابق قضا وجود بر وجود معارف مقنطین بخت قضایه سوق ایلدی حالاد فی علم
 وجود پر کالی یوما فیو ما برقی ده و اشتبا معارف و کمالی انا فانا تکلی ده ایکن
 شهباز روح بر فتوحی سنهت و تعین و تمایه ده شهر طرابکوسده بوسرای سنج منزل
 عناد و بحدن حدائق قدس صفا مانوسه طیران ایلدو بلبل جان ریج کلشن صفا نده
 اشیا ایلدی اگر قاید عنایت و توفیق اسباب حیاتی جمع و توفیق و سابق الطوف
 تأیید ملک مجید ارکان عمرینی رفع و تشدید اید و عمر و صیادت ن بهره دار اولیدی
 کر چکدن حساب اعتبار و آتشار اولوردی نیچه زماندر جبهه جام مرحوم روقو ملک داع
 خلندر لیدیم اولخله موصوف صفت صفا قلبی مقام ابراهیم اولشید بنا علیه مدح و
 اطر الزنده بو مقدر اید اکتفا اولندی بو بر ایکی اشعار بجا شت شعرا انگ در

و اراول ای روح روانم خاطر مدح	کوکند غیر کیزو جو زید کوکم بقدرت
ایدر انا که خلافتین شهادت بخنی	دل بود عوالی ایدر که اولیبه یارکده منی
اول سرو کلعدار کوزلن و صهی وار	اقتدی جوق کوکلدری مانند جو بسیار
خوقه زهد و ریائی صیغور و جاهد کش	صوفی تبیح و عفتائی کلفام دکش
اجیمز سن و ن و کون بجز کزار اولان	استمز سنر کو یکده گرفتار اولانی
سنم ای یوزی کل غنچه رعنا سنمی	ینه دیر سن کصاقن سوم صفا کار اولان

بو بر قاج ابیا حزن طرزنده دیدو کی کتا بدندر طبعی مشنوی ده ضعیفی چسبان در

چنانی بو نامرخی و بیشتر
 ازری که زمانه فتنه
 غاب اولمش کلام
 می اید و ایدر ک
 کوزان اولد و خور و زور
 هم بکنه زنده اولد جا
 قلدی شریف حکله
 اشعار ایدر کتا تاریخین
 دیو بر کچو ای ازری چو

نقش خیا نامم کتابه

و او انک

ای قلم فتنه که بحر ساند	خاطر اشقیه اول دنواز	کند و کی طوطی سخن ساقیل
جد مقاماتنه اغار قریل	ایله سر آغاز خدا حمدینه	اول شه قسیم بقا حمدینه
یعنی خداوند زمین و آسمان	نقش نگارنده انفتاح	تا جده خسرو خاور زمین

شعبه فروز فلک حارمین **اصحیح حبیبی** سخن وجودی که در کشت استو بدین رفت و رفت
بولوب بلدان روم ایچنده مرغوب اولنا قصبه اسکوبند در بابا سی قلی ابراهیم
دیگله موهو از با حرفه ایکن شمشیه طبع بر تاثیر زنده جایگیر اولنا جوهری ابدی
و اول تیغ سر تیزده اولنا استعداد مصقل اجتهاد ایله حلا و یز و علو اتمت و یسوی
طبیعتی ایله کسب کمال و معرفت و میل علم و فضیله مداوم اولنا قدر صکره مولانا نوره
ملازم او کو ادرنه ده ابراهیم پاشا مدرسه بعده مدرسه ایگوج اذن برونده
قبلوجه مدرسه بعده از بنفده سلطان اورخان ملازمی بعده سنه ثلث و ثمانین و سیصد
ادرنه ده دایمیت مدرسی اولمشدر مولانا معانی اولنا شاده بوتاریخ و کتبی
بهره تاریخ **در** عالم و اهل تفسیر و روشنی افق المده مستعد در اجدتیه اسحق
بعده جوی زاده واسر ایل زاده ایله کلوب استنبولده کی الدین افندی روم ایلی
قاضی عسکری و قادری افندی انا طولی قاضی عسکری ایکن زبورری ایله موقده
اوج کونده اوج علان آخان ایله تو هر بری قدوه جهان و سر اوزمان اصحا تمیزتیا
بو حاله جلسی مستثنی و ممتاز و هر بری کشتن فضل و کماله سر و سرفراز بود
فضائل و معارفده کند و لرینی ماه و سال فی الایام و اللیالی قال تمیض و ابی الامرام
و الالباندر در ایچکون بری اختیارات و اینوب غیر نیک شیشه قلب فضایل ایشیه لرینه
انک رکوردیو جلسی مدرسه لرینه کشتن دیوزن شاه جهان جریا ایچکین هر بری
یر لورینه رجوع ایتدکن صحنه خانیته هر بر نیکات موقور انضالی ایله تصور
بهشته مماثل و زینت ثوابت فلک نامنه معادل اولنا قدوه ارباب اسحق

ذکر اولن ان مرحوم اسحق چلیقی فی اول مقام و اول نایل اولمشیدی و کان ذلک سنه
سبع و ثمانین و سیصد و دیدم تاریخی صحنه شرفدر تاریخ واقع اولمش در بعده سنه ثمانین
و اربعین و سیصد ده ششم شرف انجا قاضی اولده کند و نظیر کونه بتاریخ و تاریخ
شهر ذی حجه ده غزم سنوی شام اولدی | شلام یا بغه تاریخی چشم اولدی

کذلک اول اراضی هندسیه و اول مدینه شام سعاده اجتهاد و اهل المعرفه قریب کوب
صالحیه نام موضع ظاهر اسحق اول نظیره نظیره یوزند بو مطلع خی کند و در اصداد اولمشدر

جنت قوتسی کلکه بشلادی شام | ایرشیه کیمی قافله منزل شام

فی الواقع سنه تسع و اربعین و سیصد ده روز سیر و زمرینه شام و لسوز ایل ابرو
کار با حیا و بهانه منزل عدم فنا محلی اولنا حالت نزعده بوتاریخ دیشدر
کلچک حالت نزعده دیدم تاریخی اسحق یوندم جاب صفا با شام اچق یان این
حقا که غزایب فضل الهی مبدی فطر تنده شمول مندرج و زعماب فیض نامشای شام
مکنون و مندرج اوغره فکده حاب فضل و فضل و قدرت کتاب رساله کمال عنوان
معارف و شیه بیت دیوانی اولده غنچه غیری فن و فن و سیصد ده شماره رساله اشعار
عنوان و رد ز با اهل عرفا اولمشدر طرز اشعاری عاشقانه و کشاده و الفا و اداسی
حسن خدایی کیمی تکلف و تصنعان ساده در بو اشعار انک در

خوب دفع ایتدک رقیب کل کتا جانم فدا	برقضا شود کیم ایتمز مسین قربا کتا
زادیم غصه و غم درد و بلا قافله	چکوب کعبه گو یو که کیدر راحله مزین
بو چشم چشمه ساز نیک عجب خونین اوقیا	مکر و اریه اول عینک جگر دغمنده در با
باده کم نوش ایدرم ایرود و شوب ایدرم	قطره قطره دو کلور دیدم خونبار بدن
دور حسنگه خطک ظلمه جان و دل الور	شول سپاهی کیمی کم عیده ایکی حاصل الور
ینه جان بقصدینه عسکر چکوب اول خط سپاه	ینه جاسوس بزرگ سینه یه کلدی دل الور

قد رفتی باین بر سره نوله وصلت که
 در دوسر ترا بر اهل اولنا استحق کبیری
 جانم عذابتی بزی تو ز منم کل ای حبل
 اغز و کی او بسم حکم کبیری کور دی جور و کی
 کونده بیک کز او مکی کدی ایام بنم
 نه امیدی صمیمی نایل اشکم جو ابنی
 شکنج خنک بلور لبکده دخی کوزل
 خاک اولد و نک قیکده سنگ بلورم دیو
 خل نمندی بچی کونده فرج و بر
 کوکل اینده سی صافی در آتا

مرحوم غایتده زند و طرف اولغدر لبران ایله ندیم و صرف اولوب صحبت مهوشان
 طایف و جان و دلان معاشرت و نسا و نیکه راغب ایدی جمله عمرده میر طردان
 و شرف قلندر اکی ز طایفه سنگ نر نرین طلاقه اطلاقه تبدیل ایدو آخر عمره
 کبیر دوستلق مدد میندن کویال تمشدر مرحوم مرقوم سرد فرتر صفا قضایلو عرفان
 و معارف و کمال ایله مدوح زمانه مقبول و در او معین سپهر سلطنتده افتاب رضشان و روح
 رفت و ایالنده خورشید نور افشان اولنا افتخار ال عثمان سلطان سلیم خان علییه
 رحمه الله المنان عربستان فتحده ایکن اشغال سلطنتدن کلال و تدبیر احوال ملک و دولت
 ملال کلا کده شیط طبع و تخنید خاطر ایجون انواع معارفده راستخ و ماهر بر قیاس
 طلب استیکده ارکان دولت و اعین حضرت مرحوم مرقومی غلط قاضی سی بر سولی
 انالی صغیر جلیبی و محاج قاضی کوسه بزی تعیین ایدو یات و بر اقرین کور و
 حضور پیر کوندر لر بونزدنی و از و یاده کردون وقار شیره و نکار اوزده ایکن

مطلب

بیلکده قلمبری و آلات و اسباب سفایله ال ادر لر پادشاه مرغ غضب بونکر
 ترک ادب ایدو کله غصبا اولو قتلکینه فرما ایدر آخر پادشاه سعادت استین
 بر خوی و کاظمین الغیظ و العافین عن الناس جراید عصیان نرینه خط استیجاب
 کناهی عفو ایدر انر بو حالدن غافل و ذاهل استحق جلیبی دستوس لطایفه صغیر جلیبک

تقدیر مندرن مشا زود لکیر اولو بوی تی دیر	ال او یکده بو کون بیز مله صغیر
او کوم الدی ایانغی بینی چقدی	صغیر جلیبی دخی مقابله دیر
ال او یکده بو کون بیز مله استحق	سک کبیری ضولدی کونه قالدی

بعده شهر یار سپهر اقدار شطرنج او نیار ایکن مزبور لر دعو ایدر لر بونزدنی
 و دستار و نملایانه وضع و وقار ایله حضور پادشاه کا مکاره و آل و شرف صحبت
 و دو مناد مته نایل اولد قلنده پادشاه معالی مدار بونکر اوضایه و اطوار زند
 تا ادب ایدو فی الحال شطرنج دن فراغت قیلوب نظم معارف و باطنی دره قنوعان
 دیو اجازدن امتی تقصد ایدو مزبور لر ایله جدایله مصیبت آغاز ایدر لکن بونکر
 لرین طبیعتی کج و لک ایدوب فی الحال حضور پادشاه بخش و مزل با شلیوب بر بر لیل
 اسب محاوره و لطایفی سوز و اولد یه کلای ایسی او قیوب سوشیک باشلر
 پادشاه ملک خصمال ابتدا مجلس بونکر بو حالدن بحضور اولو بیز صاحب استیک
 ایدی بونکر بی نوالر امیشد بو بر مقدار بخشش و نوال ایله یه بر لورینه ارسال ایدر
 و لاد فردوس مکاندن استماع ایدو که مرحوم جلیبی و پادشاهک غیر جلیبی بونکر
 ایدو در الطایفه شهر یار ستوده او صفا مزبور لر سه و منصفوبه حیل ایله استیسان شاه
 زخل کلدن رد ایدر کیچون صحبت مزل بادی اولور لر انر دخی بر مقدار توقف
 ایدر لر که مصیبت بو کونه اولور انر دخی موافقت ایدر لر لیکن ابتدا صحبت و مقدم
 موافقت اوغین پادشاه بونکر دن نفرت ایدو مزبور لر کفایت افعال و ذنابت

بیلکده

استدلال بر رتبه اول نور که مرحوم اسحق جلی سنی و تیسین و ستمایه ده عمری واصل
 لغتاً میقتار بانی و مبدأ کمال انشا اولو بلوغ حقیقی ایزد سنی اول است این معنی
 واصل اولدقه داعی توفیق حلقه انبیا بتی خلوتخانه دل جانیه اور و دلیل بدایت
 تو اهل استنابتی بشکاه خاطر بر انتباهه ایر کورتو زمان کهنه وصال غوانی
 خوش اولز و ظهور او ان شیبده شراب غوانی نوش اولمز تدرار کفایت که عنقوان
 شایده اولمشیدی توبه و انابت سز میسر اولمز و تلافی زلات که غلواء جوانی ده
 ارتکاب اولمشیدی تنذیم و مراد غیر متصور اولمز دیوین مدرسی اکن جمله ملاهی مناهنی
 رجوع و انابت اید و بت الی الله دیو تاریخ دیوب توبه ایش اول وقت دم حلقه دک
 دامن پاک توبه دست شکست ایریش و حریم غمت غمتنا طوم حرام کیرش حق تبارک
 و تعالی توبه قبول اید و بت اعلایه دخولن مقدر اید به بحر سید المرسلین
اسعد جلی و حقه فضل و کمالدن سر زده اولمش بر شاخ بر جلال و نال سعادت و اقبال
 منش اولمش غصن با کمال نو باده باین سعادت مند شجره شجره فضل و اجتهاد نور
 سعادت و فضل نور حقیقه جاه و جلال کوب اسعد برح مکارم در درج اشفاق و مرهم
 بیت در بوستان فضل سر اینه بیسی | بر آسمان علم در خشنده اختری
 چون او نزار مادر ایام دیگری | روشن دلی دقیقه شناسی و سروری
 بنا و ذات شیرینی مصدر سعادت کشف فضایل و کمال بیانات واضحی کبی مبرهن و تقوی
 اولو مثال نخت و اقبال سعادت اولو اخذ و مافم و اجد در که سلطان انا فضل برهان
 الامثال عان سیران فضل و عرفان لولوی لالی صد کون و مکان خواجه علم
 در بیجا بود و کرم منظر چشم عون لوری غیث اللام کان حن و مروت و صدق
 جوهر بذل و سخا غنصر فضل حکم ضلیک بادی کحت و عنایه الطایفه سعادت
 بلانایه لری مرشد و نادی و کلازلطف و حسن ببلبل دل جانک نوبه اولسته

۵۲
 باعث و بادی اولو منظر الطایفه عنایت سبحانی فضایل و ملکات نفسانی ده سید عالم
 الدین ثانی اولو خواجه افندی حضرت تریسه و زنده ثانی در بهمانا والد بزرگوار یکی
 بر فوای کلام رفیع المقدار تبارک الذی فی السما بروجا و جلالها سراجاً و قمر امیرا
 اسما ذات البروج در که بود کلو کواکب ثواب معلوم و اذن طالع و ثابت اولد
 و بی شبهه پدر پدر انوار لری بر مکتب السید الطیب یخرج نبایه باذن رب بر طیبیه
 طیبیه در که بود کلو نال طوبی مثال اذن خیران و ثابت اولد **بیت** نعم اللاله علی العباد کثیره
 واجلین نجایه الاولاد **بیت** بر جبهه طیبیه که با صدق اصلاها ثابت اوله مظهر و زهرها
 فی السماء اوسی محقق معلوم و بر نال بر فضل که خاک پاکده حاصل اولمش اولد برک
 بار کشیده بالا و سایه پرور اوسی مقرر و مجزوم در اراد از لیه کردن ایاتی
 قلیاید فضایل بنجامه مزین ایما متعلق ایشدر پس کجاست و کمر شدن بود کلو
 لالی کران قیمت و معدن لای غایه دن نیچ یوایت کرانمایه ظهرا و لسه نزیب دکل در
 و عنایت لم یزلیه کلتا جهان از بار بید و کرانده بر رونق و با فکته ظهور ایشدر
 لاجرم نیچ نال فضل نو کمال کشیده بالا اولو الحصان سعادت و جلال نشو و نما لسه
 عجیب دکل در حقا که ذات خورشید انار تنگ انق معرفت و فیلتدن بر مرتبه ده
 و طلوعی و ما رعین وجودی قرینک چنزار دانش و تکلیفده اولو جلال بر روز
 و نبوغی وار در که عن قریب عنایت کریم و عجیب ایلار جبار چمن جهان و اکیاش
 جنان ایل از نمان از نازد کر جلیل و مدح جمیلی ایل تر و صبح و مزین و صحاح **بیت**
 دایره امکان صیت و صدای فضایل و عرفانه مملو و مطن اولسی مبین و معین در
 هلال وجود بر اجلا یو مافیو ما تر قیده اوله رواد که در ایما انوار فضل بشمار
 اول خورشید نو آردن تلقی ده در و میدان جهانده ذات بی عنوانی رشد و رشد اول
 استقلال و استبداد بر سر ادر اول سلطان اقیلم فضل و ادانک انعت و امداد او زده

بیت یک ذره از شمای او کربان کنم | جمع اید از مکارم اخلاق دفتری
 بر خردم معامرسوم در که آبا سعاد و اقبال جبین مبیندن لعان صح صادق کبی
 ظاهر و ساطع و دلائل انجیل جاه و جلالت ناحیه ناصیه نندن ششع خورشید شارق
 کبی بارق و لامع در تحسین فضائل و کمالات علی الدوام مواب و مداوم و انام
 که انعام اکتب افضلی بدر ضایع اتمیوب تکبیل بوازم لطف و معارفه تمام رتبه
 جده و عازم در اولاد تیر ابیه کلامه ماصدق اولاد ذات نبیه لرنیک نظم اشعار ربان
 شعاره دانی تمام اقتداری وار در بر بربکی اشعار اول خردوم مامدارک انارکک
 سحار و نتیج طبع فضائل دتاری در جمله دن بعضی مامش کرام بر موجب عبادات امالی
 ایام ماصدق کلام و لایلتام شکایت کونه بعضی کلام ارسال استدکده
 خردوم معالی مرسوم بو کلام بلاغت انجالی دیوب کوندر مش در

ایناجیل مولی به از داد الوری شرف	انی نبی دل حل یصافی
لا تو ذین بالجفا قلبا نواک صفا	ایس التوی فی بل فیه نوافیه
ما فی النواد سوی التود الصیح لکم	اقتد بعلم ما قلبی و ما فیه

ایس انا طوی ولایتند نذر تحصیل علم و معرفت اید و طریق تدریس و تصاندن فرا
 استدکده صکره صدر نشین ایوان قناعت اولو مده مدید کافرستانده ایس
 اسیری خلص اید پیش در عبده قید حبس سردن خلاص اولد قده نواجی اغریوز
 نزل حصار نام قصبه ده منزل مقام طوب الام و انجاس نظم ایشدر بو اشعار انکدر

عندی زار ایدن ای دل بو فرد آیدر	غنج رخندان ایدن ستم کبی سایدر
بوی زلفک سحر ایدو کردانه بند ایلمن	شاشدی عظم ملام کوز کمدر قاشکدر

اصنی بیک خلقند صبا قران زما مرسوم سلیمان خانک بنده و بنده زاده لرندن
 و دودمان کثیر الکت ال شاک خانواده لرندن نذر خلص مزبور اشعار استدکده

و جوی طهر و پدیدار دکل در اسیر صحت و اهل صحت کینه ایدی بود و در حلب دیار نده
 ایشدر در اشعار که بیما مشال حقی رقیق قتل مالی دلخوا و ملا صدق حالی کل بر بو اشعار

کیم دیدی کم حیر و که دو ستم دشمن سکا	یکدر بر بو یوزدن اکلادن بی دشمن سکا
طور موسی طوبی بیجک ایجا کجی انشی	نچه دو سیمون دل اید و کلک وادی ایمن سکا
کر کجا کت سیحانی ده ویرنگ اصفی	بن کدای کوی یار اولدوغی ویرمن سکا
بر لواء از دنا بیکر جلوب هر بار زلف	عسکر خال و خط او مشدر رسد از زلف

اصول طعنه و منیع شعر اولاد وار در ایچک سندن سبکال نوع است اولاد اصناف
 کمال و عرفان فروع و اصول اید کفصل و معارف کلیه و جزئیه بی ابواب و فصول اید تکمیل
 صکره جذبار حمانیه و غلبه سحانیه دل جاننده غلبه و نایم لطف ربنا تهر خاطر
 بیجان اید و شوارق عواطف سحانی مشرق ضمیرندن لسان استدکده مضرده شیخ
 ابراهیم کلشنینک استاند اجتنانوار معرفت و عرفان و اقتباس انوار توحید و
 ایقان ایچون خدمت شرفینده دامن درین ایشدی عبده شیخ کلشن کلشن چنانده
 انتقال و بودار عنادن سبزه زار بقایه ارحال اید کده نیر و مود ایلوب کاه یکجده
 و کاه اورنوشن اوغلی عبیدی بیجک یاننده ایکن وفا اید و کوننده بزم فناک ایشدر
 ترک صحت بقا و طریقی صوفیانه اشعار و فقر و فنایه متعلق گفتار وار در رو اشعار

وجود مطلق کجری نه موجی کم ایدر بیدا	اناهق ترونی سوبیر اگر کجفی اگر بیدا
نچه زحمت جگر کسب کمال اید کجبه بر عارف	بیلی جوق قان یودر کان کجبه بر کهر بیدا
تصویر غیره قلم نقل قلب اقدسی	اصنامه مسکن ائمه بیت المقدسی
بر کوکل تیر بلا بیجانکی حرم کبسی	طایطی طایلی نوش ایدر غم نشینی حلوا کبی
اکسک یوق ذره جبر بری بدل خوب سکا	آه کم هر جای سین هر جهان ارا کبسی

افقایی افتاب وجود بر عنوانی مطلع شهر مرزنیوزدن طایع و خشان او مشدر

وگاه او بود که خدمت تا نظم دخی نظم الله حاله دنگ دحیرا اولور غرایب اشعاری
 و عیب کفاری وار کیفیت حالی اشعارند روشن و اشکار اولور

قول ابتدای بزی کبیر و حسن ادب ایلد	قیز مصعدین شاه لوند ار لقب ایلد
فرمان دل شیرین اکلور قسید لیلی	عالمده الهی دخی مصعدی جلیبیلد
شونده بر مصلحتم روشدی بنم سلطانی	کچرین کویک اکنیدن کبیده بن یولدر

امانی قدیم استنبول ندر مرتب اشعاری هنر اول مرحوم اسکندر چلبینک صاحب ندر
 معارف و کمال طالبان بر زمان خزینه سلطان کاتبلندن ایدی کاهی اختیار نالت
 و کاهی لایق خدمت تولیت پدید کرده داین اصل داین مرتب طوب بر آن
 اول حالده آخره ارجال ایلد تو ترک امان امانی ابتدای اشعار و کفایت حاله اولور

اولدر مکن بن خسته دلی اکی چک کل	جان نغمه نینی ایشار ایدمه لم یو لکه تک کل
ارباب نظر خاک رهک سدی سبور دیا	ای بوسه یار ایشیکنه بیرک کل
آنکته بنی بلند اولد کویله حقیقه کند اولد	یره کویله سنی ارطوز دل اواره فوش اولد

امانی ثانی از و سبج نام حصیه دندر ادبی مصطفی در مرحوم دلد فردوس مکان خنده منزه
 سمت کتاب و طریق زعامت سلوک اتمش در بعضی اصحا دست وارباب غزیه انبیا
 امانی دامانی منتظم و اشتنا بسبب احوالی فی بحله ملتئم اولور زعامت دیوان کاتبی اولد
 بجار زخار معارفه نخب روزگار شروانش ایلد آشنا اولورن بعضی لایق نفیسه پدا
 اتمش در حاله مرا قلبی مصقل کمال ایلد جلو و خزینه سینه سنی جواهر زواهر
 معارفه مشون و ملواییکه سعی تمام وجد و اهتمامی وارد در کثیر الکمال و مؤثر الالباب
 میدان جهانده جوکان بلا غلته ر بوده کوی اولد تا نظم بر کوی در تاریخ کویله
 بی نظیر و مثال در همایعی اولدر که اولد لبر با کال کبرک ایغنه وار غله ابتدال بود
 وارزن مغال لایق و لایحی اولمعه ارزان بها اولدر بو اشعار انکر

و بیجک

وصف دندانکی که دل بخرون سویلر
 طاق ابتدای طاقم بوجفا و ستم بنم
 دیر جهانده صورته هرگز کتور مدی

سویلر سویلر اماندر مکنون سویلر	سویلر سویلر اماندر مکنون سویلر
قدم غم ایلدی بو فراق و الم بنم	قدم غم ایلدی بو فراق و الم بنم
بر صورت ایلد کویلم اولوب اول صغیر بنم	بر صورت ایلد کویلم اولوب اول صغیر بنم

وزیر خود مستی نسان باشا خدای مینی دفعه تا نیده فتح ایلد که تو تاریخ
 دیش در عجب القدر فتح اولدی لیکلر مین دیر **امینی** استنبول ندر بابای
 کاغذ امینی اولمعه امینی تخلص اتمش در کند وسی فی بندکان صاحب و آن فلک کلینک
 مرد کزیده و کزینی قلم و بخت و بیایک ناظر و امینی در گاه عالم بنیاه سلطیه
 سپاهی او غنی زمره سندن در حاله دخی تکمیل معارف و لطیف کوشش و شعراء غایت
 شعرا ایلد جنلی و زرش اوزره در مقبول صغیر و کبیر اولد برایکی اشعاری تحریر اولد

کوز مسکن ده صهبای ایلر کوز و مز	کل کی الده قدح اولسه کویلم یوز و مز
جوره یوز طوقه کوز و طوقه بو غم خوار کند	یوز جویرمه کوزه لم عاشق دیدار کند
دیدم ایانکه بواشک فونیم سیردوشدی	بوسوز دن رنگ اولوب لیا جانم باکتر دوشدی
خشرده کورک اولدی اول هر وقایعی	خشر اوخون استر زای دل ویا مینی
بر تراش اول کاکلی رطوت صاق غافل میکل	بر قلی دوشد و کی یرده و پرور ز جهان پیش
دور اولدن اول بری رو دیده دن یاسم	یا کوز قالدیم جهانده او کذاق باشم کی

مرحوم لطف سلیمانک تربیسه شهید شاه شهید دیو تاریخ دیش در بیت
امینی و صالک بینه لطف ایلد ناظر قل
امری حدایق و دیاض برزیت و با ایلد منتها و سبج و استا ایلد غیرت فزای
 و جنبه عرضها اولد شهر ادرند دندر نامی امر الله و غیر امیری تخلص اتمش در
 حقا که دقت و نزاکت معناده ثانی کمال اصفا در اکثر اشعاری تمام مثال و
 شبستان خیال اوزره در اشعار بر خاتمه اولد تشبیهات حیرت فزای اصحاب

و غیرت های از با بخت و فن شریف نموده اول دکتو ادبتر شد که همیشه در پیش
 بی نام و نشان و اسم شرف شهبانی نامید او زبان تمیض در اشعار تمام و کمال
 بودند زیاده محتاج تحریر ارقام و تحریک اقسام در او ائیل حالند بعضی عیار گنگ
 اند و قنات تمیض و بولبت بمثال تمام حسب حالی اولش ایدی بیت
 بی شش آنچه جهل فلک اجتهادی قتی ترک ایدم کبی حضور آنکس چون شش جانی
 بعد مرتبی علما و دستگیر اهل عرفا و صدر جریده فضل دورا مرحوم والد زود
 ملک و جنت اشیا ادر نه قایمی اولد قد منصف توتیلدیم خان ایله دل خون
 شادا و غنچه خاطرین کل کی خندان تمیض سر و کبی استقامت علم مشهور جمله عالم
 ایکن بعض اصحاب ظلم و عدوان و برنج ارباب عتو و طغیان مزبور بی گرم و جنایت
 و غدر و حیث منزل ایکن امری خشن او کوزلف دبر ایکن بی پشیمان و دل مزور
 کبی در بسته و حیران اولد حقا که روز کار زور کار و جرح کز رفتار که میزان و معیار
 کبی کان قسبی بر کوه و ابدار اولد کز برین زیر خاک کویه مغلس کبی تندی اولد
 ادانی و اراد لک مقامن بالای اولد ایدر مزبور ایتدی و کی جور و جفا و خشت و
 عنای کسینه ایتدی کند و می دخی بو معنای بعض اشعار اید اشعار اید و ایتدی
 صوفی مجاز اکلدی یاره خبستم عالمده کیمه بلدی کسیدی صیغتم
 بر کوه هر که خاک سپاه کجراه قالمشتم حراف دهر بلز لب نوله قیتمتم
 آخر هزار فقر و فلا و شمار خشت و کربت ایدی بیانه مثال بغری خون و انوار الام
 و استقامت حالی دگر کون اولمشد بوالده ایکن اجیبوا داعی اللد فرمانک مثالنه امثال
 اید و سنه اشنتین و ثمانین و ستمایه ده جوار ملک متعاله انتقال ایدر حال ایلد کما کند و
 خانسی و صفنده بوبیت مرغوبی غایتده خوبدر صغیه اوزفا کسینه ذوق و شادیدان اگر
 کور خشت خانه مزامری بود در دایرم بعض اصحاب حد مزبور جاب معنای اید مقتید

اولد و غنچه

اولد و غنچه شهباز طبع هوای سوز و کد از ده پرواز ایش در الفاظی کسید
 دیوز بان طعنی در از ایدر آما که خلا واقع اید و کی کون کبی روشن و لامح در اول
 طرزده اولد اشعاری فی بجد و شمار در بو اشعار اول دادیده اولد گفتار ندر
 چونکه بر عاشق دخی اشرک ای شده کند و کز غم ننگ جلادی تیغیلد ایکن استن بی
 اگر شتر اولد لیسیم اول قیاس قد نکار مده کرم بخشده کو کسم دو کر کسنگ مزامل
 غبار اوسم ره کو کیده قومز توزیدر آهیم الهی سلیم بوروز کار زور کار مده
 یارمز بو جهانده نیلر کسن کلی یوق بوستانده نیلر کسن
 چونکه عاشق دکل کسن الی مری سولیه کوی فلانده نیلر کسن
 جامه در بز مزده بولقوز مینا بزیم قاره سیره دو کد و کوز جوعه در یازد
 کوردم ای لنت استر ویر که دنیا مراد اکه منت تیمین قور تکدم اولدم نامراد
 نه نولال ابرو سنگ بر مانگه دکنز نیجه بر مانگه و اللد بر طرنا غوکد کز
 دیوانیم کور کسنگ قد لاله کونی ار تر یاری کور شید الرک جنونی
 و بو اشعار غنچه اشعار جانب معنای خشن و رنگین اولد گفتار بی نظر و فریند ندر
 ایا یال ایلد کیسوی عبیر افشانک قور و غن بجه نکار او یور اتر در مانگ
 نیم جان کور بار اولد و غن چون شاه مز جانک اولور بر غنجه سید ایدر غن لعل بد خندان
 کور دیکم هر دم ستون خانه آهندن نیز بی ستون ایتدی و از و فرهاد کسین کسن
 حشر ابروی کسینکه نونک قدی خم نقطه قوش سیه اوستینه انک دانغ غم
 خورشید رو یاری چون ایلدیم تماش بر ذره سی اکتیده کوردم نیجه شریبا
 ایکن فلک ایکنی دال ایت دیدار کده اکی قاشک ایکنی را مصحف رفتار کده
 عاشق نال در دجبران ایلد کریا اولد قدده دلبران رفان انکشت حیرت دندا
 فکره قیوب حال عشاق حیران اولد قلند کنایت ایدو دیش در نظم

۵۸

مرحوم مرقوم فقیر شویله حکایت	
اندریکه بوزلی دید و کده بلغای رکت استوده	
صفت ریشها و قد و بلغا مولانا در مرقوم او قد و قدده صاحب اصحاب ظهور	
نحو استماع و افتاب مراد فقیر نام از زمین فو اذنده طالع و لامع او و حیوان	
بلا نظار که معناسی نیه بواقف نامدن آنصار ایتدی بلر بعضی بایر اینها بونیک معناسی	
عاشق بی صبر و قراره اکاه اولدقه دلبرین امر و حال عشاقه حیر اولد و غمندن	
انچه قیامت وارد دید بیری اواقع لعل دبری لاله شیبیه ایتدی بوبیت بی شیبیه	
بر ذره کون یوزنده تماشای کلی	
ایکی هلال اولور جو طلوع اید و تابان	
صفت مبالغه ده بو خجاری قبول اول الهبار در	
استخوان تن امری که قضای غده	زاع تخت دوش و پیرانی مقارنه
شوقه در جسم ضعیف ایتدی خالک هو	اسم اولور در قبا اکنه بر کسی
لومیا نیک هو سی شویله ضعیف ایتدی نی	بر فلک ایدنه سکسم کور بیز کم
چونکه محتیا بر خیاک مر و حجت کی مشهور جمهور اولمش و بوی لجوی نزاکت و لطافت	
قبه مشام خلق جهان طومش و هربری افتاب الملب کی شیخ و شایاننده مشهور	
داکتر مجموع کرده مسطور در ایراد و اکثرینه احتیاج بونید و کی جای عناد و بی کلد	
لکن بیز خا اولور دیو بر ایکی مقامی کریر و تسطیر و اولندی با هم کنش	
ماه و پروین کنش چونک و برر باشک	هربری مهر و کبر کو هر شار اتمه نول
کلور کور و بی فرزند اول مرتابان	تقابل بوزنی ایتدی جان کی بی پنهان
لطیف شمسی خلص و بشارت نام فنی مساده قدر تالی دار بر جم و ایددی	
طینت یاکی مسکله غنبر	ابی کوثر هو ای جان بر
کثرت جو سیار ایل نمودار	
جنات تجری کتبا الانار اول شهر ادر نه نگ باغ بهشت اسارنده ذوق و صفا	

۵۹

گاه عیش و عشرت اید و کماهی عره و صفا ایدر ردی بر کون شمسی مزبور امری

سویله و کی سوزدن طبردار اولسون دیو بر قدر ابرار ایل حیران و باغ دماغندن

مرغها پرواز عظمی بر آن ایدر که مزبور مغلطه ایتمکجه کل و یار ادر اسنده

منفصل اید امری دخی بو صیدرن غافل و ذامل بشارت غبار سیوقان زل اولور

مزبور شمسی امر نیک کور بنکی اولد و غن کور و کور بکن امری ایتدی بونیکه اید و کبیت

خوردم بار دیر امری فی بالید ایه بشارت اسمنه بونیتی دیشدر با هم بشارت

زارم زاه و ناله بسیار مقفل	دارم رخت خویش همت خراش دل
و تاریخ ده دخی قدر و نهایتده مهارتی وارد در عمده سکو او زره بعضی بار استک	
و فائده بو تاریخ خوب در هزار دن فلک دن ایدر بر کلی آه نر بو صرا تاریخ	
اولد و غمندن غیری هزار دن که بیک در بر کلی که لام در جدا ایدر یک تاریخ اولور	
و اکابر علما و اعظم فضلادن ادر نه قایسی اولد مرحوم رهبا افندی جلفشادن	
بزم بقایه ارتحال و بودار غمندن جوار قرب انتقال ایتدی کده بو تاریخ بی نظیر و بختی	
اولمش درع ساقیا بزم جهانده رهبا یا بودیش و عظام ایدر میکلمه و بر شریوار	
ایدی که دایما اقوال و افعا خلق نرای و جدال و عباد و اعالی سمع در یا نصح و	
پندی ادانی و اعالی به جور و صفایمیت کاری و پیوسته انکاری خاطر شکنی و	
مردم اذاری ایددی سنی جواد سینه سینه مثلها روشن هوید اولوب	
سنه احدی و سبعین و سمانیه ده بعضی گسنه لرایه خصوصت ایتدی کده مزبوری	
نادیب ایچون حسب ایتدی کلرنده بو تاریخ عجیب و غریب واقع اولدی بیت	
بر عجب تاریخ اولور دی امریا و نکلک باشین سیدی شاهز	
و مرحوم عبید نیک پذیری اولدنی خلیفه جوار ملک لطیفه انتقال ایتدی کده	
بو تاریخ زیبا و خوب در حسراء روح یا کینه نینک صلوات	

امیدی بهیض انوار یوسفی و معروف مقام حضرت سلطنت نباهی سواد علم مظهر پندار
 عالم اولی شاد استنبولان وزمره اصحی لطف قبوله نذر تحصیل علم و کمال و تکمیل
 فنون و معارف اشتغال اید و بیخ زمان بوستان افندی مرحوم کشتن فصاحت
 خوش چین و استان امانی آشیانده سر بر زمین اید و نهال امید ی با نور صورت
 مانوس مرات حصوله جلوه کراویجی قاضی زاده افندی به استناد اید و اول اول
 باید بر اید اول قد صکره شند و اربعین سحایه ده عالم عقبایه ر و او و شایه
 جان بهشت جاودانده اشیا ایلدی تقا که بلغاروم لفظ مصحوب بیاننده شعر خوب و گفتار
 مرغوب ایل محدود و محبوب اولی اشرا کت نامدار لرندن و کشتن فصاحت بلبیل نغمه سرا
 و مند و ستایشنگ طوطی اشکر گفتار لرندن در توریه و ایهام جانینه میل تاجی
 اگر چه باقی طبعینک اشعار غزل سمانی مرات ایدینوب طوطی طبعی کاکوره کلم و بلبیل
 اول ایدیه ترنم ایلمی عادت ایش در لکن به بوجله ایل صاحب دیوان فایق الاقران
 ایجاد معنایه قادر بر عینون در بوبر ایکی اشعار انک رقم زده کلک تکار نندوز

پایینه طاقنوب نینه بر تیغ زر تکار	آیردی کجوردی عالمی اول شوخ سحر کار
جور ایدرد و نود و نه حلقه ذکر ایچره تکار	سوزه کلد که دفاز کین ایدر اول دلدار
ایانده ساله دیوزلف غیر افشانی	سرلدی بونیه اول افنگ کربسانی
خوام ایدر خسته بوکون نازیل اول سرورون	ده صفاده نه توز لر قوبرد دامانی
بوکون کلدده ساقی ساغر اللق دست دلدار	همان بر کل قوبرتی کیمی در شاخ کل ترد
عالمی فصل بهار ایلدی کرسر و چین	بشلا کی نغمه بلبیل نینه هر وادیدن
که کل و ال و ک غنچه به شید ایچنور	دالدن دالاقوز مرغ نهال گلشن
ساقی بزم باد کوزک و لاله قام	اکسک ویررسه غیر کیمی بزدن کیتام
جنت انگلسته رنگ خاطره ایلر آدم	کعبه یاد اولسه سر کویو کوه دار عالم

دو شمشیرین خاکپا یک قوبنی | دو ستم سنده کور سکا دوستی
 اولزدن مقدم بعضی امراضه مبتلا اولدقه بو مطلق دیش در **بیت**
 صر و قور جمیم زارم ایتدی التون | اینی خرنجک استر کیمی کردون
 بردلک سیم اندامک عشق و غزالی ایله مثال حمام اشک حتمی ریزا و سوز در و اول **بیت**
 حزنونی سوز اولدقه بو یعنی دیوب دیوار حمام بار مشیدی **بیت**
 نوله اول سمان دلا که نقد اشکی خرج التسم | مثل درای امید ی چونکه حمام کیرن نوله
 خاتم شوار زمانه خاتم مثال قبول خلق جهان اول باقی طبعینک خاتم قصیده نظیره ده
 خوب واقعه ایشدر التون ایدین بقر ایلر حذر التون زینهار بولید ایلر طاقوب ایلره نیر خاتم
کیم حکیم مثلاً او سیک او غلیدر عجم زاده در فن طبعده جالینوس و ارشهرت شعرا و معین
 در کاهه لاطین ال عثمانده حکیم و طیفه دار ایدی معارف جرنیه ده صنایه طولای
 و سارک افسانده بهار تاتی اولد و غنچه غیر مالک حسنی ایدی لکن کوه قوت قصیر
 بلا ضیاع خود بین و خود نمائک ایدی ترکی و فارسی و عربی شعوی وارد لرندی
 سلستک دور و کلای لطف و حالتدن بهور دکل در بوبر ایکی اشعار انک در

سودم کور کجست یوسف نقیابی بن	کوز کوره با شمه صا تون الدم بلا بی بن
خط غبار نیک اثرین کور مدین هنوز	ای کلغزار او قودمدی بود عالی بن
چهره زرد دم نیم خاک در دلدارده	چهره دو شمشیران سپر اغنیدر کلارده
چنون چه کیمست و کوه کن کیمست	در عشق بتان منم دکر نیست
و خلق کند و میرک دیو تصغیر و کثیر اطفال و یروب بو طبعی دیش در	
کوچکی مانع بزرگی نیست	اگر ترا اکیمست خواجه حکیم
بس بزرگ است یک نزد سیم	راستی مرادین نعوی
امیری مظهر انار امن و اما و ما فرمای زمین و زمان اولد مرحوم سلطان بایزید خان	

این بویجان نه سیم و نه
 مکتوبه

زمانه تقیب الاشراف اولاً شرفاً و ثانياً اكرالاً زنده انحاء النقایه و كجلا قده سادات
 سعادت بناه محمود بن سید عبد الله در مولای بر و در مرزوری منهای علم
 جامع العلوم و حکم مولانا قوی مرزوبوم دیار روم قدمش بر روم بود دفتر
 سید مرقوم بنیم محصوم قالمین شرف سیادت نظر اید و بیملک انرا میراث در لوقا
 شواهد بنیم اولاد فیمندار او تو زیاده اعتبار بود دیو فروری او غل اید بنوب
 تعلیم و تربیتده مهر بردار بنین اظهار ایشیدی بر خدا تحصیل علم و معرفت ایتد کده
 در غده سفر و ارزوی حسیا قرار واق نشد و میوب بر خدا اطراف دیاری
 صبا کی گشت و کذا ایتد کده صبره جانب وطنه نمود و در حبت ایشیدی اول انشا
 اول سوده او صا فروری تقیب الاشراف اید و ایلان وجودی کند که بدر پرورد
 اولوب مقبول و منظور ظهور ایشیدی آخر عمر نده و طبعی تیش ایشیدی مرقوم
 سلطان سید خان علی بن محمد و الغزان سیر سلطه جلوس ایتد و کی ایامده دیار فرادان
 ملک بغایه خرام ایشیدی سلطان بایزیده رید و کی قصیده سندن در

اکمی جهانگی اکی بایزیده ایتدی لطفیل	خدا قیوب نظر لطفه هر برین منظور
برسی عالم منسیده شتره افاق	برسی صورت و معنیده کون کبی مشهور
برسی هبط انوار فیض رحمانی	برسی رهبر ظهور غازیان غیور

امیری دیگر اسمی محمد در کتار نیک برادر کمتری در امیر مینیک او علی در سادات قسطنطنیه در
 تمام کبی صنایع خطده مهارت و فن حیب و اولوب بحاسبده ضعیف قدر اولاد
 غیر سلطنت نظمی سی دنی لطف و قبولدن بی نصیب و اشعار صفا شعاری
 نوع لطافت دن بهجور و نزیب دکل در بوبر ایکی اشعار انک در

طوفان قلب عدویه ایو وار رترک	یوز جویریز نیه صالک کوزه لم تمشیرک
بنفش خونی کوزین کوردم اول افتاد	حالت عشاقی تماشا ایتکه اجهازدن

منسور اناحق دید و کن ایتد تقیب
 امیر سید محمد بن سید اسلام در قصبه ابلی ایوب الصاری اندر مرقوم استاد و استاد
 شیخ الاسلام ابوالسعود که فرزند اجد علی دن ملازم او در حال قضایه مشتمل و استاد
 کثیر الیکاه و صف لازم اولاد صفت سخا و اید منتصف مشتم در شعاری بشمار حساب دیوان
 شاعر پر شهرت که منظور اصحاب نظر و مقبول اولی الاخبار بوبر ایکی اشعار انک در

بنای صبر و سبیل نیک جانا خلل و یردی	بلر بودی تحمل باری تن لواری بل و یردی
جهان المدی عالم در اشتیاق کوره	دو کون و ارطیدر نام افتراق کوره
زرد شدی غلایطه مکر باده دن عرق	ضییع دم اولدی بزمره بصمدی ایق
یاد ایتد و کی بحر منی بیر اولدی اولدی کم	دیک کتورمز آدم علامده سوز الم

انی زیر کناده دیکله مشهور و زمره قضایه ضعیف شان در یا ایل مذکور در مرقوم
 مندر و جامه خوار و بالینی و خدم ختمنگ کال تیز بینی و ار ایدی گن مغلوب برش و اید اولدی
 مرتبه جنون او تو افکار در ایت و او اقبصتد حاکم کلیدی یاران صفائی هزارت ایل
 بخار نشد دعوت اید و بر جزئی نشد ایچون انی انجد و اوضاع غریبه ایلدیکین زهر ایدرد
 اما تعارف و کمالا بشمار و خوب شعاری و ار ایدی طقوز یوز تمشید بی
 سینه انتقال ایدوب بوبر ایکی اشعار انک گفتار ننددر

میانندن خیر صور سبک اقلیم صمدیه	و تسی کوه بلبلوده اشتر بر ایچیه بولدی
کوزرم ای لایح بچر کده قانرد و کلدیلر	عیشین ایچون بزم بلایه ارغوانلرد و کلدیلر
الدیر ناز کلک ایلد اغزی سترندن خیر	غنجیه کلشن ده سوسنلر ز بانلرد و کلدیلر

انی بکرتیره لیدر هنوز بر نوجوان نوسال ایکن تا لک مقابل بمثال اولوب
 جمال زینبای کبی شتره جهان و پسندیده ار باب عرفان ایشیدی بیت
 یازلش صفا نوح صبیح اوزره ابرودر
 بزنجت سیام بلدور ریه قاره یازدر

منسور

کوکل شول کلو مایل در قد موز و خوبان کوریکه نینه هر سر و عنانک بر قصود

توری وجود بر عنوانی بلدان جهانک مهر انوری و عالم حسن و مهنگ حساری
اولا شتر استنبول اندر جیدر که مرکب فرشتی انکارا یکین او قیوب یازمقدن بهره
اولیو الله کتاب خاه المش و خست ممتنی زمین قرأت و کتابیه سالمشی عی و کی
ایله بین جمهور شهو را یکین شیوه اورد و مک بنا ملندن مذکور در او قیوب یازمقدن
دکل ایکین بقول معنی دار اشعاری و لوق نوادر روزگار دین اید و کی روشنی
اشکار در بزرگما اسپادگانی حال پریشانی طاعت در فال صیدر عتبه سینه
داخل اولو اولن معاخذن بیاض مرام حاصل ایگ جاسیله خائنده خارج و
اولا امور مال و جمله حاله کنده اولمشیدی انده دخی منتظم ال احوال الیومی عافیه
العابیه قرأت اید و نینه اسکی صنعتن عود و عزمت ایلدی حاصل تفرقه بال و شوش
حال ایلدنیادن انتقال و ارتحال ایلدکی انوریکه جهلمنی با قیوب و مرکبیکین بیزینه
دیشدر او جمل مرکب در کتبه در کاری جهانده انوریکه بیسیه کار اولمشو
مربوب اشبار لفته نه ایتده مهارت و ار ایدی قتی میری تونبار ده جی اولو اولو کنده
اولمشیدی روح لکاسیدن علیة الرحمه و الغفران سنه ست و ابرین و شماری ده شهزاده
سنت ایتدکه کج ایلد اشبار لوق ایدرکن بو ابیاتی دیوب او قور دی بیت

سکانت ای شاه عالیجناب	یدی قلده زرد ایدر انقباب	اوپا و پاپیک ایا شمسوار
ایا فلندر بدر اشینی رنگا	کورد ایا تهلوق انوری	بلشیری ایلجه ایلکی جنبه اب

بویرکی اشعار بلاغت شعار و فصاحت دتار انک گفتار نذر

نیده بین سخن چمن سیرنی جانانم بوی	بر نیجه صانور سر و حراما نم بوی
بفریکه پشته داغ نمک اودر لقیه لی	قلاوم ایقده قره باشم در مانم بوی
ایطوطی دلدی لبرسن نازک سیمان سکن	جهانده بولینور بر طوطی شیرین سخن سکن

جو انلی قماش ایدی بنم انوری سینم	اولدم دم و صلته آنی یاره صابرک
غیره شربت بختیزان صوزسک چک یین	جلدین اوسته بر قطره دو کرسم لک یین
دلفکله فطک علم و فن بختن ایدر سب	سیری قره جمل برسی جهل مرکب

رحوم احمد پاشانک بو صحرای خوب تضمین ایتیش در

ایکی ستم طلومی دستمی صدره بنم	طوته لم ایکی الم قنده ایتیش قانی کرم
هر یا که بوی کا کلکی تار و مار ایدر	قالبه صبا ایتد و کی بوروز کارده

ای روح ایلندن نیکیو لیتد با سینه سیدی حواجه دیر لر مالک در هم و دنیا بر بالدار
تا جرایدی نامی حسن در با با قوت ایتدکه ده جانب طریقه علم و کمال شد حال
استنبول کلوب تحصیل معارف و کمال ادا اوم و طریق بر توفیق علم سلوک ایتمکله لازم اولمشد
حقا که شوهر و مک اعلایان و بوطایفه تک ممتاز و مستغنا لر نذر اشعار دیکشا
و ابیا جانفزا سی مقبول و ممدوح و مکنوران عالم در خسرو شیرین دیشدر فی انواع
کتاب زبور بر نظم متین و کتار صیدن در که ابیا شیرین و کلام رنگینی نقل کور کوشین
ایده خسرو هزار افزین دیر ایدی روح اول کتاب غلت شماره جو ق جوام ایدار
خروج و اول نظم قصصت ایلن ده اول دکل در نین در ج ایتیش در که قلام میس ارقا
قابل تقریر و اعلام دکل در بویرکی ابیا اول کتاب غلت سما نذر در وصف صبح

مکر بر صبح کم بوزال کردون	سپهر دامن قلمشیدی بر خون
مکر کم وضع جل ایتیشدی تا امید	انگبون قان کینده طوطی خورشید
طوغردی صجدم بانوی و روان	بر التون باشلو صرمه صیقلو اغزلان
چو طلعت مطلعند طوغردی اولاه	ملک ایدی کو کون زاده الله
نذر ای به ایلنه رفتار	رفک زنگار غم طومش قروار
سبارک خاطر کز ای حیشه جان	قره کوه لفته در چون آب حیوان

کوکل اینست در سوز غباری
 کورندی بر غبار قوتیاوار
 کوز نگر خطی کبیبی غنبرین بار
 توزوب توزوب کلور کلزار کینده
 خط دلبر کبیبی رخسار کینده
 شکار اردخه اوچیش باز کبیبی
 قنت بولکش کلور شهباز کبیبی
 نه دندر دله نایک سوز و نمازی
 دلکو سینه لر اکلر بوراری
 نه فهم استون دنگ درد لر
 طباخچیه یمین اوستاد التذات
 نه لبسون شول که اولدی اردن دور
 که نه جنیرده صلاح ایدی منصور

دو اولور که مرحوم سلطان سلیم بن بایزید خان علیها آتت و الغوان کتای
 مزبور دن برایکی ورق کور دکده اول مانده قاضی عسکر اولان زکریا زاده
 و کمان شازاده یه اهی نکسن سال و وصف حال دن سوال ایتد که دهی منجه
 دخول اتمش سلک ملار مینده و سالی حدود اربعین ده در دیر لر مرحوم رقوم
 اهل هنر و امانی پرور و محاکمه اوغین بیور که مبادا بو غنچه نو شکفته هموز
 ایلدین کرسیانی دامن کل کی خار قصصان ایتد همد جاگ و دانی بوی لجوی
 سکین دمی مشام عالی معطر ایتدین خان زوال ایلد معاک اختفاده اولده عساک
 اول مزبوره رعایت ایدک که انتظام حال جود طبعه بهانه و همت پادشاه دریا
 نوال سمند زهنه تازیانه در دید که هانا طوی قاضی عسکر اولان مرحوم کمان
 زاده اولان بگری ایل بروده بایزید پادشاه مدر کسین عرض ایدر لکن روم
 ایل قاضی عسکر اولان زکریا زاده مزبور یاردن اوچر پادشاه یر رفت
 دن نایک شاکلی رعایت اوغنه فرمان قدر قدری جلو هر منفه ظهور اولندر
 بومنه ایلد قضا محض دناوت بلکه عالی همت اولنر یا ننده عین ششاعت در دیو
 مزبوره قبول ایلر سن دن نفوت ویزو یا لافوم عدم قبول احشاعروض شده سلطان

اولدقه سبب تکدر خاطر عالی شخ اولوب مزبور دخی زلت ملازمتدن فرات اتمش
 شد تکبر وانی من بعد بکجا عرض ایلک دیو سوز بعبده احمد پادشاه و نجای تک اگری لطف
 بزلنه نظیره سنده بو عینی دیوب | اوقد بالا و زلف اگری دیار حسن انبوب
 مالک فتنه شه ظالم علم سر سینه اگری سمع پادشاه و اسل اولدقه غضبی دخی زیاده
 مشد اولو ابوال لطف و احشاع بالکلیه مندا اولور احوال میر نخبه ملازمت و مزار
 ذلت و فلک کنده صکره قره فریه مدر کسین ویر لر اول تغیر بل مناسرده تا اهل دیو
 خاور نیک شیره سنی ابوب مناسرده وفات اتمش در و مرحوم کتای لینی دخی خردلی
 حقا که بر نشادر که حسن کی صفتی خارج حیطه دایره امکان و دل کی مقبول اولد
 دل و جان انس و جاندر منظومات دلا ویزی بحال لبران کی طرب انزا و منشورات
 لطف امیزی حال عاشقان کی انکشت نما دقایق عباراتنده انجاز سخن ارای بیاید
 و صقایق کنایاتنده اثار بجز نمایی واضح و هویدا در لکن اول کتاب بکلیت
 نظام اتمام و انجام بولدرین سپهر نافر جام مزبوری مجوز جام جام اتمش در کتاب
 مذکور علت سواد قمر و بخت قضا و قدر کی بیضیه قلمغین ارباب طایفه شکر در کتاب مسطور

اول ابیابا تذکر	ایچ اسکندری و چشمه اجان	صویه ایلد و سوز کوردی
جاهاک طبری جمع مال ایلدر	عازفک عزتی کمال ایلدر	عشق شوق ایلد و جود حال ایلدر
نه کمال استرونه ملا استر	بزی کور کم نه حامله وارددر	نه کمال و نه دانه وارددر

ابور ایکی اشعار انک نتایج گفتار و اثار کلک سحران تذکر

بر حصیرم یونکن کلبه احوال غده	بور یا قشقی کور نیور تن
نه مصاب بولنور درد و غم یار کبی	نه فراغت یری وار کوشش با کبی
بر بولکاشنه کون طوغدق افتاده لک	یرره حاله ایکن سایه دیر اربکی
کوزو نقطه کبی اورتیه آندی بی جوج	بشادی کندی قبی جز نکه بر کار کبی



اول قیاسی و ذریه صواب اهی نیست
 سگ کو یک جنگ ایل جو جسم تا توان ایچون
 بی فتنه باشد رطبه طرف کلهک
 طالب اگر چشم ز روی زردم وارینم
 برف چکدی بنی سینه به جانان بویچس
 ایک اون دردی کی و کجی جگسده ایچک
 سنی دو کجی رقیب ایل کوز و جگسده
 زاهد ایچسک اگر سنده بزیم شربتمز
 دورنگه سنگ شو یله سیاه اولدی
 عیسی زیم نیچ بر عالمه دلال اولام

اهلی طیب زاده دیکله مشهور در ادرنه ده گیری پیش اچو مدرسه ایچون جانین
 رضا ویز و عبیدر که لغت هنر و کلام مالک ایچن سمیت قضایه ساک اولدی حقا که
 معارف و کمال اهل قوا بل و اما نزل زمانه تک اهل علم و فضلی علوم کثیره و فنونی
 نزریره تک اصلیده ضابطه ابوا و فضلی در هر فن که طبع بمبتالی اکتفا ایلیده حال
 انده اهل کمال اولو بغبوط و حسود اقران و امثال اولمشدر و بوایامده علم خصوفه
 برقدار اهتمام ایچکده اول فنده شهره ایام اولو یوتنه بجایه ده ده قال اولمشدر اهل
 حال باندن کنک و لال اولمشدر و بوقن بز کوارده دخی نامدار ویرا شهرت اولو
 شعر ایچنده شیوه مجوز نظر و قاعده شیرین کلامی ایلد خیل شهرت شعر اولمشدر
 و امثال اقران و اکف و انوان میسند که فضایل بیشتر و معجز بسیار ایلد شهرت اولمشدر
 و فضایل و کمال اولمشدر در امیزد که من بعد دخی معارف و لغت قاعده و سیاه فضایی
 تلخ ده اول خوش آئینده شعر و نازکانه گفتاری وارد بو شعر انک گفتار نذر

مسالود فلکنی عجمه قدم وارمی بر باد
 یاره صور شر بنی اول بیوف جفتش بلش
 تو پر فتنه قدم بصیبه او قدی برباغ اوزره
 ظلمی از المیه ای ل او پری جانک ایدی
 بغر و بی باقد دل نار حجت دوشدی
 سیر قدم تن سیغنی تمام اجسره
 یولده ایلر بزی کور فر نوب افلاک نظر
 سر کو کیندن ایلر لم فلک بریا که صامزسه
 جان پر دشتانکه ویرد سنگ ای بی دن
 بله مز سر میانی فیضی اهل

وقایع باقی جمیع علماء انام منبع فضل اعلام اولو قبته الاسلام و معروف مقام و ضرب
 ضیاء سلاطین فحام اولو سلطانیه حیمه و نذر نام سعود لری خود در اکابر شوا
 و ان فضل بلغا و اما نزل علمادان و در در دنیا دیوان کمال فهرست عنوان حسن مقال
 مجلس افروز کتبی شاعری لطیفه اموز غزل برایان سحری لفظ شاعران
 بلکه حسود و خانی ناظمان هر مز و بوم دلیر هر علم و فحسم هر و عالم کبریا
 نظم متکلم قافیه گذار فصیح زبانان سحرانار ار اسنده غزل دیوان
 و شاه بیت مجوعه بل غنادر اشعار دلپذیر و گفتاری نظیری غیر سلمان و در کمال
 حقا که حق ادا بود که خطرات ارواح بنی نوع ان فیضان بحاب ملکوتدن اصدا
 اشیا مبارک و اصدا ابوانه حکما ریزان اول لالی مسلک واسطه قلاده وجود
 و امکان اولو کونله ماننل شاعر با کیزه ادا و مزبور شونه معادل نظیر روان ویر
 مرآت کائنات جلوه نما اولو دخی مانند نور ذکا معلوم و مشهور اهل زکا در کمال

از کمال باطنی ازینا کلینی بود
 دستک نون و نایت صحران
 قمر ز زاده

صواب

بلاغت سما بر خسرود در که اقبیر ریح مسکونی طوب شانان نظر کند و به سر فرود نشد
 و نسیم غیر شمیم رواج عود کلام مسعودی غوار و انجا دعامة بیلا ده طوم شد
 اول مبداء بلاغت حکم زمان مؤخر اوله ششم که بلاغت و خصصه جلد دن مقدم در
 و پیشگاه وجوده ممکن نصف نعال اوله نه جای ملال که فی الحقیقه صدر عالم بقدر
 اید و کی لحق و سلم در کل تر صکره کلور شده اول خوش خواره اشعار ذرر بار بار
 اب روان کی صافی و جبار و البهارا انخاری خشونت و رکاکتدن سلم و عار و یاد
 چونکه غزل به بد لکری مجموع عالمه بطور و ابیا صفا صفاتی بین الانام مشهور
 باقی نه دیک لازم در که تعریف و توصیفه مناسب و ملایم اوله او اینل حال ندره
 ستمگر و کردون دون بروردن جوق فلاکت چکش بعده پادشاه سخندان
 شمشاه صبا قران مرحوم سلطان سلیمان خان علی الرضی الغفران التقاتام
 و غبت لاکلام اید و لالی حال و عقدا هو الوری اجتماع و انتظام ببولوب مشایخ
 عالیه و مرتب میباید ارتقا و استلا ایتدیس الحق مرحوم خداوند کار که مزبوره
 التفت و ار ایدی نرف صحبتنه و آل و محب زمره سینه داخل اولق احتمالین
 مربی و سندی اولن رشک و حد ایتکه شمس ایدی مرحوم سلطان سلیمان غزم کلار خان
 مایه حرات و غنا حقت اید بر رثیه دیشدر که نظیر و عدلی گمشدر اول مرتبه اول ندره

ای پای بند دام که قید نام و ننگ	ناکی هوای شغلا دهر بی درنگ
انگ اول دمی که آخر او تو بهار عمر	برک خزانه دوسه کرک روی لادرنگ
آخر مکانک اوله کرک جری کبی خاک	دور ان لندن ایره کرک جام غیش سنگ
ازک او در که اینده و نش قلبی ضا اوله	سینکده سیز آدم ایسک کینه بلنگ
عبرت کوزنده نچید که غفلت او کوی	بیز می سا که واقعه شاه شیر جنگ
باش اگدی آب سفینه کفار انکر و سر	شمشیری کوه زنی سهند ایلدی فرنگ

یوزبیره تو دی لطف اید کلبر ترکیبی صند و قد صالحی خازن کرد و کر کبی
 بعده سلطان اعظم خاقان اکرم علی مرعانی اسلام مادام قواعد ضمام تاج سلیمان
 کامکار تخت نشان خواقین عالم بقدر سلطان سلیمان خان علی الرضی الغفران
 سر سلطنته جلوس ایتدیده کمال اول بل لازید و الا کمل منظوم نظر کیمیا اثری او
 تهیت سلطنته ای کون بو صیده نرانی اول زمانده انشا ایتشیدی

بجد الله شرف بولدی نینه ملک سلیمانی	جلوس ایتدی سعادت کنته اسکندر بانی
طوغوب کون کبی زرین تاجله سعادت	یشدی شرفدن غریبه ضعیف عدل و احسان
بشارت نرینه آسمانک کوزری ایدین	جهار و شش ایتدی بر تو انوار یردانی
متاع معرفت کلای رو این بولد و غنی	زرافشان ایلن زکسر اوراق کلستان
برز او یخو یوزین کورن فکده دیر کیم	که چشم نیت بیداری سیر دهر کنگه بانی
خداوند جهان سلطان عادل شاه در یاد	سرافراز و سریر فروز تابع و کت سلطان
پناه دین و دو باد شاه اسرافعت	جناب سلیمان بن سلیمان خان عثمانی
اینر سیف ایتی کبی سر اعدایه شمشیری	حدیث تیغ بولادین نچ شرح ایده کرمانی
قفا دار اولد یکر شیر و بلنگ اهو صحراده	ایدر رشوق قدر شمدی رعایت حق جانی
سختار سنده حدندن تجاوز ایلز دریا	کف جودک طشره غمز کرم و قشند هکانه
پیش ان ایتدی دور کده هرگز کبی کمر	مگر جلبدن باران صفا کلبر کفندانی
انجام کوشه دن یک طعنه طاشی قوندر لر	کینکلر معارض کورسه بر سر سلیمانی

مرحوم شیخ الاسلام استاد و استاد الانام مولانا ابو سعود علیه رحه الملک
 الودود خد متلندن ملازم اولمشدر بونلرک اشعار بلاغت شعاری یکله
 عوار اولدو اولدر که سئل و سئل طبعی غایتده صفا و زره اوغین ابتدا
 سایر شاعر لر کله تاسند ایمل اید و روشن هوید ادر اولد اید کله شوی غزل بولدر

مهرچین کو کلمه فکر عارض دلبر دوش	کویا مرا به عکس پر تو خاور دوش
کر اولورم حشر قدیل اول سرو کتبی	بریره دفن الیکوزم سایه عود دوش
انگیزون وار مزمن کو یکد کر یا اول	فکر راهن قور قورم جان کوزدن دوش

الهی بی تا و کز ان انصاف بود که بر شاکر ابتدا دید و کی بوا شعرا ایدار اولان اولور
توصیف نینه لایق و سزاوار اول کندی و روی حکایت ایدر لر که غمخیزی دید و کده اول
زمانه رئیس شعرا و م یعنی مولانا ذاتی مروه ایلند کده حدیث استخر اوغین
بوا شعرا بمثال زاده طبع اولد و غنچه احتمال و برینو کان چنانند جو اهر نصیبی
و صد در روشن شدن در ریند انبار ایدو دید یک کس نه خزانة اشعار و صاحب
گفتارینه مانند جنرال او زادر سنگ شخه روزگار دست وجود ک کوتاه اند
اشتباه یوقدر و هر کس که اباکار افکار بی زور و زار ایل کسینه که چکس
منظر عتاب و عقاب او جانگده شبهه اریاب یوقدر بند چی غایت بی حالت و سزا
بوق سوز سوزیکه اقتدارم اولیو خیر شوخیدر دیدم ای هر صفا بخش لطف اثار
دکلم طفل که خاییده ایدیم افطار آفر مودم کند و دیوانندن بعضی بر کوسر و
محل نزاکت و گوشه لطافتی قنچی در دیو بی امتحان ایلدی مودم مرقومک صمیمی
اولد و غنچه هرگز صیف اشعارینه انکشت اعتراض قوش اکن اول اشعارک گوشه
نراکت بر مق ایل اشارت ایلد که چه مزبور بویید و کی حالتدن بکا کلی بی حالت
کلی ایدی اما که کونگدن یه حظ ایلد که شعوم لایق قبول اولمش و آخرین
مرتب سته وصول اولمش بعده یه بوا بیای دیو مودم مرقوم ایلتم

گلشن استر سگ اشته میخانه	کل خندان کر که بیما نه
خاک راه اولد و غم کور و انغین	بر لره بصیر اولدی جان نه
باقیا طرز شعور بویید کرک	هم نظر بیفانه هم لوندانه

نوله دهر بجه نشاتم پوسیه عنقایم	نجیب میل کی صاعلمسم در یایم
کوزه کوسر مز ایسه طیلمی بی هرادنی	که نظر فرق ایدیک مرتبه دن ایلایم

صکره بوخسز لری کوسر دکده تام عبقار ایدو درون دل دعا و بید و بیچار
نثار جو اهر خشین و ثنا ایلدی مزبور باقی جلیبیک اقام اشعار بل نظامندن تور
و ایها به میل تائی وار در اول طرزده اولان اشعار در ر بار لر نند

جانان او در ک میل ایده انی کور جان	ایسباجنی خوب اول اما بشرط آن
طور مز یا نده خجینی وصف ایدر بکا	یعنی بقا طوقند در اول شوخ شیوه کار
عشقک زهمتی خود جان مستکرا ایدی	دوتم جور و جفا کرده نه زهمت ایدی
خلق عالم کل سویدی کاشکی بسیل کیسی	اول بی غم بقا تنها قانوردی کل کیسی
منت خدایه دولت دنیا فنا بولور	باقی قانور صغیفه عالمده ادمز
بنی تو چوده در اول صنگ درد و بلا	یو خدایه شکره شیرین بی حاضر صلوا
بولوق اسر دی عشق ایچیده مراد	یا ر شیرین دکلمیدر فر ناد
زخم سینده او کت یاره دن بهبالمه	طور سون اللی سور سگ بلا بر پاره مد
جوعه دان ابد الکره حزن الکرار	رند در انشاء سار مطلع الانوار در
صنگ زکاتنگ اگر ای خواجه جمال	برستحق استر سگ اشته بن فخر
بی تکلف یوز سورر مشرب رخ رنگینک	بویله نجون یوز ویر رسین دوتم بائینک
دانه حاله بق جنت رخ رنده	نجی صبر المیسون اللی سور سگ آدم
مزه خیلین دیزر اول غزه فتان صغیف	کویا جنگ طور ریزه گزاران
سنی سیرنجون ره گذر کلشنده	ایکی جاننده طور رس و فر اما صغیف
قدر کی سنگ مصلا ده بلوب ای باقی	طوروب ال بغلیه لر قوشو که یاران

بوا اشعار در ر بار دنی انرک بجه طبع زخار لر نند

مشتاق امین متقی که با بونکه یوز سگ	سکینک او میشن چون اچینه سگ سی
بانی نیک خلاص اولای قیلان عشقند	چونکم ایشدی تنان اولده جان نیمی
<p>بدری صفت شان بدیع البین خارج حیطه کلام انشا اولو شرح حال فرخنده مآثرندن قیل و قال ارباقان مانند بعد اولال رسول شفیع و اولاد بتول سعادت صحیحده همه لطف مسمی دل اصحاب کریمی وسیع و میان بلدان جهان ایچره غنای ویت و لطف هوا ایلد بدیع اولاد انصر و لیمین ادرنه نیکه دن مسکی ابر اوغلی دیکله بوی مسکی فایح و عطر اولمشدر کخصیل تصنع علم و کمال ایلد قصر قدرینی رفیع ایدر اجیاد جیاد و وجوده قلا اید فواید معارف ایلد ترصیع و یرش در طریق یرتوقی علی سالی اولوب ملازم اولاد کون همکوه منصفیل قضا ایلد قدرینه شریف و منیع ایشدر صاحب اخلاق حمیده و ناطق کلمت پسندیده در بو شعار منور کور</p>	
عز کردن ایکی یا نکه تمشیر طاقن	بیک استبانه ایلد کول ملکنه اقرن
کمزار ایدر بدیع نالانی دیر ایلک	ایینه ال کل رخ رنه باقرن
<p>بدری استبانه سپاهی زمره سندن در بزرگ حکمت کتبات حبیب ایلد کامیا اولمشد اوقات طبعی شارق و سخاذهنی بارق اوغین موقل طبایع خوشبختی و مطالبی و اولمشدر بوی ایشدر ساقی بهار ایا میدر گلزاره غزم ایت صمیم</p>	
ایله سفارده دیمدم قمت نچا درد و الم	ذوق و صفایکامیدر عیش ملا ایتدیمدم
زهک کفاسنیل بیز رنگین کفایک کل بیز	ایکم لده ای ستم چون بویله در قف القلم
بردم اچینه غری و شرفی	نام سخا بیل بیز ای سرو قاسم بیز
<p>بزم ایدین ولایتند در علوم متداوله تک بعضی کخصیل حسب العاده طریق تکمیل حکره سلک مرده ملازمینه دال بعد منصفیل در اصل اولمشد کور و اولمشد بعضی انانی کت و کز کرده و اول طایفه ارسلنده ضلع اعتبارده ایکن عریک بزمی آفر اولمشد</p>	

بدری استبانه

عکس

68
77

<p>جلس وجودنده دایر اولمشد قمت او یحی عار و رنده می تسبیح ایلد سجاده و یرش بدری کفر فلیه قاضی دروش جلینگ او غلیدر نامی عبد الله در رض دا الفیتکلا اوغین یارا اچینه طوبال قاضی دیکله مشهور و مذکور ایدی فایق الاقران صاحب علم و عرفان شوره تمام اهلیت و قابلیت و هر همتد تعریف اولمشد جلیسی سه شان و ثمانین و ستمایه ده سبط حیات عالم وجوددن نور دیده و بکعت عقیبا کبریا اولمشد بزم فنادن این قالدرش در وصفیه حیاتی در سیامه طالدرش شعار انکدر</p>	
بانه ای دیده بزم عینی قنده کوردک	بو قدر یاش کوردک بو قدر دم کوردک
خبرچ ایدر بسیم اشکمی بو نکه	عینی نم وارید نشار ایتدم
صفا دل اول چو تمشیر قطع ایلد سواک	چالش حضور صفا وار ماغیچون یر قلن
باشم اوستنده دکر من یور حیرت کجی	بن نیک فکر دقیق ایلد جهانده او کتم
<p>بدری نامی حسن علیکم عدل و داد حضرت لطف مراد ک خواجسی ایکن وفات ابراهیم جلینگ همشیره زاده سید زکمت پادده جهانده سهل زنده تعلیم مناسب ایلد قطع مراتب ایشدر در حال طرابلسده مولویت ایلد تصرف منصب قضا دریم و سلیم الطبع تکلف و تفلسفدن عمار در درونه اوضاع و اطوار و اورد در تحصیل علم و کالده ضلع جد و اقدامی و تکمیل انواع معارفده اتمام تامی اوغین طبع و ان بر صفای شوق و انشا و تحریر و املا جری ایچره آشنا اولوغو اصلقرا تکمیل کلام ابدار و جواهر بر اعتبار ابد او اظهار تمشیر رترکی و فارسی و عربی شعاری وارد در انشای طبعی حسب اوغله مقبول اولد و اهل عرفاندر بوی ایشدر شعار اولمشد بو جلیب اصدار اوغین ارسال تمشیر در شرح ردیف قصیده سندن</p>	
کاش نه وجودده بر اچن جهان	خبر ایتسینه هر ماه پاره سنج
سرکشک ایتداه در و نندن ایت صدر	سرکشک ایلد قالدی کور روزگار شمع

بر یاد اولاد و عن سرخس و کلاه
 قصیده مرزبوره ده صفت مدو صده
 یقادی بوسریه زکهار کاره شمع
 قصر زجاج دیده امیدواره شمع
 دلچره سنده لطفکالی چون او یاره
 مشوی رده تخت رسوله امیر در

مادی داد خدا طلبی	خیر عالم محمد عیسی	مغش سر لوحه کتابت بود
نقشبند کتابه در جود	خاتم پیشوا هر مسل	اول آخر اول
شاهد نارین بزم شود	شاهد اما حقیقت مشهور	بصری خواسانند ندر

نوایی زبوری بحال انقیاس اولو کتابنده ایراد امیر در حضرت مناجاتی و
 غزلی و سپارش نامه ریل سلطان بایزیده گمشدر اول مانده سلطان بایزیدک
 داماد او غوری سلطان احمد که مصاحبی اولو است آنک صحبتی ایلا اکتوب قلمش در
 بعده مرتب اصحابی هنر مرحوم اسکندر جلینک لطفه مظهر اولمشیدی ایاصوفیه و
 علوفسی و خواننده پادشاه سالیانه سو و فسی و ار ایدی متاع معارف کرد
 و فنون لطیفه نقد و بصیری در اکثر اشعار و گفتاری هنر مایل اومین اصحاب
 دست و از باغ رنگ صحبتند داخل اولورد بجهت و هنر تکیه و از لطایف و غزایی
 اشکار در اول روم کلا کده مؤید زاده قاضی اسکندر اسکندر بصیری زبور دن عسکری
 ولایت طلب ایدو ویر مد کده و مرحوم مرقومدن شفقت بر مضر اول مرض نه عارض
 اولمشدر دید و کن استماع ایتد کده بوی بندر منصب در بیخ ایلر بون افتاده دن
 بلبرم بی رزمک اولمش مؤید زاده دن از مرحوم لطیف مشهور و البته خواص اولو
 مذکور در جلدن هر لقبه مناسب مناصب و بر مضر در مثل استماع ایامان
 اوز و مصحح اکتدینه بوی اباد شهری سینه صبق او اس کویک بای بیلیان اوک

اولنج بیج و دلیه لر اول فی بزم کنا امر عفو ایدیه صابر کرزه نزل انجاق او ترق
 سور کیه ای سرای قر ناله قوز غولیه مدرسه سی بکنور سه خوشست بکنر سه خوشست
 ایلی یه گوینک قضاسی بوساله بدیع القالی بی امام ایدو وزیر ادن برینه ویر
 وزیر مرزبوره جمله عالم منصب توزیع امیر شمس بزه دخی بر منصب یوملی دیگده
 مکر وزیر مرزبوره اول مانده سلطان نردن برنی الملق اوزره امیر شمس بصیری دخی
 وزیر سفور کسیره سلطان اوکی شنجی عن ویر دم دیر بر لطیفه سی دخی اولدر که
 تمامه توزیع امیر شمس در مدرسه مفتی حامی ملازمره قاضی عسکر حامی کدیله
 چارداقلی حامی عود تلره الابه حامی ار کمنله عزیز حامی جانده صرت حامی
 جلا بهره چوقور حامی دلبر لره و فاحامی جمله لطیفند منقولدر بر کون اسکندر
 جللی مجلسنده ایتد وکی سفر و جگد وکی الام و خطری رتو ایدو سیاحتی حکایت
 ایدر کن اسکندر جللی مرزبوره یا مغربی کوزر و کوزمی دیو ایهام ایتد کده بصیری
 فی الحال واقف اولو اسکندر ذوالقرنین دکلم که دنیا کی سیر ایدم دیو الزام ایدر
بیت عاشق زنی آه او سجاد اولدو بو آدم اولدور که مسیح اولدور
 و بی نظیر تاریخی دخی وارد در سلطان سلیمان مرصومک او غلی جهانگیر شمس و نلسن
 ولاد ایتد کده بو تاریخی دیشدر جهانگیر بتوفیق الهی ردوس فتحه کلسه شمس
 و شمایه واقع در بواج تاریخی بر مضر اعده درج ایتد در فتح مفتح اتم فتح تمام
 قرآن مغفور سلطان سلیمان مرور بلاد انکر و سده اولان کفار منوسک اصنامی کسر و ولایت و
 مالکی فتح ایدو جمله بلاد اسلام ضم ایتد کده بو تاریخی خوب واقع اولمش در

معین دین حسن سلیمان	که در کابینه امیر فکده سجا	جهاد دینی ایشیدور روح قد
زبان حال بر ایلدی مدح	انکون دیشد فتحه بو تاریخی	بلاد انکر و سی ایلدی فتح
بعض یاران ایل خانه روانی به وار و اچ قالد قلنده بو طعنه دیشدر		

روانید مکریند حمیدک	برادران برادرش و در	برنگانی و صغی لایقون
برنگ صوفی نعمی بن ترکتی	ولی یزیدی حمیدک تانی بنی	یکی اول کلدران و است

شته احدی و ابرین و نماینده دیده جهان بود عالم سخن و اخوان کوزیوم نور کوش
 روه جنانه نکران او نمیدارند در حال و جوار ملک متعال انتقال ایلش در
بقای کف دیارندن بر خطیبک او علیدر نامی عبدالباقی او نمین بقای کلش ایزدی
 تحصیل انواع معارف ایتد کدن که برزما خانقاه شیخ ابراهیم ده خدمت و برزما
 روم ایلدین حسی اید و بعده والد فرزند مسکن شام سعادت انجامده قاضی الکلی
 بوخیر و والد معارف کیم حقا ایشید شده وزیر مصطفی پاشا حضرت نیک مولوی زند
 مشه خوان ایدی الواقع معارف جوییده بد طول و اشعار و ابیات تنگ حالت و صفای و ادر

کرچک تیر جفا قاسم ک انک یابی	تور و اول یابی سکا اتمق اولور دنیایی
خط کتور دینی اولدر که غز کلر بیک	چکدی اول امرها یون قاشک طغرای
زلف یارک خبرین کم کتورر با که دیدم	کوستروب یاد صفت دیدیلر بو کتورر
بتورر سبزه چین یا غده باران اولسه	بنی غلتمه یا شتم عارضه که مو کتورر
ای بقای نجیب کوش لاله من سوزر ک	واعظک بنیدی بنیم چشمی او کتورر

بقای دیگر سخن مدبری ایکن وفات ایدن مرحوم طور سون افندیگ بیوک او علیدر
 نام نامیلری عبدالباقی او نمین بقای کلش ایدرر حقا که تحصیل علم و کماله مجده
 ملوازم و شرایط تکمیلی مراعی او نمیکه شهرستان دل و جان فضل و عرفان ایل معور
 وروض مال ملک حسی باران سبیران فضایل ایل مملطور علم و کمال ایل علم مشهور
 و حسن اخلاق مدد و قبول جمهور در تحصیل علم و کمال و تکمیل فضایل اشتغال
 و سبیکه نفس ناطقه لرین یونته انجامده ده قال ایدو نیجه زمان استاد الا فضل
 و الی مرحوم ابو سعود افندیگ تحصیل مداوم اولدقن صکره خدمت علیه رزق

20
29

ملازم اولو طریق تدریس الکه عازم اولدیلر مدارس تدریس یافته مدرس اولوب
 علی پاشای عتیق ملاک سنده اداره رصیق تدقیق ایتمکله میا امثال او قرآنده
 صاحب نام و نشان اولشدر امید در که مناصب عالییه و مراتب سامیه و قبول
 سایر فضایل نندن اوقاشعارده بهار و شروانش و طرز و املا ده
 قدر تلی وارد در اوقام حرف بی عیب ایلد غایت خلقت و نهایت اخوتی او نمین
 بوندن زیاده علم قلم و دوش بنان اوزره موضوع و ذکر و شعر مدایح سبج بلرند
 لوار اطنان و انعام فروع اولندی بو بر ایکی اشعار تبایح طبع در زیار لر تندر

ایشیک کلین جان اگر طبعید نور طاشی	ولی هر تب سگ کو کلر قور برصد و غم نامی
قیس و ش زمره عشاقه شو کم سرور اولور	خوش خاشاک هر یک باشنه افسر اولور
که و بیگانه یولمه دیمه پامال اولمز	خاکدن فرق ایدر نرسین انی جان اولور
غزلیاتنی یاز مانده بقای قو کلک	رکلر یله بوتن زاری عجب مسطر اولور
دماز ایدر من ناله دل سوز که ساری	عاقل ایسه زن قومون ایل بو هوای
جان نقدی ایلد کاکل سودا سنی الاک	ای لصالون الاک بشو که بوخج بلاک

بقای از نقد زر جبری چکان دیکله مشهور جهان اولو بوجو چنگ اعلی در باب
 اصحاب حرفدن کند و معنی معضای علو حق ایلد تحصیل علم و معرفت غنیمت تلوپ
 طریق علم سلوک ایشدر خواج زاده قوردا فندیگ ملازم اولو نمینده مدرس
 اولشیدی پادشاه عالم پناه سلطان مراد خان سعادت دستگاه انده شتراده
 جوان کت و مترصد تاج و تخت ایکن بعض اغار یله مناسبت ایدو فرجوره ترقیلر
 ایدر مثل ایدی بعده سلطان مراد خان پادشاه روی جهان اولو فقه علمت
 مدته سیرده مناصب کثیره به پیشو پای کنگ ایلد سلا نیک و غلط قضای اولشیدی
 مکن امور جبر کره موصول اولمقل حرکات فسر نیک چندان امتداد و بقای اولمقل

ملازم

موزول و لشدر اشعار و ابیاتی بسیار و منظوم کتابی دخی دارد بر او مطلعی خلق از اسنده آشته رطوتش در کن کند و نک ای و کی معلوم و مجرود دکل در

عاشقان کوی یاره جمع اوسون	حاجی حاجی بی مکده بوسون
نوله هر دم نقابله جفره یولکه زتلر	که بغل یوز لرینی قصه غارت از یوز لر
ایلر سه هزار افغانا قولی قیبر در کل	ای غنچه کله ستانده بلیم نه اور سبیل

بلندی استبولان قول و غلزلندن بیکری طایفه سندن در تحصیل معافده سی بلندی و بی بی درینغی اوغین فن شعوره مهار و کر چکون قدر و استعلا حاصل اتمش در مشرق ضمیردن خوش آئیده اشعار و مطالع و طالع و لاج المشرق بوبریکی اشعار مزبور که گفتنا

و شودن شیوه سمنید اول افت تویدکا	توزه غرق اولدی جهما صانکه قیاقوبد
سوزیز انگلیز صوتی بزم قال املی	بی زبان شویشتم و اریسه بر حال املی
اصدیر تنگی جو منصور دلی اوچیندن	یا قدیر اشته تیز میدی بردار لغی

توه صحنده دخی بوغشزی داستان و مشهور جهما اولوب توه فغانی کی ایلان اولدولان دل و شوب و رد زبان عالمیان اولمشدر

توه نکیاده کلگون کی بو قدرانی	اسجدر او قرا یوز لونک اما قانی
منلی مانندی وار مشتی قیز در عقده	ایسجق یوز کور یکجک مهرشی استرانی
قاطع دمدرا نکله دیکوز دم اولماز	کاسه کاسه کاسه ییلم نوله کر کدرانی
مصر و شام و حلبی کزدی کلجک روه	ایغین الدی شرا یک او جهما فغانی
نعهه مایل او تو اور تاده کز زانچ لشور	بلیمین قوهه صینک قیبه میدر او غلانی

بنا دوم ایله ندر خوش طبع و در کوش مشرب کینه ایدی بو شوا نکدر قاتنگ نخی بلندی اولدی انکا ال ابریز نیجه شفتا لودیرم سبب زخده انکدر بهاری روم ایله نده قصبه تر حله ندر نامی مللدر قاضی عسکر لکدن متفکرا ولان

سیدی چلبیید ملازم اولدوقدن صکره ادر زده و غیره ده طرسل اولوب بعدت کتبت

رضا ویر و دلیند زاده قاسم پاشانک اوغلزینیه معلم اولمشید زمره قضاه معالی

شعاردن اشعار بر شمار اشعار بهار بلای و عراز صفا ایله بر ازما را اولدولمشور

نامدار دندر و تاریخچه ضیلی قدر وار در ذکر اولمشا قاسم پاشانک ایستجو حریفی

تاریخ دیدکده قاسم پاشا دخی یوز ایله کوندر و مانده کامله دیو تاریخ دیدنر و اشعار انکدر

اه کم ستر غم دوندی رفیقک دین	قور قورم فاش اولد اسرار نمانم بلین
نقدر بارد و سزکین دلسه زاهد خشک	عاشق سوزده تک و بیعیه تاب دین
ای بهار می دلبوب اولد کسره و آب	آغنی کاف اولد میل المیه روم ایلینه

دیوان کاتبی شاکر در زندان برینی سود کده دیشدر

مهر قدک که بکا آفر نفس ایما اولور	ایرته بر کون نامه اعماله عنوان اولور
دلبر ابرق کون اولد کور سیدن سن می	انتظار یله مدد اولدم قین دیوان اولور
دیک اولمز بر سپاهی دلبرین مودم نینه	انک ای کون بکلام هر صبح دیوان یولکین
زلف دلبر کمنسین کوستر	کونده یوز بیک در لونبندین کوستر
سیر اشکم یاره صرف اولسه نوله	فوجدر البت کمنسین کوستر

بای نام شریفی علی بن محمد در بین جمهور بهاء الدین زاده دیکله معروف و مشهور در سلف الطریقه و برهان الشریعه و حقیقه عمده ال لیکن و قدوة الناسین اسوة الابرار آساده عالم ربنا شیخ بهاء الدین زاده مرحومک اوغلی اوغلیدر قضا کدر بزرگوار در کشته بازرزانت افکار و کند وقت انتظار ایله طایران علوم و شمار و چون دکان فنون بسیار صید و شکار قلمش و غوامس و اربکار زخار معارف و عیان بیکران لطایفه غوطه ایملک نی لالی ابدار و جوامهر پر اعتبار ابد او ظاهر ابدار سمنه طبع صفا قلاده معارف و کمال ایملک و بیکران جنان و روانه میدا فضل

و غرق

کله

و مضار تحقیق و اذعانده سابق و مستأد اولی علماد نذر شیخ اسلام استاد و استادان
 مرحوم ابوسعید افندی ملازم اولی استانی معانی نظامیه اختصاص تام و
 مالا کلامی او سخن مرحوم مرقومک یا ننده نهایت مرتبه ده مرعی و مقبول و زمام مصالح
 همگام کف بر کفایت موقوف و موکول بیدی بنا بر علیه مناصب علیا و مراتب اسما
 و اعتلا اندو ذات خورشید انار تری منور ایوان صدارت اولی استاد اولی منصب عالی
 ذات بکار هم عالی لریه کسب و تحصیل نور و ضیا ایتدین زمانه سیرده جناب حسیل
 خداداد و مستان و ادان خانه عنبر فشاندن جریان ایون جویمیا را اشعار بلات
 شکار کصفا کون کتی بان و بنجم سعادت کبی لامع و درخشان در و تان جناب عالی موقوف
 ظهور و صدور ایون در منشور و سلک انتظار مده نمایا اولی اوقات و مر جا که عقد
 اللہ و علی بن العقیاندر موصوف صفت لم یظن ان من اولی لاجان در ذات بلا غت کستر
 و جناب معارف سیری اول مرتبه دن بالا و برتر در که عنوان شاعری ایله بو کتبه
 ذکر اولی لکن بوفنده دخی نهایت اقتدار برین اسلام و اظهار انگیزان
 ابرار و اصدا اولندی بو اشعار غت اشعار درم زده کلک بخاری در

عاشقک اشکی که ایندی زانویه	مقدور در صانه سین ایکی دیزی
اشکم جهانی طودی قرار بچلدی	اما هوای خال و طغندن چیلدی
یاز کو کلچو انا نالشر ایلام	خکی جبار ایلی یازوب یا کلدی
چکیم صحیفه دل نامک نوله نشان	بر شاه حسن وار میدرادی چکلدی
تخلای روح اولالی بائی رخ نکار	بیج آینه سکندره اصلا بقیلدی
توتیا استیجک چشمه بن بیچاره	کوز قرار دودوشه برین خاکه دلداره
تاب رضای سر زنی ایلی جانانک	برلودر دمنندن جیمه از در مانک
رحم حکرم کورد فیتیل ایلی تیرنگ	ایشلر بتور اول دخی بیکانک اوچندن

پاپوسه ال ویردی یارک کل ایتدی	ایشلر بتور اول دخی بیکانک اوچندن
برگری ایکی یوز لومنا فقدر افندی	دور ایتمه بنی صحر برانک اوچندن
بشقی قارشدان یما بیک اوغلی سیما جلی میکله مشور در سلطه بایزید زما	کند و سندن بر وضع منفور بروز و ظهور ایدیکک عجم دیارینه سیما کید و انده
یار بی پروا در بغل قصه دن حال خراب	سوسون عالمده کبر در عالیجناب
بزده انصاف ایده لم یار اولدو چون	ذره نبضه دن عمارتیمونی افتاب
شعرا اول شاه خوبان کم یقیر و اکن	ای بهشتی بونزه جایز در کل در انتب

بشقی ویژه مولد اسیلی جورنی وطن حللیسی در طریق علمی تمام کبیل و فنون لر نیبه
 و علوم عربیه تحصیل ایتدکن صکره نهایت حرکتی مرحوم سعیدی ایتدیده نهایت
 بولدقن صکره قطب فلک نشاد و مرکز داره صلاح و سداد مرکز افندی
 و ازو طریق مهور اوزره توبه و انابت و تکمیل نفس ناطقه و تهذیب اخلاق لایقه
 ایچون جوق رنیت ایدو عبده چورسیده خطابه و خلقه و عظم و عیبه مشغول اولدو
 تادم انتقال و ارتحال اول حالده اوزره برقرار و بر کمال اولمشید اول اولانک
 صفار و کباری آثار و نظ ویندی ایلام شرف و اسماء و اذان خلق جهان جو امیر سیر
 وز و امیر نی و فرمانی ایلام شرف ایدی صنیالی به حاشیه وارد در علم و فضل با بنیده
 خیل مستحسن و اما تل دهرک حسن قبول تربیتی ایله منوندر کتاب زبوره اندن اعلا
 حاشیه تحریر و املا اولمشدر در نیک لایق و برادر و خیره منقذ تعلیق و بعضی سانیل
 وارد و رونق شوره دخی فایق هر جهتل مدح و توصیفه لایق شایسته و ساجور
 عدیل و نظیری نادر معانی لطیفه ابدان و اختراعنه قادر در اشعار خوبک و سلوک

در غوی وار در بو اشعار بلا شعار	کار قسم سحر بخبر انار کا در
سنگیدن عارض کلکو ننگه پیر ابر صال	کوکده جوکان غرور افتاب و اصال
بزم کل بویک ای عام حسنگاهی	بوسه بر دن کوکه دک اجنورز الی
قانی اولدکه او فکله پوره که آ ای	کلدی چدی کوزه لم اولدی بی برکت
اند میسر ایلیه می باک اول کونی	اوینایه وز حبیب ایله بیغمراونی
مختصر ایله دلا یاره یازرسک نامه	تو جفا قصه سنی یوسف بیور همگانه
سک کو بیکه در بنم جنکم	بلزم طشکر نیه فر
نیجه قلسون غازی صوفیکم	ابد سکر برنده بیلر اسر
وصال کعبه در روز اجل عز می زمانیدر	کفن احوالی تا بوی اول بولک تحت روا
و خط مدقت ایست و ملایمتی	کوش اورده انکا کیشغی صاعز کهایتی
افتاب بویله جکدی کی برده جفا یوکن	اعدای خرمزاجه نه قوسغن کو ملدرک
بحر سعیده جم شاه و علم شاه اولو منظم بر کتاب بلا نصیالی وار در هر کجک احو	متاس حال بر غزل میثال کتوز و غزلدن مقدم بواکی مینی کتور کی التزام اتمیشدر
ای غزل خوان بزم گاه سرور	مجلس اهلینی الیدی خواب فتور
شوقله تازه نمک دل و جان	اوقی بوشغوی دکلسون یاران
ذات بهستی نهادی ارزو وصال و دریا سعادت جانان کال ایچون حد و حدینده	معینه انتقال احوال اتمیشدر ایلیه حق بهستی منزل انکا دیه لطیفه عبد مقبل انکا
یلول استنبول دندر علم و جزو خوان و حافظ قرآن طالب عرفان کمنه در	قابل پسند بعضی اشعاری وار در بو مطلع انک در
ذره دیش سرشته کز مهر کوا ای مه کافر	برده و کوکده پور کت شوقیله یوق ارا مز
کو نیر رسک کو یک او کور دیو بولوی	ایشیکک طاشنی ای تواری براره یصدش

بولا

بیای استنبولون بریایا باشنگه اولیدر حالا طریق علم ساکدیش جوان	
شان ایلمووف طاب علم و عرفاندر بو شوانک در	
جوخ فکله تمام عشقکله عریاندر تمام	سیر ایله آنی هر طرف عشقکله سوزاندر
راه عشقکله قشکله مزه در بولاشتم	تور قوی بولکشی تیر و کانید کیدر
بیای قسطونید کتاب تمند ندر سلطان سینی خان ماضی زه ننده و دایه جهان فانی	
اتمیش در حصول اهل زمانه اشعار بدیع البینا وار در بو شوانک در	
دیدم بولوکه جان ویرسم می افت	بگری نسته دیدی نه منت
کل کوی نگاره وارده لم اوی بکجا و اعظا	دنیا ده سخا کو ستره یین باغ حیات
بیای قصه رؤیجه ادی مصطفی در جارا اندزاده دیکله معرود در هر جانی تور	
بین الاقران دانشمند لک ایله مشهور الدین رحوم ابوسعود افندیگ فرزند بهتری	
محمد چلیبه وار و اندن ملازم اولو رحوم ابوسعود افندیگ الصفا و اعظم فتنه نظر	
و غیره نظیرینی حکیر ایملکله رو داریندن بهره دار اولمشدر عربی شوره ضیاع قدر	
انکر طرز و اوستوی اوزر ک شود یکزه ناینده مهارت وار در رحوم مرقوم فصدیه عربی	
منصبه مراد اولمشدر شیخ محام علی الافغان انسانی و فیض رمعی علی افغان افغانی	
بعده مرات بال صفا صفا تنده صور جذباته طاهر و زمین فواد سعادت دنا دنده	
انوار غلبه سبجی نه باهر اویچی مناسب مراتب امانی باکله ترک ایدو اکمل افندیگ	
خدمت پر هداینه غایتده طالب و نهائیده را اولو خلاصه اوق و تقا و ده	
ساعات خدمت پر ارشاد و سداد نه صرف اتمیش در عده شیخ زبور سنی	
و شجاعت ده عازم خلد برین اولدقه یریشیج سجاده نشین اولمشدر بوشوانکدر	
قلدی جو کیسوانی جانان بولک بولک	عشاق ضیلن ایلیه بجران بولک بولک
غزک بوسعت ایله که بران کلور بکر	سیر و اندر رک شتابان کلور بکر

کلید طلسم شاهین ای کول	جوی فنا بی خلق جو پیا کلور چیسر
عشاقه زخم تیغ سمدالم ویرنا	آما که ریش ناوک خزان کلور چکر
گرچه کم کوزد کوردم بوی دریایی	بولدم گشتم دروغ اول ریکتایی بن
بیانی یا بولید شیخ کمال او سی دیکله سرو نظم و نثر ده قابلیت ایله موصوفه	
ایدی ایام جو انیده که عنفوان هنگام زندگانی دروداع عالم فانی	
ایتمش در ماه نو نام برد بر سیم اندام مدخنده دیشدر	
ای بوزی مهر درخشان کچیکه ماه سال	کلید و ره قشک کبی سنگ ایکی هلال
منکس اوله در و ده دل سوخته کان	صنمه آینه رخسار نگاری خیال
با یک نوله ایر شمسه نجوم اشکم	ماه سپرنده ایدر رعایت ایله استیج
بیانی بی حسن با کمالی خارج صیغه مقال اوله شهر ادردند در امارت دن	
فراغت ایلدو بر مقدار تیمار ایلدو قنتمش کند و زنجیر و لا بلا غنک هتری اول	
زمره تک سرور کچدی با این جمله لایق قبول بعضی اشعاری واردر بوشو انکدر	
حیث شاهباز نیک شکار ایدر بنم باشم	انکس بر نجه سنده کورنور مقدار ایدر بنم
جهان در یارین بر قطره دکلو عینت الیز	کوزینه عالمی کدر د بو اشک کهر باشم
نم ابرو که زلفک کوشه سغدر تر دو چشمم	مه نودن خیال انکس بولدن نم قیر چشم
نه لازم جلبه بر مغانک شمع کافوری	جوانه چشمم روشن کورسون جام فقور
بیدار اوله بهین بچدن بلده کزین صبه در کزیندن رسجا مروجک برادر ایدر	
اگرچه اهل جفتدن صیرف صنعتد رکن صراف جواهر زواهر مرفقدر با وجود که	
طایفه اعیان اکثر یا اداه ترکیده راجل و چکر در اما که مزبور اداه نفیس	
شرفیه و کلک سلطنته قادر در بواشعارانک گفتار ندندر	
کوز کوز اوله جسم زارم ناوک دلداد	جمله چشم اولدم اما طویدم دنداردن

صورت یار ایلدو خانه سنی دیر ایلد	پاری هر کوشده بر صورت ایلد سیر ایلد
قدم هلاله دوندی تمم بر خیال در	یعنی اجل کلوب بنی بولمق حال در
تجلیل ایدو هلاکه قصه ایتمه ای اصل	شاید وصال یاره ایرم احتمال در
چشم بیداری نرس و ار کلزار عالمده تمام او نیدین و صیم برخت و بلاک اب صیا	
بقایه قندین سینه شان و ستمین و ستمایه ده اخره انتقال انکس خلیلی میخو ارایدی اول	
کریم و غفار عفو ایتمش اوله عجیبی ظاهر ایتمش قلندر اطر لقتل جمع و مجزوم المؤمن	
ارزوی صیبا ایلد داخل دیار روم او شید طبیعت شوریسی رقوم و مرسوم اولد	
شعر دن معلوم و مفهوم در وصف خوبانده اولان غسز لندندر	
ندر اول قامت موز و نذر اول هم بدن	ندر اول طلعت زیبا ندر اول حسین
ندر اول چاه معلق ندر اول قطره ما	ندر اول کوی ملکت ندر اول کسب قن
حرف التذاتی تا بحسن ملاحظی تا بفتاب کبی معلوم شیخ و شایب اوله شهر استیج	
مقبول در کاه باری عیسی حضرت امیر بخاری در و پیل ندن بر نیک او علیدر	
طریق علم سلوک ایلدو بعضی بلادده قاضی اولاد قن صکره مرحوم شیخ عبداللطیف ایلد	
دو چچه اسلامه فایز اولاد قده انده لبتک کویان ترک کتبه جهان ایلدو محفل تابوت ایلد	
غرم کوبه جفا ایتمش حسن حفظ کبی اشعار خور و گفتار مقبول و مرغوبدر بواشعارانک گفتار	
آتم که آسمانه اثر هر یک خدنگ	قصدی بودر که کوب بختل ایلده
دل استان یارده آمدن انجنور	ابر سپهر ایلد صحنه جنگ ایدر نینگ
سوز اتدی انغزینده دیو دلا و تور دلا	جلمده باشنه شکر کبابی اولدی تنگ
تاجی شهر ادردن دندر جود طبیعت و ذکا و فطنت و لطف و فترت سببی ایلد بر مقدار	
تحصیل کمال و معرفت ایتد کده هوای خوش نویسی ایلد صنعت کتا بنده مهارت بیدار	
علم مثال ایدر اکتور مشق و مانند دستار کارینی باشنه بتور مشیدی بعدده مرحوم جفا باشانک	

او بعد

انواع نامه جعفری سبک شکر انگیزه اندن عالی نظیره که همیشه در پوشو انگ در
 التون قسم مثال بواه شکر رقت | یازدی فلک صیغه سه سوره دقان
 اجوب بفرینه بصدی در اسکم بحر غم | دیدی مردم دو شکندر بر ستم افتاده در

تاجی مرحوم جلیلی و سعدی چلیبک برید اهل کمالک سرباچی سردار اولاد و غنچه دل
 بو بیز که مرحوم لطف با یزید شهزاده ایکن در فداری او سید بود و وصی و صاحب انکار
 ایدر که اول ایکن نال سر بندستان جودند نشو و نما پوشش و اول ایکن غصن شریف
 و شاخ ارجمند نخل جیاتندن ظاهر و پیدا اولمشدر بو مطلع انگ در
 کوز یا شلو کوکل زلف بریش ناز کینه | قالد م قره کو کجیده بار انرا کجیده
 زالی قسطی و لایتندن و شرا نک اهل علم و اهل ولایتندن ایدی بیت المالدان
 بیش الحیه و ظیفه سی و ارایدی جوامع کبیره و جماع کثیره ده نقل حدیث و تفسیره
 و حد و عطا و تذکیره اوقاتی صرف و نقد و عمارت زیننی خدمات مسلمینه وقف
 ایشید مشایخانه اشعاری وارد در پوشو انگ در

ای کوکل ایلی کل دنیه غداره هوس | پاکر ایلیدی چونکه بو مرداره هوس
 ریش ضد نیه کوکل ویر صباقر دنیا نک | ایتم هر جانی اول شوخ ستمکاره هوس

یعنی تیغ مثال ضرب و حوب بمن بکالان یوزد و ندر میوب تیر تیر بر شیبای جنگی
 هر طرف بر تابان تو سپهر و ار صده نبرد و بیکاره کو کس کس و یورگی دم من کی دمور دن
 و مانند نیره خوانخوار و مردم انکن اول زمره سپاه ظفر بناهد در حرم سراسر ای سلطان
 اشو و تا و سر و کشتن خاقان پر جلاله کشیده بالا اول غنچه آینه سبک و محفل
 احاف اید جلی و کردن دل و چانه قلاده فراید لطف غنچه بو شیخ محلی در لایق پسند و
 اشعار مرغوب و مقبوله وارد در تیغ اشعار ابدار اعتبار اهل نظر ایستقل و جلا پوشدر
 لاجرم منظور اهل کمال اوله رواد در بوی جلیه بر او بچون اول ایتد و کی مقالند در

بیر بر انبیل عالمی بلغم نه حکمت وار | شراب بخور ساقیده بکز اچی قوت وار
 نقد اشکیله فقیر اولمشیدم خیل غنی | یا قدی جام می ایلد ساقی کلچره بنی
 تیور دم کرچه عقلی عشق دای یار سیمین | جنون واد ییرین او کندی کوکل هر زین
 ایه میل ایلی اول سرو ایتدم در کنا | عالم لجره کوردم بویله موافق روزگار

عروفتان ثانی استنبول ندر لطف با یزید دور نیک او ایلنده همیشه نامی حسن
 خایده بیمانند کوزل و یوسف مثال به مثل و بی بدل او تو یوسف ثانی دید کلری همد
 ثانی تخلص ایدمش در بو محسنی دخی ثانی ثانی ده ظاهر و پیدا در عبیدر که اول
 خوشخوار غزه جان کهار ایل هر انده نچه سبک عاشق و لطفکاری اولد و در رکعت عشق
 بری اول شوخ و لطفی مقادون رقیب و اول غنچه ناز زیننی خار اغیاره قرین
 کورد کده صبر و قراری و تحمل و اختیاری قالمیوب قتل ایشدر بو اشعار انگ در

دلبار دلا بنم نم در | نور دیدم سرور سینه
 سبزه را وزره صانکده | عالمک غایتی الم در بل | اولک آخر دیده بر دم در

ثانی ثانی حکیمه سلاطین عثمانی اول غنچه بلدان جهان اچره واحد بلا ثانی اول شهر
 استنبول دن قول و غنچه نندن جان می دیکله معرو در او ایل حالنده حدیث
 سن و سال مقتضای اوزره عیش و نوشه مشغول و مشغوف و یادان و اخوان میا
 رندی و قلای ایل معرو او معین بعض کسنه انکا سو دظن اوزره ایدی لکن حال
 جمله و نهایی دن تائب راجع اولو سپاهی اغلنی ایکن تعاد اچ سید قانع
 اشعار مقبول و مرتبه نخستین اهل عرفان و موصول و مشدر وادی بچو و هر لده ثانی
 عبیدر اکانی بلکه فن مزبورده بی عدیل و ثانی در و اشعار فارسی علی الخصوص نوادر
 اشعاره جوق تیغ ایچکل خیل حکمت و اقتدار و معانی لطیف بیشتر ایشدر در هر
 زمانه مرده مشهور و مقبول جمهور اول اشعار ندر مرتبه مکل دیوان و بی بدل کلمات

بلاغت عنوانی دارد در بوبرایکی اشعار و ابیات که نتایج افکارند نذر

کوکل اول اوزره طور ترسی مانند سبج	حقه لایق ایدر یک ملک اسالت سبج
او فو مک حاصل شتر منده آسانوز جانا	خلک ایتدینک هر کچه همایوز جانا
چکین روزه هجرانکی برام دکن	رجبا ایتدینک برنجب آید دکن
عیبک بمان بودر که اول نزل نشین سین	بو قدر بانه حسنک برنا زین سین
بحال یاری بو یوزدن تماشاشک او کویک	کوکل مرانی صوفی محلی اشک اولزی
کدای کویک اولوق باک سلط اولوق بکدر	نمکله املق ایلدده خندان اولدن بکدر
واز و بز منده طهما سنگ نزلوان اولدن	کلا کویک ایلد هر کچه جانا خولد شوق
قلدک اسیر قوه بزنی ای زمانه ای	غله سنگسه جام تپی بوق وجود می
کسه لر میال فرزند سستبول اولسون	صا دلر صید خوب شهره مشغول اولسون
مجلسی اتلیق موزیلره بول اولسون	بیر مغز تازه اچما سون در میخانه
عصر مده بن محمد عصا ر ثانیتم	هر کلام شعره هب مشتری جهان

توتی دیار قرماند نذر بو تقریب ایلد قرمانا بازار منده دکان اچوب حساب الله
فوا سید عالم اولدو معاصین و اشتر بستمقله کف نفس حاصل ایدر د اولدنده دکانی
اهل عرفا منبع جلد بهن روز ایدسته کم دیشردن طرف ایلدی غزل گانه قرمانده بتوتی دکانی
کندوز غنچه شاعر ساهر و عدلی نادر کجودی نیچیه دفعه دیوان ترتیب ایلد و اشعار
بارده سنگ بعضی احراق یانر ایتدکن صکره نینه ترتیب اشعار ایشدر لکن هیچ برسی
مشهور و بین الانام منکو و مذکور دکل در بوبرایکی اشعار ایشدی او کده

جلسه بکدر اولمک بن زار و نامراده	کوز کوره ل یاری او بکدن ایسه باده
اگر در درو نده ایدر سم بر کز ایلی بن	کل ایدم باشدن ایانغ رقیب و سیانی بن
کوستر انوار حقی مرشد کامل درر	مجلس هر دم عصا ایلد کور بیرانه شمع

ظلمت غمده کوکل قصرین منور لطف حاصل بیدر بتوتی عارض جانانه کس
شایع مغیب دیارند نذر و اول اطرافک شاعر پر اشعارند نذر طریق علمه سالک عالم
اولدو مرحوم شهزاده لطف مصطفی مغیب ده ایکن خدمت آستان عبادت
اشیانه مداوم العمل ملازم اولدو بعدد کتبه فی سالی اولدقن صکره نینه
آستانه دن دور و خد شهنشاه عبادت دستکاهد مجور اولوب شهزاده
اماسیه یه بیلد کتبه مشهر لری هفتده خیالی اطراف نتایج طبعنه نایته طرح
شاده در مقصوده بر شرح تالیف ایشدر در مدح و ثنا سینه اعتماد
ایتد و کموز بعضی یاران تعریفی ایلد رطب اللسان در بوشعار انکدر

نجم جوهر نایا لعین بی نشان سولر	نه دم لفظه رملید غایب دست سولر
دکل عشق ایلد کفتار بکدن بزما خالی	نه لکن باشی کسکده جانا بزما سولر
شکر ایشده حلاوتده کلامک لطفی دنگ	پار شیرین کار ایشدی قوه لعلک بردی رنگ
خطر خسرانمنده اولدم اول سنکین دنگ	اهل در داتسون غبار جسم زردم مرده سنک
کور نر لفظه خال بیک جانا نه حال اولدیا	پریشان ظلم زلفک کیشی اشفته حال اولدی
بسیارن جوهر ننگ بلن صراف ما هر در	شایع معنی اشکل نه بلن دکه بر عامی
کلر و نار رنگ ناز رنگ بر کون ایشدم	یروم او داولد صا کفره برابر بر کنتدم
فکک نقشیدرایه رو بر دکل ابرو	غبار جهره زردم بو کنگه خاک راه ایتدم

شایع دیگر نامی محمد در بالیکسری نذر طریق ایل ملازم اولدقن راه طریق نذر
سالک عازم اولمش ایکن راهم و فضا قضا اولدو بعضی بلاده قاضی و حاکم
اولشدر اخلاق حسنه و معارف و کمال مستحسنة ایلد معروف امثال و اقوانی بیایده
فضایل و عرفان موضوع کل دیوانه و روضه الابرار اولدو منظوم کتابی واردر
بو تذکره یه کجور او نمغیون انتخاب و احتیاب ایدکری اشعار و کفتر ایدر

بلای دهری خدا چکد و در رسم غم بجز
 او نیز شمع قبالم کور غم اول طلعت
 سوال یک نصیب الیه بزه باری
 بی بو قاره کونکرده توین خبت سناکدر
 قول ولدم بانه ازاد ایکن اول سروازاده
 صیوسی یوز سوزو یاچینه اولدم اگا
شای مرز یغون نذر خطی اوغله شای تکلمش در ارچه اهل حرفند انی و عا کلمه در
 کلمت کلای قمت انجی چوب سوزن غمت و زاکند دیا زیبا فصاحت دیکلن زماندر
مطلع انکدر بقلبر و رین کلکی سنده دام دار محبت بزه زارنده مینه بزازه بانو وار
حرف حیم جانی علمار و کبارند و فضلا فضایل قومک برشتهان زند عالم و
 و خیر کامل حاجی حسن زاده دیکلمه مود و انواع معارف و فضایل ایلد مشهور و
 موصوف در نامی محمد در سلطه بایزید زاننده انا طولی قاضی عسکری او کون صاحب
 امتلا و مراب ساریه ریا ارتقا تمیش در سنه احد عشر و ستمایه ده جام عتاد فرجام
 حیات صدق سناک تا تک مکر و مصدق و روم ایل جاننده صدر عالیقدر ایکن صدقات
 عالم و جودن منزل و مخلص اولو استنبولده بنا ایدو کی مدرسه و مسجدده
 مانند کین مخزون و مدفوندر چونکه احوال فضل کالی کتاب شفا یقده مسطور و بین
 مذکور در مقصود اصلی و مراد کلی که اشعار لرین اشعار در بنا علی عیان کیمت
 اول جانبه منوعلف قیلوب سمت تطویلدن منصرف قلند حقا که بزدا فضایل ایا ایدو
 ایا فضل و عرفا جامع جهان و جامع زمین وزمانده مگو و جام سرو انجی اشعار
 دقیق غمت شمول نزاکت ایلد لولا اید حکایت اولنور که روح مرقوم بویت بلک مرقوم
 کشتی دل بویه دریای صیرتدن خلاص کاکلد لبر ضیا لیدر سنلر بغلدم
 اول انشاده غلطه بوغازنده کشتی تمیش انی جو مغجون بیوک اول سنلر
 بغلش لرایدی سوادن بریسی بویتی دیشدر
 شول بن بر جاپلای قیلن بوغون اولنور لطف طبعندن انندم کاکلد لبر دیشدر

روح مرقوم در می مقابلده بو بیت ایلد جواب دیرش در **بیت**
 دل کشتی سنه بار چه دین تور کیم دیرکن اور خانه دانوب انده بیانی صیدک
 بو اشعار غمت شکار و فصاحت دثار مرقومک نتایج افکار نذر
 راه غم اچره اولالی کو کلم روان سکا
 قطع ایستد یکن علاقه سنی کندی جان
 مردم که اولکد عالم روشن کنش کیمی
 بر ذره کلر ای مه نامهربان سکا
جامی رویدر دیار بجه حیات و مولانا که حضرت نوری زیار ایستید خلق عزت ایدو
 اکثر صده اقی ایدر د شونده صلا و وحید الطاف یوقدر بو اشعار انکد گفتار
 نیجه نرفه اویوب بر سکه سکیانلق ایدم بریدر فقر و فنا ملکنه سلطه نلق ایدم
جانی یک نفس استنبولدر د او د پاشا کله سندن قول اولنلر نذر مرقوم سلطه سیدیم
 سلیمان خان شزاده ایکن آستانه زینت ایزد و مجلس بیضا رنده جام صهبای
 کیم مدام دایر و اکثر صحبت خاص شمشای به صرا اولور د بعده اول شمشاه
 سعادت بانوس سر سلطنته جلوس اندکد بعضی لغافه متصرف اولو انجی باشی ایکن
 سنج غم چوب حال صرده سنجاق سکی در شهباز طبع بعضی معانی شکار ایدو غلام حال
 برت اختصاصی در یای غمتدن نیجه لالی ابدار در کنار آتمیش در بولج انکدر
 زلف دبرد و لا شور بونیه ایکی کیمه در ای مقبره واقعا تعبیری انکد نجبه در
مجموعه بین الانام و جمله خواص و عوام اچینده تاج زاده دیکلمه مشهور و توفیق
 اشتهار صحیفه فلک و آوار و طومار روز کارده مسطور در باب صابون ایکن
 کند و طریق اهل قلم عازم و مرقوم حاجی حسن زاده دن ملازم اولو مدارس
 افاده علوم مداوم اولشدر محمود پاشا مدرسه ایکن طومار امال منشور احوالی طومار
 غزالی التفات پادشاه ایلد موقع و تاج بر اشتهار کیم بواقیت عنایا سلطه ایلد صریح
 اولو صابون قران زمین وزمان خدمت سلطه سلیم خانه نشای اولنور بر عنوان

و امثال او قرانی میمانند طراش صان نام و شان اول شد بعد بومایو ما
بالی نسایم التفات بیکر اینله خندان و چیز احوالی باران نوارش و سلطان
در یا نوال ایلد سبزو و زیا بلال اما اشاعت ستمت سلطان مزبور ایلد تابان و کنگره
ایوان و لقی و اصل فرق فرقدان اولونش بخیلقد قاضی عسکر اولش در وقت اول
مرحوم سلطان بنرور ایام حضرت و منکام سفرده شرف صحبتی ایلد کامرانی صتی مغرور ظفر
اردیل مغربیت جنگ شاه امعیده خدمت مولانا مرقوم و مولانا ادریس مولانا
حلی اول خاقان مالکستان ایلد فتح و نصرت کبی معنان اولونش انوائ معارف
و ذکر احکامات و لطایف ایلد روان اولور لر در آخر الامر بر طوای وای نسیم
لایکدره الهم روزگار پر شدت و تر مذاق حضورین زهر ایندو اما سیه ده بیکری
طایفه سنگ تحریکی تمیمی ایلد صدر صدر اردن صفی حال فلکته و سر بر ریاست
میدان استیا کورد حکایت اولور که مرحوم مرقوم قتل اولنا جن جن معلوم ایلد نیوب
سیف و نطع کوز و تیغ فائده حیانتدن امیندن قطع ایلد که مانند خانه روز با
خیطه جری اللک اولو وافر مواظ و زواج و حکایات و نظایر سوسلیوب مارون
اکرشید صغیر بر یکی قتل اند و کنه نادم و قتل نفس ایلد ندره مرتبه ده کنا سکار و تم
اولغین عیان و بی ایش کن باد نیت اعدای بسکال اش غضب پادشاهی اولدلو
اشتعال و میشد یک قطرات نصایح و مواظ ایلد سگین اولونق ارمال و غضض ضیال
قتل اولور که بعد قتل پادشاه مرغ غضب و اسکندر ایت مزبور قتل اند و کنه
حکم ندامت ایلد و مقربان حضرت نیچون بقا حبس ایلد و کوز دیو بلا منت ایش اول
اشاده بزارستان و اطرافنده اولنا خانه و دکان درون عاشق نالان کبی
سوزان خلق جهها مانند اهل طهین معتم جیم نیران اولونشرا استنبول ناسته اولور
یا قوب ظلم دهدن اول پادشاه بر وجه شکایت و زبا نشین ایلد سوز در روزن حکایت

ایلد

ایلد روتا اولور که خاقان مرقوم اول انشی بالذات سوزد که مباشرت ایلد که
سنان پاشایه دیشکر که بواه بر شرار مرحوم صغیر چلبینک آه اشبار نیک اناری در
خونم اولدر که انک آه اشبار قصر وجود مری سوزان و برای سلطنت ایالت مری
خواب و ویران ایلد و سیل خون ناحق تحت و تخمیری سیله و باد آبی برای سلیمان مری سیله
ویره روتا اولور که مرحوم مرقوم سلطان سلیم سریر سلطنت جلوس ایلد که و مدارج
معارج سلطنته راتی اولد که ایکی ذات تود و صفاته ملاقی اولدق بری مویزاده
اناکه نه فایده پیرکنه ایر شمش و بری تابی زاده که دست تهور ایلد فرمن وجودین سیله
در مرشد یو سوزد رایش غرایب لاندندر که مرحوم سلطان سلیم سریر سلطنت جلوس
و مزبور صغیر چلبی بیعت مایوت ترکیون دست بوس ایلد که تهنیه سلطنته بریده
مطلوع نظر کوز اولش در **بیت** جا آفرین کف ما نفع جانهاد بهر شاد معتمد شاه جهان نباد
و مولانا نجی افندی نقل اولور که مولانا مزبور قتل اولد غم اوج در کون مقدم مزبوره
بر تاز غزل یوم بچینه بولتی غایتکه بکندم دیدی اول بیت بودر **بیت**
بن شهید تیغ عشق اولد که راه یار بودین دفن ایلد کوز تندن غباری کسونا
فی الواقع قتل اولد که اول رئیس مظلوم قانی ایلد سلطان سلیم جامع باند نشانی
مسجدی دیکله نورد مسجدده که کندوسی بنا ایلد در دفن ایلد مرحوم صغیر افندی
خط شریفین منقولدر که خدمت مولانا قتل اولد کوزدن اوج در کون مقدم کجه و اشاده
بیت بخت شعرا او قوب تکرار ایلد **بیت** منم آن دوروزه مری که بز بسین نیرزد
بس از انکه من میرم بکرسین نیرزد **بیت** مرحوم مرقوم کلام منشور منظره مندی نجه مراتب
ایلد غالب و غزلیانندن قصاید فصاحت سمار اراج و فارسی انشاسی ترکی انشادن
اعلا ایلد و اهل قنده طار و واضح در اگر چه اشعار ساده و کشاده در کن
سوز و عشقن ازاده در روایت اولور که سلطان ملک رفعت و صفا قران سکنده

و همیشه خست سلطان سلیم ایله انشا مست و حکام مناد منده مرحوم مرحوم بن ماست
 عشقه منکر عشق و حبت قلب عاشقه سورش و حقت ویرد و کنه غیر معوم عشق
 دید کله جگر افش و اهل عقل اول آدم عالمه عشقه درم اورمق کلام جاهلان
 دیود عوا ایدو بنیه مقالان بگری ظاهر واقعت مشاهده قادر او لمحتی مین
 ایتد که سلطان روی زمین مرحوم اندا بک عشقه انکار و کوز اسیا و اشعار کوز
 ظاهر و بیدار و روشن و اشکار دیو بیور شر مرحوم شیخ الاسلام استاد بی و
 الانام اندی لم شیخ بمنزل البوارح و الفوادی مولانا المفتی ابو السعود العمادی حضرت
 منقولدر که مرحوم سلطان بایزید مستغرق امارت ایکن خدمت مولانا مرحوم و توبه
 زاده مرحوم حبت و سعادت کبی خدمت شزاده عالی رتبتدن ایرلز و خلقه مثال باب دولت
 و قبالتدن ایرلز رایدی اول تقریب از الزنده حبت و وداد و اصل مرتبه اتیاد
 اولتید بعد سلطان بایزید قاف زمان فرمای خلق جهان اولدقه هر بری منظور نظر لطف و
 احسان اولدو توبه زاده مرحوم قاضی ادرنه ایکن مولانا مرحوم نشانی او لمحتی
 تمینه منصف ایچون کوندر دو کی مکتوب بلا اسلوبه بویستی تطیر و حقوق سابقه
 اشارتی بوکونه تصویر اتمیش در **نظم** سلاما ان اکرام اذا ما یعنی بویستی مشهور
ایدیت ان اکرام اذا ما اسهلوا ذکروا من کان یا لفهم فی المنزل فحشش
 نقل بیورر که مثلا مرحوم اذا ما لفظی نیه اشارت اید و کنه نایل اولدقه ارباب
 بعض یار انک معانوت و التفسیر مراده و اصل اولمش مرحوم که مصنفاتدن بیوش
 مشهور و کان بلا و نهایت نصت اید مقبول کله در یور یکی اشعار بلا شعار
 اول شاعر نامدار و ناظم حسان اقتدارک زمین بلا نته نشار و کان نصضدن
 اید او اظهار ایتد و کی لانی ابدار و جواهر زو اهر بر غبت و اعتبار دندر
 سو لک قصه ایتد و کی یاره درد و حسرت • اعلی طو ترینی گفتاره قالمز قدر تم

بن نسیس شیخ جان بخشه روان جان ویرم
 قابو که العجب کوزد بن عباس خاکدن
 کونده بیک کوز کوز بلز اولت عنایت
 خط مایز خدک قلمسه صفت میم او سندن
 ای خط خرابار او دایم کسیر کسنگ
 شکسته اولد و یلدر کوهل آینه غدن
 صیقله کشته دله حوق بلز کبدر ر قائل
 یونمیدر عالمده بربر و اند دگلو غیر تم
 وارد در ریردن کوه باد صبیاه منتم
 نیلسون برده بیک شکل قویا بود ابی
 بوند سوز در نقطه در حال لبک میم او سندن
 بویله کوندن اشکار اولد و غنی تزد کسنگ
 کم انده بر نیلیدن کور نیور دست بیدار
 دمانک غیب اتمیش در کمانم انده و کمال

زوا اولنور که مرحوم مرحوم دیده عالم بینی چشم دلبران زینن کبی خونین اولدو
 اشک چشم خون امتر اچی قهر ز جایی ایزیرده حکمکه مردم دیده لر جان کبی کوزدن
 و شکل دل میال انند قان اغلیوب عاشق ناله کبی کرمان اولدقه اول زمانه قاضی
 عکر اولد مرحوم حاجی حسن زاده که فخلصی جامی در بو اسیا دیوبت مرحوم کوندر مشر

ای کوزم نوری کوزک مرد مریک حالی نه	در دهنده انتظارم او مردم شافی جوا
ز قنکده خون ام عکسیدر کم کوستر	کوزرک ایلینه سی هر خطه خون بحس
غالبان ایلش در کوزرک مرد مریک	خوفدن مستور در والد علم بالصبوا

خدمت مولانا دنی بوکونه جواب مستطاب و بیروب دیش در
 ای طبیب جان قییک از تشفا سندن او مر
 علقه صوردم خاکپای جوهر صحنین
 ستره اعیان دوستدر دیو ویزد جوا
 چشمک حال صورسک اصم شمد روزد
 کاکل دلبر ضیا لیل انکام کین طناب
 حکمی دیدار کده اولور بکنا مانع رید
 ایچتی پیداشفق لایب کور غز افق
 یوز سوردم خدمت و از و جفا بکدن
 چشم بد دور اوسه یک والد اعلم بالصواب
جزئی مرحوم مرحوم اولد و علیدر ادی بالی در حینه شوخ طبع و نازک سا و حسن

مانند ماه تابان مانند حلال مشارالین مشهور و مشهور و مشهور خلق جهان ایدی خانه می
 یاران و جمع رندان و صغیر آباد معارف و عرفی قلمند و عامه اکابر و اعیان و زمره
 اهل عرفان عاشق مالک و اول محبوب جهان که کل خندانک طبع بر ناله و فغان او شنیدند
 دایما باده کلگون ایل برش افیونی جمع ایدرد آخر بر شدن غداسی بگری بیدی
 در همه و ادمه طبیعت سیمیه مقاومت ایده میوزم برش افتن المش و ملاح اصل فلک
 وجودین در سایه صاف شنیدند در نی که باغ بهار حوائی فروخت از تن باد حسیزانی
 حکما اول نور که جو ارقوم کمال پاشا زاده و مرصوم کلشنده ذاتینک بوی نامنوا و
بیتخانه عشق اجاره بن بطونی قالدردم برینکی کوزل سودم سرمایه بی جالدردم
 منلا مرصوم کونو جلی سرمایه جالدردم و کلز ابودکل یولطیفه اتمیش بو مطلع انگ در
 در یکلدن اولک ای سیمین بدن بکلر کفایه جانه زینت و دیدادن کفن بکلر کفایه
جفای ندیده رستای اوغلی دیکله مشهور ایدی معارف جز نه و قام خطدن خط
 اونی سی شهر و شاعر علم حاسبه بد طولاسی دار ایدی مرصوم سعیدی کلر کلر کلر
 استنبول قاضیسی اولدده نیابت و کنایتن وقاضی عسکر مرصوم محی الدین صلیبک
 جو ق خدمت ایدرد ادر نه ده اول سرائی خواجه کلر ملازم اولدقدن صکره
 طرفی قضایه عازم اولور روم ایلینده نجه شمرده قاضی و حاکم اولمشید کن ادمان حیره
 مبتلا والوده فسق و هو الوعین بر ایکی دفعه سرخوش طوتوب عزل ایدی اولون منصفین
 مایوس اولتی بی سر و سامان ایدانوس اولور اخوانه ذلت اخره رت ایدد بوشم انکار

ایینه نه یوزدن اول جانانه بر ابر	اولسون کوره لم یوز یوزه اول جانانه بر ابر
کلگون شکر کم خط شنیدیز له قوشدم	کلدی طوشوب ایکیسی میدانه بر ابر
کویا که اولور کوندر ایلیکی مسای	رفنسیه اولسه رخ جانانه بر ابر
چکدم اینی توی ایل جوهر اشکی	کلدی ایکیسی دیده میزانه بر ابر

جفای با یزید زمانده سراسی حاد مفر و جلا مکانک خواجه بی ایدی سیاح مسالک کلر
 اولمخل صوق معارفه مالک اولمشید اما خرنده حلا و بودر صنفه تجنیس اورزه بوشم انکار

اهم نبی بوخت ایل یاقه یقین در	کم شه یوزینه دانی قوی باقه یقین در
بوینده یقین کوز و ای دل صدتم	سن ایند ایراق سن مکان اول باقه یقین در

جلاک اکثر خلقی ناظم و ساعز اولامنیع هنروران و مطلع فصل و عرفی قصیه
 مناسرتد ز نامی حسین در ابتدا حالنده از با تیماردن ایکن استنبول کلر
 برقدار کلر و قرار ایدکلر صکره ترک جا منصب و دولت ایدو قلدن ران طاعت
 دیار عرب و شام و حلب سیاحتن ایدرک کجا یکی اولامنیع پاشا ایل صاحب ایدکلر در نظر
 بری نرادینی و یزید مرصوم داماد اید نمیشید مذکور که معارف و کمالانده ضعیف خط
 علی الخصوص خوش نویسنده قلم کبی الی الوعین مرصوم کلر کتبت و تربیتند بکل
 ایدو مرصوم کلر خانه لالا اولدده سید الوعین کیدو اول استیاده اعالی بر
 بنده و چاکر ایدو کاتب رئیس ایکن بعده ناصیه شاننده اثار جاه و صلال بر توی
 هر کی لایع و غره جبیننده انوار کبد و معالی تباشیر صبح کی طالع و سطح الطاهره ایدو
 جوان کتبت و شایسته تاج و کت حضرت کلر دولت مصعبترینه نیایل و شرف مینا ایدو
 و اول اولمشید انا طولی و لایتنگ تیمار دفتر داری اولور آخر خدمت حضرت مزاده
 ملک حضرت و فلک رفعتی سرمایه ایدو و نوت بلوب اغوزغا ایدو و وارر کاتب
 کردارندن بر آن مغارت ایدو بعده کلر سلیم پادشاه هفت اقلیم اولدده میر علم
 اولور علم شمال قران و شمال اراسنده سرفراز و مانند لوای سعادت پیرای کلر
 جلدن بالا و تقاضا اولمشیدی لکن بعضی اصحابت و واعین حضرت ایلر زندگانیسی
 الوعین ضرورت خدمت پادشاه دور لازم کلر بقا ایلرینه نکسره طودت و
 مرصوب ایدمشید اول حالده بلوی دیو پادشاه کوندر مشش ایدی بیت

بوجه فریاد استعد که بیک داد ایدیه سنک داد ایمی سین بن کیم فریاد ایدیه
 همان صحت سلطان جهان وجود بند روح روان او شنیدی که در در مقام سلطنت طاعتی
 و خست بی غایت لام جهان تحمل و قدر او یوب هزار کربت و خست ایله بو غار درون
 سروره حلت ایست الحق اشعار مقبول و مرتبه حسین و قبوله وصول پوشیدی
 اگر چه تصوفانه دید و کی اشعارنده چند لفظ و حلت یوقدر کن اشعاری چون
 و گفتار مرغونی دخی یوقدر بو اشعار غزل اشعار انک گفتار نذر
 عید و صلواتک ایرتک امکان و لیسون
 استخوان تنی اولدقه وصیت ایدیه
 خلق جهان عالمه قله قدح تجسی
 ویرمه کیسوی دلا دیزنه دل جانانک
 چشمه غنا ویرن انک خاک در بیدر
 کوز یا شی کل یولکه فرج ایستدی چشم
 چینیکی چین ابر و کل جوق صورت بلور
 جلیلی بوزیر طاق میناده نمونه و سخن سنو و بونیت سرای دنیا دمج کل رخا کیم
 و ماه رویان سنبل بو اولان شهرت و احر و بر دند لطیف از بقید نذر ایدیه
 خطا ایتمک کند و دینار **جلیلی** حاکم زاده جلیلی بروسدی نظم ایدیه شیرین و حسوده
 اول حالنده کسب علم و کمال استخال ایدیه دانشمند اولدقن صکره عقلمه اختلال
 ترک تمنای جاه و لال ایدیه بروده کن او شنیدی غنچه تو خوش و انوار اولدغون
 کسه اید قیل و قال ایمیوب فصل تمیز تعریف از اول لفظ و بیانه با کله ابطال
 ایتمشید نیچون سویمز سین دیو خطا ایدیه بیعینم وارد یو جواب ویررد غوغا ایدیه
 کل برکی و منویانده حسره شیرین ایلرلی و جنبونی وارد در شهنشاه ترجمه ایدیه در بر

کن اندن بر بنی کور مک و اشنگ واقع اولدی بو اشعار انک گفتار نذر
 چگون اول کوز که شب بجزده خونبار کل
 ندل که دله نمیلد حسرا حتی یوقدر
 کورنه خست بز منی قورده فلک جنبونه کم
 ضیمه لیلی که بر زخم در مهتاب انکا
 عشق جامن حسره صون ای فلک فرهادی
 اولکه بر بروک غنچه و شکر تشکر
 غمخساری جلیلی در منیا نیمی
 بر کون که حرارت تور
 قیوب اوده سیخ افتالی
 درد ایلر که بر بحر صبح
 صبح اید قبلمک **جلیلی** بروسی در سلطان بایزید وورنده کشت در بوطع انکدر
 نینه بر درزی کوزل سود کول کل یاره چی رشته زلفک بعلویر اواره سی جوق
جلیلی خطه پاک ادرنه دن ظهور و بروز اتمش در از با صنایع ن پیلد و ز شری ماست
 و بر سوز خفاف و نعال کلام و مقالی رشته بلا تشکر حکم دو اتمش کرور ایام و مرور
 قابل خرق و نیت اکل در مرحوم سلطان سلیم خان دورنده انتقال اتمشدر بو شعر انکدر
 آه کم غنچه قالدیم بر نگار اکلر بنی
 اتم مله هدم اول کتمه قیدت دیر بنگا
جلیلی نامی عبد جلیلی در لایق تعظیم و تجلیل ذات شریفی جلیلی عبد الغنی افندی کیم برادر
 قضا کتمه سلوک اتمشدر سخا و مرو و شان و کموت و درویشی و کنت ایله شهره داویر
 و بونده دخی کر جکان حساب اعتبار و اقتدار در بوبرقاج مطالع و اشعار

بو ابیات فوقه لیل و جنبونند
 و اول کتاب سخن نونند

بدر اول شاعر علم شاعرک یادگار سلم بحر دنا ریدر

او کینور صالونب قاتکسر و چین	بمز اول شیوه رفتار کفندی یوری
اولدک کیندک یولده دیدک بکای ملک	اشته بن اولدم مددر خجیده خاطر اولنگ
دارمید ان عشقک بردلا ورسوری	اشته میدا اشته ار مردم دین کلسون بود
خطا مسکنده جانانکته مسکین وصال	انده هر بر تازنگ بر شستان جنیال

عالی سلطان محمد دوردن کلمش در سلطه بایزید نامه بهای و بهایو نام بر کتاب
 این نظام نظم التمس در لطیفی هفتده حیل اطرا ایدو بو مقول اشعار اید اشعار
 بولدو غنچه تجب و افکار ایتشد رکن یازدوغی اشعار نیک آسنده چند ان مطاعت
 اول شاعر بودر طکلک هر کیمو بایزید غن بر وانه قومق اولز بر اراده او دایله اولز
 لیک ایتادی و ایتدی کوز خسته بنی بانده ای عیسی یا سو او سو سی بولم کلم
 اقدی کو کلم صویکی بر دبر کیدارینه طوموسی دن بر نیدم تجلی نارینه
بحانی دفتر دار زاده دیکله مشهور معارف غریبه و لطیف غیبیه سی نا حضور
 وادی هنر و مطایبه ده اشعار خوب و فایده آلوب مرغوب اوزره واقع
 اولشد طرز نده و صید و فرید دنیل بدیع و جمید دکل در مثل کویک ستمه سالک
 اولغله اول دنگو مطالع شریفه و معنی لطیفه مالک اولمش در که طرز و تقریری
 خارج حیطه تعبیر در اول اجله مطالعی وافر اولو غزلیاتی قلیل و نادر در
 رقت انظار و افکار اید صنایع و بدایع غریبه ابد و اظهار ایتکله
 شهره روزگار اولمش در بوبر ایکی اشعار انک گفتار نذندر

چشم کربانم کوز و سبک باش حقدردیدی	فا کبایک با کطریق قاصسی حکم ایدی
عاقبت چونم طوطی کوزینه قاشند	فر ایدن یک مرصع تا جلا طاش باشند
خواب غفلته اولان منزل و صلا ایره	صید نین یارک ایشیکن یاره نزدوش

اه کم بر سپاهی دلزاری	بنی ایتدی صوتق سکارا	بور دن قوی دن در درم در
دلا اول غنچه دوشتره کل در	صلر رسید مایه ای چون اکثر	بشک طاشنده او جملر اول

روم ایلمینه کیتد کده بسش ایچ علقو قومی کسد و کتد دیشدر
 پنج ده ایچ ایلر روم ایلمنره دوشد بسش کسدی ملک طابوده دوشدی
 مطالع مشهور و الیه ناسر نکور او نمین بو مقدار اید الکفا و اختصار اولدی
تجلی ترک شاعر نذر در اکثر اشعاری نوایی طرز نده در بوشو انک در
 بولن اول انجن کیم انده صهیابولیه اولن صهیادنی کر بر دلار اولیه
جنالی انکه خط عایینه بی ائی نوح خوان باوجی نقد تیرب سلا در بطی
 اولن کجایت و حلا کجایت حقیق مطلق خضر نیک سلسل تناسرینه
 منتسب منتهی و سلمه وجود اول کان نرد وجود منتهی اولغدر و حال مانی خندان
 و بی اولن زمره ساد کتیر البر کاند قضا ادر نون متقاعد کین حنیض خاکدن اوچ
 افلاک مقصدا اولن مرحوم و مغفور لامیر حسن کافی افند نیک فرزند بلند سعادت نده
 نامی مصطفی در تحصیل جلال فضایل و تکمیل نواصل جرایل انجمله جلد و قایم اولغدر
 العالی و برهان الفضل اسوة المحققین قدوة المفسرین شرح الاسلام و المسلمین مرحوم
 ابو سعید افندی ملازم اولشد مدار عالییه مدرس اولو ترجمه لری هریر و
 اولند قدوه مرحوم مغفور که سلطه سلیمان خان علیه الرحمه و لغزان مدارس علیه نذر
 برنده افاده اصحاب استفاده اید بنای کسرای فضل و کمال نینی مؤسس اولوب
 همیت اطوار و افغانی مجالس محافل از با جاه و جلایه قیل و قالی اجراء کلام حق اولو
 موصوفت لانا خذه لومه لایم اولغدر سامی و عازم در با این جمله نین اکابر و
 ان ایلر خستل و وزیر اعظم و امرای فی م اید ارباب طاورزه در مقام علوم
 و فضائل دن طبع کاملری علم تربیت و محاضرات و تواریکه ماین اوغین عربی قضا نده

دو بهر بری مظهر کلام الله در قابل اولشدر و ابتداء اثرش جهان من الی هذا
 حوادث ایام و وقایع سپهرنا فرجانی یا زود علم تواریخی شامل لطیف تالیف
 استلذذ که تاریخ روزگار و کتابه قصه سپهر دوازده اولشدر بو تذکره و غیر
 او همچنین ارسال سوره دقله بمشائری در که تسطر اولندی

شمع و شوق آری شو فکله کونین یورو	باشنه ایشین افسر لاور سو یورو سون
بلدی قیدر حیف او در نایابک	وست ابو ابله در یا قود و کونین یورو سون
نه حالت وار جا کده سنگ ای لور یزدان	رخک یا ننده یاد ایزد دل اهل مهر خشن
لفک غمخیز میت عاشق دو تاه ایدی	خط غدا رده نه بلای سیاه ایدی
سینه ده عشقه کله دایه بیشتر اتم کرک	یعنی کم سوز در دغم اشکار اتم کرک
کوب سردن صفای فی بردار اولین بلز	حجت را منک حفظن سبکبار اولین بلز
غم فکله یا زسه نوله جسمی موک	دود اینهی خدایده تو فر نطو با سیم علی

کم عن فراقک مهجتي کاکو	از کل چی عین صدود	یعنی قلبی حرم من هو انا
خوام لر لطفها هو انا	وقصدی ان اتم کهر نه	ایسیدی شانه تطفی هو انا

جناب یا مرحوم صاحب قرآن سلطنت سلیمان خانک حرم چاهنده جو بار ترستی ایله شوق
 نا و التفاتی بنایا سلطنت و نوازش و مراجع حاتم ایله حسن و با بولون ارباب
 عمار و اصحاب بلاتنددر حرم چاهندن چاشنیکر باشین ایله صیقل ایندن امر خور
 اولمشید بعده لطف کا میا یک لیت عالیجناب بلای مذکور کحقننده و الا ولوت
 اکت بیکرانی قات لیا تمندن بالا اوکو مزبور انا طولی و لایینه امیر الامرا
 ایلی اول حالده بجز نبویه تک طقوز یوز التمش طقوز رضان شریفنده زمان
 حضرت ذوالجلال ایلر ویال جناب عزت ایچون غم عالم بقا ایلمیش شکار لطفندن
 چاهندن حالی کل در کاسه بلز رو جا بنابر اسنده اشغاری متلو و مذکور در بون

اولسید اود اتم کوزرم کریان اولور
 ابر و ظلمت ظهرا و لسه لاجرم باران اولور
 مطلع مرقومی فقیر کثیر التفسیر بو کونه تنبع ایتمشیدم

ایسک غم سفر جانا کوزم کریان اولور
 پادشاه لر برکت عزم ایله باران اولور
جناب مرحوم مولانا عذار نیک برادریدر ضیاع معارفه مالک و طریق اهل کسبه
 ساکد اولمش برار صبا تیمار کسنه ایدی القوج اوغلی بالی بیگک یا ننده دو شاهدیه اصل
 و لایسن آذین قتلوانی سبیل الله امواتا بل هم اصیا سعادتنه نایل اولمشید شکار
 حالده کاعار دکل در جمله اشعارندن بو شعری تحریر و تسطر اولندی
 شب غمه یا کوز قالدیم ایماه مدد
 سکا ایز شمرالم نیده بین ایواه مدد
جناب امانتیه قربند امنه طایفه سند ضوون زاده دیکله مشهور ایدی سلطان
 ماضی دورنده قضایا جله راضی اوکو قرین حور و ضوون اوغله غم کل از جنان
 ایتمش در اشعار مجرود کلام موزون مقول کسند ندر مطالعینک کزیده بودر

چو فرصت عیش الیرد چو خوش کور بودر
 بو کونی قود یارینه که کور مز بودرانی
جناب جنان وجود گردان و غبار عانا بدن کمنوسه اولاشدر و دندر مرحوم
 معلم زاده دن ملازم اولو حالده تدریس قایم در حقا که مرابا فضل و کمال
 مقابل ضمیر بشیالی اولمخله صور و نقوش علوم دایما ملحوظ و منظوری و دیده دورنده
 عین البقین اولان اشکال ایل مشکله هر آن محفوظی اولو قطع بجزوری دکل در کس
 جنان ریاضین معارفه تر بین اید و صور العین لطایفه ن برنگین اولد و غندن غری
 دخی مرتبه قبول قرین و نامزد مدح و عین اولدر بو تذکره و تحریر و بجزون ارسال ایتد و اشعار

هوای غمجه باغیله ایلر افغانی	اور یور کدن ایسه عنده لیب ناکا
اولد دورنده کجا غمجه و اندوه حرام	اغز یا سو باشک ای حاتم مرت ایچم
لذتده اوکله لعلک سکر دینور صانور	بیچاره اتوی دادینی بلز بنور صانور

پشت آید بنی راه بلا ده جوان	نیچ کشت المیه بین دشت نمک بی پایان
خاک کلاجه خسارنده تر غنچه تر	برایتله ویریش کبشی شام ساگرد لبرک
عالمه برض المیه باقوت لعلک متصل	کم درای خوابه مهر صلت انخا دل
جفای سمندره دن سمندره جنگ و بیکار اولان زمره سپاه طغریان بود در وقت	
کمال و اهل معرفت کند در اشعار حاله غار و کفتار خلافتی جان دکل در بختور انگه	
جان در خجروکی هر کجی بهلویه بکوجک	بر زمان اولدی بکم هر کیشی کند و به چکر
امیشندن بو سطرلاب سهری انخل	شویک فکرت رفیقین خسته زانو بی چکر
جوری شوارد بخت دیدنه سعدون اول شهر ادره دندر صفار و کبار ادره	
خراط زاده دیکلا استهار بولش در باسک ظرفای عجمه سلطه سلیم ایلد کلوب	
ادر نه ده آرام ایلد و انده مقام طو شدر نامی ابراهیم در علومت و کونمندی	
ایلد طریق سعادت علم سلوک ایلد و نیچ زمان استمان افندی مرحومک کلتان فضل	
و عرفاننده خوشه چین او بو اجنه ناما فضل و یقین ایشید آخ الام ابواب	
رحا و اما انداد بونو اول بادن بر مراد اولی حق طزون و ناشاد عبید اکر	
زاده مرحوم سده فلک نهادنه استناد ایلد و اندن ملازم اولد قدن صکره طریق	
قضایه عازم اولشدر حالار ورم ایلد قضا تندن و اول طایفه نک اصحاب کمالا تندن	
الام بی انجام منصب قضایه مبتلا ایکن نینه دایم تحصیل فضل و عرفان اوزره اولد	
و مدام اداره کوس کمال ایقان ایکیله کیفیت قوه مباحنه و حالت مطاکعنه	
نقص کلیموب بلکه مثال رحیق عتیق روز بر وز غلیق و اشتداد اوزره اولد	
کیفیتی از دیا داوزره در معارف و فضا یلندن فضل لطیف اسیب و نوز و	
سوزناک گلانی و در در مرج کویله و برش و طبعی اول سمت از مایش تکمل	
خوب مر کله دیندر کند و رک رای ایلد بو ابیا تسوید و کجیر اولندی	

دلی الوب کیدر اولد ک کل ال بله جانی	بری برندن ایره افندی یارانی
عزم ایلد نه چانه اول کوبه امید	قبله فاکبی نوره کم در تر او سته
کلا میندر ککل اول سرو کناره	سندیه تحمل کوره هم صبر و قراره
قادر دکلین بیلورین ترک یاره	اواره کول نیلیه بین ساکنه چاره
بر مرتبه ده فر قیلد زار و نزارم	قادر دکلم اول صنگ کوبه وارم
طوقیز ایکن شدی بنم باشم چارم	ویرانه کول نیلیه بین ساکنه چاره
یوانی اصله تر حاله دندر قاضی زاده در عنفوان جوانیده طریق علی پایانه	
ایر کوز و شهباز طبعنه استانه حضرت کمال یاشار زاده اشیانه اولوب	
خدمت شریفندن ملازم اولد قدن صکره بلای منصب قضایه مبتلا اولمشیدی	
ویزه ده قاضی ایکن داین اجل متقاضی اولد قده قضا قاضی برحق و	
حاکم فرمان حاکم مطلقه دل و جان ایلد راضی اولشدر بو بیت انگه	
سک یارم دیش مجنون شیدا ایشید و دیدی لیلی سک بصره	
کلی ده قاضی ایکن بو ادره غرض اولد یوب اردیجه اولد قضا نظرده دیشدر	
غنجیه اول العمل در پوشی نیچ تشبیه ایدم	غنجی انجق بردهندر کم انک ندانی یوق
عاشق اولد شمدن کورم ک کدر نغنی	یوره کی یاز یا شتی آقرولی اشعای یوق
بعده قاضی اولد علما کین قریب تر جمعی کجیر اولنور دیشدر	
بن تشبیه ایدم قدینه یار ک سروی کم بو ستانده بر او یوقدر باشنده در مان	
بعده قاضی اولد مانتی دیشدر	
هر یک تو نینده یوق بردیر جانانه سی جسمی جاندر انک کم کوده سنده ابی یوق	
تغیر کثیر التفصیر ک بور دینده دید و کی غرض لنددر	
مع جرت باشم اوشدنه چاره نیلیم روندم اول مجنون کم اوز باشنده در مان	

جوانی اهل عرف طایفه هستند صنعت کلاه دوزی ایله تحصیل معاش و کسب روزی
 قلمور بعض اصحاب معاش و کمال خدمتند اولو اگر چه صنعت شکره هوس اند
 بوقی تحصیل و تکمیل فی جمله دست برین بولش در لکن کلاه و ارکار بی باشه ابرو
 و اشعارینه بلغا سر فرو ایدو قدر و اعتبار بولشد بر بوطلم مزبور منسوب در
 و فایلیاد دلبرده نوکیده استوارو **یا بن** بچاره و افتاده ده صبر و قرار او
جوهری کوهرکان شرف در دریای معرف قطب فلک کرامت مرکز دایره اول
 جوهری دکان عرف صیرفی بازار شریف و لطف بانی صلی در که عاقبت شرافت
 جذباتی ایدر فروش کیفیت باره عشق الهی ایدست مد هوش و جانی
 معلوم صغار و کبار او معین سرخوش بانی در یکله اشتها بولشد قوت و متانت
 علم بین ایدر بر خوی اولم تفکر و انی خلق السموات و الارض حسیض خادان اوج فلک
 دواره و ارجح افعال حضرت پروردگاری بلکه قوی و انظار و عقول و کار و حرف
 اعنه و رایج مستقیمه و از ان طبا یح سلیمین اول حضرت ملک قدریک صنع صنایع اول
 ملک ضمیر که امر بدین بلکه جاننده معطوف ایدن طایفه شریفه مشایخ دن بر ذات
 عالی و مشایخ در مقدمه طریق علم ساک اولو مطلع مراحل و طی سلك اید که در
 مرحوم سلطان سلیمانک خواج سندن ملازم اولو او تو زانچه اید کینک مدرسه تحصیل
 عرفانه مداوم ایکن عشق الهی و جذبات نامتناهی دل و جاننده جایگیر و منزه و
 محض اند و جاه و دنیا و عالم بی بقا نکه عاقبتی فنا اولدوغی ضمیر منور خورشید
 تاثیر ایدو ترک عرف و فطرت و اختیار کوشه عذولت و غنا قیلو شیخ زین
 افسند مرحومک فقر اسی لکنه دخل اولو مرحومک لیدر قدر کبی اول ذات عالی قدر
 خدمتدن زائل اولم خلاصت کاملی و عنایت شاملی ایدر اقصا مقامات از بار باری
 و اهل اولمشید بعده کندوری دخی زاوینشین و بر طریق سلف صلیان اولدوقده

و تانین

و تانین و تسمیه ده تارکک یار فنا و عازم عالم بقا اولو جام وصال ملک معال
 ایدست تمایل و ادر و بالی اولو غنی و وحده و اصل و نایل اولدو روح الله
 وزاد فی عالم القدس فتوحه مرحوم مرقومک طریقت سینه و عادت مرضیه بی اول ایدر
 اموا مسلمینه بعد الدفن تلقین ایکنیکه اصیاق قلوب اعیان مؤمنین قلوب بعض نجات
 تلقین اولنان امواتک صد اسین آسماء ایتدک دیو حکایت ایدر لرا ایدی سان
 صغیر و کبیره بو حالت ایدر حکم شرت پذیر اولمشید جمله عالم زمان شریفینده جان
 ویرمکی سبب زندگانی و باشت حیات جاودانی بلمشید ضمیر مذکور فی الواقع صادق
 و واقع تقریر و تعبیر ایتدک لری اوزره موافق مطابق ایسه اولو کرامت عظیم
 ولایتدر لکن قندیل کلام مذکور هر هر تا کیدنا محصور ایداناره اولدو انکار کنری
 رفع و دفع ایتدک چاره یوقدر علی و شو انک سر بلند عزیزی افسندی خوب میشد
 جهان خلق شود کلمه منکر اولشد کرامت **مدر** بول فضل منکر دیر اگر موتایی سولتیک
 پیروزه علی بانی دیکله مورو اولدو لبر شیا لک عاشق شیفته حالی اولمغین هر هر
 شخلص ایتدک مرحوم مرقومک قرینی و هدم و منشیانی اولو ذواتنون زاده و منو
 سلیقی حکایت ایدر لرا ایدر که مرحوم مرقوم اوایل حالنده پیروزه علی بانی دیکله
 مشهور بر جوان سر و قد و بر دلبر لاهظه عاشق و عذار عذرا سی و لیلی
 زلف نمک هوا سید مجنون و وانی اولو عشق و محبتی ایدر عالم دستا و انصار
 لیل و مجنون کبی مشهور بها اولمشید اول نازنینک بری کسینه عاشق غمگین کن
 مقامی زیر زمین اولو اول کینج نهانک منزلی صد و عشاق رنجور ایکن زیر طرده
 مدفون و ستور اولدوقده بو کاخ زجاجی و قهر فیروزه رنگ فرقت در دنیای ایدر
 باشد ننگ اولو فراق لعل میکونی ایدر اشک شستی مانند عقیق من بر خون اولدوقده
 بر صباغ یارانه حکایت ایدو بیوردیلر که بویکی اول یوسف مصر حالی واقعه کوردم

در اینجا مثال از منصاله ال اور تو خاک یکدیگر ز برده یوز سوردم بوجه زمانه
 روی زرد و اشک سر خطاط کبر و غلبه کبریت احمد خاک یکدیگر کرد
 عین ساینده بر اوج طبراق است ای که چشم جانم توتیا و دیده غم دیده مه صلا
 ویر و کل رو شنایید نم دید و کده بر کاغذ ایچینه بر قدر طبراق و یوب نگاه است
 ایلی بو حال هنوز کجاست ای تو و اخوان و یار ایله صفا ایدر کن اطوار جهان
 و احوال منور را کجی پریشان اولاد ستارینی یوز و صریق لازم کلوب بوزنده
 کاغذ ایچیده بچیده بر قدر طبراق بولور بو حال ناظر اولان نر تجب و افزایده
 شیخ مذکور ک کرات و ولایت حکم ایدر بر و مرحوم مرقوم طریقی بزرگین دست
 ای تو اختیار گوشه نزلت ایتمه سبب بوالشدر بو برایکی اشعار اول مشرق
 انوار الهی سخن اسرار نامناهی قره عین اولیا نوره روی صفا صوفیه است
 جلال اموضه تجلیت جمال سرور اهل ولایت سلطان سر پر هدایت حضرت بزرگ گفتار
 علم اخفا او که در عاقلین اولادان
 عزای مقصود اگر ای یوزی مصباح النور
 افت دور از فکر عارض دلجو یک آب
 خشک اول افت دور که افتاد سنده در
 ایچو ندرسون اولور سنی کوزدن نهان
 منطق حکمتن ایتمه عوامیله کلام
 سن بو یوز دنه روز اچره اولدک افتاد
 زلفک التنده عذار کدر سحاب التنده در

جوهری ایام نیه صندوق زمینه المشریدی یا ملحق روزگار کشتی حیاتی دریا
 ماه صالمشید صفا که جوهر کمال بلاغت مصحوبی که کافض صندن مخلوبدر جوهر
 با زار عرقن میاننده مقبول مرغوب اولوب نیشه داندیشه ایله کان دل چاندن
 استخراج اسید و عمل ابدار و یاقوت سیال اکلیل تاج اصحاب معارف و قله
 کردن از با کمال اولمشید ضعیف خوش صحبت مطروح الکلف دروش مشرب و خوش
 سیر کنه ایلی والد فرود مسکن قاضی شام شرف عنوان لیکن مر نور دخی
 قافله راج قاضی اولو قافله جلتی منزل شامه نازل اولدقه در ازده ر قوط
 کمالیت و خلت حاصل اولمشید بو برایکی اشعار مر نور ک انار طبع اقتدار نزل طاهر بیدار
 بر کون انک که قیاس ایره دلد ازین قالدرد
 کلکه هرگز خلاف اکلنر ایلی یاردن
 خار خار گدن م دیوانه هر ای باشنه
 یطلدرد بیویتم اشکی غافل چغدنک
 ایلا دن اورنگ که بو بر دستمال در
 نه قورقو اولن ملادن کشتی کم یارینه قالدرد
 دوستلر اما کلمر نیلسون اغیار دن
 در نغیبی قانه غرق ایله قشینه قاشنه
 قاتی جوق بشود در انک نکلور از یاشنه
 ایلا دن اورنگ که بو بر دستمال در

جدی ایتمه بو معادنی انک در
 ایدر کن عارضنگ دورینی سیران بیای زلفنی کوردم بریش ن
باب الحاء المهمله حافظهم دیار عجم قرنداشی قوقله عجم ایله کلمش در
 نامی محمد در صفا که علوم و کمال انک جمله سنی تحصیل و فنون غریبه و عجیبه تکمیل
 ایتمشدر محفوظ و معلومی حد دن افزون کنن وقت تصرفی مرتبه اورا ک برین
 بیرون آید آیت و اشعار دخی بو منوال اوزره اکثر اشعار نیک معناسی عبارت
 واداسی رکاکت اوزره کما غوی کبی نامربوط و ناممکن در نیه بو جمله اشعار
 بلاغت سحر واردر که غایتده مقبول و حیرت قزای اصحاب عقول در جمله دن بولوغ و

فک التون بنکر کم زمینی آسمانیدر	شهر اوج لایق در او صفت حسروای
خوشا که میگذر بخت بر تیغ اول	الم ایام اول کاسه دن فراغ اول
باد خنده عجیب صیل بولد کم کوش ایگ	مت اول تکلیف ساقا او خواندن تون
فنا عشق ایچره اول بولون کراسم ورم قلماس	جنون برده حکایت قریب کلمی شهرت در

و اشعار غریب سندن در که بر اداری قوقله بی مرثیه همیشه در مطلعی بود در
 جنایر جنایر قطارین کورد و کوردی جنایر بر صفا دایری آدم معاذ الله
 مرحوم مرزلیفونده مدرسی این مرحوم سلطان سلیم خان اماسیده قتل شده مرزلیفون
 شکاره کلمش مولانای مرحوم استقبال ایدو بغزالی میزند که مطلعی بود در
 دلالتا ایسون بیغنه نالدر یا تکلیف حصارایت انیشین آقی کاسین باله ریایک
 سلطان سلیم خان اول کسبله فرپوره استنبولده علی باشا مدرسیین جنت اشدر
 تالیف ایدو کی کتاب کلامی بود در معارف الکتیب فرست العلوم ارجاع العلم انقطه
 و احده بو کتابی جمله فرزندی ابوالکاسیه او قوشلدر در واحوال عشقه بر کتاب
 دیو آدینی نقشه المصدور قوشلدر بر بواست غریبه دن نه مقوله تصنیف بجایه وی
 معلوم صحاب علوم و رسوم از با فنون و رسوم در حافظ **سیرور** طریق علمه ایگن
 ایدو کاه خانقاه و کاه بجام و صبحکاهلرده اولورد بو حاله بگری ایجا و صبح
 حیاتی شاه ایرد خوش آینده مطالع و ایجا وارد در بو اشعار انگدر

عاشق ز بلار زده در مبتلا لر ز	عالمده بر حبه قالمش کدالرز
کیه باش کیوب بر کشک ایتدی بی سون	لاجرم بول سورد انکا اوستنه ز ناد عشق

حافظ **قونوی** متنوی خوان و فارسی دان سنه ایدی بو مطلع انک در
 زلف مسکین کم صبادن چین قاقاقور هر طرف جان ایلرینده فتنه لر قاقاقور
 حالی روم ایلنده کوستندیل الیمسی دیگله مشهور اولاشهر دوز آدی عبسدر

صنوبری صنی دیر لرایدی صفا که مرحوم زمره قضا تک بر بندی و اول طایفه تک کلمه
 خلقه طرافت او زره قبول و مفضل و ضعیف کرم و سخا و ایلرند کور و معارف کمالا
 و سایر اوصفا و حاله این ایچور مشهور و مشهور ایدی طریق علم سلوک ایدو قادری
 افندیگه کلمه ایرشد کله فرپوره کلمی حجت ایتدی حقی ملازمتن پادشاه عرض ایتدیگه
 تربیتیشدر طریق تدریس سلوک ایتدیگه روم ایلرینده قاضی دحاکم اولشدر اشعار
 و بر تاثیر و جذب و غلبه عشق ظهور رسد و بر تمکین دل اصحا کمال و بال از با معانی
 جایگه اولشدر بو اشعار و ابیات مرحوم مر قونک کلمات بلاغت سما ایتدر

قوشدن ایغنه جسم نزارم فعل و دایه اولون	سکهای نور دیدم هر طرف کوز قلاغ اولون
بولندکی ای کفن اوستوم باک یار غار اولون	کوز دک خاکدن بن خاک ری یوز کلاغ اولون
کوز صابو عشق بر بر غمزه جانان ارر	خسته درخونی کوزک وار سیر بر قنار ارر
قوشوی بولان ایلوب هر خازه دامانم یور	دشت صحرارده کجیون سلسلی سحریان ارر
هر قمن دور اوقه کحفده جانانم نیم	استراول و رک تسلس بولدون جانم نیم
حکون کیسی طوغدام دیو اول صالدر ای	دریغ آشتان فرق یایدم ایل اولانم
دیدم ای سگنا کسکک بل لاق صحن	بو کون اول افتاب کور دک الدکی یوزون

صبی دیار محمد سلطان بایزید زمانده روم کتس بر کار و ار غلطه جهای ایامی انیشین
 عالی سنیایش اهل علم و معرفت کمنه اید اگر چه ادای عجمانه در لکن شعر میخواند و کندی
 مخصوص وارد در کانه یکانه ایدی سلطان سلیم خان دورنده و داع جهای ایتدر بو مشهور

دون کوردم اول بخاری طربناک وار ایتند	کافور الیلد دستش عنبرین کمنند
با قدم شکنج طره سنه زار دستمند	بر شخص ناتوان او تورر کردنده سیند
کیدر بو شخص اول نه رسندر دیدم دیدی	زلف کمندی طوغقونی جانکدر رسنگ
کر سنگ چون ایتیم جاکی کل نازک بدن	قبر اوستو بوقبا اکنده سیر اهن کفن

استاد انور

جیبی نامی ایدین الینده باورد نام قصبه دندر نادره چمعه خطیب ایکن عقلمند
 کلکین خطابتی ترک ایدوبینه وطن اصلی سنده نکلن و توطن ایش در بوخارا انکدر
 ای شهنشاه جهانم میر صاحب دولتیم **ساکه** قول اولمقدور در جان و کولدن تم
 مذمت صورت زاهد بخت بزمی کم **لا اله الا الله محمد رسول الله**
جیبی ادی عایشه در شیخ یحیی مرحوم بنیره جلیله سی و مرحوم سلطان سلیم بن سلیمان
 شکراده ایکن خواجی اولان شیخ جلیله سی ایدی اول توپیک سلطان سلیم خان اید
 مصفا و صادق و سعادت و ارشاد صفا مدارینه ملازم ایدی حتی سلطان سلیم خان شهنشاه
 جهان اولوقده باب عزت قبایلی مرصع و ناب شیخ و شایسته و شفیع عربان کلام
 مردود اولمخله خیل جلالت شاکت قلمش طایفه زمانه شعردن در زمان اولمخله
 او وادجی و اول زمره نکه حقیقه اشرف و اشرفی در کلامی غیر نقشی دکل ضیاء مراد
 محصل بی نوعی آرا سنده یکانه در غزلیات و قصاید و منویات و وارد در جردن چون رشید عیشیه
 ادلوکتابی وارد در که اوج بیک بیدن زیاده در انده حلی نفایس لفظی آماده در
 غزلت سفاوه اولان ایشیه **دعا** شایسته کیسی در اتم **کم** اگامشتری در خلق عالم
 ویر بر هر شی مقد و کجه کوه **انک** شایسته سندن اولان **سن** اولدک شادی هم اولان **مشاکلی**
 عین عرض ایددی یوسف جان **کوتور** تو پنج شسته انده بر **خرید** ارا اولد اولده جان **دولت**
 چوشه صبح ایز و قوند قوندی **قور** که چتر زرین اسمانه **حدیدی** ادر نه حوالی سنده **فردیک**

نام قصبه دندر باباسی ایشرا اولمخله حدیدی مخلص ایشدر طریق علیه سلوک ایدوب
 ملازم و مدرس اولمشید نکلن رؤسای زمانه اولان اصحاب اولمخله استحقاق اولان
 منصب الق صوق در دکل ایدوکن بلو بر جا و منصب وزارت ایدو کدین و ورق
 جیبی ایدو قضا ایشید اشعار ندره دخی چندان صفا و لفظی یوقدر بو شعر انکدر
ما شکر کدن کورد ما هم غره غز المنفی **صحیح** کدن او کور نور سنبل مطرا المنفی

بوزک ابندن المش در خبر صو **انگبون** او بیز شام و کمر صو
 لب شیرین ایچون فرما دکیسی **قیار** دن اوزین برتاب ایدر صو
 کوزی یا شی کولکل سرین ایدر شی **حدیدی** کند او جانینه قور صو
 رنگ اوزره نزلنگ وار لکبه نزلنگ **لبک** حوای بی دود و رشدر بی خان اش
عربی برو شاعر لرندن و احمد پاشا مکر لرندن رباعی حیر اولدوغی جهند
 فخلص مزبور اختیار ایشدر اگر چه کرم بیدر اقل مندن جا **اولا** لغایله حیر
 معانیج اید او اظهار ایشدر نکلن ناقدان معارف و تاجان لفظی یا سنده بی
 اعتبار اولمخله اشعار نیک اگر چه لطفندن خطی و افرد کل دکلن بویینی مثل سایر اولمخله
 ای مرادم عکسند در ایلین کج و فلک **شمدی** نیکر سین که کولکم نامراد اولمخله **دل**
 بعض طرفا بصری تغییر ایدو مطلق ایشدر **شمدی** کولکم نامراد اولمخله **دکتر** ککر
عربی لطیف قولی اوزره شطرنج نیند غزل کولمعه عارسی و چندا مهار یوقدر دو
 اید کدن کوزه انشائی و قصاید مشکل و معاشی نهائیده مدح ایدو نسا سنده حلیه
 ایشدر اگر چه مقام کلام بدیع ماسنگ خلق کینه شهری و اول کله توصیفه قطع لیا یوقدر بو
 نرنگ شنه لری تشنه کج جا غزه **ایشی** قان ایلیم در کیر نوله قاغزه
عربی برودن امنه طایفه سندن سلطان سلیم خان دورنده ترک حرم جهان ایشید باده
 کیفیت لطفندن و دلگفتار نوب حسن بلا حقدن حالی و عارف دکل در بو شعر انکدر
 ایشم التون ایله ساقی کوشن بهانه لر **کیما** در واریه خاک در میخانه لر
 کرم او تو او یکند و کیچون عارض کلنار که **شمدی** حکم طو شدی بو کیچ بر وانه لر
حبسی کر میانه کدوس نام قصبه دندر کشفینک کوچک برادریدر بعض حوائج ایشمت
 ابراهیم پاشانک او ایل و زار و ببادی شیا سندن رشت کلوب مزبوره اشکجه ایشدر
 آخر اسناد ایشدر کلامی جرایم ظاهر و عیا **لطیف** اصغر زمان حبسه فرما ایدوب

کورچه رویکی اولدی کونکلی کتایانل شهابتی تی ایلا قالدی عاشق بی دل
 رندی ائمنه بو مقامی انکر در
 حکم جانی مرض المیون جهان اوشاه بیخ طورتاکم سپهر مردن ماه
صحب ذات مدوح و مقبول شهر کلید بسید ندر انجی زاده حسن جلی دیکله مشهور ای
 وجود فضایل برفان محدود ایله حضور و مهور در اگر چه کز بسید یی ملازم
 مکن مرحوم کمال پاشا زاده بر اختصاص تام و خصوصیت مال کلامی و ارا بدی حتی حصر
 سفینه بکالار ندر دیوبند الوب کتشدی تفصیلی مرحوم کمال پاشا زاده ترجمه سنده
 تحریر و تقریر او کتشدر حقا که مرحوم مرحوم علما ار سنده ظرافت طبع و لغت نشان
 مرو و انواعی اسن اطلاق ایله موضوع لطیف طبع و خوش مذاق کرم الایراق
 و حسن اطلاق عالم و فاضل و عارف و کامل کنه ایدی سفیر صدن کلک کلر نده بلور
 بعده مناسره بعده اوج شرف لویه اذن کتشد مدرس اولدقد صکره برود قاضی و
 بعده یوز ایچ ایله متفاد او تو طقوز یوز قرق ایکی شنده بو غار ووردن ای
 انتقال و بو عالم فانی کت باقی ادر حال ایدی و سنی الله شاه وفاته تاریخ اولد
 عالمه کج و ایله کینوب هرگز زن طائفه سنگ عقاب عقیده شکار و اول طائفه
 بیخ اکنجه سینه گرفتار اولمشید بو شاعر بل شاعر زبور کتیاچ طبع بر اقتدار ندر
 کلک کتری سینه دل مرغی شاد اولور شاد اولمشوی هر برسی قول قناد اولور
 بعضی اصحاب مشهور بویط مشهور زبور کدر کیمی اوب غزل اتمیش در دیر
 یولوکه ویر مزیم باش جهانی کوزی **بنام** قور قود افندی جهانی کوزی
 وجودم دهر باغنده دو کلمش غم نهد **تم** اولمش بار کتشدن صناس در دایر
 حکایت اولنور که قضا بر و سه حروسه دن غزل اولنور و فی انشاده اراض و اقام
 و اوجا مبتلا تجصیح مرض نورس ایله دریش شکسته بال اولور دولتی غزلی با بدار

۷۵
 ۷۶
 و باید قدر و رفعتی ثابت و استوار اولد و غنمدن نمائیده رنجور و در نظر
 بوکاره باعث و باد اولامرا و نامدار و وزیر او عالیقدر ایله علی الخصوص
 صدر عالیقدر روزگار اولام قدری افندی ایله جنک و بیکار ایچک اهنک ایله
 علی الجلب بر باریه سوار اولتو وادی عدم کبی بر صحای بی یا سینه طوب کبیر کن
 یولده بر ایشکت اولد قدده نه پای عزیمتی رکاب کت توفیق اقتدار و ناول مغا
 مهاکده باری نکتن و قراری اولوب بول ناچار و بر اضطرار اولد قدده بور باغی بی

لوتسن دهر کاندو کینی بکشا	هرگز ایتیمه کیتی فلو سینه
جور کردونه صبر ایدیه کوره لم	یا او کوز اوله و یا فکلو صنه

هریمه شاه اسمعیله بو تاریخ جلیلی خوب واقع اولمشدر لفظ و معنی تاریخ در
 ارتکاب تیغ تو جهان پر نور است ای انکر روز رزم چون مر کت
 المته لند که عدوشد معهور در نه صد و سبت جنکوی تاریخست

پادشاه سریر مفت اقلیم	ایمنی سلطان سلیم عدالدین	با یال ایتدی سرخ سرین
شیکون اولک ملحدی دین	یوزی وندی جانندن قندی	دیوی تاریخ انکار روح این
بولدی مشهوری اگر اسلام	منزوم اولک مرتد بی دین	حسن سیر و زدن قندی

زاده و نصاب کماله مالک و طریق سعادت رفیق علی سالک اولو لطف بیک زاده
 صحنه معید و مجلس بر افاده سنگ سفید اولمشید استنبوله مدرس اولد
 صکره طریق تدریسک فرودنا و نخت و عناسنه تحمل ایدیه میوه مهر و طریق
 اولک حقا که درج کمالی بلا غت ایل بر در و صند و فی درونی جو لهر زو اهر
 معاز ایل بر در خوشاینده اشعاری و نازکانه گفتار و اردر نامی کتوی حسن
 و حسن کیمی کتایر کتاتی بقبو و حسن در بوا ربلا اشعار زبور کت گفتار ندر
 دوشه صنف روزه دن موبه تا باغز کله اول عید مبارک قلیه قالدی جاغز

کلور کبیر دیور مجیده ائمه بنده لریک	دعاسن الیگور آئنده ور ونده لریک
بور اول غنچه بلبل کسبی دل از اولدوغن هر بار	مثل در نیته کم دیر لریک کولدن کولمه یول اولد
شکوفه قالمه کلشنده یوق چندن اثر	حزان ایرشدی بارک یرنده یلدر اسر
کم کشته آئیدی دل جانانده بولندی	یکم سوزی وار خدمت سلطانده بولندی
بنده ات نوله یعنی اول نغزه سی جلاد	عاشق لریک اولدر دینچه قانده بولندی
غزک کیمی اولدر سه شهید اولور میش اول	بوسیده عینیده تار خاتنده بولندی
تحریر کیم ایدر اهم یم عشقی نوله یارب	دل زور قنیک حالی که قانده بولندی
بر کیم او کیشیدی طایع کور کم	بیچاره حسن اول کیم یا بانه بولندی

حسن قدوه امکاب فاده مرحوم و مغفور الی زاده افندیک نال خود در
 برهمن بظنیر و مثال جمع انواع فضل و کمال جامع لوازم استحقاق و استمال خوب طبع
 و ملک خصال شایسته دولت و اقبال بر بخندوم مستحب الابلال در هلال وجود پیر
 مطلع ظهور دن شرف و طالع اولاد قده خلق جهان بدرتابان عالم عرفان اولد و
 ظاهر و لامع اولمشدر و رادی اخبار معانی اولاد ذات شایع و عالیسی مستند نشین ملک
 وجود اولاد قده حدیث صحیح فضل صریح مستفیض و شایع اولمشدر بوستن و سالد
 بود کلو معارف و ملک حایز اولو از زمانده بو قدر فضائل و عرفانی فایز اولد و
 موجب اعجاب شیخ و شایع در طریق سعادت رفیق علم سالک اولد قده سلطنه العالی بران
 سرفتر وجود عطا مرسته لطف و وفا سر حلقه اهل صفا طود العالی کف اللام این شیخ
 حلم و حیا ان معدن بذل سخا شمس شی بدردی سزیل اصحاب اتم خواجا افندی خیر
 ملازم سعادت نایل و وصال اولد قده صکره سالک مدارسه علوم و فضائل اولمشدر
 سایر فضائل نیدن فضل بوفنده دخی مزاوله ایلد طبع شوخی نهائیده رسوخ بیدر اولمشدر
 بوبر ایکی اشعار اول بخندوم نامدارک گفت رند ندر

اغیا را بوسیرانه جعفر شاه جهانم	بودر دو بلا ایلد جعفر سه نوله جانم
عده اتمیش غیره یار اولم دیوا اول کمانده	دوش اول قرار دن غیاره اولمشدر
کور یک سگ رقیبی اول کل تر	دیددی لایع ایلدیوب انجا چه خبر
زلغنه راضی اولد کدک یار	نقد عزم و یر رسم انجا دکر
سینه ده قالدی ایسه بیگانی	غم سیمه ای حسن اودانی جعفر

حسین جلی کفلی حسین جلی دیکلمه مشهور علم و دانش ایلد مقبول همور در
 مرحوم و مغفور داود زاده افندی دن ملازم اولوب تحصیل کمال استمال طبع
 با کماله امر لازم اولمغین طریق تدریس لک و عازم اولمشدر ترجمه لری کور و احوال
 بو اوراقه تظیر اولند قده استنبولده الی اچ ایلد مدرسه و بنای سرای کمال
 استمال ایلد مشید و مؤسس در هدایت حضرت کریم خالق طبع نکتة دان و بر تعین
 تحصیل فضائل و صفایه سابق اولمغله بین الاقوان فایق و هر وجهه صیقل
 توفیق اولمغله لایقدر اصحاب علم و کمال وارثا معارف و افضال اچره سر و مثال
 مستثنی و ممتاز و تذر وان عالم معارف و کماله چنکال کجا بده و استمال ایلد
 ایدن شهباز بلند پرواز در هر فننده بر شامه معنی نمودار اولمشدر انی سینه
 چکوب در کنار اتمک محقق و مقرر و هر دیارده بر حسب فضل و اعتبار
 ایشمه انگ سده بر اجلانه رویال اتمک مقصود کمال در اول ایلدن اکثر علما
 تحریرات و تقریرات فایز و بوسبب طبع فایق جوق حقایق و دقائق حایز
 اولمشدر حق تعالیک عنایت عظیمه سی ایلد خلق حسنه حسن صدا و لطف ادا صمیمه
 اولو اول فننده دخی اتار بر اعتبار و اشتها ری و اصل موش صغار و کبار اولمشدر
 رام ارقا پر بخیر و تشوید اولو بو فقیر کثیره التقصیر ایلد اخبار اخوی تاکیدات
 صداقتله نولک و بنای سرای حلت و جنتی دستاری شمار قوتله غایتده مشید اولمشدر

راز نامه حسن

کیت افلام مشکین ارقم میدان اطنا بده خرام ایتمیوب اختصار ده آرام ایتمیوب
 اولی و اجری کور لوی بو اشعار تالیح طبع کوهر بار نذر

مذاق اهل لبکیاد است طوطی قندی و صفت	بلن سولیر کجیدر حل عالم بلین سولیر
دیش دیر کجا جان دیر اولور و صله طوم	ایشید کرجک انکلر انی پنجه اولسون ادم
غم دلدار کلوب ملک له حکم اتسون	جان و دلدن سور له لم ذوق و صفای
اوتیما دک سمند و صله سوار	قالدک آقده ای کولک یوری وار
شرح در ایده بین جسمی سراپا جروج	روض حال المیه لم یاده مفصل شرح
اهل عشقه قتی فوق طغنی تو وار ایلم اول	یوری ای زا اهد خود بین بزی تو کند و کی

حسینی حلوان پزان شهر ادره دندر امیر حسین حلوانی دیکله مذکور وزمانده
 حلا و ملا اید مشهور اهل مذاق اولوا اصحاب عرفان عاشق ناکا و حلوان لب
 شیرین و قند مذا بعل زکینک جلا عالم حیرت ایدی شوده چندان قدر و نظره
 اول قدر استطاعتی اولمغین زمانه سنده اولوا شو انک اشعاری مغصب ایدر
 یولنه جان دیر مک جان دیرن عشاقندن اولوا شو ای خود تکلف بوق دیو شورینی
 بنمرد دیوا و قورده حق لطیفی بو معنایه واقف و بویسه عارف اولد و غننه فغانیک
 بنزل مشهور اگا اسناد تمیز و فکیا ننده فی خالک کل در ای و ستاره در که اولدیر ملا
 بلغار و ک شاعر عالیقدر شاعر معروف اموی مزبور حسینی صقنده دیندر بیت
 شو انک امیری کوا که هر اهوید دستان سولیر حسن اشعرا کذب دیوبن هر نه کم سولیه بلان
 مرحوم عاشق چلی دنی تذکره سنده بو شعری انکا اسناد اتمندر بیت
 کردم کسب عشق که صاندم بن اتی صیغ با شمدن اشدی موج بلا ناکان در رخ
 نزل مرقوم دنی ذاتی مرحومک در دیواننده مسطور و مرسوم در
 حضور کلیبو جانندن نفرو فنا اید متوکل و جفای دهر بر قدره تحمل عالم نده

صفا و حضور الم و کخته و غنا و سرور غنا و کربته دکنیوب کوشه قناعت
 و عزت اختیار اتمیش کجته الله یار غنا و نو خلق کند و به اختیار بتمندی سلطان
 خان دورنده بو چیز دویر قهر جوردن بتمندی بو شعرا نک در

بزرگ بوجه کفشنی خاره دکشدک	وارینی بوغنه یارینی اغیاره دکشدک
بو شعر کبراره ایکن دوکمه حضوری	بزد فتریز مخون اسراره دکشدک

حفظی ادره نده صکار می یکله اشعار بولش حافظ کلام بظرافت اکرم عفار اولد
 بو نخلص بر اعتبار اختیار اتمیشد طریق علمه ملازم اولوا ای مرحومدن صکره
 مدرس اولو انده فوت اولمشد اشعار اشک بزرگوار تتبع اید و کلام غننه
 سماعفان ضلی یاد داشتیا و غننی اولوا اشعار قرینه قبول و صول اولمشد
 ای خط رفار یار اول حسن کرسنگ | ایلدی نیکین و رفرا اوستیبر کرسنگ

عاشق چلی مذکره سنده بولمغنی بولمش در

سینکده تکره زرای دبر سمنه | ای اید و کینه قر شو طک بیلد و رینه بکر

لکن بعض عدول تقادتن اسماء اینه و کمر او زره صغظینک بی بودر
 برنگه پیرینه اولمش ناکله ظاهر ای موصبه قر شو طک بیلد و رینه بکر
 فقیر اید و رین اصحاب عقل و نه اولی الفهم و حجاب مزبور کبیتی مطلع مذکور دن
 بحسب المعنی ارنج و اولی اید و کی روشن و هوید ادر کندوسی ذاتی مرحوم
 بو بیتن نظره دید و کیدر ضعیف افتخار ایدر ای بیت ذاتی

بن کوزدن کورد و کم بن باله دن شیدکم	نه کور و کوزی نه ایشیدر قولای کسنگ
تن شو حداید کخیف ناله شول دکو ضعیف	نه کور و کوزی نه ایشیدر قولای کسنگ
عاشق چلی مرحوم دنی بویله تتبع اتمندر	تر کس و کل شو قننه بیل بزار اه ایلر
نه کور و کوزی نه ایشیدر قولای کسنگ	ونوم قسبل الفضل بمتقدم

صفحه دار السلطنة العلياده نشو و نما ايل صورت نما او شدر قول صلند ندر
حافظ كلام مع نظر امك سلام وسالك طريق بر توفيق علمي انام اولاد
شعر اندر خوش آينده كلامي وارد در بو مطلع انگ در

عالمک مرتبه سی کورنه قدر بدتر در	باشدن بزم صفای بر اینج التي بر در
عالمی قبری کچوری مددای قاشی	ندر اول چشم حرامی ندر اول روی

حکمی کلبیولید ندر نامی محمد در عزیز مفضل و عرفان و مانند حسن یوسف شهره
جله جها اولاد انان افندی ملازم اولو سمت قضایه رضا و محنت حکومتی
اولشدر طبیعت شعوبی جود و فهم و ادعای سعادت ایل معلوم صحاب فضل و قوام
اولو اشعار دخی شاعر و دثار طافت ایل موسوم در بوتندگه به رسوم
او نمون ارسال آید و کی کلمات منظوم بود که مسطور و مرقوم اولشدر

م غصه الوقت فغان مایه و حسرت	بشور و بغر وی جانانکتابتیدی بدی
زنده حکمی قیای غیل کجوب بصدی	اسیر خاکیا یکین قیبه وارد یان با صدی
غسل کسدم قولده اچو قر	طابق اتغسل با تغسل دیدیلر

حکمی بلدان بچ ابره شهره شهر مشهور دهر اولاد قصبه قز و نید قصبه ابر
فی الواقع شهر قز وین بهشت آیین و حوالی بلدان بی نظیر و قرین معادک
سپهر برین اولاد و غنندن غیری امانی و موالی و اصانز و اعالیسی اهل سنت
و تابع اصحاب ائمه دین اولخله مشهور کلمه عالمین و مسلم عالمین ایدی
لکن شاه اسمعیل لعین اول یاری قبضه اقتدارینه کوز و اول مالکده ضحاک روز
اولخله اهل سنت و اجماعک اضماعنه افترای دو مشوبه آسمان دین و ایما اولد
عالی مکانده رهین محاق و قرین استراق او نمین امانی سی اطراف و اکن قس
دیاره کاکل دبر آکی پریشان و تار و مار اولشیدی بنا علیه مولانا مرزبور

تحصیل فضایل موفور و تکمیل فنون با محدود و نا محدود کون و فرقی الای
قولی ایله عامل اولو حسیا و مسافرت ایدرک مالک شریفه عثمانیه به و ال
قاعده دیار بکرتیه اولاد قره امده دامل اولدقه مولانا و انم جامع الفنون
وا حکم پیشوای و سلم علمای عالم مولانا صاحب الدین اللار علیه رحمة الملك الباک
خدمت و اصل اولخله فی اجمک فضایل معارف جلاله نایل اولشدر و خدمت
استفاده لرینه ملازم اولوق ایل خدمت علیه لرندن ملازم اولشید بعده
مولانا تک مرغ روح پر فتوحی قضص بدنن پرواز اید و عندلیبا کلتن
جنان ایلد ساز اولدقه شهر قطنطیه به کلوب بعده پادشاهز مغنی
ایکن خواجه سی ابراهیم چلبی ایلده هم و خلیل اولخله اعیان شهر اده سیاننده
صبا ن م جمیل و ذکر جمیل اولشید بعده سلطان سلیمان زمان دارا اسکندر
فردار دوان مکان ارد شیر تاج بخش و مالکستان طمور دیوبند و قلعه کشا
کیومرث چشید قدر خورشید رانی فروزنده تاج کت کیان فرازنده
افتر کاویان سلطان مراد خان سلطان مالکها و خاقان عالم و عالیا اولدقه
حلا و روم ایل بکل بکیسی اولاد پیشوای امر اردو عثمانیه مقرب حضرت السلطیه
محمد پاشا حضرت نرنگ خواجه سید رحمانی معارف و کالات ایلد مور و اوقا و ساعا
تحصیل فضایل معرف و طفقن ثاری بر فرد ایلد مانوس و مالوف دکل در
بوبر اکی اشعار مرزبورک گفتار ندر بوجلیه تحریر او نمون ارسال اولشدر

بر وجود من اگر هر موی جداستی	از غمت هر یک جدا داغ نانی داسی
کروا نستی شد از زار کلام یکدم خوش	بر سر کویت جدا دام فغانی داسی
عاقبت در کلخی اندوه و محنت شد مقیم	دلکه هر دم فکر گشت بوستانی داسی
زاندم که خوانده نسخه حسن ترا صبا	در بان کرده دفتر کل را ورق ورق

روزی تو گفت مصحف صم و لی صحت	شنید این از و برآمد بروی حق
نشانی بیگس چو سگی بجق ترا	اورا ز در مران که غلامت حق شناس
<p>علمی شهرت اسما یعنی خروسه برودن نامی بوستاندر بقا زاده دیکله مشهور در بستان فضل و عرفانده سروازاده اولاد با والدین زاده شد</p> <p>افندی که بگذاشته مداوم اولو خدمت اعاده سندن ملازم اولمشدر تمام بدیع تصویر صورت حال بوذکره بر رسم و تحریر آید کرده مجدداً بشا مدر معزول آیدی علم و حلم ایستهور هر جبهتی مورصبستی تکلفون ده و تصفون اراده در ویش سیر خوش برتر کنه در نازکانه کلماتی خوشانیده ایستوار در بو اشعار مذکور که بوذکره به تحریر او نمینون اختیار آید و کی اشعار مذندر</p>	
ماله مالک اولم سنه دلا دلاره	زریه یوسف بن جکدی عزیز
مبتلا اولین کنشی بلنر	اکنه دن ایله کی صورت یلور
علاء زمانه اولو بر کیشی اکر	ایله قاضی عسکره یوز سئل ملازمت
منصب ایلمر انجا جوز لما نیجه کیسه	حاصل بود در کربی که مشکل ملازمت
<p>علمی تانی موره دندر نامی عبد الحکیم در طریق علم سالک اولد قده سردفر اشکاب و بهار صدرین صفه صدرات ماصدق کلام لانا خذه فی الله لومه لایم اولان فضل و کامل و عامل و عالم قاضی زاده افندی ن ملازم اولمشدر حالا روم آئینده قاضی و حاکم در اوضاع و اطواری کی اشعاری دنی ظرافتون خالی و عاری دکل در بوشتوانکدر</p>	
جانم بیقریر کون اکر ایسک قیام	لا یقیدر افندی حکیم جانم قیام
عرض آیدی که صغار ضن اوله نقا	کون یوز سئل بهلار اما حجاب دن
<p>علمی ثالث نامی عبدالعزیز در وصی زاده دیکله شهرت شعرا اولمشدر بابا کج و سر برد</p>	

<p>مناسرت مدرسی اکرین و قایم و فرزند دیندی فضل نوری سیده قابو عنایت بی غایت سنج و توفیق هدایت یزدانی ایله جواهر زو اهر اوقا و ساعاتن تحصیل فضایل و تکمیل کماله مصر و عنان کران طنج و قادی ن وادی صیاز علم و شاره معطوف فلو بحسب العاده تلمذ افضل و کار مد صکره سابقان اطوی قاضی کر اول مولانا ی اعظم منلا اجد افندی ن ملازم اولمشدر حال طریق تدریس لک نصاع علم و حلی حایز و مالک بو فنده دنی طبعنک اقتداری و رتبه قبل اهل عرفان و اول اولمش اتار و اشعار و بی نظیر دیندر مکمل دیوان بلا غت اشعاری واردر در تحریر او نمینون اختیار آید کولی اشعار لیر که تطیر اولندی</p>	
بوس المین دستکی دیکله دل زار	یا مال جفا ایلیوب ال ویرمک دلا ر
اغیاره وار و الدی نیجه اه جکر سوز	عشق قنه جور ایلی ای واریدی اول باد
طوتم با شمی تیشه جورینه کهارک	عشق ایلنه فرقا دلم تا اوله سردار
تیفن طاقنوب اولد جف کمتنه سالک	قوللارینی اولدر که اول شمه مهتالک
تمده جابجا بوداغ اشباری سیر ایل	حبت کلشنده اچلن کلناری سیر ایل
یا نده المنه جانجا اقدام ایلی دی اعیبار	ولی اللرم دم جانندن انی ایلدم بنیرار
سیر آید و دیدار یار عالم اتم و جوی وار	حق بودر آینه عالم نادر روی یاید
مجلسه اولد لبر ایله جام می الده	انصافیدر اچمک ای دل او محسده
افیار کرم ایله شها یانکه الیه	سایک کیسی ناموسکی کل بر لره حاله
قال دیرسه نغم علمی سود ازده شرب	دیوانه در اول باد شهم سن انکا قاله
بلین قوجوق بلین بوس ایلمک امر محال	انی کورمش بوغ ای ل سونوز برل و کمال
<p>علمی نامی لطف الله در لطف محمد خان زمانده اولد قضا ن و محمود یا شانک لطفنا محصور لظهور آید اصحاب کماله ندر بحر الزیاب نام بر کتاب تالیف بو</p>	



یکی دفتر اوزره در دفتر اولده لغت فارسیه و دفتر ثانیه احوال عروض
 و قافیه و صنایع شعریه و قواعد بعینه بنیادیتش در حال لغت حلیمی یکله شهر
 و خلق از سنده مقبول مذکور در اگر چه شیوا یا اشتها ری بود که کتاب
 مزبور ده صنایع شعریه به متعلق کلمات است و کجور نامی بوجوریده ده اثبات اولده
 و میدان علم فراخنده کیت طبعی ضعیف را کف او کو بونده حایز نهام نام و نشان
 مثالیه بابیان اولنسیه فن مزبورده بر متن شرح تالیف است و علم مذکورده غایت
 ابد او اظهار ایشدر کتار تو کما استه فعلی ایله بویسته کتوب در سوم کتیب اولانیات

خدمت نبصف العلم صدر الاقبال	و آنی لا ادری کما هو قدری
نقد صار بالانصاف لضعف کمال	به قام لی وجه الکمال مقدر ا
نعمت الی المولی تکمل نسبتی	و للکمل مولا اولی و قدر ا

حلیمی ثانی متعینان علما در بدن ولایت انا طوی به صدر عا لبقدر اولامول
 اعظم جامع اصناف العلوم و انواع الحکم حکم صحاب الفروع و الالوه منظره دقیق
 المعقول و المنقول زبده از بنا الافاده مولانا العلاء افغانی زاده افندنگ ولد
 ارجمند سعادتیدر نام و ابی العظیم لری عبدالحکیم اوغله مخلص مزبور ایله ویم
 علوم کتیب و خبریه ده استاد الکمل اولامولانا و استادنا ابوسعود افندنگ
 اندی لم یسج بمشکر و البوارح و الفوادى حضرت بنیک خدمت مدارسه لریه ملازم و
 مداوم اولبو خدمت علیه لرندن ملازم اولوق سعادتیه نوسل قصد ایمکرنده اول
 دولتی دخی حایز و سایر فضایل علیکی اول فضل جزیه نایل و فایز اولمشدر در مدارسه
 علیه ده مدرسه و مدارسه علوم عقلیه و نقلیه ایله بنای سرای فضل بید و انتها لریه
 مؤسس اولوتو ترجمه لری بو اوراق بر شعریه تحریر و تظیر و ذکر مناقب و مناقب
 ارقامی بو مقال بحجرتسام باعث نام و سبب احترام و لدره یار لک ایضا

سلطه مدرسند خدمت تدریس فضائل و کمالات بر دوام ایله یلر ممول و مستول
 عن قریب الایام حکم جهانده مدارس عالییه و مراتب عالییه در اعتل و ارتقا ایله
 موفور لری کیمی شهر رجله انام اولار حقا که انوار ششدر شار و انار فضل و
 سدار جبین مبینده کالشمس و صیفا ظاهر و هوید او نمایل تهر و تفوق و طوار
 و سلق روی لچوسند مثل القراذیلها روشن و پیدا اولوز ناصبی و منفوا
 شبانه برور ای پیرانه و اطوار شیخانه ایله نطع جهانده امثال و اقرانی میانده
 فرزانه و صد امکان ایچره نمایا اولان اولوشا هموار و در دانه در سایر انبازان
 کیمی هرگز لعب و لهوه مشغول و مشغول اولوب همیشه اوقات فرضده ساعت تحصیل فضائل
 کمالاته مبدول و معروض در ذکر تمام فضائل و کمالات و ایراد مناقب و مناقب
 بجد و غایت باعث تکثیر مقال و تطویل کلام اولغین کیت خایه میدان ایجا زده کلام
 ایملک اولور بو مقصود اصلی تالیف اولان اشعار غزلت شعار لریه توصیف الیق و احوی
 کورلده بو مخلص کما به نک اوراق بحر سمرایه سنه زینت و پیرایه و معارف بجد و غایت
 علمت و آیه اولغین رسال ایستکلری کلمات بلاغت سماتندر

فتک طغراسی شایما یمثال اولمقد کتدی	غدار تاشنا کک طور مال اولمقد کتدی
یوزک شوقینه بلبل اه و افغان ائمه ای کل	رنگ یارینه کلر با یال اولمقد کتدی
زواله یغلیشورایه نوز خورشید وار دچم	سنگ حسن چاکلده کمال اولمقد کتدی
کیدم کیسی عدم اقلینه بحر میا نکده	تن فرسوده زیر ابرویال اولمقد کتدی
او یار یوقا طور در کیدر سیرانه غیر لیل	بو غیر تله حلیمی بیچال اولمقد کتدی
قصدم جهانده بر کوزی ایهوی سید در	فکر کند کاکل دلبرنه قید در
باده نوش ایله دیو تکلیف ایتدم یدر بن	کوره لردیدی کوبونازیل اولشدر بن
حتر اونجه ینته سه ذوق و صفا ایله در	هر کم ایله سه او ماهی ب در یاره کنار

قهوه باده ناب او زره ایدر سگ برجه | کلور ای دل کوره سین خاطر سگ غبار
 و از و اینند دو تک کرک او مهر و تک | اولدین عشقی اولد حال جسمی دشوار
 بچک سوکد یا زینار ایدد | کیمی دین لایق بودر ایدد
 عاشقی یا ننده دنیا در | عارضه لاش غدار که هرت
جلیلی ثالث قسطنطنیه ندر کسب علم و هنر دن قضا و طر ایدد کون صکره بر سواد
 علیه زینیه دن حاجی خلیفه دن توبه و انابت ایدد ایشار پشارتیدر یارجه
 سیاحت کتید تا ساع افلاک ایات و مهر جهان کرد سلطنت و جلالتا فتی رال عثمان
 سلطان سلیم بن بایزید خان طر ایزنده شتراده جو انجت و مترصد و مترقب
 تاج و تخت ایکن آستان سعادت ایشی مرکز د و اثر لطف و کرم و مدارا راب
 فضل و عرفان او یغین زبور کیمیل میل جان و دنی اول کعبه قوافل حشمت
 و رکن و کلیم جلائل خصایل جانبند مایل او طر ایزانه دال و اول اولد قد و باری
 حضرتدن بعضنک لطف کاملی اید شرف صحبت شتراده به نایل اولمش زبور دنی
 خدا وار درج صمیرنده اول لالی معارف و جواهر لطیفی جلالت سیده شتراده
 ایدد که اول جواهر زواهر نین و صل ایدار و زکین حسن قبول شتراده به قرین
 اولو مانند خاتم المسکین زبور کال او زره طو شتر ایدی اول شتراده خدمت
 تعلیم شتراده دنی محلوله او بجز زبور اول خدمت شتر و کوشم دل جان لالی
 افلاک بیکرانی اید شرف ایش در روز بروز حفته تربیت خاق ظهور و
 بروز ایدد و هلال قدر یوما نیوما بدرویری صف حال ایکن حساب صدر اولو
 دت تقریبی بر مرتبه به وصل اول شتر که افلام مسکین ارقا مخریری و کلام غایت
 نظام ایدد بقیری لکن و قابل دکل در روت اول نور که شتراده سعادت مانوس بر
 سلطنت عثمانی به جلوسن ایدد که مزبور بفرجه قبوسند برای سعادت دعوت ایدد

حاجی استفسار ایدد کون صکره بو کونه کوهر شتر اولمش که اگر چه دو سلطنت
 نایل اولدق لکن حال یار اندن غافل و ذاهل اولدق بو حقوق سلطنت ندر
 اول نور که او ج کوندر که زکس دیده ظاهر جمال با کمال اصبا به ناظر و کلت صفا
 شبنم وصال دستانله سر سبز و ناضر اولمشدر سلطان سلیم خان عربستان فخرنده
 شام شرف انجام قشلاق ایچون مضر ضیام سعادت فتام اولد قد و مزبور
 روز غری شاه بوسیر و مفر صیحت انجی ایدر شدی سلطان مرقومک خاطر عا طرد
 مقاطری مرقومک وفاتندن تمام دلگیر و متاثر اولمشدی حتی حکایت اولور که
 اول سلطان غالب هر مرقومک صبازه سینه بالذات حرا و اخلا احکام و داد بر
 اجرا و رسوم و اطلال محبت تاتی اصیا ایشدر و توفیق کمال او فرنده بو بستر
 سلطان سلیم مزور کیمی پادشاهک انیسی و اول مقور شتر ایدد که فلک معارفک بر
 مصیبت و جلیسی ایدی سخوی زماندن بری بو بیعتی خوب ایش در
 شول پادشاه که نام شریفی سلیم اولد • لایق بودر نصیبی انک سلیم اولد
 اگر چه معارف و کمالا بیشتر در لکن شو کویلی ایچیندن آتاری بو قدر شو شتر بودر
 الیکر شیدی لطف اول زلف روتا • صکره ستمده ایدی ملکت جبین حفظ
 اول مهر رخ که خلقی یقین حسنی تابیدر • کرم او معنی بر یوزنیک افتابی در
مهدی اول مهر دین کزین سلطان المشایخ و العارین صبح فلک کرامت مرکز دایره
 ولایت اقی شمس الدین حضرت نیک فرزند سعادت و در صدق وجودی در کسبت
 کرامتک در سعادت پرورد و میدان تحریف و ولایتک در نبردی سلطان العارین
 شیخ شهاب الدین السهروردی نسلند در طریق علم سلوک ایدد کون صکره ایشار کوشد
 فرات و اختیار مقام قنات ایدد کوشه نشین تکیه انزوا و عزت اولمشدر اول
 چند ان لطافتی و اول دکلو ملاتی او یغین خلق ایچنده شتر طو شتر لکن متنویاتک

۹۲

تمام اعتبار و اصحاب کمال ساینده استماری و ارد در خصوص نظم یوسف زنجانی
 بر صده در که مثال جمال یوسف و عشق بر کمال زینجا توفیق اصحاب رقوم و سوزن
 غنی و یوسف صاحب صفت بر سوزن مستغنی در ویلی و جنونی و مولد حیسانه
 و مورد جانسی و ارد در جلالت خوش آئیده و خوش اداسی کتاب نظم یوسف و
 زینجانی در اگر چه مولانا جانتک کتابی ترجمه در کن جوق است الحاق ایملکه بقول
 جمله افاق او شش در نته کم دیشتر کیمسی ترجمه کیمسی نظیر حکایت او نور که مردم
 کمال باشد داده یا ننده یوسف زینجانی مدعی مدح او است قدح اید و اول کتابک
 سگ و اول نظم لطافتی همان کز نیک ماستیدر یوسف مد نظری است شیوه دن
 عاری و در باقی طایفه همان اول است و اندن بریدر در ایش کن کلام فرورد
 دور اید و کی ظهور اهل کمال غنی و سوزن کل در و مردم کت یافت نامی و ارد در

بو اشعار اول کتاب ایدر	رنگ احمد لیل خون و شتاب	دنگ سرد لیل فکر صواب
کو چک اول کدی کسی کوشی	او غور بقده او تو در روشی	او لور اول معاند و جبار
بری بریر سیک ایدر انکار	بولی سین ایلی از رسک اگر	انوی گری ایدر نده طو غری خیر
یش مردم طویل او کور اگر	بل که او کور طویل خیر	قالک بو صفا جون او کور
صحت بجه نقیل او لور ایدی	شمدیکی در کتیدی خیرت	شر بو نیور جهان ایچنده همان

حکایت او نور که مردم رقوم نظم یوسف زینجانی تمام آید که اول خط است
 خطبه سنده نام همان کون کما او قلمی روا دکل در و اول صریح قصیده پرورده
 اول ابکار افکار که خطبه سنی است توده صفا خاقانیدن غیری اولی
 سزا و کل در دیو نظم مرقوم کجیکه اعتبارینی بوتیه مله سنده کسبو آید که
 صکره شاه دور ان سلطان با یزید خانک نام بر عنوانید مسکوک آید که التقا
 سلطان و نقی امالی او زره و ترین عالی اولیوب مقتضای ضمیر و متغای خاطر خطای

اوزره التقا سلطان مذکور بر وز و ظهور انجیک القاب شاهی کتاب مسطور دن
 صقر متکبر و والد فردوس مکان پدر رری میری افتد بد نقل اید و بو مقول کور
 فن اولور لر ایدیکه جلیبی به زماننده هر کز رعایت و رخت او لمیوب
 بیت المالدن و ظیفه داره و صلا مقرره سی او یوسف زینجانی کند و یازده
 صقر خلق دخی فرورد ک خطبه او نمین رخت اید و زیاده با یا لور لر ایدی
مدعی شورا قدما دندر دار کسلطه السیه قسطنطنیه الحیده ایاصوفیه صحنه
 توفیق خولقی اید معروف شیخ و شایب اولوب عالم صافی و عرفانک شهباز بلند پر
 اول شیخ سعید شیرازی حضرت زینده دعوی انت ایدرد فرسده هزار و اول
 فنده جلیبی قدر و ار ایدی بجد تصاید مشکله حفظ ایشیدی بو شعر انکدر
 طیلک اینده طو شمه زاهد کای رندا اولی قل خدر کز دم صفتدر زهری قوی و غنده
صیحه قسطو نیندر لطیفنک جدی او غله تذکره اشعرا سنده مدح و شتاب
 جهد و جدی در بیخ المشرک اشعاری کسیف قطب متروک و نقی لطف و ملا

بی نصیب و معلوک اولی اشعرا دندر بو شعر انک در
 سیندی تیغ غمیل شرحه شرحه یاره بن یاره لر یاره عالم شرح اید بن
صیحه سلطان سلیم جامع امامی اولی فارسی مصداق الدین خلیفه نک او غلیدر نامی
 ظرفا کوچک قرنداش علی جلیبی به عاتق دیر لر ایدی دیار عرب دن م و صلیده
 بعضی قدما جلیبی متصرف اولغده ضعیف در هم دنیا ره و مبلغ بسیاره و اصل
 اولو ابی ایوب انصاری ده منزل الشیدی و اول مقام شرفیده ممکن تصدی
 تکر اقامت صانئید بعده بر جوان سر و قد و سهی بالانک حجت و شقیه مبتلا
 اولو مانند بیل اول غنچه کلین ناز کسبل شیداسی و جنون شالی لیلی زلف و عفا
 اشفته و رسوا اولو مانند درخت بربار اول هر و کلفه ارک یولنه ماملکی شاز

او زره التقا سلطان مذکور بر وز و ظهور انجیک القاب شاهی کتاب مسطور دن
 صقر متکبر و والد فردوس مکان پدر رری میری افتد بد نقل اید و بو مقول کور
 فن اولور لر ایدیکه جلیبی به زماننده هر کز رعایت و رخت او لمیوب
 بیت المالدن و ظیفه داره و صلا مقرره سی او یوسف زینجانی کند و یازده
 صقر خلق دخی فرورد ک خطبه او نمین رخت اید و زیاده با یا لور لر ایدی
مدعی شورا قدما دندر دار کسلطه السیه قسطنطنیه الحیده ایاصوفیه صحنه
 توفیق خولقی اید معروف شیخ و شایب اولوب عالم صافی و عرفانک شهباز بلند پر
 اول شیخ سعید شیرازی حضرت زینده دعوی انت ایدرد فرسده هزار و اول
 فنده جلیبی قدر و ار ایدی بجد تصاید مشکله حفظ ایشیدی بو شعر انکدر
 طیلک اینده طو شمه زاهد کای رندا اولی قل خدر کز دم صفتدر زهری قوی و غنده
صیحه قسطو نیندر لطیفنک جدی او غله تذکره اشعرا سنده مدح و شتاب
 جهد و جدی در بیخ المشرک اشعاری کسیف قطب متروک و نقی لطف و ملا

و بو جلد لطیفی طبع

ایدو

اوزره

خزان دیده جنار کمی بی کرد باید او بود اول سر و شیرین لبک حبتی ایل فرما در مثال
 اثری طاش التندة قالمشید و دنان لبران سوی مشکبکی مشکبکی مشکبکی
 اخرا کند و ده اول لایه تحمل احتمالی و اول جوان ابرو کانک بانی چک کجالی اولی
 بصیرم دو کندی لازم اولویدر بقا سفر دیو کله مشرفه ده برادری مانی صده
 امینی اولغدر بر یکی اچی جوالی ایندیشیدی اول انشاده نال صیغه صر صر صر
 بی بر کویار و صد ما عواصف فنا ایل برین روز کار اولو عالم بقیا ایل حال انتقال
 اتمیزر زمانه خنده خوش صحبت و خوبتیر و ضعیلی معارفه شمر بولاندر بندر شو انگر
 یار اگر عرض عذار ایلید کلزاره کله چاک ایده یا دستنی غنچه و کلزاره کله
هیستجلی استنبولدن نبال خلیفه کله سندن در سیاه ظفر پناه زمره سندن
 و اول طایفه نک معرفتد بر بهره سندن در بوشو انک در

طلکو کلدی با که جانندن لبک	جان صیقر جعفر دنانندن لبک
بیکر ابروی دلبر دیده بر خونده	ایکی ماهی در روز در صاه سن صخر خونده

صید سوری صهارد ندر سلطان چک فرزندار و زمان شد اید و خنده اینس و ملک رس
 ایدی فرنگستان سلطان چک خرد فتن و جمله متروکات و مختلفات اول کتور مش
 حکایت اولنور که سلطان چک بیاض صبح بر طوطی فصیح زبان و شکر گفتار و مانند
 برف سفید بر مرغ سخن گذار و خوش اطواری و ارایدی که خدمت شهزاده هم
 اقتدارک اینس و ملک رس و زمان شدت و کربنده مونس و غمخواری ایدی سلطان هم
 انک نکل ایل دفع غم و الم اید و بر زمان آنسز اولزیدی و شهزاده به روح و روانه
 اولشید که بر آن جانسز دیر لرزیدی مزبور دفتر دار شهنا مذکور کشف و یاد کار
 کتور دکه طوطی مزبور سیاه بو یا بولک تزییم تعلیم تحصیل طوطی در فی لفظ
 و بیاض ایل ایلم بقا بنده باد عمر پادشاه دیو کویا اولور کله پادشاه تعلیم

خوش کلوب مزبور کر میا فکسند جشمشیک اول لطف ایتیم لطف احک انک اولی
 صقده غایب او بود بر اعلا زما احک ایتدر اشعار معارفه کوره دکل در شو انگر
 صید را عارف ایسک توبه جام ایتصاف شوالیشی آله کم صکره پشیمان اولسن
صید استنبولدن از با خودن شدن حرف زنان اولاندر ندر تیفه صید رفت
 بلا غنچه کاری باشه ابر کورد و کی معلوم دکل در بوشو مزبور ک گفتار ندرند
 بهای عشق بر و از اول کل ای جان مرغی ندرند عمل ایتدن بر د اول یوز قید بدندن کج
صیرتی کان غت و اشعار و معدن شعراء عالمقدار مشابه جنات تجری کلمات الانهار
 اولانیکچه وارد در ندر زمانی حقا که شعراء روم اکتبده کمال بلا اید معلوم و سوم
 صبا دیوان فایق الاذران نادرالدوران شاعر بر عنواندر شعرونه سلا و ادا
 علامت نایبده در ساده اولان اشعار دخی چاشنی دار یکدست و هو ارا و لوب
 سور عشقون حالی و عمار اولد و فی نظر از با کمال و بصیرت اصحا مقالندن مسترو
 ستواری کل در او ایل حالنده وزیر در یا نوال ابراهیم پاشایه ویرد و کی قصیده
 بیتمالی بین جمهور مشهور در روایت اولنور که بر کون پاشایه مزبور صیرتیه لطف
 بکرت و حث و تربیت قصیدین اید و هیچیک شهر ک صیرتی بی بلورین دید کده
 عاد ابناء زما اوزره که مباحثه و بغضت اخوانده برادران بوسفدن ایتدر
 وزیر مزبور ک منظور مکارم موفوری اوقا ایتقالند حد و باب لطف و کرم
 سدا اید و بلورم عالم استغفاده قید دنیا دن سر و مثال ازاده نه امید منصب و دای
 خدمت پادشاه شهاب طبعی بی سر و مانلق ایلد اوزره که هواده در بو انشاده بر علی قول
 علی خصوص مطلع غایت لطیف و خوش تر در حقی دخی نظیره دیکد ایلدی و بولدی
بیت سلیمان اسیر زنه سیمک تو لیوز کسه بلز بزی بر شاه کر یک تو لیوز
 باشد دخی مزبوره جزوی بیمار اراید و اول دخی دل بیمار نه بوقوله ایلد تیار اولغز

قبول تمیوب امرای نامدار کیکرینه گاه بگیالی بکلیه خدمت وانرا یله نوات و
 الفت اول نشان به منت و کریم بی منت حضرت زری و برد و کی قوت لایونده نجات
 اینمندی بوحالده ایکن دیده قلبه دیدار شاهد معنایه ناظر و بصیرت برات
 جمال حقیقه قاصر او همچون نعوشش و صور دیر جهانند کوز یونوب محبوب و مطلوبی
 مقارن اغیار کوزیک اختیاری تمیوب اعلیٰ اوشید چشم جهان بینی بوسبب زان بن
 اوشید همانا مردم چشمی روز کار او غلبه پیر او تو اغوشیدی و شاهد و احدی
 ایکلیک نظری ایند و چون دیده سنی کوزندن کوزندن چهره مشید بعد که احدی
 واربعین و شحایده ترک عالم فنا و سیر ملک بقا ایدوب و اصل حضرت
 مولی اولمشدر بواشعار اولش عز نامدار ک گفت ر نذر

قله اغیاره حواله غزه غماز وکی اولد سیم کبی رازم برده یوز برده چاک حیرت دیرسک که مشهور اولد دیدار دوست کی نایک نجیب اولمایلم اولملوسی بر بوذن ارتق درنی وصلت نجیب اولور عالمده باشه ایلتد ایندن دشمن می روشن گبی اقمباکی صبح صادق کیمی روشن دل اولور بگوشش اوزین قامت بجوسنه یارک ذوق و صفادید کبری درد و بلا کی وصلت دید و کی عاشقنه دلبر کس نجیب صفا نظر اولور کف عین وفا اید ای حیرت بودرد کجک واری بردنی	اولور اولوز زانده صالده دویم شاهبازده ای ملک بو پرده دن سولیمه لطفایت راز و ک یوم نقش با سوادن چشم شاهد باز و کی برایکی کون بو فنا او ده انگ دیرسی یوز کوک اتنده یوز اول اوله دایم ایلمیز قالدم ایقلده بن در دیدار در دین گبی شب کی تیره در و اولد کیم یوب زری سیم باشنده قواقی بیلسی سرد افی جنارک هر دو فادید کبری جور و جفا کی شول کوز اولوب ایلد و کی مرصبا کی دار فنا ده یوز و بر کز بقا کی یوضه جهانده یا کوز انجی بختا کی
--	---

عاشق بخرنده داغلد کلو باشی وارمش
یوق صنورددم باشی بو کشف خنده
بیتو کوردیکم تغیل طاشی وارمش
جانله جانان ار سنده حجاب لوی
قامت اولمشدر رجوان یوکی اتنده نون
او یکینور مشش رخ جانانه قمر
اشک چشم بسمه صواتش سوزانه

کند و بر کم قطره در یارجه باشی وارمش
شده یلدم دلبرک اشکی طاشی وارمش
کلدی باشن اگدی فریادک تراشی وارمش
حیرتینک کندی کند یله صواتش وارمش
نقطه در او سنده صبا باشدی در ایمنون
بلمیوب صدینی بر کون لکه لر
اسب یا تو بر بیان اولور کورد کلنر یا نه

حرف خاندانی علماء و روئے اعظمی و نیکین فضل و کمالک خانی سما فیصلته
 هلال مثال مشهور و مشهور خلق جهان و خلق عالم ایچره مانند خاتم مشاریفین
 اولو جواهر زواهر العافی کوشواره کوش اصحاب علوم و حکم و صفاد کوه و نجات
 خلقت مثال لعل ابدار مقبول رنوب جلد عالم اولان و حسب الطاهر و النسب البیبر
 فرید دهره و وحید عصره فی الافاده خدمت مرحوم مؤید زاده در که نام برینوار
 عبدالرحمن در منلا ادریس نوارنج ال عثمانی نمانده تحقیق و بیبا ایتد و کی اوزر بی
 مشهور آفاق مقبول حضرت خلاق شیخ ابوالحق کازرونی بی منتمی و منتهی اولور اصل
 امامتیه دندر زوات اولور که سلطان بایزید خان امستیه ده شتر زاده ایکن حاجی کبود
 نام خاکبسی و مرحوم مؤید زاده حضرت شتر زاده ایلد حریفانده اولور کلستان
 زکس رعنا کی اللرنان سغرمها کتمز ایدی و باغ عالمده کل کی هست باده حر او
 بلبل مثال گویا اولمز ایدی شریا کی هر کجه بر بره کلوب نخن جهانده صحبت یار
 نکه و بر مرز و مثال مثال ساغرمها آلی اورتیه اوب سجه مرصبا کی جام از غوانی
 اللرنان در شور مرز ایدی اهاب حیل و از با دغلان رقیب حیل باز کی مهند و کار
 بعضی کس لر خاقان بلند مکان یدری سلطان محمد خان خدمتیه انانده اولور اسلام

المول الفاضل الکامل
مؤید زاده

لا یلذذ به جنب طینت ایز شهر و خلق جهاد لنده بدنامی ایل مذکور اولاد برائی
بدخت تخت شزاده جوانجت خدمت خاتم مثال طالق ایل اتون دین بر آید
جان باکمال حسن خصال حبیب ستار غوا و اسلال ایل ساترا اولاد بر قاج ایل
اول سر و کله از صفایه هوادار اوله طره طرار دلدار کی شزاده عالمقدار
حضر تونی باشند چه در یل بنا علیه ره اشش غضب سلطان فرزان اولو سلطان
محمد خان مزبور لرک باده حراکی قانی خاک زو ایلکه فرما اید و خدمت شزاده
مزبور ری البته قتل اید پس در حکم عایت سمت ظهور و صدور بوشید کنگ سلطان
بایزید حکم و صلوات عظم خبر دار اولو خدمت مولانا یه ان الملائم و نوبک
تقدیر کفوا سنی اشعار و فضائل کلامه صفا بدینا الجانعه تصدیق و ایازی
اولمخین فاخرج انی لک ان الناصحین خطایی تکرار اید کزنده مرحوم مرحوم دنی
خاتم کی قاشی قازید و اشق صورتی ساز و اشقا و تقصیرا فی اسی اوزره ریخ
سفری رحمت اقامدن اولی و طوبی لغزبا متفصلا ریفاست خانه دن مشقت
بیکانه بی حسن و احی کور مشید کوبت ساری بر بریده قرار طویوب حبت ایدرک
دیاز عبده شریبه وارد قدده کلام بحر نظام دمن یا جرفی سبیل الله یکدن
مراغاکثیر او حبه ماصدق حال فرضه بال اولو صاحب ثروت و اقره و اسباب و اموال
مشکله درهم و دیناری اشک عاشق بی صبر و قرار کی بید و شمار بر خواهه مالده
ایل یار غار و اینس و نوار اولمشید ذکر اولنان خواهه مولانا یه مزبور کتخسب علیه
قابلیت و هلاک و نطنتن مشا هده ایدیکه مزبوره برقدار مال ایز و شیرازده
جلال خدمت ارسال ایشید مرحوم دخی نیم ماه و سال خدمت حضرت منلاده کحصل
علم و کمال اشغال و جمع دل جانانه روغن سوس فر او ایل اشغال ایز و سهل زمانده
تلامذه منلایاننده فایق الاقران مشا رالیه بان اولو بعدده سلطان بایزید

تحت سلطنت جلوس و سرسلطنت جنابک رعنه با بوسن اشد کده اول مزبوری
ترک اید و اینک ولایت روم ایشید منل جلال اول حالده مرحوم مرحوم ایچون اصابت
نامه ویرتو عشرتیه نام بر ساله یاز و مرحومک مدح و ثنا سنده ضلی اطرا ایشدر
بعده مرحوم مرحوم داخل صیغه روم اولو بود یار یار حلیل الایبار شرف مدوی ایل
و اول یار روم اولو قدده سلطان بایزید خان قرق ایل ایل قلندر خانه مدسیرین
قرق پیش ایل ایل مدار سس صحن برینی است اید و ایچو سین الی اید کده صکره
ادر نه یه قاضی اید و اندن قاضی عسکر ایشدر در صفا که خدمت مولانا یه مزبور
وسعت صدر و وفور شوکت و کمال سلطنت و نعت صفت و حسن نو ایش و تربیت
کرم و وجود خلق محمود ایل شهره داور دیار و یکانه علمی سیه در وارد اصحاب
وار با لطف یضه میل نام و احک و انعام و انجذاب الی کلامی اولمخین مرحوم بی بی بیک
دیوانی مزبور کزنده جمع ایشدر سلطان بایزید ک او ایل سلطنته تمام فترت اولو
بیکجیر لفظ خوبانگی باش قالد و زوار کان دو تک اولرین مانند دل عاشق نالان
الان و تالان اید و نفود بشمار لرین صبر و قرار ایل هواکی تاراج اید و مرحومک
دخی اوین با صوابا سیه ده موجود اولان مالکن بغا اید کزنده منصب فرانت
عزلی اختیار کوشه عزت ایشید بعدده سلطان سلیم دارایی هفت ایل اولو قدده
مرحوم قاضی عسکر اید و نیچ دفعه خلوت سر لرینه دعوت خاتم قیلوب مزبور لرین
تناهجه معصیت ایدرد و بزبونکی زمان بیر لکنه ایرد کزنده تا سفا اید کزنده
بعض جلیبیک ترجه سنده خبر ایشدر مرحوم مرحوم صکره قاضی عسکر اولو قدده
بعض اهل سلطنت اهد لیدر دیو مزبوره خلف واقع بعض امور اسناد اید و
جرم پادشاهی مکتوب ایشدر سلطان سلیم خان دخی مکتوبی مزبوره کونز و بوکاره
باعث و باد اولان کیمدر بلنگ کر که بو مرحومک حدس در استنی امتی اید کده مرحوم

علی الفور بکاغذ صاری گرز طراز ملند قلاب سیاه و کذا سیاه دیکله معروف
 یکی رو سیاه وارد نظر ایشدردیو بوی بی بیشتر **بسی** سن بوکتو بک اگر بک در سکا کابن
 غافل الموحسرو اقلاب کذا **بسی** فی الواقع اول یکی کسنگ اولی باصلد قد مرقوم **بسی**
 مکتوب قیامت ادب و وقت مصحح یک مستوده لرینی بولوب شب تاریکی بوزی قاره کی
 ظاهر و بیدار اولمشیدی مزبوران دخی صدر زمان اول صاری گرز کز کز یکی ایله بو
 او بدق دیو اقرار ایشد کلزنده اول افغان مریخ غضب و بهرام انتقامک منظم چشم کسین
 و تحمل عقاب مرکب نجانی اولو اول یکی رو سیاه غمناک باک روی سیاهنی اوده خون
 خاک ایله و کله افسان مکان میدان سینه قابل غلط ایشیدی صدر لفظ اندکری فی
 عزله تیزر ایله و مزبوری صدارتدن دفع و مرحوم مرقومی مقامه غضب و تصدیر ایله
 اغرا و افادیدن عاقل قسه و فساد تحذیر ایشد بعد مرحومک **بسی** ضعف
 و عقلنه آستلال و مزاجه فتور و دمانه کلال کلکین قاضی عسکر کلدن موزول اولون **بسی**
 اشین عشرین و صحابه شعبانک سله براتنده بزم جهانده کل من علیها فان **بسی**
 مست و سرکران اولو رزق خضر و عبقری حث اوزره و سقیم بهم شرابا طهوا
 سانی **بسی** لاصیدعون عنهن و لاینزفون شرابی چشان اوینچون بزنگاه بقایه روان
 اولمشد سقی الله شراب و جعل کینه متواه خدمت مولانا ک علما و شوایله اول لفظ **بسی**
 و مطایبه و بوز مرصعنده اولو مکارم و صلا برون تحمل الفاظ و عبارات در **بسی**
 بری بودر روایت اولنور که اول زمانده اشق قائم دیر لر بر مرد عالم اولمش **بسی**
 مرتبه عقلدن دور و وادی صلاح و داددن مجور اولو کوه مشا صحت ان **بسی**
 کشیده دانا و مانند جنون سیر صحا و بیابان ایدو خانقاه ترک بجز بک دده سی
 و عالم شوق و وجد معتکف و سیکده سی و گاه بر موجب عرفان ضافه کوه شالی
 از دی طعنه طاشن کوه قافله **بسی** در منصب لکچون تجسبل طراز ایدو بعهده **بسی**

او بطلب همت استدکده اشق طایفه مدرسه و بر طرز و بویله لایالی اولوله علم
 تکلیف حکم مدرست کسنگ مطاکو حصین و شغلی حکم بحریری مقبول و تقریری **بسی**
 جمله عالم اولوق کر کردید کده مزبور دخی اول مقوله کسنگ نادر و سپورد و عکز افعال **بسی**
 اولور مکر سلطان کبی مؤید من غنشد اولاد یوجواب ویرد کده کلام نر بوطبع فیض ایل بو فور **بسی**
 خوش کلوب مولند زیاده رعنا و منصب و مطلبینی استند و کسنگ ارتعید عنایت ایدر **بسی**

لطیف جزوی بهانه اشیرمش	اول زمانده اول صدر کباب	اشمدی لرض ایل کشی بهترین
اولور کاغذ و صغار و کباب	قاضی عسکر دخی اولوب دشمن	اگر جورا تنگ بهانه ارار

سینه بوجله ایل مرحومک بری استند و کمال استغنا استند روایت ایدر که مولی **بسی**
 علامه موصوف **بسی** که شجاع دیکله معروف بر کسنگ مزبوره و از و جاز و مثال وی **بسی**
 یره سور دکنه چندان التفات ایتدو کی مشهور و خلق ارا استنده مذکور اولد **بسی**
 طرف دن بری مؤید زاده نک کو که بقصد الی لکن و تیره هر که نظر ایتد که سپور **بسی**
 کوره دیش در مرحومک عربی و فارسی قصاید لطیفه سی اولد و غنشدن غیر **بسی**
 اشعار غنای شکاری دخی سجد و بیشتر در بوبر ایکی اشعار اول فاضل نامدار **بسی**
 رشحات کلک تجاری و نتیجه طبع پراقتداری در تیمنا و تبرکات **بسی**

چاکر اولاد دست جفا سید کریبا ندو	ایلمش خاتم حنسه داما ندر
تسخیر نکا کنگ جان ویرسی سهل ایدی اگر	اول جفا پیش بر اغردید قرباندر

ایچلم ایچلم شراب ایچلم | نیجه بر صوفی صواب ایچلم | اخرته اولور شراب **بسی**
 بزانی بوندی بیایچه لم **بسی** مرحوم ضیالی جزوی تغییر ایدو ب غضب ایلمش **بسی**
 بهار ایدک ان شد که بی دلدار نشینی زودت یار همی کشت از شاخ عمر کل **بسی**
 تعیبه و سلمی اوزره بعضی اعیانک وفاتنه بتواریخی خوب واقع اولمش **بسی**
 یکی بخلد برین شد که سال تاریشش شود عیان جو بر ایدیکی زخلد **بسی**

سلطان احمد کوندر دو کی جواب نامه ده دیو کی ایستند

کوزلم اولدی منور اول سواد نامه دن
حالمی سلو شب بجه گفتار اولدو غم
هر کسی در گشت باغی اهدم جانان خوش
توزیرینه تو تیا صاحبش مکر جانان انجان
رحم ایدو یار ایشش تعویذ ایل در مانان
با کینج بجه اهدم در دبی در مانان خوش

خانم قصبه بر غوسه جاسی اولان محمد بیگم سباج بیگم اولاد نون دریم دیوانه
محمود جلیبک اولغیدر علماء اعلام دین اسلام ایچون علی انقب والدوام تیخ خون
کیمی کفره اینم ایل جبال وقتال ایگ بدم پیشه سی ومانند سنا خونبار کله طره
ناکارده مکان وقرار ایگ هر بار اندیشه سی اولان زمره سپاه ظفر نیان ایکن دروشی
وسکت اختیار ایدو مالک و دیاری مثال جو بیارکت و کذا ایدرک مرحوم سلطان سلیم
ثانی شزاده کامکار ایکن طور اقی جلیبک کست استانه داخل دو توپ و مناد
نایل و واصل اولو مظهر لطف کاملی و انعام شاملی اولغیدر مخلصی ماتی ایکن مزبور کاشانه
ایله خانم ایشدر اگر چه اشعاری شکر که در لکن نیکن خانم بلاغت اولوغیای قتی
وار اشعار لطیف اشعاری وارد در زمانه که مشهور شو اسندن و شعرا ایله آشتار
بولان بلغاسندن در حال اینه در گاه عالم پناه سپاهی لر نندر بو تذکره یه
تحریر اولغیچون بو فقیره ارسال ایتدو کی اشعار نندر

شیره سندن طوزه مز بردم ایان او شنه
او کرسک اولک اگر چه بی بدل رسینه دلدا
نوله برنجیه دم کله فرغت دیده عین
یار اگر چه در لطف بی نظیر و دیده نیست

فارسی اشعار دخی وارد در اعییدر که بورگه ارنگا بو اجنتا ایدره و الله الموفق
خانم صلصال وجود لطیفی قوی اوزره خاک قسما نیدن برشته اولو اسمعیل

دورنده ترک عالم خاک ایشدر در اشعاری قطعا لطافتدن خبر اولوب گفتاری کیم
ملاعتدن حالکی اولمشدر دقیقه شناس و سخنور کیم بربوزیر عالی کستری ایشدر
قصیده و پردکده اولدوغی اوزره جایزه جائز اولدوقده بور بجه ایله یعنی کفره ایشدر

کرم ایل مقام سیدر بوسدم
اکل کیم سن وزارتی بکا ویر
بو اولوق یابی سخا بجه اولور
بسی مدح ایل کور عطای بجه اولور

خانم اسکونی سلطان بایزیدخان زمانه ترک سرای جهان ایدن
شواد ندر کلام منظومی نه مقوله ایدو کی بو شعور ندر معلوم در
ملاطت بکرم هرگز که بجران بر کمال ایلر • که بر سینه کمال اولسه فلک انی زوال ایلر
خانم دیکر نامی مصطفی در کلبه اولان سندن مولانا صنع بیک ایشدر سنا اشعاری
صفادن خالی و عاقر و شاهد کلام و مقالی پرده انکار ایلر مستور و متواری دگر در کور
قتلک او سنده دیر خالک کورن ای بجه حسین • بال اچوب پرواز ایدر صا سدره درین آیین
خانم بکر مرحوم عاشق جلیبک کوچک قنداشی در نامی محمد در مرحوم محمد الدین افندی
عکرا ایکن دانشمندی و التفات بی غایتنگ نظر و بهره مندی ایدی مرحوم مرحوم مزول
اشاده مزبور دخی کو کبک افول بولدی برادری عاشق جلیبک تذکره سندن بو شعری
کوز قرد و کیرشم بر چشمی اموشقنه • چشم خوان بدم کوز و ضمک بی صفا
خانم خالصی نامی عبدالحی در مرحوم سلطان سلیم خان شاینگ خواجی سی اولان عطاء الله افندی
فرزند خیر الخلی و در کرانای صد فی در عنفوان جوانی و ربیعان شبا و زندگانی
زمان و اوقاتن کفیل کالایه مصر و قلمدا مثال و اقرانی میاشده قابلیت
اید معروف جواندر صحیفه اعذار تا بدار نقوش خط سیه دن ساده وقت سرور
روضه دنیاده هنوز نشو و ناده ایکن فن اشعاره هوس و نظم ابداره دست
اوز و نیجه کوی فصاحتی چو کان نراکت ایلر بوده ایتدو کی میان انبای زمانه

یا ایشدر

دورنده

اشعار

از موده در مقدما بابای طریقه اقتدا میکنند مکن طریق ملک شداید و معاین
تامل ایدو الام بی انجی منه کند و ده کمال احتمالی اولد و غنندن غیر طریق اول
سلوک غایت مراد و نهایتده از رزق نوادی او تو خدمت شاهده کشیر عالم گیرگی
میجانده نطق عبودیتی بنداید و تیر مثال جنگ و جدال چون هر طرفه بر تابع تو
مانند سپهر ضربه ایدیه کو کس که مکن غایتده مطرب و مستوی او نشید آخر تیر ما توی هر
قبولکد شافعی او تو علوفه سی بدلی تیار مغز قه لعی ایل یاده کردون پناهک عبد خالصی
او نشید حالاً طمشواره دفتر دار او تو تحصیل اموال بادشاهی ده مجد و ساعی و
و مهم خدمت خدای مزبور و حسب استقامت مراعی در بو تذکره یه یازمغی چون
اختیار است کجای ایش و اشعار شجیه طبع بر اقتدار لرز که ثبت اولندی
جلسه ده دون کجه جانانه چندی | هیچ طمغه چهاره می دار جانانه چندی
دیر دم که برهانه ایل سیر ایدم نوز | هیچ بولدم بهانه او غنجه دمانه بی

فاوری نامی علی در افتاب وجود پر ما تری قصبه مناسرتدن طالع و ظاهر او
تحقیق علمه قائم اولد قدس که مرصوم زیر کزاده دن ملازم او تو عبده طریق
عازم او نشید مرتبی هنروران زمانه دستگیر فتادگان اصحاب فضل و عرفان
اولا کند نیک استادی اولا مرصوم و مغفور و معصوم و مبرور جو یزاده
تمتی و اول ایا مده دفتر دار اولا بیرام چلبینک تربیتی ایل کجی قدر و روزی
عید او تو اسکوبه و لایکه قاضی او غله ختی سعید او نشیدی باب فضل فضایه
نهایت اهتمام و دقت و غایت حدس فراستی بر مرتبه ده ایدیکه عاشق و معشوق
مجلس فضیله کلد کلزده عاشق چاره اولد و رو کو کلک الان و نقد صبر و قرار
الان و تالان ایدو تاراج و بیخایدن دلبران کیم اید و کین بر باقده بولدی
و مجلس سنده کل رعنا روی دلبران حور لقا اید دعوی لحاکا و مبار اید و چون

اول شاهد بازاری تویر ایچون روینه تغا اوز و میان اسواقده شهاب کورد
شوقا من ادا اشتبه الامران عن لم • رأی ملخص بین الماء و اللبن
اول منصبی قره فریه تدریسی آخر منصبی بنیه اول شهرک قضا سی او نشید راق قضا
ربانی و اقتضای حکم یزدانی ایدانده منصب حیانتدن معزول او تو جو ار ملک غفاره
وصول بولدی حقا که عالم بکانت و عرفانک شمس قوری و اسمان فصاحت و املا
و انکلا برعت و انشانک هر انورید مشرق ضمیر نیرندن طالع و شارق اولان
معانی عتاب عالمی کی زمین و زمانی طومش در روز کاء ذکا و حد طبع خورشید
فیه بی نصحا و بلوغی انت شغورن صمودت در افتاب شجاری قلب عشق
صادق کی سوزناک و اداسی فی مثال جو یبار غایتده لطیف و پاکد چونک
شهرتی شمس خور دن روشن و شعله طومار شغوی شمع هر انجمن در بو تذکره
مقال باعث است و موجب ملال در فر بوز که اشعار پر صفا و گفتار جانفز استند
و مانند مهر دلفوز غایتده بر سوز اولان کلامتند بر قاج ایشا بو جریده بحر سما کز تر

کل ای نور صبر مرد ملک است در قدر مله	سنی کوز لر بو چشم خورشید غم نیچ دملره
بیلینور رهنزن اولان نیته که بولداشند	اکلدم چشمی نه فتان اید و کن قاشندن
فاوری سو کوزه لی ایکی بیدی یا شنده	ایک اون درد کجی بر مه ویر کو کلکی سن
خامده جاق او قدر قوت باز و یوقدر	نیچ تقریر ایدیم درد می غایت چوقدر
اول بیان ایغیدرانی کوز نربیک او نور	سر زلفینی بجا کوسره می نخت سیاه
سکاهی پیره زن خرج بو بر اورنگ او نور	سوزن آتش ایک فلک نقشنی کور
قاره طیراغی ایدر اغوش در یار کجی	بر بوزینی ایلدم صائن احاطه دینده
روز کار یل ایدیم جوش در یار کجی	بی هوا ولی هوس بقه سکونونه نیم
گاه بر جوش اول کجی خاموش در یار کجی	روز کارینه کوره قولکن جهانه خاوری

سینه پر در آرزوی زلف عنبر ساید ● طود در ویرانه مزبک باشلوار در تا ایل
 خنی جو رسیدند تحصیل علمت اید و مرحوم جلال زاده صاحب افند نیک الهاده سندن ملازمت
 میسر اولاد قدان مکره مدرس و کوه بده طریق قضایه غریبت اید اشعار نیک چندان
 اشعار یو قدر مرحوم عاشق طلی تذکره سنده بوسع مشهور مزبور کنان مندیار مش در

کندم کوزم شیشه دوز بر در گمتم	چرخ فلک کسیه نوبت ذکر گمتم
اگر کوز بیل عاشق یو یا نده بنم	بد و کم قوش در او جورنگ لکا اول لقا

خنی دیگر مرحوم سلطان سلیم خان نینگ لالاس اولاد جعفر پاشانک اعلی مصطفی سیکر
 باباسی کر چکون معارف و کالات اید ارسته و کردن وجودی صلی لطف نامحدود ایل
 بیست ایدی اعلی دخی بابسنگ بر خوی اولاد ترابیه دم نقدی و واسطه قلداده
 عقدی ایدی مرحوم سلطان سلیم ثانی خدمت نیک بیل لطف و نعمتی و پرورده دست
 مکارم و شفقتی اوغین التفات و تربیتی ایل لوای قدری سر علم جلال و منجوق رایت
 نورشید بنیادان عالی المخله پنجه حکم و والی اولشیدت اشعار اصدق ریحون قیوم
 خزانه زمانه ده کسیه بلات نام میسی ایل قیوم المخله شمول کلام صفا شمولی شمال لطف و
 مشمول جواهر زواجر کلامی رتبه قبول جوهران عرفانه وصول لوشدر بوشوا نکر

مهرسنگ ن سنگ بوزالمه کرافتای	عالی باشند باشنه ایتزدی انور افتای
جهده تاملک مانکده ای سیمین بدن	کوکه اریسه باشی دکنز فلس امر افتاب
مهر عاقبتاب رویک کور ای معلقا	ایشیکک طاشینه هر کون قورمدی انفتاب
جنت کویکده یارک جلوه لر قلمای غیجون	حقما طوسوش طاقندی شهیر افتاب
لجام شرع اور نغشگ سمندی	نه سرکش در طوتری پای بندی

خدای استنبول ندر او قی زاده دیکله مشهور ایدی خدمت شاه سکندر شاه
 تیر شمال هر جانبه یرتاب و روان اول زمره بندکاندن اولمکه یا یا باباسی

بعده بودینده کاتب زمره یو کچیا اولمشه شهاب طبعی اول مقامده ارام نیک
 نینه استنبول کلکو خدمت درگاه عالم پناهم مشغول اولمشید حقا که حلت اشعار
 حسن خدایی کبی کلکونه تکلف و تصلفدن عاری اشقات کلام و لغا ابی صفا
 عالم معانی و لغاتده صنوبر ساری را اشعار نیک اداسی روی دبران کبی خوب
 و مثال وصال دستان مطلوب مرغوب و حوفا و سکن پندیده برد لبر خوب طرز
 و محبوب بدیع الالوب رکعتن بدعتده اشعار زیبا مانند سرور عناستنی و
 ممتاز و شمش و مثال بوستان قصیده کشیده بالا اول کلماتنده تماری معانی
 بدیع اشیا ز اولمشدر هم قصیده کلام مزبوره دیس و برهان در رکعتن اشعار
 عنوانی و در زبان هنروران زماندر و کلمات بلاغت سمائی صفای قلوب
 و صحایف ضوابط خلق جهانه ظاهر و بیان در اول شاعر نامدار و ناظم
 خوش گفتارک مطالع عاشقانه سی بوجریده عرفانه ثبت اولدی

اغیار کینه خواهد سیرانه کیمه بیج	کل کورنه اولدی یوسف یا بانه کیمه بیج
می تاج ایجدمدی چاره صنوبر فتح کیمه	یار سز اولد و غیجون اجیسی هقدی دیمه
خط سیرنه لای خوبک شهبازی	زهک اول لاله بکر کم اولد پروازی
خاک تنومی بیله و یروب کوی یارده	بر توز قویر منجه قوم روزگارده
بن رقم او میرس جان و دل اول یوزی کلکون	اول خود لقا انجمنش امین جان و کوکلکون
اغیار له طور رسین فرشته سولیشورسن	بن خسته کای یوسف اولدوره نخی دیرسن
دکدک اول زلف عنبر افشانه	اره عمر امیش سن ای شاننه
خط سیر کلوب رفسار که یار شمش غایبه	کوز لندک بنم سر افرازم نایبده

خزانی صوفیه دندر علم اعلی طریق ایل صاعدا اولو طریق بر خطره کراه اولمکه
 قله ملازمت حقیقی حوق متاعب و شیدا اید چکندی آخر امام زاده مرحوم ملازم

ابو مدرس اول شد مرحوم قره چلبی استنبول قاضی ایکن کاتبی و مثال قلم صنایع
عبد مکاتبی ایدی اللیچی ایلدیکچی و وارد کرده مدرتس ایکن بار عمر نیک خان
ایر و ترک کلستان جهان فانی ایشدر بواشعار انک در

کوبینه مست اوغزه دم کچی کلاب کوی و	باشم او شد بر زین ایلدی یاران کجا
ایلر سک کوبله مز بر دم قش حشره	اه شام چاغزه جانادر و دیوار عز
بوسا فغانه دن کوجسک کر کرسک انون	خدر ایا مز بر سدر سات بکلرز

منش و اول حسره و اقلیم فضل و عرفان خورشید عالم کفایت و ایقان مالک فاکل
و رسوم منجی مهالک لک غوامض علوم امام الائم سراج الائم مکمل علوم الاوین
والاخرین متم مقصد المتأخرین و المتقدمین ناظم مقاعد الفروع و الاصول
حاوی حد و المشرع و المعقول منش حسره و حضرت بیدر که در رغر رقصانین فایقه
دره التاج شهر یاران مالک علوم حکم و جواهر زواهر تالیفات رایقه سی صرافان
فضل و عرفان یاننده مقبول و لم در مولف فایقه سنده ابداع و اختراع و ک
حقایق و دقایقه طائر خاطر فضل ماضی و غایب قوت فکر دقیق و جنابین تصور
و صدیق ایلکنکه کاخ حصوله و ال اولق لطف ضیال و بیک سریع الاقدام
معونت ادراکات حواس و معونت مقدمتین قیاس ایلر حد ملکت وجوده
داخل اولق امر حال در نامی محمد در سلطان محمد زمانده منصب قضا قطنطی
و غلطه و مدرسه ایا صوبه تولیتی ایلر جناب سعید ریه تفویض و تقلید او نمیشد
ینه بوجله ایلر خاقان سفوره لوازم و بیتمار عایتده تصور ایتدی دیو بخصور
بر کون بی اذن و دستور برویه کید و انده تقاعد اختیار ایشدر انده مسجد
و مدرسه بنا ایلر بودار فنادن اهنک عالم عقبی ایلدیک اول بقاعده معین اولو
و ثنائیه ده غزم جنات النعم ایشدر و الافر و سکن مجلس عرفاننده کوه

صاحب در رغر

فشان

فشان اولو بویور را ایدیک مرحوم مرقوم در رغر تالیف ایتدکه بیور مشرک جمله
علومه سید شریف جرجی و سعد الدین نفتاز ایلد مشارک مسام اولو علم فقه
انله غایب اولد و غم معلوم هر عامی و عالم در رسایل عدیده دن غیر مصنف و
مؤلف بوندر در حاشیه تفسیر القاضی حاشیه التلویح حاشیه المطلق مرقاة
الاصول الدرر و الغرر چونکه اوصفا علم و کمال و مدایح و مناقب ذات بر اهل
مؤلف فایقه و مصنف رایقه سی کبی بین الانام مشهور و السنه خواص و عوام و جامع
قلوب و صدور علماء انامده منکوه و مذکور در رسال الفاظ بحر عنوانه اول حسره عالم
فضل و عرفان و خاقان ملکت تحقیق و اذعان تعریف ایلک و اقلام تشویر ارقاب اول
علم اسلام و زبده علماء انامی صیغ قلمی بحقیق حاصل و بطویل بلا طایل در
لاجرم مقصود اصلی که بوفنده اقتدار لرینی اظها در در و کلامی شخید خاطر و شیط
سامع و حجاز ایکن بجا بر غنمدن لالی ابدار و کاف فیض شدن جواهر بر اعتبار
ابد ایتد کلرین اخبار در بوقدر ایلر اختصار اولکنده مطلع اول صدر شریعه و السلام
بدر الائم و الانام امام الائم سراج الائم هدیة بی نهایت ریح و عنایت بنیامه محمد
ایلر عارج معارج و ذرا و صفا معصدا کفایت در یا محیط علم و عرفان و مجمع نیابج تحقیق
ایقان خلقت اصحاب علوم و مختار ارباب حد و رسوم خدشدر نیک در
بوجیم چشمه سار نیک عجب خونین اقرایشی مکر و ارسیه اول عینک جگر طاننده در
خبر مرحوم مرقوم که اصفاد نذر نامی مصطفی در شیخ الاسلام فی زمانه و سلطان
اعلی فی اوانه سر شیره اصحاب علوم حکم استاد بشر حیات عالم شعله افروز در عین
سید آموز جاسم الارج الی رحمة الملك الهاد مولانا و استادنا ابو سعود
الهاد خدمت نندن نایل سعادت ملازمت اولد قدن صکره روی نمیی بروده مناسرت
مدرسه ایلر ناصر دیده دل و جان بجا ندرس ثانیه به ناظر ایدیکرم الارقا شریف

زین باباکی

صفحه پذیرد ایله آسمان و اشعار باکی ادای نظیر ایله پیراسته در بوجوده عرفانه بر
 و سطر او نمین مشرق صغیر بدن لامع اولنا بعضی مطالعی بوفیره ارسال امتیاز در
 یا نو که ابوب رقیبی ایله کسیر چمن
 کاکل یار ایله اولدم دیر ایتمیش سینه
 کجدی مژه مک حجری دیر سیک دل و جان
 ضحمت بوکوا اولور سنده مجال تقریر
 اولور خسته حالکی جور و جفا ایله
 انور کورس هر رخی ال
 خسته و استنبول اندر با با قره کوزیک دیکله مور و برنجاق بیکنیک اولغیدر بیک بوکنده
 اثار وجود و حال صین احوالنده ظاهر و عیان و حرار و سورش عشق دل
 جانندن بیجان بیکلر ترک آمال منصب و اختیار عالم تجرید و عزت ایوب
 سرفروش بالی صلی به اراد ایتمکله جناب ارشاد نصیب ایله نایتمده الفت ایتمیدی
 رحوم مرقوم بو عالم کثرتدن غم نمی نه و جد ایتمکده شراب عشق قانی دل
 و بادیه محبت ایلمست لایل ایکن کند و دن اول کیفیت برقدار زایل اولو حاجی
 بکتاش تا جانی نه باشنه کچریش و سودای ال منالی مکس و ار باشنه او شورش در
 تو اینده اشعار و نازکانه گفتار وارد در بو تذکره لفظ نیکار هفت لایم و چون آیتان اول
 بود هر داشت اباد که چلوب جام صغیر
 مالک سیم و زرم دیو صاقن اتم غرور
 بر عاشق که سودو کی اول کاره باز اول
 زندان اولور سطلکی نیم با نتم جهان
 بزله امزاج ایسه نوار اول یاد مشرب
 جویر دم یور و اینده عالم ناسند
 طلیطو در طاش ایله ای خواج کوهن و نک
 بیک کاسه زهر ایچر سه انکا کونده آزا اول
 بازاره صغدی بو کون اول یوسف جان
 کدالریاد شامش کرک شهر که امزش

حضرت بیک صلی علی رو مک سردار لرند و بو طائفه شریفه نک صبا استهار لرند
 سرد فر علماء افاق صدر شین محافل استیصال و استحقاق خورشید رخسار عالم
 و عرفان عثمان بیکران جهان تحقیق و ایقان فروزنده صنوبر مصباح فضایل نگارنده
 اوراق دفتر جلایل فضایل حضرت ظلال مشکلا و غوامض فی رسوم سنن و
 حدت ذکایله نور ذکایه شهره مینا و علوم عقلیه ده عقل اول و ثانی این سنادر
 حقا که اول سلطان سریر علوم و حکمک بنای سراسر فضیلتی بنا بر اجرام کبی صمدین حکم
 اولو دریای محیط علومه جمله اصحاب کمال غواص مثال کجلاب لالی عرفان
 ایچون سرفروا اید و آیات بنات معارف و کمالا مکتب عالم امکان و جامع
 محافل خلق جهاننده مذکور و متکوا اولمشید بو حالی مؤکید و معاضد و بو مدعیایی
 اثبات ایچون ایکی عدل شاهد در که مولانا ضحیا و کشتلی مقتبس انوار علوم
 رشاد اولو اول ایکی چشم و چراغ عرفانک استاد اولمشید و اول ایکی مردم
 اعیان و اول ایکی فاضل دورانی و بدرین نیرن عالم امکانی دیده نور
 اوقیت کی تریه اید و اول ایکی بظنیر و بی بدل فی کلمن کور کوزی و طوترالی
 اولمشید و مزبور کردن غیری تلامذه سنند نیه افصل نامدار و قوایل روزگار
 ظاهر و بیدار اولدوغی معلوم معارف و کبار در در فیصل حال فرخنده مالی کفا
 شقایقه مسطور و کتاب مذکور مولانا مزبور او صفا کمالی کبی بین ایچمور
 غایت مشهور اولدوغی جهتن اشعار لرین اشعار ایکنمکنه که مقصود کلی و علم
 اصل در همت اولونوب اول فکر و جانبند تشنید حدود عزیمت قلند خدمت
 مولانا تک خام شیرین کلامی طور مسطور ایچره کلیم اولوب فن انشا و املاده
 صبا ید بیضا اولدوغی مشهور و مشهور جمله دنیا اولو اول موسی علم ان فضل
 عرفانک کمال فضل و علمه ایچا اولمین فکر لر مانند فرعون لعین فأت بایه ان

حضرتی رحوم معنی احمد باک او فطرتی
 اولمغه مخصوص نوری اختیار بر سر هر قیوم
 در سحر ایکن جناب عزت قباب هفت قلوب
 و پادوی ضیلتا وادی صدق و نوابین انار
 عشق رحمانی و جذبات و عفت سینه
 ظاهر و باهر اولوب مناسیح کبارک فقاری
 مقبول حضرت مادی شیخ آمین بخاری
 حضرتیه ارادت کنورب حدت پر کین
 سرمایه عزت و سعادت بتمشیدی حضرت
 مثال و صل باره کجیوه توحید و عرفان اولمغه
 نائل سعادت جاودانی به عابر اولمشیدی
 حفا که محققانه کلامی و کلامی در کلام
 وارور بو استعار بخت شفا مزبور
 گفتار در باره مذکور
 کرجاب اولور عظمت طاعت خانانه تنم
 بزوح خاک خندک خانه کوزمت بنم
 بیجه صبر ایلمی دوست جفا تیغه نیم
 عاشق و عکدر بورلم برج دکدر بدیم
 دل بنا شمع کبی سینه طوقش نثار
 صاکه فانوس خیال اور لوسیدر بهم
 حوله می فایده خبر لاله صفت دونه دونه
 یورنده بر کله بقادی او غنچه زانم

من الصادقین دید کلنده مثال قبا مبین اول قلم بر افرونی القابید و اصحاب
 و ذکا میاننده اظهار بیضا اندکده کوه کبی قوم منکرین با صدق کلام فغلبوا
 هساک و نقیبوا اصاغزین اولور لر اید مرحوم مرحوم معارف و کمالا بیجدر قوم
 و انار خام کوه بار و نتایج طبع بر اقتداری لطیف خلاق و اطواری کبی معلوم
 مرسوم اصحابی فنون علوم در استنبول شخصی ایکن اکثریا اخصاسی منظم
 اید و بو او سلوب مرغوب و زر مسطور و مرسوم ایدری

صح امضاء بقول عدول	شهد و اتم قبولوا بقبول
حضرت جلال امضاء	قاصیافی دیار استنبول

مزاری شیخ وفا جامع فر بنده بخاتی مرحوم یا تدوینی مقادده در کتب مرحوم
 قل لاد صحتینی که چاغنده دردی
 کل لشکی خبر لینی لاد دن ایش
 و پیش صبا بنفشه بی پیغام زلف یار
 عشق را بر روز مفتاد و دولت کاست
 ساعتی در بحر زلفش چون شب من سالها
 اول عزتک هواسی دماغنده دردی
 در میان جمع و کثرت عاشقان از خلوت
 سالها وصل قدش هم محرم ساعت

حضری بلدان جهان ایچره ستوده صفا اولو انهار و جویبار مثال سرچشمه اصحاب
 و کلتان بوستان معادل و مشاکل جناب اول ادرنه محیه دندر کالظن دید که
 هر بار عالم بالا ناظر اوله دیه کوز حضرت جلایی بیکلمه و معلوم اکابر اولتیه مرحوم
 مغفور له مرصبا افندی ملازم او کور مرحوم مرحوم کادام اولتیه فرق ایل ایل
 برو جروسه ده یلدر رمضان بدر سینه مشغول خدمت تدریس ایکن مبتلا مرض نوح
 اوله طریقه نعت اید و یومی او توز ایل تقاعد ایل منزوی کوشه قنات اولتیه
 والد ایل عالم شایسته ختم طلی و رسته قلب بر انب طفق خدمت علی الفنا

سده سنیه فلکنا طارینه خیل ارباب طی و ار ایدی بو سزل مزبور کدر
 قصد اول زلف غیر فایده
 کاتب چشم انده خام در
 دو نکته بو عظیم اشک

رند اولانک سیاه صافی جام در حضرتی استنبول فر بنده سهره داور دیار اولانک
 حصار و دندر نامی خضر در دانشمند طایفه سنگ رند و قنات و بوزمره نک لوندو
 او با ایدی کوشه میخانه بی دنیا به و ذلت خانه غازی سلطنت و اکندر در ایل
 ویر مز ایدی مرحوم طاش کبری زاده ده دانشمند ایکن صوفی و کاهیم جزوی اول
 مرحوم مرحوم استنبول قاضی ایکن سید دانشمند او کوزمره خدام خان مکارم
 تقریبی ایل ملازم اولتیه بوالده ایکن دست ایل کربان و قابض ادر دواع جان ایدی
 بو بیت انکر بیت زنجی انکده دلکم اولتیه حظه دلدار کلهی حضرت ایشندی
 حضرتی ایشیه دندر از با قلم زمره سینه در مرحوم سلطان سلیمان خان بغدادی توهم
 ایشد که ترک جهان ایشد نظر غایتیه ساده در بو مطلع انک در
 اشک ایچره روز دردم ای کل خوشتر صوید دوشش بر جوان پیر اغنه بکر جهان
 خفی ادرنه دندر از با حرفدن خفاف اوله و تقریبیه خفی تخلص ایشد اگر چه
 و عاصی صهیفه ادر اکی نقوش و وفد پاک النوری سروت دبران مثالی است و کافی رفیق
 کج دل کبی اگری اولد و غندن بلور سکن بجاست اربابا کمال و فوای خدا العین
 افواه ارجال ایل عبارت صحیح و کمالا بیغ و نصیح ایدی سلطان محمد زماننده اولان
 قدما شود اندر اکثریا صنعت کنبیه مایل ایدی بو بر قاج ابیا مزبور کدر

ساکن میخانه اولدم بیند صبا باده بم	صافی ملاح و قنات زورق اولدی
ایرم اغیار حق یار قبول سوره یار دن	از دستل ویره ایتیم دشورم یار دن

فته دین که چه انکضالی دخی حال دکل لیکن ودال لا کوزری در حالی دکل
 خلیع لطف آب وهو ایله شیره دهر و قبول مدوح زید و عمر و اولاد دیار بگردنذر
 سلطان محمد قازماننده ازینجه کلوب تحصیل علم اشغال و قدیل تکمیل علوم جلیله روغن
 اجتهاد و فنیله سعی جمیل اید استعمال او زده ایکن بر حسب ملک فضا له عاشق سینه اولو
 چگونگی مثال لیلی زلف غنچه ایله سواد از غیر عشق و هوایه مبتلا اولدقه حسب حالن الام
 و مانن بردستان اید و کند وی عالمه دستان تمیزه بین چو فرقت نامه خلیله دیکله
 صادره و کشاده بر نظم و صفت خط نامه ده بو بر قاج بیت اول کتابد ندر

دیدم ای نامه فرخنده اختر	چو بسین برهای غنچه	برونک مظهر انوار اشواق
در روکن سخن اسرار عشق	بج بطنی یحیی وارز پهنر	سوز کوی عرض ایدرین گلگون

نزلیا تمده چند ان لطافت نمایان دکل در اول اجلدن شیر اولندی
 خلیع زرد میان حیرت جلیل ده صفا خلیله دیکله مشهور در برود نذر چهزه عاشق
 کبی زرد قام و جسم ضعیفی کی خیف اندام دلبران سین برهوسایه ملال اسالان زدن
 و هویشان موی میان عشقیده رشته کبی باریک تن غریب بیست و عجیب صورت شو انگ
 طرفاسند نذر وارز با معارف و کمالک ندما سندنذر وجه معاشر سبب انتعاشی باب کرم
 و ما به منحصر و محبت الظاهر جوایز و انعام اکابر ایدی گوشه از زاده اختیار اولدی
 کرده مجازت اید و قضا ایتیمده اشعار لطف و ملامدن جا دکل در بوبیت انکر

عاشق در باهی اسک اولو	اهل در دهن بک اسک اولو	ده صورتین جلیل غلده عن
یار ایلد با جرمی اسک اولور	بن اولور سم بلا برای دل	یاره برستلای اسک اولور
کلشن جنبه اوغنی لبک	ایلی خوش نوامی اسک اولو	نوله یار اولور نیسه اول یوزی کل

بجابر مکتب اسک اولور حکایت چو نور که مرحوم لامینک پرتوی مجلس و ابراهیم نام
 بد لبرسم اندام اوغنی وار ایدی که فلک خوبی و ملک خورشید طالعی و عالم حسنی

جهاک بدر لامی برد لبرسمین بزاید بیکه کوکده افتاب ایلینه جمال عالمتابینه
 مقابل طوبه و غنچه زواله ایزو باشی زوالی اولمش و بدر شیر خورشید
 روی عالم کیردن نور او نورلد و غنچه عقده ذنبده دست خسوفک ذلیلی و
 پامک اولمش در اول بدر حسن تمثیل و نظیری صلت بر جنگ مهر مینری جوان زبور
 خلیله ذلیلی مانند اسمعیل قربان غزه سرتیزی قلمش دی و آتش عشقید برینی نار
 خلیله ایچیکله مرض محبت بر محنت و الای ایله جسم زرد قامی غایتده علیل ایتیمده
 بر کون پرتوی شمسی نه می دیکله معروض کاشانه بر تواند از اولو شاعر زبور

دخی اول محل و مقصده مقابل افتاب دیداری اوغله بر سوز و کد از اولدقه به
 بیوتی دیش در بیت بر تو مهر چک بزبزه وردی شیا شمسی نه سنگینه کونی طوغندی
 خواجیه جلی افندی منازل جلیل خصایک سعوا سعود و جهان کمال و فضایک
 افتاب والا سعود دریا محیط علوم و فنونک بحر فکار و عالم بسیط معارف و لطف
 خورشید نواری حقایق میدانک مرد دلیری و دقایق ایمانک مهر مینری سائل
 شرعیه نک نعمان زمانه و فضل قضایا شرعیه ده شرح ثانی البحر الغریب و البدر المنیر
 کشف المشکلا حلل المعضلا اتعاضی القاضل القاضل بقواه بین الحق و البطل
 مفسر التنزیل معرراتنا و بل صابا لایا فی الفضل و الا فضائل سباق الغایا فی حل
 الکمال رافع انبیه الفضل بعد الاندر اس ناصب قواعد العلوم و الترموم اثر
 الاندالم و الانطاس عمده المفسرین قدوة المتقدمین و المتأخرین استاد
 و استاد الانام مفتی الانام شیخ الاسلام سپهر فیض و کمال افتاب عالمتاب
 جاه و جلال علی روکت میر سربکنده حضرت خواجیه کللی افندی در که اول وجود
 پر جود ک نام سعودی ابو سعود در ننت که شاعر دیشدر بیت
 ابو حنیفه ثانی ابو السعود اولکم فضائل ایچره انفا ضل اولویدر انعامین

المولی الفاضل الکامل
 ابو السعود

روح شایسته یاوسی حضرت نیک فرزند سعید و در کرانای صد وجود در تقدیر
 زندگانی و متاع حیات جهان سینه مبد اعنفوان شایسته و بی نورید مرصع شایسته
 نوری کلنج تربیت دو حقه ریاض معرفت و شیت کار معارف و فضیلته و ارای
 و طبع از کمال ایتمکله انوار فضل و کمال جبهه وجود بمشاند لایع و آثار علم و فضل
 انق روی نیکو سنده ظاهر و صلاح اولو جمله کمال بشری حاد و جامع و معارف
 جلیه و سنی سی خلق جهان میبانه مشهور و شایع در روی وجود مرحوم مؤید
 لطف نامحدود ایل با هم او تو ذات واجب الشرفی خدمت شرفیندن ملازم او
 سلطان با یزید خان زمانده او تو ز ایل اینده کول مدرس اولو بعده قرق ایل
 ایل قلندر خانیه مدرس اولو قدن صکره مرحوم مصطفی پاشا بگنیزه ده بنا ایل
 مدرس یومی الی ایل ایل ابتداء اول مبتدا اخبار معالی و ختم انالی موالی
 مصدر افعال ک مسند الیه مرد و حکم حضرت نیکه نقل ایشیدی بعده پایه
 رفتاری مدرس لطنیه برو ایل معالی اولو صحن مدرس ثانی اول قبله قبیل
 صلاح و تقوی خدمت نیکه محل و متوی اولو قدن صکره حرور و ساقطنطنیه
 نیکه ده خادم شرح مظهر بعده روم ایلنه قاضی عسکر اولو منصب صد ارتشید
 اول ذات خورشید انار ایل رفت و جلایوشیدی و اول منصب جلیل جناب
 برتجیلانیه رویال ایتمکله رویان کی شریف و جلیل اولمشیدی بعده چترار فتوی
 اقلام مسکین ارقانی ایل مرشح و قتلاید وقایع انام فزاید الفاظ برعت انجانی ایل
 و متوخی اولو قدوه علمای دهر فاعل وقایع و حوادث زید و عمر و اولمشیدی
 اول حال دن حوار ملک متعالا انتقال و بو عالم فنا دن کسره زار بقایه ارحال ایل
 منصب فتواده دائم و نقد فقر او و ضعفاده قایم اولمشیدی حقا که مرحوم مستر اولو
 عظمی و جاه جلیل برتجیلانیه کل در افعال و اقرانی منقرض اولو اکثر ایل
 نظام

عظام و از با منصب شرف انجام تلامذه فی مندا و اولمه هایت و جلایو مافیو ماز
 و بنای برای عظمت و جلای نهائیده مشاکد اولمشید علی مخصوص او اول سلطنت صاحب
 قران سلطان سیمان خاندن تفسیر کلام ملک عکله تمام ایشید که وظیفه لرینه ترقی ایل
 مالا کلام ظهور ایل و قاضی عسکر کربن یا زلق و عشق تقیین اولمشیدی و بو تفریح
 توابع و لواحق اطفال و اعطای پادشاه داد کسره قرین اولمشیدی مرحوم رفوق
 لقبی خواج علی اولو و غنک تاثیر بدیر که بکت امکانده اولو تو ایل و اما تامل زمان
 خوشه چین خرمن تعلیمی و نواله جوی مؤانده جلیل و عظمی اولو جمله مشکوه زمین
 اقتباس انوار رشد و رشاد و میان فیض انعامندن اقتضای شوارد مراد ایل در
 شوکه میزان طبع عالیله سنجیده اولمه بازار روز کارده قدر و اعتبار بو زید
 و اول سبیکه کنگ اختیارینه اورده صرفان فضل و هنر میبانه کامل العیار اولو
 مجد الله تعالی و تم نواله و توالی راقم بر قام بجز انجام دخی اولو ضل و عالمک ایل
 فضل و افاده لرینه خادم اولو قدن صکره خدمت شریفیندن ملازم اولو اولو اولو
 و سلک تلامذه لرینه منتظم اولو سعادته و اصل اولمشید در انصاف بود که مرحومک فضل کمال
 و معارف و فضائل نایب و خلاق حمیده و محامد و ناشایسته غیر عدیده حد و غایت بود در
 اول ایل یک اهل برورد کلیدی بلکه فایق الا و اولو اقلی قدح ایتمکتمه مایل ایل
 ترکی و فارسی و عربی شعاری و اردی قصابی خود مشهور عالم و شعرا و بلغا
 یا منده مقبول و مسلم در بوبه یکی اشعار غنم شعرا اولو ضل مدارک و اول افتخار روز
 نتیجه طبع در ربار و رشحات اقلام عبرتشار بدیر که یتیم و بنر کار ابراد اولمندی
 نیه سودازده زلف سیه کار اولدم
 ای اجل با نده اما ویر بکافه عجب
 یولنه خرج ایلده بن نقد حیا الده ایکن
 نیه بر او سنجی در ده گرفتار اولدم
 کت نفس دوشن شایسته کوزم اولو ببدله
 که کچر فرصت عمر گذران کیر مزاله

قلب میآوردن بخدمت یارب کم کور حکایت روان کسبی او بر کوزه
 مرحوم سلطان سلیمان خردی است کلمی نام ده یوبتی دیش در

حق نظر شاه جهان حق بین است	رایس سند شرح و عماد دین است
نزد عفا این مثل دیرین است	هر کار که خسرو بکند شیرین است
قولرگ خواجه بجز آنه اسیر علی	آی افندم قولکم دیکه قور قراولدم

خیالی صلی موشخ قلاید فرزند کشتی شرح العقاید اولاد عالم و فضل و بحر کامل مقصد
 اهل طلب الفضائل و حوز قصب السبق فی مضار الافاضل اخلاق اودیا گرام و اید
 عظام اید مقلقی و امثال او اقرانند فضل و صلاح اید متفوق اولاد مولانا خیالی در
 از نیکند در مرحوم خضر بیک حلبینک شاکر در ندر تحصیل جلال فضائله سعی و طوبی
 و کامل المعین شیخ شمس الدین القاسمی خدمتند که گوما علم و کماله لکانه دور
 تخصیص علم کرم سیوی زما ایدی ذیل نیل فضائل بیکرانی ایچون و جناب فضل
 نصا بندن معنی اللیب کتابی او قوی چون صرقا بهره یه کشیدی حکایت اولنور که
 مرحوم مرقوم حاشیه شرح العقاید محمودیاشان منته اهدا ایتد کده تربیت عطا و تقویت
 فضلاده سلطنت قاهره کبی است باهره اولاد خاقان زمان فاتح قسطنطنیه سلطان
 محمد خان خضر تری کتاب مرقومک سبیکه وجودی دار الضرب خلافت مسعود در
 مسکو و مفر نو اولمش اکن کند ورنیک القاسمی یوننه انده رسوم و مکتوب ایدلوب
 اولکت بیکه اعتبار و استنادی جناب عالی بیک ایدینه اولاد و غنندن و اولد حاج
 محاسن فضائلک منبر لطف جبرنده خطبه کند ورنیک نام و جب الکراملین
 او قوند و غنندن رنجیده خاطر اولمشید بنا علیه تفقد حال اربنا فضل و کمال خاقان
 مسفور کشیمی و شیوه مرضیه و انعام و احسان فضل و عرفی که سلطان
 وضع مائوف و ذاب معهودی ایدی مرحوم مرقوم صندده ظهور و وجود بومشردی

۱۱۹

اول انشاده صرقا بهره یه کمال است کلمی کل منن اغبار مرات صمیر نواری دخی زیاده
 اولمشید فی الواقع کتاب مرقوم جمله علی عالم یا سنده مقبول مسلم در ذکر ایتد و ک
 ایراد او دقایق شاعران خیالی کبی دقیق و مجمل و جازت الفاظ و لفظ خیر
 اید بین الطلایض ضرب مثل اولمشدر حقا که دست صمغ جلد زرین اید ایامه شمسی
 ترجمه اید و اجزا و بریشان اگوانه رشته جمع و تلیق اید شیرازه او ره بودله کلمه

برتا و الدن بچندر مولانا	جزاه الله مولانا فیضیال	وکان من الکمال بمثال
لقد ابدی کتابا فی العقاید	یحیاکی لفظه عهد اللالی	با لفظ کالی ظ الملاح

و معنی کان کالمح الکمال نیز بیخاقان مزبور هرند کلمه بخور او طس اید و کی کلمه
 و کل در چونکه اولذات کامیا بیک تعریف و القاب کتاب بکثافت شقایقه مخر و
 کتاب مزبور که اعتبار و اشتها مانند خورشید انور در ریس هرند کلمه اطناب و
 اولنه دریای عمان بر قطره واقاب فشاندن ذره و کل در لاجرم شاعر لرین
 و بوفنده دخی بد لری اولد غنظا که مقصود تالیف داعی ضعیف اولد را اولی و اوی
 بو اشعار اول غنظا نامدارک رخش کلک سحر ایدر تیشا و بترگا ایراد اولندی

طوبندی چه چو نکه گوشتدن چکر که لر	بن دافی اوده او ترو التون سکل و درم
دور رفته سلسله زلفی دیر کون	جمع اولدی کور سلسله اید دوری جمله

خیالی مرحوم و غفورنا فضل دورا مشهور جهان اولو شقایقه احوالی سطور اولاد
 مولانا عبد الکریم او غلیدر نامی عبد التو ب در او ایل حالنده طریق تدریس
 اولمشید بعضی نقات اشنا حکایاتده دیر ایدیکه مزبور قرق اچ مدسه قبول اتیزین
 دیوبین ایتمکین ادر نه ده جامع اردی مدرسه سن قرق اچ اید ویر مشرعه
 سمت قضایه رضا ویز و بلاد کثیره یه مغیب و سلا نیک و تیره یه قاضی اولو سلطان
 سلیم نامدارک او ایل حالنده دفتر دار اولمشید مزبور ده طلاق و غنظت

اولو نایبده سخن افزین کلماتی لطیف و اداسی نیکین مطایبه سی خوب و مصعبی
شیرین اوغین افتخار سلطان روی زبان سلطان سلیمان بیگم جلات نیکین ایل مصعب
دو فرین ایدی زبان ترکیده سی و جنونی و خوشاینده اشعار سخن مونی
وارد در بوبر ایکی اشعار مزبور کفستار ندند غلط اید و ضیاع مشهور بود نایبده باز

خواب اولویدر اول اباد کورد و کلک کولم	نمکله طبطبو در شاد کورد و کلک کولم
بهانده باشنه سلطان ایکن نیم سر دم	قول اولدی ششیر ازاد کورد و کلک کولم
صیرت الور عقلی بقیم کوزینه قاشنه	سده هزار ان افزین اول صورنگ نقاشنه
مشهدی کاشینی مجنونک عمل صغلوکوز	سنگ شندر که بغدر دی زمانه باشنه

ضیاع مشهور و لات رودک ملک الشعرا سی و بومرز و بومگ مرد سخن اداسی هوای اوج
استغناک فرخنده ای کاف عالم اطلاقک عنقاسی کلسا بنک سر و مثال
کشیده بالا و حسن نظم ایله شهزه آیام اولاشوار بنامک ممتاز دستنی سی در
لغات آب هوا ایله نمودار خلد برین و زراعت عرصه و ملامت سهمی رشک فزای
ب تین روی زمین اولو باغ ارم رشک ریاضتدن متواری پرده اختفا و کلسا
صبا حدایق بر صفا کایانده جالتدن سیره کجوب دهن دلبران کی نابود و نایبده
اولا شهر ستوده اطوار مجع شعرا و منبع طرف اولا وارد ایلر کجوسند ندر نایبده
مقدمه حلقه قلندریان و بنده حلقه کجوش صیدر یا اولا بابا علی است ایلد بومرز
و هم صحبت اولو مجلس عرف و کمال صراحی کی مدام بکلیوب بیانه مثال صفای قلب ایلد
خدمتد و نمکله جود کش دانش و معرفتی اولو ضیالی کیفیت حال قلندری هنوز در
نیکوسه عکس ایلر و در شملین و کز در روی رنگینه مورق طسپاه اولمکدن اشعار ایلد
اشتهار و بیز و کرچکدن مدار اولمشید بعد سده سرای حجت و انعام اصحاب معارف
و از با لطف سدره حوادث آیام اول معین و کجیر از با کمال و هنر منبع اب صفا

سخا مرحوم اسکندر سی مرقومی معلوم اید نیوب تحب آیام درخت بختن رشحات کباب
لطف ایچی ایل تریبه استید کدن کره اصف سلیمان زمانه دستگیر هنروران بهان
اصف سلیمان عالم خلیل خوان الطفا و نعم بانی مبنا نمانه لطف و کرم وزیر
اعظم مشیر افخم ابراهیم پاشای مدح و اطرا اید و وزیر مرقومک صورنگ لطف اصفا
مرآت مال عیلت عنواننده طهر و عیلت اولو اولو سلیمان زمانه التفات بیکران ایلد
دلش دو حندان اولمعه هلال مثال یونان یوما بدر و قدم قدم مدارج و معارج
رفعت ارتقاء و عسلا ایلد عالیه قدر اولو هار همتی نایبده بلند پرواز اوغین
مرحوم صبا قران سلطان سلیمانک ساعده سعادتنده قرار اید شهباز زردن اولوب
بجوعه دیوونه اول سلطان عالیشانک یاننده کترو او صفا دلبران کی اکثر زمانده
دندن دو شمز ایدی کند و دخی حرم قدس رنده بزم اند داخل و دو حرمت
صحت شترینه نایل اولمعه سعادت مدارای اوج فلک دواره و اول اولمشید والد فرس
مکان بوکونه کوه افشان اولمش ایدیکه زبور ضیالی اول مجلس رعایت ادب ایدوب
غنی مثال اول حالده ایلد و غننه اعتذار ایدوب بو غنزل ابداری یوب
عرض حدام سرای سعادت مدارای اتمشیدی اول غنزل بودر

قلدی نمونه دهره جهان خسرا ایلد	کلیج خوان خراین افرا سیایدن
بر بزم خاصه محرم اولویدر ضیالی کیم	ایلمز انده غنجه جنت مجایدن

بعده اسکندر جلینک سمدید وجود رشیدنه فنا ایز و ظلم ایلد نابود و نایبده
ابو ابراهیم پاشا کلسا استی نمودار باغ ارم ایکن مقام شیون و سرای نام
اولاد قدس کده بی صبا قران مغفورک ضیالی مزبور ه همت و نظر و اتار التفات کیم
کماکان محقق و مقرر بلکه اولمشید بار افزونتر اولوب نعمت ترقید و غزل ایلد
ویرد کده جوارز سننه و عواطف علیسه مظهر دو شردی و عروس نامولی همت

عاشق شود لایزاله مرآت حصوله جلوه کراوردد نین بود کلو علوشان و قرب سلطان
ایله دروشیک و در نشنده و فقر و فاقه و در نشنده اولو ملک و مال و اهل و عیال
و سایر اعمال استغناء نمود طبع عالی فرخنده دنیا دنی ایله قطعاً عقیده دکلیدی
عروس و سیاهی اما هزار صیقل و درستان ایله انی شیفته و در جابه ترقی جاه و جاه
و طلب از دیاد منصب و معالی مزبور هرگز فرغیده انجیب یا ننده دیبای مرقع ایله
قبای مرقع برابر و تاج عزت ایله کلاه مذلت همسرایدی یاران و اخوان عالم محبت دوا
عشترنده بعضی قوتها ایله منصب عالی و مراتب میه به ترغیب ایله و نتیجه مانولک
مقدم حصول نخبه اشکال ایله ترتیب است در قصده او از طبل صداع بیجا و عسکر کشی
و سردار لقی الم بی طایل بیک امر جل در اصلاح عالم و تربیت ملکت کیون افراط
عالم طبیعت ایتمک نفس دیوانه لکب و بیکانه در مصیبتی کیون انضام در دنیا جدا و
عالم عقلمن غیب بیکانه لکدر دیو جواب برسد افوالام حرکتیک یاران مادی
و باعث اولوب سلطان سلیمان دن سخاقت رجا ایله بو قصیده بی دیشدر

طریقته ایله در صفا و لایه تون سلطان	هدایت یو تکریم کوسر که کوندر در حق انی
ویا خود بر نکار سر وقت ناز پرورد در	کو کلر جمعیه باعث سر زلف پریشانی
دمانی لاله در صحرای مرز و نازده گمش	کو تر سون شمسی دلبنده هر کون آسمان انی
همای اوچ نرند رسالسه او ستم	چکم بیلویه سنجی یلدولوسر در خرامانی

حقا که مرصوم مرقوم دفتر سخنوران و جویده شو کویانده بشو او مقدم اولوب
رزوب شو خوبی اصحاب هنر میاننده مقبول مسلم اشعار غزلت شعرا مطلع دیوان
قصه و شاه بیت مجموع بلبلندشان بنید و طبع ارجمند ایله فننگ فریدی و نامتیک
یکانه و وصیدی در اشعار ابدار نیک صفای الفاظ و سلاست و عذوبت اداسی اب روان کی
صافی و جبار و آینه روی هوشان کدورت کت و غبار عیندن منزله و

اشعار پذیرنده نایا اولان حسن تقصیر و گفتار بی نظیرنده ظاهر و عیان اولان لطف
تقریر و کلام که شعورنده اولدوغی ضیاء هنر نیردن اظهار لغزین اثبات مدعی محتاج
تحریر و تسطیر و کلام بعضی اشعار نامداری وارد در که هر دو ملک عالم قدس و در یار س
اشنا و دیده عین العین کمال غبار عالم غیب ر و شنا و بینا اولدوغی اظهار و
اید و شهباز ضیاء نر منگاه عالم لاهوت ر غلزدن غیری شکاره فنا صالم و غواص
بالی دریای توحید و تجرید در زدن غیری لالی و جواهری عین الم ایدو کی اندک
ظاهر و روشن و باهر اولور چونکه دیوان نامدار و اشعار غزلت شعرا بین ظهور
مشهور و از با طبع سلیم میاننده نظرات و حسین ایله منظور در بوندن زیاده
اطناب و استقامت موجب ملات و مستماع ایدو کی نور افتاب عالم کبی ظاهر و سطح
اورده ده سنه اربع و ستین و ستیایده در افشاندن سبزه زار بقایه ارتحال عالم
اشهدان ملکت ارواح انتقال تمیذد و فائده شو اوجوق تاریخ زردیشدر در جلد
عربی نام شاعر و مورخ دیشدر شور دله ضیاء کوزده قاصد و کناهی دنی دیشدر

عالم جسدن ضیاء گندی که و شیرینی جلوه دیشدر	انصاف و کمان او زو و طوبی نام
کلک ای بلبل لکرایده لاه	بقا ملکینه غزم استند ضیاء
وفاتینه دیدن تاریخ نسیه	خیا اولد صیف حکم نده
شاعر نامدار که رتبه کلک محاری در و شیخ طبع بر اقتدار در که ثبت اولدی	کورده مخصوص اولدوغی میدان استغن بکجا شهرین کوندر در صورتی قاصد غنقا

و بوبیت بر اعتبار ایله تمام افتخار ایدو کی ثقاتدن منقول در

عقاد این غصه و ظلمت قرین نور	بر یایمال عالم و بحرک باشنده شور
فقو ایله فرامیلس دوگاه سلطان استمر	و دوا همی سایسنده طاق ایوان استمر
ای ضیالی بی تکلف خون دل نوش ایلمن	منقیده خضر الندن آب ضیوا استمر

روز روشن نوله انور اولور سر
 فامور میوه جورم دیمه مبد اولور
 سکره روح مقدس عشق پاکدر سنگ
 کوتر قونیده بر سنگ سیاه کونیک
 فرورین ماهه جمال با کاکدر سنگ
 غیر لاله یار در شمدی ضیائی در ایسنگ
 عارفک میدار قریز اوله ای جور جلیل
 افتا بختیبه ایده بن رخسار کونیک
 مقدم جعفر سر کونیک قیوب عاشق کونیک
 اشک اعدا دن ضیائی حکم زنت صابر اول
 رخ کرده هر صبحی شوق کم جلوه کونیک
 بچ محبوبین ای شمع کم فهم اولدی شاک
 تجلی ایلدی سنده جمال صنع یزدانی
 سوزم برایت ایسته مجنون نامراده
 آینه هر کون قویر دلدار تنها قونینه
 ماه کلزار فناده جسمی ایدن غبار
 عشق بر شمع المیدر بنم پر وانه می
 غریبکدر انی خوش طوت افندی آینه کونیک
 راه نمده تن غبارین خاکدن قادرین

اشعار بخت شعاره حدوغایت یوقدر بو مقدر ایلد صغیر اولدی
حرف الدال داعی لطیفی قوی اوزره مستطونیزدر جوامع معرف اولدو تقریبه خلص
 ایلد

فولدر سلطان محمد خان زنده داعی اجله انجا ایدو اول ایامده عالم تقیارت
 بیت انگدر **داعی** ضربیم شوقدر سکرایه کونیک حشره دکدر وزالیه کیمیه بر ذره کونیک
داعی دیگر ایامین شاه اولان نزنند احمد بیگکد ایسی او اولور داعی دوام دو
 وقتا حتمی اولدو اختیار خلص مزبور داعی اولمشید تحصیل معارفده مجده اولور
 و مهابت تکمیل کالاکت قادر اولدو قمرای اولور حسن خطی قلم مثال لاکنورش بر ذره شوق
 دریش در مزبور احمد بیگکدن حلت ایتمه کونیک بو تاریخ دیبندر

درینج اولونجو بو جهان	اجان سیکر شوب قلدی دنگو	توکول ایلیک اولام خدایه
فنادن جون بقایه بیدر حلت	دعا ایدو انجان دلد	دیدم تاریخ اولور حنیف حلت

دانش سلیمانکی زاده پیری جلدی میکلمووف دانش کمال ایلد موصوف اهل دانش ادر
 کجایک وار با ذهن پاک فرزانه سی خوش مذاق خوب اخلاق هر فننده ماهر عارف
 صاحب حظ وافر عدیل نظیری نادر کسنه ایدی روی وجود مرحوم حسن بیگک لطف نامحدود
 ایلد با هم اولور استنبولده صامکی مدرسه سنده مدرسه لکن خدمت اعاده سنده ملا
 اولد قن صکره طریق مدرسه لک و عازم اولور ادر نه ده جامع ارد مدرسه
 معزول اولد قده مراطرافنده کسان اچ ایلد منوقه قاضی اولمشید اول ایامده صحر
 قاضیسی اولور مرحوم عرب زاده افندیله شاد و صد سر ماده که صلاح زمانه کان
 فرزند در آعه زمینه نینه برنی طور میوه ارتدی و باد صبا نفس سرد داعی کبی
 غایتده بارد اسرد بهمانا مادر ایام عظیم اولدو غنه سبب اولدی که حرات خوری
 دفع ایچون استعمال کافور برنی اکتار تمشیدی و چشم زمانه بویله نابین اولدو غنه
 علت بو ایدیکه یعقوب وار یوسف پری دیدار ندن جواد و شوب سرشک باران
 دیده کثیر لجر بیان اولغدر کوزینه بیاض برف امشیدی بو مقوله زمانده که عالم
 مرده صفت حرکتدن قالمشیدی و هر کس سفینه وجوده لشکراقت صبا امشیدی

کشتی به سوار او تو کیدر کن بادنی افکشتی حیانه پیر اقدن کلوب رور کا زور کار
 فلک وجودی کرد ابدله گرفتار تمیزی مرحوم مرقوم ایله قدیمی آشنا اوغین
 بلغین دریا اولدی مناسب حال بوغزل بمینالی اول انشاده دیشیدی

دل او زدرسه یاتمه دریا کنارده	آهم جوق اوینه درانی پوروز کارده
بوآه استینله دریای غده دل	بکشتی در که بکره صالو پدینارده
تک دو وصالی ادر کیرسون اول شنگ	منصب اولورسه دانشی اولسون کنارده

اشعار خوب گفتار غایتده مرغوب اگر چه خلق ایچده شهسور اولان اشعار از در کون
 مقبول و ممتاز در اصنی معارف رسیده استهار بولنا بعضی ابیات اشعار بحر و مثنوی و کتبه

بسیار سوشیه مرین شنه کند انک	همان اغزل لغیر عجب کلسانک
کور دیکم لبرینک اولدی میانی شکر آب	صدقی ناز کلکاره بر ندن شنگ
عرض ایدو نیرسین ای لانه دانگ	بکر اولور کیمین برکیه ننگه فلس امره
هر کچن خاک تمدن یار پیکانن الور	تور بر چن شینگ پوره کون بن الور
نشان اولما یحی تیر بلای یاره جان کمر	نه وار بیچاره عاشق همانی نشان کمر
قامی حلقه تنی زرد اولانی اوکته	تولنگده کور اولور سنکای گل سوزوز

در رو از نیک ندر اوایل حالنده از با حوزن عرف بلر صیاط ایکن بحر و موزن
 ایله تحصیل قوت لیل و نهار کندی ایله قوی قوه مقدر صعب دشوار اوغین تحصیل علم
 کوشش بسیار ایدو نهایت طریقیه قضا معردن متقاعد اولان لیزاده یاربتا
 ایشیدی برش و افیون قانتی کمان کبی ایکی تا و طوب طوب افیون قلعه بدنی خراب
 و بیابانیکه اول حالت مما اولشید فقر و فاقه دن خانی زلف دهران کبی مشوش
 و کمان تنگستی ایله حال رقیبه کار عاشق صادق شمس مدام کتاکس ایله با این اشعار
 بخته و چانی ارون کلک نیکست و هموار در اتیابده ای سابق چون دیوانه مطبق بعضی شعاری
 اولونک

اولونک

نور کینه عشقده کسه نجب باش	ایکی شمشیر طلسم اولمش اکان اول کبی قاش
نور بر کوره الن او بسم او سیمین دهنک	بوچه دمد بر صبرین بنزه خاتم کبی طاش
کل کوزمه فوق حتی عارف اول ای خود	چون اولور سین منزک باخت ایتمیش باخته
صال اولر چشمه آب حیات لعنکه	یا نمیندر اشش بچر نده مانند سپند
کاسد اولسه طغنی در شمدن کیر و بازار	مبتلا لر کس مغل اولمشدر کوز لدر زلبند
هر کچن عکرنک آینه جا به دوش	مشرب اهل صفا باده کلفاه دوش
عاقبت اول اول عاشقده کم بر صنمی	کچر یه یولیه چک ایرت سی حجاب دوش

مرحوم قدر اقله یار نصیده دیشید اول مانده اولان اشعار ایتمشیدی مظلوم بود
 صناد اولونک روح اولی روشن کچر تیره طبع اولونک کرا جان اوله در ددن کچر
 شاعر مرقوم کچر کیت طبع بوغزل فایق ایله اول جلده مسابق اولشید بوابت اندنر

قوت ایدمش در بزی نور اجل از زین	کم طشور زبر زینه دافنن خرمن کبی
دوشن اسرنگ وجوده جا به سین ویراه	کم اچکن رخنه لر بهر جاننده وزن کبی
ای بو درات فلکه کندو عالی کورن	کوسر تراشکالی اول آینه آهن کبی
کل کرب کبی صوفی صدر عالی کوزلم	غزت اسرک یوز اور طیر اغه وارد امن
کوسر سه نور خلقه بنانیکه بنی یار	اشفته سیم بوچه زماندر که بن انک

در و ای کوثر هو اسی عنبر بار کلسان جنت اناری نمود ارجنا بحر کیمیا ال
 اولون کچر وار دار دندر کتابه لازم اولان معارف و کماله ضعیف وست ایکن
 فن نجاسیده و اخذ مال حرام چون نخادعه و مغالیه جالاک جت ساری
 عجایب اموردنور که بر بیت فارسی نیجه یار دم ایله جوقوب فارسی کورید
 بلور کن لغت فارسیه تالیفنه جرات و مرحوم کمال پاشا زاده نک صفایق و در قلم
 رده جبار اتمکله هر کون صورت خسته ایدواظهار ایدرک بوابتده کچر فنانه

بوفنا پیکر صالمش و غواص وجودی بر عده طالمش قال شد بر بوشو اندر
 شام زلفن رخ بغداد نه حائل کورنگ کوز و مگ برسی جله برسی اولدی قرات
 درو فاکو عنبر سا هو اسنی مشک سا ساجه پر شرف و با اید نمونه و جنبه عنبر
 اول شتر خنیف دندر درو بیرونه موافق و انصاف و احوالی مانی البالد مطابق
 دروش صورت و فانیست کنه در علم دوارده بی نظیر روزگار و نهانیده صاحب
 اشتها را اولدی کبی طنبور نواز لقمه در فی سر آمد و لغت از در بوج شتاده
 طنبور مثال استاد دن کوشمال کور مکه او از دل دزه عزمین و مانند در
 کف قوالدن طنبور بیکله علم و اصولده بی بدیل و قرین اولمشید تصنیف ابتدا
 ربع و صوتل شیره خلق جهان اولو عامه مقایسه و جمله کائینات اصولیه
 روا اولمشید و بی زحمت با کائیناتی جمله سیران قلوب اول تمیز بردار اوز
 زیر ویم ستیاح اطراف و اکناف جمله عالم ساز کار خوشخوانان عراق و
 اولمشید مرحوم سلطان سلیم تا نیک شزاده ایکن مجلس و بنرم خانه دال اولوب
 منزل لطف شامله و اول اولمشید کن **اذا اکرمت الکریم ملکه وان الکریم تکرر**
 فو اسنی ظهور اید و موجب طبیعت و دنادت جبلتی اوزره اول شزاده عالیشان
 صحیف نم و هسانه رقم عقوق و کفران چکوب بو نمیشی اول مانده بغله دخی
 و اول دریکه کوشش سعادت اقرانزی اول لقمه قریب اولدی که انش غنصیب یادش
 فرور اولو اول کوه حله ن سیل چشم روان اوله اما که حکیمان مزبور گوینده بیکله
 اولدر یک مقصد استان سعادت اشیا نلر دن مردود اید بو شیطان مثال

نوعی بنام مطر و در ابتدا اول شزاده	اولدم که فنا بولدی شهر دل ابادم
بسیار بیل اتمیر بو خاطرنا شادم	شادی غرضتم بویم انگلیسی مع ادم
ای بو الهوس دولت مجوری غفلت	شکر نیکر و دنیا بی ال سا که بغض ادم

و مقصیده اکی به بهاریه بوسیده سی کم دکل در
 تیلدن دو کدی ایوب باد نسیم قدرت
 جایی یلگن آجوب حقدی اجلدی از نار
 سر و بر خوب رک دیگدی طورتو انده رو
 کشتی طالعیر کل صالام انکینیه
 بزی هاندی به چکلتدی هر سوی قدک
 باشدی ایتدی موج بنه دریای چین
 صانکه دریای سفید اولدی فضائی سن
 با سمنرا نک اطرافنه بغلادی رسن
 به دیه نوله کر که تننه فوره سوک یلگن
 قاره یه ایتدی غم زلفکله کشتی تن

دروش حمیه قسطنطنیه تکاب هواسی لطیف و صحت و اسعده سی شریف اولد
 قلات فیاض البرکات ندن کج اهل صفا کجده عاشق پادشاه دندر اشرف اوقاف
 و امین سعادت تحصیل معارف و کماله مضرو و امثال داورا یا ننده میل
 و عرفان ایلد مشهور و معروف صلح و کرم و حسنیم ایلد کفا و اقرانندن قلیق
 و اسمی مسانه مطابق و موافق کنه در او توز ایلد مدرس ایکن وزیر اصف
 تدبیر مشیره شری نظیر مرحوم علی باشانک اصحا شروا نشایه میل نامی وار با معارف
 و کماله انجذاب مالا کلامی اولمغین مزبور بریس کتاب یوا و طر انویس احکام قانی
 ایکن چون دیوان کاتبی اتمیشیدی عبده علی باشانک شهباز روح بلند پروازی
 ریاض عالم قدمه طیران و بلبل دل و صحنه شخار صدایق جنانده اشیا
 ایدیک پیغوله امال و هویده غریب و بی کس قلوب حالینه پادشاهنر سلطانم و عربک
 خدمت علییه لرنده قلم مثال عبید نکات بنه کماکان خدمت کتابنده و دروش وار
 عالم استغنا و کوشه قن عمده در طبیعت شوری سی قوی اولمغله اشعار صمیم
 و ذهن در اکی مشکل کن اولدی و چون وادی مشکله طبعی چسب اولو طلاس
 قوی اول زمینده ضیله جول اوزره در و طبع شوخنگ سما و تاریخده در فی سونی
 وارد رسالک مقام معنوی نامک کتاب شریف مشنوی بلانا جلال الدین الکرولی

قدش سره العزیز حضرت نیک کعبه العشق و مطا اهل اشواق اولو مقام را در اول
 مجاز و عراق مزدحم جباه جمله افق اولاً تریه شریفه برین زیارت و اول شرفی
 سرمایه سعادت بلده بوغزل به بدلی دیشیدی بوابیا اول غزل نذر

توری ف نه صانور صوفی صدای پای	نید سالک ایدی کور سنه مولانای
طوتدی افق صدای نبله شوق سماع	پوید که رقصه کتوردا فلک مینایی
قطب افق جهان اول پری پرگار هفت	دارگره کوزله که دروش اولکسین مولانای
بزم جهانده ایتمز ایکن نوشن جام هم	صاغر صونردی دستمه بر مستدام دم
امواج بحر قلزم اشکدن ایشیدی خوف	بوزیره سورد ایلدی جوق البتام عم
سغیر بلبله لاده صفاده رو ایدر	دروشک آت بویله کوزندن بدم دم
یار کیش سینه بر آتش کولک سودا برت	بخت نامهور طالع سرنگون خاطر شکست

دروش قبه اولیا کرام و ضرب ضیام صفیای عظام حاصیان بادیه عرفانه قبله
 مراد و کعبه مرام اولاً قونیه دندر شعر و شاعری حلی قدر و حضرت منوی ایلد نه پاشنده
 مناسبتی و ارا ایدی بنجه زمان استان سعادت اشیا منلایه رویال و نقل و در رس کتاب
 منوی ایلد تحصیل حال و کمال ایتد کون کره وزیر قاسم پاشانک کاتبی و اول صاحب
 کمالک مصعبی اولشید وزیر مزبور جناب پادشاه لایزاله و اصل اولد قده فاتح جزیره
 قبرس اولاً لانا مصطفی پاشانک دو نشان هفت بر اجلانه بیل مغلوب سعادت و ارطازنه
 رکاب جلایا اکبریه اولغده غز عامته نایل اولشید کن سینه کسوت دروشینه و اطوار و
 افعال در دمنده بوی فقر و رایج فنا و ضیاع و اطوارند نشام جان ظاهر و بیا
 اولو صورتا مسمی دروش در لیش ایدی کی روشن دهبوید ایدی والد فردوس مقام
 قاضی مدینه شام ایکن مصطفی پاشا خدمتلی شاه بکلر یکی اولد قده در نور دخی بله
 شاه کلیمشید اول تعریف ایلد مزبور ایلد الفت اوزره اولو دیار غربت و خوشنده حکام

بلده

بنا توانست صحبت کلیمشید و پیوسته قندیل جان غنم صدراقتیل اناره و ما بنیزده
 رصیق عشق خلت پیمانہ لیکانکی و وحد ایلد اداره اولمشیدی انده پیر سقا ایکن بربر
 نوجوانی سوب شقیله عالمه دستا حسن کی مشهور جمله جهان اولد قده
 والد ماجد مناسب حال بوطلع غزایی دیو مزبوره ارسال ایشیدی بیت
 ماده عشق و جنونه ایلیوب پیراز سر بر جوان شقیله اولدم مبتلا پیرانه سر
 اولدی مولانا جانیک بو قطع بیتل و مانند بینی یازوب کوندر مشیدی بیت
 مکو که پیر شدی ترک عشق کن جامی ● که من بعشق تو پیرانه سر جوان شد ام
 شام شرف انجامده کوک میدی دیکله بنام اولاً مقاسد ره احترامده یاران
 درویشانه فوق و سما بهانه اولسون دیو مولوی خانه بنا ایشید و سنه ثانی
 و تسمایه ده بیکی باله و فغان ایدر دوله دوش دونه کلستان جنانه سما ایدر
 روا اولمشید اول زماندن برواغب و صبحا شمع جبینه پرواز و مجلس نمودننده پیمانہ کلمه
 دو نکلدن حالی کلدر در وسط سلیم ای سلطان بایزید ک جنکی انشا ایلد یازوب بر کتاب ایشید دیو

طوتدی جهانی حیدر کرد و طناب لر	صحابی زین ایلدی چادر چچکلی
کلیموب غم خانیه کل یوزلو جانان هر کج	رغی کسی کو کلی قیلور پشیمان هر کج
گرم اوبو کوسن کر سه طکد کل پیر فلک	کم یا تور فخر لیم قونغنده عریان هر کج
بر کجی طوتمسن بلزی با اول خورشید ره	صحبی ک کو یک طولا تور ماه تابان هر کج
خواب وار سون دیو بکلر نرس بیمار کجی	صحبک یو فخر کوزین شمع شنبستان کجی
دیشیدک بو کجی قونوقه عریان کیره من	ایدرم اول شوقله چاک گریبان هر کجی
کجی لر دایم نکل بوسینه ویرانده	اکسک اولمز خانه دروشیه مهاجر کجی

دروش خورشید وجود نو آری بوسنه دیارند مستار نام هبسه نام دارد و
 تابدار اولو اولال ذات بر اقبافق بلده مذکوره دن ظاهر بویدار اولمشدر

اول کتاب بندر

اول بر وزیرالامان و اول ذات جلیل و طیرنوسن و نوسال ایکن کهنه کرانایه
 المخرن پیشکش و پیشگاه سلطنت اولدده ات مید آن سرانیه و اصل و ولوی ملایکی
 وجود کاملی سلک خدام سعادتمند داخل اولددر سرای سعادت اولاد اول سراسر
 چیلانده تحصیل معارف و کماله مداوم و تکمیل انواع لطیف سعادت موافق
 ملازم اولو اکتساب ملکات ملکیه ایچون بونه مجاهده ده زر کامل العیاضی قال
 اندو جامع اصناف معرفت و کمال اولمش در ذات ستوده صفاتنده مودع و مکتوب
 اولاد قوتی نعل و صندوق درون معارف شگوننده مخزون اولاد لایق استعداده
 ایچده کتور مکرر داخل حرم سرای سلطنت اهل جنان کیری بهشت جاودان اولددر
 چونکه جنت در سرای حضرت شاه جهان حور و غلمان اندن اوزکه یرده ایلر قرار
 حقا که فلک معارفده خورشید پر نور در منبری کون کی فلک در اولددر سزاد
 و خوی نیکو ایلد خور فرشته در در مقام و متواسی بهشت علی اوسته در شهباز
 طبع عالیسی جمله انکسند متنازه و هوای فضایی فضایلده همایی بلند پرواز در
 ریش سب ملایم اولدر که کنگره حرم فلک فرساده آشیان ساز اولاد و سر و مثال
 ذات ملک خصالی باغ جهاند اقران و مثالندان سر بلند و سرفراز در لاجرم لازم
 و محترم اولدر که داخل بیتان سرای پر غراز اولاد نیچ زمان خدمت سلطنت جهاند طوطی
 اولددر بازمثال امانی و امالی اراکیشیدی و شهباز قوادی تزلزل و ان مرام و مراد
 شکار قلیقه عبده ربی اصحا معارف و کمال و مستفیض انوار رشد و رشاد اولاد
 از با استعداد غنیض انواع فیوض اولاد یاد شایسته سلطنت طبعان جهاند قوادی
 هانی بیباک لطف و کرم و جایز معارف و حرم سلطنت کنده چشم واقف در و خاق در و شرب
 شهنشاهی که چون شیر و ان بدور اول
 بر اختیار کرم هست کویا مجبور

اطوار

مشید ابوان عدل داد حضرت شاه جهان سلطنت و ادب ترا بداند تعالی آیام و قرن
 و تخلید اعوام مزبور کقابلیت و استعداد اظلال علی المخرن مولانا بنایینک
 سخنان کتاب غلت نصابی که وجود اسخیا کبی گنیا و هر بی مثال نخا مدوخ و مقبول
 شیخ و شاب در ترجمه ایچا ارا تمیز در حقا که بنای طبع بر اقتداری هر بیکنک کابنده
 طراقترا میکلایمیکله بنای نظمی محکم و استوار و نقش من نیز کار هر بیکنک در دیوار
 و نگار تمیز کنگر ابوان او بر کاخ کرد و سر کشید تا بنای علمت سینان بنای کسند
 اگر چه ظاهر انظم بنای انکشان و مقیاس در لکن کحقیقه بیت بنای انکانت بنای اسرار
 زنی نامه و دکش و دکش کاشد جان طهارت و نظریه رسد کب که از ازا در روی شگفت
 صی شاید شش کلشن را کفت بود بایه ان سخن بسند کی ایچ رسد و صف مارا کند
 حضرت پادشاه ملکناد مزبور که قرب خیره تمام لیاقت و استعداد بی معلوم ایدیک
 خاص او دایه الو خدمت خاص لرین معین ایچکله بن الاقران معنون اولددر کردن وجود
 نامدار قلاده اعتبار لرید مطوق و مزین اولددر حال سعادت و نصرت کبی هر کون
 ملازم حضرت و شمع مثال هر کبی ایام اوزره مداوم خدمتی در متوقع در که اولاد وجود
 از دما در قرب سلطنت ایلد بدینر او تو خدمت سلطنت مظفر و منصورده جایگیر اولددر کون

ضیاء بخش صغیر و کبیر اولد	نچی السون شاه دهر	کامی و صنفی اظهار و اعلان
دیلمونکده خانم کسی قالدی	برادنی بنده مد حنده حیرا	طبع بر اقتداری نیک بونده چندی
اول تو عود قمار کبی اشعار مطا شعرا مشام خلق چه معطر و عنبر سارا کمال غلت سما	دماغ اهل عرفا معینر مکرر ایچس بو بر ایکی شعار مزبور کت رسته قلم سحر و اثر طبع بر اقتداری ندر	عاریض سیمینک استنده سیه کاکلیدر
کاخدار گلدهی دو شمش عکس لعل نا بکن	یوسفای ساقی بک استنده رنگ ملیدر	نار سوزان اوزره چنده دانه غلقلیدر

<p>ز جوق باشو اولور یار او خط فتنه انگیزی قرار ایتدی سواد حقیقی روی بنا کلمه مقابل لاله بوسن چمن بختنده رو او شفت لو بسدن طلب کامی قویا رونق بزم چمن باقی دکل خوش ایده لم بدنی نازک و تر قانمی توزون و لطیف کلی باد ایتمک اول وجه حسن در باعث رومیک زرکی زرد اولسنه عالمده حشر قدکله طلمی نغان ایلمه جان شمس و قمر دیر لر طلعتکله نوله کیم بن بختی شبیه ایدم کون یوزو که شمسی کم دکتر شم اگر کو ییکه کلزار جنانی بن عجمی مردم ای دروشن من دیوانه لک التتم چشم خواب اولد بلم که نه افنون ایگه جانه جو حیب ایتدک تر تم قلندک بکزد سرده قامت بالاسی راستی چشم آفتاب باشلرینی سینده داعنه پایال غم هر انونم الدن کتدم</p>	<p>نه فتنه باشی درانگ سر زلف دلاویزی قنوب کرد سپاهی روم طوبی صانکه تریزی ترتیباً جکر صحت بران سر تیزی اولنا بخته کوکل بو طمع خامی قویا دور مشاقده باده کلفامی قویا ای بدلدرا یکن اول سروکل اندامی قویا غنچه افکته اول تنک دهن در باعث متلی یوق بر ستم سیم بوندرب باعث فاخته ناله سینه سرو چنیدر باعث ای نه زهره حسین کوکدن اینر من لقب لوز بنی در یوزک شمع ای بر بولهب جهانده ای بر کار خا ر آدم اولسون آدم جو بلبل اولد میلک زمن اول یاریری زادم دیده کر یا نه ممکن دکل بر طمعه خواب یاد و دگر کلز بهی ظالم مکر روز حب سردک اولید چهره که تابان قمر کی صوت قویا نجه قودی آخر او جانسن کل نیم عمر اگر کلز ایگه بن کتدم</p>	
<p>مهر لیمه در ایکی جامی انگ ظفر اچسید بر ایچم اندن</p>	<p>بیشکاتی نظیر بانگ بهشت انی یورد اب حیواندن</p>	<p>فرشته افتاد و نه ایکی خشت کوریجک آدمی اور حیرت</p>

<p>داردینه ده او در جنت بی روا قالدی کویا برتن در مدح پادشاه زمان نیجه خبش شدری اولور باردو المده قلدی قرار سایه صالکله همای قمشه بنا غنقا مقرر اولدی شکار ایلیوب حیب و قیاس اولد کدروشش یا یقین اولدی عالمده برتن</p>	<p>در مدح پادشاه جهان قلدی فرزانه اولدو غن ایشا دشت کو فشاکی شورا سخت خندان و بر خود کربان اولدی کارم طوب خلق بهر بار مهر صمد طوعا فلکده سحر دیمین بهج او جورم در بار خانه مخصوصی قلدی ارزانی ذره صفا افتاب اولدی قرین شاه و دروشن جهان بجه</p>	<p>الدی شروانی زوا الدن قطع عالمده ایلی شیمات نیجه سی ابره بکره ذر کویا در حجب عالی و شمس معدنه که فرقیه نا گاه رفتم بازی اجدی زرین تر عاقبت پادشاه قید شناس ایتدی دروشه بجد حجب اولد جمعیت شه و دروش سومینان دلدله هر زبانه</p>
<p>دروشن حسن ایندی بختی نام قصبه ندر تحصیل معارف بیشتر اچون سعی و کوشش بسیار ایدو ارزوی سیاحت فلک و آبر کی بران قرار اتمیوب دایما حرکت اوزره اولور افعال وجود ابتدا ای حالتدن بری مبنی علی السکون اولمشیدی و تقیله بر کار مثال عالمی زیر پانیه الوب منطقه البروج کی جهانی احاطه قلمتید بو تقریبه نیجه مالک و مساکل سیران ایدو نیجه منازل و مراحل دوران ایدر در حال تقرب حضرت السلطانیة موس العیبه العلیه فی قانیة کان علم و عرفانک جوهر نفیسی و اصحاب معارف و کمالانک رئیس جناب فلک قبا حضرت ظل الله وسده سنیه سعادت دستگاهک بنده و انیس محمد آغا خدمتگرای استخبار و استعلام ممالک و سیر و سیاحت منابع و مساکل ایتد کلرنده بمن حجاز و دیار عربی بلک زوب اول زماندن برو اول عاشق صادق بران و بر حضرتندن معارف اولیوب خلقه مثال با فلک جنانندن جدا اولمز و سایه وار افتاب وجود نوارندن ایرمز فی الواقع نامی کی</p>		

خلق حسن و نازک طبع و دل خوش و با زبان او خوانده خیر اندیش مضار و کماله طالب
و اصحاب جاه و جلالدن ثار ببرد و پیش در پیش در بوبری اشعار مزبور گذر

حاله رحم ایله دیرسم با که اول یار کج نور	در دمه بر چاره دیرسم نینه تکرار کج نور
بکره در رسم بر لکلی مک خطایه دوستی	قشکر چین ایلیوب یار جفا کار کج نور
چشم مستک یار نه نوش آینه و کم جام میک	بر صبا بیدر بونه طاق سپهر رنگون
همه اولوق دلیمن دل سر زلفینکند	آره غم انی صد پاره قله شان کبی
نظم لطف خدا اولالی دروش حسن	اولدی کجینه عشقه دل دیرانه کبی

دشمنی در نه لیدر کستند یلی مصطفی دیکله موقوف اولاقاضی تک اولکلیدر
طریق علمه سالک اولمش در صبا طبع سلیم و ذهن مستقیم ایلی بوشو انکدر

قد دلجو یک خیالی دیده خونیا بده	کویا بر سرور عناد در کنار ایله
دوشدی کولم نینه بر رخلی بر کمنه	راستی شیوه ایدر قاضی سرو چمنه

در وجود همان جهانده صد شکر گوید لظاهر اولوم موم الحق جلایی له صبا و معصوم
اولمجه جوتیا تک اکثرینه قادر ایلی فروفنا غایب لغین طبیعت شوی بی اولنمه ساکد
زایب اولورد بوشو صد کلک درک و سماً غنچه ظاهر اولاق شوی شوی در

ای خواجه فرفوقه مز مال غنچه و بریز	بوکنه شال و فرفوقی اطلس قبایه و بریز
زین لوت فرفوقی ماه و جاه اهل	بوزوقی کل قن کوشنده مرد صدقون

دری بلان جهان ایچره صد صفت و دری سمالطف و لطف اولاشهر برود ندر ارباب بیتا
معرفتمند ندر لطف محمد زما کلشن و هم سعید سینگ نونیه قصیده نظیره دیدنر مطلق بودر
عارضه باده اوینر بوزلف عینین صانکه ایله جلوه رطاوس فردوسین
دعای برو ساد ندر جوامع ده معرف و بیایسی کبی بنای توبنی صرف لغین
مخلص مزبوری اختیار ایتشد در خوب شعوی وارد در بوشو انکدر

عارضه عرقیت کله کلشنده زیبا کسون | سروده کوستر قدوکی نازیلر عنان کسون
قل مقوشش ک طرف کلاهکده نهان | آره ای دشکل ابر و سینه غر انمسون

حرف الذال ذاتی شوار بر و مکشاعر سئوده صفا استاد شوا و بر و لغا
اولا مولانا ذاتیدر که حقیقت صفت بلا غیر عارضی و مزبوره ذاتیدر
بالی کسری ندر بعضی اصحاب درایت مزبور دن نقل و روا ایدر دیکه کسرت سوسین
و غمغایه ده طوغند آدم عوضدر و هم تاریخ ولاد ندر دیر ایلی عقد با صفا
حرفت و ارباب صنعتدن در موزه دوز اولوب بیسه سال و ماه اکلما صفت

فوقی اوزره الدن کله کجه صفت مزبوره ایله تحصیل کفا و معیشت ایدر دی
مکن سنیقه و نظیه و طبیعت شوی لیب و ذهن بریزا کت و طبع با استقامتی نظیه نایل
راغب اولوب موزه دوز لغه در و شوب جالشور کن الی دکله کجه نظیه شماره
دخی کوشش و ورزش اوزره ایلی آفر موزه مثال یا پمال ادان وار ذال
دنارت طبع و رذالت شانده دال در مقتضا علومت اولدر که اثار طبع بر

کمی باش اوزره مکان ایلید جو اهرز و اهر غنچه کان اولم و صیر فی بازار
نصت ایچره دکان آجم دیوب دار السلطنه السنیه محیه ده توطن واق اکتید
و مدام اصحاب عرفان و هنروران جویا ایله الفت و صحبت ایت کتور شیدی
لاجرم ذات شتوده صفا هلال مثال یوما نیوما ترقی و کتد کجه اتمعه و اسیبا
نصت و بلا غنچه تلقی ایلید شوا ایله شتد شعار صبا اشتهار و اعتبار خاطر ایدر

اولد اصی بفضل و عرفان اولاق اخوانه و اهل دانش و ادراک اولایارانه
ظاهر و باهر و نجاب اصحاب افتاب مرآی غیر سائر در که شوشد کجه زمانه
لب لبران کبی غایت نراکنده و مثال حسن هوشان نایستولعل فتنده در
وهال دوستاندن لغیر معنای رواب رواندن سلس ایله اخصوه فی بن و حسن

اشعار نظام اولاً صنعت توریه و ایهامی رعایت نمیکند شعورای زمانه کما کما
 کمی شعور باشد البته بیشتر در لکن انصاف بود که مرحوم ذاتی در حقیقت اوزره بر نظر
 و قرین حکما حکم و صبرین و بنای برای بلاغی غایتی قوی درین سخن معانی غریبه
 و ضیافت عجیبه در عدیل و نظیری نادر شایسته بود در لکن بعضی بار در ترکیب
 اول زمانه مخصوص اذار و مردی هنر کی غایت و تراکندن بیکانه معنایه مایل اول
 مظلوم اول بود و بعضی کلمات معنوی را در **لغت** اگر چه بعضی شعور با دادر لکن بعضی غایت بر صفادر
 کنده قوی اوزره بیکتی یوزدن زیاد غزلی و درت یوزدن زیاد قصیده سی
 و بحر هزجه شع و پرزانه اولو پیشین بیکت بر کتابی و بحر طده اهد و محمود نام
 بیکت بر کتابی و بحر منظوم لفظ بیجی و در در که انتی اولو از اعلامی فی غیر درک
 شردن زیاد اولو و غی تحریر ارقام و حرکت اقسام ایله محتاج افاده دکل در حقیقت
 ذهن ناقص اولو بعضی اولی الا بهار مزبور که شعور نامور اولو و غنی و جمل
 اعذار بیاید اولو اولو اولو که مرحوم مرقومک در بحر کوشی کلیم ایله کلمه
 اولو صد کوشی لالی اشعار در حالی و کوشی به هوشی بختی کوشی کوشاره است
 بالکلیه بری اولو اشعار این اعتراض است بر هرگز دکل و کلام اهل دخل و ملامت قطع
 قول غنی قیوب استمزایدی فی الواقع مصت یاران و مکالمه و مباحثه هنر و رنگ
 اجاده ایجا شوده جوق دخل و ارایه و ظاهر و بیدار و دخل و مصیبت
 ترقی ده سی مدخلی اولو و مانند خورشید نو آرزوشن و اشکار در لکن بعضی
 یاران و اسطه صم ایله صفت و الفت منقطع اولو شعور غنی سبب دیر و لکل وجه
 هو تو لها ثمانیا اولو که مزبور که غایتی فو مدام و ضرورتی تا می داراید صریح
 عاصف ایله اوراق و بهار ریزان اولو خزان دیده اشجار کبی به برک بار اولو
 در هم و دیناری سرنگ دیده و دروغ دلکاری ایله وجه معانی کند و سی ترتیب

و اجزای کفاف و اشعار بجمع و ترکیب ایله محتاجید و ابوان و انواع مال
 مئلان روزی در اولو ایله غایتی ایله کن بو حاله اکثر انام
 بلکه عامه شعور ایام ایله بیشتر که لازم ایله کی محتاج اعلی و اعلام دکل در حقیقت
 اولو که مزبور منصب بتنی و کند و اصحاب و لکن تحت و تربیتی اولو و غندن
 ناشاد و مخزون و حالی بو اندوه و انبوه ایله دمسبه و در کون ایله
 کی شعور انکیز و خاطر که حزین شد و الودردوس مکان مزبور که کثرت اشعار به سبب
 بیاید و بو گونه کو هر نشان اولو را ایله که مرقومک دکانی جمع شعور و منیع ظرف
 ایله هر کسی دید و کی اشعار مزبوره کو سزوب امعه و اسباب معارف و جواهر
 زو اهر لفظ بازار وجوده کله اولو ضایعه بلا غرض المینکر الوب صغر ایله
 مزبور در فی مقبول اولو معاینه کمین عینی ایله تعبیر و بعضی غزلی تغییر ایله
 الورد بو سبب جوق معنایه و آل و انکاید خرائن و دفاین حاصل اولو
 مرقوم لفظ بایزید جامع حوسبیده دکان اجوب ره تلق ایله دکا اولیده سبب
 معانی و جوایز اکابر ایله صکره منقطع اولو کبی انجی رمله مظهر قالد و الودردوس
 اشیا مرحوم ذاتی نکته دانه مناسبت مرابتن سبب همان و فقر و فاقه ایله
 خوار و زار اولو صنعت ملامت کفیل قوت لیل و نهار ایله بخت اولو که تفصیل
 حالند سوال اتید که بو گونه بسط نقل ایتمشدر که اولو استنبول دخول و صحت
 شو و ظرفی زمانه مثل اتید که مرقوم لفظ بایزید فان زمانه ایله مرقومک علم
 فقا و شیخ و شعوریه جایزه و ساینکه امواج عمان کی فراد و اشک دیده
 عاشق مثالی بجد و بی پایان ایله مرقوم عبیده و بهار به بنایه قصیده
 ویرردم و صور مامولی آینه لطف بشمونه رأی العین کو **م** و **م** اول
 نهانده وزیر جهان اولو علی با شامرد نکته دان و صاحب انعام **م**

نهایته کام بخش و کامران ایدی اول انکا بوقصیده بی ویردم

تسا وجود نباتاتی المیشدی علم	اینه وجوده کتورده بهار عیسی دم
ایدنه کردکی رمال رمل انکا قلم	سر اوقات غیوب اجدود بیج سر مهم

قصیده تمام ایشد کده اول وزیر بنام بوقصیده اوچ خلص خلص درج انیشخ
بری رمال بری ذاتی بری قسم دیوب لطیف ایشدی نفو زنا معد و دایله همیان صیان
و اسبابیج ایلد خزینه دل و جان کلو ایدو بخلس کیر که خست و اجاز ویرد
صمک اولدو غنندن سکا تو لیتدن غیری مناصب دکل درانش الله تعالی کا
بر تولیت ویرنگ شرط واقف کبی ذمه لازم ولا ذب لستو دیو وعده را انیشد
لیکن بنین منصب هو اسنده و هرگز تولیت بر و اسنده اولوب فکر ایشد که شاه
جهانک سالی که و اول سلطان عظیم ایشد عطا کسر و اکت و مزبور علی بانگش
ایده بر بی نایه و انعام بی بانسی و قاضی عسکر نوید زاده و نشانی تا بی
زاده تک جو ایز بیکر انسی هزار بار تو لیتدن اولاد در شاه بقده دل جانندن
انیشد هر صبح و شام جلسه اولاد قدری ایشدی ایلد قدح بر و از لقمه اولو بلبل دل
بو کلام بلاغت انجام ایلد مترنم و کوییده جان بوزنم فصاحت عنوانه متظم ایدی
فقیه مدیسه دیست بود و فتوی اید که می حرام ولی به رمال اوق قسمت
بو انشاده بری پادشاه در اولاد انی در حق و عطا و بخشش و سخاده انزه ایشدی
برنی غنچه جز انی اچ دفتر از ماری بچقود اولدی بری حلیمی دست ایلد دفتر دار
دیور اینه بر قصیده ویردم اولدن اشنانی دنی اولمیس بی انعام فراوان ایلد
نورق دریای حن ایدی اول انشاده سلطان بایزید شوادن غزل کراستیو برنی
تازه دید و کز غزل لری ویز و مهر بر میزه حن فراوانی بلکه بیچ کیشا یکانی ظاهر
اولد علی الخصوص بنم فائیه غزلده بو سنی کورد کده باسد کورد ک عالمده

معنی خاص و کمنشدر دیر لر حاشانم حاشا اصدا اشباع لالی متلانی بدایع
پر در و کیت امکا جواهر معانی خاص ایلد کلو و پر در هر آنی غوامض ایدو دریا
دلدن جفر مقادر و صنعت ایلد اول جواهر زواهری کاندن فایز و اکتور کدر
دیو ذاتی به تولیت کور نو نلدیو قیوانکا حسین اغایه قریبا ایشد اول بیت بود
کلدی اول زهد بسینی قبا ایدر بیج زاهد اخوه چک سبک مانند کشف
اول انشاده بروده بیکری بیش ایلد تولیت و خیت ویر لریدی کورد کده
سلطان فیض مظهر و جواهر و عطا یا اکابران صید بارز ایدو وافر در غایت
ایدو قبول تولیت و خیت ایشد بعد سلطان بایزید ک او اول سلطاننده فتنه قور
خط رو دلبران کی ظاهر و عین اولو خلق جهان مانند طره مشون در رم و بر
اولتیه بو انشاده عبته علیه سینه استمدمر مکانی بخشش و او انده اعنی
اول وزیر صیدر سخا مرحوم علی پاشا اخوه رحلت ایدو در یوزده نوال عطا
ایندر مو ایدلطف و سخا آماده اولاد مرحوم نوید زاده و سرتاج اصحاب افاده
مرحوم تاج زاده عزال اولمغده بن دخی اختیار کوشه بر ملت ایدو صنعت رملد
فتحت ایشد بعد سلطان سلیم دارای هفت اقلیم اولو تحت یکجا و سلسله
سعاد مانوسه جلوس ایشد کده نوین بر قصیده ویزو قصیده می علی مخصوص
بو بیضی ضلع پسندیده کور مشریدی سرور ایشد بی قید در قبا کده عدل
طوبه مزد انی زبیره چکوب نشیروان سینه کاگان سالیانه مقرر اولو جو ایز و انعام
مظهر اولدق کمن صور از زو کجنگ مرایای عطایای فراواننده تصور دین
مشاهده ایشدک طالع مساعده ایشد بایام سلطنت و اعوام ایا تلمین فتح قلعه
و تسخیر بقاء ایلد کبر و افتاب سیار کی بر کون بر برده قرار ایشد فلک دوار
کی حرکتدن خالی اولمز لریدی که انعام و عطا یا مظهر اولام زبان بیری و انعام

۱۲

ادب و شباب و لغین فتح و نصرت کبی هر کاتب الخه بحال اوله و کت غیر و کرایه
تکمن برای پراجلال و کت قصر سعادت و اقبال اولد قده هر حوک چوق کت افتاب
عالمنا عمرینه زوال کلوب برای سلطنتدن ریاض جنبه انتقال و ارجحال اتمیکه
بعده پادشاه سلطان سیمار با و طلوع خورشید سلطنتی ایل ملک عثمانی نورانی ایدو
نقل طلیس ذات جلیلی او ستمه سایه یزدانی اولد قده قصیده روز و صهنور نور
کبور لر زده مرضی و مقبول و سهام مأمور اهداف حصوله موصول ایشید بعد نه
کعبه مرده و سخا قبله مکرم و عطا اصف هر مرحوم ابراهیم شاه ظهور ایتد کده
اول کت فینک قرنداشی حبسی و قوه عظمی و داهیه دیاده بو نمده تیر پرتا غیر غضبه
فتنه اولد قده در دمنده اول کت کت خالص ایتد کده با ایشید برادر نیک
ابر اسلی قندی و بصیری و سایر شعرا جمع اولو وارد و غزون دیکر و متکدر اولو
نمایا خیا قند نیک دکان طاشه طوب شیشه لرین و چینی لرین خاطر هنروران
و دل مخزون عاشقان کبی صد پاره و منک ایتد کده تکرار جمع اولو وارد و غره شیشه
خاطر و زجاج مزاج نراکت نظاری رنگ پذیر و متکدر اولد کتیدی لکن سینه دریای
شوه غوا صلیق ایدو مد حنده نیجه لالی ابرار و جواهر بر اعتبار ایدو اظهار ایدو
استان کرد و مدارینه نثار و ایشار ایتد کده مظهر جوایز بختاری اولد کتیدم اما خیاالی
هر زمانه بنی تربیه ایتد و کلو را کون سیزه بد دعا و ناسوت و ناسر کت ایلر
دیونفاق ایتد کدل دریای شایخ شاکه کذب و نیت ایل متغیر حال ایشید اول
بر فوای تنگ و اتساک و انکسیر بنی نوع انک و امداد و ابقای سلسله ادبیان
اول صهر فرد صطفای زوج ایتد کت ایدو غریزه غر و تبین خانه شریعت کت سینه
شوه عاده معهوده و قاعده مالوفه لری اوزره لر و قصیده لر و روز و بنی سوره لر و
قصیده او توحه وارد قده حیا نیک نوبه قصیده سنند بوبیتی او توحه بوبیتی

دیکه

شاید نوز لر کم تو پرشدر سمنند طبع موزونم کوزینه تو تیا ایلر صفایانده کمالانی
بو بیت بو یلد کل در دید و مکده یا نیچ در دیو سوال ایلر کت بونوال اوزره دیدم
نه نوز لر کم تو پرشدر سمنند طبعی ذاتینک کوزینه تو تیا ایلر صفایانده کمالانی
بو خصوصدن تمام از زده خاطر او تو شو انک بود اولر ایلر ایلر اولان
و حتی سدا یما تر اید اوزره لغین هیچ بر وجهه زبان طحسی در از ایدو
باری تو ارد دعوا سین ایدر لر دیدی کر چه اول مقامه معارضه و جدال اهل
بلغت و کمالاننده خلف مقتضای حال ایدی لکن صبره بحال و تحمدا احوال
دیدم که پادشاه کرد و رفعت جلوس بر سلطنت ایتد کده بو قصیده ویز و ایتد کده
اسکندر ثانی لغظن تاریخ ایدو اول درج بل غننه درج ایتد کده ایدی حالا
صورت حرم سکتی و سرای خاقانی به موجود در پس بو تو ارد مقول سنند معد
دکل در دیکه اتش غضب برای اشتعال و از دیا دیو لغظ ارا فرده برود و سردی
اشتهاد و امتداد بوشید و ضمیران صخر خشک سال مذلت و شوره زمین کتند
باران همتسز زمرده اولو صوسید بعد قدر افند نیک رفعت قصر قدر کنگره
کاخ سپهره و سر علم دو و غزنی تمه قبه ماه مره محاد اولو منصب صدارت
ذات خورشید انارتی ایلد قدره ایلر و انا طولی قاضی عسکری اولد قده حقوق
سابقه بی رعایه ایلد توجیه تولیت ایتد کتید بن دخی اول منصب ایلد قن ایدو
انی کشف وجهه معاش قشیدم کیدر بیر لک ایشید عروق قان برینه صفقان
ویرقان کیر شید قوا یه ضعف و ضعف قوت جوارح عتیه و اعصاب حرکت کلوب
قامم در دهر شباب بله دال و تیر قدم فرقت جوانی ایلد کمان مثال اولد و رفت
وجود نامدار خزان دیده چنار کبی بی برک و بار اولشید و الام و جن بیرک اقبال
ایدو دولت و سعادت شیدا ایلر ایشید الدن در شوز و تیرد و کم کوه شیب

و حیاتی خاک فنا بجزه بوی چون اکلمشیدم و هر بار ملک الموت من بوی چون ای
 قات اولمشیدم سفره افتد از بر طرف و خیار اوقاته از دل اعمار و انجمن
 برین خلف اولد ابراهیم پاشا فوت اولد ایا سنا پاشا وزارت و محمود طیبی
 شاه افتر دار یعنی الوب از دیا در خزان سلطان ای کون زواید خورری ز غلامی
 زواید زوزکار در دیور رفع ایتد کلنده بزدم دخی جایزه و سالیانه لرز قطع
 اولدوب نال مالر بوستان لطف و نوال سلطان ملک خصالدن قطع و فتح اولدی
 حالاً لکنه مانوس و دولتدن بایوس نفوق فاقه بی زاد اخوت و عین اکسیر مغفوت
 بلوب بو حال ایلی بجنور ز دید سینه ثلث و خمین و شماری ده اولدی زمره شوا
 داخل جماعت خانه دنیا اولدو اجتهاد اصحابه بیت فرجه اتصال وزره ایکن
 صورت حال منکوس و تریب اشکالی معکوس و شکله راهبر طریق فنا اولدوب کوزره
 عالمه انفصال ایله مر حومک و فتنه جوق تاریخ دیشدر ظهوری عجم دیشدر
 اشعار قلدی یاد کار دیو عید سخنور کجی دیشدر بر تاریخی بود که عیدی
 دیشدر شعر ایار دینه دن کوجک **تاریخ** چونکه اشعار اکثر جماع ده مذکور و متکلم
 و آوازه گفتار یلقبه دوار سپهر نگار ملودر ایراد و اکثر اینه احتیاج یوید
 جای عناد و لجاج دکل در عاشق چلی کند و دن اعلی شعر و کوز تقصیر
 دید که بو مطلع او قودی دیو حکایت ایدر

دوشدم نون بای سک دلبر اوسته	اول غنچه کوردی یوی یور کت کلر اوسته
رقیب زان انند برتر و رشوه کار ادم	دخی شاه بهار عشق اولدن بر کار ادم
رفخ یاره نظر سز نظر زحمینی اورشدر	کوز نر بک صانور ناز کلکندن حقان اورشدر
کوز سیم بر کون یور ای بنی غم اولدو	کر کور رسم ذوق و شاد کورد و کرم اولدو
کوز یکج حسنگ عنان اختیار ایدن کیدر	تبع خشی لطف ایت ای چاک پسر اولدن کیدر

باشک نقش ایدو ایان وصاله عاشقی
 غزه اولد بویجه مرغ دل اشک ایتدیم دیو
 ذاتی موره الکل کلکد و کچه ایل لطف
 جسم لطیفده دل سنکینی کور نیور
 حاتم کبی باشم حقدی بجار عشق
 هر گاه بی تکلف او پر دک ایا غنی
 بر یار بر نه باش ایتد ابد الیوز انک
 بلا دک ای فکر سین فلک هر جای جانانکی کور
 الی السده اولد کسنگ حاتم کبی ای یار
 ایشیکده گاه کبی در بان اولور

مدح سید کائینانده بو شعر غایتده ضویدر انش الله تعالی بسبب مغفرت
 قاتلک ای بوستان لاما مکان پیر ایه سی
 یوسفی کر چه کوز نر الکربنی کسد یلر
 اخوت بازاری نه وارد قده ایلر فایده
 باغ جنبده امیدم بودر رکم ذاتی
 نوردن بر سر در دو نمز زمینه سایه سی
 کون یوزک کور دسنگ شوق اولد ایلر
 نعد عشقکد انک کم سرور اسر مایه سی
 جمله مؤمنانه اول سر و ایدینه هم سایه
زهی بروده مویجی زاده بالی چلی لیکله مشهور اصحا سفار کمال ابره صبا صبر
 شعور در دانشمند ایکن مزاج و ماغنه اعتدال کلکله احوالنه بر مقدار احتیال کلوب
 طریق عرف و افضا ترک ایتک غریبی ایل اطراف و کثانی هستیا ایتشید بعدد
 تلون او زره بیه طریق معتاده که هست اربا افاده در عود ایتد که امیر حسن
 افتدین ملازم اولدو طریق قضایه عازم اولمشید اسکداره بعد غلطیه قضی او
 دان اولد زبور تقاضی اولدوسه اثنتین و ثمانین و شماری ده اخره حلت ایتد مالک نورو

واقره

تاریخ

و صاحب حمت مکاره ذہنی کثافت و مصلحت از ادب نبتی منبذ و مشرب بقول
 کسب ایدی اشعار ساده آید انشا مدعای مزبور ای چون بعضی است بحر و سطر اولی
 جام چشم بیره جلدک خاکه کین ایدکشت
 کرم اولو بر خوش امیتر کن سنکلا باب
 شری مقدار کج ز کین سید ذہنی سن غم
 سکه بر کلمه در بوغزه باری بختی

ذہنی استنبول ندر بونک دانی نامی بالی در اوائل حال و ببادی سن و سالندہ نژاد
 ملک خصال سلطان سلیم خان حضرت تریک استان فلک القضا لدریہ استناد و انتابت ایدو
 شمشاہ مزبور دو سلطنت اید کایتا اولدقده اریہ امینی اولو بجرہ دیار بکرہ
 و قبر بعدہ جلدی دفتر دار اولمشید حالامدارج جاہ و جلالہ متقاعد او بقدر
 اولو پر مقدار تیمار اید کوشہ عزت اختیار ایشد رشنا و رجار معارف اولمشید و
 و شعرو متعا ایداشنا دیدہ جائی کل اغیر کال و ہنر اید رشنا در بوبیت انکا اسناد اولو

یار چاہ ذقم عین وفادریں	اکای عاشق شوریدہ اینا نہ جک در
غزک خدنگی کر کجہ بوم در کج	مجرع قلبی جھوگ آتا در کج
اغیار کینہ خواہ کجہ ریشہ	اینانہ سود کم سنی زیر اسور کج

ذہنی نامی عبد الدلیل در برج نیرات و لا و درج لالی زاہر اکرامت مقرایت
 خلفا پیشین اول شہرام این منطقت مدائن بلاد دن دارالکلام بغداد دن
 نجف زادہ دیکلمہ مشہور در اسکندر پاشانک او علی احمد پاشا اید استنبول کلینک
 جزئیاتہ ماہر حسن خطہ قادر ترکی و فارسی اشعار و مہمیت سجد و شمار اولد و غنڈ
 غیری فن موسیقیکر جلدن حساب اعتبار و شہاری ایدی بوقاج معارف اشعار مزبور
 گفتار ندر مدعا یہ دلیل او چون ایراد اولندی احمد مختار نام برد لبر
 سیم اندام قصدہ بوغزلی دیوب بواقر انامہ کتور مشیدی

کیتی الدن اختیارم جذبہ دلدار ایل	دوستلر بلن نور حال احمد مختار ایل
کلک اچلیک قیسید نولہ ای غنچ لب	شمدی اولدی کل رعنا اچلیق خارلی
نامیہ صغیر حدیث شوق انی ہنی مکر	کاہ لک بارہ اشعار ایدہ کن ریلہ نام
متوجہ بویحق روی اول شمع چکل	ایلدی گاہ نہان گاہ نمایان ای دل

ذہنی سلطان بایزیدک اولادندن سلطان محمد کفہ سنی غنہ مشرف ایکن
 دفتر دار ایدی شعری نظم ساده مقولہ سیدر بوطلع انگ در
 کر چیکہ نگارک رخ الی کلہ بکزر • عاشق نیک نالشی دہ ببلہ بکزر
ذہنی سلطان علمشاہ یانندہ دیوان کتابتن ایدردی بوشوانک در
 نیرم شول بزنی کانک ساغر مہر دی بوق • یا شو گلدن نولور کم مطرب خوش کوی
حرف **الراوی** امی و عامی کسندہ در لطیفی مزبور کفیس کلمتہ قادر در دیوج
 المیش در لکن خلق اچیندہ اشتہاری یوقدر لطیفی بوطلعی ایراد ایشد
 اولہ صفیہ صنفہ کہ دور اندن او کوزور • بمر و بیوفانی دور آندن او کوزور
رانی دیکر استنبول ندر نامی مصطفی در در زری زادہ دیکلمہ مشہور ایدی علونیک
 برادر کمر بیدر مرحوم والاماجدک جن حسن تربیتندہ نشو و نما و مشاعل معارف
 و فضائلک اقباس غر و ضیا ایدو مجالس علوم و افتادہ لریہ مداوم اولمشد
 خدمت شریف نندن ملازم اولمشید والد فردوس مکان دیار عرب رومدہ فی
 و حاکم ایکن خدمت عروض و مکاتبتندہ و ایم و دل و جان ایلد استان ایل
 اشیانندہ خادم اولمشد فن انش و قاعدہ کجی و سجع و تخیل و بالجلہ
 معارف کلیہ و جرمیہ تمام تکمیل ایشید نہال وجود نامدار کلمات اماردہ شہ
 در قرار ایشوب ملازم اولدقندن سنہ سیکڑہ سنیہ احدی و ثمانین و ستمائندہ دیار
 عقبایہ عازم اولد فارسی و ترکی خوب اشعار و بین الناس مقبول و مرغوب گفتار

دارد بر بوری یکی مطالع رنگین و آبسی قرین اول شاعر کافر نیک در

دل طغی غایب او که محکمه ناکهان	دل لدر که جان تو انی ار رفغان
شرازم بزم غده خون اشک چشم پر غم در	غمکله نیکه دلم سورد ک ای شه بوده بر
عجب نازک قلندر در که اول مساقی نیک	مرا حینک یاننده هیچ پیاله اول کویک
ساعده پردغان اول هیاره هید غنای تو	پادشاه در بالمش زر کاره هید غنای تو
عید آمد و از بتان با مانده هم کی	صد هزاران عید من ریش کشت ایمن کی

والد فردوس مکان و بردوی قصیده بلا عنوان اندر

کره کشای سخن و نخل بند علوم	جراغ جمع رسل شمع دوده آدم
خلیفت سیر و یوسف شیم کلیم کلام	حضرت نفا و محمد سنن میا دم
اساس کعبه تقوی در مدینه علم	شعاع نور هدی مهدی سخا و گرم
امام قبله دین حضرت علی جلی	امیر ملک سخن مقتدای ضیر الم
چین که مجلس آجره بحث علم آیت	اقاضل که می بهوت اولور کی ملزم
کور کجه قلم فسلن دیدیکه جگر حیط	بو کجیر در معنی یاننده قطره صبر

فون سعادده دخی زهنی پاک و عظمه دراک جاپک و جان اوغین نامدار در پرتهار ایدی بویر
 خاکه صاخلش کور کجه تیر و ک ای قاشی یا **بانه** یاد اتم دکدی اندن قوپر یا یچ تا
 ره جبار کور دال دیر ز او بدو رقیب **بانه** یا تو سین جا ک ایسید بر چنگله قهر دن رقیب
 رای زه حصار دن نامی عبید اللطیف در بین جمهور صکار رای دیکله مشهور در
 جبر که نظم اشعاره کوشش بسیار ایدر کن کند ویه رای نامیده خط ایسید
 بمیضور اولور د بر وده بعضی مدارس مدرس اولوب بعد ه سمت قضایه رضا
 دیرشید کند و سن زحمت حکومته مبتلا ایند و کندن غیر ی زبرد ستنده اولو
 فقر او صنعای محض وقف و عنین اولور و چون کزل و غیرت اولور و نیا ده جرات

کتمی تا

کتمی تا

کور شید با این جمله اهل سمار و کمالا ایلد انیز و مصفا غایتله خوش قلم سریع دست
 لطیف کاتب ایدی سپهر بو قلمون کبی اشعاری فی کونا کوندر بو مطلعنی غایتده کنورد

کور ملک اولور بجر وصالک قراسی	کسن قرایی سیر ایده سن که قراسی
رشته کبی کور نیور چشم نزارم تاره	دوندی ضعیف سوزن نژکانکله نارتن
روشن اولور تیره کولم یار خندان اولم	مشکل اولور کجیر شمع شبستان اولم

رکب استنبول ندر سنکری زاده دیکله مشهور در علم ادوارده ماهر و
 خلقده ذاکر لک ایلد مذکور و غلبه و غنی مرتب مستحسن و مقبول جمهور در
 حسن صداسی کبی اشعار پر صفاسی بمثل و بی التا در بو مطلع انک در
 دون کجیر کله طلقه ذکره او معلق عاشقانه دونه دونه ایلدی و غیا
رعی کرد و فتناسی کرد فنادن محروسه اولاشهر بر و دندر نامی سیر محمد در
 رحمی غالب لبر رعنا اوغین نخلص بو رایله حسن استقامت کبی شهره دنیا اولور
 هنوز رخ ر رنگین در روی نازنینی خط سیه بدن ده و سرور و عناوت بالا
 باغ لطافت و گلشن ملائکه سر و ازاده ایکن شوه گوش و بوفته ضعیف و زین
 ایدو آوازه نام و نشانی انصاف حسن نظیر ایلد عالم کیر اولشید مرتبی ایجاب
 هنر اولو اذات ستوده سیر مرحوم سکندر جلی مزبور اصف صفا خدمت ابراهیم
 پاشایه تربیه و نهال معارف استمانی اب جود و نوالی ایلد تمیبه ایملک صحبت اصف
 مزبوره داخل و جواز مزبوره و الطفا ناظور کله و اصل و نایل اولشیدی
 تمت و عنایت وزیر مذکور ایلد صبا قران جهان مرحوم سلطان خانک اوغ
 سلطان مصطفی تک سنتی سورنده قصیده دیو اول بادشاه خوبا و سلطان
 مجلس جهانده قصیده بلا عنوان او قومغله امثال واقرائی میاننده ضعیف
 نام و نشان بولد و غندن غیر ی درج دندانی کبی بجد در بیکران و عشا و ایتد

جفادن افزون جوایز و استیابی پایانه مظهر اول و نور و سوس منصفه ^{جلوه کرد} حضور کرده
 اولشید و اول لبر عن مطلوب و بوبنی در انوش اید و دست ساقی انامندان
 پنج دوستگانی نوش ایشیدی بو اعتبار اید کوشش بسیار وسیع بشمار اید و صاحب
 اشتها شاعر نامدار اولشیدی وصیت و صدک و اصل طرف و قطار اول
 غفلت انداز فکر و وار اولشید بعد روزگار روزگار مرتبی رنگ مهر برین
 کاکل دلداری تار و مار و حال عاشق و لیکار کبی پریش روزگار اید و بجه سنگ
 باینی زمین و پستی خار اولد قدح خوار و زار اولوب سپهر پیکر کشتی حالتی عاتق
 الام و ملاصالتشیدی و مانند تاج پراستیاچ باش اوزره بر اینشکن مثال ذر
 خنجر ابقده قلمشید آفرینار کربت و شدت در انشید نکه نهایت حرکتی جلال
 صاحب جلبدی نهی اولد قدح رو وجودی دست ملازمت اید خندان و بی اولوب
 الام بی انجام و رحم سپهرنا فرجام ایلد سنه اربع و سبعین و تسهانی ره یکی شپرد
 یکر می آنچه ایلد سراسر صر فن ایلد کلتان برینه جوان ایز و اوراق شجره برده
 وجود برک رزان کبی ریزان اولد صفا که شعرا رو مک تمام بنامند و بوز مره
 عظامک نایبده فی مندن غلت کشور نیک شیر غزنی و صفا مید انگ مرد کزنی
 شعرا برت شعرا که شاعر آفرین و سکت ادا و لغت معنی جمع اتمیکله بوفوقه
 بی عدیل و قرینی در چونکه حسب حال عشاق اولد اشعاری مشهور اتفاق و رایح طیبیه
 ایست فوایح عود قماری کبی اطراف و اکناف منتشر اوغله منام خلق جها معطر
 قلمدر و افتاب گفتار بخت نصیب میان شیخ و شایده شهر اوغله زوایا و ارکان
 زمان وزمانه منور ایشدر لاجرم بغض حکونه نمونه اولد سودیو اول بلبل گلشن
 سخن و طوطی و شکر شکک بعض اشعار بخت شعاری قلم غیر باره
 بوجریده به نقش و نگار اولدی صغیفه روزگارده یادگار اولد

شاه دهره نول باش اکر سیم دنیا ده ^{سعدی دیوانه کوکل عالم استغنا ده}
 بهار اولد اچکد غنچه لبز سخن کلاره
 تنای وصال اتمیک کل در خوب سوکدن
 و صلا ذوقی دایم دلای وقع روان کز
 کوزی نوری چکر کن چشمه خورشید افلاک
 صغدن کچ بلا ده کم دل شید ایا تور
 جوشه کله کم صبا بیدر رسوم کائنات
 وارفتن دشتن تماشا ایت چوب عبرت کوز
 شاه عالم کله جکر پانی دامانده
 غطر نوره صمک اول سی قدک عذارنده
 بن کلر کل در خاک سرازره فرمادک
 سرای سینه عینکوت عشق تازی در
 وجود عشق جانانیا شویله ناتوان اولد
 در دم غنچه و ش بر خون اولور بیز بیز
 کنار قلمر خنده کویا شاخ مر جاندر
 دکل ای لاله کلشنده کی سرور وان
 مکین صیقل کقشکر اوزره حوالده
 و منظوم شاه و کداسی وارد در اگر چه ترجمه شاه و دروشن اکل در کن
 بحر بغتدن اخراج او نمش لالی مثل کدر منلا جامینک کفین دخی ترجمه ایشدر
رحیمی نامی عبدالرحیم در اول سبب خلص مزبور اختیار ایشدر بابا که نام دین
 محمد علی دیر بر عزیز و جزئیات علومه مشارکتی وارد اشد ایهام جهانی دفع

اینگله

بر موفت او شش اهل حال و صبا بزم کشته ایدی بر سوده ای قلوب بایر طبع ه
 اختیار خدمت شریف بخت بخت زبور ریحی درجه استخدا ده و آل اولاد ه سعادت
 توفیق مزبوره ایس و رفیق او کو عبد المؤمن افندی توبه و انابت و سلسله مرتبه
 تمام اراد ایتمکله کویل طریق تیشدر حسن خط منج تعلیق مالک اولمغین کدیین و عرف
 صبین اید تحصیل کفاف سمتن ساک ایدی حد و در همین ده امر رب العالمین اید کند
 و دعوت اولن جان سلیمان دست ملک الموت تسلیم ایدوب **نشانه**
 دیده دن صمکوزنهان او عازم ملکت جنان اولدی **ترا** اگر چه شعولای اشعار ضیاء
 اشتها را اید جیدان متلائی دکل در کن بعضی اشعار حالن عالی دکل در

صفا کتدی کوکل اینده سینه نک نم فالکله	کل شاد اچلمز سینه ده خار الم قالای
طیانه حسن بی بنیاد و کزای غنچه کوزم	بهرات سکندر نه نشان جاب جم قالای
صه مرآت قلبم تا که خلام نظر غیره	که صورت بر کور نرنا که اولک رانده
اوز تدی شمع شب غم زبانه بخیلین	که دی به سوزدن یانه یانه بخیلین
بو بزم عشق ده خونی جگر طلور زینی	کم اچدی ساقی دیه قانه قانه بخیلین
بو لکده راست رو اولای ای کان ایدوب	انکر بیدی اولکده سیانه بخیلین

رحیق نامی یوسف در استنبول دن قول و غلزلدن یکجری طایفه سنگ موفت کاله
 مشغول ندر بعض معاشی و انام ایلانهای اولدقه علفوس قلع اولوب نال
 نام و نیش کلستان دفتر سلطانیدن قلع اولدقه محمود باشا چارنوسنده عطار
 دکانی اچوب کصیل سبب معاش و زندگانی ایدرد بو حال ایدیکجه سینه نشت و جنین
 بو سمایه ده و دراه عالم فانی ایدوب قیوب کتدی بودگان جهان ساز اشعار
 نطق و بلاغت ریحی ایدملو و اول زنده اداره کاس عرفان اید یاران ساند
 بعضی کلانی متلو ایدی حال اشعار و ابیات بی نام و نشان اولوب جدر آن محل

نیان اولندر کنینه دکان کماکان کشاده کیفیت تراکیب عاقیری حاضر و آماده در بو
 کوکلم هوای یار ایلر پرواز اولدو اوچر
 کرد عوت اول پیری دمی دیو
 کندی طبیب عالم ایکن کور حقیقی
 کو مکنلکله که فرماد ایتدی جکدی زهتی
 لوح دلدله نقش اولنکن خیال زلف یار
 بی قرار ایدن بی آواره کوکلدر بو کون
 اچیلین بر بر حجت روز نیدر برنگار
 کسنگ کورد و کنه راضی دکل جانم سنی

رموزی نامی سلیمان در صوفیه دندر مقدماتی علم سلوک اید و دانشمند اولدقه
 طایفه علییه صوفیه به اقتدا اید و شیخ المرشدین مقتدی الصالحین عالم توحید
 مرد خوش حالی مقتدی صوفیه صوفیه لی بالی افندیک شاعلی اعتبار ساکله راه
 او کوم ساکله اهل عرفان اقتدا و عون نصر تریله کوشه فراتنده نوشته قنایه کف
 قلمتیه قسطنطنیه رحیمیه کلوب جامع و محافده نقل حدیث تفسیر و حد و نظر و ذکر
 مشغول اولمغله کوام الناس یا ننده شهره اولمشید بعضی اصحاب دوله
 انما وانت است ایتمکله مزبوره از با حاجت ذهاب و ایا پیشیوب بابی ضلی بر صبح و
 اولمشید کند و دخی مقام ارشاده کچوب بعضی خانقاها هارده سجاده نشین اولمغله
 کامران و کاتب اولمشید کن مزبوره سندیله و مقول علیه اولما واجب کند فکر
 صحیفه غزندن علی اوغله نذکور کدی ظهیر ماندر اربعین شی اولد اول
 کند و ظاهر شریع شریفی مخالف کفر صریح بعضی شوقیج و قول و قبح صادر و ظاهر
 ضوق اخذدن قبل الماخذ فرار ایدوب بالا فخر ترک دیار ایلدی اول انشاده

دیدگی ترنات و بیدگی مهملات بود رسد کوه دهر مردی برواسم
 در عشقک بن حبیب با بسم ندرسیم حقانی ایلرمان شویله بکر بن انگ اغاسیم
 بو اشعار دخی مزبور ک گفتار نذر نه گونه اید و کی معلوم در

باغ جان بچره دیکلدن قامت بلاکی بن	تور دن بر سر و اولور قهرنده صالحه ساین
بهر حسنک در دیر آما طوما باغجون	ایده بر صورت دگیشور ماه ای دجهی حسن

قلبه دندر نامی نمود در با بعلی دیکله شیره دنیا او شدر او ایل حالنده طالب
 علم و کمال او تو اما مثل و امالی و افاضل و موالی خدمت نایل و آخر حو کتده قدری افندی
 حضرت نیک خدمت و الا قدر رینه و اصل اولاده وزیر اعظم و شیر افخر ستم پاشا
 اول انشاده امیر افورق ایله صقوب مزبور تقسیم ایما و ارکان اسلام و تحقیق افامر
 نواهی ملک سلام و تهذیب اخلاق و تکمیل عراق ایدر استاد پسر داد لازم و کلامه
 مدر افندی مزبور سوق المیش در منلا دخی بر موجب فرمان خدمتده رستین
 اولاد قدر ترک خدمت و زرا اولوک و طریق طایفه علیه نقشبندیه سلوک
 ایلا و حکیم افندی که اودی رقبیه و ترکیه بر تصفیه سی ایلاما بر مواسستده سودا
 دنیایی اخراج ایمکله تصحیح مزاج ایدر دست مبارک کردن سبب نجی قلوب و باعث
 شفا و صدور بر کروب اولان شربت توفیق و عرفان قانون مهور و وزره نوشین
 و کلت جهانده خاتعلقا تدر سر و همی کبی کشیده دامان اولغله دامن سعادتین
 دست توبه و انابت حکم طوقشیدی بعده زما ستم پاشا وزیر اعظم و مدبر امور عالم
 اولاده مزبور حرم حرمه محرم و اموردین و دو و احوال دنیا و اخرتده کنوده
 یار و هدم اتمشید اول همتد صغیر و کبیر و غنی و فقیر باب عالی جنابای مرصع و مایه
 اولوب لطایف استیا و نفایس کتابه خانه سی ولوش و بشمار در هم و دینار و ایل
 عقاره نایل اولغله غنا و سیاردن تمام و ایسن المیشیدی ستم عثمان و ثمانین

و ستمایه ده رقبه اطاعتی رقبه عبودیتیه تشدید و حکیم کردن رعایتی
 طوق قضایه تقبیل و تسلیم ایدر خدمت ملک متعالی جمله امانت تقدیم اتمشدر
 با ما ناه اشعاری و محققانه گفتاری وار در بو اشعار مزبور ک در

قشدر کله ناه حسنک عجب عنوانی دار	سلطنت منشور بیدر طغرای عالیترتخ وار
بنی بجر اودینه بقیدک جهان سوز اولد ایم	بنم دود سیاه سید روز اولدی ایم
بزه او یخوی حرام ایتدی عجب واقعه در	که کورنگ دلز عالم رو یارده دخی
ایتمین فلک دی کرداب صیرتد خلاص	روز کار اککلکدر روز کار اککلکی

رضای نسیم عینتمی لطف من الوصال وصلصال انار و جو سیار الذمن اللذال
 اولو سایر بلد اندن جبال شاهقه و تلال خانچه سی کبی رفیع و معنی و آینه سحر
 غمز داسی مصقل لطف و صفا ایله مصیقل و مجلی اولان حروسه بر و ساد نذر
 نامی عبد الکریم در سلوک طریق علمده حرکتی قدوه اصحاب علوم و افاده مفیدی
 شیخ الاسلام مرحوم جوی زاده ده منتی اولاده جناب پیر خواجه مکارم لردن
 ملازم اولغله کلبتین دل و جان باران لطف و احسن و بهارستان جنابی ششم مکان
 فراوان ایله حاضر و بهی اولمشید مدار عالییه عتلا و مراتب سایه بر ارتقا
 ایدر و پای تختک ایله قدس شریفه قاضی لولو اولاد اضنی مقدمه نقل و سفر اتمشید
 ایکن عالم قدره روان و شهباز روح بر فتوحی شفا سرده ده ایشان
 و کان ذلک فی او اخرتده نفس ثمانین و ستمایه مرحوم مرحوم طریق ملک ضیالی الم کشیده
 و قضا عجم و هموم بی ایجا تک حنت چشیده غیر اقرانله تنور چشیده بر بیان
 و سبقت اشغال ایدر دنک بر ملال شب نهاری ابر بهاری کبی کریان ایدی
 اکثر منصبده غزله بغری خون و فخر و فاقه ایلد ذیل وغبون اولوب ضیالی مغلوک
 مدیون اولمشید بهمان نقلی کند و تمام یار اولغله کما کل دلبران و خاطر هنور
 کی

حال بر سگ نمانده بر تن ایدی این جمله هر چه می نمود معارضه کمالا اید مشهور
 امثال قرآنی ایچره کمال علم و نهایت فضل اید مذکور صحیح آیات و صفای انامده
 رسوم ثنا و نقوش مدح و اطراسی بحر و مسطور در غایتده کثرت طبع لطیف
 کثیر الماوره لذیذ لاسره حلو المکافه لطیف النادم الموعده علی و امرا اید یار غار
 و مقبول جمله صفار و کبار اوشید مرموم مرقوم فضیلت اید سرفراز و کلستان
 بر خصلت اید سروسه کی ممتاز ایدی که اول نرسائل هرگز نرسائل ایتوب را سگ
 جواره مکارم داره سین صرف اید قاعده مکارمه اصل صفر دیوب برین
 صرفه قطعاً التفایم و یاننده ویره یک در هم دریناری اولسه یاننده اول
 یاران و اخوانن فرض اوب بر کی فرض عین و عین فرض یور ایدی چونکه غیر
 و نظیر احوال و اطواری معلوم صغیر و کبیر در بوندن زیاده اطنا و اسباب مرضی و
 مقبول اولی لالتاد کل ذر بنا علیه تحت تطویل دن جانب تقلید تحویل اولدی
 بویر قاج اشعار مزبور کنتایج طبع بر اقتدار مذکور کتوبید اولدی

تفاوت ایتمز اول کل یوز لنگ یاننده نبت	توم بیکه داغی بردان اوزره سینه بک
تولقدن عاشق اولدی اگه هر کل	چمنده کوشنی مدح ایتدی بسیل
یوزنده قل قلله روی سیراق ایشی نشن	نکار ک نقش ایدر ک نقش کور صغ نقاشن
حسته لرینه قرمشن کیی ویر جان اگه	در عشق یار کیم اولکلدر در زمان اگه
دل ازینا غفلت ایتداج کوزک او یار جانک	او یور صحبت ایچره نازلا اولن چشمتک
صنعه او چشدر کویس کوه کوه سور در و نهار	شوق رخسار کله ای کل بقیدی اوجاسن
سورمش خاتینی وار سگس غبار ایچره	باز لرعل ناپ یار خط مشکبار ایچره

رفیق امانیه دندر اهل قلم و خوش نویس خطی کی معارضه کمالاتی دخی نفیس الموعده
 کاتب دیوان او کول سلطان سلیم ماضی زمانده مقبول ارکان اوشید فنون شتی

علی الخصوص دقایق بحر و املا و لطف شروانشاده مقبول مرضی الموعده اولی
 ضعیف مری و مرضی اوشید بعد سیل علت سبدن بنیاد سرای چشمه حلل ایزو
 حوادث و نوازل سواد بصیرت خواب و شبیه چشمی عین سراب ایتیکه کتبتن
 فراغت اید و مقبول منصب تولیت ایتشیدی مرموم و مغنوره کمال باشازاده اولده
 دار الحدیث و لطفاً با یزیدده مدرس اکن مزبور دخی متولی اولن تقریبی اید
 سلوک ایدی مشاعره و محبتده مثلا نکم طریق و هم رفیق او کوا اول گفتیم
 و قدوه ایاک یار غار و صدوق صدیقی و غایتده صیب و تنقیح ایدی فوک
 برش دلف بقیده لطف مضمون و عقاقر نوادر و لطائف دن ترکیب اوشمش
 بر مجون و وارد که کیفیت بو ایراد اولنان ایستادن ظاهر و بدیدار در

بیلر ایدانی جلاد اجل انجی صبر	هر کیمک جانینه تبره لوبکیان برش
ایته دعوی بر سلمان طوب اولدر مک	روی زرد و شب و خدر کت و برمان برش
ادمی اولدر مک دیر کور مک قادر در	راستی نافذ در تن ملکنه فرمان برش

و بعضی ترصیح بندری وارد که غایتده مشهور اولوب مزبور ک جمله معارفدن
 محدود و مذکور در سیر شعاری ساده و کثرت در بو شعر انکدر

ال ایدو اول غنجرخ کلر طقمش باس	کورنه خوبوشون لرقوش کوزلربا
در دمی ای یار دیر دم که یوق بندن	کونکلر دیر دم ولی کوه کلم دخی سند یگان
بانده هر ایچره ای سرو خوا مانم بنم	اولدی بر کره سیک له کم بندن یگان
اولسون سرتک و نه بو جسم ناتوان	قنده سین ای جانک جانی تیش بندن

و بین الناس مشهور ترصیح وارد در بک بو بیدر

بوجیهان بر کعب جهن اولدی	بخش لقر قویان اولدی
رفیق لنگ استنبول قریب اولان قصبه جوریدندر تحصیل کمال عازم اولدقندن	صبره

بر وزیر افندی ن ملازم اولو سمت قضایه طاب و در غیب او کلا لکن صال قضی
المطاب اولیوب بیری و او تو زانچه قاضی ایکن سنه ثلث و ثمانین و شصت و ده
جوار رب عزه انتقال و حلت ایکن مرحوم بهشتی ایل شهری و همصفت مرحوم
مرقوم زانیده الفت اوزره اولغین شعر بلغمه کر چکن دست اورشیدی
نک نکان افتان و خیزان دخل میدان عرفان اولشیدی گوی معارفی بو عرصه
ر بوده ایمکله یانی جوکان انیشیدی نجه زمان والد علی آت خد متند کجه
صفت بریا اولغله اقتباس علی فضائل و اکتب جلال فضائل انیشیدی
علم قلم مشکین رقمی دوشن نشان برعت نشان اوزره دفع ایکنه نصب نفا
وقایع و احوال یوم و امسی منبسط ایدولانی حوادث ایام شته ارقا بلط و
علم احوال و ماجرای تحصیل ایدو بوالله فن تواریخی و محاضراتی دافی تکمیل
بو بر ایکی مطالبه ایدار و اشعار غزلت شعار مزبور ک گفتار نذر

بوظن کی بغیر کی میخه قفر	انجمله ملانی بری بیرینه جعفر
قور قورم کم جوق کور رانی کور زور	چوقدن اولوردم یو کده نیشورم
جوق اچیه باشنه صوقویدی مردم دیدم	ایرینجه بقمفه دیدار دبره بردم
قوی رندانه بچر او سنه تو ز قوندر	یا ریطینی تراش ایلر ایچون طور مز
اولدوخ شانی دیدی بکاخاطر ک کرک	دیدم یا جانم ال یه دلرم ایلای ملک
سن ملک سن افندی قول بئر	عقوقل ایلدیه ذنب اگر
ای ا ه پاره سن کنشی یلدرم سور	اشکم طوشرسه اینکله طکی هر سحر
بغندی قالدی برقل مسکین کدانی کور	زلفک اسیری اولدی دل مبتلا کور

رزی تاجی مصطفی در بروده در هم و دیناری عاشقک اشک چشم خونباری
ودان سنه افکاری کی بجد و بشمار اول اصحاب شروت و سیار و کبار تجار

نامدار دن بر خواجیه بزرگوار ک اولغیدر کمت تحصیل علومه سالک و بازار علم و
بصاحت برعت و سرمایه غلت و جواهر زواهر معارف و نفود واجتاس لطائف مالک
اولو شارح شرعه الاسلام اولو مرحوم سید علی زاده دن ملازم اولو قدن
صکره منصب قضایه راضی اولو غلطه و سایر معظلات قضایه اولشیدی
قاضی مار دین ایکن سو اسده سنه اربع و خمین و شصت و ده بو عالم متضعیف
الارکان و موهبت ال اسد جوار رب کعبه و انکس و نر بنگاه قدس و طهارت
استیناره انتقال ارحال ایشدر مرحوم مرقوم اکثر فضائل و علومه رکتی
وفن شریف عریشه تمام مهارت و ارایدی اوق فرزند ساعی تحصیل معارف
مصر و نظم قصائد و پذیر و اشعار بی نظیره تمام شعوف اولغده زانیده اشعار
اشتهار و میان صغار و کبار ده اعتبار بولشدر اشجار اشعار غزلت مخطورتن
نکات شرح و مخطور و غصه و افنا کلماتدن زین قصه و کلمات غله شکوه
نزاکت مدام منشور اولشدر بو بر ایکی اشعار مرقوم ک رقم زده کلک سحر ایدر

اشیا ندر اکه سناز بضمه در کویا حیا	سکرستاندر بو مجلس ال طوطیدر شراب
ومن الماء کل شی	اولور ز اجمیغه بر دم
کلدی ایب دید کلری بن مستلانک باشنه	دید بصر صاق سنی طور جفا طاشنه
سایه شکلن بفتون یا کجه اندام بنم	طوصان ناز یلای سرو کل اندام بنم
زند اولام نازک کیم رفزی اول نام بنم	هیچ او کور کیم دمانک سری اغز مدن جفته
مقرر یا بیدار اولمز کولکستر یا بلین	صفای خاطر ایلپ بنم ای سنگدل کولک

رزی خلعت و ذرا افاق صبا سریر الوزاره بالا تحقیق و انب عالی سب
مردن و ذرا افاق اولو مرحوم پری باشدر کرسلسله انب عالم و قیل
خریر کامل حائز انواع المکارم و المفاد جامع علم البطن و انظار فضائل انب

مطبعت بی بی
رحمت

تهنشاه دلیرده مقصیرندن غلدر دیوب بو غسنزی دیشیدی
 نجی کرکس ایلم مجب دور فلک
 برایکی دمه یله واردی او تو زیل
 بنی بر اهرنه قلای فلک نمدی اسیر
 قنی اولدک بتم خدمت ایلدی ملک
 نیجه ات نیجه ییک شو یله پیاده قالد
 بنه جک اوسه ایدی سایه سی بیلدی یک
 ایمال اولد پیاده قولک ای شاهسوار
 ات باشن جکرک های دلک های دلک
 سلطان سلیم خان باضی حضرتلی عامه دیار عرب ضمیمه بتمه ملک عثمانی ایند کلنده
 صره امینی او تو چه کسید که بعضی ظرافتت ایله و غیره **نظم** ایلمک معن سین الماس دان
 انکا خیر ایلر اول کعبه صحتی نزد حجج الکلام فایز و سعادت زیارت رو سید انامی
 حایز اولد قدن کوره خروسه بروده قبوله متولسی واستنبولده ایام قنیه توتول
 اولشدر حال کندویه افتت ایل شهرت بولنا بر مسجد شریف و ملازمین ساکنه
 مکن و حجرات بنا ایلشدر حتی حکایت اولور که ذکر اولان عمار بنا اولور کن
 سلطان سلیم اول ارادن مرور و عبور ایله بونجا کیملدر دیو سوال ایلدی که روانی
 بنده کوز کدر دیو جواب ویرد کلنده بنای کلام بود بهر طراصلق ایله و اسکا
 معالیه بویوزدن اسکا هم و میر که فی الواقع جامع ایاصوفیه اعظم جامع ایله
 روشن و لایح در پس بو مقول مساجد جامع اولو سیدله نیشین بنا ایلد
 دکل در مرقوم اکثر وقتده باده نوش و شاد بخت و مدام صهبا عشق جوانان ایل
 مدوش و مست ایلمکن افر عمر نه توبه و انابت ایله و سائر عیش و نوشی شکست
 ایند کله روح روان عالم فانیل ملک جاودانی بر روان او توسته نیشین و تهنشاه
 باجو اکر م و رحمت یزدان بیوت بنا ایلد و مسجد کوه کنده مد فوندر بهاری تاریخی
 دتوسنگ مزارینه یازمش در حقا که تاریخ زبور ایلد که مرده قازمش **نظم**
 چهار سیر طوشت نامی • امیر نظام عینی کم روانی • اجل جامینی چونک نوش قلای

شود کلومک و شویست اولد • ایند روح قد دید تاریخ • جنانده یا کجه جان ایدی روان
 اشکار ساده و کفتر عیش و نوشه متعلق اولد و غندن کشته در خلق
 اراسنده اشتماری اولغین بو مقدر ارا ایل اشقب راولندی
 یاره عرض ایلد یا شتم سیلنی چشم اشکبار
 با که کوز یا شی کر کوز دید لطفدن کنار
 بوللا اوستنده دو شوب تمیزی هر کز افتت
 جام عشقون سنگ کرا اولد مست و خواب
 بنفشه نیچه اچر کولک ای جفا بخت
 اختر ایلد اچلر کلبه اندیش
 در بار اچون غسنزل دیدیلر
 سنگ ایچون قنی کوزل دیدیلر
 شیوه او کیش قر اول هر وبالادن
 باشنه برده کل صوفش تریادن
 شاه عشق برقدح می در بنم باشنده تاج
 کورد مستم دیدمش اچکلک وار کوز کاج
 اغلدر سین خطکی اکر روانی بنده کله
 نم قبر زیر ایلشدر شاه نازک مزاج
 مکه مشرف صره ایله و فخر ایله تمام ایلدی دیو نعت اولدوغی ایامده رطوبت حیدر کعبه
 فضل ایلدی کوز لرینه علت زنده و زجت سبل عارض اولد قد شوادن برسی دیشدر غم
 سلمی نلق میدر بو کم روانی
 او ننگ کعبه به و ادالی صحتی
 در غم کردینو که نقصان کلور
 هلد نیاده ایلد رک ترقی
 ایچو کز قانی بود دور کوزینه
 سنی افر او کوز کعبه صحتی
 روا بو نظر ایلد جو ایلد
 به روا کوره ملر دیر لر
 بال طوقن بر معن بیلر دیر لر
 کعبه بویجه زیارت ایون
 دین و دنیا سنی یار دیر لر
 عشرت نامه اولور کتانی دارد
 طرز مخصوص اوزره در حقا که بر صفت در کبر در مکنون و بر سما طدر که اطلو کونایون
 معارفه فلو و مشون در کائن وجود کاشره نوادر و لطف ایل مالی صلی انواع
 و ذوقدن خالی در بو ایات وصف طعامده اول کتاب غلت نظر ملندر
 ایدر ایل کلبه نول اکر ام
 که چینی نیجه در غایت دکل حاتم
 کرامت ایلدی در ایلک کتابت
 صابر سجاده سین صوا وزره
 اهر لطف غالب یاره دوش
 تکلف سز نیوز دلداره دوش

کور و بجلبده شاد اولدی تیرایی	مغویوب رخصت ایدر طاوق کبابی
اندوز مجلبه جاق بولم اقدام	نیخون بالوده یه کوز دیکدی ایدام

روغی فدی ندر باسنه رونق دیر لر شهر زبورده شهاب الدین پاشا جامعک خطیبی ایدی
نامی محمد و ظلمی رونق و قنات بنایه ایستمتاش و معادل و قهر و رونق ایدی
علوم رکنیه کفیل و طریق معناد کیمیل ایدی و ساسوزاده دن ملازم اولدو
مالک درهم و دینار اوغچون محضیه اختیار ایشیدی حدود سبعینده وفات
ایتمدر اشعار فنانش کندی و دینی لایاها و عاشق نقش کندی ایدی بو شو انکدر
فنا بئیمه سین سال انکدر کم دهر فایندر دیار فزوه سلطان اول کوشش کچ نه ایدر
مواعظ و نصایح متعلق بر کتاب نظم ایتمدر بو بیت اول کتاب ایدر
دیر جهان ز زمه ارغنون ● طوبیطلو در قانی بر اهل درون
روغی در مدینه علم و کمال و چاکیسوار دلدن معارف و فضال شیخ الاسلام میر کمال
و کورام مرحوم و مغفور مفتی علی جلینک فرزند ملک فصالی و نهال و در فضل
کمالی ایدی افتخار عالمیتا جمال بدر منیر و هر جهان کبرکی کمال بوشیکن گرفتار
الام محاق و ذوال اولوغ عشاق و تفکارک جانی ایکن روح روانی عالم قد
روان اولوغ عشاق دلخسته لرینی سجان قودی بوشو انکدر

کوز کول کینه تی جان طوبیطلو کور کسنگ	کون کچی دردی خرقا کورده در ریر کسنگ
--------------------------------------	-------------------------------------

روغی مرحوم شیخ الاسلام مفتی الانام ابو سعود افندیکن خدای حسن اغانک
اوغلیدر حیات رعنائی ریاض ملاحظه کشیده بالا اولاد لر باردون و تن
اعضا ایلر روح کسبم لطف مصور اولاد لر مستشار دندر حق بار در خوب و خوب
مغویوب و بر جوان شهر آشوب ملیح الشکل لطیف الالوب ایدیکه عالم نظیر و تنالی
کک ابر حال و بود در جهان نقش و تمثالی یازلق نومی بیانی کچی محض فیض ایدی

بر سر و کل اندام و برنجینه نازک کفتار و شیرین کلام ایدیکه بلبل کلمات اولاد
شواهد حون کل رعنائی و ثمریان بوستان نظم اولاد بغایر کوی قنات
بلند بالا ایدی عشاق حبت و چالاک ره عشقده بی پاک اولوب روغی فدای
صد سید جانترین اولاد و مع پاکه روان ایدر کن و اول عیسی عالم و مهلتک
کلام جان پرور و ادا لطف کسری نیجه دل مرده عاشق پر ملاتی برده
بر سوز ایلر احیا قیلوب قالب فرسوده لرینه جان ویرر کن **مشیه**

جان ویروب عاتقه اوروح روان	جان ویرر کن یوننده عاشق زار
جاننی ویردی مرکه حیض	خار مرکه ایدی صمیمی افکار

اول لبر بی مانند بی مثل دانمندا ایکن حدود ستین ده مع روحی عالم قد
طیران ایدی و شهباز بلند پرواز جان علویسی ریاض بقاده پرواز کنان اولدی
اشعار صحت دیداری و ملاحظه روی تابرداری کچی لطف و عاری کدر

بنده سین شاه کرم ایتمه یاد	الموزدن نه کلور کوجه نه داد
نوله بد نام حبت اولسم	روصیا باقی قانور چون ایوان

ریاضی ریاض وجود بر صفای دل کریان کچی واسع و پهن و صفای سه غمزدار
رنگ سپهرینیا اولاد شهر استنبولدن قول اولغلرندن در نامی علیدر قره بانی
زاده نک اوغوللق و مرتبایی و اسکندر جلینک پرورده لطف و عطای ایدی
حقا که حاوی معارف کمال و بهی و جامع علوم فطری و کتبی ریاض قلب معارف
ایاتی رشحات بحاب کمال ایلر تازه و تر و دوه دل کجانه ثمار معارف و انوار
لطف ایلر کحضر و منظر فن حکنده و علم همیشه زما و اسطوت جهان
و علم انبده داعی ماهر و با بکل علوم عقلیه و ریاضیه ده عدیل و نظیری نادر ایدی
خدمت و الدرر حمت احتوا زبوری نه ایتده مدح و اطرا اوزره اولوب

بود در ایام که اگر مقارن تربیت و ملک تقویت سلطان بها اولیاد اول فزیده
 زمانه او با غنچه ریب کمان او طریقی بر دفعه طریق علم سلوک اید و فرانت
 اید که صکره سینه طریقت مزبوره به عودت اید و قدوه اصحاب علوم سلطان علی
 الوب و الو و الو و الو جامع فضایل نامحدود و اولاد مرحوم ابو سعید افندی که قدس
 ایزدینکی زهدت تدریس طیف بلا و منصب عین قضا و عتقا اولاد و غنچه عارف
 و عاقبت دنیا و سیرت بهر که بی بقا اید و کینه واقف او و طریقت فرانت اید و حاصل
 و تکمیل کماله صرف بهمت ایشیدی آخر عمر زنده گشته و ائمه زعما مشرف
 اولاد قدسه ریاض جنت و حیاض اخره انتقال و حلت ایلدی کماله منظوم بر سر
 و بیچ مقدار سی ارد در جوق تالیف و تصنیف شروع ایشیدی عمر و ایام و سیرت و فیض
 مهلت و بر ممکن اتمام بولمش در اشعار زنده چند احوال و اول در کتب و احکام
 بوقدر اما اکابر در بر سینه بوقطعه بی ویرمش در

سوال ایدی بوکون بن ذره سینه	معارف اسمانیک تو با سینه
که لطف الله ایدی اولی منجم	معاده غزم اید و تودی معاشی
یا شمدی کم قالویدر بارب شده	رصد بند بجوم قصر کاشی
دیدم ابن عمر له بنده کوزدر	ایکی قالدق جهانده کونی باشی

ریاضی نزاهت و سعاده جان خرد مندان کی خرم و طراوت و لطیفه نیرت
 غای مرغزار ارم صدایق ریاض قلوب اهل عرفان کی مرغوبه لقا قصبه اسکوبندر
 نامی محمد در فارسی دانک ایلد شمره زمان اولاد ریاضی بود در زبان فارسیک
 دقایقه واقف و احوال و مواقع استعماله غار اولد احوال و اولاد اشدن لوق
 اولد و بی نور افتاب علمت ابکی لامع و بارق در اکثر اشعار تجنیس و ایام طریقه
 اولین مصنف و کلامی در فی اول طرز اوزره (انتظام) بولمیش بوقوله سینه زنده غنچه

اوزره او تو هر سورنده نکته و ظرافت مقصدین ایتمکله ارتکاب تکلف و تحمل اندر
 بو حال او طر اشعاری فی ترقی به تحمل اید و تحمل تردد و تحمل کلدر بر هر حال بو اشعار بقال

غوس نو در لای فکر زال کن سیرت	نیچه داماده کنین رام قلمش بریزن
در ونگ ایظم صفا کرس ذوق ایدرسند	عجب بلسم نذدر طینت باکک نون سیرت
دیه خال عذارک فتنه فتنده بکر	قودی بن عاشق دلخسته ده جانایکر
کصوره بن جاگنی اول لبری اب نلال	توری سودا سید باشی بکر عا ندر کز
بکر شوه اب لطفه غرق ایدن کیمدر کز	دریم معرفت جانار ریاضی بنده کز
رهنه چکک می گلگونه سینه دستاری	رندلرا چره ریاضی باشی حق فاسقین
بوزینی اغیاره دک اول معلقا کوستر	اول کونی کافر لره ای لقا کوستر
کوسترم بیکون رفیق بدلقا درمیش	صورتینی انگ اللهم بکفا کوستر مسون

وقف آتار زاری بو سید سلطان بایزید خان زمانده اول شورا ندر مرحوم
 نجایتنگ دونه دونه غزلده نظیره دیشدر نظم کرمی قوجغه اول سیمبری دونه دونه
 در میان ایشیدنجیم وزری دونه دونه **زاری بکر** تو قایتدر غایتده خوشنویس
 و ریاضی ایلد انشمنده کی زمانده جلیس ایشیدی مرحوم ساسو زاده ده انشمنده
 ایکن سرحیل شهید امرحوم سلطان مصطفی به کاتب یو اول اولد و اولد و اولد
 کاران و پر عنوان ایکن مرحوم شهزاده نک فترتی زمانده بی نام و نک اولد
 جان کی نظردن نابید او بنیان اولد بو شهر انگ در

بوکون خورشید شوش کیش او ماهه سیمبر **اوسکف** جمالی شمع تابندن سینه پار بار سیرت او سکف
زاری دیگر استنبولد ندر زاری سوزنی و یکله شهور و شعر اما بنینده سوزن
 اینی ضیالدر بولغله مذکور غایتده می پرست و جام عیش و نوش ایلد ام مسیح ایدی
 اینکام بهارده که ایام کل و مل و زمان غلغل صوت بلبیل در تنا اولد احوال

انکدر

رسا شاعرانه ایام کل کل کی بانه سیرابی المدن قومزایدی
 دلبر اول و کل اچله اچمین کیشی صبر ایدیه بیلی طوطه لم شاعر اولدی
 و ایام صیفده که زمان حرارت هوا و او ان کر میت کر مادر
 خانه آتش بر اعور شنه دلاب صوز رنگ آتشده عجب سب دکلی می ناب
 دیو کانون در نرسده اولان آتش مکنونی سکین ایچون سوز زین می چو ک ایله
 و فصل خوانده که مزاج عالم تب بلا و مرض می عارض اولغور روی ارغوان
 اولو و اندام اشجاره برق دوشدر اوراق کل رعنا پریشان اولدی
 کلفام مدام الده ایلر و برک ریزان ریزان اولورسه جوئی ارغوان سیره
 صلیک دیو ایدی و دم شتاده قلبه آتش بر اعوب حرارت کیفیت می ایله دفع
 برود ایزد عجب حلاله ندر که انده طور میو جام شراب ارغوان در
 ایکن نینه استاد سوزنکر ایدی افقا اشعار مشرق مه مدن طلوع و بروز
 ایتمکین مقبول مطبوع اولد و غنچه غیری پر ملا و پر سوز در سیمان آسمانده ده تنگ
 دهر مزبور ک نقشی کون دیو خاک خجده دده سوزن فنا ایدیا فکر ایدوب
 سوزن اصل الیه دیده حیاتن دکشیدی بو شعر انک در

کوز قاره سین اکیله یویا سین ایزد	تا کم نظری پاک اولد دیداره وارک
کوردکده حظ لعین جان ایتدی شهادت	یوز سوردو کده هر سلیمان قوجی
یار یله کوز نلردیه لر زاری برکون	بوید او خا رر کیشی بی الله او کار خج

می که طقیفات جهان سرور	جانانه هزار زاری در یوز	کنج مینانه جای الکلی
قید دنیا دلابرا شکی	بهواندر الیه سوزان	شیر زبرد طوشور پنج
بر کوزل صلته ابر تنک در	قاری دنیا ده اولغور کنج	ابلهای دکلی فکر طویل
مکره بوروز شش نی	نقد غنچه کلبه بوراری	برایکی جا بله اولور شج

زمین

بخت خاک زمینی غیرت فزای مسکه غیر هوای جان فزاسی وصال مانی کصفا کسر
 اولان شهادت در ندر سلطان سلیم ماضی زمانیک او اخونده انتقال ایدو غرنیک
 زمانی اخوان کشیدی اهل دیار تنگ آتش غزلنه نظیره دمیشدر
 دیدیم نار عذار نده ندر زلف چاینا • دید اول کوز لرم نوری نیچون اولور دقان
 زمینی بود فی ادر نه ندر ادر نده وجود بولاشودن معدود در نانی بود
 اول خلصی سماعی اید ارزو جاه و جلال و هوای مصفا و معال مزبور در انچه
 و غنچه داعی اولغور خدمت شتاده سلطان مصطفی بی سکا اولمشید اخوت
 قتل شتاده ده ارکان دیو کاکل دلبران کبی تار و مار و بریشان اولدنده
 مزبور در خنق نقطه دمان جوان مثال نابید او نهان اولمشید طبعی شوه
 ملایم اولغور نظم اشعار ایداره مداوم ایدی بو شعر انکدر

نکار ک خاطر می اویند بر غبار انج	ینه نینه عالم نماده رنگار انج
بلر که قصه ارزیده انبار کزدور	کورن صانور زمانه سبک او لو کیدر

زمین سعت زمینی بسط زماندن واسح ایدو کی نور افتاب عالم کبی لامع و طبع
 اولو بلدان جهانده اصل الهول اولان شهر استنبولدن نانی خود در زمانده نقش
 ملافتک زمان و زمینی و سپهر حسن و صبا تنگ خورشید چار مینی اوغین هجوم
 اسحق چلبی مرصومک شیفته سی و باش اچ فریفته سی ایدی مولانا ای مزبور حزن
 رحلت ایتدکن صکره طریق علی ترک ایدو سمیت زعامته رغبت ایتدکن حسن
 اهرم سا اولان دلبر بمثال کشف زاده دیکله معرو بر سر و ازاده ایله مابین لر نده
 عشق اربطاط و شیر و شکر کبی ارالر نده الفت و استلا ط اولو بری بریل
 مطایبه لری و ارا ایدی نه کم مزبور تعریض و تلخیص ایلدیمشید زمینی دیدو کون خلصی
 بریم دیکمیدر یوز مرادک نر زمینی دنی تغلیظ و تصریح ایلدیمشید

دکله

عجب اهل سخاسین مثل کشتی اعطای کتیله جهان خلقن طهور دک	
اشعاع جگر کلام موزون موعظه سید بوشو انکدر	
دنیا چنگ تازہ نوب نوبهار اولور	اقنلو یا شکر یروز یام لاله زار اولور
زینتی هوای جانفراسی روز وصال دلبر الکی فیروز اولی شکر سیروز دندر کردی	
خوانی وجودات بینک زینتی اولی اولی اولی علم و معرفت ایله اجداد دل و	
مزین و محلی و اینده کیسه مصقل عرفان و دانش ایله مصقل و محلی ایکن صفت و	
صیف که مال وجود صر صر حواد ایلدی برک و بار او تو کلسا جهانده برقرار و	
برخوردار اولد اگر بو عالم فانیده عمر و عمر بنده بر عالی امتک حسن بر بنده نظر اولد	
کبار شعرا دن اولی کشف و مقرر ایلدی سخن ده دهنند ایکن نلث و ستین و ستیاده ده	
بوستان عمر نیک زینتی و رونق و صفت کجوب با صیانه جوان قایل اولد و کوش	
وجودینه سر منزل عدم محل اولد فوت زینتی مارچ دوشدر	
سینه فو قوتانوب کیرمه حمام اوم بیکر	خلایق کلسا لار ای طونلدی طن ایدوب
اینوب ابر فید ایلر اطل ماه تابانی	سورند که وار و خلوتده صابون اول نور
مد اولدر کینی اهنم شهر اشوب	اولوندا زرو شرا و جذای اولوب
دامن الوده و دستار زینت یقه چاک	قیوکه کلدی یینه زینتی رسوایی
یوزک قراسی کند و کت قانور کجایلا	ایاه قرشو قوم کل اول افتابله
زینتی زینل یا شاد در افتخار عثمان سلطان سلیم خان باضنی تک وزیر اولی عالیت ننددر	
بعض ثقات اعیان دن استماع اولمشید که سلطان مزبور مذکور کجاشنگند کجور اولو	
شعار و نثار طائفه زینا اولان کجی کورده اوردو ایلر نینده کز دور و مینا صغیر	
کیرده سهر المیش مزبور کجی نیا کجی و علم او ایلر ضعیف مناسبتی وار ایلدی	
دور کلاه دو کجوب الدن ایلی لاله تک	ایزم کلشنده ییز بر چیراغی لاله تک

زینب خانوم لطیفی مستطونیه نام سنده مستطونی دیار ننددر بر مرد پسر و کجی دهر

سعد اضری در دیشدر کن عاشق جلی اما سیه لی بر قاضی تک فرزندیدر دهر

والعلم عند الملک العلام بر کجی اقبال و ایلت کتیله الشمس ولا التذکیر فی السلال

بما عیبی اول ایلدی کجی الطاهر طایفه زینان دن محدود و نام جسته فرج کجی جوده

رجالده موجود و کلید اما کطیبه رجال اولی معمار و کمال ایلر محلی و قرین مره

ناقص القصدن ایکن کاملر میا سنده ضعیف کمل و معنون ایلدی و سوس معارف

و کمال اتق اخفا و نقاب احتجاب ایلر محفی و مستور اولوب ککلونه صفت و خط و حال

لظلمه مرغوب منظور جمهور اولعین مطر انظار بر مرد وزن اولمشی مهری ایل

محب و معصوم و ارارنده ساز مطایبه و مشاعره دایر اولو میا ندرنده کجی نام

طایر اولعده چوق لظلمه اولمشی در سلطان محمد خان نامه ترتیب دیوان

المیش در بوغزل مردانه سی بوجوده یه کجی اولندی

کشفات نقاب کجی بری کوی منورایت	بو عالم عناصری فردوس انورایت
درت لبو کجی چو کتور حوض کوشری	عینر صیو کجی چوز بوجیهانی معطرایت
خطک برات یزد صبا یه دیدیکه تیر	دار ملکت خط ایلر جینی مسخرایت
اب حیات اولمیحی قسمت ای کوی کل	بیک یل کرک حفر ایلر سیر کجی
زینب قوسلی زینت دنیا به زن کجی	مردانه وار ساده لاله ترک زبورایت

زینب جلی قید تکلف و تصفون سر و سال ازاده اولو کاینات وجوده حاصل فون

عقل و سداد بر باد داده اولان مشهور افاق کاتب زاده در نامی زینب العالی

اولغده مخلص مزبور کند و تعیین ایشید که کم امضالرنده دیشدر در میت

دعا دولتک بو نینده کجی کجی و خلصک اقتلاه زینب شرطیق سعادت رفیق غلمه

سلوک اندکده اکثر اکابر و اعظم او کینه دیز کجوب بعضی امثال زمانه یه هم زانو اولغده

خدیو معارف و کمال پهلوانی در وزیر کامل العیار بنی پوزه بجای آمده و استفالده
 قال ایچکه کفیل نام نیکو قلمش در باباسی وزیر اعظم محمد یا شانک کاتب سزگی
 امثال و اقراندن تنوق ایدو شواحق مراتب و مناصب تعالی و تسلی ایتمشیدی
 بعده وزیر و سردار عسکر حضرت شعاردلیر موکه ویر بشیه کیر و در اول لالا مصط
 پاشا ایل بابانک حقوق سابقه سی اولغله بخت نمود پاشا مدرکسین است ایچکه
 سایر طلب اول وزیر کامیاب غلو ایدو ضعیف گفت و کوا تمشید بعده وزیر اعظم
 و شیر افخم شجاعت میدانک مرد کز بنی و هیت و صلا بیشه زار نیک شیر
 عزیزی ابوبکر صلا و عمر هایت عثمان حیا و حیدر شجاعت عثمان پاشا حضرت نای
 مدبر دولت عثمانیان اولد قده شرایط حقوق سابقه بی ظاهر و عیا ایدو
 پایه لک ایل قلندر خان مدرکسین است ایلدی صفا که دیوانه بشیر و لای ابالی کردن
 دل و جان قلاده قید تکلیفدن عالی عجایب گفتاری و غزایب شعاری و شرح و بیان
 و تقریر و کزیره صغیر اوضاع و اطواری وارد در جمله دن قادر اولد و بی
 دست جلب و اخذی ایدو کی کند لک احوال و اسباب و عبید و در اول قلیل و کثیر
 مکن اولد در اهرم و ذمانیردن غصبت طریقی ایلد ابوب برالای نای ایل اعظم
 ایچکه کند و بهت سخاوت و بیشر در ایچک لم تزن و لم تصدق بر مضمونند غافل
 عی عطا یا کم از اماک نیست فی استند ذایل اولغله مقابله ایرش و کاتب
 زاده لک تمتمی ایلد کزیر و امکنه علی الخصوص اشعار دلکشانه ضعیف اعتقادی
 وارد در صفا که اشعاری ضعیف شیرین و مرزه دار نقل مجالس و صفار و کبار اولغله
 شهرت شعار ایدو در تحقیق کند و نک مجتبیس نام بر قیزی طوغد قده بوتار بی دیوب
 صحیح الکرانه کلا غیر است و اسباب بوجه الصفا ایلد طوطی در
 کیر فو تکرانوب یا قلوب که کولک نم حضرت پهلوانه ناکه اولاده در شور و کجی

اکیم دریم برین عقلی اکیم دیوانه کو کلوی برز طفل جابه اولار انزور کس
 جو طغوز بوردن سکنی سکنی عشره ذی الحجه ترویه سی کونی طوغدی بر قزم بر زمین
 صفا جوق حمد ایدم بعد این تر وزیر اعظم عثمان پاشا خدمتاری و لای شیر و انچه
 شیری ایل علاوه ممالک عثمانی ایدم که همیشه فتح ایچون دیدو کی ایستمشو مشهور جهان
 اولو سرد دفتر نادره کویان اولاد دیوانه انسان مجتبیس ایتمشید اول ایست بودر
 بو کون میدان زرم بچره سن ایدم که فتح شروا او مارم ایدو سین من بعد زمین ایران و نوب
 زا و تا عشق میزند چنگی چو استادم عجز بچگاه اغار و اعراق نو ادا دم
 فتد در دل هو و صلت اورفت از نایا دهد بندم عزیز و داد شیخ شهر ارشادم
 دعای خیر خواهی مدح شد ایستای ایدم سعادت تجت کل یوم می فرستادم
 حیا جسم زینی جان پاک قالب آدم سعادت ملکنک اسکندری میر سخنذانی
 بعضی اکابر اکبر و دن بصدیق ارسل ایدم که بکنیوب بو یعنی کوندر مشر در
 افندم با که کوندر مشر نقش بر عیب صدیق نه بصدیق نه قوللندق نه طولدر دق نه خود
 آبی قویب اصلا تا شای چون حلقه او او بر سینه بر ایلد قتی کی چلوب صدیق
 یوسف نام بردوستی مزبور دن عاریه بر لست استمده و عیش در
 ای کجی حسن پیغمبران با نجات جان بل یولو که در دکل که بر اریجات
قول السین ساعی نامی عبد الکریم در مردمی جلیبنگ کوچک فرزنداشی در پایا
 علی جلیبی نچه زمان غلطه امینی اولغله امین زاده دیکله مشهور در در مزبور علی جلیبی
 دخی سببه ظفر پناه زمره سنند اهل معرفت و اعجاز و امالی ایلد هم صحبت ایلدی پونه
 دفتر دار مال اولد قدح صیگره تمشید یک ایچو زعمده قانع و فارغ البیلا اولمشیدی
 اولی مزبور صفا تکمیل صفتند داعی او خیرین مرحوم ابو سعود افند نیک مظهر انصاف

لها

الکلی

مطر انوار ذات خورشید صفا اولو اول خدمت پر برکت ملازمت میرا اولاد
 صکره تحصیل فضائیده طی مراحل و قطع منازل ابدی و دولت در واصل و نایل اولاد
 ایکن باد حواد افضایه سرو متمایل وجود است فضایه نایل ابدی ترجمه می تحریر
 اولند قد قضایه فرطوه دن مفصل ابدی حفظ تعلیق کبی اشعار دخی خوب و نازک و
 مرغوب در بوا شعاری نظری بو تذکره به تحریر او همچون بوفقیه ارسال اتمش در
 عزم بوسین در ایسک ذوق و صفا کعبه کون طواف است ساعت
 منور قلد جان بزمن الا بو کج جانانک خدا اککلکن کو ستر مسا اول ماه تا مانک
 اولور ک اغز و ک دل نقطه دیکه طاب افندی جاز اولیدی قضایه اعلا فایف
 آیده بر شنگده اگزودی تا شنگه نو هر ابروی نمک کو کلنده او کاکر
 زلفک التنده عرق ز اولد صند عار دو ستم ناز کلند در بولندن تم قبر

صافی استبولان نامی مصطفی در زلفا سگده مانی ثانی و ثانی مانی ارژنگ نقش و
 تصویر بدارنگ ابصورتان صین نقشه حیران اولو هزار تحسین و صد افرین ایدو
 آثار قلم مونی کورد کده با قالد و خایه صفت برغن ایما کتور در دست بزار است
 رسم صورت هوشان ایلیمه جمله عالم صورت پرست اولو و مجلس زمنده ترتیب و ترتیب
 ایدو کی ساز ز زمین و قدح سیمین سیر ایدند هوش و دست اولور طلب کمال و معرفت
 و تحصیل لوازم بلاهت سعادت و رعایت صنایع تمام مراعی نقش صورت معانی ده ماه مراد
 ایدو ک فحوائی دنیوی او زره رسم و تصویر ایتمک قادر در روزمانده در روز
 بلاهت بر نقش و نگار ایدن شعاری قصا شعاردند شعاری زماندن بعضی هنر و
 یوزندن رنگ ایدو نقش کجشد ایراد موجب اطمن و اکثر در انور چشم
 امید در کسبی تمام و جهد و اقدام ایل کمال استهاری دخی زیاده و اسباب قبول اعتبار
 موضوع و ماده اول بو کتاب اعلی او همچون ارسال ایدو کی اشعار در

ای صفتک بزه جلده طولو جام	اکد کب سالی بی مینه بزودن یکا تمام
زیبا باشد صخره زین اود لبره	خوبان شهر شکله لب دوشدی صخره
سینه حکیم او نازک بدنک سینه سنی	دایه عشقک بو کج تازه لدم بنیه سنی
قوز اول سمیر کافور مرهم جسم افکاره	صخره سینه بی کینه بی خروج در باره
درستی منزله وار مد و همچون تیرک	کجندی انگشتک ای قاضی کمان ز هر کج

ساعتی نامی محمد در انا طول و لا تیند تدر کثیر الریش و کبیر العمامه کل صغیر و مرقع
 لاجل الا کل تغییر شکل ایدن اهل ریانک جلیسی و بر موجب **حافظ**
 و نظاکین جلوه در حجاب منبر میکنند چون خلوت میروند آن کار دیگر میکنند
 تنها عیش و نوشن دم اورن مردان یصفانک انسی ایدی طلائق و غدوت
 بیجا اولد و غندن بازار و غنطنی هر بار گرم و نجیب بولاد د لری اشن بند و نصحت
 ایل نرم ایدو ولایت روم و انا طولی شهر شهر حسیا و هر ولایتک امر او انیسلی
 صحبت ایدرک اما جی و هنر لیا تده تصنیف ایدو کی رساله و مقاله بجد و عدد در ادبی
 موجب نفوت بلکه مورث نکت در حیف اول صوا هر زوا هر اماره که بوقوله
 صرف و ایتار اولنه و مدام او قی و ساعتی بو کونه تر تا تک گذار ایلیمه یا کتوز منک
 حقه ده ایکی بیتدن زیاده مهمک و از در تجاوز الله تعالی سینه
 و حکمی یا سالی تا رحمت نقوش هفواته بوشو انکدر

بزم جانده کاکلک ریخا جیدر سنبل صستر	و در رضا ک طراوت مجلسنده گل صستر
برنخا یا ک غمیل روی زردم وار بنم	برنخا دیور قتیله بندم وار بنم
برنخا ایل جوری ایل آه سردم وار بنم	غنغی برین دیرین بیکر رلودردم وار بنم
بنجیل حکیم محبت عالمنده محنتی	برنظر کوسته مدیحانه روی براصتی
کره دیر در در ک اغله طیبیه ساعتی	غنغی برین اغلم بیکر رلودردم وار بنم

سازگی ساز صفا نظر وجود خاک پاک در نه دن سرشته و صلصال صفا اول شهزاده
 ستوده صفا ملک ارباب ایلد آغشته اوغله بیمازه وجود غمخیزه عالم امکانده دایره
 اول تو اول مدینه بی قرینه تک انالیسی میاننده قرآن علی دیکله شهزاده هر باد می حاضر
 اولش در مطایبا و نوادرده ضعیلی ماه نظیری نادر اهل ساز بر طراز می و
 اشفته سی و صحت انک الفته سی ایدی جنگ مثال قامتی بی لکله دال او لشیک شمشاد
 کبی سرو قدر هوا سی باشند گمشدی و نشا کیفیت شبانک کجست مست خواب کین
 شرب شراب کجستد هنوزی و محبوبه فارغ ابال اولاد و غنیه بویتی شاهد حال در

چنگ خمیده قامته دوندی قدی هنوز	سازگی قودی سازگی الدن سازگی
سیر اولدی سازگی قوم الدن پیالیدی	دوشد غصایه زکس زرین قدح کبسی

طریق منزلده حروف توحی اوزره دیوکه وزمانده هیجا ایجاده خیل نام و نشانی
 اوغله غالب مثال و اقرانی ایدی بیمازه و هودی غمخیزه جهانده سنگه حوادث ایدیه
 و نکسر اوغله بزم حیاته بیخه زمان دایره او تو غایبده عمر اولشیدی فتح قسطنطین
 اول سلطان محمد خان دورینه عشوب مرحوم سلطان سلیم خانک او اول سلطنت
 و فرمان روا سنده و دواع عالم فانی ایدو ساز صفا کسه حیاته شمول فنا شمول
 ما ایلد بر اولو محمود و سرگردان و ترک بزم جهان تمیش در او افریننده بخت صلاح
 رغب و ایتدو کی قبایح معاصی ن تایب هزاره نضریه و زاری ایلد جناب کریم تو آید
 و ایب اولو قبرنی حاضر نیوز قازدرش و مزارینک حوالی سین نمان دام و شفقناو
 ایلد زین ایلدو بو ایساتی سنگ مزارین یازمیش در

ایکچون مزارم اوستنده	بن بو سحر بولور و شوم ایتیم	که کورن صور مدین بلعالم
بو جهان ایچره سیدم ندم	بر بوی سرو شیم بادامک	تغفلوسینه طو کیم کیتیم
یاری عرض ایچکم وار سه بن دیوانه	کور یک بدن بر کینون اولور اول	طامک

اشناک اولوب بنی یاد ایلید دیو کجا | دوستم قان اغلرم کورد کجه هر بیکانه
 ش فلبه دن قصه زهره سندن در بالدر زاده دیکله تهره داور دیار اولون
 فکلی منور اختیاراتیمش در لطیفی مدصده اطرا ایدو ساق مدح و نشا اظناب
 مقال ایلد ظحال قیلوب غم سزل مشهور و مرغوبی انکا منسوب ایتشد

اهل دقت بلوکه مودیدیلر	اغزک انگلی یوقدر اولدی	غنجه ابحار کند لیبی کوزو
قیزقین کلدی بونده بولر	کویمیز ناله ایلد اولدردی	وایلی و ایلی ابوابودیدیلر
کوردیلر سیل اشکک جوشن	قندن اولد بو قنلو سولر	عاشق طردنی تکره سنده

غزل بزبور انکا اسناد ایدو اگر چه مرصفا افندی مرصود اصل ایلد مدعی باشند
 کتورمش در لیکن بالینک بو غزل مشهورینی دخی انکا اسناد ایتیکله دیکو شمشاد
 ایر ادا ایتشد اول غم سزل بودر بیت باغک کلی و سنبل کسر و نغشته سی
 یاری کلورد بو قودیلر کوز جی زکسی غزل بزبور بالینک ایدو کی مشهور و مشهور
ساکی ادر نه لیدر کاه غلطه ده عرب و کاه سیم دیارین اولوب طریق
 مرد ساکی و بو یولده قادر اولد قی نصاب معرفتک ماکی هر شهرک ساکن مخی نیسی
 شاهد شمع شرا یک سوخته پروانه سی ایدی بو شوانک در

یازمیش بی شین نامهر نابه جنگ	راز در و یازمیش اولور یاز جنگ
------------------------------	-------------------------------

سائیلی نامی محمد در روم ایلند بکیشهر دندرقن تصوفه مایل اولو بجایده و حال
 مجرد قال ایلد مطالعه کتب و سائیل علم تو صیده مشغول و مشغول ایدی قرا با دیکله
 معرو اولدو و حال و شیطان بد فعال تفتیش اولند قدده بو فرقه بی کلی خوف
 هر اس غالب و یغین مرحوم ابو سعود افندی کج نصیب ایل استین سرنه وار
 او بو وار و کند و خلص ایتمشید لکن بولت قلمبده بر ایدو و در و ونده
 جایگیر اولد ابحره زردیه دماغنه تاثیر ایتد کده قوای عاقله سینه انکار باطله

۶۷

عارض او تو دار الشفا ده در زنجیر ایلدیر یاراندن بری مزوره اول انشاده
 دیو خطا ایتدکه عاقلانه بویله جواب برمش در بیت دیوانه بخوان مرا بخواری
 دیوانه تویی که نقل دار **س** اول عالمه اقیقت بویوب جناب غزه رحلت ایلدی **بیت**
 قطره سیم اوزره تنگ صندلی ای اش هرازه سیم قبری سر سیر
سپاهی استنبولدن صوبه ناطری اول صاحب ننگ ایلدیر متصرف زعامت جوان
 طریق بلا و تنگ مرد اکاهی وقت فرودت کی رسیده دنی کر چیدن سپاهی در
 اکثر شکاری شراب کلناری وساقی کلهذاری وصف و مدح او بمنین کیفیت
 ملاستدن خانی و عار دکل در بو اشعار انگ گفتار بندر

دل دیر کوی کل از جنان اولدو	میل ایلر که تر شسته جان اولدو
خوابدن خانه لرین چیمک ایتدم خالی	هر کجی خیل خیا لوکه مکان اولدو غمخون
یار دوندر سا بوزین نخت ایلر هوار کل	نجیه دک دونه اوستوم زما اولدو غمخون
با که شویله جیب ایچور شرابی ساقیا	دفع ایدم تا کم غم روز حسابی ساقیا
اب تقوی یور ایتد و کی یوز قاره لرین	روز خشرده صفالینی صفاسن صوفی
ایچسی شرعی دکل اسکدی دیوی نایب	شمدی خلوتده صغر تازه شرابی صوفی

سیر سیزه زار جهانده غایبده مدوح و مقبول اولدو بلدان عالم شش جهات
 مدایح و محاسنی خارج صیغه طنون و مقبول اولاقبه اسلام شهر استنبولدن
 و محلات بر بر کاتندن مجله آجده اولدو داود پاشا کله سندند حافظ کلام
 ملک عظام و تجوید و قرانی مقبول انام المؤمنین امام اولدو شعر و ادب
 ارقام در بر مقدارینه انتظام ویز و ترتیب دیوان ایشدر اکثر کلماتی روی
 مشون کی ساده و طالع ناخردندان کیشاده در بو ابیات مزبور کلماتنددر
 براقدی کلشن ایچینه اوضدی کل بار **س** مدد ایشدره ساقی شراب کلناری

یکم عشقک یانوب کندوزینی خاک ایده	مجم اهل فنا ایچره بولن پاک ایده
دل دین اولدو قدا یولکجه جانده سنگ	ال اجهتو غن ایدن صکره دن اسکر ایده
بند عشقک اولنر بادشاقی استمز	سایه زلفک تر ظل همایی نیلسون

سجودی قلعا دلدنددر یزبان سهام الام و احوانه سینه قلعا ایلدو تیر
 بر تاثیر حوادث ایانه نشان اولمشیکن نشانی صغیر چلیک غوار نشن و احشای نو
 امانی پرور و معاشک تر مروحم پیری پاشانک لطف بیکر ایتد کاتب دیوان اولدو
 بولک کاتبی اولمشید بو سیتله وزیر مرقومدن قلغان دین خراجن طلب ایشدر
 بولکدین قدومی یا کیمی صفا قیلیم چوخ کوندر اوق کیمی شها بنده کی قلغان
 روانی روح سلطه سیم خا برف ردیف بر قصیده ایل مدح ایتد کده برف بر بار
 انکله دل سلطان زرم اولحق اولور دیو سجودی **بیت** دیشدر **نظم** صوق سوزله طولدر
 بشو طولور نیسور روانی **بیت** یوزک طوقندق یر یوق سجودی
 انکون دیدیلر شاکه سجود **بیت** اول ایا میده که قائمی بیکلام اولوب ملک الموت
 المغیجون رکوع وارو تمام احترام ایشیددی عاقبت رو سجودی و حدیث
 تا معدود خاک درگاه چاره زیر جوده سوزو یوزینی اول سجده دن
 فقر صفا و ملا نقش ضیالندن ده اولاش شوارمه سندندر بو اشعار انگ

صنبل بلبل نغمی ای کلهذار اکلرینی	کلشن عشقکده بو فریادوزار اکلرینی
زرقنگده دسیدم مرد ملک ایلدو ای بر	یا شوق اولسو بویشم اشکبار اکلرینی
سلطان سلیمان خان شکر ملک ایران و توران	قصیدین ایتد کده بوتاریخی دیشدر
بطور سن طواری شعی عادل	یول کیر زار لیدو اده ایل
حدودن اندازه دن زبانه	دالام
سجود بار خنده غایت حسن ملک بلدان جهاندن	مستاز کلشن مالک ایران

جهان

و تو را با چوهره سرور و عنایتی جلبدن برافراز او تو اکثر خلقی دقیقه شناس
 و نکته دان اولی قصیده اهدا اندر منظره چارطاق غایت عناصر بحر درو
 ادراک عقل عاشر شهنشاه ز با وجود سلطان سلیمان قن افتاب رخشان و شمس
 نور افشان شیر قین ایتدوی کبی عزم سفر ایتین ایدو تبریزه دارنده
 مرتبی علی و دستگیر فضل اولی صبر عالیقدر قدری افندی منلاً مرقومک
 اهلیت و معارف و کماله قابلیت کوز و لطف عجیب بینک سخا بی ایله کلشن وجود
 سیرا و سیزه زار طبعی باران جو دیگرانی ایله سرسبز و شادای ایدو انوان
 رعنا و عنایت مرقومی دیار روم کتور مشید مرقوم مرقومک تربیت بجدو
 رقومی ایله خاقان منور و مرقومک دفعی معلومی او تو جناب فلک نصایندن
 مأمور اولدی و ترجمه کیمی سعادت ایجاب عتبه سلطنتی و مانند مورچین چاد
 اهدا جناب سلطنتی ایتدکه سلطنت ملک حضرتت کیمی سعادت و اکیر برتایز دولت
 اولی لطف و در افتنه منظر و دیده جانگی جلای ایتد منور اولوب گشت زار
 رجا و کلنتا ایتد سخا و ابر دریا با عطا سید محض و رتبان و قبول قبول سلطنتی
 باغ و راه احوالنه وزان اولغ مقصوب باران لطف و حسن ایتدنه بسین
 و سمانیه ده اجزه عنان صحر مکاشفه دن جمعه اولی سخا و وجودی زویان کارای
 پریشان و مارا ایتد دیدکی کتا و فتنه تاریخ روح پاک سخا بی رحمت
 فارسی و ترکی اشعار مقبول مرغوب گفتاری وارد در بوشو انگذر

غز که خدیگک صنایع چاکیم
 دیل اغیار ذوق و صلی عشاق مجانی
 جنونم مبتلای لطف جانان اولین بلز
 بزم عشقک بر عجب قتلو شربی وار میش
 توره قیتمه صحر کلکه که انک هلاکم
 مکس جلاب آرد پروانه استر نار سورا
 بریشان جلاله حالی بریشان اولین بلز
 کم سر عشاق دن انک صبا بی وار میش

جوئے وصال بچدن پیمانده عمر اولدی
 کوزده سیم اشک سینم اوزره زده انم وار
 اگر چه صبح عینیم شام غم دن تیره در سکن
 حیال شمع خضر رنگه بر روشن چراغ وار

سی برو قریب دن انما طایفه سندندر سلطان سلیم ماضی کت لطفه جلوس ایتد
 زمانه منصب صیادت نایوسل و لوب شاهدان عالم بقایه مانوس اولدی بوشو انگذر
 عیننه المن بتون دنیایی یارم اولسه شهری چوقدن ترک ایدر دم شهر یارم
بحری ادر نه لیدر نامی محمد در کمال پاشا زاده مرقومک ادر نه قاضی بی ایکن بکسند
 کاتب اولو بعده اولی قضاء زمانده کاتب قبایع شرعی و محرز صکو کت و
 اولغدا کاتب لورد عاشق جلی تذکره سنده ضیلم مدح و ثنا ایدو حقه کلی طرا
 ایتد در اشعار سلفدن جنلی یادداشتی وار ایدی که محاسب هم و ضیال عمده
 حصر و تعداد دن بیرون ایلوق محال ایدی و دست خطی ایله اول کتو نو ادر
 و لطف اشعار و حکایات و عمارت یا مژدیکه دیر جریخ ایتد کتایب و سیار ایتد
 دو کتیب و شمار ایتدک محال یوغیدی و خزانه حافظه سنده اول کتو جو امیر زو اهر
 وار ایدیکه الام و کمن عاشق بی صبر و جور و جفا دلبر بیزدن ایتد عینده عاشق
 منوری اسلام بکک اونه دعوت ایدو بولطیه کوندر **نظم** ای کلام یعنی بحر حلال

دیگر انظار امر محال	کلک اسلام بکک اود سنده	اولی عالمک صفا سنده
وقت کلدر زمانوش شراب	بدر یاد در شب مهتاب	ایجه لم جام زور قیچک لم
بحر اندوه و غم دن چشم لم نر بودنی مست شراب بولند قده ایرته سی بوکونه		
جواب یاز و کوندر حسن	ایلمن سن بکم یاز و نامه	کافر عشق دعوت اسلام
شادی بلدم که دوتم یوغیش	بزم صفا لیا قتم یوغیش	بوشو انک در
افتابم دو آینه سوار اول بر کونش	خلق بر شیره اولدی دیسونلر بر کونش	

سحری استبولان قیزی دیکله مشهور ایدی از با قلم واصحاب تم زمره محمد اولوب
 دفتر دار سردر حسیبیه ملایک و اول شرامینی ایکن انکا کتابت ایدر دعیاش
 و قلمش نند و او باش هم می کبی بر آن شرابز اولمزیدی و بیانه نشان یادده نایز
 حرکت قلمز یا قوت رمانی روح ثانی در دیو می اصل فاسز حرکت جواد در کور اولاد
 کی جام و بیاری الدن توین عجب خلد در ایدی زبور حسیبیه دفر اولادده
 بلکده انده ات بازاری امینی اولغله میدان جهانده رخش مراد سوار اولوب
 نطخ فلک و پیاده قلشیکن بر ادانی سورکله فی حال روح فیروزی ظاهر و بیدار
 اولشید اتفاق بر کیم اوده بر جوان کور و شمع مثال اول بر ملای قونینه قون
 صبه دک مرادی اوزره نایل ذوق و وصال اولدده ایرت می جوانک اقای
 که بر برسی افای و عقارب کی زبوره او شوب اولانی کن دریده و دامن اوده
 امیر الامراء طلب شهاب پاشای اولاد او سیر پاشای ایلدو پاشا مرقومک سالک
 الذکر دفتر داره بغض و عداوت اولغله نقد انتقام ایتندی و اشکینه کوی تمجک
 یالان دو گل معنمنی اظهار قلشید عاقبت اول تمت ایل در درمندک معنوه مودنی
 قطع و نال جولتین باغ خلقندن طلع ایلدی عجایب حالات و غرایب اتفاق ایدر
 که قیزی دیکله مشهور اولوب نام رجوریتی بر مقدار نقصان اوزره ایکن معنوه مودنی
 قطع اولغله اول حالتدن با کله حومان اوزره اولدی سحرنگ حادثه سی
 اسماء اولدده شکر بوتاری دیشدر و ایلی قیزی اولدی خادمه نیشاری
 صلال اولاشور شیرین مقال نذر علی مخصوص تاریخ ده هکتار و بو طرز مخصوصه
 شرفی و ارایدی قندی شرفت اندکده دیشدر و اه صیفا قندی رحلت ایلدی
 و رستم پاشانک تکرار وزارتند دیشدر و صف سلطان سلیمان کلدی کدی بیرینه
 وزیر مرقومک برادر قبول انسان پاشانک وفاتنه بوتاریخی ایسبگی خود بر

دیر اتر فناء فلک تنی	نوع دافی اولور شیب	ارغین دم چکله تنک اصل
قطره جگلیه انکا عمان	یوسف ثانی اید اصبا	کور نورده عدو کوزینه نشان
سحر یا کل دعا خیر ایدر	روح یا کینی شاد ایدر	مانف غیب ایدی تاریخن

طلیدی حجت دگیرینه قون انرا سحر جلی مرقومک تمام کاشیفند دیشدر در صرا
 اللک نینه مشقی قلمچکیده اسحق وزیر اعظم اولان رستم پاشا مغزول اولدده قزدا
 نبود انزبور و بنا امینی حسیبیه غزل اولدده بوقطعه غزاسی استان اولشیدی
 بری اودن بر انکله قون بونری صمنسن کیدر قون غزل اولدده نوله این بن
 یا یوطاشی قلمور بیج یا پودن

ای سترم جسم سراسر تازه داغ اولسون	بر ایا تور دیسور قمر اطرافنی جرائع
جهانده سیندی او سنده هر کم بر جوان	دمی ذوق و صفایله کوجان اوزره
شوخ شنگل زنگلر زنده دلبر دیشدر	باشی او سنده انک ساقی عرقینی صبا
زنده فی هوا سیل حرارت کب ایدر	سحر یا صند صبا اولان عرق دو کدی شرا
ایت حسنگ او قوناسو دیو جان غلط	یا زدی قدر کاهتی ابرو کی مد خالک نطق

سرور اولاد - عجز ندر سلطان سلیم ماضی زمانده فوت اولوب بود دنیا تک سروری
 عین سرور در دیو عقیده سرور اولوق تصدیله سرور بر مش در و بو عالم فناء
 اولغله مراد حقیقیه بر ایشدر اگر چه اشعار بیشتر در لایق قبول بعضی مطایع واردر
 دیده بر نمده خالک عکسی ای ارام جان • مسکه بکر کم قول والاده اولشدر نهان
سرور نامی مصطفی در کلید بیدر با مالدار بر خواجه بزرگوار ایدی کیری
 دو کنگه امکان اوسه جوهر زواهری تقصیر و تغیر بو لمزیدی و برضا شرفت
 مالک دنیا بسیار ایدیکه کاسه عمان بولوق قابل الهم مال فراوان نقص پذیر و
 اچسی اشک عاشق صادق افزون دنیاری دایه سینیه ولفکاران کصدو

بیرون آید و خواهی زبور صد وجود نده بردانه اولاد در دانه می که دیده عمر دیده
نوری و سینه بر سینه سنگ بروری ایدی تربیت و تقویت شده جان ارید
تحصیل علم و کمال آید رکنه بذل محمود و ایشا مال نامحدود و ایشیدی مولانا
مرفوع تکمیل فضایل و علوم آید که صبر کرده عقد حال و قلاده احوالی رسته انتظام
ایده ملت قلب و اشتات ایشا علمی کما یفنی مستظم اولاد قد صبر کرده می الدین آفندی
ملازم اولو طریقی مدرس لک و عازم اولشید بعد سرد فتر اکابر و اعانای
فهرست مجموعه اشفاق و ارام وزیر بر عالی و مکارم مرحوم قاسم پاشا مروری
اولین حالا وزیر رتبه انتب ایله معروف شیخ و شایع لان مدرس بنا کرد
افاده علوم اولین و آخرین ایچون مولانا زبور تعین ایشیدر مولانا زبور
مدرس مرفوعه تسلیم علم و کمال ملازم و افاده اصناف فنون و فضائل مواب
ایک عیسی کردار جرد اولشده قطع علایق و عوائق آن اولور دیو جمله مالکنی بازار
جهانده زاد ایشکلا ایشا و اموال تار و مار ایدو موتو قبل ان تونوا معنایین
اشکار و عیان ایشیدی اخلاص شام جانینه تجرد لصلت یکنند رواج در
وزان اولوب مناصب اعتباریه دن قطع رجا و اید ایشیدی و خانقاه حضرت امیر
بخاریک شیخ بزرگوار عبید اللطیف افندی به رید اولشید قاسم پاشا ده ای
یابنده مسجد بنا ایدو اوقاف ده عباد و ایام در سده عادت معتاد اوزره
ارباب استفاده افاده یه مداو اوزره اولو سرور و صفای ایلحرم و شب
روز اصحاب صلاح و فلاح ایل ایشید و ایدم کند و باشه سلطان عالم بلکه کنج
استغنا ده بی پروا شاه عالم کلمه حکیم بانی دامانیه معنی روشن و بود
اولو ایشا جاه و جلال خاکبگی کییا متالنه رو عیال ایل اظهار اعظام و اقبال
ایکن اخراج من تصدیقین قباچه فو اسی اوزره کند و بی قیاس ریاست

جاهد اقا ایلد یوسف مثال خوبس چاه اولشید و هوای لغتس و فزای تزهاده
شهباز بلند پرواز اولو عالم روحانیتدن طیران اوزره اولو منازل و صلا
سیران ایدر کن لاشه لاشی دنیا میل و می با ایل حسیض طبیعت و ما بطرذ
ارامگاه قلشید صیف و صیف که جان علوی متعلق منابر عرش ایکن سکن منازل
فرش اولو رفعتده ایکن منزل عزتده ایکن تذلل ایشیدی کلتا جهانده سرو مثل
کنیده دامان ایکن ایانی باغده و تذر و تمتی صحرای کون و مکاندن رسیده اولشده
فایز البال ایکن دانه و دام ارش و مراتب و مناصب دروز اغده اولو مولانا
عباس مکه مشرف ده می و رایکن زبور طعن کونه بعضی اشعار ایل بنید و ستا سن
اشعار قلشید اول بودر ای سدره شین عرش راز و طایر قدس عالم راز
تمامی انت الله تعالی رجه عبارده ذکر اولو القصة شتراده سلطان مصطفی
خواجغه دلت اولند قدده دعوت اجاب ایلد که خدمت تعلیمی قبول ایدو عالم
ایکن کند و سنی قول ایلدی بعد شتراده نک فلک وجود غرق با کردان فنا کشتی صیغ
صبر کما ایل غریقی عمان عنا اولو خاقان صاحب قران مرحوم سلطان بی خان
شتراده مزبور سخیل کرده شهیدان ایشید که مزبور کدخی اوضای و اطوار ندن
رنجور و نفور اولغیس سرور غمه سبدل و صفا و صفت الام موفوره کول اولوب
فوق و فایده ایلد ایل اولشید طغوز بلایی و لیلیه کینوب مها نخانه دنیاده عالم
شالینه سوره کشاده و مهر و ماه کبی قرص تابانی آئیده و زونده بی شوری روز
آماده اولو بی در همکدن غنچه مثال در هم اویشکن بر کبی فی الضمیرین اظهار
ایتمیوب راز در و نشدن اغراج ایدی و بر ک جبار کی الی بوفقه ایکن سینه
ظلم وجوده التی ایدناه سایه انداز ایدی چونکه بو خاکدان صیرت و کنک
خسته عایتده اضطرار اوزره اولو شجره معاد شجره عیاص صبر بری ایل

بر انکس اولشید فائده هر بار انتظار او زره آید آخرش تسبیح و تسبیح
 غلام فسادن ترک دیار ایکنه اعلیٰ علیین ده قرار ایلدی عجب و ترکی تصنیف
 چوقدر مشهور و بوستان و دیوان حافظه عربی شری دارد در کجه مرهونک
 مؤلفه عوام یاننده مقبول مرعوبدر لکن فارسی ان و اهل عرفان اولاد
 عالی محقق و محبوب دکل در زبان فارسینگ دقائق نکات و خرد و امثال و
 استعمال آنده بحر بی ظاهر اولد و غنندن غیر شرح لغت ده فی عاچه و صحر ایلدی و
 روشن و باهر در زبان ترکیده اشعاری دافی و اثر بیرون مرتبه حصر هر در
 اوج دیوانه وارد در بو اشعار مزبور ک گفتار ننددر

بوسکه جان ویرین ویرد بوسکه جان	معنیده ای عجب لب او پدم لبو که رایگان
دل انکس و دواندن جهان ایدر	یاری بی اغیار ایلد کورد کورد عار ایدر
دوشده دانی کورسون بنم مشم دیو	نقصه بجز آنکه خلقی او به بیدار ایدر
دیدیلر تاثیر ایدر اسمی مساده ولی	ای سرور کور مردم عالمه فندان اولدوغم

سرو ولایت مجیده بود در نام قصه دندر سرور عتباتی قاسمی بالا اومنین
 فخر بوز است ز تمیز در مطلع انکدر بت شول عرفکم اولکل اندامک تکلفندن جعفر
 سلبیک عینی در فردوس باغندن جعفر **سری** هوای جان فراموشی وار مرده دلکس
 احیا ایدو ساهه لطف صحنی مجلای وارد آ سرور و صف اولاد شهر
 اطوار کیچر وارد در دندر نامی عیسی در مرصوم شاه افندینک مجلس افاده
 مداوم و ملازم اوغله خدمت برضیکندن ملازم اولمش در طریق علمه ساک
 و مضاب فضل مالک معارف و فضائل ایلدی محلی و آینه سینه سی صیقل علم و کمال ایلدی
 مجلسی در روزم ایلنده کنار درده مدرس و بنای برای کمالی کوشش و اشتغال در مصنف
 اولد قدن که طریقی تصفییه رضا ویرد با بایان کمال و حال انگیز ایاتی وارد در

بوجه جمیل بی ترتیب و ترتیب بی چون بو اشعار بی نظیر و قرینی تحریر و سطر اولدی

نه حالک انصاف قدر نه صبره طاقت دار	افندی صل مکر زیاده صبرت وار
ادملر اولدورر کوزکای شوخ شیوه کار	دیر بر سره وجهی وار سخا شنباز جان
که بیخ غمزه ایلد که بیخ جو کلا ایلد	قیردی کجوردی خلقی قیما اوغزه کار
خطوب عذار جانانه	یازدی بر صایه گلستانه
بکره مزنی یکی مسلمانه	سند همدن زیاده رقی
قدیمی زیاده ایچیمین	صالی اور تیق تما شایق
سریا ایچتی اولابا باقی	سولدر راز عشقی برر

بهار اولد ز نامشدهی کنار جو بیار کدر	بنم سرور و انم حاصلی عالم کنار کدر
با کدر آینه وش رنگ صمدن کسمن	جلوه گاه شاهد مقصود در آینه مز
بز معارف کایتوز نقصان پذیر اولدی کل	خود اسرافند از تریزم کجین مز

سری هوای فرخ فرا وترج زد اسی دافع غموم و غزن اولاد بلده ارم بنیان
 شرط ایزنددر نامی مجدد در مظنر تری دیکله فتنه مرد در معارف و هنر در کتایبده
 رایج و ما و قلم مثال هر کونه قطعی بز معنه قادر ایدی پادشاهنر حاکم ملک
 داد و وارث سلطنت کجسرو و کقیب حضرت لطف مراد ادم الله تعالی ملک الی
 یوم آلتن دشمنزاده ایکن آستان فلک نهادرینه یوز سور و طلقه شان باب
 دایم و قیوم سعادت وارد ذات جلا اطوار لرینه ملازم اولشید و صوبه سدا اولدی
 کلش سلطنتی ارم ذات العباد ایلدی کرای آیامده بله کلوب کاتب دیوان اولشید
 بر عنوان اولشید جوق زان کجکین بو فکر و فن دن کوجوب منزل بقاده مقام
 و کوشه ارمه ارام ایلدی کتی خوب اشعار و سر و حالدن فی کتی و ادر
 اگر بقدر ارم دن بهره دار اولومضار عیالنده حایز قصب السبق اولاد وجود

۱۲۲

سیر

بوی...

تج بی درینج اجل ای قلم مثال بریده سراویسیه و بوجوه عناصر ده مطلع صیاتی
 بر زمان بقطع مایه اریسیدی کر چکن بر شها و نامدار شاعر پرا تا را و لوردی
 بویر یکی اشعار مملکت و تار انار کلک سحار و قلم در رباری در

قنی خاک رنک اهل بر باد آید و کم دملر	اکثر می سر کوبیده فریاد آید و کم دملر
کوزده اوچ اوکد سن تذر شوکاه	دادم مرغ جانان از آید و کم دملر
اقرجوی شکریم بیت دیو یک اکلج	طوفانیند چشم لعلکی یاد آید و کم دملر
رنک رواوسه اگر مایه ای نجه دهن	بکزه در دم رخ رنگینک مہا اکمن
نہا چشم و چراغ عالم نور بصر سن	نظیر کوردم بر مردم صاف نظر سن
کوزون ناتوانک چ لطفایت ای بزی	سنی کورسم وجودم طوا اولور کین بقر سن
استان خیره یوز سورم قیکون کور سر لر	دوغرم یونگده اولگون اگر اولد لر

جم سعدیسی بیکله مشهور در شترزاده سلطان محمد مصعب و همدم و حرم سرای سرای
 تمام حرم ایدی حتی حکایت اولنور که حکام دست و عزت و ایام سعادت و جلالنده
 رکاب اسب ذات ملک خصلت مبدوم و جاز و دوش خدمتده میا بست و ملازم اولوب
 اول شهر با سئوده اطوار کبایر عار و فلک فلاکت و کشتی و محنته سوار اولدنده
 دخی انیس غلگه اول شید اول انشاده اتفاق اید کشتی و غزنی دیار فرنگستان
 سالونیم زمان اول ایمانده نکر اقی بر قشیدی اخوالا مرقوم شترزاده ننگ اید
 تبدیل صورت و کویلت سیر اندی و جتس اخبار و کدس اطوار ای کون دیار رو
 عود آیتدگده جزیره رود کد آیدین ایلینه چتوب کوند زین اصحاب کشف کبی
 غارده مفر و کیم ایماه سریع التیر کبی سفر اید و کلور کن عیاران جهان بزرگ
 طار لر زبوره دهری دو شوب بر صورتیله مذکور نقشنی چقر مغد شترزاده
 برای کسی کف کاده دو شیر و بر لای غماز فسون سارنسک شکاری کبی زنده طوبی کور

حیدر ایل میدان چقر دیدر القعه عاشق نال کبی رازنهانی اشکار و عیا اولوب
 عاقبت طشت اوز بام افتاد ان کد پیش خاص و عام افتاد
 کلاب عوانی یار جان دیوا اول یار جان مقید و مغلول اصحاب کفایت موصو اینک
 دریای غضب خاقانی جوش و تان بتر کفایت باد غنیمت اعدا ایلد خروش ایلد اول
 صف در شرفی دریای صالر لر و اول شتا و رکال و هنری دریادل اولد و غنچون
 دگره اتر لر وصف شرا بده اول اشعاری رنگین و حالت انگیز سایر
 گفتاری دخی می ناب کبی صفا امیز در بو اشعار انک گفتار بند در

ماشا کاه عشاقه جمالک کبی با اولمز	بوروشن در که عالمده کوزه هرگز
وازل کلام ای صتم ساکه هوادار اولد	کل یوز کون هر کج بیل کبی زار اولدن
بن الم چکدم غم سودای زلفکون سنک	چونکه سن ای یکد کغیار لر یار اولد

پوش نامه دخی انک هر بایند	کسور شش شو یا قوت دانی	نه یا قوت روا قوت دانی
نصهار ملتینک تنده جان	ارطونده مینده روح	سعد مرحوم تاج زاده صفیر

چلبینگ برادری در معارف و کالانده برادرینه شارک و هم بلک علم عقیده
 زیاده اید و کی صحیح و سلم در اگر چه جعفر چلبینگ انشاسی عوام پسند اولد
 طومشدر لکن مزبور کانت منشیانه و استادانه اید و کی اهل عرفان
 یاران و روشن و اشکار در حکایت اولنور که برادری جعفر چلبی قتل اولدنده
 دیوان سلطانین مین الدوغی زمانده اتش مصیبت برادر ایلد پر اذرا
 پادشاه جم جتشت دشنام اید و بد دعا کونه بعضی کلام آید و کی سمع شاه اتان
 و اصل اولد قده نایره غضب کفایت تکرار شعل و آثار قهر مانی کند و
 منتقل اولوق فونیله معوم و شکو بستی لای بسا اخوان و کروب بک در فستان
 کبی برنده لرزان و تیغ سینه خاقان کند و ننگ قاره میره قان روان

جسم زرد قامی بسلا مرض یرقان اولو حاسی نقلتمش محمود کی مترقبه منظر
 واجلی تیش مدیون کی دق بابدن مشالم و متکدر طور برکن سلطان مصره آرل
 نامه لازم کلوب سلطان ملک نامد مرحوم جعفر جلایی یاد ایدو اگر مرحوم صانع
 اولید بوامر کفایتی انک دست برت اینه والسته و ریاحین بکانت
 رشتی سیاق قلامی ایله نوره اولوق مقرر ایدی دیو بیورد قلنده
 حضرت و حرمان حلوتدن بعضی حاله نداشتی صحن مدرس اولو سعیدی جلایی
 میدان بلنگ مرد چا پکسواری و توفیقیت و برکتک امثال او انک
 سابق مضاری اولدوغی ارباب جبر و اصحاب فضلک ضمیریه مستر و موار
 دکدر دید کلنده فی الحال عتبه فلک مشاله صرا و لسو دیو زمان قضا جریان
 صادر اولو مزبوره دعوت ایکن چاوش وارد قده اول سلطان غصنف
 هیسنگ دریای قزوین و سطوی جوش ایدی دیو خوندن تجدید و ضوئ و تالید
 وصیت و سایر لوازم انتقال و حلقی برینه کتور و غایت اضطراب ایله طبعیده
 دل و التماس الامم بی بله میخرو و لعل خورشید و دلان افغان
 کنان غمه تحمل بغلیوب آستان دولت اشیا نسلطنه وار و منتظر زمان ایکن
 جناب خان سکندر عنواندن تسوید مکتوب ایله مامور اولدو قد صر و مرفور
 و صورتنا محصور ایله اوینه کلوب اول کجه افکار بشار ایله بانند کوم صباحک
 بیدار اولغده تیشه اندیشه ایله کان افکار قازونچی جو اهر بر اعتبار ایدو
 اظهار قلمشید و دریای بلای و نصیحت نو اقلق کلمه نی لالی شاهواری
 اکتور مشیدی علی الصیاح که کاتبه تقدیر سواد شب تازی بیاض نهاره
 جیقرو ب سوده طلای بر نور قلمشیدی و شاه انجم هشتم سپهر دور اطراف
 اکنه برید صفانوی انوار ایله ارسال مشور ایتیدی جناب شهنشاهی

تغییر

مقبول و مری و شوب مدرسه او تو ز او تو ز اقی ترقی و او تو ز بیگ اچی و سبور
 کور کلی صوبه جریزه و برادر و مرحوم علی پاشایه یازدوغی و فقه غایتده نظر
 و افتاب فلک ایشر کی عالم کیر در سلفیه عرب اوزره اشعار عربیه و قصاید
 بلغیه سی وارد در ترکی اشعاری مشهور دکل در مطلع انک در
 یارب نو کیم عالم ایکنده دل | باری اولور سه مهر کوز له مایل او
 عاشق حلی بویا کی مدنی غلط ایدو مزبوره اسناد ایشدر معنی اولو سعید
 عالمه طولدی متر یک بن داو | آه کم بن بنده بر دم تمدن از اداو دم
 بن نچالم عروخت و دوتدن مراد | ایکی قاضی عسکر کیرینه داماد اولدم
سعد صاحب تصنیف فایده و مؤلف حواشی رایقه مفاخرات سوده
 انواع معارف و احصا کمالا تدن مترشح و اطوار بزرگواری محاسن جمیل
 و مکارم جزیه ایله متوشح مفتی الانام شیخ الاسلام کشف المشکلات حلل
 المعضلات اجلاء علماء اعلام و اغرّه فضل کرامت یکانه سی و نطق معارف
 و فضایل و میدان کمال و فواضلک فزانه سی اولو مرحوم سعیدی افسند
 فلک حواله بردخی نظیری کلک امر حال و اینده ضیالان لده عدیل و تنالی نمایان
 اولوق محض ضیال در بر مثل او در برها ندید کسی ورتو کونی که هست مان بنهای
 اشجار اقلام مشکین ارقاب خورده جو بسیار توفیق الهی اولغده ثمره فضایل
 و بهره علم و کمال ایله بارور اولشدر و سیب طبع نراکت نصبا اجداد کده
 بحار عنایت نامتنامی اولغده کلتان ملک و ملت امکله حضرت اولشدر اول کبر معانی
 فضایل و مکارم مرحوم محشی و مؤلف منلا سامسون زاده دن ملازم اولشدر
 لکن کمال پشاده مرحوم کذنی تمیز خلص و شاکر در اختصاصی ایدی مرحوم
 جانب دار کسلا خوام ایتد که برینه مفتی انام اولشدر مولانای مزبور دن

المولی سعیدی حلی محشی
 التفسیر النصاب

مرحوم کمال پاشا زاده کت زینیه رونما ده اولونمادی سعادت مبادی ارجعی
 ذات قدسی نادرین حظایر آن دعوت ایدو فرما و جب الادعای فاضلی ایجاب دار
 اتم جلت ایتدکه منصب فتوی مخلول اولوزینه قاضی عسکر کنگ سوزول اولنا
 عبدالواسع جلی اولق خلق ایتدکه شایع ایدی بن منصب فتوادرن مایوس و غموم
 عزال اید مائوس ایدم کجه واقعه کورددم بر سر روشن ضمیر بوبیت پر تاثیر اوتوبه
 بکافطه ایدر نظم نق بالک المسبب الاسباب الرزق اذا اتاک ذق الی با
 علی الصباح که سلطان جارباشد دوران صنی افتاب المصاب نور افشاندن
 خانه آسمان دککت عالیشان اوتورد بر جوشن برق کردار و برید نوید صبا
 رفتار مرده فتوایی کتورد صحیح مدرسی ایکن استنبول قاضی سی اولون سول
 شهرزورده قاضی اولوب کافه انام احکام بر احکام و افعال حبه فرجاندن
 راضی ایدی صفا که مرحوم مرقوم میر اولان لطف بقیر و وجار شکریر قابل توفیر
 و ممکن نظیر دکل اید وکی نور افتاب کی شهیر معلوم و رسوم صغیر و کبیر در
 تفسیر قاضی و شرح هدایه اکل الدینه اولان حاشیه دقایق غامضه کبیر غیر
 مالک اولدوغی کتاب بجد و صبا ک حوائسی دست خطی ایلد حشی و صحیح و کردن و
 کوش ایام قتلید و فراید اقلام مشکین ارقالیه حلی و متوجه در بعد سینه ارمین
 و سهارده مفتی انام و میز حلال و حرام اوتوننه شمس در ارمین و سهارده کت
 کبیر کونی کوب سعده صبا غارب و افل و کار بان اجل ایلد منزل بقایه و اصل اولد
 مرحوم عاشق حلی فقرات تمیداد یو تاریخ دیدند قند نیک طوطی و طبع کت
 بوکوز کویا اولد بقایه جلدی سعادتین ثانی **تذکره** تاریخ مرزور میان
 جمهوره مقبول منظور اولغله معروف و مشهور در رکن کبیر کلمه سی و اولد کت
 و مرقوم اولغله مدخول منظور اولدوغی اصحاب جبرت و شعوره حقی و مسور

اگر کبیر اولور بی یا اولد و غنک عیبی روشن و هویدا در مرحوم مرقوم
 سایر معارف و فضایلند فضل لطیف اشعاری و مقبول طبایع مطالع ایدر
 وارد برور اکی اشعار و ابیات اولد استوده صفات کت اقلام ایلد ایت و فضیلت

او یکد استدکم موزه سینک کبیر	بیریش قویره مزا کاد مر کبیر
مریض فانیه دار التشفای لعلکدن	جواب فی ایلد و بر شراب دیناری
روشن قلاجه بو کون حسن ماسید	مفتون ایدن بو کون کلمی چشم سیاه

مولانا عباک بوشو عباک اشعار دیوب ک نظیره دیرمه اوج و پره این دیوب
 بلا خنده چاکسوار میدان عرفان اولنره ات صالدقه و شدر
 نصحنده نرادان معارف اولان یارانہ دا و اتدقه
 نقش ایدن حقی هلالی طاق مینا او کوردم ابروین اول ابروی کرا او سینه
 سرخوشی ایلدیکله مشهور اولد جوهری افندی نظیره دیوب فتی سی ارج و
 اولی در دیو حضرت منلادن استفتا اولدندقه دیشدر
 زید عرشوی ایلد فاید رسد و وار حسن نظیر دال در ایتد وکی دعوا او سینه
 برد دفعه فی سحر مر جانله شیر خوریم کت نفیسی افضل در دیو سوال اولدندقه دیشدر
 یسر و مرجان دکل وسیله رب یوری اخلاص درین ایلد طلب
سعد اول ذات سیادت صفاتک نام المجدی و انیم سعوی محمد در ادره قصه
 متقاعد اولد امیر حسن افند نیک فرزند فضائل سننی در کشف مشکات حقایق
 خلال معصلا دقایق قدوة الاکابر و الاعظم استاد و استاد الانام مرحوم
 ابو سعود افندیون ملازم اولغله مخلص مزبوری کند و لرینه شعار و در تاریخ
 صفا که بر ذرات شریف و وجود نظیف و لطیفه کت فضائل و کمال ایلد کما یمنع من
 و حلی ایینه سینه بر کینه سی معصلا حسن صفاتک علی ما هو الا حوی معصلا و بی اولو

مک زاده دیکله عیدتال شهره زمان ایدی مرحوم صاحب افندی که استمد و
 صاحب حسن خط و جملی اوغین منصب نایب و کاتبی اولورد و ایما
 دبران کبی شوریده و مثال قلبتال هر زمان عشق پیشه و سرکار دن هرگز خبر
 اولمیه حال و مال و روزگار دن بی فکر و اندیشه ایدی او استوزده او توز
 بیک ایله قاضی ایکن خدمتکار لردن برابکی بدخت و یزید و بر قاجانک
 حرام عیتد و عتید مزبوری قتل ایکنک شهید المندر صاکا اقدام و سعی ایله
 مدارج و معارج بلغته ارتقا و کند جودت طبعی ایلد قبه فصاحت
 اعتقاد ایدو شهره جهان و مقبول اصحاب عرفان اولان شعراء
 بیعت عنواندند بویات و اشعار انک گفتار لردند

یونک شونکر که عمرم خانانلرد و کدیلم	غم متاعن الیدیلر نقدرو انلرد و کدیلم
اترک میل المیسو نی بو تن فرسوده	کله یلر کویکده یر بر استخو انلرد و کدیلم
نوش جان انکره کم عشقک مندن کویک	دیده جامنده شراب ارغوانلرد و کدیلم
فتاکلار دیر عالم بازند حوان قالمش	منو صمنه او چشم عندی بی استیا قالمش
نالانی کوز یا شیمی اولدی جگر بر یانم	خانه تنده ضیا لک اولانی بهانم
شرف سارم بقه لی سعی سک دیردن	استخو ان تنی نار دل سوزانم
خار و خس در کتورد انی سنیلر شک	صنکوز چشم تر مده کورینن حرکانم

صاحبی پاشا او علی محمد پاشانک او علی ارسلان پاشا در اگر چه شیر
 بیشه و پاشا و دیر میدان شجاعت اولو گفتارنا بکار ایلد کاری جنگ و بیکاری
 اولو تیغ بی دریغ ایلد اول کوره جبهنگ یرینی قوتجیم ایدرک و هر بنده نکاح
 رایغ کبی بر نیزه دار ظاهر و بیدار اولمیدان فلکده شمشیر جوزا ایلد
 پر حسدینی دوینم ایدر ایدی و ال بد فعال ضرب تیغ قتلان دن سنانک

و اول فرقه اشترارک دل جاننده لمت شمشیری ایدر ایش در رخ مضطرب و
 او بو هر کون کار با حسیه اول طاعتی و عادیانک سر منزل وجود ندن کجور
 و هر زمان روح و سنان و بلا کجاستان ایلد اول عبده همنام و او ثانی فر
 کچور در شهر کیر علی الاعداد فی حوت الوعی و ریس علی غیر آروس مجال
 بنا و علیه حضرت صبا قران مرحوم سلطان سلیمان خان مزبوری بودینه بکلر کبی ایدو
 ضبط شعور سلیمان ایچون مزبوری سمد سدید و حصصین ایشیدی کلن فعال
 شنید و قبسی و احوال کریمه و وقیم ایدر دخی شهرتنگ خوشخوار سفاک خدا
 ذی الجلال دن بی و هم و بی باک ایدی با این جمله جود و نحاسی نه ایسته و شش
 و عطا غایتده ایدی ابر بار فیض مداران دن غرق عرق صیا و انک رو
 بحار زخار بخشش بیشازند مضطرب و شرمسار ایدی عجایب تاثیرات
 در و ایامند در کوزبور شجاعده رستم زمان ایکن وزیر اعظم محمد پاشا قومی
 تخت و جبهاندر دیورم سلطان سلیمان خان نیمیتم ایلد مشایخ خاطر عاظرین
 چهار ناک ایدو و آخر الاریغ سیای ایلد قومی هلاک اندر شو ایلد انیز و با اولم
 نظم اشعاره اقتدار و ار اید بو شو اولان ان شجاعت و ثار و سخاوت و اشعار کاتار طبع
 کورد اهم کاکل مسکنکه میل بغلدی باش اچوب میدان کیر خدمت بل بغلدی
سلطان ولایت ایدر ایدر مرحوم کمال پاشا زاده دن ملازم اولو حکمت قضایه عازم اولمیشد
 بر یکی ده قاضی ایکن داین باجل انما متقاضی اولدی بو ششوا انکدر
 نولایسته جان کبی کورتورم طایفه جانان کورتورک استمر می مهر کیشی مهر سلیمانی
سلطان جامع مجاسن لایعه و لایحی اولو بلدان جهها ایچره عروس ساطع عظیم
 لک سی قتل لطف و صفا ایلد کللی و فرای دگشی لطافت پیرایه چارو
 حسن و صفا ایلد یک و مجلی اولان شهر برودن در رهنیک هم سال و بلده مرقوم نک

پراقتدار لردند

مضطرب

مرد صبا کالی ایدی دقیق و جلی خطک انواع ندن الی وار ایدی هر کله قادر
 و علم او وارده ما هر ایدی طریق عمده ضعیف الم جلوب کرد باد آسان بودت
 عناده دونه رک و اصل اصل او تو آخر حرکت آفران استنبول قاضی سیکن
 وقت ایدین حسن طبعیک آسان بکار منهدی ماوی و محل او تو خدمت جنتا مغالی
 ملازم او میشد هزار زور و زار ایدر و مایلینده قاضی ایکن مقبول اولوب
 روح پر فتوحی جناب عزتده مقبول اولان شهید اخطره منقول اولد بوبر ایکن
 مزبور کنتار نذر بنده پیشوه و قید رسا بر ایدر روزه دار زب بودم بیرو باک او کنده
 سنا بلده نامدار و شهر ارم اطوار خطار حال حال شعار اولان کیجه وار
 حقا که کردن دستوده صفا قتل ید صفا و کمالا ایدر زین و کالی و ما جهرت
 در ایستی امثال او قرانندن هر وجهه مرفوع و معنی اولد و غنندن غیر فی فنی بلوغ
 انشاده صبا ید طولی و معاکوی و معاکش لکده شهره دنیا او میشد صیف اول
 صبا کمالک شوی کمالا ایدر شیکن دست الف الف اصحاب هم معاری لطف و کرم اید خانه
 امید و رجاستی آباد قلمشیدی و اول سلمان مانه بر احد معین ظهور او غنک و فنی المراه
 سرور و دشار او میشیدی فی اجماع مرحوم سیک ایدر نیک معارن حسن تربیتی
 او غنک اسلمتی و من اهل بیته مقانده و اول او تو شاهد مرانده بر مقدار نایل او کنده
 بوبر ایکن معنی و شعار اول شاعر غنک شعار کنتار نذر

کولن ایدر عاشق دهنه نیک ای جوری جوق	ایکچون غیر لبر سو که بیج کوکلی یوق
بیفکله جان لر کم تن پاره یاره لسون	هر باره اول غناره جایی نظاره اولسون
اول یاره حسن ایده باک اعتبار	بن بر کده ای کله اول شاه تاجدار
غم شگری اولور کلا بدن قلع حسن اگر	بیکجا نرندن اوله جسم دور حصار
سرو فاش ایلدی اول غنطه غنطه حالدر	قومه اوینا سین بک شه نکر و رماندر

ایلم بر صبح یار کول کوهر با سشنی	قننی طاش قایتیه خاتم اکر اور سو با سشنی
بام حال او شه آکی بلکینی بودن لان	ایکیده اول به تا بانی ایلو سیر ان

سلوک اکیته دندرنانی محمد در بعضی امنا و امر ایدر مصفا و روم ایلینده بکله یارنده
 کاتب ایدر حقا که شاهراه غنطه سلوکی یونندن او غنطه شوی سر منزل قبول و حصول
 بولمشید و کمان قلبنده بی کمان خلاص بولن سهام کلام مصیب غرض قبول
 او میشد بوبر ایکن اشعار مزبور ک کنتار نذر

صنم جسم کور یمن طاعیلک بر یاره بی	جمله قبله دی بر خرقه صد پاره بی
یجه بر او یوسین کله ای دیده عیجت	سین سین بن واره بن خواجه قور یاره بی
زلفی یوزین که اورنه کلور کوکله غنار	اسرار غنطی ایر شجک کوره سین توزی
دل شو یله حسته اولد کلکلان یوزینه توز	بیچاره کیجه دن بجه مز اولدی کوندر زین
بر ایکنی نرکس و کله حسن دلبره	او کینه حکمی بنک اعلیش یوزی کوزی
غزوک خذکنی دلدی دلی ای قاشی کمان	برنا و کیله شیشه در صانکه بهلوان
فانوسه کیدی صمنه که بر دانه سی ایلد	بر سر منده عالم ایدر ای نگار شمع

در شهر انگیزی وارد انصاف بودر که غایبده خوب عیذر بوابت انذر

بر سی طالب ملک مکر در	مطلوب صنم مدحین مکر در	بزم مقصودم ز نو وصالی
ولی مطلوب عالمدر حسیله	انک یولنده عمر یی عین	کلام عشقون بزم او عرف
محمد در بر سی شیخ زاده	خد او برش کاهن زنیام	تضرع ایدر هم صحنه تینه

ان کو کیرم تا طوعینه سلیم بیجو اهر زواهر عرفانه کمان و عیثار اصحا
 کماله محل و مکان اولان قصبه اسپارته دن ظاهرو عین اولشدر نامی شعباندر
 لیله البراه کی اصحاب کمالا ایکنده بر عنواندر مرحوم حکیم زاده که قصبه قاضی
 ایکن مدینه منوره یه قاضی و حاکم او میشیدی موالید در انشمنه الدقه مزبور

مثل جلی دن الوب ملازم ویرشیدی غایت مزارحت و کربنده قاضی مانکور
 اولدقه منکوب اولو قضا فر بوردن قضا و طرا ایدو کلور کن اهل عیال
 و خدم و طفل و جمله مال منالی ایله ناپید اونا بید اولو حرمیلر الله شهید
 اولمشد بوبینی حسب الحال اولدی **بیت** یولکده جان ویرم کیمی رونده عکلا وار
 شهید تیغ عشق اولانم کولکده شهید وار **بیت** صفا که سلیقه نظمی غایتده خوب
 و اشعار و گفتار حسن دلیران کیمی ناپیده مرغوب و محبوبه لطف بقیر و حسن
 ایله شده دنیا اولاشعاردن و خلق جوها ایکنده حسن خلق کریمان کیمی شهید
 اولمده مقبول مرضی جمهور اولان نظما دندر مرتب و مکمل دیوان و اشعار عرفان
 میانده ضعیف نام و نشانی و توفیق رفیع قبول اصحاب غایت ایله عالم مرتبه ده
 وار در یور ایکی اشعار اول اهدیم **بیت** و حرم حرم فصاحت گفتار دندر

کل بنی اولدر بی افت صحر بر اند	قور تلاین کونده بیک کز اولد دن
قان رخنی ایتکده جان تیغ شمیمی	قانه غرق اتمه کم قانی یوزلر قائل
تنده کرسیک جانم اولسه که ایلردم روان	بنده اوکده کلیمیدر کتابیک جانم
انکون مرغ نجون باشی اولسنده	که کوی لسی خاشاکدن انده آشیان ایلر
انزوه ویرد ناینجین جانم	طویه غیاری دیوان غریم کلدی جانم
هر قمن کم خوابه وارر دیده جانم	قور قور دیلا بلا دن فتنه دوران یور
سوزشکدن یزدوغیر تمده پیرهن	دوتم سن گننی عالمده کولک قورین
یا قدمی شو فکله چاک ایتدم کور نلر دیدلر	یا قه سز قور دردمند آفرینی اول کسمان
غم نیر اغیار دن خاطر نشانی ایسنی	رخم خاری عینیه المز افندی کل دکن

اول ناظر فصاحت دنا رک اشعار غایت اشعار میا خلق جهانده شایع و درایع
 عالمانه ایست و مطالعی افق اشتهارده سطح و لامع اولمین بوقدر ایله اشعار کندی

سماعی نامی حسن را و ایل حال وحد استسن و لنده نامی کبی حسن و اسمی سماعی
 مطابق و موافق غایت حسن و جماله فایق بر جوان سر و قد و لاله خدا ایدیک
 روی رعنا و عجب زینک سر زده اولو سر و قامت سر افرازی کلشن زده اشتهار
 ایتد که خلق جهانده بلبل شنید اکی هزار ناله و افغان قلعه قبه زنه فلک اسماع
 غلغلانداز اولور د بود کلو حسنات ایله دلنریب نمند ان اولمده اکثر اشعار
 زما و صبا غرق اولا یاران عاشق ناله و کلتن حسن جانک بلبل هزار
 دستنه اولمشد حضرت صبا و کان افق خدمنده صولاق اولان کجک مرید
 اولمده صولاق حسنی دیکله حسنی کیمی شهید افق اولمشدی بعده لک طریقی خود
 فنا اولور درویشان و دلرین ککیندن ذوق و صفا الوب خدمت اصحاب
 وجد و سما غایتده السماعی اولمده خلاقی سلس نخلص سماعی ایله نخلص افترای
 اولمده بو ایامده مقبول طبایع خوبیات و مرغوب طبعی شایع اولو افتاب
 اشتهار شارق و لامع اولمشد لکن بویکیه جهانده لنگر ایتی صالیب سماعی
 اربعی کوش شهنگ سماعی اولدقه ارواح مجرده علویه بی پیوسته اولمده کلشن
 بقایه رحلت ایلدی بویکی اشعار غایت اشعار مقبول مدوح اهل انظار در

ای کجاستک ملامتدن ایرر عار دین	انم اول با تخی بو یولده قیوب ریویع
برج اولک جان و دل الدن قویه مانکی	ای سهی قامت بو یولک کور مشور حسنی
آمد موز بز نغان ایله سیدل	دم و طر کباب ایله میل
کوز نلک صنما عارض دینکین اوزره	دال در تا زلی یاز لیدر دین اوزره
شوق ایچره بحر مهر نور صندم	تابش مهر رنگ باش زین اوزره
وار ماغ سر کویکه اتم نوله دقت	وار دق زینار اولدی در ونده حجت
طبع جو انی قائم انوار دن یقر	بوی فنا دماغه عطر زدن کلور

زرک نام جوان سیم اندام کج کلاه نام جوان عاشق اولد قدده دیش در
 باعث شهرتیدر کج کلاه خوشنامک کیمیا در نظری زر کر سیم اندامک
 سستی اگر چه بخندره لی در کن اکثر ایام بلکه عمامه انعام اعمارنده آمده مقوله
 مقام ایتمکله اول یاردن اولغله آستهار بولشد تحصیل معارفه طایر بعضی ارایله
 منادم و مصفا ایدی حفاکه کلامی بد اشعاری لایق انهار ورد دکل در اکثر
 ایسار رباعی در بر رباعیات انگ کلماتنددر

بزم اوزمرا کلمه ق نادانوز	ابرار وجودی بل مدک حیرانوز
انجی بو قدر انگلی بلدک که چه کوی	چو کان قضا انده سرکر دانوز
سن چکر سن سکار تیر و کان	چکرین بن نمیده قد اتم
سن بنم چکد و کم نه بلور سین	هر کس چکد و کنی بلور شام

سان پاشا دیار رومه بیت علم و کمال و خاندان معارف و فضایل کمال
 و افتاب وجود سعادت مشرق مغیر نامقد و در دن طالع در خشان اولاد عده
 اللطاف قدوه از با الکمال و المعاد ظلمت لیلی مدلهامانده تحصیل علوم و کمال
 اشتغال هر کجه صبحه دک جوایز دل جانانه روشن سعی و اجتهاد ایلد اشتغال بر
 واصل با اکیوه علوم بجد و غایت اولاد حضرت بیک چلبینگ فرزند هوتمندی و بر
 مفتی انام اولغله شهره ایام اولاد مفتی احمد پاشانک برادر بر برین اناس
 خواجه پاشا دیکلمه معروف و مذکور و بین جمهور لقب سفور ایلد مشهور در ذکامی
 حدتده و فهم و فراستی ناییده ایدی حکایت اولنور که هنوز بالغ اولد قدده
 منبره جوق طلقه ام مو و ونی شکر ایدرد سلطان محمد و وزیر اولد قدن
 رستمی شیا بلو و انراض دیناد انراض و لغز ایدوشیخ و فی حضرت
 اراد کور شید تضرع نامه نام کتابی وارد در میان شیخ و شایده مشهور در

فی الواقع کتاب زبور مدوح و مقبول ضلایق هر وجه علم مدح اولد شایسته
 لایق در صاحبی نصاب توهیده مالک مرداکاه و سالک اولمفل تالیف
 مسفور طرز زنده و حید و فرید اولو قابل تقلید دکل در بعضی شعراء زمانه مجرد
 قوت طبع ایلد اول مجموع توهید و عرفان نظیره دیو سلو کدن خالی شکر ایلد
 مالی بعضی کلام بلکه کفر صریحی شمل نیجه اسیادیدی کن فاین الشریامن الی و
 سیف قصب ایلد خراق لایع برابر اولق امری الاید و کی جائی عناد و جدال
 دکل در تذکره الا و لیکادنی وارد در بر قاج است تضرع نامه سندندر

مکت کم بونمب اول	سند اولز قبول بی عمل	بلر که خلق اندن اولر شتود
در که صفا اولدر مردود	قلب مؤمن کیر شش مانود	انی تقوی زیاده طغیاندر

سان احمد محرز دانشوران علماروم مقتدای صحیح فنون و رسوم عزیز
 فضل و عرفان هر سهر علم و ایتقان خورشید اسمان دقایق و تحقیق جمشید جهان
 جهان تدقیق مفسر کتاب سما و حشری تفسیر بیضاوی مصرفضا نیک طوطی شکر
 حننه العالم آریبا حضرت سان افندی در هو الذی تکلم بصوت القلوب عن نماوه
 جهل بر و ایلد یوسف فضل و هو الذی استخر کتاب الفضل و العرفان و استخف فطانت
 التوفیق و الایقان بیابه فصله ذات فضائل مستحسنی اول مرتبه دن بیروندر که
 بوجله شعاده مذکور و نام طاهر عنوان شری ایلد جریده نظاده مسطور اول
 کن نمینا و تبرکات بزرگه لفظیر بویکیفه بر کبریا و کند اما سیه طرفنده اول قصه
 صونسادندر با باری صلاح و تقوی ده یکانه مقتدای زمانه مشایخ عظام
 مشیخ صاحب دیکله شهره انام و مقبول فواصد عوام ایدی بر فوای قلمای بلع شده
 اینناه حکما و علمانصاف فضل با نایع مالک و طریق سعادت رفیق علم سالک اولو
 مولای عظام و امامی فی ختم خدمنده قطع منازل و سالک قلوب خیر سلطان سلیمانک

خیر الدین افندی ملازم اولاد قدر کرده یومی یکریشی ایل مدرسه صایر
 پاشاده افاده علوم مداوم بعده او تونز ایل مدرسه طایفه فتح مفتاح
 معضلا کشف رموز مشکلا و حویص و نام اولو اندن فرق ایل مدرسه داود
 پاشاده مواقف عقول قول اولاد اراده نچه قایق ابد او مقاصد و مرا
 مشکلا نده اظهار یدین ایشیدی بعده کلبیزه نده ادر نه ده مدرسه دار
 حدیث ده کویج الواح اشاعه فنون و توضیح ایضاح واجب و مستوا اولاد
 مدارس ثانیه دن برسی اول کعبه اجل ایل ضایع ایقام نشر فضایل او توضیح مدارس
 ثمان قدوم ذات بر عنوانی ایل مصادل و مماثل ایشیدت جنان او ایشیدی
 بعده ادر نه ده کلبه بایزید خان مدرسی ایکن قضایا حلیتیه مبتلا اولو اندن
 عزال و ونوب یولده کلور کن قاضی شام اندن برویه اندن سعادت و مینه ایل مدرسه
 ادر نه اندن بیشی کون استنبول قاضی سی اولاد قدر کرده انا طوی قاضی
 عسکری اولشدر اخذ دغدغه مناسب و خاطره مرانی دفع و مال مال دنیا کلین
 خاطر بر صفا شدن قلع ایشیدن مسکله تحریر و تصنیف شروع ایلدی انصاف بودر که بورد
 اولاد لطف تغییر و وجار بحریر و حلا تقریر حسن ایل و لطف تصویر خارج طوق بشر
 ایدو کی محقق و مقرر در اقدام مسکین ارقاننده نه حالت وارد در که هر قطره
 نقد و نبات و هر رشمی آب حیانتد رتایفات لطیفه سی افاده منتشر و انقباب
 کی اطراف و اکنافده شهر او یکتی یکی یوز ایل مدرسه دار ایشیدت بیمانیه احسن
 او ایشیدی علم فضائل سما معراستاننده جینا ایک بیضایه مرعاه دیوب
 مجلسی استفاده علوم و تحصیل فنون و رسوم ایدو هر برسی مجلس شریفه کلوب
 عرض ضوابط و سوانح و القاء شکوک و لواج ایدر لر ایدی مفتی انام اولاد مرحوم
 ابو سعود افندی ملازم دار البقا و اکلود ایشیدکه اعیان و اشراف دنیا یوسف افندی

افندی

افتاد دیوب رجای قبول منصب فتوی ایشیدکه بر قوای جوامع علی الفتوی ایشید علی
 اولو اولاد نده ایل دامن عصمتی منصب دین ایل لوده ایشیدین دیو اختیار ایشید
 اخبر ایشیدین مدرسه بدلی و طیفه تعین او نوب حارت ملک عدل او داد پاش
 سلطان مراد پاشاه عالم و فرمانده بنی ادم اولاد قدر کرده بیشی یوز فلوری کوندر و
 اولو بر صفا سین خیر دعاسین الدی است و ثمانین و تسعایه صغریه جوار
 رحمت رب العزیزه انتقال رحلت ایشید که الله تعالی اولاد اشراف شرف جوار ایل
 شرف و کوش دل و جان استقامه لای کلمه گوهر ایشید که مشرف اولو دو یا بوس
 مانومی سیر اولو او غولر ندرن برسی وفات ایشیدکه بو بیعتی دیشدر
 خون جگر لبد و کم کوز یا شینی بار صالک ایقالاتنه اندن نه وجه وار
 چونکه عرض اشعار لرین اشعار و نظم اقتدار لرین ظاهر در بقدر ایل انصاف اولو کنده
ت القاضی افتاب حسن و جاک حسن یوسف کبی ظاهر اولاد قبسه مناسرتندر
 معلم زاده مرحوم ملازم اولشدر قصب رومده که قاضی ایدی حاکم اولو و بی بلا
 بنده و ازاد حکومت ذات پسر ادند شاکر و راضی ایدی انعامت ملوف و اعانت
 مظلومه غایت و نهایت همیشدن اکثر اعونه اشرار و ظلم و جوره کمال اصرار
 اولاد ظلم و نا بکار ایل نجه دفعه اعوان و انصار ایل جنگ و بکار ایشیدی یوسف شرف
 بر لطفی میزان صلوات و نزا کنده وزن اولو بمصر بلاننده مالک اولاد شوار و
 سالک اولوغین یوسف و زینب قصبین نظم ایشیدر بو ابیات بر صفا کتاب مزبور

زاده طبع خوشید سید	کورم یوسفی اگر بران	کورنیور کیر یوک کوزوم سنان
دیلم دور اولو کوزوم کوزوم	مینه قونیده یاره شوزوبوزی	کله سی انغزندن
عرض فاسدی میان اید	اوره لعه کمانه ایدی	یوسف اشکر
دیدم که اولامیه لازم اولاد ندر بر سر استیدی دیدمیک اول بهار اول		

باغ جهانده عیش ابره کور بردم اولام کلکیرینده پلر آس روز کار اولام
 سوز خوشید جهانوز و افتاب عالم افروز کی بی عدیل و قرین اولام شهرت
 طریق علم سوز کایت کدره غایت ایندو مجال او غلگلی علی بیک محمد نیک خاندانه
 عمر کورمش و بجز رمله مزبورک غزاون کنار نظام ابداره کورمشید صفا که شعر
 فایقنک اداسی آن عاشقان کی سوزناک و الفاظ بخت عنوانا مانند اب روان
 سلسله بافتاب اشعار نیک سوز کون کی ظاهر مشهور اید و کی میان نزدیک و
 دورده مخفی و مستور دکل در نته کم بوزل مشهور و مشایخ صدق مدعا به بران قاطع در
 سر و قدک کسی در شایخ کل کلار ده اشک پرورد که سیدر لاله کسارده
 یا کوکل سنده مهرک صغدی اغیار دن یا اورنگ برده چکدی احمد اوزر غارده
 چین و با جنبه کید نر کلایر صانع و اسکن بونم اواره که کولم قالدی لغز یارده
 وصل دبر در همین دنیا متاعند غرض یوش عشق اهل نه الدی صنادی بو بازارده
 سوز نیک معنده روشن در کشدن هر سوز که چه کم در صورتا کم ذره دن مقارده
 نیک صونکم خط کلدی دیک جانان جواب اولم که خضره اب حیوان بکلمه ظلمت حجاب اولم

بویت دیند کتاب مزبورده	چو کل رحم ایلمز شفته سین
انگین عمری ار مزه هفت	حجت شمعنی جان دلیلت
دلی سوزی اول شمع قیلت	مکر آینه کم انده نظر و ابر

سپای حسن و بهاده آب و هوای جان فزا اول افروز اولام شهرت سیر و زدن
 سپاه خاقان دکن سوز دندر مرحوم سلطان سلیمان خان عشاره قیامیه نهفت همایون پور
 ایامده دیار عقبایه خرام اتمیش در پنج ایلی غروبها سر بو ایستاد کور کرد

قد و مز یا کبی در هر بار چکدن الم	سینم صندوقه سی اولدی شان تیر چرخ
طنلو سوز نینه کوس مهرک الدانمار اول	عیش فریادی قن حلوا شیرین استدی تلخ

کمز نمان باغی رشک سروسی و حدایق در ریاض جنت مقامی لطف و نظر مالک
 ایضندان و بی اولام شهرت در ندر شوا و روک قدوه کامل الصفا شاعر
 ساحر مرحوم بجانی بیگ کلستان استانده سروسی کی کشیده بالا اوغین
 مخلص مزبور ایله شهره دنیا او شید مرحوم مر قوک تمیز خاص و شاکر در اخصاص
 اولمده مرحوم قبرینی یا پدرش در تفصیل حال انشا الله الملك المتعال ترجمه ای
 رقم زده کلک خوش مقال اولور سلطان بایزید خانک فرزند سعید شکر زده سلطان
 محمود ایله بیجا کید و مزبور شهراده غم دار انخلود ایتد که نینه استان حاقان
 مر قوبه معاود ایدو کاتب دیوان و فلک رفعت اولد قدن کره قبول منقوش
 اتمیش در ندرده دار کدیت متسولیبی ایکن تذکره الشعرا جمع ایدو مرتبه
 زیاده منصب رجسلیه بو ایستاد یوب مرحوم و مغفور سلطان سلیمان خان و پیش در

ایستدم بلزم بن دیر لکده	که قابودن سوز لدم پیر لکده
نور احن سلطان اولر میندو	توجه قولاق یوسنده اولر مقبول

شخص و تحسین و شماری ده سرو مشال کلشن جهاندن کشیده دامان اولور صبر
 یاد فن خوان اخوان ایله کبر و بار وجودین الوده خاک مذلت و هوای ایلی
 ایست فراوانی و اشعار بید و کرانی و مکمل و مرتب دیوانی وار در بو اشعار
 دیوانک رب روی و اشعار تنگ نوزی صنوی در

کون کی یوسکن اوچ وار سه کوی	یار دن اوچ کوره سز بر کون اول بخار
طاهر حلقه سی کیدر د زر پهل تمنه	حبیه صتیق نیجه اولور کوسره بن دمنه
حق اولمدر یقه دن که بکجا خشک بتم	طفل ایکن دانی بر قشدی کوزم دانه
یسدن ایکل اصربونیه کویانه نو	دولد خسه قولنی یار بنم کر دمنه
سینه ده درد و غمکد اغنی سیر کون	نگه لر دیکدی یا شمع قطره سی پیر اتمه



سید و میند در عریبیه دیکه شهر ایدی اگر چه طریق علم سلوک قلمش کون روی
 سفید او لیوب حصول مراد دن نا امید قالمشید بر تقالی حسب عالی اولمشیدی
 کولک زلفکده کولک کلتر افغان ایلمز که به بنجستیه عالمده خندان ایلمز
 سید قاره سید دیکه شهر در افتاب وجود پر جودی مشرق ولایت میند
 بروز و ظهور امتش در حق مدرسی ایکن سلطان بایزید خان مرحومک اوقاف داره
 و روایت مباره سین حریر انک خدمتی جناب فضایل شمولرینه متوض و موکول
 اولمده منصب استنبول وصول بوشیه ظاهر کیف الاضنییم البنیه کریم المنظر
 قلیچ المکره اوفین الفنا رید قیر الدقه نالی جعز جلی دیشدر **بیت**
 عیدر کز دکه کیر دکه سیدی او مردم زاده تور قمتسیدی
 عوبه وفار و ترکی نظر اقتدار وار در سلطان بایزیده متون فتحده عرب قصیده
 ویرش در حقا که مقبول ابرار و مرضی اصغار و کبار در نتیجه فنون دن انموزج
 رسایل بازمش در اصحاب کمالا و فضایل مابینده شهر در حکایت اولمور که در
 مرقوم بروده قبلوجه مدرسی ایکن زیرک زاده که نامی رکن الدین در ملیرم خان
 مدرسی امیش اتفاق قضا قادر خلاق ایله بر برق جهانسوز و عالم افروز دن
 ظهور و بروز ایده صفت انشبار مدرسه عاشق جک سوز و دل کباب کیمی
 و بنا اندکده مسکلا مزبور دیشدر ای فلک المسموع و کاره اسکان ملیرم خانیه را از رکن ویران
 الحق بو تضمین خوب واقع اولمشدر و بوطلمعی مشهور و شایع در
 مدک اوزره زلف و خلد کوز و سیدی یکه ان بزرگیل قدر قدریج قدیدا
 سید قول او غلر ندن بولک خلقند نذر دکر زاده سیدی جلی دیکه متعارف در
 قابل شان طالب عرفان خوب سیر محبوب صورت کنه ایدی سلطان سیدیک او اول
 دنیا دن رحلت ایدی نظمی ساده در بو اشعار انک در

<p> بریری کلخن اولمور ای نیلر لر کوز لکراوشه کلوب پامال ایدر بلغم دعاکی صوفی بلا دفع ایدر دیشدر مونس محنت و غم اولالی خندا اولدم </p>	<p> بلاس عشق کینر قبایی نیلر لر بو پاره پاره دل مبتلا بی نیلر لر بلایه قرشو وار نلر دعایی نیلر لر بنده عشق اولک عالم سلطان اولدم </p>
<p> سینی اصلی سینا بد نذر کفیل کمالا بحساب و معارف و طهارت کت بد صکره طریق علم سلوک ایله کامیا اولمشید مرحوم سلطان بایزید اکسیده شهنزاده ایکن استان فلک قبایلینه انتاب ایدو مانند سینی و شاهین ذات معارف زینبی ساعد سعادت عد شهنزاده ده مکان و قرار قلمشید و مثال سفیدر نکاز خدمت شریک سپهر اقتداره بل غلیوب میان بنه لفظ مبودتی حکم و استوار ایدو قطع خدمت علیه لر ندن کسوز و خدام بارگاه سپهر احترانه طاقون طه و با سعادت تابندن ایرلمز بنا علیه شهنشاه مرقوم فرمان فرمای ولایت روم روم ایلمده بلاد کبیره کبیره قاضی و حاکم اولمشید پنج ایوارم صوفیه خدمت سید الانام ایدو اول منکامه شهباز روح روم عالم بقای طیران ایشدر صوفیه بنایندو کی مسجد حنظله سنده مد فوندر روح عشق جلی بوغزل مشهور انکدر دیشدر </p>	
<p> کربک کوز لدر سنگ ای مملقات شک دکه کسنه جکر انک یایی برک در بلدی یولنده طوغز ولیم چونکه قاتنگ اتدی او قینی یا صد یاین دکر المدم سینی کیمی بوکلدی بیلی ایکی قات اولوب </p>	<p> کندهین اگر کرر جکر بیه رواقاشک قاتی بولیدر سنگ ای بیوف قاتنگ طعن او قلمی نیچون اتر باکه یا قاتنگ مزخاندر کفکله سنگ ای در با قاتنگ اولدی مکر که بر کوزله مستلا قاتنگ </p>
<p> سینی استنبول ندر دیوان سلطانه باش مقاطعه جی اولدوقدن کت تمام شرف انجامده دفتر دار اموال کت و حافظ و ضابطه حصول شفا اولمشدر </p>	

شرح

کفیل اموال لطایفه سی تام واقدام مال کلانی معلوم خدام سده صدره
اولاده حلب فتر دارفندن انا طوی فتر دارفنی است و انعام او نمونی ایله
خدمت علیه زری اکرام و اعظام او نمونید بر قاج ای خدمت فریوره دن استغف
ایله کنج فراغنده کلیم قناعت کشیده با او نمونید لکن اول منصب ذات نیکو
جمیله معنوق و بوا مور حلیه تک ماهیه کلیمه سی مانند افتاب جناب عالی الضایفه نظر
دیوینیه اول منصب بر جلال رو میال سده صدره استغف ایله دو و اقبال
خزانه عمر زده مخزون و مکتون اول نقدو ایام و محصولا اعوامین مواسب علم
کمال صرف و جمله اوستی و عامه ساعاتن جمله معارفی انجی عطف المشرق افشاده
منار و نظم اشعاره قدر وارد در بورد یکی اشعار بو تذکره بجز بر او چون کوه درونی

ایبار بندر

خلوتده هقدی کون کی اول به نق بدن	حقا بود در که کوکده کوزل افتاب بدن
او کینه ملک غیره در مزدیوشها	کل عبرت ال حکایت افزا سیا بدن
بکزد دید مدی کون یوزینه ماه انوری	رفع ایتدی دون نقابتی اولدم چای بدن
خم شراب کبی دنی اوله سیفیا	دیر دامنک عرفدن ایق چک شراب بدن
بوی لطفکدن خبر ویردی کبی باد بحر	کل قولق طومش صبا به غزین انجیر غنچه لر
لطفی خنده اول بی شکر شکنده در	کلشنده کلکک کولیشی زهر خنده در
کل یوزک کوردی ایلدی بینه بانگ کبی	کلکدن غنچه لرت کوشنه واردی کبی
دوندی جسم ضعیف بر ناله	مویه دن مویه ناله دن ناله
دوشم از یک جرم غیرت از دل و جان	ان چن گشتم که ان میخانه بردنم بدوش

والله مرحوم بومعه ده دیشدر

ایکت پر نوم از یاده بدور لب او	که شب از میکرده بردوش کشندم صیبه
حرفان شامی میان صفا	و کبارده شامی او علی مصطفی سیک دیکله

شعار اید شام شرف انجا بدن ظاهر و نامی اولغده مخلصنی شامی ایشد در مرحوم
سلطان بایزید خان زماننده سنجاق بکی ایدی شوا و قدما دن مذکور و خلق انکیده
بو ایکی مطلق غایتده مشهور در بیت تیز می تماشای تکار الاده صورترسین
ای عاشق تخت زده بولدق بویوسین شامی بودنی و لا شام شرف انجا بدن
ظاهر و ساطع اولا کوکرتشان و لایح در نامی مصطفی در مرحوم جوی زاده
د فتر دار محمد جلی مزبور سلطان سلیم ثانی حضرتنه اخذ اده اقدام ایتد کده
زمره خدام سپهر اختتام سلکته انتظام ایله بر اصرام او تو سرای سعادت
پیرای سلطانیدن چاشنکیر باشلیغی ایله چکشدی بعد اهاست به میر لوار او
حالا دخی فخر سلطاننده دامن در میامیا امر اده علم مثال شایسته لبت در مویک
کنتار نندرت اولیم شاهد می نبر بران نیتیم جوق هلد حیسون رمضان
شانی دار السلطنه جللا مداردن زمره سپاه شجاعت شعار دن مقرف تمام
اشعارنده صلاح و ظاهر و بیدار کل در دنات شانی اولغده بویانه در و شوق
مهملا و ترمانی اکثر ایله مذموم و منفور صغار و کبار اولشدر بوشعار انکدر

کوب و شو میخانه ایچره قالدیم ایچده	بر کوزی ستانه کوردیم باده حمر اصر
عقل و صبر و خیار رودل متاعی قالمدی	شدی بازار افتاده کوکلم استغفار
شانی نامی صلح در بوسنه سرای دیکله شهره دنیا اولا شهرک طوی باستان	سرا و بیلستان سرای در اول شهرت اساده طراق زاده دیکله
بومغین فخلص مزبور اختیار ایتدم دیر ایدی لازم و لابد اول فضایل و	عرفان تحصیل و صحیف دل جانی عنوان معارف بیکران ایله تکمیل اید و طریق
بر توفیق علم و کمال سالک و کعبه کمال و معارفده احرام لطایفه ها	او تو سلطان سلیم ثانی حضرت نرنیک خواجیه سی اول اعط الله افندی ملازم اولد

طریق تدریس عازم اولش در حال قرق ایچ مدرسه دن عزول در وصول حسین ایچون
ایام عزل بر الاهی امتداد بوگو اربعین کی زهریر مد غزی خیل اشتهاد بولسا
امید در که عن قریب الایام جمله مراد و مرانی حاصل اولبو آخر شتا الایام نوروز
فیروزی بی متصل اولمکه بارسر و صفایه وصال اوله جامع انوار فضایل و حاجت لای
فضایل طبع عایشه کفیل و تکمیل معارف و لطیفه جیب در نیجه زمانه در سرای جهاننده
و دم گرم و سردده و مهمکام سرور و درده یار غایم در بوبر قاج اشعار مزبور کفر نذر
بر کسکون سمایه قدیمی کلمسون عرض
او کلمسون ره که زیرا که ماه تابان
نظیر به الفکر کم دو شبدر نظم غزاده
زین اید و طبله برین شمع کجوسید فلک
شانی و صف رخ در کبر کجوسید ایل
بر ملک یوز کوز کوز لدر نیه کوز کوز انیدی
اق در کز در کیش زلفی طونما سیدر
طرف چین کشده و سوزیله سازه کل
قرقی بو یکله سروک بین السما والارض
یوز قیزد و زو اولو بدر نوری کیش اول قرض
حسود که خاطر و شبنم کور خار و غبار اوله
نور و سقره زهره اولو بدر سینه
حسن خطیل یا ز لسون صغی ت جنک
مرده رحیمی عیسی کی احب قلدی
ملک جان و دلی غارت وین قلدی
مای عراقی ال المطرب حجازه کل

شانی دیگر دیار زماندن لارنده دیکله عنوان بولاشردن ظاهر و نایان اولمشدر
کفیل فضایل و عرفانده و خدمت و الا نعت اف نسل دورانده دامن در میا تکمیل
معارف و کمالانده تشریح ایل شهره آفاق اوغین فواجیه عطای الله اندی خیر قرائت
خدمت علییه رینه و مدار فضایل جلیه رینه مداوم اولمکه اول حضرت فلک رفعت ملازم
اولمشدر ترجمه بحریر اولمشدر قرق ایچ مدرسه دن عزول شبدر روز کفیل معارف
ظهور و بروز اینکو موهوب و شغول ربوننده جنلی اقتدار و مظلوم منشور بعضی انوار در
حقا که هر جهتی معورشان عالیشان کماکان مدح و توصیف لایق اید و کی موهوب و شغول

بوجلیه بحریر اوغینون ارسال ایتدم کی کما تدر که تسطیر اولندی
بیر غمگدن بی صنم ایدم جانا کزیر
دزد جالاکدر ای سروسی باد کجیر
بر اوق اتم بر انکا فر شو جعفر جان حسرت
توتیا در قد مک خاک صاقن انی اویر

راقم هر و فک بوغزلنه بوکونه نظیره و مختدر

دار لطف دلیک تصور و ش بر دار یوز
استانک اکر لیل بر قبو قو لار یوز
در هم و دنیا ره مالک اولمکه غم کل
ایل کور و رسوالم طعن ایل جانا غم
بو لایعاشقی برین انمزد ای حسن
بان حسن دلیک بز غنایب زار یوز
نور جبار اوله اشک دیده خونبار من
باشونز الدق ال میدان عشق یارده
کنید بیرون یره اورمه بریدر افتاب
کار بان راه اقلیم فناک شاینا

محمد ته اهل عشقک دوستلر سردار یوز
عالم فقر و فناک مالک دنیا ریوز
بر صیقل دق جانه نامو اسکا اندن عاری یوز
بویسید اول برینک طره طار یوز
رضای مر اینک طوطی اسکر بار یوز
اول ابر صیانک عاشق دیدار یوز
جمله سر بازان عشاقک بوکون بر دار یوز
روینه سوزش کمارک بالمش ز کار یوز
باش و جان تر کن اورر بر قافله لار یوز

ش لطیفه قوی او زره مسطی بنیدر کمال باشاراده مرموم ملازم لارند در وصول کمال
معترف ادر سو بغداد ایتد که عالم فن دن کذر و ملک بعا یوز ایتد در بویسید انک اشعار
چون مزاجی تشیدر کلت اجره کلک رنگ و بوی کر کله دوشه عجمی بلبلک
بعض صدور زما از با منصبه بیچین ایمن ایتد که رینه منصبی جاهل و نادان اولمشدر
احسان ایدوب اهل علم و عرف اولان نامزد دلت و هوان و یا شس
و نا اولدده بوطعه بلایت عنوانی دیوب مقبول جهان اولمشدر
ای فلک مسلک اگر جاهل و نادان ایه بندنی تا او قدر کامل و دان و کلم

کجا بوجور نذر اهل منزلی صاندک	مفضل اهل کلاک الیه بنی جانش دکلم
اجمل ودون ودنی ام بکجا ده نظر	غیر بدین جمل و حاقده ده ادنی دکلم
شانی مشاطه قدر پروردگار صورت حسن جماله معش و کهار و پر بکله بلدان جهان	
ایچه کجانه روزگار اولان کجی وارد دارد نذر نامی یعقوب و عزیزک عشره زاده	
بوستان معارف دکالاتک سر و ازاده سید رضا که بوفنده نزار و ارمج و شتا	
طبع عالی و قابل تحسین و لایق قبول کلمات عنوانی وارد در طریق علمه دانشمند	
بی مانند ایکن یوسف حیاتی کرک اهل المش و اول زمانه برو بیت الایران	
فنا ده فتاده قالمش در بوستان روزگار ده نخل بگری پایدار اولسه	
کرچکدن نامدار شاه پیر شتار اولورد بو اشعار مزبور ک گفتار نذر	
فزون عارضه ک اولسونی هر کاتانه لایق	اوبریح صفادر مجلس شانی لایق
عدولر باده لعل صفا بخشیدن کلکسون	چون اولمز جام بزم ادای جمعی لایق
کنده کاکل عنبر فشانک طقمه اغیاره	بکم زنجیر زلفک کورمه هر دیوانه لایق
دوشتره دک بر قلب حوزینه فکر خادک	اولور می کج سر پوشیده هر ویرانه لایق
جگر رقانی نوشش المینجه کاره بردن	صفا بزمنده شانی اولوی بیمانه لایق
بادی نظره عاشقه ای شوخ شنبوده کر	جاد و کوزک کرشمه لایق که نجر ایدر
بختیتر کجانه تراش ایل رخ رنگینک	قره سین کوریم موی خط مشکینک
شانی نامی محمد در بین الناس ملاکی دیکله مشهور در بوستان طبع معارف و فضل	
کمال ایلد و داولا دهم ابو سعود افندی ملازم اولوب بالا حقه میا غری و ادی	
قتضاده رکود ایلدی حقا که غرائب زمان و عجایب جهاندن تالیف عجیبه کلام	
و تصانیف بدیعه الشجونی که خارج حیطه اوضای شخصی و نونوی و میر و خطه دلات	
تعلی و وضعی در بجد و شمار در جمله دن بر تالیفی وارد در کجی نانی وارد در	

دیباچه سنده و ستمیه با سطن الاساطین او انوس النوامیس دیوب عجایب
 قوش در ابو علی سینا یقال بو علی دیوب زدر الیتمدر جمله غزایمندن بری
 بودر که کتاب مرقومک دیباچه سنده بو علی تصنیف و تالیف ایلد طولد و در
 خلقه محل ممکن و قرار کجی عالم آخره کذا را ایچک انده دنی وارد قده بو
 دخی با شمه تنگ و نار ایدر سین دیو فریاد و زار ایلد و اسماندن ملائک
 کبار کرم ایلد بود یاری بونزه قودیشغاعت ایتدیله دیشدرینه بویله ایکن
 بر حالندن و فقر و فلا ایلد در دولامندن شکایت ایلد و بویستی دیشدرینه
 بلا سا عطا آیانایا سنانا کن عریان تالیف مزبوری اول زمانده وزیر اعظم مشیر
 اتم علی پاشایه اهدا ایتد کده دیشدر که مولانا تالیف ایلد عالی طولد مقدس
 حاله استنبول ایل غلط بوغازینی طولد رفیق دخی سنا سیدر که خلقه کوبری اولغه
 سفاین و مراکب الامندن خلاص اولار و بعضی شرکات ایدر زکره بر کجه
 بر محبوب سوب عاشق و عذرا عذار و لیلی زلفی نعلیه جنون و واقع اولد
 بر کون بر عظیم صفا ایلد و کلاب کوبنی جمع ایتشدی و انزل غانه سنه کتوز و صحن
 چینی و سفره منقشه و نظریه طومر کونا کون قیوب انز ایلد امش قارش اولد
 اشعارنده دخی ترکی و فارسی الفاتحی مجموع عربیه ایلد و عربیه بی فارسیه ایلد
 یاد کار لکلر اظهار ایتد که اضحو که صفار و کبار در شکل مرحوم ابو سعود
 مدح ایلد و بقصیده دیشدر که مطلع بودر استود ثانی به چه قدوس ثانی
 صیت بخشش و شصه نام شنوانی و مولانا مزبور مهر نیک بیتمی بو و جمله
 بیت نقش نگارنده نقاش چین ابن علی احمد قاضی تکین
 و کاهن عالم هموردن ملک عقدر اجمع اولوب مقوله کلامی دخی واقع اولور
 تن برداغی نوح ایتدم نه نام و بیان سوزن • • • • • کلامی کلامی نواله استخوان قاسون

ص

اور در وقت صلوات استنبول بومکتوب مرغوبی کوندیش در احمد نند الذی
 عنا حزن ان ربنا لغفور شکور قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الکریم ان یسک
 قرع فقد تس القوم قرع مثله و تک الایام نه اولها تکس و قال النبی علیه الصلو
 و السلام احمی صییب المؤمن ولا یصیب الم ولا یرجع الا و یكون کفارة لذوین
 القصة و البسرة و قال اقل طون الالهی القصة اولها بره و اخرها راه
 و یقول العبد الضعیف و المملوک الضعیف النعمة فیه فی البیت اخرج عنها العنوت فلهذا کتب علی
 صورة القصة التلم جعلها فیه تستیع القصة و جراحه تستعقب الراحة و جعلها
 کفارة لذنوب و کشفه لکفر و یا جابر الکتور و طبیب القلوب تاریخ صحت یافتن
 پادشاه بنده نواز از قوه جان کداز و جراحه راحت برداز

برمدی قوه جان کداز	بجسم تریف شه صفت کن	رسد از شفا خانه کرم
هم این زخم امیرم از زخم	بجد الله اندر زمان کل	شد آسوده از زخم جان
فقیری حکیم تاریخ گفت	عنوت بود دفع از بد	بر زمان کرد بخیور اولی
ضعف تن بر عالمک جان	لیک دفع عنوت ایتمک	بولدی قوت قوای روحانی
تن پاکنده جعد بر قوه	بر کون جعدی ضعف جسمانی	دیوی بنیده دا اولوب تاریخ
جان جانانه صحت از ران	مولانای مزبور ایتمک کداز اتحاد جان و التصاق	

روحانی و مغزین اولی علی عالی مقدار سرسرای جهان کند و تنگ و تار اولو
 اول صفا قران عدیم الا قرانک در حال و انتقاله صکره بی جوق زمان کدای ایتدی
 ترک دنیا بی ثبات ایتدی **شاهی** مالک پادشاه ظفر بنی بد حوزه تغلب شاه نکست
 قریب اولی کداز اول طایفه طایفه به تحت و اراد کورن فقه اولی کدای
 بلوغ کدن اوین مجلس مزبور اختیار ایتدی سلطان سلیم ماضی زمانده روم کداز
 ارضیه مدینه اطرا ایتدی در آمدید و کما اوصادن با کفیه مترا و برادر بوفادگی

تاریخ کرمکی کصبا دولت از بر است این که کلهای کسرخ باغ ال حیدر است
شاهی معروم مقام خلافت پناهی و مضر ضیام جلا دستکاهی اولی شهر استنبول
 پنج زمان رئیس الکتاب دیوان کله و ضابط و جامع اموال شاه اولی کدن
 بهر باره بر تاثیر کبی میدان دار و کیری اوزلیوب مانند کمان نشکاه کینه
 دشمنی کوزلیوب خدمت شاهیه ده بر تاب و سینه بی کینه می ایش تجا عنک بر تاب
 اولو حال طلبت بهاده امیر الامرا اولی مغز و مباحی و اول نواحی ده کهای
 ارموناهی محار و کمال ایل معروف و اخلاق رضیه و اوصاف مرضیه ایل بو
 اولی او قی زاده محمد پاشا ک فرزند هو شمندی در مقدمه طریق علی کد کد
 و صحت طبع و شد ذکا ایل بی مانند اولوب مرحوم معلول زاده مستد ثن این افاده
 ایکن خدمت اعاده کنند ملازم اولی مغز رفت و علی زاده اولی حیدر حالا بار
 طریق علم محمل اولی خوفند تحول اولی اسیار است و رعایتی مثل اولی خلص
 زینی ایکن بعضی کینه ایل شرکتدن خلص بولغون تبدیل خلص ایتدی در کمان بالندن
 خلاص بولسا کلامی هدف قبول از با کمال وصول بولشدر حالا اولی صحت
 امید در کویو ما فیو ما صاف و کمالا بیجی اکتب ایلد و موجب تقیصت و زیندن
 احراز و اجتناب از زهره اولی بونکره بر حریر او نمون بوابی اختیار و انتخاب

بر کله عارض دلداره دید اولدی نظیر	کرد و شوب چونکه رخ الی اولور زنگ پدید
کورد دعای قدی نجیب مجتهد کیم	تقدیر سرد ایلد بر لره ایلر تا شیر
بندن ایرانه اولور سبجی او حسین	شکایتدی قوی اولد و غم کلدی بعین
دیش پای رقیب بند ایلد و هم اولم آما	دل دیوانه قطعاً اعتی دایمزه او پاننده

شرفی ولایت حمیده و صغیر و کبیر میا ننده اگر دیدیم کله مشهور اولی شهر بظنیر
 قبای مدح و اطاری علی با کرامت الالموده فی القرب ایل بر طراز اولوب

کتب و انشا و اولی و الملک کفرات
 صاحب کتاب
 صاحب کتاب

کلمه

رایه رفیع الایه نسبت و تناری به سرب ریاح لیدم عنکم ارجس علی البیت الی
 خنوق و اهر از اوزره اولاطیفه شریفه ساد اکثر البرکات و نسیطی
 جمال ظاهرین واضح البرکات و انوار حسب و نب روی نیکو سنده اضواء خورشید
 تابان کی ظاهر و عین اولو بشایع علیهم زینیه دن برمان افندی دیکله معروف
 انواع صلاح و تقوی الیه موصوف اولابریزک اوغلیدر روم المیده بعضی قصه
 قاضی و حاکم اولاد قدره دیار عقبار عازم اولشید مراتب سیه مصقل معارف
 محلی و کردن دل و جان قدره لطف الیه موشح و حتی ایدی بو شعر فرمود کرد
 سوز خشک جانده ای شویله تاثیر ایدک
 دلد شمیم تنیج عشق اولک دیو جانانکر
 لعلی رسم ایلینو کو کلمه نقاش خیاال
 جعد افک اوزره اهم کون کی بیلدی
 قل کلمه بر شهادت نام محریر ایلدی
 بر اقر صوا اوزره کجانی تصویر ایلدی

شرف نامی محمد در شریفی مزبور فرزند هوشمندی در طریق علم سالک اولو عالم دل
 مخیر کامل جامع العلوم و تمام الفضائل منیع زلال الانفست مطبع مهال الکمال
 فتاح ابواب الشکلات بمفاتیح محرره کشف ظلمات المعضلات بمصابیح تقریره بیت

من یکایه فی الفضائل اکرم
 الذی جعل الله تعالی عالماً خفياً
 ومن سادیه فی الاداب و احکم
 ولم یبق له من الحقایق شیئاً خفياً

مولانا العلام زکریا افندی کلستان استانده بهار لطف بشمارینی بو یا اولاد
 نجات نجاتی ایله بلبل مثال کویا اولشید بعده مولانا مزبور ذات خورشید
 اناری مشرف ایوان صمد آرا اولاد قدره مذکره حبیبی اولغده ملازم اولو سمیت
 سالک و عازم اولشدر نهان بالی شکونه و قراست و بهار کیمت ایلد مزین و انشاد
 سینه فضایل و عرف ایدمخنون و معین در لایق قبول اشعار ابدار و حکمت نشا و
 ابلاده بی مقدار می اردر بو برایکی اشعار رقم زده کلک مدرار بیدر

کر چه دیر لر و غدیله ایلر و فی اول نازنین
 تو خراول علی کهر ریز اولغف عنبر بار
 دارمدین کتب دهر ایچره دخی استاد
 چکیمجه اول برینک دزه بحر انبی
 کلدی یار کخطری جان دیشر عاشق

با که اما کلیمجه سیندی کلیم یقین
 کو کلمه ذرجه ارام و جانده کجی قوار
 از بر تمش سینی شیوه حافظ زاده
 بلدم روز وصال کعبه امیش هر آنی
 قلبه قالمش کور مک جانی رخ جانمانی

شکاری جدی عجبی قلم با دبا کج دیار بکره دفتر دار مال او بو عبده امیر لوا اول
 حسن بکیر نامی احمد در صید و شکار اول طایفه تک صغار و کبار تک سینه و
 کاری اولمغین مخلص مزبور شکار و دشاری اولشدر مرحوم شمسی پاشانک
 اقر باشند اول فرقه تک معرض دنیا بر فغان سندن ایدی شهباز طبع بلند فرزند
 شکاری مرغان اولی اجنه و عالم لایق و دایما هوای عالم علویده طیران ایدن
 نذر روان ملک ناست اوغین هوای جا و جلالدن فراغت اید و شاهینی همتی
 زخرف دنیای دینی به شکار دکلدر دیو قطعاً عین الزوج جناح سیل و رفتی هرگز
 صید و شکار نیه صاملر ایدی او تو زانی جوالی اید معاک گوشه نزلت که کج حقیقه
 سرمایه سعادت و معاد را اختیار ایتشیدی در رویش صورت لطیف بریر کنه در
 بو ایامده عبار ایلینو و استعار ایلینو نظم قصه یوسف و زلیخا به اقدام و
 ایتیم اوزره ایکن شهباز روح بر فتوحی جیفه دنیا اوزره قونقدین عار
 ایدو عالم اشبدن ملک ارواح صید و شکاره کیتدی و کان دکلک فی سینه
 و سحر و سحره بو اییا انکدر دکلدر شمشیر اید بر تر اید زبون او شکر سینی او کجی
 نظم یوسف و زلیخا دل ستر کیمی برینان روزگار و خاطر فایز ارباب معارف
 فضایل مثالی تار و مار او بو مهر و وفا کیمی همان نام و نشانی قالمشدر
 شکر سینه بو جان بیلدن علم و کمال طایبند نو هوش نوحیا ایکن ذوق ایلد بر شو انکدر

شمسی و قمری

و صلواتی که بر کن کشیدی غم دیدم آنجا کند و که ای ملک را م دیدی که کلون کل
 شکر کردستان در مرحوم سلطان سلیم فتوحاتنی نظم آیتش در نظم اگر از بقوله
 اید و کی معلوم و مفهوم اصح عقل و رشاد در بوبیت انگ در
 اغلقدن کوزلم یا شینی بر خون ایلدک ● میر نی عین ارسن بر نی جیون ایلدک
 سلطان محمد سلطان با یزید زمانده دفتر دار اولش در چند ره بی زاده دیکله
 معرو وزمانده انواع معاف و ماثر ایله موصو در سلطان محمد ایله ناییده
 الفت و میانزنده غایت خلقت او لغین کاغذ خانه یا ننده حال چند ره بی زاده
 جغتکی دیکله مشهور اولان مزاج و چایرری تملیک آیتش در سلطان با یزید زمانده
 افتاب عمریه زوال ایزد وجود بر کالنه عین الکمال ایزد کشیدی بوبیت انگ در
 وار کین کل از سنگ کستانه بقومین ● مهر رف رک در رک اسما نه بقومین
 شمسی خورشید وجود مطلع شهر رودن طالع و رش اولان قضاة زمانده سلطان سلیم
 مانی غزم فتح دیار عرب اید و کی ایشا ده کفده قاضی ایدی کما بدیع التما نگ شمسی مطلع
 لطف و قبول طالع او غله قبول طالع بعضی استی و مطالعی ظاهر و لامع اولش در بوشهر انگ در
 بزم حسنو کسنگ کلکه بوقدر یوره کی | ماهکای دست مکر و اریه جگر چور کی
 درویش غلبوشن کی بسبل ایر اقدن | کل خرنیک و صحن او قورال ورقدن
 شمسی قسط بنیدن قره قضاة در لطیف علم اد و ارده مهار و فن نظم ایدارده
 وارد در دیومرغ بیخار آیتش در حالا اشعه اتار ندن بر ذره ظاهر و بیدار او
 شموس اتار نه عارض اولان کسوف نیسانه منجلی و آشکار اولش در بومطلع انگ در
 او یکونور بوق صبحکه مشک خطادن غیری ● ایتدی اولده بر شش هبوط دن غیری
 شمسی بودنی قسط بنی شوا سندن در جامع شهر مزبور ده موقوف ایدی بوشهر انگ در
 ویرسون خط رفک آینه بر قلبه کدر ● اول غبار قوم مرآت عذار کین کیدر

شمسی

شمسی لایت بخدمت روم کشته در کتابده مرزنگا ناطلی در نظم نور کی سلطان سلیم
 ویر کده منظور نظر مکاری اولش در بوبیت کتاب مزبور دن بیوشنگ سایر طوره تصدیق
 قور صفو کز در دن طول در د و کز | خانه کوز یو کطره قادر د و کوز
 قویلم هر قصه و افسانه نی | مورک اغز ندن قهر سز رانه بی
 یقینور ایقیر التفسده جهان | سز یا بر سز در لودر لو اشیا ن
شمسی اولشمس رخسار مطلع امارت و بدر سما بان عالم صد ارنگ نام ایلدی
 احمد اولدوغی جهت فخلص مزبور ایله میان الکف سنده سر علی کی سر اید اولش در
 سلسله انبت و انجاسی قدوه اصحاب کرامان سیف الکلام خالد بن الولید صلوات
 شمسی و منتهی اولمغه منقر و منتهی اولور ایدی و بونقبتی میا صغیر و کبر ده ضیاء
 شرت پذیر اولشید کن والد فردوس مکان بو کوز دوزن شار و کوز ارفش اولور
 ایدیکه کت تواریخ و اسماء جالده مطور و رسوم در که اولمغی بی بر ایلدک
 اولاد اولیو اول دو حه علی دن اغص و افغان نابت و حیراتی کندر
 اول مطلع معاف و مناقب کواکب تواقب طالع و رخشان اولیوب و کھیل منی شاد
 عقیما منظر حال دل و جان اولش در حقا که میر مزبور اخلاق حمیده و حامد غیر عیدیه
 ایله موصوف و امثال او آرا میاننده کمالا و عرفان ایله معرو و کلمش دل
 جان از بار مناقب بجد و کرانه محفوف دای اوقات فزنده صفای اولدی
 تحصیل و تکمیل کماله مصروف طایفه شتوای طبع اید صحبت و الفی او غله بیلیان
 کلمات انبوت اولندر ک نوز اولمنه و طوطی انستان فصاحتک نفس جهانده
 کویا اولمنه فی الجملة باعث باری ایدی ان عیسی اول ایدیکه بود کلو معرب سلیم
 کامکار و رعایت و عنایت از با کماله صبا بکنت و اقدار اکی تریب و قوا
 اعمال اید و جود قبل و قال اید و جوب زبانلق ایله الکفی قبولیکه بور بر بی غایت

طالع و قمری

اولی که سرور صاحب قرآن زما مرحوم سلطان سلیمان خان مزبور نهال وجود پر
 هنوز نوسن و نوسال اینک بوستان ساری سعادت و اقبال لرینه اولی بسیار
 القاب پیشاری ابد کشیده بالا و ممتاز و سهل مانده بین لاقوان سرو
 سی کی بلند و سرافراز او شنیدی حرم ساری کفایتین صفت قد بعضی اغانی گفته
 اولادین صکره زیر سایه لوار سلطانیده متورف اولوب شام شرف انجام
 بکریکی اولمخدا حرام بوشید بعد انا طوی و روم ایلی بکریکی اولمشدی
 خدمت جباران عزم کلزار جنان اید و کت نشین بهشت جاودان اولدقه
 مناصب دنیوی تک محاسن ظاهره سندا اعراض و زخارف حاضره سندا انما
 اید و ترک غوغای امارت ایل منزوی گوشه رفعت و فراغت اولمشیدی لکن
 سعادت نمانده مندرج اولاد و انی مقتضی ایدی که هر زمان سلطان
 عثمان ایل محبا و منادم و منصرف جلاله ترا دنده مندرج اولاد اقبال اول حال
 مشتو مستلزم ایدی که رکاب ارض خدمت خواقین کا مکاره ملازم اولان
 مرحوم سلطان سلیمان خان خدمت ایل مرحوم مرقومک عالم طفولیتین حقوق سابقه سی
 انصاف و ادرت ملک سیمکی و سربراری کت حاقانی اولدقه ملازم خدام
 بارگاه ملک مکانی اولمخدا فرمان اولمشید بنا علیه العود احمد دیوب جانب السلطنه
 العلیه بی عود و مرصبت اید که متوجه حضرت سلطان اولوب بیجا به مثال مجلس زندان
 مفارق اولمز و صید و شکار دکه شهباز وار قو لکرندن ایرلر یید خدمت شریفی
 حکایت ایدر لرایدی که بر کون اول شرفش عالم احک اید شکاره توجه اولوب
 کیدر کن انزق ارسنده سرو قد لاله خدیبری بیکر ملک منظر برج ملک مهر منبری
 و درج حسن لطفانک کو هر نظیر لایحه مثال کورمش هرگز زمانه نظیری کلمش قطعا جهان
 اولمشدای خوب با جهانک قوی اولور د کور شملر انک بر دیشیرین شمایل کور دکه

اول خسرو ملک خصایل صوبی سرو قد نینه مایل اولوب اولمخدا نورسته قسطنی باغ
 قوی پیش و اول عالم حسنک ماهی نیردن طوئش کیمیک قولنده در اول شاهباز
 دیو استفسار اید کلر نده بنم اولد و عن اشعار ایدر لاتفیق اول کیم صحبت
 سلطان اولوب اداره یا قوت رتبا اولد قد خدمت سلطنت پناهی اول
 کلعه ذره هوادار اولو طاب وصال و نایل جمال اولد و عن اشعار ایل کون
 ملک بر صراع دایلم بن بهر اعی دیدم دینو او تور ایل کون بر جوا کوردم کیم بون و
 بند بالیداه بهر اعی دیوب یوا و خوشیدم و صالینه هوس قلمی انک بر قوری هوادار
 بعده یاد شاعر سلطان مراد خان جعفر تارنگ دنی کا کان متوجه من علیه لری و فتح و
 نصرت کبی ملازم خدام عتبه کسبه لری اولمشیدی اخر شمع و تانین و سجاده
 خورشید دو و آتس کمال ایدر دکه افتاب عمری زوال ایدر شید لایق قبول اشعار
 و مرتبه تحسین و حصول بولش گفتار وارد ر یو اشعار مزبور ک گفتار نذر
 صلحه صلحه کا کلک طوق بو نیمه زنجیر و سن انده کتسک عاتقک یا کیم کتسک سیر و سن
 یلیغ نفعه بشدی اول بهار در در شید الغم بنم نینه بی اختیار در در

قرنری کلدر رسیده دانه	کم دیشلر عاقبه دانه اوستی نانه	بر دلا و صفت قونوب چینه
دیکی اطراف نسا غنچه	بلبل اجدی دمان غنچه	رازینی ایلدی نهان غنچه
زکرمه کاره واردی	سردان ایلیر ارخان غنچه	کر زالوب دستنه زیمان غنچه

اولدی کلشنه بیلوان غنچه شمع و سکوب یا ننده اولان قصبه بریزر نیند در جیران
 افروز نیم شرا روشنی بخش انجمن بلغی جوب زمان روشن بیان شاعر غنچه
 عنواندر که شعله اشعار و شیار خرمن سوز صنعار و کبار و کلمات شوق سمانک
 سوز کدازی شعله شمع بر نور کبی نزدیک و دور یا ننده روشن و اشکار در
 اشعار سوزناکی عاشقانه هر معنی کویا التمش عشقن بر زبان در شمع وار زرد

اولوب بچمن بیز و جوانده دمع اشک شکر جان اید و ظاهرده صندان صفتده
 سوزان و گریان اولوق حنا سستی ایلکند و بی شمع است آیتشیدی آستان فلک
 حضرت منلا خداوند کاره رویال و اول مقام بر احترامده ذوق سما عیله دون
 دونه تحصیل وجد حال اید و آخرتادم آخوده استنبوله خانقا شمع و فاده
 کونشین و عزت کزین اولمشید حالت رحلتی بو میت اوزره اولمشد که بزنج
 درو فلک و آرسینه ظالم و سفاک و دل پر غل غمیل و اهل اس کی تیره و تار
 و غبار ظلام حجاب ظلام سائر دیده ایتیم سبب اوستیدی **وصف سبیل**
 شبی زلفینی جانانرا مانل دراز و تیره و دگر و نائل **شعر** دخی برده شمع اولوب
 بو کج شمعینک شبنم و اردیو خانقا و فاده اولجا جان و اخوان و یاران
 دعوت ایلمز زکره مشغول اولگن بن بر باره استرا ایده بن دیر اندر دخی بر مقدار
 ذکر خالق پروردگار اید و زبور خواب راحتدن بیدار ایتیم استر لکورد که
 چشم جسمی خواب جلالمش بیدار اولسی فردای قیامت قالمش واقعات ماست ماست
 محبت الهی و بی شکش شجانه عشق ناستنای اولجا ذوق و شوقیل ویر جان و سری
 اول ملک غفور شمع لطفید غمار قبرین نور و لیالی دیکورده مونس و یارینی مونس
 و صور اید بوبریکی اشعار اول نور چراغ و شمع بزم عالم نصحتگر تم زده گلگن کج
 عار ایدر شبنم بنی اولدر که اول کیمینم
 حله جنت اولورس جکین چاک ایدین
 شمیم کوشه میخانه بی ویرم فلک
 اه کم کتیدی اولکمز بوره کم یاره لری
 وار هین یلواره ایم بو نیمه طاقوب کفتم
 دم و صلیکده کفنا حائل اولورس برهنم
 کلشن باغ جهانک باکیکور و طنم
 دستم عاشق اولاد دینه ده او کز بنم
 بزم روح روانم سینه بی کل
 جور ندوم واری فالدم سنم
 اولورم کیم ایتیمز باک بیمار
 ندر لک بادشام باک سنم
 قویم دیرم کلاری بیز سنم
 اولورم کیم ایتیمز باک بیمار
 ندر لک بادشام باک سنم

<p> ارتدک جانکی حسرتله شمع خلاط و لوق نه مکندر کوکل کم فستلا اولوس بشدن اشورده اشک لجران سملرین کیم کم عشق ایشی اوله بیسه صرردک زر کیمی بر سیم تن سز النز عشق النذن ایکی عالم بر یکا اولوس یانیه یاقله شمع نه وار سندن ای کجار او فووق یاز مق اولور اندیشه </p>	<p> شعر تضاة طایفه سندان درانا طویلند ترا کر چه نظم اشعاره اقتداری واردر لکن اشعار نیک اول دکلو هنیا و مرآت گفتار نیک صندان صفاسی بو قدر بو شوا انگر شعر انظا کیم طرفند در حلوانی اولوق مناسبتی اید مخلص زبور اختیار ایتیمدر اگر چه لطیفی حلا و اشعار ولذت شد گفتارینی تعریف بشمار اید و حلوانی اشعارینی او کوب صتمدر لکن بر فوای من لم یذق لم یوفی هر حلوانی اشعارینی بر کینه ذوق اید طتمت سلطان سلیم ماضی دورنده اخره انتقال ایتیمش معظه طرزنده بو شوا انگر قصر و اینی لای عالم مقام اولدم صنان کندوی یو کیده کوره منزلک تحت تراب استخوان کلمه سیر جبرها یون اسیک کور کینده مور ضعیف جگدی به طفا شعر سلطان محمد خان زمانده رغبت بشمار بو لولا اولوز کارده شاعر نامدار اید سلطان محمد دوریک شبنم دیو نظم قوم دخی تمام اولدین مست جام هام اشور بو ابیا کتاب مقومند در بنام خداوند اوار پاک برارنده اشع باد و ک خداوند جان خداوند اهرش خداوند روزیده و راز بر بخشش او ندر دستوره شعر کج جوج و کرمای کوه شعر مغنیسا دندر سالک طریق تصوف اولوز کج کلف تصلف ایتیمدر معارف و کمال اید اشنا اولمک دیده جانینگ صور لطیف مشهور اولد عدول و نقادن شهود وار در خوش بزم و لطیف صحبت کمنه در بو اشعار انگر مجلسه رضک شوقنه بیان دور کورسه شمعک نسته کم شوقله پروانه دور مولوی وار سماع اید مخلص او یار دور کردونده دور بره تابانه دور </p>
--	---

رشته نظمی شودی دیزر الفاضلی و زینک هر سوره بر عمل بدخشان ذکر
 نمید نور دیده رسول چشم و جوارح بتول کین ریزید نمیک شهیدی اسما جلا و
 ولایتک نجم سعید حضرت حسین بنسندن ال نامند در نامی قاسم در سلطان سلیم
 طرازانده شزاده ایکن استاده است اید و سلطان مرقوم تحت نشین سلطنت
 روم اولد قده الشقا بیکرانی اید بکرزیده اقران او تو خیل جلا شاک کتاب انجی
 بوز انکدر نثراب پنج زهر یک شربت کلو مونی بید صون نازیکه اول سکر با بو
 شیخی دیار کر میاندر اکثر علومه مشارکتی و ارضه مخصوص فن طبیده خیل
 حذات و مهارتی و ارایدی و کمال قده دخی نامد از قبول اولی الما بصر
 منظور ذوی النظر را کین من اعجب الاحوال ایش کمال فو اسی اوزره مرض
 دایما مبتلا و بهر جنبه ضعف بظهور پیدا ایدی جمله حذات و مهارتند
 حکایت اول نور که ال عینی ندن سلطان محمد بن یلدرم خان بر مرض با ید مبتلا او
 جلاء اطب علاج و دروا سنده عاجز و غیره و مقوم مقام اعظم و اکابر اول
 درد و تشنه حاکم بولنان حکما خایم و حایر او تو زبوره مرزا اولد قده شخیص
 مرض اید و علاجی برفح مغوط درد یو کلام شانی و خطاب وانی ایوهوا
 ویریکر اول انشاده باد شاه سپهر چشمک معصود و مرانی در بار کوه کلی
 بی سنگین بر قلعه منین و صینک خبر فتح ایش اول خبر سرت از سماع سلطانه
 ایشیک مرض بزبور منافع و عرق الم بالکله منقطع اولور باد شاه دخی جایزه
 طقوز لونا م بر قریه ویز و بزبور دخی قریه مذکوره تک ضبطه کیدر کن اسکی
 ضابطری یون با صوب اموال و اسبابین غار ایتد که هه هین خوشکداتی بکر
 میضونی اوزره بزبور کج بو کار حجت اناری جان شیرینیه کار اید و اول خسرد
 زبان بوبانه ایلحانی حکایت ایچون فرنامه سال سین نظم اید و اول غدر تکرار

تکلیف

تکلیف ایشدر اول ایتده سلطان محمد دیار عقبای خرام ایتد که برین خسرو روی
 زمین اول سلطان مراد ک اشارتیه نظم خسرو شیرین شروع ایشیدی لکن کتاب
 لغت سماک مطلع ایتد خورشید اتام ظاهر اولدین و اول فصل شیرین
 افتاب وجود کالن بولدین نظم عمری مقطع فنا ده افزا اولو غلام جام هلال
 مرانی صلب و سار اولد قده همشیره زاده سحالی کتاب بزبور اتام ایشدر
 الحی زمانه سنده اول شوانک شیخی و سرداری و اول روز کارده بولنان
 نامدار و پراشتهاری در شویده ناییده قدر و ار در غزلیا کلمه سنی بوقدر اگر
 کتاب بزبور دخی ترجمه در اما حکم و آوار و یک دست و هموار در چونکه کتاب بزبور خلق
 مشهور و مدایح و مغزری صحیفه قلوب هموارده مسطور در زینت تحریر اولد بوشعار
 کل یوزک نموده سندی کیم دفتر دوزرا | ویرا وراقن طبع چون تخمین استر دور
 بوخه نور و فرله یوزک کونینه بکره منرا | بیچکم بدر فلک یوزن بری بوز دوزرا
 شیخی برو سادین چاشنی سحی ذمیکه مغر و قدر اهل حرفه من طاب موقت مرقوم
 پاشا اید صحت ایشدر چندان غزلیا شایع دکل در کون چکنده بچو کونه لطیف
 ایش واقع اولددر جمله دن بری اولدر که پاشا طبعی نام مدرتسن برد انمند خزان
 شجاع دیکله معروف منلایه وارد قده بوییتی دیشدر بیت
 پاشانک اشتهاسی قل قیر کن بنم جانم حرز مای نیدر سین
 و خواص الیاس اوغلی الیاس جلینک حستنده بوییتی دیشدر بیت
 الیاس جلینک صحت ایچون بر حکر المشس کلسو بری میدانه کیمکم جلری ار
 سلطان بایزید بروده یکی خانی بنا ایتد که بوتاریخی دیشدر بیت
 یکشید یا بلین سلطان خانی بناسن بلزم تاریخی خوشی ۹۱۴
 و برو سماک بر قیوسی دیکله معروف قیوسی تعریف اید و دیشدر بیت

حصارک بر قوسینی صورتی است
 و سنیا نده ب مطلع غرا کا اسناد او نور بیت جو کرد و سنگ او زو نونند
 و سلک بحر او ملز اولیا کرینک زانی ایلد کر بکی کوزم یوملر اولیا
 شیخی مرحوم سنان افندیگ فرزند ارجمندی حسین افندیگ او غلیدر نامی محمد ذر
 رقم بجایب چهره خلقنده مکتوب بر جوان عهد و د و محسوب ایدی هر بار مرات
 مشتق طلب عرفان مذاق دل و جانانه صیبا کی لذیذ و مطلوب و بیان بود
 کتاب نظر بصیرت شده رضایر پر انوار و خط زکات در لبران ملکید اربکی بی بوی
 ایدی مکن عواصف صوارف زمانی و صد ماتند باد حرا نیدن کل وجود مسعود
 هنوز تمام اجلدین پیر مرده و گلشن بقا و چین جیبا بر صفای احضار و کمان
 بولیدین فرسوده اولدی مرحوم ابو سعید افندیگه دانشمند ایکن منادی ارجعی ال
 ربک رضیة مرضیة روح بر فتوحی دیار انار من عالم قدسه منصرف و فرما و آید
 الاذعان فادخلی فی عباد و ادخلی جنی عثمان جان بر هتر امن صوب صوا دار السلام
 منعطف ایدی نور و شعری شرافت قد و صبا خد و تناسب اعضا ایلد منین تجلی
 اگر بقدر منزلدی ردا بقا اولکد شهره دنیا او سنده ریب مرا یونیده بشو انکدر
 یقینند که بوق تو وجود و چون سیم سنگ روز ششده کر یابن المهر بر هنک
 زال سپهره خلقه مگو شواره در انده ستاره در و شوق لعل باره در
 سنگ کلک دوکش از راه سینه سن کمتر افندی دانی یوزی قاره قاره در
 ریاحین محبت دیکلچون باغبان سفال سینه قوشش بر آوج خاکد رو کلیم
 شیخی تاجی محمد در طیب زاده دیکله متعارف در اهلینک برادر کنتری در حرم
 معلم زاده دن ملازم اولشدر حال فرق اچه مدرسه دن تحصیل و تکمیل
 کالایه مشغول و مشغول در حاجی که بخواه تحصیل علم و کمال عنایت بی غایت کریم

ایدهم بال و قیده قلب اهل لندن با کلمه منقطع و عمل و شرایط وصال غوا
 معار و ارکان و روابط اجتماع فنون لطایف وجود مسعود نده با سر تا
 مجتمع اولد و غنچه غیری خلعت دنیا زینبای بلات و طراز لقا اهتر از
 فصاحت قیامت اشعار بلندیه راست و زیبا و انار انوار حیات و صفا گفتار
 فرج فراسنده کالمتش و صیبا ظاهر و بید اوروشن و هوید ادر را ام کرم
 بی بضاعت تربیت و نوار شریفه صلب استقامت قیام تام او زره اولودات
 جمیل الصفا تریه انجذاب کلامی اولغین هر چند که میدان مدح و ستایش
 کسیت خانه به منزل و بر یوب مطلق العین قیده من بعد نر کشیده و ارا میده او لغه
 امکان بودر بنا علیه بودندن زیاده عمل مناقب و مناقب الفسخر کرم
 و نون شد در و آید نوکد و بنای سرای تنا و اطرا لری بودندن ارتق و رفیع
 و مشید قلند بو تذکره به کز ترا و نفعیون اختیار ایددی کی اشعار دلید بو تذکره

چون امر اولدی یار آسینه قیامت	عشق ایچنده بزنی بلد کفر بوبت قصیده
ایدراب زلال لعلنگ بر قطره دریا	نسته که تاب فکر ایلدی بر قطره دریایی
قصیده هر نوره ده بو مطلعی همیشه در	
کلام روح ششنگ نمدی سو طیز سنجالی	اول روح کلام واقف اکثر بوبت عجب
اولدم جهانده بر یوزی کل یار اوللسی	بیار عشقی جوق نی سیک و ارا اوللسی
ینه سخامی کلکون دیاق و اربکی	یاده نک قطره سی یوق لعل ب یار کی
رازم هر بوغزلی یارانه طرح ایلدو هر برسی تنوع تمشیدی اول غسزلن بودر	
اولدان یار دست دامن بد گوهر شده	قالویدر اللرم فرما کی طشر السته
خدا ویر سو سگانه در ازی ای بوی کرد	یولوکه جان برین عشاق نیتدی بر السته
کر سنک سیاه او سو کر اطل و ظارا	غرض برایش حست بو نمقدر سر السته

اولوید پیشین بر مکه که کو با نرس رعنا	مگر گشت سیمینک او زرین ساغر التند
حسن صفت میانیدر کورین ز بر صخره	مثال کج در یا تور دما دم اژدر التند
شاعر مزبور در حق تنبع ایدو تو نذکره بر سوید او همچون ارسال ایشدر	
غم اوش را تشنگ با کبی زرین افسر التند	صان اول ادر که برز منکات قدر زرد
کلور در قهقه خاکم کرد باد شوق فدا ایم	غبار اولست نم پای کمند لبر التند
نیم صبح کلر نیز اوسو کلشده دلداره	اولور نازک تنی از زده کلرک تر التند
کندر عاقل جاناکه عکس تاب رو بکند	اولور لعل کف سیمین ساغر التند
صافین الدن لعلت باز دگر مکر شمشیر	لمر سید ایدر اول بو بودی جادر التند
شوری بر ویاننده اولانیک شهر دندر صیر تنیک بر اداری اولان سینه چاکک بر با	
ایدی اگر چه او ایل حالنده مولوی اولونی مثال ایل هوا و مایل شور و شغب و ذوق	
وصفا ایدی لکن آخر عمر نده توبه و انابت و طریق حق مرتبت ایدی حق بتبارک	
و لعل قبول الله بواشعار مزبور که گفتار نذکره س غنچه سز نو بهاری سیر لر	
یار سز مرغزاری سیر لر	لوش ایدن لر می صفا بخش
بند زلف که چکون غیری	شوری بی قراری سیر لر
اولوید سلطنتی چون سلطنت با بیزید منیاده شهراده ایکن بخانی و طالعی و صنعی	
در دولت ماثر نده مجمع و صفا اولغین بونلرک شمع جمله بیروانه اولوق شوقی ایل	
شهر مزبوره و از و شعرا و سالف الذکر ایل منادم و صفا اولو شهراده نک	
دیواننده کاتب و جمیع شینیه مسفوره مانند تیر صفا التبدیر دایم و داب	
اولوشد اگر چه اشعاری مذکور لردن ادنی در لکن و اصل مرتبه معلی در اشعار	
صیفا سنگ ضیا و شوقی و کلی شیره نیک مذاق اهل عرفانده ذوقی نور شمع افتاب	
پر لعل کبی روشن و اشکار اولو صلا و عمل مصنف کبی قابل انکار دکل در یوا اشعار انکار	

بازن هلال شکنی طاق ز بر جد	اول تشنگ مشائی ایش مسوده
میخواره نک دعای نولا او استجاب	هر دم قدح دعای سین او تور بیر سیکده
یکدر دیر سیکای یوزی کون شوقی غنچه	بر کوزی شیو یلیدی دو کن فلک زده
گر چه یک وجودین عدم ایش کشی جوقدر	حال اهل ار اسنده میانک کمی یوقدر
در بغا حسرتم قالدی بنم سس و دی تمل	بو کون دنیا ده بو لرم بولم یارین قیامتده
شوقی برود نذر افتخار ال عثمان سلطنت سلیم بن بایزید خان طرابزنده شهراده	
لاله اولان شمس بیگ ال فناری به خدمت ایشکین شهراده نک معلومی و منظور نظر	
بجد و ر قومی اولشید بعد و وطنه مراجعت ایدو بعضی ال عثمان و صفا سینه	
تر به دار اولو معاشن ایچون بعضی جهت اختیار ایشیدی بو شعرا انکار	
دیر دم که بیاضه جبهه کیمسوی سواد شکل بودنی قاره کد خط مجید	
شیدا اب و هواسی فرخ فرا و ترخ زدا اولو بلدان جهان ایچره شهره دنیا اولو	
شهرت نما و مقروم مقام خلافت عظمی و جلال کبری اولان شهر قسطنطیه دندر معلوم	
عاشق چلبینگ شاکر دخی اولو مزبور ایل زمان منقلب کزل و دم گرم و بر درده	
فتشین و هدم ایدو طریق علی سلوک ایدو بو طریق خصلت دیده و نقل کشید	
ایدی شیخی افندی بن بیک بلا ایل ملازم اولد قدح صکره مننه شان و شانین	
و لعل دیده گلگشت فردوس برین ایچکه عازم اولدی امراض زنده و مملکت	
مبتلا اولو هر چند که معالی و مداوا ایدر کد فایده و بر سیوب بیک اول عاشق	
شیدا ایدو شی دا اولدی خانقا و دهر کوش عاشق شیدا و عالم ذوق و صفا نک	
زندگی سرو پاسی اولوب طرف ایل قرین و ارباب صفا ایل کنشین ایدی	
اشعار و افزیر کوی شاعر در بوا اشعار انکار گفت ز نذکره س	
زنگ بندین جو زوای مکنده ایصال کون یوز کردن کاکلک دفعه نیا صفا	

خوب میدان سخن چهره رفیک او از	شمسوارم سخن کند نازل الای صصال
اولاد و مردم شیدا یارین سو عهد آید کون	کون بو کون در اولد و زو یارین بتر فردا
کسیدن کوسررد و را بکارتت یوزین	کل طیبیم شتر اولد ق کور مککت یوزین
شیری نامی علیدر ریاض وجود بزرگوار از ما رضا بق سجد و شمار ایلد بر	
اولد کچور کوز انامدینه العلم علی بابا اولو زوج فاطمه بتول اولغا فر	
شیران بر شیه شجاعت اولاد لیران ایچره مرد اولان اللہ القاب علی بن	
ابی طالب حضرت زین العابدین اولمین خلص مزبور کند و باعت احترام بلشیدگی	
هر سکا و علی وزیر احمد باشانک اغلی در سلطانیم ماضی حریم خانه الوپ دره	
وجودی مهر تربیتی ایلد پرورش و سایه مکرمت و عظمتند غایشین بولون	
قبوچی باشیلغی ایلد صوب اغر سنجاقله امیر و والی و شفق لوار سعادت	
اختواسی قبه افلاکدن بلا و عالی اولشیدی اخر مرض نقره مینلا	
و میدان محمده بی سر زوبی یا فالده مصرده تقاعد ایچساق الوپ اختیار	
عزت و مصرده عارت هوا سببی ایلد بر پاره استرا ایلوب انده بر قاج	
پیل محمده اولد قدن صکر اخره رحلت ایلدی بخوق اشعاری فلک بلاکت	
همسر و میشه زار بر اعتک نزه شیری و عالم نراکتک بد مزیری اولان	
بویتی صیب کمالی و صدوق مافی البک اولمین هر بار تکرار ایدردی	
نجیف صبر دوندر آه و زارینه	کورک بنی نیه دوندر دی روزگارینه
اهلکن ایلد باشنه مرغ اشیا کسن	جنون کی بلاده کورک چون نشانه سین
مردم دکلی سنی کورک الدنه کی صفتن	ستیاد مالک کور و بن دام و دانه سین
بر بوسه سیند بیکدل جانن با دله	کورک کوشی شیر یابینه یارک بانه سین
دیگر بزه عشقن صتی سو ایکن جنونه	کم اولد حکمی تعلیم ایدیه افلاطونه

لا ره بین اول کوشه مهرنگ بگری حصین ناله کند یله بو کون کرد و نه

شیر بو کون فی نامی علیدر ستره دندر زمره سپاه نظر پناهدن در طر شیبست

خیال و سمت نراکت و وقت مقاله مفرد و بیبل طبع اچندی اول شامسار

دایما مفرد اولورد بوغزلی اختر ایه غای در **س** کورک کال لور غره دلبری

قیام بقبره جنوری صابری **م** جن بر اخضر کی بم شیل صور و جد لبر کبیری اباری

سحر دن طور اخشام دک شیر یا	اویا اویلی کلور سه سکا اول پری
اویکونر شش خطا سر سبز و کدای شوخ منگ	صقلان بولود در باغده تل تل منگ
ای غیبه صیقل او یکنونلی چقدی دک	یوه انزوی کی ای پنج اچدی دهنگ
شیر یا دانه اور نیوب تازه بر جلا چکک	باشلرله طونانور قلعه بیه دوندی بدنک
دمانک از رسیده کورن چشمه کی یا شی	دی بوق بیره طومش بر دنی قانکوی
باشنده او دینر مهر خکله کور دیر تمکک	او شوب پروانه لبر بر کلور نغمه بان
خیال خاکلردی بو بویتیا یله مباح ایدردی	قبرم اوزره او بک دم اولد شاید کلر
کم بلدن نیونکی بولغ طپراق دو کسین	و حیرت بکک بو بیتنه جوان پرش در
جنگ شاهی قزلباش از سر نادانیت	هر کجی دیدیم یکشاهی بده عثمانیت
حیرت گفتت یک شاه بی بده عثمانیت	من ای بیغم که ده شاه بی یک لطفانیت
واقع حال بودر کبیت مزبور فضولینکدر صتی حد والد ماجد جو اینده دیندر	ترجیح را فضی که تخت جو لولویت
حرف الصاد صابر حلب قریبند در صالح و صابر نفس آقاره سنیاق و قمر کون	
وعرق جبین ایلد کچوب طاقیه دوزی لکله تحصیل کفاف و رورش ایدر در کمال	
دینی مشایخانه در ننه کم بو شیری دین س ابر مز بقا کلر آری نه بو کستاندن مجین	
جانانه وصل اولیه جان و جهانند م حابری استنبولدر قدوه الواعظین	

اسوة الفاضلین مولانا عربک قزی اولیاد زانی مصطفی در محرقاضی ایکن
 غرقا برفنا عازم سال بقا اولان خالی عربتاده اندیدین ملازم اولونو منصب
 قضایه ضا و مرتس در حالادیا عربده یوزاللی ایلیه متصرف ربه قضادر
 قضاء و دلااة ارا سنده سخی و عطا ایله پر استهاره برنده اولور غریبا و
 و طرفا شو ایله یارغا تحصیل فضل و کمال علی الخصوص علم تواریخ و محاضرات
 قوی و انظار ایله و بونف حلیل المقداره علی خصوص تاریخ ابن کثیره خیار و زکاء
 فرج اتمیشر و حالادنی هر زمانده تحصیل علم و عرفان و تکمیل صحاف بیکران
 قصر عالیقدر کمالی تائید و بنیاد اساس فیضی مدام تشید اوزره در گفتاری
 و محفل و قضیه اشعاری حکم و حکم بلغمده مسجل در بو اشعار زبور کفکار بلور

دکل بو قوس فرخ آه ایله بنی است	بیل قرل تو تم جرحه اولدی بو سته
سحر بر طاس الوب خورشید کردود	کیدر در اشفا گو یکه اهره اهره
چکنی بر در یکد انه سینه به عریان	یوننده هر نسی واریه حلقه عمان

صداق ظرفای درند دندر خطی خوب و انار اقدام مسکین ارقای مرغوب
 اشعار مجوده کرده کند و خطی ایله مکتوب در خزانه اشعار و عین همین گفتاری
 شول صده کور در که میراثا پسند جاری اولغنه نهایت بونی و شوا اشعار
 حد و غایت اوق امر حال و محض ضیال در بر هر حال بو مقال انک در

بربت تر سادر اول نازک بدن	کوردم متیلینی کوک المنده بن
بقی سکا کوز قید و غنی کورد صبا یک	اندغی اهب اویدی مجلس شرا یک
بزم ایچره صفا اهلنی طوی غنی کلدی	صوبایمیدر نیکی مرادی نایک
مجلس طوب جکیز ایدی شیشه و صداق	یل زحمتی اولماسه ایاننده صبا یک
صلندر منی در سخن چینه سرو ازاد	عجمیدر سلیمان زمانه قولسوق بادی

اویتیز غنچه نیک طفلن دیو فریاد بیلدن • ایله ره کله بر توب یقینین یا منادی
صافی جوزی قاسم پاشا دیکله شتره دنیا در دیار مصر قاهره دن ولار روم
 طاهره یه قدم تشریفی ارک آیدن عالم ربانی و خیر صمدک واقف روموز قایق
 مالک کوز حقایق علم حدیثه مانند بخاری و مسلم جمله د عالم یاننده مقبول مسلم
 و شارق و معاریده مصابیح ذهن ثاقب ایله منور قلوب بنی آدم اولوب طویای
 غزای فضل و کمالی توفیق رفیع سند عا ایله معنون و حدیث صحیح فضل صریح
 کابر ایکن کابر متصل الکسناد و معنی اولان مولانا جزیری خدمتار نیک بنده درم
 خزیده و چاکر دست بر وریده لری اولغنه انت مرتوبه معلم و موسوم اولشدر
 مولانا جزرنیک اولغی محمد صلی که انواع فضایل و معارف ایله مود و احسان جلیل
 فضائل ایله موصوف در سلطان محمد خان علییه الرحمه و الغفران خدمتار نیک الطاف
 بیکرانید مالوف اولغین اول سلطان واضح البرهانک زماننده نشانی اولغنه طویای
 پر عنوان اولشید مزبور قاسم پاشا سلطان محمد خان عالی منزله تربیت ایتمکله مهر
 انافانا رفعت بولوب دفتر دار اولدقدن که ذات خورشید انار تی منور
 ایوان وزارت اولشید بعده تقاعد طریق ایله لانیک بیکر اولشدر شرمز بورد
 عمارت و جامع بنا اید اول انشاده دست اجل مزبور سر بر صیانت نغش نامه
 انداخته و نقش نشاط و انبساطی لوح چنانندن برداخته ایلیدی طویای
 شکر شکنی اکثر یا احمد پاشا اشعار بنی نتیج ایله کویا اولور و الحی اشعاری
 و سوزناک و ایبت بلا سمانک اداسی ضعی صافی و یا کدر بو اشعار اول صبح

سنگ هر دم کل اوزره تار و مار اولور	ترک هر کورده مست و غار اولوق ندن
که صفا حکم ایدر ملک دل کاهای غمی	بر خواب اباده ایکی شهر یار اولوق ندن
خط دلبر کیسی خوجون کلورش بازلین	صافی اینده دلده غبار اولوق ندن

کل کرم اولوبن یوکلک صاحبسون ای دوست صوق بر ایکن دانی اعلی سون ای دوست
 مثلا ادریس تواریخ ال عثمانیه وزیر سلطان یازید خان سنگنده یازید
 سوسنده زبان کی مدحیدر طبع اللک اوقش صادق مزبورک ملال وجود
 شهر بخر اددن لامع و بارق اولمشدر طریق علمده طی مسالک طرائق اولدو
 اتصاف فضل رانیق ایلاطوار و احوالی مرضی الخلائق اولان مرحوم غزنی افندی
 حدائق جناب برحقالقیئنده خوشه چین اولغنه قاید توفیق ساین اولدوقده
 میدان جهانده انشال و اقر اندن ساین اولمشیدی مرحوم مرقوم بیردن
 دنیا بی تارک و طایق اولوب عالم فنا دفعیح علیایق ایتدکده ملازم اولغنه
 فی اجماع شاهد مرانی معانی اولدو شمشیر و زساطح و غماقده کفصل علم و کمال
 طالب و عاشق حسن خطی اولغنه جوق نوادر و لطایف و حقایق و معانی
 نامق اولون کمال اید اتصاف نور صبح کی صیادق در بو شاعرانک گفتارند
 ایدر بر خطده ده بیک کزنی مقبول و مردود
 جنابون غیری دیر لایق کلم اولکن
 در رسک کیریک اول غنچه نکل کلینه ای صافی
 کلنجر عکس بر قیل کلاره شه سرما
 ره عشقده شهاب جو قدر اگر چه عاشق
 یار کلب رنگینه تشبیه ایدلن
 ای دل یاشمه جقدی بنم غنچه کلشن
 ای دل یاشمه جقدی بنم غنچه کلشن
 ای دل یاشمه جقدی بنم غنچه کلشن

اصلاح جلی دات بزرگواری بنده واراده میاننده جلال زاده دیکلر شهرت
 شاعر اولوب جناب فضایل کتری که ملک معارفک مهتری در مرحوم قوجه نشانیکن
 برادر کتری در سالک طریق علوم و رسوم اولدوقده معطر علی روم اولان
 مرحوم کمالی شاهزاده نکلستان فضل و عرفاننده خوان اخوان کسر و کبی

ازاده اولوب صنوبر قلب محبوبه نوازش و انعام اید قری و عفو خاطر فضل
 باران کثیر النیفک تربیت عنایت معرونی اید کشیده بالا ایکن صبا قران
 زمان مرحوم سلطان سلیمان خان فرمان فرمای جهان اولدوقده خواهر لری ضری
 الدین افندی قوابل زمانینی جمع ایدو ملازم دیریکه عازم اولدوقده زبور
 و وحی شریفه زخارف دنیا اولوب مانند تکرک اول سما فضل و عیال ترک
 ایدو نطق حقوق برینه کمر حقوقی میان دل و جانینه برک ایلدی بر حالون
 غافل و بومردن ذاهل اولدیکه رفعتده ایکن تنزل ایلدی عزتده ایکن
 تذکر ایینه ادرنه محیه ده سر اقیه مدرسی ایکن سلطان المجاهدین خاقان
 حمید محکمین و فرید و ابین شهنشاه خورشید تکوین و سلیمان بیکن مرحوم سلطان
 سلیمان خانک دیار کفار محمود بلغراد و روس و بودین و انکر و استانبول
 غزازی انت لفظ مغز ابعیدر لبذیر و تقریر بر نظیر اید حکمیر ایدو وزیر خرد
 مستشیر آینه عروسن تدبیر مرحوم ابراهیم پاشانک نام جلیل و خطیر
 نظیر ایدو انباء جناب معارف بحیری ایتدکده مانند سمیل کا اول کمال فضل
 عرفانی تربیه و مقال خورشید نو آرد باران بهار اول بوستان معارف بشمارای
 تمیه اید مقید ایدی پاشاه زبور صهره متوجه اولوب قرنداشی تذکره جلی اولوب
 کتدکده بوتاریخ زبانی دیوب مراد پاشا مدرسی جابزه المشیدی

حضرت پاشای عالی منزلت عالیجناب	حق تعالی عریقله دایما شاد ایلر
عکرمشور شاه سید کوب در یاری	ششیلن زمان دورنده برادر ایلر
ظلمه ویران اولان اقلیمی سمور ایلگه	وازد و اسلام اهلنی هر غمدن زار ایلر
یا تف قدسی بدی ریحین الهام ایلوب	اصف دوران عادل مصری اباد ایلر

بعده طریق ایل نامزد مدرسه علی پاشای عتیق اولون اول مقامده موقوفه

لا ینقی ایله اداره رصیق حقیق ایندکون کله مدرس صحن ثانیه اولمقل کلاه اعتبار
 شوا، یانیه بیرشدی مدرسه مزبوره ده ایکن خاقان مغنور سلطان سید مغنور
 فیوز شاه حسیب ترجه ایتمک ارایدو تمام مزبور صلح ضمیمه ایتمک بخله ایدی
 سمل مدته اتامیل موفق و مؤید اولوب اتخاف جناب بیگانه و اهدا بسته
 خاقانی ایندکده منجوق رفیق قضا حلیت بهای اعلی اولدو بعد شام بر ایشتم
 وقا هر طاهره حاکم و والی اولمشد اندن متقاعد اولدو ده جوارابی ایوب انصاری
 قزداشی نشانی بیک بنا ایدو کی جامع زیبا یاننده خانه و پنج ترتیب ایدو
 مردم دیده کبی کوشه نشین و خلوت کزین اولوب سروشان خنزار جهان فانیده
 دامن کشیده اولمشد اول ایشاده ایکن شهزاده شهید سلطان بایزید جامع کلمات
 اولدو کتابی ترجه به امر ایدوب بر خوای المأمور محذو و ترجه کتاب مزبوره شروع
 ایدو و خوی ایامده انی رفی اتمام ایدو شهزاده احترام عرض ایشد کله مرادو
 برای نه ایله انباء و اعلام السنو دیو اشارت علیه ظهور و صمد در فکشد مولد
 مرقوم مانند چنار دامن نیای غداردن ال کشیدی و مزرع ملک مصفا سینه
 تخم قناعت و انزوایی کشیدی لکن دانشمند زینک احوالی مستقام اولو هرری
 کوکتب تیار کبی تار و مار اولوب شریک ایشتم جمع و تتم اولدو دیوانی ایوب انصاری
 مدرسین طلب ایدوب یولی یوز اقی ایله مدرسه مزبوره ده افاده علم
 ادب ایشیدی بعده میل زخارف فانیه دن با کله قطع نظر ایدو و بهتر چی جسم بهر
 کبی بی نور و فرا اولو شنه نظر کسرای زجاجی سنی سبیل خواب و قتل ایدو
 مدرس مرقوم دن فارغ اولدو بعده طلب و مراد دل کاه ای اولو مرتبه فنا فی الله
 واصل بالتح اولدو ده چشم وجودی خواب اولوب عالم چنان کوزین بولمشد
 و کان ذلک مشهور سنه ثلث و سبعین و ستمایه اگر چه اداسی روشن و واضح
 ایدو

۱۷
 توصیف لایق و صالح اشعار و اردر کون اشعار د لکت سدر ایدو کی مانند فوج
 و منایح اهل وجود ظاهر و لایح در غنوزان بدل اولو جامع علم و عکدر که دامن منصف ال کله کله
 اخرا اولدی غصون کجی هو ایشد نکیر و
 بیر لکت انکامیدر ایشدی ایام سکون
 طایر قد سید دل اگدی جگر عالمین
 بن جهان سودا زنون جگدم ال ای مدعی
 بر کون اکاه اولدو کز دوش کبی کجی ماضی
 نیده بن ال بر دو کون بکانه نکیر و
 صو کبی دل طفلی اقر بهر بکانه نکیر و
 جیفه دنیا غمی دو نمز انکا نکیر و
 سر سر غوغای دهری ال بکانه نکیر و
 صالحی حالک نولور باری انکا نکیر و
 مرحوم مرقوم کمال با شازاده مرحوم ک اصلاح و ایضاً حاشیه می و استاد
 بشر عقل صادق عشر عالم ربانی و احد بلاتنا فی معلم علی اقا صی و ادب حضرت سید
 شریف جو چنانک شرح المفتاحه دخی حاشیه می و اردر حاشیه اصلاحی بون
 اصلاح و ارج ایدو که اهل علم و کلام ظاهر و اوضح در فی الواقع شرح المفتاحه منسب
 حاشیه اولوق معدو و بشر اولوق رتبه سنده عالیتر در و لهذا الی ان کز اولون
 بطریق سینه از ایشد کز غواشی ایتوب اولو کتاب مستطاب کوره حاشیه کز بر خطیر ایشد
صانعی ادر نه لیدر عطا ز زاده دیکله بر ایشتمار د کفیل معارف و کلام صرف قوی
 انظر ایدو ضبط قانون علم طب تکمله ضمیمه اعتبار بولمشد خدمت سلاطین
 و وظیفه ضواقینی قبول ایتوب بر خوای الکامب حسیب دکان اشریه و ادویه
 طیبیه ایدو کسب معشیت یومیه ایدو د سنه ثلث و سبعین و ستمایه ده خواص ادر و
 واقف اولمغه علم کیمیا به دخی عارف اولوق تصد ایدو کله بعض تدبیر اننده
 اولدو ده باشنه قیامت بولمشد که و انوا الکوکتب انشترت خو اسی اوزره اجزاء
 د خانیه کبر بنیه متفعد اولوقی که اکرا سنان و نواقب ندانی با کله متقط
 اولمغه بوجالده کند و به دخی عفو نسی تا نیر ایدو سرای بدن بو و جلد خلیف
 اولوقی

سلطان روح آنده مکان اینکه امکان اولیوب عالم مجرداته روان او شیده عظیم
 حرف و اقراص کلماتدن جمله ترکیبته وکی چون اشعار کیفیت حالتدن حالی
 و عاقل در کون غایتده خود بین و خود نما کند وی حکمنده ابوالحسنینا ب
 شوره فرید دنیا سماً بلا غنک بدر لامع و صغر فلک قدر نفسا غنک بانی نو
 صانع کجوری بر هر حال بو مقال انگ در

نه وارن بز و یکباش کج ز شگ صوفی بی	کشیک دوستی با بنده بود و تمن با عین
زین مایدر بر کجمنده خطاری نک سنگ	بر جو قوربت سائندر چاه ز نخذ انگ سنگ
اوسته در تره غنجه انور سته رک	سکوب انور دی صبا بر ک کل کلاری

صانع ولایه حمیده عصبه انور سندر نامی نمود در بوق محمد جلی میکل مشهور
 و غنک برادر کمتری در جناب بر فضایل و مکارم عالم و فی خلستان افندی خود
 ملازم اولو استنبول به یکی ای ایله شایخی مدر سندن موز دال یکین موج طبعی
 ایله منصب سندن منزل و عالم فنادن مکتب بقی منتقل اولو و همال حضرت
 خالق و صانع جمله اول وصال و امانی سته ایثار ایدو اول شوق و ذوق ایله عالم
 بلا به گذار ایلدی لایق قبول اولی الا نظی بعضی اشعار وارد در بوشو انگدر

ایک لعل صفا بخشکی دل خرم اولور	بر قدح می له کشی پادشاه عالم اولور
بستون لجره دلایا ایدیک فرمادی	ماله لرایر اودرم ماتم ایدو هر وادی
غم بجز کل جانم چه جسم ناه تو امدن	تنای وصالک کتیه روح رواندن

شاعر زبورک بر برادر کمتری از ایلدی علم و معرفتدن عاری و بری ایکن
 تاریخ و ابیات دیوب اکابر و ثقاة ویر و بکنلو ننگ قبعت و جملنی خواه و خواه
 اثبات ایدر در عجایب کلماتی و غرایب تر تاتی وارد در اعجاب حال و اغرب امیل
 دهر دنی و بی نباتدن ایدیکه بو مقوله کنه مراتب سابع و مدار سلایه مدر س

مطلوبه

او بوی برای بوسه و طرا بوسه پای کشک ایله قاضی و حاکم اوشیدی فی الحقیقه بو
 خادم شریع ایدن بنای شرعی مادم اوشید سلطان سلیم ثانی خدمتکنیک
 خواجیه سی عطاء الله افندی دختر سعادت کجری بعضی محادیم کرامه کفاح ایله
 رعایت سنت نبوی ام ایتدکده بوتارخی دیوب و بر مش در **ریت**
 اذ برای اسلا انوب جمع کردند و کمرت اولو اگر از وقایع و قوی سوالکن
 تاریخ او یکو کثیره خوب اول زماندن بر و کفخ زبور کنایه انوب میکل مشهور
 مذکور اوشید والد ماجد ولایت انا طولی به صدر عالیقدر اولوقده تا جم
 دیو تاریخ دیندر غرایب کجایته نهایت و غایت یوقدر تطویل کلام منقش استقام
صبا ادر ز لیدر تاثیر خلص ناصیه حالنده ظاهر و هویدا اولوب مانند باد
 بر ریده ارام و هیچ بر کوشه ده مقام ایزیدی سلطان با زیر هر صوم زماننده
 شاعر کامل و اشعاری دخی و جهده خارج دکل داخل در صوفی اوزره
 رتیب دیوانی وارد در بوبر ایکی اشعار مذکور ک گفتار نلندر

استهائیا کد قبح خون و ساله ایر مرال	سویسه بن اجله اغیاره ایرد سیر اصل
عین ویم لام کم چشم و دمان و زلفیده	دل خواص عشقه بو اوج حوقله ایلر عمل
لعل کجایشی کم اوج خالی وارد در کس	اول کمر نظر لاله قنده دروشش المثل
تا بیدن لرزه طوبی فی تن جانانی	تار غیرت کل ایدر اجرامی یا قر جانمی

صحب قضاة با بنیده حکیم زاده دیکله معروف در نامی مصطفی در صوم مؤید زاده
 ملازم اولو قدس صکره فله ده مدر س ایکن قضاة سلهک ایدو انا طولی و
 روم ایلنده قصب کبیره و کثیره به قاضی اوشید افر صوفیه ده قاضی ایکن
 صبح حیاته شب لالت اجل بدل و وجود صبحه کوشه ضریح مقام اولو کدر قدری
 روم ایلد صفا و مقارن اولغول زبوره نهائیده نظار و معاون ایددی صبح صبح

شرفایقی

افاده منتشر و بعضی مطالع و ایضا متبر اول شد بر بوی یکی کما شیخ اولاد سحر سحر
 رقم سیم شرح ایدر در دم دمان اول مانده قتلویچکانک زبان اول شد در
 سیم مکر که غره که تعلیم خانه در کیم چند را طبله دانم نشا ز در
 ویرد صبا به کاکلی دانگ کیسی باشند هوم زلفکی پیرانگ کیسی
 اقدی بر سه کوکل سو کوی یکم جو بیار اولدی شیم کسیندین یکم
 کوزرم باشی بکیر داکل خطک شهره اش و شجاک بونندین یکم
 هر قدمه پنجیک عاشق با مال ایله چوقوب اول طفل بیری نازمندی یکم
 صبحی خسته نیکده طینوب دیواره گاه و بیگاه چکوب ناکندین یکم
 بن شهید تیغ مرم تن غبار در بنم پرده سایم صورتی رسم فرام در بنم
 روضم اوزره او مرم روح روانم کوزرم باشی یکی کوز چشمه سارم در بنم

صحنی تو افرا حیاض و اشجار و کھنیز عیاض و انار و اشنا و انواع از مار ایله
 آینه جمال انار جنات بحری من کھتا الانار اولان شهر برودن صبح وجودی
 ظاهر و بیدار اولمشیدی با بسنه صبح دیر لر ایدی امام و خطیب خدمت مشایخ
 کھاردن بهره دار بر پر خوش روشن پسندیده اطوار در رهانا پسر توان
 اولو زمان حزان ایریکله بلبل خا مشوش لال اولمشیدی نه کم والد ماجد درین
 پیر لک ایردی علی شو و غزلد فایغ اول کلدی ایام حزان یکدی زمانی بلبلک
 نخلص مریوز فرزند هوتکندینه نلیک ایدر ورقبه وجودینی ربقه تعقدین نلیک
 ایتشد حاقصا صلب شهباده حاکم و والی اولان کمال بیک زاده نک مشیره
 انام عیسی اولدر که آغاز زاده نک اعاده سند ملازم اولمشید اول مانده مطالب
 امانی دنیای فانی زایل و اعیاد غوانی مرام قلاده خلود و دواند
 عاقل اولد و غنه عالم و عارف اولد قده میل نموات و ز فارقان مارب

۱۷۷
 و از روی نظر و مناصب تالیف و آیب اولد دیده باطن چشم ظاری منظر
 تلقاب کلدن چشم دوخته هوای فغضی عالم دیکده طایر و بصیرت و نظر
 سر بر مشاهد صور فانی دن کوز یوموب کجای جمال با کمال نکران و ناظر و لحن
 هوایله بر مقدار جوالی ایله نکر از روی محالی ایدر سالت تعینات جها و طایر
 تو صید و عرف اولشد و بویانه ایله بعضی مشایخ زمانه خدمتده دامن در بیان
 اولشد اول خدمت جلیلنگ اناری ظاهر و عیان اولدی که شارح غریبیت
 سلطان جها اولدی علم تصوفده کھانه اولمغه اکثر اشعار تصوف کونه و تحقیق
 ما بنیزده اولان جبل المنین خلعت و مخالفت حکم و متین و بنای سراجی هستی
 و صدق استوار و صبرین اوغین بوندن زیاده بجای مدایح اولان خانه
 بهشت اباده زمین ویرلای بوی یکی اشعار بوی کله کیر و سطر اوغینون ایش
 ایتدو کلمات و اشعار نند در بوزله نمانیده عثمانی بو کلماتی نکر ایتدو کلمات

حاجینه عظیم و مقیم عرفات	عرفانی کشتن مید هر از ذات و صفات
ز انر کبیه دل کرده فدایان و شکر	بردرد و نباشد بوسایط حاجات
دین و لطف و رخ حال که من میگویم	اصطلاح صیبت که خوانند باین موزات
در رخ همچو هوش خال سیه می بینم	تران نور سید فاس نشد از عالم ذات
سخن عشق فراست بعقل گفتن	مکر از جذب که غالب شده بر دل حالت
بجی زلف رخس صبحی همین از بر کن	سوره نور و دفان کل عشق و غدا
تیغ عشق یار اید جسم او سینه پر تکاف	افتاب عشق کله در و ز انک ف
اوس زلفکله ظاهر اولور دله مدام	راز سر سبه مضمون علیکم باشم
باشم شعیب رخکرنیچ او یکونر هر بار	بیزی یوق جو مهر کای دلدار

رساله بر کار و علم رقم ایتدو وصف با دیده بوی یکی ایل صیبات ایدر د

شاه هم قدر زید و صفت	حاجی حومه درین ملت	اطل حق حامل نور عزت
افتاب بحر امنیت	خوشناتی در طلب حکیم	نقطه وحدت است کرد و نیت
<p>سبزی استنبولده سلطان محمد خان علی رجه و الغفران جامعنده حافظ کتب اولاد منلا عربک اعلی در نامی عبد الرحمن در فرسده تمام مارت و انواعه واق شکر تحصیل صرف وقت ایشیدی خزینه کا تیزدن اکن بغداد ده محاسبه جی او تو یکرمی بل مقدار آنده اولو بعد در دو کلوب نیچ بر کذا رجبوب ضیعه در ام دینار خرج ایشید آخر ملازمتک قدر زهری ایلا استنبولده طور مقرر در صبری قابلیتی بنه بغداد کید و اول در اسلامده توطن مقام ایشیدی بو شو انکدر</p>		
سوی نوش ایدم شراب ناب ای ساقی	طوره کرم ایت ایلا شتاب ای ساقی	تا کم حقوبن باشه شراب ای ساقی
در طریق عشق بار این تن خاکی نهاد	آخر عشق توای شوخ بلا از پانصد	و طبعی معایب چسبنا او غمخیز نیاج بالی مشکاکت سندن نیچ سماظر ظاهر و عین اولمشر
بو گیت انکدر با	است احوال ما از مشکل	بسته زلف یار باد ادر با سیم
خاک راه شنی که اوردی	از بی تو تیار برای منش	ای صبا کاکلی مکن بر خضر
بجو سر به بدیده در کشن بلال	زخم تیغ ان نگار بر کین	از بی هم نموده بر سین
<p>ومولانا اهل لیک بو مطلقندن عارف الهمنی است حاج ایشید در آخر ای خونریز من یکدم بو کوخو از بی بین چشم رحمت باز کن سوی گرفتاری بی بین ضری نامی احمد در غلطه دندر ابو الفضل افندیک بوستان فصلنده تفک و تله از ایدو خدمت پر برکتندن تعلیم و تلمذ ایشیدر کلتار و بنده سبزه خفا در لوبی ظاهر اولدین قدم مثال حسن حفظ قادر اولمشید بو فیه ضعیفی کوشش و نظم اخبار ایداره تمام ورزش او زره قابلیت شانی دار جو اند حضرت حق کفیل کالاتر بعد در خج توفیق</p>		

بوغی انکدر

پیش ایشید تیریشین باشه هجرت کو کون	اکثر بو سر کز شتی باشنه طوقین
کج بقادن بر نیچ جاک کرینا ایتم	صدار یور اول لبری قونینه الودیر
عاشقک اینه عالم غادر دو ستم	ساده روز وجود را ما سنده عالم واد
چهره جگر غمی زرد ایشید بکدر	شمدی بلام در بار مایل و نیار در
عاشقک تیغک یاوز یوز کو ستر	بریا لک یوز لودر اما قاتی سرد
خاک راه یارده جسم بنم	بکوز اول رایه الا اور تابه کرد
<p>صبوحی عبدی ظریف دیکله معروف در قرمانی در نامی ایشید در باباسی دیار بجندن جوت ایشید در حوم بحری قاره جللی ایله قرابتی وارد نظر افندی شهر دنیا اولاد قیدی طرف دندر حوم سلطان سلیمان خانک خواجه سی اولاد خیر الدین خواجه دن ملازم اولمشر انا طولیده کنارده مدرست اولدقدن کبره قاضی اونو بعلبکده قاضی ایکن ایشید او ای الله دعوتنه اجابت و صوران خست ایل لذة لذت اربین باده سندن صبوحی ایتمک نیت ایشیدی متقضای نظر ایشید در یوز شوه در خج صرف صمت و بذل اوقی و ساعت ایشید در بو شو انکدر</p>	
کوزر کدرینه اکلنجه سی بن خردونک	مونس هندی اهو یار شور مجنونک
بن آه ایدرم خلقة دل زارک اندون	اغلاودنی دیدنه خونبارک اندون
غبار خاک رهک توتیای دیدمدر	خله نکل غمزه سنگ حضور کیندر
رخکده خطکی کوریم غم اولور افر و ن	اگر چه سبزه واقر صودا فرغ غمدر
چرکسه عمر عزیزم فغان و ناله ایل	صبوحی غم بجه بوده براوزک عالم در
روح ساقی کورای ساقی بزه	که کوکل مشکلی صل ایدم
اک کله در دل جان محنت دن	بدن یا تحیل ایدم لم
<p>صدرا نامی بری در توقی زاده دیکله مشهور اکثر وزرانک مجلس صینه حوم</p>	

و هر برید اینست که کینوب کابر علما و اعظم امر او وزیر الیه صحت الفت اید و
 سلطان بایزید خان زمانندن بر و اولاد انضام انشور انک کتاب کبی نظر عالی
 نصا بلندن دور او لشدر و تیر مثال اکثر امر انک خدمتده بر تاب اولوب
 شمشیر و ش یا نرند قطعا ایرایش کچر دی اول اهلدن بر برینک احوالنی
 ضبط اید و اقلی تاریخ و حشر نشیء تواریخ او شنید کند و سی حکایت ایدر
 یلاق مصطفی یونس پاشا بنج سین الوب وزیر اعظم اولاد ایاس پاشا اول روز
 بهشت صفتده دعوت و ضیاء اید و کی مناسبتده بوعتی دیدم دیوم با ما ایدر
 صونه رقیبه غنجهکی ای سیج دم کافر اینده دو تمسک اول سب سلی
 و اول بانک قمرنده شکر اولون بقطعه دخی انک در
 بو کوشی کلوب بونده بزینا ایدک قیوب کیدنظره سلقده بردع ایدک
 وفای بوغید و کن بو جهانک اکلمشتر غرض انا بونبادن بونی رجا ایدک
 که بز قیوب کیدیک بونده جمع اولان دعا عطا ایدر کر که بر خط ایدک
 صنعت رطبه دهار شول کلوا ایدیک نقطه وفا خارج قلب بری بکران خور
 او بوجعت عشاق بر طریقه داخل غنجه وصال و بیت فرصده اجتماع و تقال
 ایتکمال و هر آن بحر و ملال ایل حال شکوست و اشکالی معکوس عقده اوانده
 دایم انفصال اید و کن بلورده حق بعضی نقادن مروی رک بر کون کینه فریه
 رمل اید و زو اولدنی راجی جزوب اشکالی بر لورینده دیزد کده خنده نمان
 اولو عمرده بوقوله نیت ایشتم دیو هیران اولادده شخص مزبور کاه کل کی
 سرخ او کد و کاهی نغش کبی جرتدن سر فر و ایتدی کن ما فی الضمیر نشیء بلور
 اظهار اید شخص مزبور کیتد کدن رمال غور دن سوال اید کلانده غور تم روسی بر دیو
 نیت ایشتم اولید دین فی الواقع ضعیف و انقد صدر کبی نظردنی غایبده در شکر
 انکدر

دل کور سه یوز و خیا لکله اکلنور	بجران شبنده فکر و صا لکله اکلنور
عشاقه جور ایلد حال کدر ای صدم	افتاده لر اولنج بو حال کله اکلنور
مهرد ما هی نیز اولاد استلای عشق	باقدر قی سا که حسن و جمال کله اکلنور
<p>صدر صدر استنبی در نامی حسین در روم ایلی صدر او بو مغز اولدنی افندی دن ملازم اولمش در استنبولده ترقی اچی مدرسه دن مغزول ایکنه نشت و تهمیه ده دیاض رضوانه دخول ایلد دست ایشل و اما جاید ایلد مکتوب اولان ظاهر و رسایل دن جوق فواید جمع ایلکده سفه فضل و کمالی بر مو اید اولمشده حیاض ایش فر او کمال مال ایتدی و کی اسانک بعضی حال دن حال کلیدی بو اشعار انکدر</p>	
کر که دروس کر که دریش کر که شاه جهان	سخن عشق اولاد اول نغده امان
کل بر دستم دیو کلا اور ایله شوشت	هر ند کلوا اولور سیک دست بر بالای دست
<p>صدق استنبول ندر یکچر برون اولو این مهود کر اوزره یا یا با اولد صکره در کاه سلقه و و شکر ندر اولمشکن غرایم و دعوت جبه مشغول اولد سالک وادی غریب اولوب ان نیتی منج و منقود بیک اول طایفه دن معدود اولوق مرتبه سنه قریب اولمشده اول طایفه دن انقایل غیبه واق و دل غریبه نقل و روایا ایدر اگر کله تنک صدق و اریه عجایب حالاندر اخر چا و و لقلان فرغت اید و برقد ارتیا راید تعاد اختیار ایتدی امر دعوت ایل مؤف اولقدن مقدم شوه ضعیف مشغول و مشغوف ایدی بو اشعار انکدر</p>	
زلف نگاری باد صبا تار و مار ایدر	اینجی تکلیت ایمیمن روز کار ده
سودای زلفی ایلد قرار ایتوب بحر	ایکدی نسیم قافله مشکب اردن
<p>صفای شهر مقبول و مرغوب لان غنجه سینوب ندر طریق علم سالک اولوب صدق تحفیل و اکتسابده ایکن مرحوم سکندر پاشای ایش ایتدیه طبع هوایی</p>	

دائرة مسعود که در بروج است
 در آنجا سوز و کور و زلزله و آتش
 حال صیقل و در آنجا کوه و دریا
 بافتن بوقصه مسعود او را در
 سفر او را در آنجا بوقصه مسعود
 فرزند او را در آنجا بوقصه مسعود
 کوه و دریا و در آنجا بوقصه مسعود
 اگر چه آنکه او در آنجا بوقصه مسعود
 برودت عزلی است که در آنجا بوقصه مسعود
 نقل کرده است

ذوق و صفا قیوب سلوک طریق علمی که محض مشقت و عین عناد و اختیار آید
 ضعیف مگر در احوال و پریشان اطوار او شیدا او کار در صوم کند و پاشنگ
 زبوره در و در باطن او لغین غلطه سمند و تجیل التند بر زاویه بنا آید
 متین صفا به اشراط ایگدا او مقام صفا هم آید خدمت شیخ اید مقید
 و قلا ده خدمت آینه و رونده اید کردن در آنجا مکتب ایدی اول زمانه
 اکابر و علمای و شعرا و اهل عرفان که در صبی و مجیری و تفرجگاه سیری بود و نگار
 او لغین زبوره چوق فتوح و تدور حاصل میسور و لوردی اگر چه سخاری
 صفا به منسوب در کج صفا سی با کله منسوب در **بوشعار انگرد**

شاه به اسیر ایلدی چون کم نیمی
 بنی تقوسم آنگه قیوب جان روان
 سروک کیمی از اده ایم المسته نده
 طور سوز در و نلا وجود همز با آتش

صنی لطیفی قولی اوزره قلمونیدن بیدار او شس بجانی صنویسی تکلیه آسهار
 بوشعار سلطان بایزید خان او غول لادن سلطان محمود مغنی ده شزاده ایکن بجانی بیگ
 نشاخی و طالعی دفتر دار صنوی دیوان کاتبی ایدی صنی صنوی مزبور اول زمانه
 اما نیدن خایب خاسر اولد قده بوبت بی نظیر مشرق ضمیردن طالع و ظاهر او شدر
 صنوی قولینی نیز او کار در بجانی بیگ آتاییده مین که طالعی ایتمز معاوت
 مرحوم بجانی بیگ وفاتنه کند که بجانی های دیو تاریخ دیشدر بجانی بیگ کنه
 چوق زمان کچمدین صنوی دخی کشتی عقبه رما بوت اید عقبه عالم عقبه اول
 اولد اشعار نیک چندان استهاری و خلق ایچیده استهاری بود در کجانی بیگ
 نرف صحتی اید بجهن اناری و ابیا غت اطواری وارد در بوشعار انگرد

باشلی کوزوم زلف سیه کاره کورند
 سکونت دیر لیا کولم هوای عشق ایدر کیک
 ای مرد کشتی سونیک قاره کورندی
 بری او فکاد و غم استر برسی خیر خواهمدر

بن جهانم آنکم سلوک ایق قالدر دم
 جانکی و لب جان کشتی بزرگ ایدی یار
 ایدی ای عم جیک الکند فی داما ندن
 ایدی دیردی نینه اول روح و جان

دل غم بجز یار یله بکنور • مقفل انکری بکنور • کینور ار لکله عالمده
 کیمکه عشق نهار اید بکنور • نقد اشکبدر درد الوصنی • ضعیف مدبر بوکار بکنور
صنی بلدان روم ایچره اسلامی قدیم عشق و لغه منش و مصدر اصحاب اید
 تحقیق اولد شهر از نیکند در بود فی اول عصرده کلش و الالمان کیمه بکنور

قدینه کوره سرو یار شس سن
 نازک دکلمیدر کوره اول ملاقا
 الکرک انده قالسون ای نقاش
 مجلس کورتر کجا اغردن اشرفی

صنی سکندر پاشا اوی مصطفی بیگ دیکله مور ایدی سلطان سلیم خان ماضی زمانه
 سنجاق بیگی ایدی صتی صحرای چالدرانده مکر قزلباشین بد فعال اید تلاق
 صفین او بولوش قتال و حله جنگ و جدال انضام و اشتعال بولد قده ماکر
 اسلام و ایمان که شمعان یوم اتقی لجمان در رسو لهامانی اول طایفه بد
 انداز و بیغام ایچون ارسال ایدر کرد قطرات پیکان قوس فرخ کماندن اول
 طایفه طایفه بد کمانک او سته باران اولد قده چون خون جاری درون
 بیرون نندن تمام کوه و مامون رود او شید نهم ترک کان کرده جاناسیوه
 نشاخش کنان تیر بر هر کوه قوت و سلطوت جنود منصور نظر شاه مغلوب و غور
 اولوب اکثر سران شکر و تقدمان مقدمان عسکری مقتول و ماسور اولد قده بقیه
 اتیف اید شاه ظلم و حیف قراری فراره تبدیل اید و کانه ممر مستنوره قوت
 قسوره فو اسی قصه و قه حالری اولد قده امیر مزبور که شجاعت و مردانگی
 و نطق میدانده نهایت فرزانه کی ظهور اتمکین شهر یار نطق و منصور بایسته
 مبارکی اید نکر صوقوب سنجاق کجا است ایتمید بوشعار انگرد

امیر انگرد

کل رضو که لاله اکبر اولی است	بفرزنده انگ نیر ایدی داع محبت
با که رغبت سا که نفوت و شیرای زین حال	سند که حسن نهایت بند عشق بر کمال
<p>صنی مشهور نامی محمد در خضر و ارباب زیاد قرار میگیرد لای و حسن صفاتی در کسار اید و بر و بگردن گذار ایدین مسافر و تجاره امداد و اسعاد ارشاد ایدین شهر ستوده اطوار کلیه بیدندرقضاة طرفندن بعضی منایه کاتب و ناظر و اخصه سینه معاشه قوم و ناصر اولورده حق که اشعار بل شاعر نیک انوار معانی می مانند افتاب نور آروشن و سواد مشک سالی عهد الفطوح و فی خط و خال دلبران پری مثال کنی نازک و سخن عمود سطر و نظم بل غایت نظای حسود عقود در خوشن و عصارت مبارک منبوط اب حیات و مکر روان اولی اللان در بیت القصیده کتاب و حال مجریده خطاب اولدر که اگر بر مرتبی عالینا به بر مقدار انت اید بر ذات کامیابک اینده رتبه و منزلت اکتب ایدلای جوق شاعر خجی خوشن اید نام اکثر شعوبای فراموش اید و در سستوار بر و مک میر و الا قدری مرحوم ساح امری بر ایدیکه جمله دیوانی تنبع اید و مقید اولدم بر بیتین بولد م که تصنع و خیال و بلاغت و کمالدن خالی اولو اشعار انگ در</p>	
فنی عاشق که غبار ره جانان اولمش	تختی بل کورر کنیدی سلیمان اولمش
صلزندان بجه قولترین اولوش	قیامت شور قوشین کز یا خود او سده میر
دشمن پوره که نایک بغایت یوفه در بوش	کم اگر ای لب لار دیا ایدر فریاد و افغان
کره یوسف کوزه لم حسند سلطان اولدی	دم اولدی بوجه باشنده زندان اولدی
ای صوفی بزه بیغندن نظر اولسون	نگه هشتی شیخ سینه اسوار اولسون
و اعظ قور نسیم بن اگر رهنه کتابی	کافر قوشنده بولین جام شرابی
ابر و روکی کوره لی بلدی ای بری	دنیا بی قیام بوجایه اید و کن غیب ایزلی

۱۷۳

غفر و نیر لبین گو که غنی ایدی زلالر	قان بودر اول در دل بر دخی بقدی لاله
بر جامله قدی بنی سینه جنون	بکز که دلا ایدی شراه اوکل افسون
احی سر و خوبان سنی اربابی اربابی	قان در لبوبن بقدی ایدن می کلگون
ختم ایلین ای خواجیم نصح عشق	و التبیده که او قوشن ایخنی انی جنون
سیر ایگه سن سانی ملک کچی کوندر	روز نرا چر اید کوندن سینه کردون
خوبان کلام اجره بو کون ایدی فتمده	ای صنی قنی یوسف شوم کیمی موزون
قسمت ایدیکه عقل و دل و جانی کوزنر	گو کلم سگاد و شندی بنم ای روح مصور
بومنی ده غزلی افسندی دیشدر	قسمت ایدیکه عقل و دل و جانی خوبان
دل پاکیزه و شاد سنی ای سر و خرامان	ذاتی مرحوم بر مرتبه دخی اعلی دیشدر
ایشدک جمله خوبان خطا دن ارضان کل	اولوف مشک چین بشدن تکار کبانه شمشیر
<p>حافظ انگ بل میدان سجاده جوق جنکی اولمش در جمله دن بونی دیشدر</p>	
حفظ انگ امامتده قصور بود	پایه اولدر در سجده اقصی بود
خلق بظلم ایدر یوردر بر	برایکی دفعه سجده داردم
اهل صحت بوی کلب اغاز ایدیکه یک	عارفانه دید بیلر حافظ لنگه کی ویر
<p>صنی با حسن ملاحظتی جبال عالی و شایخ ایل استوار و راسخ و لطف آب و هوای حکم کلشن سبابی ناسخ اول شهر بر و سادندرنانی صبح الله در بابسته مولدی صا دیر بر بر شهر و رونم کنه ایدی معارف جزئیة ایل اتصاف صادق آواز خوب و خط مرغوب جمال رائق و حسن فائق ایل بدر لامع و شارف منظر صبح حشر صانع خالق ایدی صتی بروده جوان شهر آشوب و سر دفتر خوبان ملا محوی ایکن عاشق چلبی اول زمانده شهر نگر دیو کندوی جلدن مقدم بیزدی و طبع شوخه ملایم و موافق و امیجی واقع حال بو قطع ایل ناطق اولمشدر</p>	

برود لیری ایچون	المیش بین بر کتاب نجیب	شویله سواد او شهر انگیز
درو دیوار گلرند ایچ	لوقدم اول کتابی جلدتانی	لر نقصانه سوا الترتیب

صاحبی امیر مرموده دانمند اینک مرض طاعوندن سبلای الم نمون اولوب
 درینج صیف که سوز نوجوان و محبوب نظر و مثال اینک خاک نبرده پایمال
 اولوب اول بلبل نوساز باغ کمال نجیب بر شکیه صیاد اول دن تفریط
 کنک دلال اولدی اگر چه شعار ساده و کثاده در کن کلکنا ضمیردن خوش تارنج
 سرزده اولمش در نه ده مجال کورسی سن روح سلطان ایچ تومر ایتدیکه دیشدر

بیلر ایل اولو جوسر مدید	رکذار فناده جای سورا	ضرب پای زمانه دن
کلکیدی بی بر نس قصور	ام شاه جهان پناهی له	یابدیلر اکره قایدور
کوریک صنعی انی بولور	دیدن تارخین اولوب	ایچ وافر دیزوینه اول

چرویرانی ایلدی مهور هر صراعی تاریخ در مرموه سلطان سلیم ثانی شهزاده ایچ اواما
 چقد و غنیه دیشدر هر صراعی تاریخ در لوی عدل شهزاده ویزو نور قرانا ایلرینی قلدی ایچ
 هندی روی بلدان و مالک خال نیک اولان شهر لیکدن اربابا تیار دندر تیار قلندرن
 اول مقدار سنه حال اولوب خوانه ضمیرنده در انبار اولان کلکول دخی مرتبه قبول
 اولمشدر بولور انکدر سه قیوکه حلقه در اوغراعی لقا نه نو ایلدی زلفک کیمی قدیمی دوتا
 صنعی بر سه دندر سلطان محمد خان ماننده اولان قدامه اشعرا دندر نقاش صنعی
 ایدی کلک نقاش اشعرا رنده صورت لقا نایا اولوب رسم و تحریر ایتدوکی کلامه
 حالت ملاحظه و میان اولمشدر **بیت** سنبلکن هر صرباد نشان اصمردام
 بیلورم آفر بولورده جان اصمردام صنعی نامی صنع الله اولمشدر خلص مزبوری
 کند و به شعرا ایتدو حمید ایلنده یواج دیکله اشعرا بولور قصبه ده بر شیخ صلح
 انبارک اوغلیدر طریق علم ساک اولدو که مرموه مرموره با والدین زاده

خدمت پر افاده لرندن استفاده ایدو روحوم مرقومدن ملازم اولدو قند
 سمیت تدریعا زدم اولمشدر حال اقرق ایچ ایلر با شیخ ابراهیم مدرسه حدمت
 تدرید ایدوم صحبت اصحی فضل و کماله دایم وقایم اولمشدر کوردن دل جان کلاما
 عرفانله بر قلاید قلمشدر بوبرا کی اشعرا بولورکله تحریر اولمشدر اصیلا رشدر

سر کویکه مستانه دل انکار دوشدک	کوتور یردن انی ای سرو خوش ایتدو
خلص صیت بر سرنگه طبعیم ایلدر	بولکده جان ویرن افشاده لر شماردو
کوردنر ایتدو آتش برت اکلرانی جانا	رخ کلنارک او زره لطف عنبر بار دو
قرمش کیمی عاشق بولنده خاک اولوب	دوشور مرار بره بیج سایه دلدار دو
دیدم دل رکمنده باد هم بر مکان	دیدن اول سرور و زمین انکار زمان
چقان تیخاله لر بر اولوعل دلسان اوزره	صبا بکوزی کیشا شراب از غوان اوزره
شب غمده کوزی کوکلی ایلور صنعی زارک	صبر لاله زلف لاری کلنار کوردک

صنعی نامی صنع الله در خاک فرفوت ایلر ایتدو اولمش بر در و مند بای امیدی
 دامن قی غنیه کلکش بر در ویش مستند در نیجه زمان آستان جلال اشیا
 تکمیل اداب طریقت و تحصیل اصفا موفت ایدو صلاح دخی صبا غرق و ایل دل
 تاهذیب نفس و کسب معارف ایچکله مشغول در بوبرا کی اشعرا بولورکله تحریر اولمشدر

تیر اتم کرفلک بولاد اول ایلر کذر	اول جفا کار کول سنکینکه ایتدو
مرد چشم سنگ موی میانک کور مدی	بولغینک انک کیمی بر مردم صاحب نظر
افتاب بی نیجه ایدو هین ماهی سنگ	کم او حسنی ای یوزی کل غیرید انور
نقد جا یو تکه فرج ایلر صنعی دیمه	اشته غم عالی بولورکله اولمشدر

شمع مثال ضیا بخش چره درو و بهت سرور و نشاط قلب مخرونی اولان علم نام
 جوانی و نایب دیکه شمع کیمی یانوب یا قلوب اول بایک بار بجرانی نام

یا قیوب فوتسه بوتاری دیندر مصر اول علینگ روضه رحمت
حرف الف ضعیفی در صوم سلطان سید خانک اوایل سلطنته ظاهر اول
 سخواد نذر بوابیاتی کم ولایت رت و ذم دکل در

شمشاد قد دلبر بوستانده بنز	زیر انمال طوبی باغ جنازده بنز
دیدم نیجون آبی سین بارود فادان	کلدی دید یک میوه سرور وانده بنز
جان ویردوم یک یوکنده ای زه کل نهانی	ایکنده از کورم جان بوستانده بنز

ضعیفی لطیفی قوی اوزره ستمو نیندر نامی محمد در علمانک صلی الله علیه و آله
 علماسندن در دیوب مچنده ضیام اطنابی کشیده اطناب اولو تو صیغه
 ناییده تطویل و اسباب تمیز لکن بزور وجود ضعیفی اولد کلونا بود و خیف
 اولشدر که نام و نشانندن اثر ظاهر و عین دکل در بود کلومدح و شناسین
 ایشیکن یند اتارندن بقطعه بی مزه و بی صفا سین باز مشر

سعاد قولنه صفا لکظ	انکار زور کوی ایشیک فظ	نه سحر اولور عزت
بعضیر اتلافه و فلاکت	کشی سحر کرد دولت بوی	کدر ارقا قیوب سلطان اولد

ضعیفی بونک فی نامی محمد در روم ایکنده قرطوه نام قصبه دندر طریق علماسک اولو
 مرحوم مفتی علی جلین ملازم اولو سمت تدرب مایل اولد فادان کزه از بنقده الی
 اچی ایله منصب تدرب نایل اولمشیکن معزول اولمشید شیشه رت قلب صفا بیه سنی
 عزل ایله شکسته دل و بونزل بسبب برتعب و نصب منکسر و منقلقل کشیدی بی
 زمان فلک و ذلت عزل ایله سرکردان اولغین ناچار الی اچی ایله تقاعد اختیار
 ایدو اوقاتی کسب کالایه مصر و واعنه عربی جانب عباداته مطوف ایشید
 بر فوای خلق انسان ضعیف کند و بی بر و ضعف نسبت ایدو کندن غیر ضعیف خلق
 دخی وار ایدی اگر چه کله شمشاد ایشید لکن حقیقته همد علم و معرفتی بجه

شوی ساده قید تکلف و تصلفدن ازاده در بو شهر نزل کوه انکدر
 کو کلک آشناسی دلبر چک | کوزارم رو شناسی دلبر چک | برایکی اوج اولور بجه بجه
 حایه دت اولک دلبر چک | اه بر کون ضعیفی بجه سندن | کلوب ایله قلمی دلبر چک

ضمیری ناطولیده کانغزید ضعیف در آن صنعت رطله معقول جهاد سلطان سلیم خان بزرگ
 در حیاتی ثابته و برقرار و اعده ارکان عربی قائم و استوار ظن ایدر کن
 طالعده صور انکیس ناطولیده بوجت خانه جهان دن طریق فنایه و اولوب
 غارم عالم جنان اولد بوطولقی ایکنده مشهور و صحیح قلوب اسده مطور در
 قور قیه صراطیل بولی بجز زوا غلط ایل کچد و کی کبریدن بزده کچر زوا غلط

حرف الف طالع طلوع وجود معارف نمونی و طوع افتاب بکلام مشهور
 لطیفی قوی اوزره قسطو نیندر لکن مرحوم عاشق چلبی غالب مغیب دندر دیندر
 بخاتی و صنع ایله معاصر بری بری ایله و ایامت عده مصیبا و معاشرا اولوب
 ادرارنده مجلس استنده ساز خلعت و طهت مدام دایر ایدی سلطان محمود شاه

ایکن بخاتی شایخی و طالعی دفتر دار ایدی عده شهنشاده مزبور غار غروردن
 برای سرور او بچی بخاتی کلوب در شهر یارده تقاعد اختیار ایدو طالع طالب
 رتبه و عنوان و مثال دست و عزت ملازم ارکان یوان اولو بکچری کاتبی
 اولغلامتال و قرانی میاننده عزت و شان و عنوان بویله بوطعه جناب سلطان
 سلیم ضایه صفا بده معقول هفتون اولشدر **ککین** اولد و عی بو کچر نیک

دایا سیف طبعی بلدر	صنار در کرب نغمی ده چو	بوق ضرور نفا فی کله
بختی کورد ربو کون بون	قنده وارر طالع بلدر	کتاب اولور که قطعه مزوره

مع سلطان عادل و اول او بچی اول طایفه اماسیده و زرا اوین صید قلنده
 بید می ایشید بید کده خوف و خستیدن مثال بید لرزان او بون الی مغلوب

حکمت ارتعاشی است که طبعه امکان و یقین کتابدن فراست اید و پای عزالتن
 دامن قناعتت چکد کردن صحره جوق زمان کیوب عام عقابیه و ملک بقایه وصل
 و افتاب وجود و کوب طبع بهبود غارت و افلا اولدی افق ضمیر و مشرق خاطر
 مرتوریندن افتاب بلاء طالع و رق و کواکب ثواب اشعار را اینی
 لیبالی لغت و زانگنده لامع و بارق اولاشورای فایقند زبوشو انکدر

زلفک قواجی خال و خطک غرت او نرلیسی	بریمیر کلدی تمیش ایکی ملت او نرلیسی
صافی نمد کیوب کلور آینه ورتو کله	نیلر ننگ یانگده او بر صورت او نرلیسی
کوره طلعت غراسی اول بیکرک	جوری بتدی کنگ یلدری دو شمشیرک
بادیل غم و غصه دورانی بصر لر	ایله از نرقغان ارسلانی بصر لر
سورمه ایگ توزینی میدانه چکر مش	توزر ایکی کوزم ایچون انی بصر لر
ای دیده چکر قانی طور فرین از ریس	بکرز کینه یاره کنی نام یزر ریس
ای اشک اگر یوشده سین کولکنی یارک	عالمده بو کون کله مرمرده فرز ریس
وصف ایلر کین حسن رخ یاری رقیبی	اینها را کاین دیم همان بیعی یوز ریس

سلطان سلیم خان کوه یکسینه عشرين و شمایدده اهنک قلع و قمع قرابش اولمیش
 بو تاریخ بی عدیل و قرینی دیوب مظهر احک و حسینی اولمشدر

طوبور ریس طوری است عادل	یوله کیر زادیله زوادیله	عزیزه کیر بی دو شور
حد دن اندازه دن زیاده	تاکه عالمده اولر تاریخ	شاهی مات ایل کل بناده

طایفه کجه و لایتمین در راجی و عامی کینه در شمرنده قطعاً علیا یو کین طبعی ملج ایدو
 بو طبعی نیش در بیت کورد در فیک خط و ابابجه بجله ملک ختن یولتارینی آله خراج
 طبیعی قلبه ندر قن طبعه اشتغال ایدو عمری نهایت و عملی کمال بلدین حکیم
 دانشمندی اولو قانون معالجه مرضایه واقف و قاعده شفا و ضروریان بلایه

غبار ضابطه اسباب و علامت ادوات و حاکم فنون اختیار معالجه ایکن مبتدی
 الممت اولو مرض اجلدن شفا و نجات بولدی بوشو انکدر
 می رفیع او یقین بر شش کربن استرخی خلق ایچره طبیعی بودر ایلی شکر ایکی
 طبیعی اشتب زاده دیکله معرف و در قاضی مصر ایکن غرقاب کرداب فنا ایله
 و اثر اولو مرحوم عرب زاده دن ملازم اولمشدر بعده باباسی مدرسه کسیده
 مدرسه اولدقدن صحره سالک محبت قضا اولمشدی بعده عازم عالم فنا اولدی
 بابا کابروا عین قضاة زماندن در طبیعی کور بر کوی شالیق شومنده چاشنی
 صفا ظاهر زبوشو اشعار انک مشرق طبعیند طالع و باهر اولمش در

ساخته جبهه میس ایله روادر	دور گده شمایین ایاق باشی قبلا
ترشده بنم طور بدین انجیاره سوگر کین	بلدم غر ضنگ بادشهم ماگه جفا در
چنگ ترقیبه یا قدم سینم اوزره تازه مانا	سینه ده خیالک قوردر کلگون اوتان
کاکلکله خیلیم دم اهدم کچر ای لاله خلد	ما فیه مسکنه ورن هب بودر بو کجه دمان

طبعی باباسی بعضی عمایر سلاطینه تموی او سید کند و می دانشمند اولو همیشه زار علمده
 اسد صنارم و اعدای دینه طبع رشید و وجود حد سید صادم اولو استام
 قدوة اصحاب المکارم عمده ارباب المعامله الفاضل الکامل العالم ابو سعید
 مدرسه فضلنده خادم المعمله خدمت شریفیند ملازم اولمشدی طبعی تنبع اشعار
 ایله از مالیش اوزره ایکن باده توکل عقلنه صحتلال و مزاجینه ناییده عمتلال کلون
 عالم ان نبتدن منسج و قدم وجود خاک ندمنده منزع اولمشدر بوشو شریعی طبعی
 قیددن عاری کداوش خارغ و ازاده کسینه قول اولر زار ما اسیر باده یوز

طبعی بلدان جهان ایچره بیرو جوانک مقبول اولو شهرت نشان کلیسید نر نامی
 سلیماندر ایکی دفعه روم ایله صدر عالیقدر المعمله بعنوان اولو مرحوم

افندی ملازم از تو بی روزگار مضایق بهر دار اولد که در دار
 بخداده دفتر دار او شد حال دخی اول خصمه ثابت استوار در بوفنده طبیعت
 خیل اقتدار و لایق قبولت اشعار و ادبی و در بر شوخا رنگ گفتار نندرد

کوی سیلابی قیوب سیر ایدیه چون صحرای	نیجه جنون دمیون قیوب کشتی دنیا ده
باد هوای اتم ایلد کسیر بکنار	قالقندی شمدی خیلجه ال ایدردی
خیل رونق ویرد دیدم باره خط مشنگبار	تازله کولدی دیدی طبعی نه لازم ییختند
فکر فکله پسته گننده خون دل	سما عشق اولانه بنفشه شتر ایدرد
دیگ کلشنیدی قامت دلداره صوبور	عاشقرا انکا ال او شتر و عشق یو ایلی
ایرشدی تراشی رخ خصلی بی ایردی	کون با بدی لرغیا نیده لم قاشی قرالی
باده بس در عمل دلدارم بگنا	ساکه ای شخا ایر اقدن مرصبا
کرم قل کیم ترک ایشاشی یایی نوالردن	الکدن کله دی خیری در یخ ایتیم کد اردن
باشدن کیم ک ایش بوقدر ای سیمین	نود کر بیرهنک کیمی قوجو سم سنی بن

طریقی روم ایندن و دیندند طریقی اوزره طریقی تحصیل علم و فتنده صد تکمیل و
 اصلده ایکن سلطان بایزید بر عدلک از سلطنتده افرقه نقل اتمدر شو انکدر

صنما رظرو که بکزه به صانور کیده ر	که طوتر هر وهی ایکی کوزی کیمی فنک
شمع خلجس شکار شک ایلوب ای سیمین	اور نور شیکله زر کیوب اتونلی تنک

طلوعی کوب وجود نیک طلوعی و سهام حیاتنگ ظهور و نبوی اسکوب قرنده قلغان
 دن نام قصبه دندر نامی ابراهیم لقبی ضحاک اسبابی ملوث و ناپاک دامن الوده و
 کریبا چاک مدام کیفیت شراب ایلدی عقل و ادراک ایدی صیاض عثمان و چشمه شمشید
 نور افشان ایلد جاه شویان همان هر کون صابون صیحه بیک کز بوسه لر لیکه قمرکی
 جرمی از ادا ایتیم تک استخالی مانند نور غزاله ایدی و قبه جهانده مسک از قویله

ملان اولو هر کون کافور و عبیر و هر کجه عود و عنبر بی نظیر ایلد بیخیز اولد ماضی سیر بوی
 نقص پذیر اولوق تحت امکانده جایگیر دکلیدی هزار زور و زار ایلد مرحوم حسن
 چلینگ موتاسند ملازم اولو اوج بکلندن اوز غور او غلنگ خدمتده مداوم اولد
 بکردی ای ایلد مازار ق قاضی لغنه حاکم ایکن اخوت ملکنه اولد عازیم

کردن جانده دعا سیفا صر غار ملرز	کر چه غم تقویونوز لیکن جهان یوز
قلبه بازار ایدو اواره دجان کزدر	چار صوی خشک بز او کدق دلا یوز
اکا طلوعی کر حکیم صفانی دلز دریا کیمی	لیک عشق پاکدن غالمده صمنه خالیوز

حرف الطاء طریقی کونک نام قصبه دندر زمانده اولد شو او طرفانک محمد
 و حرفی مختصر اول زمانک مرد طریقی ایدی سلطان بایزید خان دورنده اتمدر و

بوقطعه نزل کونه انکدر	بایزید ارهنده کوز و دلدار	قو کلم دیدم ایام سرد و وای
سیم ایلد صیحه ایدو یلوار چیک	آمودی کوشنگلی و یاندی جان	ظهوری روم ایلنده غنوه

و لطف هواسی کون کیمی ظاهر و حدایق و ریاض زیبای صفای بی تبین
 این مسبابی کاسر اولد قصبه مناسر دندر دلبند زاده لر دندر مرحوم کمال باشا
 زاده دن ملازم اولوب قرق ایلی قاضی اوششکن فضا سرده مگری احوالک
 زبور اگر چه شوخ طبع و کشاده دل صفای کیمی و محبوبه طالب و مایل ایدی
 لکن دنارت و حشده دخی مرتبه نهاییه و اصل ایدی بوشو انکدر

سور کولم شودلاری جغایار اولن ایلان	قبول ایتیم جفا سنی و فانی سوا و اسون
ظهور هر که تنها کلور اول ملک سیما	ایوب اغزین دو دامن ارض اوزر اولان
کوزیلدن کوزم اول غنجه کل سیر هینی	لاله کون ایتدی باشم قانلر صحن صینی

ظهوری ولایتان مظاهر اولد بر راه تابان مشرق و مشرقه تاروق و لایح
 اوشش بر هر رخشان سیری زاده دیکله معر و بریری و اول ولایتی انوار خا زلار

سوزان المیش اول خط نک خورشید انوری در باجه شاک شرفیده نحاسبی
 او شدر حالانکه متصرف زعما و لایق نوازش در امید در کتاب عالمیاب
 وجودی زوال ایردین معارف و کمالی کماله ای کون طوعشند بکلی یکبار
 صلا اشعاری و نزاکت گفتاری و تا بدار کتبی ظاهر بیدار در روشن و اشکار
 دلخسته لک طوط نول تیر و کتسینه | ایله اولیک اهل قبوره بد کسینه
 مسکین لک اید و کاکل بر حینه المیش | صقلند و غی مسکک بو میش نافر حینه
 بی موزه قدم بعد و غنه خاکه طلمش | بر نفس کوز موزه زمانه زمین
 حرف العین عاشق کثره ریاض و صدایق و رفعت جبال سواهی ایله سار بکدا
 جهاندن فایق و کثره فواکه و شمار و وفرت غیاض و اشجار ایله توفیق
 توصیف شایسته و لایق اولان بروسه حوسدن لامع و بارق اولشدر
 نامی بر محمد و نخلصی عاشق در ننه کم کندی تذکره اشعرا سنده جدی سید نظامک
 ترجمه سنده که بوفیق که نامی بر محمد در و ولادته فیض ال تاریخ دیشدر ذکر
 اولن تذکره اشعرا کدیبا سنده دیشدر نظم طوغلان صوفی اسمنه مطابق
 کوز لک مبتلا یعنی عاشق نثر با سنده سید علی نظامی دیکلا معروف است کثیر لک
 اعجاب معارف و کمال لایق انجامله موضوع در اقدام اقدام بودی کفیل عاقل
 بویان و مختار علم و ایقانی مانند جو بیار سو سو جو یا اولونجه ایالی خانم
 و موالی غنط کتک کتک استاننده ببل خوش الحان اولدقن مکره می
 الدین افندیک در یای لطف و انصاف متلاطم و افواج امواج بحار کرم عالی
 مترکم اولو خدمت شریفانندن ملازم اولشدر حد ذاتده طبعی مایل ذوق
 صفای لغین سالک منصب اوله قضاء ایکنده علم و موفت ایله مشهور و
 ذان فیض ایل موفور نیک هر جمعی سمور ایدی تذکره اشعرا یا زمش در انصاف

بشوار نکر

بودر که کجین شعراء اسلامک احوال او صافن حکم تبع ایتش در لکن کجین کسده
 قطعاً لطف و ملامت یوقدر شوی هزار بار انشکندن اعلی اید و کی ظاهر
 پیدا ایکن عجبدر کینه انشا ایله مشهور و نامی دفتر منشیانده مسطور در
 کتاب فرپور دار الضرب جهانده مسبو ایتدکن کوه سلطان سلیم خان ثانی
 حضرت نیک نام بر عنوانی ایله مسکوک ایدوب اهدا و احتیاف کعبه معطوفی
 قلده مقبول طبع محارم موفور کرا اولون کشف جود و ظل حمایتانده انظار
 ورافتد نیک ملحوظ و منظور لری اولشدر نیچت قضا اسکوب ایله دفع احوال
 و کروب ایدو مقتضای طبع و متعاقبالی اوزره جمال انظام حال و جبره
 اما و اما یوز کوشیدی لکن کند کسندن دست بقار و گردان اولونش
 صیا یوزد و ندر مشیدی دست اجدن خلاصه جمال جمال اولوب اول حاله
 و سبعین و ستایه ده جوار ملک متعاقب انتقال دارتالی ایلدی همانا تامل
 ناصیه احوالده تابان و مانند خورشید خشن مطلع حالده طالع و تابان
 اولبو اولونجه عشق خالی اولوب تحت عشق دلدار ایله حسنه و بیمار لوق
 هر بار کله ایوی اشعرا مانند مع عاشق و دین عاشق رصیق و رصیق
 کلماتی قبول اهل عرفانه لایق و حقیق زر بو اشعرا فرپور ک گفتار ندر
 لباسی صنمکوز اول کلهزار کیشیم بلبلد | هزار آن چشم بلبلد کجلی ایدی کلدر
 زالدرد میش ردند انک ای غنچه دین | غنچه ایکنه اولدر انک اغزینه دوشن
 عار ایدر بن ذره کشته دن اولفت | مهر افزون اولدو غنچه بدین ایله صفت
 عارض اولمش چشم دلداره رطوبت نقاب | خدمت انی کویک نامش طوموش افتاب
 قدم بصوب کله چون قهر قیسه نافر ایسلا | مراری کسینه اور تر ووه تا با برکی
 دماغه کج مسک سا بر ایلی پولی سر تا سر | کسندر کویکی نافر ایله زلفک کبزر

چکرده اش ششگلا یا شش تازه دانه وار
 ار او جانی کبسی دایم سونیز بر چرخ و
 زراستر ایک جانم منت یوزم او
 اجل در در و مر جانسه ایکی کوزم او زره

عالی حسن قلاع و حسن بقاء برج و بدنگ ارتفاعی ملاصق ثریا و معانی
 کلید مالک و م ایل اولاشه کلید بوسیدند نامی مصطفی در ملاح وجودی
 کتید سوار او بو لانی مستلای عرفانی عیان سبک ان فضل و ایقاندن کنار ایکی
 قصه استیکده قرآه مختصراتی اتمام تحصیل علوم الهیه ده اقدام و اتمام ایدو
 طریق علمده دانشمند اولونونجه نامدار افاضل روزگارک جمعده شمع اولوب
 سائل فضایلند اقتباس اول اناره معارف بیشتر ونجه افاضل عالی مقامک
 مجلس بنامنده صراحی مثال بر با و بردوام اولغده اداره مدام کلام ایشیکن
 شداید و عیب طریق علمه کمال ایدیه موی نقل ذوق و صفایه نقل اتمک
 رجایه سمع علمه کمال ایشیدی اگر چه نجه مدت ماکل مایتمنی المرء یدر که بخوی
 از ریاح بمالاشنی السفن فو اسی او زره اول طریقده داخی مراد و مرمانده و صل
 اولیوب سهام مامولی بکجا حصول ایله متضلل اولمشیدی لکن حال اظلم عنایت حضرت
 ظل الله ایله متورف عرض رومده دفتر دارلق منجمنه متصرف در سنه احدی و سن
 و سحایه ده والد فردوس مقام قاضی و لای شام اولونو فاتح قبریس اولامصطفی پش
 سنه اثنین ده امیر الامراء شهر مزبور اولدقه عالی در خدمت عالیله سعادت
 وارود و کردار بردوام و برقرار ایدی اول زماندن برویا بنمزمده بنا رفت
 و حبت ثابت و استوار در حق که قطب بهر دو ابرکی تحصیل معارف بیشترده دایم
 قصه عالیقدر طبع تابناکی مانند قبه افلاک عالی و شایخ در اشعاری دینی بید
 پیشا بیرون حصر اقلام مشکبار در بوتذکره یگر بر او بختیون ارسال ایدوکی
 ورقده ده دیشدر که منظوم مؤلفه مزدن کتاب مهر و مائز وارد نعت رسول

سوده صفاتده بو ابیا اندر	ایکی بر دکنی کم دبیرازل	ایلدی صغیر و صبیحک وصل
بری نوز نهوت اولدی انگ	بری رایح اولدی انگ	و مطلع الا نوار مقابله سنده
تخفه العشاق نام کتاب مزدی وارد در صفت قصیده بو ابیا اندر		
یا کبسی بکدی بنی قلمش فم	متصل ترکیب اقر دم	کوردیکم لعلی برین اولمش
کوبیا دانه در مان اولمش	شویله طر و برین اولد	حسین کم ارده ده فان
و مهر و وفانام کتاب مزوار در که یدی بیکه بیدر بو ابیا مهری تنها کورن عاشقی		
دلند اول کتاب مز دندر	نه عالم مهر کسین ای نورق	کوردیکم لعلی برین اولمش
پری پردم و بر آن دین	ملک پردم و بی نهان کسین	وروضه اللیل نام و ج
بیت بر کتاب مزدی وارد در صفت معلق در رتبه مشاهد معلق بو ابیا اولد		
ایچ کوزو ایله شهادت	چو کما یادن یونکلک بوزک	دیده در اکلک انی اولد
قل کوزو کید کوزو که التی	حسینی بیک کشته فرض عین	قالمیه جان و دل بین
بو نوزدن مابعد انشا متعلق اولان مؤلفه مز بونمز در که ذکر اولنور انیس القلوب		
قصیده و حد قصه ۷۷ یون نام مقابله سنده در طر عدر راهه انفسون باه		
متعلق در سر جلد نادر المیز قونیه ده کی شهزاده لر خبکیدر که سلطان سلیم		
حکونه دک یارلشدر بیکه بیت مقداری صفت صیقله شهنام بکرته دینلشدر		
هفت مجلس کتو ارفیحی در طر ع انشا در تخفه الصلی امام محمد غزالیکی ایتا		
اولد نام رساله سی ترجمه سیدر بعضی سنه دخی منضمه منشا انشا بش فضل او زره		
صورتکاتیدر زبده التواریح که قرق جز در دور آیدن امام غزالی دک		
یارلشدر اگر چه قاضی عضدک اشراق التواریحی ترجمه سیدر و لکن ملحقانی غایبدر		
دیوان مکمل ترکیب مع قصاید دیوان فارسی مکمل مع قصاید امیزدر که دست نایب مانده		
اول جاهری انتهاب بیدین بر عمارت ابیا ایدو بو جا اید و انار بجز اسم بی تسمی		

اولیوب بر مقدار استهوار بولا بولطع نامدار و اشعار صفا شعرا بوجوه عرفان
 یادگار و بوکتا بکتا بسته نشخ و نکار او یغیون ارسال اتمشدر

کیدر نور ستم دلبر لر سیر باغ جانانم	بر ایکی غنچه سز قویز بوندن ورد نام
بولنظر نظرمده دکمه جمیعته جمعیت	بن اول کاکل پشیا نکلده جمع اولعهده در صحت
نه عرض حال مدد و ارنه طاقت کونست	نوبیدی حال بیدگرسن ای بری خسار
تعلک خاطر م کوکلم خواب کد اوکل بلز	ینه جور ایتمک ستر تازه در طرک اوکل بلز
جان صورت دم بکجا جانانی کو سترده همان	کوردم مردم دیدم کیبی بر عارف جان
کل دید و کل زانده ده طولش سیاه	بر بر بقی که اکده پروایوی لاله در
صحتی گرفته یارم چه بچهره تاب داده	چه شراره که آتش بد و افتاب داده
کر کچ بچ او لم قطع مراتب بکجا نه غم	طویدم بورد مرزی بن فلک ناصوابدن
ای اولمینی منزلک الموقی حال در	کل عبرت الکنش عایجناب دن
هر ایکی کونده منزل لان ماه تابناک	کون بوق که بر تو آسمه افتاب دن

عالی اور نام قصه دندر رئیس زاده دیکلمه مور و ایدی نامی الیاس در مرحوم سلطان
 سلیم ثانی خد متل نیک خواجه سی اول اعط الله افند نیک جناب عالی سنده ایکن
 اولدین اجل هلت و میوب عالم بقایه حلت ایشدر کما حاله خالی دکل در بوا را نکل کونست

صنمک جغای یاره کمل هنر در در	بردار اوله در دل تصور و نش اصل
خوشید کیب کرحه کصنک کماله	ای افتاب چهره زوالکده اوله در

عبار و صف صالی ربه مدح و ثنادن عالی و کمل و مقام موالی انا الی اوله رفت سانی
 اسلا اوله دارک لطف العلیه قسطنطیه کیمه دندر حافظ قونوی اوغلی دیکلمه کونست
 ایدی طریق علم ساکد اولو دانشمند اوله قدن کیمه کیمه سبب جی شاکردی ایکن روز
 نامه اعمالی تصحیح اید و نقد غر زینک مهر و ایرادینی صبا ایتمک عازم

جناب ملک ناب اوله علم ادوارده و حسن مهارت و ار ایدی بوشو انکدر
 یا قشنگ بجز بیجانا قاتمک اولدی و تا فرقتکده کچدک بر بار غمی قالدی یا
عارف شهنشاه جی فتح الله جللی بیکلمه مور در باباسی ارباب معارف و ظرفی
 اعجاب حسن خطه قادر قانوغلی اوزره بر لیغ نویسکده ماهر او یغیون العارف
 میرزا خد متیله روم کلد کده خدمت میر و شهنزاده دن ازاده اولو صبح
 قاهره یه وار دقده شیخ ابراهیم کیشینک دختر سعادت کجبرنی الویثا رف زبور
 اول ساله دن ظهور ایدو اول اصولک فروغندن و اول فصولک فروغندن
 صدور اتمشدر در مرحوم صبا قران سلطان سلیم خان شهنشاه جی اولو اوله
 ایله لطف افزونه مظهر اولمخیده طائفة اروام عالی خصوص سلاطین و حکام اشعار
 دن فارسیده ماهر اولیوب غنچه سمندن و سیله وری کمال رنگندن نمیزه قادر
 اوله قدری اجلدن سفوری عارف و نکته دان و نظم فارسیده مقبول هنرور
 صانوب مزبورک مرآت خاطر بنی جلای صورت لطف و افر ایدو حالی مقبوله شوا
 و غایر اولمشیدینه بوجله ایله شکر بکا اوله شهنشاه کو بیست فردوسی بحر ساز
 و مانند سر و مهر افراز ارالرنده هر وجهه ممتاز در اکابر و اعیان زمان نازنده
 رواج متاع معارف بویله کاسد و بویله بایز ارده بیع و شراری باطل و فاسدین
 بو مقوله سودایه دو شکر عزیز حادنه است و عجب واقعات اوله کمال استود
 صفا نکل و صف مغازی و محار با تنده جلد آدیوب بجد و صبا ابیات دیشدر
 خدمت والد قدسی مکان بو کونه کونش اولور لرا ایدیکه اول جلد ایدن بر
 ابیات انتخاب اوله حالیه الالمه قابل بر کتاب اولور د زبور شودن غیری
 جوق ننه ابداء و غراب اضرائی وارد در جمله دن بری بر محبوب بنظر مشکلی
 نقش و نقوش ایدو بر عضونه کونش نیک و غیر نیک ابیات دلدیرینی کونشدر

والد فردوس مکانک فضل و عرفاننده لارض متابع است که کورک واقع اولاد
 فی الواقع اعجاب خضر عاتد نذر بوابیات مزبور کلماتند نذر

بیشتر کوشش عمل سفته را	نبود لطافتی سخنان شنبته را
خواهد که کبر دازب تو جام کام دل	دیگر میار پیش لب آن خون گرفته را
مکن چو سایه در قدم ان موی سبوی	در زیر با مسای دم مار خفته را
عارف که گفت غنچه تازه دهن ترا	لطیف دیگر بود سخن تازه گفت را

و ظهار خمرده قطعه انگره	حیط جلا شهاب جویم	جلیل العطا یا جلیل
هم موج علمی و عز و علا	ضمیم علم و بذل هم	بخزل ترکی دخی انگره
بر تاد در ایکی قاشک	که صیقل اندن اسمی نقاشک	اشری هر قدک رخ باره
مکرای لطف ایکی در ریاض	آی افندم بلال کیدرم	کوزک او سنده واردیه
سنی جوق باشو انکرم انجوز	مردم ایکنده صقله باشک	طعن ایدو الم اغزو که جانی
که دکل زاه باشک اشک	نور خورشید هیچ ایرری	دیده کور زریه خفاشک
کوزل دن طبا ننی جنون	عارف کلمدی ایق داشک	عارف نانی حسین روی

دجوی بهانه بی ریب و مین حال بر زین اولو اصحاب جاهه کمال وصول سؤل
 نامول اولو ان شهر استنبول دن بنده ازاده کان درگاه معانی شمولند مختصراتی
 اقامت کدن کمره خط و املایه کوشش و شروانشایه تمام و زرش ایدو خطه
 قلم مثال مشار الیه باین شوره مدوح و مقبول امتثال و اقران بدر دانشی ظلام
 طلبدن لامع او غله خورشید معارف طاق دل و رواق خاطرنه طالع اولوپ
 اسباب کمالک جامع تالو و طارقی و میدان شو و انشا که مرد عارفی اولمشدی
 فی یوقولرندن این مرحوم ابراهیم باشا محردن کلاکده لایمه بر صیده و یرد که
 ایناطولیده اهام تذکره چیکن و یرشیدی بعده دفتر دار ایل نزار و جدال اولو

اولمغین غزل اولند قدده جلا سببا و املاکین صابوب اول زمانده محرده شیخ
 ابراهیمک خیل استهزار و شراره اش وجد و سوزنیک اطراف و انکنا ذکلم انشاک
 وار ایدی وار و خانقا هنده توبه و انابت و اول طریقه سکوک عنیت ایل ترک
 عرف و احصا اتمشدی اول زمانده تصوف نه اشعار دیو برتر جمعی وارد کرد

کوزک آج عالم کبری کسین	منظر اشرف اسماعیل کسین	و برتر جمعی در کندی بود
عین عارفه وجود اشیا	کور نیور جمله کفش الی	بعده نینه استنبول کلوب نهاد

ازاده بی زاد و زاده کوسه فرایح و انز و اوده اکثر یا اعین زمانک چشم جهان
 یعنی اولو مرحوم بنی زاده ایل انیس و طیس ایدی بعده دارای بهان فرمای
 زمین و زمان مرحوم سلطان سلیمان علیه الرحمه و الفخران ذره بر درک و طغنی کس
 ایدو مزبور و تیم علی بی اون بشیر ای سلسله ایدو ایکسنگ دخی نهال امیدین
 بار و ر اتمشید بعده مرحوم مرقومک جناب شرفینه کل دیف بر نزل و اول نهال
 کلشن کمال اولو اسلطان بر اصلانک خاطر نشان طبع لطیفی اولد قدده بیش از ترقی
 احسن ایتمکله غنچه خاطرین کل کی خندان است که کمره بیت المال و نشا کبیر کاتبی
 او تو تهمی دست لکن خزان دیده بنجه جنار کبی بی کرب و یار و بی در ملک ان اسیر
 تند باده او غرامش بار بادم کی بریشان روز کار ایکن بر عقد تحصیل در هم
 دنار اتمشید شمع و حسین و سماء ده افروزه صلت ایلدی اگر چه مغلوب بقیه ایدی
 لکن لطیف مشرف و شصت ایدی مرحوم شیخ ابراهیمک و فی نه بوتاریجی خود بر نظم

کردت ز کلمات و فا	کلشنی یعنی شیخ ابراهیم	زد قدم بر شمشین لاهوت
شد بجلوت سرای انس مقیم	گفت باغچه برای او تاراج	بات قطب الزمان ابراهیم

و کمال باشا زاده مرحوم شیخ الاسلام علی الانام ایکن اتمشید در نظم امام دین و ملت اعنی سخن
 کی یوقدر انکا بگز ایل آدم شود کلو اختصار ایل کل کلام اولور اولو یازر و الله اعلم

عارفی انا بیسی مجله معارف و کالاته محلی و قریب اولاشهر طراز انور نامی محرم و
 اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده ایله موضوع و فضایل و مکارم ایله انیس و مایه
 مرحوم افندی ملازم اولدقن کجه طریق تدریس عازم اولمشدر صد وجود
 بر اصرامی اربعین پایه اربعینی امام ایلیوب برودت حمین پایه عینی سهولت ایله
 کجروپ بار مراد و غرار مبتغای نواده و اصل نایل اولدو وجود کاملی میدان
 اشغال اقرانده علم و فضل اولمشید الی ایله مدرسه ابراهیم باشاده مدرسه
 علوم و فنون اقتصاد و زره اولوب بعد مدرسه سلطنتیه خانگی جناب معالی
 اقتضای صلیحیه خان قسید اولدقن کجه التمش ایله مرادیه برودت مدرسه
 اولدقن کجه مولوت ایله قاضی ازیر اولمشدر حالادخی اول منصب خطیر ده
 حقا استکمال علو کمالی خصوص علم تصوفک مشککات و کاشفی و میدان معارف و
 کالاته مرد عارفی ظاهر اگرچه وزیر شریک تدریس ذات بی نظیری و المذرات امرایه
 تفسیر اولاشنان پاشا خدمت نیک فواجیه ایلی لکن عالم معنی ده درویشی و فنا
 کتابیک دیباچه ایلی تدریس مورد و اصلاح کار ملک ملت ده وزیر زبورک
 معین و ظهیری و هیچ امور ده مشیر مسفورک مدبر و مشیر اولوب هر کون نظام استقامت
 عالم و صلاح سداد بنی آدم ایله مقید ایکن ینه با تعلق بردوش و ینه منفعت
 در کوش اویمو هر کجه فقر او علما و اهل عرفان و کمالیه مواسست و معضمتیده ترجمه
 کتاب شجاء دوام و ثبات اوزره ایلی اگرچه ظاهر انانی ترجمه در لکن کواکب
 ثواقب زیاده ایله محلی و توشیح و جینزار وجود نامداری تحقیقات بیدو
 شمار ایله محضر و شرح در سایر فضایلند فضل خوب شعاری و فن عماده خیل نام
 اعتبار وارد در پورایکی اشعار بایه کار قلم بحر اناری در کجه ترجمه اولندی
 ایله خذنگ غزه کی میری نواره چکده بار خنتی بو قدی باره

بیگانه لر خبتی بلز کنار دن
 کو سترم شاید که اوله یاوز نظر دک
 بلازمنده بی پروا جگر خونین ایکن عانتی
 صراحی دو کلو صیاحلده بز مکه ای
 کرد اب بحر عشق صبور استناره
 مرآت رویکی کوزه لم خود نالاره
 غنیمت عشرت ابادنده نیز جام فغوری
 یا نون یا قلمده شو فکله هر دم شمع کافوری

عبد الوهاب کثره عاير و قبا سلاطین مالک رقاب ایله فلک کباب و لطافت
 و عذوبت آب ایله مقبول محدود شیخ و شای اولدو برودت مدرسه اندر اسلامی
 دیکله مشهور در قسید کخلصه ازاده و شعر غنیمت شعاری نقش کخلصه اولدو
 شوا دن بعد و مذکور در مرحوم قادری افندی میدان ملازم اولوب
 برو سده یکری ایله مره بیک مدرسه اولمشید قادری افندی نیک مزبوره نایند
 میل و رغبتی و منظور عین کمال عنایت و رافتی او منمن مرحوم شیخ الکلام مفتی
 الانام ابوسعود افندی دن استنبول قاضی بی لکن شغلت اید و خدمت نیستی
 ایوب اول خدمت که کخلصه ویت و عین سعادت در نایل اولدو اول معوله عالم و
 نایبی اوقی دوتنه و اصل اولمشیدی بعده تقوفا ایله بی صبره طاقه او منمن جانب
 قضایه رضا و پیش در تمش ایله ایمن قاضی بی اولوب بروده اوق سلاطین
 محاسبین کور و تقییش ایدر کن دفتر عمری دوریلوب روزنامه ایمان
 بیاض و تصحیح و محاسبه مفود اتنی تمام تصحیح ایتمین جناب کریم و ما جب
 ایچون شتاب تیدی و کان ذلک سته ثلث و اربعین استغایه مرحوم ضعیف بلندی
 سخاو کرم ایله شمه زنا مالکی مبدول و ضاع و اطواری مقبول دلبران ملا
 امین ایله جلسیس قزین ایلی هر قنده بر سر و کلعدار کورسه البته کما هو اوار
 او بو فاخته مثال هر کجه بر سر و کلدار مالک تو ینه کیر مینجی او طرز و زرگری کی
 هر کون بر سبهری در کنار ایدو جامه سی کی در انوش ایتمیو جانی کلمه ایلی

افکار تاتار اجل مسکون ملک صیانتی تاراج و نفاذ و مرجم مرقومک سبب
 وفاتی تاتاری دیکه مشهور کند نیک بر دلبر شیرین جو کانی اولش در فصل
 بوموال اوزره اولش در که اسمان معارفک بدر لامع و خورشید ساطعی
 علیه نقشندید دن مرجم لامع مزبور ایلیدزی العیور و محاوره و لطیفی
 یار اشوراید اول اجدن خاطر ای کون تاتاری نامنه بر نزل دیشدر که مطلق بود
 قش کان مژه سی تر و غمزه سی صخر تاتاری کجا واری جهانده بر دلبر
 جوان مزبور غزل مذکور دن دلگیر و خور اولدقه شد خوی و نادانلی بایز
 لامعی بیجو ایدو نینه مزبوره ارسال ایدیکه لامعی مرجم جوان مرقومک بوموال
 نظم قادر دکل ایدو کنه عالم اولدقه عبدی حلیمک ایدو کنه جازم اولوپ
 عبدی مزبوری لامعی دخی بیجو ایدو عبدی بدخی شوق و عشق دلبر ایدو کرمیت
 کلوب حیتت جا لیت اوزره بوطعه الملامعی بیجو ایتیش در **قطع**

فریدن نفاق و دلیر عرصه سر	انیس دیو و شیاطین جلیس صرد بر
بلیب بر مرض مرشد طریق سنلال	عقور نفس و شغل هیئت و خنک پیکر
انگ مذاقنه یارب هزار لغت اول	در از دست و قفسر استین و کیند سر
چو ذاتی اولدی مظهر فروغ معرفت	عجب دلیله اول کلفذاری بیجو ایلر
ظهوری ایلدی تقلید اول بداندیشه	که نامی بولا انگه جهانده لمع و فر
بن اول سوزی دیدم که کورن ایدو	که اذ ای کون صفتوب اب ز فرم بیجو صخر
بومجودن فقر او صلی نقشندید جمع اولو اسماء قریه مشغول او کو اول سیف صادم	بن اول لالی دیزدم که دیر کورن جوهر
ایله مزبور مقتول ایدر لکن بعض نقادن اسماء ایتدیکه عبدی حلیمک ایدو	
حصار بر و سلجوره امام بر صانع و عابد و متقی و زاهد و ارادیدی اول دخی تقابل	

ایکون مشغول اولدقه دعای مقبول اولو مقدمه لامعی و فایده و جوق کلیدین
 عبدی دخی قطع عالم حیات ایتشدر و افعالا لامعی سنه اربعین ده وفات ایتشدر
 اگر چه شعاری بیل در لکن قایلک قوت و مهارتته اول دسل رکندنگ سلسله کلمه

یلدم اورس صنوبر کلید	دود اهل بوش قاسم	قدوی زین ایله دود
اهل کیله اولو بد شهرتم	مرض عشقی کور شفا یرینه	الی کور دردی دوا یرینه
بکاسودای لنگ اخر کار	قره چول کید و رب عیار یرینه	مفت سکن صانور جهان کیتی
نقد عین دیرر کر ایرینه	بهدین یوز و م کوب کتیه	ک سولم باری مرصبا یرینه
کونده یک کرا اولوم قورق دلا یرینه	ای ملک اولک قورقودن یرینه	نه الم وار سنگ میا نگده
ندلم وار یا خودد مانگده	عاشق اولدر کلید باد شهم	صخر ک بر ایدندی یا نگده
دور سنگه جلا ایل کر یان	کم کورن کولم زماننده	بوق یره جان یرر دیا کون

دلنه اسکده نریا نگده **عالم** بر غم دندر قره خیر الدین او علی دیکه معروف در
 والد فردوس مکان بروده خادم شایخ الارکان ایکن مزبور دخی مدرسه علمیه
 خدمت تدریسده ثابت و رسیدن ایدی اول تقریب ایلد بر مقدار صحبت و الفت
 اولنوب ترک بیکانگی و کلفت او نمشدی ناند فرشته صلاح حال ایلد شسته اولو
 ایش جذب و عشق کانون در و ننده شتعل او نین چشم جا سره مداد تصانیف
 مقصوده ایلد مکتب ایدی آمادیده ذوقه او د اقلیم و مداد کل فام ایلد نور
 حاصل اولمز و صوامع عباراتده شمع اصطلاحات هر کله اناره اولن انوار کلی بر تو صلح
 فیه الهوی عن صیطه القول خارج و ما القیل للعشاق و القال نافع
 بناء علیه حال یونی الی ایچ ایلد خدمت مدارس علوم ظاهره ده ایکن بعض شایخ
 ربا خدمتده سالک طریق توحید و عرفاندر حالا اول طائفه ایلد ارتباط و
 اقتضای اوزره اولو التوحید اسقاط الاضایف فی اسی اوزره تکلف و تصلف

روم ظاهره کون هیچ حال اکتافه نبر اعدام و سقا طلمشدر فی الواقع هر چه
 معمور بین آنس محارف و فضائل اید که مشهور و بویستی آنست خلقده بد کور در
 می و جنوب امین زونی به شکره آن خبر الدق او طرفه نبره آدم کلا کلا
 عبد الوهاب **التصانیف** بلدان ایران بجز شهره دور اولو اما بیسی کلا و عرفان
 اید بین و اید دان اولو ناقصه اید اندر طها س خناس بر و سواس ضلالت
 استیناس زاننده دین و ایمانند بر اهل تبرار و زو شب لغن و سب بیکلا
 اهلنت و جماعه افتراق دو شویا سینه بر کینه لری دانا بجران دانش و احسان
 ایل احتراق او زره اولاد قدح مرصوم دینی عازم دیار روم او تو بعد از شرف
 انجام و مصر قاهره ده توطن و مقام ایشیدی والد ماجد فائز سعادت حج الاسلام
 و رویا کسده حضرت سید الانام ایل بر اصرام اولاد قدح قاهره ظاهره ده
 مزبور ایل که قرآن سعیدین واقع اوشید مزبور کرم و شناسی ایل عذب البیاب
 التک اولور لرایدی و اطراء معارف و اخلاقنده نثار جوهر کلمات اعتبار کلور
 ایدی فن معاده نام نامی و استخراج و استنباط قدر مالا کلامی وارد در تعجب میر
 حسینی شرح اید و هر معاستنده نیچا اسمای استخراج ایشدر در معنی شریف اندون شرف
 لطیف شرح تالیف و تصنیف او کلمشدر و معنی اسماء حسنی دیشدر اگر چه معنی
 شیرین و رنگین کل در لکن غایبه متین و حسین در و مناقب حضرت منلا خداوند
 و نوای غرور و صراط استقیم اولو کتابری وارد در سنه اربع و عین و معانی ده شرف

انجامده بو عالم ایشید	ملکت اید و اوج خرام ایشید	بوفاری سی احوار فرور کدر
اب حیوان لب بر چاه و قنیت	عادت نیست مکره آنده	بویب صراط استغفر ندر
چشم ده که کرم صفا شدر	کرد کیر دهم یکی بینه	عبد العزیز ام اولاد زاده
معلوم بنده و زاده در بابک منلا صام و جدی منلا حامد در که جلد سی جامع		

منافق

مناقب حامد در او اهل حالنده سیر و زعبده داود پشما مدرس اولوب اول
 قاضی عسکر اولاد کبر فله مرتبه تقی منصب بهال و معانظر ادک و اوردال اول
 صحت مزاج عالم اعتدال کلوب امر مزبوره کلی استلال کلمشدر قوابل انامده صاف
 و عرفان بعضی کندی قاضی و حاکم اولوق امر دین و دود لازم در نهایت کار
 هر برسی دفتر داروق منصبی ایل کما بکار اولون و سورد یو صید کار لک اید و کند و بعد
 صحیح و مطلوب نفس عریض و ناهمی اولو منصبده دک و مساهم اولوق خوشندان
 بو تزییر و تقوی ایلالت زاده به مدرسه اسکوبدن قاضی غنی و کمان زاده
 ازینق مدرسه کندن اما سینه نقیسنی در مرحوم مرقومه مغنی نقیسنی تو جید
 لیت زاده مقصد معلولین دیو قبول ایموب صحت عقل ایشد و کندن غازی او نور کین
 قلارده حکایت اولونور که بر عجم کون جامع ده صلوات سنونه او نور کین قلوب
 مؤذن ایتا ایشد که عقل خاطر نندن کید و غازی مقام ایل ایتام ایشد که
 ارکان دو اسلام ایشد و جبر انامیه کوندر مکتم ایشد لری اولوق فی
 خواه و نا خواه قبول اید و نیچا ایام و فصول خدمت قضای مشغول اوشید مرحوم
 و تیره و انقره به نیچا زمان قاضی اولو اول بلاد کمالیسی عدل و رشادندن راضی
 او کلمشدر بعد از یک زاده نک سر مرفوعه جاه و دولتی خاک غزل و قلم مرفوعه
 و سنابل اما و اما در اس قنوط و ایش ایل مقطوع او و خدمت صد ارتد مرفوعه اولاد
 به حال ماضی او زره مدرسه ایلک اولو بعد جلد قاضی اوشید جلبد دینی مقبول
 او تواندن اما سینه مغنیسی اولاد کندن کیره یومی تمیش ایل متقا عدا او شکیکن حنیض
 فنادن اوج بقایه متصاعد اولد و کان دنگ سینه اشین و عین و معانی مرحوم
 نیچا نیک قرین اولوب داماد او معله بوفنگ دینی استاد اوشید عربی و فارسی
 کلمات شایع در مغنی قاضیسی لکن بز دوی انصاف کلمشدر **عبد العزیز** حده حجه مبانیها

است باو توفیق ناسیعا صاحب العزیز کا بہا قاضی فی دیار منیب
 قادری اشد بی کوندرد و درج فصاحتہ بولائی مشوار و جواہر اعتبار درج
 کی بود یارب کہ کوی یار را منزل گنم جان دل العیہ مقصود را حاصل گنم
 میکنم ہر دم دعائی دارم امید قبول زانکہ با اخلص خالص ارجیم دل گنم
 قبلہ حاجت من بود از ازل در گاہ او کی بود از قبلہ خود و را یا میل گنم
 عبیدی لطیف فکرت صسی غم و اجرائی قلوب سگانند از ادہ قلوب ہوی
 جانفراسی روح و راہ اولادینہ پر مینہ شد ادر نہ دند نام بر عنوانی
 عبدالرحمن در بنی خلیفہ دیر عابد و صاحب دو اعظا و صاحب بر عزیزک او غلیظ بولائی
 طلب علم و کمال سالک اولقدہ اقیام فاو ز و مہالک و تحصیل فنون معارف
 اشتغال اجماع مصارع و معارک اید و فضلی نام و علی اعظا خدمت مندہ
 اولو قاضی زادہ افتد یک ملازم اولد قدن کرہ لت قصا یا نندہ در دیو
 منصب قضایہ رسانا و یرد حقا کہ شوای بلاغت عنوان میانندہ تقوی اقر الکریمین
 و کسوة کلام بحر برداری طراز پر اہتر از امتیاز ایل کئی و مزین میدان میانندہ
 یکران و توسن زبانہ منزل پر مکل اول طلبہ دہ جائز قصب السبق اولان
 نمدار لردن و مصائب و بیانندہ تمثیل کلام بر عنوانی ایل شجر ملک عرفان
 ایدن سردار لردن اکثر اشعار آہ عاشق در دناک کی سوزناک در قن مادہ فی
 نام تابی و شہرہ مال کلامی وار در امری ایل عشق و نام صحت و بر جوای الارواح
 جنود مجندہ اول عالم الدن الفتری اوغین فن معانی تحصیل و تکمیل اید و معانی معارف
 کل نسیل اول شد و والد فردوس مکان ادر زدہ خادم شریح شرف ن اولادہ
 مرقومہ مصیبت و فطلاط اید و نیچہ ایام جواہر کلامی التقاط او زہرہ ایک
 مرحوم غایتہ حلیم و سلیم بن جانب موثر و مؤدب و ایابینات ظاہر و باطنی

ایام و اعراب اصلاق حمیدہ و اطوار بسندیدہ ایل مجتہد و عرب ایدی بسندیدہ
 یاراندن بری رکلام لطیفہ آمیز سوزناک نندہ حیا شرم و حیا دن عرفی ز اولاد
 کبریا خلقند بخجیدہ و مرغ خاطر ادبیا دست وز بانندار میدہ دکل اید
 دورندہ فن ادوار دہ دخی فرید و بی عدیل و بی نظیر روز کا بایدی تصنیف
 اشد و کہ مرتبہ بوجہ مسندہ مشور افاق و مہنگ خوشخوانان مجاز و
 عراق اولتید علی مخصوص در عشق نہانی عالم لہر عیب و نہانی نام دلبرسم
 اندامک عشقیدہ سوای ہوا اولو نہت محبتی ایل او ن سکز بیک عالی سیران
 اشد کہ نہ بوز نامنہ اون سکز فریب دیوب قبہ جہر کردانی بزناک و فغان
 دانشد ایکین بوغزل بمانندہ مرحوم سلطان خانہ و پردکدہ علوفہ خانی ایل ہر
 او تو حاتمہ دعا کوی جبار شید سعید و ذال سلک قدیم و عبیدی اولشیدی
 بر طاق لا جو ردی زینت او تا نگ اولسون
 اعدای بنیادہ عزم سفر قلیچی
 سلطان بحر و برین دست سریری او زہرہ
 جہر برینہ ہمسرا اولوب لوا عدلک
 لطف عبیدتیک کل او بر مرادی شمعن
 ہر بلہ یا کجہ ایک صوغک اولسون
 تیغ ظفر یا کجہ یا لک بر انگ اولسون
 ہر دم نسیم ہمت جا یک اولنگ اولسون
 منزل سعادت دایم تواننگ اولسون
 کبریہ جہانندہ یاز جہر انگ اولسون
 اخروغزہ دہ یوز التی اچی ایل قاضی ایکین یا آیتہا النفس المطمئنتہ ارجو الی
 ربک فرمانی سمع جان ایل اذعان اشد کہہ بتیک کو بیان فادخلی فی عبادی
 خطا مستطابنہ مبادر ایچون طواف کعبہ بقایہ ذوق و صفای ایل بو با
 اولوب سنستہ ثمانین و تمانیہ دہ عند سبانی کلمتہ جانندہ اشیان ایلدی
 بو بر ایکی اشعار نیاچ طبع در رباری و جواہر بحر زخاری در
 داغ طشر یار لدی اشد و کم فریاد طالع طش بر مدہ قالمز بنم فریاد

۱۳۱

صاندر کبیره ایله نبله و عده ایتمشکن
 مایه و دیکم وجه جسم احسن در
 نه اجدق فضا کلشنه کلن برهنه ل
 فقیر اولدق استغنا ایدر ربلز زیار
 صنفه بنی نایلجه هاندن گذر ایتم
 نمکله یا مال اول اولد ویرانی اکثرین
 بنی زخیر عشقه صنفه کم بخلندم کیتدم
 بجه ای غوغا صحر کردده حش ایگوز ^{باید} عایدیه عاتق کبی سنده صد یوقدر دیک
 کراو کینور سه کوز و قدندک شیوه سن ^{باید} سلک در رضی تو کیر دالی تو ملک بیره
 بنده یه ایزک تو زندن صون بری | ایله ای ته مالان قلین تپی

عدلی حارس دیوان عدالت فارسیان مجامعت و سالت عده ایوان شرفه
 کمال شمه پیش طاق دیوان اقبال جامع شرایط و ضوابط وزارت باسرها
 معین حال و معین مقال احق با و اهلها سلطان محمد خان کبی بر سلطان عدالت عنوانه
 وزیر اعظم و مشیر المم اولاد محمد پاشا در بر وزیر خسته فصاحت و فصاحت اولاد
 مثال ایدیکه مزاج ملک و مکنه صبر و شعور ده تقاضا غالب و فتن حکمده در معین
 خوشه چین اولمغه جابنوسل و اسطوط ایله علم فصاحت و بلاغده در فی نظیر عید
 و صبا اهلکام وزارت و اجراء قوانین نازنده ابن کلکان صبا رای صبا
 ایدی نه کم خواجه جهات مدع و نساکنده بکونه کوفه نشان اولو سونده زبان
 بو یوزدن رطب اللک اولمدر بیت ^{باید} اگر نه جوهر ذات تو بودی علت صورت
 هم هرگز نداد دست ترکیب ایولان ^{باید} زلوع خاطر یک حرف محل کل اگر خواند
 کند طوای محوفا اولاد یونانی نزهت صفا که وزیر مرقوم فن انشاده مقبول است

دانا رطیح بر اقتدار پندیده جلوه هنر و در آن عالم جوهر زو اهر مشوراتی که
 کاشال اللو نو المکنون در قلا بد عقیق اصحاب عرفان و عصا اعتبار ابر استعاره
 کزنده لکش رین مکر روان خلق بهماندر خواجه بهما ایلام آلا و کله یا او شذر
 اگر چه خواجه جهانک انش سی صین و متین در لکن وزیر نرور که کلانی رفی
 چاشنی در آرزو رنگین در و مرصو کذا اشعار در ر بار ندن انش سی هزار بار
 رایج و غلبه ایدو کی اصحاب شارق و مغرب یاننده انوار خورشید تابدار
 و جهت موشان نمر دیدار کبی روشن و آشکار در روم الینده الابه صهار
 نام موضع دندر سنوز طفل خود سال اینک سرای بهتیاں بادشاه در میانوال
 داخل اولدقه سلطان محمد خانک همت و الا نهمی ایله کسب علم و معرفت اشتغال
 ایدو عر وجود مسعود چتر الطیف نامعد و دنده کشیده بالا و بوستان احسان
 بیکر اننده آب نوازش و تربیت یله نشو و نما بولوبود کلو مراتب علیا ارتقا
 و عقل امتیاز رسکن گره یوز بیک ایچ ایلام وزیر اعظم و هم روم ایلی بکلر کبیر
 اولمیدی سخاوت و سماحی اول مرتبه ده ایدیکه شهر قسطنطنیه ده مدرکین
 بنایت کدن گره مدرسه مزبور به هر کس که دانشمند اولایکی دلبند و صوف
 و برادر لاطیوق و پیشوز ایچ ایش ایدر مشر روای اولنور که منلا ایاس
 و منلا عبدالکریم و محمود پاشا سرای سلطه بنجو عا کیر و منلا ایاس کیر اولمغه
 یا لکوز بر کتفه ده اولوبو محمود پاشا ایله منلا عبدالکریم کوچک اولمغا ایکیسی
 بر کتفه ده اولنور مشر صکره منلا ایاس لطیف ایدو اول زمانه ده بنجه که ایکیکزه
 معادل ایدم کذ لکینه علم و فضل ایله ایگوز بخت عدیل و محافل اولمز سر زردی ایدی
 حکایت اولنور که بر کون سلطان محمد خان فضل دوران مولانا قریب ایله مصفا
 ایدر کن مولانا مسفور دن شهر قریم بلد قدیم اولوبو تمام مرتبه ده مسفور علما و

فضل مسفور

بر مقام جنت نشان و غیرت فرمای بلدان ایران یکن برانده دل منور را
 کی خواب و ویران افروخت باعث نذر دیو و ایل ایند که مولانا فروردی
 فی الواقع شهر سالف آن ذکر رفعت اصحابی است که بنده هر طاق و ایوان گردن خورشید
 نور افشان کند منانت و صفا بت بناده طاق و ایوان و طاق فلک رواق
 طاق ابروی خوبان کی شهره افق ایدی لکن پادشاه کا حکار فرک و زبیر
 بد کردار و قبت اطواری و ارایدی انگ رانی صنوا و ظلم مجید و کج کار
 ملک و ملتده ظاهر اعلا نکه نه دخلی وارد یو عظیم و تو قیرری باینده تقصیری
 شهر زبور خواب وینا اولشید دید که سلطان محمد خان دخی وزیر قو
 خطا مستطاب اید و ای نمود خاص و ایازیر اخصال کلام بر اصرام خدمت
 مولانا کوشش هوش ایلد کنگ که قیرم کی بر شهریدی انظیر بروز یک سو
 ایلد خلل پذیراوشش و کل لفظ و نزا اسی صر صر قبا و عوا و قحی ایلد صورت
 نظام و بقا عالم و امتداد سلسله بنی آدم بقا شرع شریفه منوط و اطناب بقا
 شرع که عالم ایلد باقی و دایم در او تاد وجود علمای میر بوط در سب جانب علمای
 عین عظیم عزت نکران اولو اول طایفه علیک خدمت منده دامن در میان اول
 و هر ننگ و وزیر عالی است ایست علقوشانی انزه کنش کرد او لغو تحصیل ایلد در
 مثال استان بر اجلا لرنده ذلیل ایلد زانگی تکمیل ایلد یک خود با شاد خانی
 الفور جواب بر صواب و بر و دیر که ای شاه جم جناب و ای پادشاه کاین
 خصوص زبورده حرم و کنه فی الحقیقه پادشاه که بوقول وزیر بر سیم امور
 دین و دوا و مصالح دنیا و اخرتده کند و به شریک سهیم ایلد و زمان تمام امور
 دست اختیار و قبضه اقتدارینه تفویض و تسلیم ایشدر افر حکم فرمان الی ایلد
 زمان وزارت و ریاستی متناهی اولوب کسب اظهار نظر غیب شهنشای اولدده

برقاج کون بیدی قلده حبس اولیون بعد طوع و تبع نسیا پادشای اولشید رسیده
 ایکن وصیت نام یاز و پادشاه اشیکنه برات و برقچ و یکیشویز ایلد
 کلام ما عدا ما ملک ایام پادشاهی حاصل و سالی سعادتمندانه دل و جان هر
 مرام و اول اولشدر دیو او غنی محمد سنگ زعانتی و او فی داره سنگ عانتی
 سپارش ایشدر مرحوم مرقومک نصاییل و کمالا و لطیف و مطایبان صدوغایت
 یوقدر بوندن زیاده امواج و مرام کی بجای رسانیده مثلا طلم فلنویب
 ملاح متعین سفاین اطناب اسباب ایلد بر خطیط مدایج بی عازم اولدی
 بو بر ایکی اشعار اول وزیر کار کار کفتار نذر

کوزم باشینه رحمت سورم دردن	که مردم زاده درد و بخش نظر دن
کورد کی غنبرین زلفن رخ دلدارده	ماه مشک افشان جو بدر صانورم کلارده
زلفک ای مهر و زخده اولد و غنی بر تانج	کونده با تدقی اولور قدر زیاده رده
لا اذ کدن مکر کل رنگ و بو او غور لدی	کم در فته صا وین کز در دیل بازارده
اول سرو ماه چهره که کلدن یغانی وار	جان و کولکده لالین مری داغی وار
بکزته مهر و ماهی فلک ده جلاله	ناکه کنه ایشده بیرک قولانی وار

فیر ایدین اگر چه هر فتن ماه تا بانگ کوشش استی و اردر لکن بر کقولای اولغوشنا
 یوقدر صی ادا شو او بلغانک لیکانه افق شایر مولانا باقی دیشدر
 اه ایتمه نعل اسبی نشان کوز و دلا شاید کنه ایشده بیرک قولانی وار
عذاری اول افتاب فضل و عرفان و خورشید عالم حقیق و ایقان و لایه کربان
 طالع و فتن او تو مهر آسمان کی عالم نور افشان اولشدر اول سرد فر اصحاب کلام
 اول قائل و عالک نامی حبه فرجا قائم در ناظم حسرتیرین اولاشیخ سحر افکنک
 عشیره زاده سید مثلا لطفی ایلد معارف اولوب بری بریل مطایب و لطیفی

ایدی روایت انور که خدمت مولانا لطفی مولانا و مزبور صبح استهاری
 کاذب و نالی ذات ستوده صفاتین غالی در طحراق الفاظ مقول استند
 که فوی و معنادن معرا و میرا در دیکلن عیار اید و خدمت مولانا دن چنگ
 عطا لفظی اید کنایت اید در مدارس سخن نمائیه دن برنده مدارسه فضل
 عرفان اوزره ایکن عازم بهشت جاودان اولو تماشای حور العین جنانه رود
 ایش در تفصیل کتاب شقایقه مسطور الموعین عنان جواد خوش خرام قلم بر
 مقصور اولدی مشرق ضمیرندن طالع اولو اشعار و طالع طرز خوب و اسلوب
 مرغوب اوزره واقع ایش در نوبه کم بو اشعار اندن ظاهر و بیدار در

صاقن ایله ایله صاقن	کینه جود ر بور و زکارن	کو که انور کن از در ایم
یتمک دانک سزار صاقن	بیر اشدک بو غم کون یال	کیز لور سیم اچره مارن
سروانده ایستد بونین	سوده آه و حیرت کونین	دلده که تیغنه که صبر و کیر
اود اولدم انک بن بزم صوم	برینک کشتکیر عشق کهار	برینک اشغ غم دلار
بزم قنسی سیاه طوشین	وقت ر بنای عذاب التار	عذاری هوای جانو ایسی

ایام و سال کی رو صر است و عذار عذاره دنیا ده خط و حال حسن و اول شهرت
 نامی بر محمد نقش عذاری قضا و حکما ر دن پاک ایدو طبع دراک و ذهن
 جلالی بازار جهاننده الماس کت ایل لالی و جواهر معانی طاک اولادن برو
 شوار و رنگ نامدار لرندن و طایفه مرقوم نک اعتبار و اختصار لرندن عرایس
 عنوانی کلامی تمایم و و شایع حسن انجام اید محلی رفین و لواص و ثواب مقل
 بارعی مطالع قبول خاص و عامه طالع و لامع اولدوغی نور خورشید کی طریقه
 بوفندن غیر فنون عذیبه تحفیل و معارف و لطف بیسار تکمیل اید و عید فضایل
 کمالی اعلیٰ خصوص علم تواریخ و محاضراتن ضمیمه محفوظی و یاد دشتی وارد طریق

سعد رفیق علم و کمال سالک اولدوقده عبد الباقی افندینک استان فضل و عرفاننده
 بارک ایکن مرحوم مرقومک مکه شرفده شرفها اندتقی شریف قاضی ایکن بعض
 وقایع و حوادث سیسی ایل خدمت مولانا تارک اولشید افر بر فوای ریح بخشی
 صینن دیار روم عودت و رحمت ایدو نیچر زمان بو بلا ایله سرگردان بودی
 محنت و افراننده حایم و صیران ایکن مرحوم حسن یک افندینک حسن التفاتنه نظر
 اولو خدمت علیله لرندن ملازم اولمده صورت نامولی مرات حصولده جلوه کرا اولدر
 حالا ادرنده یکر می اچی مدرسه دن عزول اوتدی و مساعی عیش و عشرت کمال
 و معرفت معرو و مبدول در حقا که لذت لایزاله لطیف المجاوره تکلف و تعلیف
 بری و غبار کدورت و نقلتدن اب صافی و جبار کی عار صحت صفا بختی مرقوم
 ارواح و مناد و دلکش می زید افواج و مزین ارتزاج در امانل مناصب مراتبی
 خاطرندن دور ایدو حالندن که وقایع و صابر دایما شین و شاطردر
 بور ایکی اشعار اول شاعر نامدار ک گفتار بلای غمت اتار بنددر

نهال دن ایردوب غنچه سین گلستانک	قویر میوره کینی غم لبیب سالانک
دیک کلک استدی قد بالای دلبره	طوبایی دیکدیله دیب می اوستنیره
کلدی ش قناعت وار ایکن میخانه ده	برایانم اوده در بر اینم میخانه ده
بانی طوقده کورد غنچه نورستانک	بگزینک اوجده و غی اولدر بلبل دستانک

بوغزل ببدلی دخی فایق هر مرتبه مدح اولتسه لایق در

طیب درد کورد دو اوان الکلدی	بیشدی بضم بن مبتلا دن الکلدی
چنار جمعیت ایدو خانقاه کلشنده	ایرشدی بیر خواجه هوادن الکلدی
وقایع جان صبر کن او خواجده حسن	نه نمر اولغدی که بیع وفادن الکلدی
رضیه مایل اولور دیو قطع اید بخیرن	کسد زلف پریشان صفادن الکلدی

دیشدی کم برالم خیزد اوسون اوکی عذاری اول شرم عالم سخا دن ال جلدی
 عذاری صفا بلده فخره اسکو ایکن ترک عالم احوان و کزو ایدن قره حسن
 نام قاضی تک کوچک او غلبه صد و کھیل کمالده ایکن اخریه انتقال ایشدر
 و افتاب عذاری کمالن بولان زوالد ایشدر در بوشو انکدر

بنی یوزد و ندر کسب بچنگ یاره سینه	باشک او زره طومین بونی تک یاره
قرال اقدان بوشو قوشا بیر انتم	نیه کیر ردی بیا نکله تم ااره سینه

عذری عذاری نر بوز برادریدر اگر صیغایته اعرج و لنگ هر حقین اقدان
 اقدام ایله دنیا باشنه تنگ ایدی اما که وادی معارفده قدم رانچی و معرفت
 کتب علمی بی عار و تنگ ایدی بعضی بلاده قاضی اوشیده حاکم اولدو اراضی و مالکی مالک
 بیزور ایدوره استقامتده سست و باور اصل ترازو نشان در هم و دنیا نه جاننده
 اول ستمه مایل اولدو غندن او تری شنت عزل و تنگ ایشدر زایل دکل ایدی شوشو انکدر

منکوت جان دودنالا اولدی بیره	برده کورده بیری یوق میکنه انکدر
دشت نم بیک کیمش نخب بیلر جنون	هی در نیغیا لکوز بولدی دلی میدانی

عزسی روم ایله ده کی بازار دیکله بازار روز کارده مقام اعتبار پر رواج
 اولان شهر نامدار دندر نامی خود در اول خلصی حاجی ایدی عبده عزسی بیدیل ایدوب
 بوشی دیشدر بیه غفل شعور من بوشس سید زان سبب شد خلصم عزسی
 صقا که تاریخ کویقده بی عدیل و قرین او اوزه اعتبار و شهرتاری ناره قرین
 عاشق نکلین و آه و این مظلومین کیمی و آل قبیه جرح دوار و عرش برین
 اولبو اقران و اشالن بو طرز بینهالده بوشس و سید مسول طبع مقبولی ایله بولور
 تخیل ایدو قلیجی عرشده گمشدر طرز نزلده دنی پر شهرت بلیقیس معانی
 عزسی ایله قبل ان برتد الیک طرفک اصداره اقتدار اولان شورا نامدار دندر

ار باب افاده مرحوم سهار زاده سلطانیه محمیه ده اجراء قوانین شریعیه آنکدر
 دانشمندی ایدی اول انشاده مرغ روح لاشی مکا و قدس شیبانی ایله کله بانه بنانه
 بریت و یابصر اندینجه تاریخ دیو خود منقوطه بر تاریخ و غیر منقوطه سی بر تاریخ
 اولور دوزال همدلیدن سلطانیه وزیر اول مصطفی پاشا طغوز نور التمش
 در شنه سنده روم ایلی بکلر بکیمی اولدقه بو تاریخ رعنائی دیشدر

قلجک کیمی جوهر دار و صافی و مرصع در	بو تاریخ کله فتح التمش کیمی ملک عرفانی
اما صقا که عالمده شوکت ساک کلندر	شها احمد لندر و ملک اولدک میر سرت

رحوم عاشق جللی تذکره الشعر اسنده دیشدر که مزبور عزسی تک بعضی تاریخی و ادر
 اند سکر و هله تاریخ صیغ جلدن رمضان زاده محمد جللی شیخ اولدو بو تاریخ دیشدر

که اصنی صفا جوج اولدی کاه ای اهل کوه	بو تاریخ اولدی چونک اتفاق جلیه مهم
امور شری و قانونی جامع حاکم کلدر	نشانی اولدی ذات پاکله بر قایق عالم

بو اشعار سینه طبع بر اقتدار دندر

قیام ایتمز مرسیندن کما مظلوم کیم غایت	خدا بوی صوری قیامت یومی سلطام
کد این لظندر و صلیم جدک دکل دیر سنگ	کدار یا د شاه او طری اتمت یومی سلطام

عزسی صفا زیبایی کلشن سبا اید بر طریقه و برو سیره اوزره اونو دیده روی
 وجود سعود یل ایدین اولان شهرتیه دندر طریق علم خدمت ایتد کدره فرا ایدو
 مولوی اولمشیدی حوره و لاتینده مقام و اول ملکته توطن و ارام ایشدر
 طبعی صحرای بلا غنمه صالمش و بو طریقه نذر و خوش خرام کلای صفا کانه المشر بوشو انکدر

مت عشق کدر دوشدر و در بولنده ساقیا	حاکدن رفح ایلسک دو بیکه اقدار اول
دیدم کم الک صول سور هین یوز و نیمی	بول خجده دین کلدی دیدی او بیکه و نیم
بزه که صیکه دیک کلدی فزازی کوی جانک	انک و سینه یول سور دک بز اچندن کلون

عربی نامی مصطفی در لوجی و نوحی یک برادر که در جمله سنگ وجودش سرشته محل و
 قصبه پرشته در موصوفه هزاره لغت علم مثال کشیده قدس آمد او نویسنده
 نوحی رئیس الکتبای و عربی مطبع کاتبی او شمس اول شهر با رجبته وجود عازم دار بود
 اول فقه که ارکان دولتی کاکل بمران کبی تار و مار و مثال و راق خوان پرشت
 روز کار او شمس فروردنی در دولت کلوب دفتر خدام سده سده احصا
 بعد دماغ جانینه بوی انس و نزلت و دل بعلت عالم قدس نونید فرغت ایر شوب
 تقاعد اچسی ایلد قناعت اید و کزین عالم امارت نکمین خاتم وزارت مصطفی پاشا
 اسفندیار ساینده تانفتاب حوادث آتاید استراحت ایلمتید و اول حالت جناب
 رب غزیه حلقه غزنی تقسیم اید و جانینی بت کریمه ایلدی سبک اشعاری چند ان خالص
 و صمیم و شاهد اناری حسن و ملاک و سم اول شدر بو اشعار انک گفتار نذر

دبر کسینه ده کی شوکل داغین بکیمین	ای قیامت بر عشق جبراعن یقه سین
ای مصور قدر لداری ایدر سنگ تصویر	خاکر ز ایلک سر و بداعن یقه سین

عربی افندی از با علم و دیوان و صاحب مردت و حش ار سنده معروف و مشهور و غایت
 و مرد و نهایت سخاوت و مکرمت ایلد مقبول جمهور اولاد دفتر دار بر ایلد جلینک فرزند
 سعادت مندیر نام نامی و اسم ایلدی بر محمد در حاوی فضایل فطری و نبی و مجمع
 کمال و فضایل و هبسی و نور علم و نیکت و صفای ذهن و ایدر است و صفات حمیده و سمات
 پسندیده معارف و فضایل غیر عدیده ایلد پیرا کتبه کتبه کتبه جو اهر ز و اهر معارف ایلد
 و فتود انواع فضایل و در غرر لطیف جلایل فضایل خزینه در نیده مکنون در موصوم
 و لاد فردوس مقامک تمیز حکای و جمله معارف و کمال تده شاکر و پیر اخصص اولوب
 اول اسد ضار که مجلس افاده لرینه مداوم و لغت خدمت اعاده لرندن ملازم اول شدر
 حقا که بذات شریف و جو لطیف در که طور در عین معارف و محض مشر و حکارم و علم و توضیح

د علم ایلد

و علم ایلد لطف جسم و روح مصور در حجاب الفاظ در باریدن قمر و اظفار و بول
 اولاد صور معاند دقیق ال اعتبار انظار اصح اختیار ده محض حاصل و انانک کلک
 سحر مجر انان زدن جبار اولاد جداول انکار خاطر زحاک اعتبار انقاد ان اشعاره
 عین اب لال در زبان ترکی و فارسی و عربی و نولابی ده اشعار و هر برنده قنیل
 و بی بدل کتبار اولاد و غنم غیر یقین انش ده دخی خواجه جوها و مر و اید صد
 غلت و بیاند ز زبان ترکیده اولاد اصلا مقبول و مشهور افاق در اگر صیب
 انظار حسین و غلک اصلا قتی ترجمه در مکن جو یق معارف لطیف الحاقی انک
 حسن ملاحظه طاق اول شیدی مدارس ثانیه دن برنده مدرس و هر روز کسبل
 فضایل ایلد بنای علم و کمالی مستید و مؤسس اولاد قدس کره مدارس سینی نیک
 برنده افاده فضل و عرفا اوزره ایکن شزاده شاهان نمنشاه فلک مکان
 سلطان محمد خان خدمت لینه خواجه اول شید سعید سوز شمشاه مسفورده معانی برو
 سعادت و اقبال و جام فوار پیر ساد صهبان حصول مرام ایلد مال مال ایکن مراتب
 صورت و نامایا او تودل جگدر در درجه ان ایلد است و بر کران اولاد قدس مرغ روحی
 عالم قدس روا اولاد ایلدی عزم کلتنا جنان بو اشعار بلت شعار تحفه خاطر بر
 اقتدار لر کون دل جانندن زمین غلته نثار و ایشار ایتد کلهی در ر ایدر نذر

خلیم سوز عشق انش عشقه دوشندن صور	بر اوتدن پیر مندر انی باشندن کجندن صور
یوز او نیامخه عرض جلال الیه یار	کذا انصابت الیک کوککه قویاره کی وار
راحم بیکان ترک اولالی خاطر انش	کم دیشر راهه انسان فی حفظ اللان
طولمدین غمی نه سدی بهرک می کلکون ایلد	بسلز دی صحرک جان دل پر خونک
جو قرقلک ناقصی معیار زمان	ایندور زرضه بر کون اغراول کوزلر جان
عجمیدر زمانک دلبری عاشق برت اولد	اتاسی قوی خنده او کور نور دانی قوی چالنی

اگر باینده بارک یوز سورم دیرک کاباس
 و مادد اشک سر یوز یوز فانی شاک
 از لختش هرگز رسم ایدر کن کنک
 بر بر بوش اول خطری بلوک بلوک
 سینه دست دست او تک بکرز الکام
 بشاه سین که بکدر بده الای لای
 افتاده لرایا نگه دو بخش دیزن دیزن
 بازار دهری طودی بیدار چی سنگ
 عنایه صانع صول نظر طرف طرف
 عزمی دیار و صیقله عزم اتس جایی

والد فردوس مکان بعضی ایما
 فضل سال اهل العصر طرا
 و عشق ریحالی یوم اتندی
 یا تو در کسکه یارش غبار
 هر چی بر سر زوال کور و بی

فرمانده شیخ محمد عصار که هر دسترسی زبانه غم
 زجه اندک زنده کلام قوم عازم جناب ملک قیوم
 جنب شاه والایه عشق
 جوانی و بری فرمانبری
 در وصف زسم لودی
 چو صیقل چکامای ولدی
 شکیب اولدی هر چه

عربی استنبول ندر نامی محمد در انت نک ترف و غزنی علم و کمال اولد و غنچه جانم
 عالم اولو تحصیل معارف و کماله عازم اولمشدر حالاکر ز سیدی زاده افتدی
 خدمتده اولوب خدمتدن ملازم اولوق صد دونه در آمد در که عن قریب
 فیروزی انکار اولو نطق جهانده بیاده قالمش ایکن و کمال مراد آتیه سوار
 اولو بر مضروب ایلا اجازدن مناسب عزت و جاهدن بر منصب شاه در بر معارف
 فضل شطرنج باز نگهده مهارت معارض خصوصه غلبه و کنتی وارد در لعب شطرنج
 زمانه ده حقا که فرزانه در آماغرایند در که خصوصه لب مرقومه غالب ایکن شطرنج
 باز کبی لب زبوره مخوف و مواظب ایوب اکثر یا فخر و مادی در بو اشنا ده
 اشتغال اید و اول فنده دخی نام جعفر مفا اقبال ایشیدی بوجوده بکر اولو غنچه
 اید و کی اشعار ندر که حکم اولندی راقم کوفک بو غزلنه نظیر در

دامن جانکی حکم طو تندر جهان سنگ
 کاسه باز اهر کبیل جوخ سر کردان سنگ
 باشی قلع المیک ترک تعلق ایلم
 بکسیر کشتی وصف ایلمه ای باغبان
 کرنی اراد قل کر قلم امرات شما
 تشکر عرصه نظر زبوعدر جهان

غزلی بیط انوار قیومنا ای و مقوم مقام حضرت خلافت پناهی دار سلطنته العلیه
 قسطنطیه الحیه دندر نامی مصطفی در شیخ جهان فتنه واقایم سعادت حاصل اولد
 مال بیکرانه قرانه اولو معادل کسبه سیاره اولان هفت بکر و روی فرعون اعدایم
 از دماغ هفت سر اولایدی قلم سنگ کسکه نظرنگ کتخا اسید زلف اشعاره گوش
 و تمیط جواهر ابداره و درش کلمه بوفنده تحصیل مکت و اقتدار ایشدر و قلال اولد

استعاره خیل اعتبار بولش در حال حاضر غزنی و طوائف که صاحب خیرت و غیری
 هتاک اشعاری صین و بنا فی شعر بلای حکم و مستین در نه کم بود بریده به مگر
 او چون ارسال ابتدا کی اشعار بی نظیر و مثال در صدق مدعای زبور مانند افتاب
 بر روز جلوه کر منصفه بر روز ظهور اول و اول اشعار بود

کوزک قان دنگی اول غزوه بیداد در کوزک	زهی خونی که مردم شکلی جلا در دن کورش
شب ایزد الواد استبد کسیر کوی دلداره	اصلی کبیر کسی کبیر منصور دلداره
کوز با شین حرف ایلد کبره ایلد مبدم	پهری فرزند انگر بر عجب مدر بودم
جفا کشید کسک کوزک کوزک اتمش اول بزرگ	اودش سنینه ای عاشق تحت زده بگز
ایدیخه بر در یکدانه بی دلا پیدا	اونجه وارینی یولنده جالقدی دریا
چوخ سرکش اوله جوسایفتاده دل	نه یا ز اول اصل نه یوش اول لابل
چونک کوزک دهن دسیره دل	کندک ای عاشق به دل یوقا بیل
تور قرین کرک سودک کرده ناکه الینه	مدد اول یوسف تانی قتی یا باند کدر
باده نوش اول بور هر خطه ایدو بیستین	ویردین جوج فنگ عمر غزنی باده
عاشق بی شول کسیر کم سود کی خوبک	یولنده فدا الیمه جان غزنی

صلاعت شعرا و زمانه شعر استنبولده اول طائفه زمانه شعر کوزک زبور مشهور و زمان

خلق زمانه اول شعر بو ابیا اندر	ضرب زمانه صبحی زمانه	بری محبوبه تک صبحی زمانه
قتی حوق باشلو قتان	زمانه کی جوار و سکار	چوینک صباغشی عاشقاری
الورد کشور دن لنگر باجی	منی خند جورد اگساجی	بانه صنگ زنی پنبه یعنی
برسی پنبه یعنی بر سمنبر	تنی مانند پنبه نازک تر	بوی جان باغنگ تازه نیک
دانی صیغه اب زلانی	دیدم کل سینه دیدی	اود پنبه تک اونی

عسکری عسکر جوارح عقیبا لطیف قوی اوزره شعر اورده دن خروج ایدو

اول خطه مسعود دن عالم وجوده و لوج اتمش در کون عاشق جلی غلبه و کبیره وارد ارد
 رعیت در پادشاه جهانک اتمش کشوری ضبط و تحری ایله عسکری عدادنده داخل
 و اصل رتبه زعامت اولعه سهام مرانی مثال اولشکن سلا نیکه توطن و اقامت
 ایملک فتاده خاکر نفور و فلا اولشید آخر اسحق پاشا اولنگ عورتین اوب
 نفود بجای و خنی امکا و اسبابه و اصل و اول تقریبه سعادت حقه الاسلام درت
 روضه خیر الانامه داخلی نایل اولشید اما نینه تمت سوء اعتقاد و ریت رضو الی حد
 قورنگ حاجی اوله بلور وار مانع خرمه بی اشعار زده فی صفا بوقدر بوج مطلع انگر
 هر دینک در سلطه جوج کردون اوسته جندی رابته و زردون اولادون اوسته
عشرتی امانی و اعاشه استنبولک کل تفریح و صحبتی مقام عیش و عشرت اولوشه زبور
 جوارنده خضر وار در یا کنارنده قرار ایدن بکهار دند زانمی مصطفی در طریقه
 سلوک ایدو خدمت موالی و امانی دن عالی المیوب ملازم اولوقدن صکره ادر نه و نینه
 خاص کوبیده حاکم و والی اولشیدی سلطان المشرقین و خاقان کجاق نقین صاحب قرآن
 مین فتح و تحیر عراقین ایچون نهضت ایما یونلری اولوقده شتر اده سعید و شهید حوا
 سلطان با یزیدک وجود رشیدی و شیر بره و حدید کمرات جلال فیه باس شید
 یا جوج کفارک فروجه سد سدید او فوجون شتر ادره بکلمه نامور اولشید خدمت شتر
 اول شتر خبت اباده کلده کده شتر اده یغزل نقیده ویز و شرواش واسطه اسله
 و مالک حسن اولوقله نغو و نوا تو بیل اقصا تام و قربت مالا کلام بولوب ایشال
 راضل نرم انس و خلوقی و صراحی کی ممکن جلی عیش و عشرتی اولشید صقی شتر اده
 بر قومینه سخاغ اولان کوتا ایدو بیهودت ایدکده مزبوره اسکی شتر نقیاسین
 ایویز اولانتاب سعادت و اجلالدن ذره مثال ایلدی و مانند کمال اول
 شیعت انتاب جدا اولک کن بعضی خصوم و اعاد صور صدق فادو غایب

بادی او پو جناب قران مرحوم سلطان سلیمان خان خدمت شزاده ملک فضل زبور
 اغوا و اضلاع ایلدیه کبی بده برت و اهل عیال و عسرت او شدر دید کلنده
 اول فاقان دهر مظهر غضب و قوی او تو موزول او شیدی او سلطان دریا تو الگ
 غزل بیانی تیس ایلدیه و یرد کده جرایم و انانته رتم عفو و انعام چکوبیم
 ایلده منصب قضا ایلدیه مقتضی المرام ایشیدی اول غزل ببدل بودر

اول الا کوز لر بزمله مکر و ال او سنده	غمزه رعنا قلده جنگ و جدال او سنده
ایشیکله کیکله نعلیک نقشی شمس	برج رعنه تریادر بلال او سنده
اشد کردن اشته شمشیر کفن برد و تیر	عشرتی ادر شریفه امثال او سنده در

اشتهاری اشعارینه صد بار عالمدر بو اشعار حالان حالی دکل در

صنم عشق اهلنی موتیل کذ ارا ایلدیلر	حجره صبر ایلده میوب ترکده یار ایلدیلر
صورتا کورم لم دیور قیکر یوزنی	بندیلر کل تابوته فرار ایلدیلر
ترک ایلدیتاج و قبای صاریلوب کفن	خلعت عاریتی کیمکه عار ایلدیلر
کوتروب اینی بو ملک فانیدن	واردیلر عالم باقی ده قرار ایلدیلر
اردنی اوزره یا تو بیل قور ایشیدی	نم و نخت بنی ای عشرتی زار ایلدیلر
زره غرابره رعنا بره بک	یوزی کلدن صحی سنبیدن
بلسون اک کلکینی ماه تمام	شبکلا ای مه نو کبی اک

عشق مرحوم سلطان محمد خان شوا سندن بدور و زکارده اشعاریک اعتبار و اشعار
 المیوب و اول دن اطلالک قطع رسوم و اناری قلمدر زمانده دیدوکی
 ابیا و اشعار دنی بو تعویم پارینه نایدیکار لطیفی تذکره سنده بوی یوزدر
 بکون صنایوره کی یارم النذن • تاکم کوره سین نیجه در ریادرم النذن
 شونده صلا و کند و ده ایجا در تصرف قدر یونیکن نه زمانده صلی رعایت

یونی یوز اچ و طیفه سی وار لیش صتی اول نامیده بعض شو ابو بی دیندر بیت
 عشقی طالعو که عشق او سون • کجه ننگ کوتی ستارک اینی
عشق حدایق بر صفاسی دیده ریاض ارم و سبایی تیره ایدن قصبه کبیره تیره دندر
 معید بر بند یکم شتر در در اجدیت مرحوم سنان افندیک معیدی و طبع بر افاده
 مستعبد اولد قدن کجه مرحوم صوی زاده افندیه وار و اندن ملازم او شدر
 مدارسه مدرست اولو افر طریق عزله عازم او شدر شریک اشعار یوقدر بویون مطلقه
 تیره چشم ایدین سون رخکرای حورین • خاک بر تو صبا کلن زره چه خورشیده سین
عشق برج و باروی طاق جرج میوبه کاس و وقت و حقیقت ایلدیه صین البین
 و متین الاساس اولد و غنم غیری تفرجگاه عاده ناس او مغلجه مدح و تناسی
 تسوید او راق و اطراس اولیوب بودار جهانده شهر استنبول همجو ارا اول
 یکجه صارد ندر نامی ایلس در اول انش جنک و غانک کندر و بشیر زاروب
 طوبی و ننگ شیری اول طایفه یکجه بیدن او کوبنده نوید زاده شیخ حاجی افندی
 محبت و اراده ایدکچ انز و اده قالمشیدی عبده الففضل افندیک فضل و قوی ایلدیه
 بعض عاثره کتابت اوزره ایدی افر سابق سعادت عنان اختیار و مکندن
 شاهراه سلامت یونلد و بوطع ایلد جناب کیم و سده حاقانی بر عرض حال و انانته
 مافی البال ایتد کده اول طومار قیل زخم سینه صد جاکی و مفتاح کلید خاطر غنما
 اولو مراد و ماندن سوال اولوب تیر مامولی هد قبوله موصو اولد قده کوشه عز
 اختیار اید و بصریک اون اچ علوه کجولو افرین قبول قلمشید و کوشه و قنده کجیل
 نوشته اخره مشغول او شیدی اول قطع بودر قطعه پادشاه جهانک بن
 نیجه ایل ایشیکنده جا کرایدم • اخت اولدم کسلی بر کیم • صنایع اولورم صولان اولدم
 سیز ایدم جهانن زیر • پادشاهک علوه سن ایدم • شاهک اتی او کجه برج اوزره

بنظر ایی یاد ایلدیم

قلعه جنگ اوله کیوب اولوم یاز او د کیر کندر ایدم سک صحر او غردن اول چرخ
 انکه کویکده حسرا ایدم شاه عالم شاهان اوسون جا کیریم از لده جا کیر ایدم
 بزرگ اب رو کله اشعار و شاه بیت قصیده گفت ایدر
 کاه کرات فلک روی سعادت کوستر که دو نزنک ملا متلاک کوستر
 او دای ل صبر قل او مک ملا کوستر کوره لم آینه دور ان صورت کوستر
 نیلوی در فلک آینه اسکندری دیوه الدردی لیجان خاتم انگشتری
 ساقیا دور سو باد بیل سغری کوره لم آینه دوران صورت کوستر
 عطا سلطان محمد خان شوشندرت از جه اولد غنم غیری قالی
 و نهائیده ایستی اوین لجه و ایق استدر که تمند فرار اید و قصیده بویله حانی از ایدر
 کوچ کورسه مهر کشی در سلطان غزم ایدر شمدی عطایی به کوچی سلطان ایدر دروغ
 اشعار قدما منقول اید و کی معلوم کیفیت حال ایراد اولن اشعار ندن مغرور
 عطا بدان بهان لقا سلو بد شهر اشوب اولان شهر کوب در اجدادی بلادین
 کلندر سلسله لری لقا الای برهان الای صفا صفا المقام العبد مظهر الکمال
 الای مالک انفا عیسوی حضرت احمد سیوی به انتب اید ادعای عرافت انتب
 ایدر در مرحوم امحق افندی ایله صحبت و الفت اوزره اولو خوشه چین معارف
 بیعی اوخله جلالت شان کتب ایشیدی زوا اولور که مرحوم مولانا و عطف
 عرب لیم جلینگ مولودینه اخبار موضوعه بی شملدر دیودخل اید و کندوسی
 بر مولود نظم اید که ه بزم عروض و اشعار و صنعت شعرا لیه اشعار عزیز بودر لکبر
 معقنا اوزره خطا واقع اولد سیر انکت اصله تصحیح و بعضی ریزنده صورت
 کرا تصحیح ایدیه سز دیو بعضی نغمه مزبوره کوندر در مرحوم دخی رکاکت و سخاوت نظم
 مزبور معلوم ایدند که جمله سی محتاج اصلاح اولد و غندن کتبا اید و کتبا بی

مشهور انکدر

بازو مرحوم اسال اید که مزبور مجلس عظمه افکار اید و عالمی سنگ و تار اید
 بغم فراق او دله یا غمش کبابه بکزر کیفیت شعوم زبکین شراب بکزر
 بوقاره قاره اسکی کونیکر اید سینم بر بر او جایی قلش شهر خراب بکزر
 خور بچه فقیر و درویش از بلور سین کسانزاده اولد اندا بچه مثال ایینه
 ذهنی روشن ضمیری سا اولد بند اولد نفس کز آنکی هانه شایک خیف درستی جلق قلبی ایکن
 طریقه عقیده به سلوک یکنین تجلیت کاتبی او سولوی اوزره بصوفیه منظوم بر ساری
 وار در بیت اولد اندر خدا نکا اولد توفیق همراه کند قرینه بو نذر دهم راه
 عطا اب مصفا نزه سلسیل و نسیم و هوای دلکشی شفا بخش بر مرض و سیم
 اولان شهر اوزره دندر حکیم اولد دیکله شهره جهان ایدی ابن حکیم نصف احکیم
 اوزره قاعده و قانون شفا و معالجه و تذبیر مرضا ده بابا سنگ تعلیمی اوزره
 طبع فنی کامل او تو کلیت علم طبیه ذهنی حاوی و شامی اولد شیدا اگر چه اوزره بیله
 خانه سنده طبیعتی ایدی لکن محتاج علاج اولان دن بیمار و پیر خمار و کندی
 کی شمد و زندقه دار الشفا فی الحقیقه خانه خمار در دیو اولد از الشفا در جم
 می کبی طشره صخر ایدی مبتلا سود مزاج اولان حکیمانه علاج ضرعیق و امر اض
 سودا ئیه اید مختل الدماغ اولنره برداشته صرف رصیق در دیو نر کفشان
 سار صدمتا الدن دو شور مز ایدی بعضی مضایه وار معنی لازم اولد قدگان
 زل مست لا یعقل و از و نه مرض انک کلامن انکل و نه اولی شسته نک ناز و فریادین
 دکلر ایدی اغریبه نه نغمی با دفنا اید بر اولو فحانه فحانه دوزخی و نیکه گاه
 عالم وجودیتاغی ایکن کونور د بزم غشردن ایمن مغرور و کل بدن
 مرکب اولان ترکیب اشعاری و بوی کنتار تاثیر و حالتدن عالی و عا کدل
 کیفیت عالی بو برایکی ایست و مقانندن جلوه کر منفه ظهور و کمال اولور

زرد پهرید بولور کویکی عاشق بویکی
 جام او زره هر جنبه موادن خبر ویر
 نمزک خدنگی تیر بلادن نشان ویر
 دل استان یاری دلدن دوخ و فرآه
 بیک جان ویر فتاده بخت و آرید رس
 بولدور طالع کعبه التون و لیتی
 عاشق وجود کینی فنادن خبر ویر
 قاشک کمانی قوس فنادن خبر ویر
 بیاشق دار شغادن خبر ویر
 برجان بونقدی عطادن خبر ویر
 علی محمد درین الانام رفزی زاده دیکله مشهور و سوره ایام اولاد اولاد
 اعظم جامع انواع العلوم و حکم حدت طبع وجود فیم ایله ممتاز کلتان فضل و عرفان
 سر و مثال کشیده بالا و سرفراز تیار زخار فراید قایق فیاض ریاض
 معارف و حقایق مرکز دوایز علوم و حکم مطلع نواقب حسیم خدمت بیدر که
 حالا دار النصر اور زحمته ده کله سلیم خان مدر کشیده مشغول خدمت مدار
 علوم علیه و فنون صلیبه ده در حقا که علی کی معارف و کمالا جوق و لطف و طرافت
 حد و غایت یوقدر البته هر کلامه قصد توری و ایام تمیزی اولوز واقداج افراخ
 مزاجی تناول ایتمیخه اقاویل و اخبار دن منتقل قلم شهباز طبعی نذر و ان لطیفی
 قاجر مرزهای نازکانه بر کل اویچی لطیفی کجی مرز در اول اجلدن صحبت و کتبی
 صفحش قلوب و مزیل ارتاح و کروب در همانا هذا الذی اخر الی الراجعه
 معناسی باصدق حالی اولوز میدان همبازده کسوق اوزان و مثالی اولمشدر
 قطب فلک کرامت و مرکز دایره ولایت اولاد مرحوم نوید زاده حاجی افندی که در
 زاده سی باباری عرف زاده ترجمه لری ایراد اولندان قاضی در رفزی صلیبی در کرم
 الطرفین اولوز سواد معارف حاصل اولد قریبیک اناری و جنات حال
 جبین مقال بختالنده ظاهر و مانند انوار شمس نور روشن و باهر در که
 کلمات دلیلیری ایلا اشعاری نظیره قادر حاصلت عراوغی شاعر در

بوند که تحریر او همچون بوقصره ارسال آید و کی ابیا بختالنده ندر
 مشکل حال آید نمزک کتاب عشقک و اعظم شهر دم اور رس قولاین سویلر
 که سپوردک بوسیم بیجانی کوکله قالدی اگرم انی اغله در در عشق اکلر بی
 اگه ای دل بلای حیرانی تنده تیرین اولمشدر اولمشدر علی صابنه دلدی بیکانی
 قوه بصر با طوبه علمی کچین سردن اگر بیک در رسک انی باشنده چندن صورت
 بر قدح باده به ویر عارفک جان نقدین کز نیا ایلر سیکه انی دلا بنندن صور
 تاب هرک کرا و دم ذره به مهر بدرک ماه و شای یوزی نور شید فلکده کچین
 میر ایدلک رو خاک اولدم او زره کیکلی اول همکین بی ستار یله انندی کویکی
 ترک ایتمیخه بار اولمشدر اغله دیو یوزیدن جاق بویله می او مردم بن بویکی کوزیدن
 چشم ساد و کشت از رو همچون غل و شر دور تر باد الهی دیده بد اختر شش
 نیست این ابریه کز سوزش موشان خوت جانم در تن بر باد شد خاک شش
 سنک طلعن آیدر سوسو علمی دیوانه را از غم عشقت بین آفرید ایدر شش
 علی نامی احمد لطفی چلی دیر لر بر قضینک اوغلی در کج اصحاب فیضت و کمال و منبع
 نا خان سرحلال اولنا ادر نه دندر طب علم و کمال سالک وادی اشتغال اولوز
 آفریننده علوم و فضایل کعبه قوافل حسن شمایل هر بر بنیه فضل و عرفان مرحوم
 فردوس مکان و علی التشان خدمتند داخل اولوز ذات بر انوارندن اقتباس علی
 فضایل انیمکله طریق علمی قطعه محنت و عنادن پاک و منزلت با و اسی حسیض خاک کین
 بالا افک اولمشدر والدت مکان غم کل از جنب انیدی که بعضی قبال مزبورک
 راهنده سنک سیاه اولمشدر بوادی محنت و عناد صحرای جور و صفاده قلمشیدی
 بعده مرحوم عبد الرحمن انندی به دفعه ثانیه ده صد عا لمقدار اولد قدح اولفتاده
 خاک اندوه دستگیر و اول همان عالم عرفانه معین و ظمیر او تو ملازم اولمشدر صورت

مرآت حصوله بروز و ظهور کشید و دیده الم دیده و خاطر شمشید
 شاهد مراد اید پر نور او غنید حق که نازک از اشعار و استادانه گفتاری رخ
 دلبران کبی رنگین و در این سبزه انشال شیرین اشعار در رباری عبارت ارایه
 و استعاره آفایه اید مویخ قلایه قصاید نامداری و ارد در رشته جان صاحب
 عرفان شمع طومار اشعار یله منور و دماغه از با کمال محمود کلام مسعودیه مقطدر
 اشعار نیک لفظ و اداسی پاک و ساده اول کلماتی دنی عاشقانه و سوزناک در
 مزبور جانب راقم حرف اید سستی و نهانیده افوت خلتی او مین عنان کشیده
 و کان بیان از میده قلندی بو اشعار و ابیات بیه قلب صفا صفا سیدر

در کل جام شراب دلکش در کورد و گل	رخ دکل اینده عالم نما در کورد و گل
در یغیای سیدرسین ساگده دم یوق دکل	هدندای بری نیاده آدم یوق دکل
اجل اصل که به کلشس بهار اوسون	صالحین که چون سروی بیقرار اوسون
هزار غنچه شیدا بچشم ای عسلی	انگه سولیشوز بر زبانه بهار اوسون
دلبرک جوری همان عین وفاد در پیش	عاشق ادقی او جفا پیشه به لازم گلش
تیغ یارک جفا سی بر یوزدن	زخلمه ما جسر اسی بر یوزدن
تجبه بگز عذار و که مرآت	بقه انک صفا سی بر یوزدن

بو یکی اشعار و ادب فردوس مکانه و بردوی قصیده عبت عنواند نذر

او باک منزلت بر سعادتده ایزو باری	ستارم کون کسی عشق قلدی طلوع باری
جلیل القدر و الامرتب مهر فلک رفعت	اکرم ایشان عالی منزلت ذات نیکو کاری

نام راقم حرف و نام برادر کتیری اشعار ایدوب دیندر

علا نام و عمر عد او صیا عثمان او حمد خلق	صین اید حسن او سلوبیدر او ضیاء طوار
ناله شرع و عدل داد تازه لندرد	کلتان جهانده آب کی اولای جاری

فرخ افزای اصحا و فاقوال و اخلاقی
 قوع بیمای بزم علم و عرفان سانی و طبعی
 ولایت کیر اقلیم عطا دست کیر باشی
 راقم حرف و فک بوزلنی خوب تمسیر
 لالیه د اغلاورن رو مکرده خالکدر سنگ
 سروی با مال ایلین نازک نالکدر سنگ
 او ندر دک بخاده اهل عطا و جودی
 علمیا احوالی اهل د و تنک
 د لرندن سیم وزر د و شمزول

شرح فرسای از با صفا ابیا و اشعار
 چمن ارای گلزار معانی و ورد انکاری
 سپهسالار ملک موفت طبع در رباری
 باغ دهریزین ایدن جان با کدر سنگ
 غنچه لال ایلین غنچ و دلالکدر سنگ
 گلزاره اشعنان رخ را کدر سنگ
 یوقدر نیمده اسلا سیم وزر ک وجود
 جمع مال و دل پریشان ایلمک
 لرندن گلزار احسان ایلمک

علوی رابع سکون عالم ایچره سواد اعظم و سواد قلوب بنی آدم او محله مشهور و
 و مقسم از اوق شیخ و شاب او مغلذ اعنه خلق جهان صوابه معطوف اولای استیلا
 نالی محمد در درزی زاده دیکله معروف و بو طایفه ار اسنده ممتازلق اید موسو
 صفا که شاعر پاک ادا و لطیف ضیال و ناظم روشن بین و شیرین مقال شهاب طبع
 جنابین فکر و ضیال اید هوا فصاحت و معاد بل غننده طیران ایدن شعرا زماندن

با شجره صاحب حق
 دلال و غنچه معنی ناز و
 و کوشش معالده

واقدم السجده کلام حسن توری ایهام اید لطف مقال عسلا و ارتقا اید
 نظار دور اندر بعض انصاف و بدگوی از مزبور شاعر برکوی در اشعار تک
 اداسی ده در در بر کن طعن بزبور انصاف در و بهر در زیر که مضمون
 بیخوب و بدی تصدیق مشکله می دارد که کند و اخر ایتمش در جلد نبری از آن بهار
 قصیده سید که مهر آمده ذکر حران و بهار التزام ایتمش در بوابیا اندر

شمال عاشق و محسوق اولور جوان بهار	خران صرر و اوکده بهار لاله ازار
خران زمانی فکرات بهاره الدن	بهار عالمک اولور حرانی احسار کار

و تسبیح و تمانین و نماز ده حرف عظیم اوله بعض اماکن تانی عجم اولو سوتیا صفار و
 شیطان طغیان و استکبار خلقی من نار دیو خلق جهان صفا بعضی کبی اهل نیران
 و انانی شهر و زکار زور کار ک شدت و قهرندن دل منور و آبی با تو باقی نماند
 اما کن مدار که آه اشبار استار و اولاده کوکب ثواب سما مایند بهار
 جهانک نمان اولور و خزان در د فاین نی روز کاردن بر و صقل و غنی مکتوم
 و مکتونی ناچار آه اشبار اید عالیه قلور دارا پردار شهریه ایتمش
 کبی سوزا و استباد اموال صبر عاشق بر ملا کبی الان و تال اولاده مزبور ک
 درخی خانه سی می شنیدی و بود در اید سعود اید ن و د و محنت الودی ایتمش
 افلا ک کوکب بو شنیدی اول تو بید بوقصیده بر انتظاری دیوب مهر اعنده ذکر اش
 وانی التزام ایتمش در بواشعار اول قصیده نامدار دندر

دل نوبتیش مشکله و کردی کوزم آب	امزاج تلدین اش و باد اب و تراب
جان اش بر انور شده دل اب صونر	رنگ اش ه عجب اب دکلی می ناب

و درخی قصیده جار اندر جار در که قصیده خواجه کمانه جواب در بوابیا اندر
 جهان اعنده و رف و شیم و قدک ای لبر
 بری کله بری سبل بری بری بری عبیر

المده باد و کوزده اب جمله نار و شده ک
 بجایقید بونف و عارضه خط و ضد لبر
 بجای کله در نا کله ز بان کله کلا مکله
 بدن پیر میان جگر سوز او دل ناله و ناله
 صبا کمال و اهل سخن اولایارانه ظاهر و روشن در که دارنده طغرای ان من
 قدوه بلغا و سرد فتر طائفه شعرا کجا جها نیت خواجه کما یا کله بهر اعنده جار
 امری ذکر ایتمی التزام اید الکفا ایتمش در شاعر مزبور انر که مرادند غافل و ایتمش
 صنعت و دقتند زن اهل اوله اول کتمده انما اقتفا قلند شاعر مزبور اوایل
 و مبادی کسب کلمه طریق عسل سلوک اید و مرسوم معتلم زاده منیب مغنیسی اولده
 دانشمندی او تو مکتب نمذ و تعلیمه هزار اوله کلمت اما بار ان لطف و نوالی اید ناصر
 اولشیدانه جلان جلی و اسطیسید نی اصی دو و از با جلال و عزت بکه حضرت شایسته
 جوان بخت سلطان سلیم خان خدمت مریه اظهار عبودیت اید کسب شنایی و معرفت قلند
 بعده مکارم اخلاق اید شهره افاق اوله طراق جلی کلوب خدمت شزاده ده
 و سلک عربیه دخول اید کده مزبور ک شرایه نهائیده میل و رغبتی او تو بلسلا
 کلمت لطف و نوالندن غیری یرده متعظم و عندلیب اشعار شرف رگرم بشی
 اوز که محله مترنم اولمزیدی کن جلدان مزبور میل و جنتی اکثر اول زمره
 حسن نظر لطف نهایی سینه منظر اولو شهرزاده حضرت مریه تربیت و مدحی اید شزاده
 علوفه سینه و صلا و عطیه سینه منظر اولو نی ایام آستان معالی نظامه منده
 جا کرا و شنیده بعد طراق جلی استنبول کلوب مریه روح جنت اشیا کلمت کجفنده
 مکان اید و سرخیل شهید اولده عدونیک بطلعی داستان اولمشدی
 دل خواب و اریور سینه جان کلمون شهر علی قومسوی کلمت سلطان کلمون
 مرحوم صاحب قران سلطان سلیمان خان بو عتادن بخیر او تو حبس و قتل علوی به فرمان
 جوش و خروش در یای غضب سلطانن خانیف و مهرا و مانند برک اید لرزان

اولدقه طبانی فراده قیوب قراری فراره تبدیل و حضور حضری تحت شکره در
 افتاب و ابر بر جردن برج افرو کویل ایتمشیدی باد صبا کی دنیای سیر و تماش
 و انهار و جویبار کی هر وادیه کز ارونجه دیور و عصار کشت و شیا اشتیارتشید
 بعده پادشاهت اقلیم حضرت سلطان سلیمان لطفه جلوس استبداده مناجلی ایل کلوب
 اصلا امر با دشاهی ایل ملازم اولمشید اول ماندن بر و سر و کار مناصب
 مراتبه اولیوب کاهی بعضی امر او زرا ایل ماند و صبا اولمشید حاله فی اول
 مرتبه دن قلوب خمی کی سکن مینانه اولو گوشه کاشانه دن بر قدم طشره صخر
 و ساغر مثال شراب سبز حوکت قلز اولمشید اول ایلدن ترتیب یوان ایتمیوب دل
 اشفته سی کی اشعار غنای شعاری برین قلوب شریا صفت منتظم اولغده امکان
 مرحوم طراق چلبنگ وفاته بوتاریخی شکره افادر ایلدی حق انکا جناتی طراق
 بورا کی اشعار غنای شعاری نتایج افکار اکار ایدر

عدم کلزارینه برنج لب جانان غز کتیدی
 اویدر کلزارن این غزرا اید و ایند جوق
 خوج ایزدیه صخر و کدل نوله وار بن
 ایشوروره کم یاره لری تمیز او کلز
 بوندی دیده خط مشکبارة بهققدن
 مرض عشق دو اسلب جانان دن صور
 ایشان ایتمشید کینه ده عشق کوجدی
 خطک فکر ایدر لحن چمنز ارجبشدر
 درتایل اسکم جویبار اولدقه کتد کج
 چیکدر بنم ماه نوه تشبیه ایدن جسم

درجه اول سرو قد کیمین بلیز بندی
 اب کورنر دیدار عذری کنا اندی حق
 ییک سلور افندی کیشی کندوبه چقارین
 طلیبیم چاره نذر بنم ایش او ملز
 کوزوه قاره صویند کنا بهققدن
 یوری ایتمشید کوه کل حکمی لقمان دن صور
 شدی شهباز حجت او نو آدن او جدی
 ترک او قنار نغصه طور شو باران جند
 بنم سروم خضاره کنا اولدقه کتد کج
 اویدر اولدقه دایم بن نزار اولدقه کتد کج

وصالک شکره کنگ متیر اولدی کتیدی
 برینچی عاشق کوردم در جانانه کیدر
علی صلی یوقیر کثیر التفصیر عالم ارواحد مسافر اولبو ملک ابر واحد
 واسطه ولای وجود قناید شهر و انواده داخل سلک انتظام اولغده رابط
 اولو سزاوار انواع اکرام و تطف ماصدق کلام ولا نقل انجا آف جناب
 مراتب منقبندی صور عبارت ربوبیت ایلجلی و قناید جلایل فضائلی فراید
 رب ارحمها کما ربیبانی صغیر ایل موش و محلی اول پدیر مکرم بدر سمار حیات
 کرم جناب علی آت ان و می العنوان بهر سهر مکارم اضراق ماه جهانت عالم اکتفا
 بحر محیط فضایل قاموس لانی حسن نیل سند زو اة احاد فضل و کرم
 مطلع انوار اسرار علوم و حکم باغبان حدایق صفایق بر شرف بابها کنجور کوز
 انامدنیه العلم و علی بابها آینه جمال کمال و فحش مکانا علیا جام جهانمای
 مراتب سیمیه و مناصب علیا متقیانیت صلیف لطیف مقوم نوع فضایل و معارف
 حرارت معلوم عقل عاشر صلا تا شرو تا شرا ملک و عنبر واسطه عقد صد و رفاه
 عقد مشکلا امور عنوان نجه معانی فهرست مجموع موالی و امالی نتیجه مقدم و تالی
 ایام و کتبه چاکینوار دلدل فضایل و معارف حیدر کرار عوارق لطیف
 لیس من الله بستکر ان کلیم العالم فی واحد المولی القابل و الخیر الکامل العالم
 العلامه و القدره النهاه ذواته التجیه الطاهره و الغفه اتی دلائلها طاهره کسوت
 بالمکارم تجزیه و الاطلاق حسنه بجمیل امام خضعت دون رقاب الانام و نزلت
 بتلاید فراید علم اعناق الایام شریقول کنا الدهر بیدخل و کتبه فوق آذی هو قابل
 سلطان الاقال برمان الما مثل الاتی بالم استطعه الا و ایل البحر النافع و البدر الساطع
 الطود الشایخ و علم الراشح حاوی العقول و المنقول جامع الفروع و الاصول بدر اللایمه

الموا علی شکره بقنالی زاده
 اب المؤلف

سراج الامة مولانا ابوالوالد والاسناد الامام الذي تفضل العائد وهو احد
 شرف ايضا لواءه في رفته | كالصبي فيه ترفع وصيا | فضائل شهد العبد لفضلها
 والفضل ما شهد به الاعداء صفه تفضل للذين استوا احسن وزياده مولانا
 ووالدنا علي بن ابي طالب امير الله الشهير بفضله زاده جعل الله تعالى اجتهت ماواه وکماج
 جهان مقلبه وخواه خدش در که سز و وجود پروردی چنان فیه اسباب
 نخواست اولو تبحر اقلیم فضل و عرفا ضبط قلم و تحقیق و ابقان ایچون شهر نور
 علم افزایته اولمدر حقا که بر ذات ترفیع و بر وجود لطیف در که اطلاق معطر ی کور
 بجای فضائل و محاسن عادت جمعی طراز بسا شایسته بنده نور شید ضمیر میری شیخ
 انجن دانشوری و آینه رای سینه های آنها نای هر کسری صنعه ضمیر میری شکل
 کشی عقل مستفاد و برید خاطر نیز کانی راههای و فو صلاح و اد صحایف اطلاق
 روز منیده اوراق کل و نیرین کی کسر آینده و شام نکمت فضل علم بی هم بازی
 هر دیاره رسیده اولمدر لوع خاطر عا طری محل نتوش صفای الهی و حقیقه ضمیر میری
 بهبط انوار فیوضات منتهی کجسته استینه پر سینه سی جواهر زواهر علوم ایل مشحون
 و عقود نمود انواع فضائل صندوق در رنده مخزون انوار کلا ابر نظامی
 شکوه انجن اهل عرفان و انار اقلام مشکین ارقا مبتین حقیقت اسرار ایما نذر
 از بی فایده در خلقه دست بر حبس چون جواب تویی خواست که حکم با صل
 علم تفسیر ده ذات بنظیری بر امام در که کشف مشکلات او نرا انکا اقتد الی غیر
 ایدر لر و بر قاضی حکم حکم تحقیق و اتقا ندر که جمله انام کلام و حیر و وسطی وار کین
 غیر لری کشف انوار تنزیل ایگدن نهر ایدر لرشارق و معار بده مصباح فیهن
 شاقبی تا با اید و کی روشن و ظاهر و حدیث صحیح فضل صریح کبابر اعم کابر تنقی
 اید و مشهور و تواتر در هر مؤمن و علم یا بنده علم اولد و محل عناد نزار و مکار کلا

دخول بحضرت حضرت لکن اولمدر • بنی ریدن کلور ذکر حدیث طالب معنا
 واقف موافق علوم و حکم و قاصد مقاصد فضل و کرم اولو اولدنی تلویح و تفریر ایل
 مسائل مشکلی توضیح و دقائق محضله بی نفع اید و اولمدر شریعت و الاسلام
 وقایه الانا ذخیره الایام بحر حیط علوم و بلا نهایه جامع فضائل و معارف بی غایه
 عاریج معارج الدرایه اولو وجود سعود هدایت ربانی و عنایه بجای اولدونی
 مدعا یستهد صد قدر غرر کلا فی کفایت ایدر اید و کی لامع و بارق در علم امینده
 اول غیبات المسلمین چشید روی زمین اولو قاضی زاده روی اولد و انانی اربع
نشته نور فی اولو عالمده کون کسی صلی • بولی یا بنده حکمتن دم اور مزبوس
 ضبط و تبا عن و حواد و وقایع زمین و زما و اضبار ملوک سالفه و احوال ملایین
 سابقه محفوظ ابن کثیر انما نسبت شی قلیل و مختیر در قرن انشاده و فی خواصه و جفا
 مروارید صد فضل و عرفا اولو نزل اللہ و قلایه العقیق و اطمینان بجان بلا و سبا
 اولو کلا بر عنوان و منشآت نعمت نشانه عقد شریکی اجتماع و انتظام و بر مکار
 بر کتاب بخت نفا ایتمدر در کصیرت فزای بنگای کتاب لکدر اول کتاب غایت
 میان مغر و کبار رده مثل سایر اولو محسود حال نشین ماضی و غابر اولمدر
 بدین لطافت خوبی کسی نیار اید • جملهای عبارت عروس معنی را
 شهباز فکر جلالا جنابین حقیقت و مجاز و جره باز فهم دراک توادم و ضوای اطلاق
 و ایجاز ایل اول کتاب ممتاز بخت طراز و صحر بردازک هوی طبع و شننده پرواز انیم
 بحال و خص خیال در و صفیات فکرت کلا ساد کار خانه فطر تدر مواضی شفقین و غیاس حواس
 اول شاه در کمن تک قامت باال تعریفه مناسب کس کلا اسی لایله و مانند نور اولمدر
 لله لؤلؤ القات قطرها | لوکن بالفید کستانن حلال | او من هو معنی لوکن بها
 نجل العیون انما عن کل نزل اول عبارت رایقه و استعاره قایقه و اول الفاظ طیحه

معلوم

و کما فی حدیث اول بو اسامه ایستیا ایشیا ایشیا اولی الخلفه الاشیان
 یا خلق الخلق ان الله یا رازق الخی ان بلاوان مدح خدمت علی انده
 جناب فیض ایل نیک مصدر افعال مستدیه مرو و حیات خورشید استامان فضل
 کوکب سعد جلایل خصایل مشرق افتاب علوم و حکم آینه جان کمال فضل و کرم بستان
 فنون معارف کسرت و سرفرازی و بهیوی کالات لطف شکستناز بلند پروازی ثانی
 معتمد ثانی عدیل و نظیر سعدت از آنکه حال کستان جهانده بیباک خوش طبعانی نوسرا
 ایدن کل خوشبوی التفاتی و نفس دور آنده طوطی شکرستان مقالی کویا ایدن
 مرات ذات ستوده صفات در صراف کوه سخن او لغز زان شیر نغزنده جواهر معارف
 با عیالی اولدی و نمود وجود و حیات طالب منافع عرفان او لغز بازار علم و کمال و اوج
 خواص اولد شاه دورانه او خواصه زمین و زمان کلز انک نظیری دنیا
 اولد فضیله قدره دورا از خواصه سلطان و سلطان فضل زمان خدا مقلدن بر طبع
 جامع که جوامع بلا غمتدن اید و کی روشن و لامع در کوشش آید کرده بگذر حالت که در یاری
 بر در را اید که هر چه چون علمای تمدن دیکت مسلم در که جامع انوای حقایق و دقائق
 و حایز اصناف کالات اید و کی نور صبح کی صادق در وقت مطالعه و حسانت بیعتند
 هر چه فایق اید و کی انوار خورشید کی لامع و بارق در و علمای عرب و اندلس
 عجب کل در که قصاید و اشعار عرب جمله محفوظ و معلومی و نوادر و امثال صحیفه و ضمیر انک
 رسومی اولد عالمی فضل احاطه ایشیش بر جزقار و بر در میای بی بن و کنار در
 سزه زار جهانده نیش مثال سرفراز اید و مختیر و صوفی ابرین کشش کی سر سبز اولد
 منکرین که اول سر و بوستان کالی و کل کلمات سعادت و ابلالی نیچه توصیف اید و
 بلبل کویا کی نیچه نوسرا اولم و ما هیبت تعالی و تعلق قرین نه مقلد و در که تعریف قلوب
 مانند مهر و ماه اول حضرت ملک فضیلت و ملک جایگاهی کلامی روشن و بهیوی اقلیم عمده

ایلام

هر روز زبان سخن گذار و مدح گو اولد حشره دکل اوصاف حضرت عالیانده گفت و گو
 ایملکه غلغله انداز جرح مینوا اولد وصف اضلاقی علیه لرند بر ذره و ذکر فضایل
 علمیه لرندن قطره عین ایملکه قادر دکل در سبب صبر آن وزارت که اول حضرت که مدعی نه قلم
 اید که تیر قلم و عمده وصف انتها لرندن ز حالیکه بیرون اولم او راق اسمانه ال ایزد
 تعریف ذات شریفین آگاتسو ایدیم و خا اشجار روی زمین قضا کتور مزر که اول کشته
 کیت و صف کریمین نشین ایدیم **بیت** هر چه بر صفحه اندیش کشد کلک خیال
 عالم مدح تو بالا از آن هفته اندیش اول حضرت که اوصاف صافه مداح و وصفا اولم لایزم
 صیت طناتی باد صبا بهیوی او تو مشرق و مغرب منیده عطر امیز لقی ایدر و ذکر جمعی
 جنوب و شمال اید اغوار و انجاد ربیع سکونده مشک سایلک ایدر شرح فصل فضل و کمال و اوصاف
 کریمه و العالی بر اهل البی خا خورشید کانیف ایام و صفای شهور و اغوار تصویر اید و
 دیبر جرح بر اوراق و اطباق اشیره کزیر و تسطیر ایشیش در و تمیم نکمت خلق عظیمی لطیم
 نسیم هر دیار منتشر ایشیش در و قافله شب در وصف بر ظهور و بروزینی اطراف و اکناف
 منتشر و منتشر قلمت **شعر** با سکت عجزا عن امور کثیره بنطقی لکھی و ان قلت قلت
 بوستان جهانده هنوز نال نوسیده اولد و نغمه خط سبز گلستان روینده دمیده اولدین
 میوه فضل و کالی بر کمال اولمش و رنجه اقلام مشکین ارقای عین ازل اولمشید مونا
 غباری حکایت ایدر اید که اوایل حال و مبادی سن و مزده قصبه مزبوره ده میل
 فضایل موفوره ایچون اشتغالده و ترتیب مقدمات علم و کالده ایکن ایام بهار ایدر
 انکام کشت و گذار و موسم سیرت و لاله زار اولد ماه ارد بهشت ایدر مکمل سیرت
 نمودار بهشت و روی زمین مثال غلدرین اولد نال سر و کل کی بر افراز اولد لیل
 عشق باز که آغاز ایشیدی باد صباینه باشند کشاکش کمال سنبل گرفتار اولد نوسرا
 بنفشه کف ایشی ایدر دوزار هر چه صبا بهیوی کوزین بو یوب انجم مثال ایدر اولد نوسرا

قری هزار دستان

خدمت علی آتشک بولکاتی ایله غرغوان و سوسنده زبا بویا برنو انرا طبع ایلی

فصل ششمی ابتدای پریشان جو اکتاب	کل شاهمی چندی کلمه ستاد کامیاب
رضار لاله رخه ابریه ابدار	رفق بنفشه نغمه بادیه مشکناپ
دیوانه لوبی پوشنوب بند دن حکر	رخبرینی سور و یو کور کستانه آب
فصل هارده کجه لر کوه اوغین	قالق صبا نرکس نورسته نغمه اب
قرردوی باد صبح نورینی لالانک	بجایه لیلک جگرین قلمغه کباب

برکون اتفاق یارانله صحیح کستانه آب مغالی وان اولمشیدق اتفاق یارانان
 برنده بهارستان مولانا جامی و ارایدی خدمت عالی نبقت و علی المزن تک کتاب منور
 الی الان منظورری اوغین اینده مثال حال کمال اولوب برزنا اول بهار کوه
 تفریح کتبان نکران اولدقن صکره اخواندن بعضی کتاب مرقومک بعضی حکایاتی کور کوزلی
 دیدکده بی جمله کسین تمام ایله و جره حافظده مژزون و صندوق درونده محفوظ و
 و مکنون قلم دیدکده اخوان و شکر کا عادت لری اوزره استهزایه شایب زبان طبعی
 هر گوشه دن دراز ایتمک اغار ایتمک مرقوم دخی جسته اول کتابک مطلقاً و ایست
 و نوادر و حکایاتی از بردن سوکسی روان ایتمک شکر کا و قرانی دهره و صبر ان اولدیلر
 و هر برسی صفت بر فکرین قالد و درو فضل و عرفانه ایمان کور دیرین دخی
 اول زماندن برو اول فضل زمانک اطلال شلث رایله بالبنان اولی غنه عالم و فتح
 اقام عرفانه سلطان رنج العوان اولسنم و غایبی جازم اولمشیدم و لو اول فضل و عکاس
 و اول فرق فرقدین اولی غنی رای العین شه قلمشیدم جناب علی آتش لری بو کونه
 کوه افشان اولور لرایدیکه طریق علمده ملازم اولدقده مرقوم والد قاضی قیوم
 ایکن خدمت سعادته کجه اسلام و رویا کسده سدره هسرام رسوانه فایز
 اولور یولده ساله قلمیه و بویده ملامتیه دیمشیدم حال انکه کتب لغاتدن بر کتابک

تکلمه

تکلمه فایز اولمشیدم و اکثر کتب عربیه تک جمال با کمال کور میش و کلمستان
 فواید و غوائید ندن ثار معارضه و لطایفی دیر میشیدم اول قصیده بودر

بکر علی اروا اهل یا صناعی جمال	قد احرق النوادیهوی ذلک اجمال
وقت حیل میرسد ای جان تو هم برده	بانک نغمه شنوم ای دل تو هم بنال
نای نغمه کبکی ایدرنا لاهل درد	کوسن کبکی دو کوسینه اهل حال
یا حادی الرکاب ترفیق لرفقت	حاموا علی الغرام فهاموا علی الرمال
نالاروم مثال حس بر امیدانک	بانک درای شنوم از مجلس وصال
هر دم زمین جهره زرد مده شو قدن	بو طر قطار اشک در افشام انفصال
لمغان نور و جهک فی فتره الرسل	بدر بلوح فی ظلمات من اللیل
جواب حجر نو نیکرد منطسغی	چون نارفتنه شعل زدی در دم قتال
ماه صغیفه فلک اوزره دو نیم ایدر	انگشت سحرک که اولوبدر الف مثال
دعوی بیاب جودک کانه سائل	حاشاک نهر سائل جود لدی السؤال
از لطف خویش سایه زمین بر مدار از انک	تو ابر رحمتی و منم گشت خشک سال
بیل دستمال لطفک ایله کوز لرم باشین	غرق اولدین بو جوده لطفایله دستمال

حیرت کوشج تار و یو وصل و معایوب و شبح اطباق اوراق نصایل کور
 اول ساله بدیع القلم کورید مقام بلا غننه کند می همان بلوب رفعت مقام علی بی
 قایل اولورد و صبا انگشت سائلک طریق انصاف اولسید منزل عوادن معجزه
 مقام منزله منتقل اولو کلم النوائج دن بر صبح ایتمک مایل اولورد صفا که ساله منزله
 مشار الیه بنیان اولور بران دست از باغ عرفان ندن کوز و اقلام کس و صف کمال
 بلا و تظلمنه وفا ایتمک اول ساله نکل اول بودر سه لک لک یامین اکریم اولر بعد ما
 هداه الی التقوی و علم بالقلم توفیق با لطف و التون اورا و نقش لوح الکلون من الکریم

اول تابدۀ خورشید عالم عرفان و در زنده شیرینی تحقیق و از عاقبت قافی
معانی و صفاتی شهباز بلند پرواز هوای قایق نصاب حکایت فضایل
بسی باغبان بلخ مالک میدان امتحانده امتحان و از غلبه و ناهک اولوب
طریق سعادت رفیق علم سالك اولدقه خدمت افغان انام و اما مثل محافل ایله
و کوش دل بره جوهر زواهر کما بر انتظام لیله معطر و شرف اولو حضرات عالیله
زانورده مجلس فیلسالی و شمع انجمن معارف جلالی اولمشدیدی جمله دن عزیز حضرت
عرفان اولو مولانا اعظم سنان افندی به و شاهدان علم و کمال دست پر جلالی مرصبا
ایده شده افغان دنیا اولو مرصوم مرصبا افندی به و معلول الموم و فنونه ذات فضایل
مشحونی غایتی ذات برکات و کرام لا تافذه فی اللؤلؤه لایم جانانه حسن مرانی
اولو مرصوم معلول امیره دانشمند اولوب افتاب فضل و صلاحی مانند نور خورشید
ظاهر و واضح و شمیم حسن شمایی بوی بود قاری کی فایح اولو مرصوم قره صالحه اینک
منظور نظر لطف بر مزیدی اولو مدرسه فضایل مومنه لرینک معید اولمشد اول
مولانا مرصوم اجابت نکوت محلی تکلمه روح روانی نسبت برای جاننده ارواح طینه
طبی اولدقه موتی ملازمتدن ابا اید و اول زمانده شیخ الاسلام مفتی الانام عالم
و محفل خیر کامل طایفه علمای اچره غایت دیانت و کمال اید مرصوم و اراوا انکارنده
نهایت اصابت اید مرصوم اولو انامی پرور و فضایل کسره اولو مرصوم چوی زاده
نشین فتوی و افاده اولو رشک افغانی بین ارای دین و دود و ریاض بخش
بوستان ملک و ملت اولدقه اکتب جلالی فضایل و اقباس انوار فوایل ایدوب
خدمت علیه لرینک تمیز خاص و کرد بر اختصاصی اولمشدیدی خدمت عالی شان و اول
کوهر نشان اولور لر اید کر جمعیت شکر کمال اید اول شرح العفنددن درس اولوب
بعد الدرس اول حکم کر اید و کم رسالی جناب شریف لر اید اهد اید و دیباچه لر اید

حال منظور نظر فضل و کمال اولدقه اجدد تعالی زمانه غمزه افشا علم و کمال زوال انام
و بنیان فضل و عرفانه اندام و اندر اسلمش دیوبیور و شرکاء و اصوان میانشده مظهر
افتاب سید و بابا و مرآت صورت بیکرانی اولدم والی الان بجا اول سرور کبری
جلوه کر منصفه بروز و ظهور اولمشدرد دیوبیور لر ایدی اول حضرتدن ملازم
اولدقدن صکره طریق تدریس الیک و عازم اولدقه حکایت بیور لر ایدیکه اول
زمانده صدر عالیقدر اول صدر شین فضایل سید و آنها اینده مجال کمال علمی و در
الابنیا کو کسب سعادت و اقبال افتاب عالمتاب فضیلت و کمال قدوه المفسرین
و عمده المتأخرین مولانا و استادنا ابو سعود اسکند اهد تعالی در مخلوق صدق
صدرا اولو خدمت بر غزنین ملازم او زره اکتب مرصوم چوی زاده ملازمی
اولمغه اول محبوب تند خو بو عاشق صادق یکدل لیکر و لرینه چند ان ملازم تمجید
تیر بر تاثیر نظر لطف و نوالی انبیا ایل بر باریل و قالده او تو بز کله کله طوفان امان ایل
ایدی و بن عرض حال ایلد که عرض ایدون اهد و انما ز اید لر اید آخر کار کارخانه
و کار دستخوانه پیشوب بر کون اول مدارسسه مدارس ایل مارسه اولونان کتابخانه
کر حاشیه تجرید و حاشیه مطالع و مطول در بونری الوب و کلزنده بو کونه عرض حال اولونان
انها و ما فی البال ایتدیم که بزیم جناب کر یکزه شیخ و کج کوندر رو مال ایتدیم که بزیم
منبع بو کتاب در بونردن غیر اسناد و انتساب اولوب بو باید اولونان اولونان
و ما بز و کلر دیدکده سخن کز روی رو اید کند تاثیر در دلها نوزده نوزده کم
خدمت علی اتشان بو مضمون بو طرز خوب ادا اولمشدرد شرمین شوم دمان شکر افشاندیه بر ایل
بیل سوز خوب اولمچ اولک جاننده سیر ایلر کمال اهدات و سوزدن خلاص بولان
سهام کلام اید تاثیر نشکاه در و فضایل نشاندیه جایگیر اولوب سوزدیر که کشتی
منصب بو منصب ایل الموقر که جنبه بر لای ارباب شفاعتک ضاعت شفاعتی ایل اجمازدن

معادل و مماثل است بهشت اولدی اوج یلدن زیاده اول مدرسه افاده
بعده حسب قران زمان مرحوم سلطان سلیمان خان یکی مدرسه فی بنائت کزده
مرحوم مرقوم است اتمیند بیشین میل مقدار انده در فی تحصیل فضائل معارف
بیشمار ایلوب بعد کونیده نزد علمای بیت دکت ایله کویا و طبلت ساری رفتی
نظمستان سیر اولد شام کوفال معروضه کیتت تمام خوش سوادیت بنیدل که علیک شام
حکومت شام شرف انجمله بر چشم اولوب نم عنبر نیم لطف عمی اول شهرک انالی و ایلیک
سه وجودن وزان و تمام انعام و سحاب کرم عالی ریاض قلوب وضع و تشریف
بار اولوب اول دیار کربا و انجاسی افتاب مکرمت عطاسی ایله تحصیل رویشانی
ایدو کل کجوا هر دیده اولی الابرار اول غبار کیمیا عیارینی و ذرور دیده
اقبال و سره چشم سعادت و اقبال اتمیند ایدی انده قاضی ایکن اخلاق علی
نام کتابی که اخلاق علیه ری کبی بنام و شمره ایام در تالیف اتمیند ایدی حقا که
بر کتاب حکمت لفظا در کظمت خلقت حسن کمالی ظاهر اولد اخلاق ناصری و صلا
اخلاق ثناب مقولسی اولوب بیان قوانین حکمت علمیه و عملیه ده هر کلامی بر فصل
و بر باب اول شدر اولروض ناضر ملک وجودده ظاهر اولد اخلاق ناصری
و متروک و اخلاق حسنی سامی و عالی اولد اخلاق حسنی و لالی دفتر حکمت
مکشوط و کلوک اول شدر بود عایشا هد ظاهر و لایع اول شدر که اولد اخلاق عالی
واقع اول شدر فی الواقع اخلاق حمیده لر نیک بیکده بری کر بر اولد بر کتاب
و فضایل حسنه لر نیک عشر عشری شطیر انسه نی نقول و ابواب اولور حکمت علمیه
غیری اول نسجه علییه ده اول دکو فوائد و نظایه و فزاید معارف درج اتمیند در که
قابل تعبیر و مکن تقریر دکل در شدر بزور علم و فضلای ایله بیسته و مباهله او زره اولوب
خدمت علی آت شخ العربیه اولمخله علمای عرب مرقومک بود دکو تجرید و متفکر

تاریخ

او نور ایدی برده کبار علما شامدن شخ ابو الفتح المالکی که نصاب فضائل او مخلص
عنی و توصیفدن معنی در اصلی ولایه مغربدن اولمقی تقریبی ایله ولایه مغرب
واحوال بلدانی ذکر اولدند قدده مرحوم مرقوم کوشه بکوشه احوال و اطوار این سو
شخ ابو الفتح بوکونه باب کلامی فتح ایتدی که اول ولایته نه طریقله کورد و کوزونده
نه مقدار اقامت ایتد و کوز که دقایق احوالنه اطلاع تام سوره شمس مرحوم در فی
اول مالکی برآت کتب تواریخ ایله کورد رای العین مشا هده ایتدک دیو سورد قلد
شخ مزبور عزیزن عثمان صبرت و فکرت اولدی بر فعه در فی مفتی شام و قدوه
علماء اعلام اولد شخ رضی الدین بن بدر الدین که اهل شام انی معادل و مماثل
سیوطی و ابن حجر بلور ایدی و فخری و کده نیکده یکانه دهر و فرید عمر در
ملیح بی نایه قلور لر ایدی صریح حضرت یحیی ده علیه علی نبینا من تحیه و الصلوات
اتمها و اعلاما والد ماجد ایله شخ ابو حنیف ک صبا الکشاف اولد اعراض
ایراد ایتی و تمامده شیخ ابن السمن کلینک جوابدی مذکور اولد قدده نفسی
دیو اخلاقا واقع اولد قدده خدمت علی آت ن ماصدق صبر سمن اولوب جوای
هویت السمان ابن السمن جانبند اولوب ابو حنیف صبا الکشاف اعتراف ضنده سالک
طریق انصاف المیوب راهبر و تقص و عرف المغین ابن السمن محاکمه سنده کلام
و جواب تحقیق سمن و بر شدر و سهام کلامی نشان قبول ایل عرفی با بر شدر
دیو سورد قلد قدده شخ مزبور جانب بو هیاننده اولوب بو حال او زره تقطاع و انصاف
اولمیش جناب علی آت شامی سعادتی نه رنه کلا کده علما ابن حجر سیوطی ک
مولفانند و اجاب عنها تکمیده شهاب الدین ابن السمن کلینی باجوبه غایبها جیده
دید و کئی بو ایلیغه و کلام فضیله کتبت و فصاحتی حق احساس ایلیه هزار
ایکتسین ایدر ایدی و سلا و صلا الفاظ درر بارینی عینی و حوری مشا هده

کند و کلی تمدن نغزین فلورده تجلی به محفل النور و محرس من صاره فی القلم و غیره
خدمت علی التاشک کلمات بکلمت عنوانی بر اعلی نشانی مولانا مزبور و اولاد
اولاد فی خان موقوفه دن ابن التمیمک برایکی جوانی زعی او زره تزییف ایدو
کوندر دکده خدمت علی آتاش نری انصا بودر که محل مخصوص دن اون سوزنی
کور یوب قنغسی معقولدر تحریر اولسون دیوشیح مزبور کابن التمیمه ویزدی جوهر
تزییف و تصنیف ایچکله جانب ابن التمیمی تشید و صیفا تشیدیدی علمای عرب
بموتوله تقایدن نصیب لغین میدان محاکم و فی صمد ده خوب و کتیب
جمله سی علی راضی و قابل اولو هولک باله استظه الا و ایل دیدر محاکم
اهل شام اول قدوه انام و زبده ایامک فضل تام و اطفا مالاکلانه معرف
وانها فضایل بیشاره منعرف اولوب مجالس و فی فله اکابر و امامتلی ایات
تشارین تلا و ایدو هر برسی ان آیه من ایات الله دیو شهادت ایدر لرایدی
بعده قاهره طاهره قاضی اولوهای بیعتای عنایتی اول و لایک اکابرو
اصابعی او زره کسرت اینه و عنایه افکن اولوب عقاب مرام سجد و صابک
جناب رفت و شفقتی سایه رضای نواب و لمن اول قدوه امامی در مصر تقبیل
و تلیم اقدام و ذیل اینیل سعادت و اقبال نیل ایدو صغیر و کبیر بر و جوان هر زمان
فضل و عرفان و حاصل اعمال من تحقیقی الهایق اولد و غنه ایات فضایل بی غایتی
مشاهده و عیان ایدر کلنده و بر فضایل بی حصر لرنده کند و لرین غریب مکان کور
بر فوای حی ادر که الفوق قالوا انما فضل بیکر انما انما کتورد یز اول ملکده
اولا علمانک پیشو اسی و اول طایفه تک مقلد و مقتد اسی اول مولانا بکری زاده
که خلق جهان بزوری غایت و فصاحتی عتی زما و اصل مقام معنی و بی اول قدوه هر
دور اولور کرد و هنر و انفضاه و عیان خطب بلغیه و کلمات بدیعته حیران اولور کرد

قدمت

خدمت علی آتاش تهنیت قدوم بکون کلوب شارحوا هر سکرانه و حق القدوم
کهر دانه دانه ایشار ایتد کده عادت مهورده و قاعده مهورده سی او زره
خطب بدیع و کلمات مسجده یا ابتدا ایتد کده مرصوم فی طریق مرقوم اقتفا
امام مزبور ه اقتدا ایدیک مختیر ابوالقوی قریب اولد که خدمت علی التاشک
انطلاق کت و غلبت الفاظ و عذوبت بیاننده کنگ لال اولد و غلبت
دهن بی زبانا المغه احسن و ایچم قله هزار بار حسین ایلد سر زین ایدو
ما سمعنا هذا فی ابائنا الا دلین دیوب کلمات پر نکاتنی کوش ایتد کده ان
البحر مبین دیشید بجزیره و سب و شرف ذات ستوده صفاتی ایل انواع بیجا
واضحا کبایدن مکنوسه اولوب زین لفت کینی اقدام بر مکن و سعادت
ایمن لریند و یمال ایچکله ادنی و مادی کوه مثال اولوطای لهند و واق افل
ایلد دعوی مبارک و حی کا ایدر اول شهر کلام خدای و جدا اول انهار اول
نمایی طایفه مهر و ماه ایلد یای سعادت جایگاه لریه صور در و کردی و اول خطبه
سپهر شاکت جبال و تک اول کوه فضل و کمالک انتظار ایلد ایام غره صواغیشیدی
بجد الله الملک المتعال رومیال اقدام بر صلیب متیسر اولو اول یوحه در کا هر یوز
سور دک دیوز و رور و سرور زندان باشی کوه ایزشیدی بعده حجه ادره
قدوم متسر زودی ایل نصره و مینه بولوب خاک حقیری قدوم خطیری ایلد تاس
ایوان افلا و حی ذی مرکز سماک اولشید امامی اطراف و اکنافی ابرقیاض
لطف شامیلد رمضان ظلم ظلمدن سبجیر اولو اتاقصی و ادانی مالک نسیم عدل
کاملند نزهت پذیر اولشید جناب علی آتاش نری و فور زهد و عبادت و کثرت
امانت و دیا ایلد اراست صفا حمیده و سما پسندیده ایلد حلی و سیرا اول
هر نخلده که شمع اقبال بر افروخته اولد هر کس که پروانه وار مرضی معاصده

بیدار اولاً البته بر سخته اولورد و هر نه فساد که طایر دولتی بالکن داده
هر که هوا و جداله پرواز اید فساد اولورد و هر نه زمانه که طره مشکین
خاک عارض دین و دلمتده بهره کف اید خطاطا غلظتدن بر سخته اید
سر سبزی زلف پری پیران کی سر بریده اونی محقق و محرر ایدی و هر نه مکانه
افتاب جایی مطلع کما مراندین طالع اولد هر که ستاره مثال محل تعابله ظاهر و لاج
آتش و مانه سینه کی سوزان اولمغه اید **بیت** میا ویز در قبل تکلیف است
که افکندن بلا هست سخت **بیت** ترتیب معده کلمات اولدر که کفایت علی الشان
شریک و همی اولمغه بر عنوان اولد فضل جلی البرهانیه تمام معارضه اولمغه نام و
بولان محمد شاه جلایی که اگر چه حق الهی فی فضائل علمیه و کمال جلایه اید انصافی
لکن **بیت** بره بر دیر ایسک ایدر افکار معاند و لوج و جبار ایدی که لصاف اصحاب
جناب و الفضائل نایب انار اقلام بر اعت نصیبتی کورد کلزده معارضه و منازعه
قدرت ملی اوغین مزبور کوه جتیه سی غلبه در بیکر متسع اولور لراید خدمت
علی آتش بو و جهل کوه افشان اولور لراید که خلق عالم اکثر یاطرف مغلوب و شکوه
اولدو طبعی انک اوزره قبول مجبور و خلقتی اولدیکه نارضیه اوزره مغلوب
که بو مقولاً مورد طرم و کجوج اولندی با کلیه مغلوب و مقهور انحراف بلکه هر که باغ
عالمه سر و سر از کی مستثنی و ممتاز اولد لک کوبه اید و زغن اولد و غن آذر
و هر نه مال بند و میوه دار که بوستانا جهانده بیدار اولد بر نیت بر جزیره
الاجاز اید و هر طرفدن انکاسک انداز اولور القصد مولانا مرقوم **سظنطیه**
فاضلین موزول اولد و غننه محزون و طول اولدو مجرد ضیانت طبعند انحراف یقینان
فواسی اوزره خدمت علی آتش مغزول ایدر که مشغول اولمش و بر حجت خصوصه
مرحوم مرقومک رساله سنی داید و مرهم ابو سعود العماد حضرت نایب داماد اولدو

عقبه علیه لینه استناد اولمغه اعانت و امداد ایدر ساله یاز و بر اولدو
اصرار ایدل متردی لباس عناد و استکبار اولمغه لکن عامه موان و امانی جنباندن
مظهر انواع لوم و عقاب و جلالی صورت خطیه اعتبار لوب جمله سینک قال
حالی بو کلام بینال ایدل مزبوره خطبا ایدر لراید **بیت** اری العفقاء یکبر ان بصیرا
فغاندن تطبیق له عناد اولد شول نال که آب خورده جو سیر توفیق اولد هر ایدل
لرزان اولد و اولد بناء مویکد و اساس شینک که معارضه ایدل محمد اولد بقوله
تقبل منهدم و ویران اولد اگر چه اولد شمع مجلس عرفانی که منور قلوب اولد علم و
ایقان و افزونه ید قدرت یزدان در بر خوی برید و لطف نور ایدل اول
چو اخی سوندر که قصد و نیت ایدل مکن و نیالی الله الا ان تم نوره مقصدا
اوزره هرگز مراد و مرانده و اصل اولد ایدر الحق زمین طلبی دست و پای ایدل
ایدل طی ایسک و لیک منزل مراده بی بولدی و هر بابا مقدمات سعی بیس ایدل
ایتدی لکن کانیته مرتب اولدی بلدی که بقوله **بیت** بر ایدل اولد طوشم
انگ ردن غیر نسنه فایده و یر میوب فحشلی ناره طوشم اولور افر بصیر
غنا و ایدر حایل المغین وجه صوابه ناظر اولمغه قائل اولدی و مع جانی دست
تقدیر ربنا ایدل محسوم ایدی موا عظام و ستانی اصفیای نایل اولد دیده سی چشم
نرکس کسی بی نور ایدی عاقبت کلاه حیا باشند دور اولدی و سعی کوشش
بنفشه کسی قوت ساعده دن عاری ایدی عاقبتی سرافکنده کی و سو کواری
اولدی که با اول ایشاده نایزه حیا آب تیغ مات ایدل منقطع و اب زندگانی
آتش فنا و جوی ایدل مستفی اولد باد دره کشان هر که در افتاد بر افتاد
اول زمانده که حکام مجوم دشمنان ایدل فی حکم مقضای شریعت اوزره ساجده
معانی صهرینه ریاح اعزان و زان اولمغه اولد خدمت ملی برسد کی لرزان ایدی

حضور عالی بنده بوقرآن عظیمی در تعالی است که بگوید که بگویم ظاهر و عین اول
و تقدیر علم انکلیت بصیق صدرک بما یقولون فتح بجز ربک و کن ربک جسدین و عبد
ربک صحت یا تنک البقین بعدة قسطنطنیه بمیه نقل افاضت علیه لری او بخدمت
امن و کاروانی منزل سعادت جاودا او بفرمان جان اعدا ایش خرا و صدایه
سخته و جیره نشط و تخوانان شمع درخشان کبی فروخته او بشیدی اول
مزاج اما بوضع عین مالکون متاثر او کو غیر مرض و الم صحت و وجود بر کربینه
متطرق او بخله آینه ضمیر مستیز لری تکدر و بشر اذق و فزنده ساعتی و توان
استقامت اید متغیر او بوضع مرض نوری که بعد از یوزندن پای مبارک لریه دو
لکن اول پای سعادت بیزایون مفارق او لمیو اول مرض بگزند اقدام حضور و
سیر در لریه پای بند او بشید عقل دراک ریای چیده و سر و هم و خیال زانوی
فکر شده در عرض مرض بوقوله جوهر پاکه نه یوزدن امیرش ایدر و الم امراض و هم
اول ذات لطف و کرم نه و جهل مدخله ایدر تا که سپردن رفیع اول قدم منعم
دست الم وضع نه جنتی و اصل اولور و عود جاوده مهر و ما بدن بلند اولان
سعادتنده غبار کلا و و رکنند حالت حال اولور بود کفو فضائل و کماله ایزد
لیکن طرائق بوائیق حصار بجز لریه نه جهنم بول بولور و مظهر بجز منافع اولان
ذات نافع و بار عنده حضرت نه سبیل و سول بولور فی کلمه مزاج شریفیه صحت کلده
ذات خورشید انار تری شرا بوان صدارت او تو منصب صدارت خدمت علیه لریه
اختصاص بعبود اول منصب رفیع ملائسی بعارض و می هم قامت عالی بنده است
کلمشیدی اول پای بلند بوزمانه دک پای سعادت مند لریه یوز سور مد و کند پای
مبارک لریه در شوب عذری در خواست ایشید • الله الصدارة منقادة
الیه تجردا لیا فلم تک تصدق الاله ولم یک تصدق الاله • بوسیره و بواجب الاموال

مدارج جاه رفیع معمار ملک عساکر ایل بلند پای اولور در مراتب عالیه دن هر بنده
بسامیه به که مطامح اتم ابناء روز کاروانی غایت صحت و اقدار دیو تصور ایدر لریه
اول مقام رفیع و اصل منصب منیع نایل اولورده اول مرتبه بی دیده اعتبار
و نظر افتخار لریه کو ستر میوه بدایت کار بلور لریه منازل عالیه و مناسب
هر بنده که نهایت افکار اندن بجای و زانیک میسر دکل ایدر و کی ظاهر و بیدار در
چون هم علیا کر استه و اغوارینه استقامت ایده انی ادنی رفعت و ابتداء حال
ایدر لریه بی شک فرود پای بقدر رفیع او بهر منصبی که خلق بدان افتخار کرد
و اول منصب طویل است بر رضیه و تجیه علیه لری با دو سلف بادشمنان مدارا
او بوب تو ایدر مکاید دشمنانی سیل غلب انعام عالی ایل مندم و اتار عداوت
شقایق انظر لطف و ارفاقی ایل منبرم و منعدم ایدر و ریاض مطاب و مقصد
دوستانه رفیع سیاحت مثالی ایدر شادان و بوستان مالی و امالی و مجسمه تمام ط
جود و افریله سیر ایدر ایدر جوهر زو اهر امور انامه اجتماع و انتظام و پرو
در در صفا احوار و ابراری که فضا روزگار دن استخراج و اخصال ایشید
نلاذه کردن حستان اعمال و دره التاج ناموس اقبال قلندریدی و الوده
خاک عدلت اولان فو او صغیر خدمتی اگیرد و کیمیای سعادت بلند لریه
از با جهل بوفعل از بلند ایل بلند و سرفراز و بوحال ایل اصحاب یمیز میاننده
مستغنی و ممتاز ایدر که سر بر رفعتی اوج افلا که ایلکن روی نیاز لریه صوبی
کلده منزلی خورشید کی طایر چارمین ایلکن نه منظور لطف خاک بدلتده اولان
نقر او ساکن ایدی مدارج غرته تدلی و تعلی ایشید که مسکت و در و کمال ایدر
بر فقیر کلام با ضراعی انرار امیر و وزیر کشف کنند اولی در ارج حضور عالی
بر فقیر انار سرور جبین بر نور زدن کون کی ظاهر و واضح اولور در زخاف

دنیای دنیا ای قطعاً سیفتمه و مرفرفات و مرفرفات فانیه ایل هرگز فرقی آید
فقدان حصول منصب مولا معلوم و سرور او شمش و شراب غرور اید ساید و در
مست و مخور او شمش در حکایت بیورر اید یک مجاهدی حال و مقدمات احوالده
عالم فقر و فلا کتده ایکن بر کون نماز جمعه ده بر غار بد کرد ارک که لباس کوناگون
اید مانند بونون اولش طابوس و ارطاری مزین و تلخ اما باطن باطنی به صدی
کمی آتج و آشنی قوت ایدار مانند بیاز انکا بوی بد و طعم مردن غیر نایزه و شمش
در روجب متخونه نم می اید غیر نایزه شمش ویریه شمش و انکا مانند بیاز
کینه ز رفعتی جاهل نادانیت قوت سجاده می یا نگر است کلد کده اطوار فقیهانه
و لباس در ویشانه می کورد کده روی زهر بود و جبین مذلت فرسود بپوشین
و پرخاش او کون بندن غایت نفوت و استخاش ایدلی اول خفاش شناس بپوشی
دست نکت استیناسی ایدانه جمع ایدین طیبور کبی در و شرب کند و به فقر و مسکنت
سرایت ایدیه دیو متالم و مضطرب و آتش بغض در ویشان کانون در و ننده مضطرب
و ملتبا ایدی فرزند ک بو کار قضا انار بندن سر شمش خاطر اغبرار و اینه ضمیر
شکست و انک رکشمیدی بر قاج بگدن کرده اول شخصی انحصال واقع اشکال اذره
کورد بجد الله تعالی بنام امانی و امام ملتئم و تریا مثال فراید حسن حال
و منتظم ایدی اول زماندن بر وضعت فخرایی که سرمایه سعادت دینی و اخروی در
کندوم لازم و لادب و ذمتنامه فرض و واجب بلورم و مرموم مرقومک خفاش
علیه و خفاش ایدیندن بری دخی بواید یک مجلس عالیه لنده دایما معارف لطیف
سویلوپ غنیمتد ایدکن کتده ذم و غنیمت کند و لرندن صادر اولمز و قوت
فلسفینش و مدخلنده دایر او لریه مقالات کماله ان کمال نقض سماء نوبت اید
و حجت بر لطف و مناقبینه دخول مسا و مشابه حضرت ویریزید دایماد

اید قلوب جهان ابدان ایدرد ویران ایزیدی و هر بار کاری صبر نقص ایدی
مارب و کزیزان ایدی بر سنگ مرق و جودینی تیخ مذمت اید منقطع ایزیدی
و بر مومنگ شیشه دلی سنگ نیت اید منکر و منهدق قلزیدی المسلم من المسلمون
من بیده و سانه کلام فرخنده بیامنه ما بصدق من حسن اهلام المرء ترک مال غنیمه
خواسیده انصاف معرر و محقق ایدی اول قرآن عظیم و فائحه فرقان کریدنا
سوره هود و اریجه کشاف و تفسیر قاضی مطالع ایلوب جواشی حسن حقایق و در
موتج و عیون ملاح کی تقیم اولان لیلی خطی در بار لریه صحیح ایشلدر و کتبه
هدایه و شرح عنایه توابع و لواحق ایدرد و اطرافنی مباحث و مطارح کلمه
مزین و محلی اید و اول مرایابی مصقل خاتم در بار لری اید مصقل و محلی ایشلدر
کذلک شرح المواقف و حسن حاشیه ک عذار غنیمت اسین بر خط و زنگار اید
اول تقریری قصور در و دیوارین برفش و نگار ایشلدر در انشاء الله العلیم
انبری فی ثریا کبی جمع ایشلدر غنیمت و تقسیم او شمش حضرت حق اول کاره دخی موفق
ایلیه الله ولی التوفیق و دخی مالک اول قاری و شهاب نظر برین صید و شکارینه
صالح فکر کتاب پیچ و حسابک اطراف و حواشی حسن انار اقسام شکر اید اید
و هر برین معارف و لطف کوناگون اید سیرت ایشلدر ایدی و مولانا خسروک
در رو غزینیه حاشیه تعلیق ایشلدر اید اتانم توفیق رفیق اولوب آیام نافرمان
ضمت و بخل ایدرد اول جواهر زو اهر حقایق و در غرر دقایقک بازار وجوده
کلمه مانع و عیاق اول کده اول حاشیه بیره باز نظرین صالان نظر بازر خدمت
علا الشانک فضل و کماله فی اجمل و قف اولوب اثر دن مؤثره استدلال و قوت
قوت و قدر فاعله افعال ایدر لر دست تطاول دهر بپوش تیخ افتاب سید اید
اولس و اهلکام تصرفات و تقیبات آیام نافرمان خدای منظور و ممنوع اولس و کتبه

ترفه فرقه ناسوده ایشان را بوسه بر موجب فرمان و اذعان فاضل عیسی
 و ادخلی صیتی عامه بیکرانه روح پر فتوی اشیاة سخن سکرانه اولان قفس جهان
 بر آن اولویت بر این قفس هم غنیمت و فوهار مرغی صغیر زن که گذشت از نظر
 دیوب کلتا خفانده اشیا ایکه روح اندر وجه وزاد فی عالم القدس
 فتوحه حقا که بوکار دشت فزادن خورشید شمس و مراد غلام علوم و الامه
 متواری و بنوعه دموع مجاری عیونان مانند نهری چون جاری او توپ
 اولینیکه جان بدند و داع ایده ورشته صیابو عظم رفتن انقطاع بولا
 موت العالم موت فوجی اوسی اوزره اسمی هر صبح و شام اشک خونینی دو کوب
 لباس ماتم و پلاس شمس کشتیدی و صبح روشن روی بوسیت عظمی تک تو غمناک
 گریهانی دریده و شام غمناک بوی بود و غم دل سوزدن کیسورین بریده است
 اه که در دیده کس نم خانده قطره از آب زمین نم خانده دیده نرسد جو بر آمدن خواب
 کوشد از بس که بارید آب واقعا غمناک سیاه عماد صاریک شب تار سیاه پسین
 کیوب دست صبا بدین بانشد که فشان اولو دریای جان جوشان و جوشان
 اولد و عنصر نار که در دل سوزا اولو انکاف دنی رغلا ناله و فغان ایدد
 بوسیت عظمی چون ایدد کی واضح رعین در همانا خدمت علی الشانک بوابیا پر
 حال مجور ان اولینیکه اولاد که علام خانده نام خانده دایا کوکرتیو عالم و تر نام
 ایفکدن در اولد اولد صحنی روکار نوحه کاه خشت و ماتم سرای غم بختا پدر کدن
 نظر بو متولدات فضیلت کسردن جدا الوقی و اول مقوله ذات کمالک نظر لطف
 شامدن مجرور الوقی بکنه مبتلا الوقی عظیم بصیبت ایدد کی از با حاضری و خنی کلدر
 غم اندوهی کوی جان غمزه جبریده ای کوکل چاره ندر برایی کون صبر ایده
 متواتر قطره آسودت نفس بر سر رو صفت صفتش باران باد

در ترازو عمل در هم کشا و را بقود حسنا و جهان ریجی ان باد بوبری ابر
 شمار و بویا صفت و شمار اول صفت فضایل انبار که شمع قلم مدار از دنیا طبع
 قنای لاد کونک اوزره زمین صحرک جانا شفقده انکار اولش اهل عیسی در کویا
 نه دکلو کند و ارا نشات اول انقاس درخی موز و اولور کم زبسیله اولور قیاس
 غرض نقش جهان صو تکدر کلک تکونیه جونا اراده بصورت درای ماه جهان ارا
 علینک سینه ظاهر اول نوک بیکاندر مکر نورس غنبد در که اولمش خاک کون سیدا
 درون دله جان سیر سینه آید چون سنان سخا مخفی دکلم در حات در درون جانا
 لبان کشتی کله بر کز او بر کس قدح و ش دور شدن اولیخ نوری جانا
 علمه قنده عاقللق که کس کز بیکرک طاقو بدرد کردن جانینه زنجیر جنون جانا
 شوق رو ایتشید اتشی مسکن بیانی خط دلدار کله کختر ایشد کس بکجا
 پیر غمزه که قشک اندی کمان اولوب قلمی دل کسده ده خاطر نشان اولوب
 اول اگر چه فتنه ده بردانه ایدی حال خط بصیدی شمدی فتنه آخر زمان اولوب
 منظوم ششم ایره نود کو کله دیم بواه بیچ بیچ انکار در بان اولوب
 غالب اولد کشف و قدرده رو بریده لید القدره و یلیدن شکن زلفی بر
 ماه نوکیب لرنگ اولاسین شهره شهر کند و کی نعل کبی رسم اسبناات
 خاتم یا تو وزلف شب شالکدن مدد یعنی که بویله اول ایکی دکدن مدد
 خرم اول مست که چون قلقه سحر نرکس اولد کستینه بی ساغوز نرکس اول
 روز و شب عیش مدام ایملک کلشنده دوش جام میقه قالدیه سر نرکس اول
 ضیو ک هر چه جمع ایلد و کی ششک ویره پای قدح بزمه بحر نرکس اول
 اول کلک عاشق دشت سینه لازم در داغ دل لاکهفت دیده تر نرکس اول
 عاقبت سیم وزر عالی کوزدن بر غم قنی بر کوزی اهل اهل نظر نرکس اول

ای علی کل کسب شنیده صالنه کوزک آج	عاقبت قبرده در سا که مفرنگس دار
جاک ماهی کچه کون کسبی هر برده در	طلوعه اینم غمی نه بر خطه طالع در
دام قتل عشاق اینک تیر کله شمشیر	برسی هفت نافذ برسی نص قاطع در
علینک غیری خوب عشقی واقع اولد در	اینم سودوم عمرم صمیم غیر واقع در
اهلا کچه طاق فلک پر شراره در	ایتم شب فراقی منور ستاره در
جسم ضعیفی که حس کوی یار در	بر کون او مار یخ آه ایله روزگار
دوشش شراب عکس ماهی چشم مست	هر لاله جام مجلس می لاله زار در
یار ایدی افتکار علینک جو کندی یار	عجب انگ نغانی بی اختیار در
سینه خسته می رود و بلا بخاری در	تازه داغ جای آنک سر مساری در
صوی طش صید بوی طوق دوشن روز و	یکمک اول هر ور وانک عاشق دیدار در
کوی دلبره اغوش استخوان جای	آه زینه هر بری مهر و وفا طومار در
رو یار اوزره کورن خط مخکن صحنک	حسنی مرآتیه عکس زلف عنبر باری در
سکی مصر حجات جگر نه غرق ایلین	وصف لعنه علینک ایدار اشعار در
نم کله و کین ایلد بی ان ایلر	چونک شکر دوشه بر بره دغان ایلر
ساعری کیم کنارینه لب جانان دکر	نیچه مایل اولسون عاشق اناکم جان دکر
جمله کلهی رقیب او تو کله دیمانی	ایق اولکاسه دیر لر که انجا شیطان دکر
قسمت صدر علی ایسب بزم عشقون	ایله ذوق و صفا سا که نم بجران دکر
خوش در بنگا لعکدن گفتار عتاب امیز	جان پرور اولور جانان صلا تراب امیز
غرق عرق اولد فی زبیا اولور اول	شیر نیز اولور اوله مالوده کل امیز
لعل رخ انکیز که بر آیدر اتش رنگ	رضاء عرق بریزک بر اتش آب امیز
بر نور قلور جسم صان میل کحل در	راه سر کویکده هر خار تراب امیز

اصی نه قغاندن کچه چون او نیز	بخت سیم کیمی اول نر کس خواب امیز
اعیار سنر امیز شش شریف علی برین	ای عطفی عتاب اولد ای رحمی عذاب امیز
شویله در شوق ایلدن زانه خالک موس	که بکافات ویر را اوزده بر مکس
یار ایلد رو شمش صفا بن اسیر در	خار له سایه کل لبیل گرفتار نفس
تازه عاشق او کج داغ ایلد زین قویک	یکی سکه حقیقی اسکی سی بجز یو لک
دل لایقلا اول بیت معقول شناس	اهدم اولسون دلمی قویسوز معقولک
اشکله یولی کل ایلد ریو تممت ایدیک	بخت دلدار دیدیکیم یوری پاک ایت
امر نه کود و میوه باغن امرانک	اهل عقل اولن اویری سوزنه هر کولک
خالنده موی مانع میل هوس کل	کم صورانی کوزری یا شی فو انک
در وینی شکرک اشکینه نیجه میل	عار فلک کوزنده او بر مکس کل
او برین مورغم خطکه سر منزل اولن	شویله فرج ایگدم عاقبت اولدی کل
کل ایلهی صنی کل کیده لم کلاره	تن زاره او نیجک خاک خد سر منزل
برایکی کون سر کونیده اولور دم کن	سندنی کلل ایلد برایکی کون کل ایل
یار او کنده علی استرایسک خاک اولک	اول قافله عمر روان مستحل
شع رخ فارو که میل ایلد و ک استرمی کل	کلجک بزینه جرمه کیمی دو کل هیاصل
جون قافله وصلینه بغلدی مجلس	چونکه روشن در رخسار الحسنی کل
سینه سینه باغ الف جکدی نگدن جود کل	بتلا دجوس کیمی نغان ایلمک دل کل
ایکی زور قدر که اولد باد اهد نکون	چو یک اولد بوی خون عکس کل خود کل
جوی دل اندر او قد خوش خرام انجور	اشک در یابارم او ستنده ایکی ابرو کل
مرد چشم و رخ عکس کور و ای علی	کم دیر اول شمشاد خوش رفتار کل
	حسنی مرآتیه خال و خط عنبر بود کل

دکل

اگر چه خانه پر نقش در سرای جهان	ولی کتاب لری کل من علیها فان
زین محل بلا و زمان مدارعنا	بود سرای جهان نقشه زمان و زمان
<p>علوی استنولد ندر نامی علمیدار از با زعامت ندر بعد کاج صحنه خلل ابریکین صغر علوی لیکله شهرت بوشید محرز و لای اول انور زعامت بوشید اخروم ایلی بکل کیسی مانده امین دفتر این است و ثمانین و سی و نه ده دفتر مکتوبی در بول دفتر اعمالی تصحیح بکون دیوان یزدانه روز اول و کوفه بدنه اول روز عالم ارواحه طیران ایله شوره مرحوم حیا بکه تعلیم ایدو کند و زعمی صفا دیوان و شاعر کا عنوان کینور ک مطراق و الفاظ میل و خفته المکس معشود اصلا اول امری بر طرف اولورد مقیم کوشه فنا و زوال المویوب عالم صیانه اجله فارغ البال کن بوار بولیش و حریر انجون را تم حروف ارسال انجید</p>	
فنا برنده یوق جای صفائی ندر ندر	سورلدی قالدی اکلنجی مزیمان دن غیری
بزی عود کله باقدک مطربا اهنک سار ایتدی	جانم کوشه نه نوره مستانه دن غیری
افلاک هر کجه صق آه و فغ غمز	کلنجی اولور سه ناله دل را غوا غمز
<p>علو شهرت آسایینی بر و ندر یکان او علی دیکله شهره دنیا ایدکی با سلوک طریق علی قانع اولد قدن صکره اولن بدن فارغ و راجع اولو قوت لایق صابر و قانع محراب عبادت و صلاده ساجد و راجع اولتید بر ایکی زواید ایتدی متقاعد و اول جهله طریق هو او هو استماعا ایکن دست قدر عنان غزینتی جانب آفره سائق و قاید اولد اشعار نصیحت کونه و تصوف دن غوندر بولکله شکایتی فیله مشهور و السته خواص و عوامده مذکور در</p>	
دار دنیا دینک کم صفا بنیانی در	بخت درد و بلا و غم چهار ارکانیدر
نزل شوق کورگی کیوب کینر خلق بکون	بنجه مصیبه هر بری کوه مسم قیلانی در

شکر صلاحی بن او سونک بهر کس وار • یا اقد محضری یا تحسب او غل نیدر
علو بود فی شهر برودن قدما شوا دن سلطان خذ او ندر عمارت مادکر ندر زبانه کبریا گفت
بیکری در در اشعار فارسیه ترکی به ترجمه ایتمکی کند و شعرا و در نادر این شعر ادر بولور
ای شعر من ایون یار خدا یار کد لا همت اهل نظر قافل سالار ک لولا
علی بی واسعی علیسی دیکلی عوف و موالی عظام و امالی کرامت اولد و معلوم و
مزبور و اسح جلیله ملازم اولونجه مدار کس میدده افاده علوم عالییه
اولد قدن صکره ادر نه ده سلطان با یزید مدرسی ایکن برویه قاضی و حاکم اولد
اول حالده ایکن کلکله حکمه آفره عازم اولمشدر و کان ذلک شمسین و سجیه
اشا رغبت اطوار دن خلق اکنیده اعتبار بولل همایون ناسیدر حاکم اولن
همایون و کتاب بخت مقرون بر انشا در ک استاد زما و خواصه جهان اید
الان مکتب وجود و امکاتده نظیر و مثالن تالیف و تالیف عالم و مصنفان بی ام
مدرسه وجود و علمده قرین و همانن تصنیف ایتدی در کتاب کمالی فا العیون السواد
و نظم کسسال الزلال البکره و سبغ کتاب اول کتاب مستطابک سطور مشکین
نقابین کورد کده بر خولای قراکی و اناب سرفرو اید و استادان جهان اول
سر بر زمین اید و بر مقصدی ماسمعنا بهذانی ابائنا الالین مدح و اطرا و صفا
غلو غمز در ذوق این مفضل خفچه جو جو

بیکشته حضور شید در جهان روشن
همای مدح و شناسی اول هواده پرواز ایز که شیکه اقلام و دانه و دام خطوط و
ایله شکار اولد و حضور شید بر انوار اول مرتبه دن عالیدر که مدح و تعریف و اطرا و صفا
انجا بهت اشهار الالونم در کتاب نظر کن چشم معنی بین که رشک صورت معنی و صفت چین است
کتاب نصیبت غلط میکنم که در یابیت که دست عقل ز اطراف ان کبر چین است
کتاب مزبورده اول اشعار ندر غیری نظمن کسه و اول در یکجه اسماعله حجه بال ارباب

در اول و شید

کور هم بر دم سنی غم در دناک ایلرینی غیر که کور هم اگر غیرت هلاک ایلرینی
 عجلایی سابقاً مذکور اولاً ام الولد زاده عبدالعزیز مر حومک فرزند خلیفگی در حرم
 ایام مولای عظام خدمتده کسب علمه وقت و اهتمام اید و بین الاقران
 اساتذت عالیین ایشید جلال زاده صاحب جلیبی بیخنده معید او کوی بعد جوی
 زاده یه دانشمند اولو منصب فتوی دن عزل اولند قدده فی الدین جلیبی به دانشمند اولو
 اندن ملازم اولشدر نیجه مدارس افاده علوم التیه و فنون عالییه مداوم اولون
 مرحوم صاحب قرآن سلطانی خان مدرسینده مدرس ایکن جلیب شهابیه قاضی اولشید
 انده خادم شریع رسول ایکن کوبگری افول بولون اول منصفده خدمت قضای مشغول
 ایکن منصب صیانتدن معزول اولد و کان ذلک سنه احدی دشمنین و ستمکاره
 فتوی ده بی بدل و عفت و استقامتده ضرب المثل رعایا و برابریه شدن راضی و
 شاکر و عامه اهل حلب ایاق و قار و ادبی تالی و ذکر در حسد قبور الصالحین مدفون
 در روح پرتوی فایده صغیر و کبیره معروضه و ترکی شود انشای علم غزیه
 بیطولی سی و ارایدی بو اشعار نتایج طبع بر اقتدار نذر

صدق سنگ جور که با نیمی هر اولون اولون	شکست که کما سینی ذوق ایدر کنون
انگون جگرم ترک دل جبر و کله کج	که در دک قور قورم ناکاه اول اول خنده دکن
بن ضعیفه نعل دلب خوش کلور	کیم مرصیف کل بگر خوش کلور
بر عجب دار استغادر میکده	وارس باشی اغرن سر خوش کلور
تک بر عاشق کشته و شوریده حالک در	شوق قنلو باشی جسمنده بربر داغلو کوب
شرد نار آمد که طودی رو افلاک	کور شندر کل در انده بهر شب ای نم کوب
عجب استعاره فی مشهور بلکه میان حلقه مذکور اولون انکا حضور در استادک	
استاد الانام حضرت شیخ الامام ابو السود افندی ملاحظه دیندر	

قدزانه الرحمن جسد تناوه
 علاءه فاق الوری بحقایق
 بدیع رواج و ظرافت
 و در قایق و عوارف و معارف

عربک دره بیضا کمال بخت غره و صحای صیده قصای یعنی شکر سنا بل طوطی سینه
 معانی قدوه بلغاروم اولو مرحوم صیبا بیگلر در یکدانه صیبه وجود و کوی هرگز انما
 ذات بهبود در رضا که والاسب عالی نسب نیک نفس و تودب سخن و وجود سعودی
 تذهیب تهنیت اضلاع مذهب انوار رشد و نجابت ناصیه عالی سینه لامع و انار
 بزرگی و مثل جبین مبیننده نور خورشید رخشان کبی ظاهر و ساطع معارف
 کمال ایدار آ و هواره زمین دل صفا سنده تخم مهر و محبت فضل و علی گاشته
 بردات ستوده صفات در نیجه زمان زعنا اید اختیار عزت اید و طلب منصب ایکن
 آستان امر او وزیر اید و ملازم ایتموب بابا کر طریق لرینه ساکک اولشدر
 بعده صفا شوکت منصب وزارت عظمی وزیر عظم مشیر انیم احمد پاشا خدمت لرینه خصوصیت
 نام و انما مالاکلامی اولخله و اصل تبه علیا و درجه اسمنی اولون نیجه دم مهر خزن
 و غم اید مدغم اول قلبی عقده بلا و المدن قوریلوب کستان جنگا جو بیار حکومت و
 فرما اید ترو تازه اولور روی مانی و اما مشیر مزبورک وزیر عظم اولوسلیم بیگ
 بوشید صفا که جناب تهنذب و مودبک مشیر مزبوره نایبده معرب ایدی وزیر قومک
 انشده و غضبی اید سوزان اولونلرک حواری قادرا اولد قی باران صفا اید ترو
 اید وزیر الام انتقامی اید طذوع و مسوم اولونلری پاز بهر مری اید علاج قنور ایدی
 وزیر مزبورک زمان وزارتنده قبودان بکار بکلیکل بیمار دفتر دارنی اید کما کما
 اولشیدی بعده وزیر مزبورک شرفات قصر جلای خدمت تندر زوال اید متقط
 اولور اساس بارگاه اقبال زلزله فنا و زلزالی اید متداع اولد قدده افتاب
 دوشنه برقدار کسوف عارض اولشید حالاً بحمد الله تعالی عقده الام قوریلون نام
 اولور

طلب الشبهاده دفتر دار اموال کما اول قدر عالم قدر نعمت عزه معنی اوله
 امید در که هلال رفعت و ابلالی یو با فیو ما ترقی و از دیار بو تو هر منصب شرف
 و در کل تجر کونیده قضا و قدر بوبیت بلا اثری از الله این مناصب دیده جز نیست
 کار گلی نوز در قدر است نر و بوقته دخی قادر اولدی قوشش و نظم اشعار بلا
 شعاره از مایش اورزه او تو خواص طبع در ر بار نیک دریا غبت و اشعار دن
 اخراج ایندی دکی لالی ابدار عروسن هماغت و نصیحت کوشوار اوغده احری و البقی
 و بکر ان طبع عایشی اشغال و اقرانند میدان بلا و بیانده اسبق اولدی و بی
 مقرر و معنی در مابینزده اولان احوث و خلت و ذات سوده صفات زنده اولان قوتیک
 معنی اولان بیکه تعداد القاب بیکر انزل اوراق اطباق چهار بر و صد نجوم
 زمان در مدایج و مفاخر لیل بر در قلند کن هر کلو اطناب و اسما و نثر افتاب عالم تابنده
 قطره ای بسا بسندیک قطره کل در بنا علیه مقدر اولان اشعار اولان کوشوار اولان کما

ساقی بر ایله باده ایله سوزنجی	سورای طیب سینه بجز و صبر می
ای دست بنم دیده غلغیده ده نم وار	ای دست بنم دیده غلغیده ده نم وار
نول کم سنگ خارادن بر در عشق از ایزم	حجت تجی خود هر سرده عمرم عالی بجز
جانا نجب شهر محبتده کم اولدی	شوریده کو کل صغیر ایمن کون و دکانه
رقیب رویا کولسه باشی مغز التنده	کرم قل شمسوارم انی خودایت شمشیر التنده
دینه باش ز کاره ای خواجا اولوب	دم اولور کم بو نمز سنگ خارایت التنده
نولای معدن مهر و وفا دنیاغن حکیم	بجق در اولور خاک سیاهک کومر التنده
میسی گوکه ایر کورد شام عالم بجز	تغنی دانی سکن قلدی قارونه بیر التنده
شرار نار اهد ریاقن افلاک سراسر	انگین اختر بجزیم یا نور خاک التنده
ایلهک جان عزیز ی چاه فحشون خلاص	مصر صنگ یوسفی بر در لریایه ما کون

عزوی مولانا عبد الکریم ایکی صغیر الو ب بر نیک نامنی زید بر نیک عمر و قوشیدی
 زید عمر دن متمتع اولوب عز و قاضیه اولان فی تحصیل علوم عالم مقدر و تکمیل
 معارف و لغت بی شماره صرف قوی و انظار اید و شواهد کر جلیدن اشعار و بجز
 اکثر اشعار تنگ بجز کرده و غریب قافیه لرده و لقیع اولغله مقبول طبایع اولو
 میا از با طبایع سیمیه ده شایع اولشد مرحوم اسحق طیبی ایله مصفا و معاشر و بری
 برید عیش و عشرت مباشر ایدی هکایت او نور کم بر کون ایکیسی بر جوان بخت انداخت
 کلوب دیکر مصفا طویغیون ای عالم حسدک تا بنده ماهی وای ملکیت لغت و ملک
 یادشای لطف ایله بالند ای کیمزک قیامت نه اونی دوشور و کل و پیغمبر نه خوفندن اولوق
 استر دید کلنده جوان سیم اندام سخن فیم شیرین کلام دخی او شکره علم و صوفت
 دقیا فیکر معنی کوزره اهل علم اولکوز احتمال اولمز دیو مزبور بری الزام
 انی امیت در صفا که اخبار و آثار و اشعار صفا شعاری میان احاد و افرادده مشهور
 متواتر و جاشنی عشق و صفا سوز مانند افتا عالم افروز کل بر نکاتنده روشن
 بو اشعار اول شاعر نامدار ک گفتار نند در **س** قوم بلبل قوم نغان ایله

عشق عالمده داستان ایله	ایچی او چه بلند پرواز اول	عز شوق انده اشیا ن ایله
جلو کا بهک نصفا قدس اولون	نرم صحرای لامکان ایله	جان بر در لریایه اصمیر
اره دن جوق خدایه اصمیر	ان کلیدین کو کل خزینه سنگ	دولت دگشت ی اصمیر
دک شیداکی او صلد ویر	ولبر بر جفایه اصمیر	کل ایچون خاک کس آستر سنگ
عمر و باد صبیایه اصمیر	سوزم یوز و یایک باغ ارکده	رفعت باغم طویله یو کدی غلغیده

عنا ربیع مخلصی عنایت در انشا الله الملك الشکور صرف قافیه مذکور اولان قادری
 جلیبنگ که اسپارته زاده دیکله مشهور در او علیدر بود ای نقیحه ای لک خالید صفا که
 کردن وجود بیبود قلا بد معارف نامحدود ایله مزین و خالید علوم معقول و معنوی

زرد و اولی و ابوا و فصول ایل با باشند کفیل انجید که کلان قدر جلیل
 مروج این کیفیت برش و افیون مغلوب و تا جردل و جانگ امتعه قواسی متعوب
 مغلوب اولی جزایر عرب قاضیسی اولیسی انده بر دفعه کافره اسیر اولی مغنی ایل
 الملک خبیر اولی خطیب کبیر و امیر سیردن کویله حلال بوشیکن نه اولی باره راب
 و منصب قضا نسبی طالب اولی افزانده قاضی ایکن قضاسی و کتبا بقاسک صحر
 اجل ایفنا می کلوب افتاب صبا نوبین مانده غارب اولی مغنی فرما اولی اللاد
 اربعی استغال ایکن بو عالم فنادر ملک بقایه انتقال ایکله طاب اولی و کان
 یسه احد و سبعین و ستمایه شرح جامی به حاشیه سی و ارایدی اولی یارده سی
 و انوار و مار اولی قدده اوراق مسوده سی بی پریشان روزگار اولی
 طبیعت شریه و سلیقه نظمیه سی نایبده خوب و مرغوب فارسی و ترکی اشعاری مغرب
 اصحاب قلوب ایدی مکن کندوسی خلعدن نفور و مجور اولی مغنی شعری فی کیف الخطیب
 متروک و مجور قائل مشهور اولی متدر بزرگی اشعار کافره اسیر اولی قدده دیندر
 یله ویزو حرمین صبر و قرارم صالی نینه گرداب غم آندی فلک فلک دلی
 ای غنایت قول ایکن بر کافره عقید دل کافره قول آیدی دورا بودل لایعقلی
 عندیسی طولی و لایتن طلیغی قولی اوزره مستطونیدندرا استنولده جزه ضوای اقام
 کندوزجه کلستان بلاتک عندیسی و عیام فصاحتک مرد سخن فریبی کچس لکن اشعاری
 قوش دلی کیسی ترمات اولی ایل بلایا نینده اولی صو آنا مقولند ایدی
 خوب و یل خذو که ورد سخن بودرین راست ایدر قدو که بومرد بودرین
 کوردم اولی کلغذاری بر باد یا نیش کویا که کلدر باد صبا به نیش
 خلقه کیسی ایکی کوزی بوده هر کلدن بکم در ایا و مر انکی الته بقو کلنگ
 کند و ایکن مکر که وصله نزل لغت آیدر رسول فریب لغت انکا کافه قبول ایل

عندیسی حفظ جلیل از شهر استنولده اشیا ساز اولی صدایق و ریاض شهر نوب
 شهباز و ارب و از اید بلابل کلستان رجا و عنادل بوستان تریل فرغانی
 اولی خطاط حضرت قراندند عندیسی انکذ کر نظر جلیل کویا و انکانت طوطی شرف
 روادر شهر انکذرت صفا صفا سی و ارا کوشه و منی کچه نه مصاب بو نور یارده بیانه کیسی
 شاعر سحر مکر مولانا ادا اضم اوغین عندیسی باشنه قاقوب دیندر
 پنجیک سولیه رکوشکه کیر مز برسی در کورن یچون ذاتی قولان دوک
 جواب ذاتی عندیسی اگر چه شاعر حقوق سند ایر و غنه قوشم دیمیزم
 عنقا بلدان ولایت عجم اچره نرو سرفراز کبی بلیند و ممتاز اولی خطاط
 پاک شیر از دندر نامی حسین در دیارندن عتیلتی ایل بخت ایدوب
 استنبول کلنید سنه ثمان و سبعین و ستمایه ده والد فردوس مکان صدر
 نشین صفا صدارت ایکن استنا عالی مکت و مجلسین بهجت نینه داخل اولی
 فایز سعادت اولیسی اول زماند بروحبت خاندان علی و کردن اولی جانی
 بود و دمانک طوق عبودیتی ایله متحلی در اشعار استاد انجمن صوفی یاد
 دشتی و خزانة قوت حافظ سنگ ضیلے مکتوب و محفوظ و ارایدی کندو
 زبانده نظم ابدار و شو ترکی به دخی تمام مرتبه مکت و اقتدار واردر
 ترکی شونده اداسی رویانه و استادانه در مرغ روح والد ماجد عالم
 و هوای انسه صاعدا اولی قدده مرثیه دیو فقیر کتر ایل برادر کتری شی کونه
 بویتی خوب و ضیلے مناسب و مرغوب واقع اولی متدر اول بیت بودر
 شکر خدا کن ای ل غافل نغان چرا کتر شد علی زد مهرین حسن نجاست
 در یغیا ره لطف استم نه کم طویرانی اولور از نهانی عاشقه الهام رمان
 رقیب زانغ نیز کلشن کونیده ای غم خصو اولی یک عنقا اولی مرغ قوش

دانشندان دم اور در عجب رعنا گوید	او کونور کوز لرو که ز کس هیله کور ک
ذکر لعینک اولالی ورد زبانم	بر در کرم معنی ایله درج دنا غم
بزمک دنگ طوطی کویا لری یوز	جان کلشنک بلبل شیدا لری یوز
قلسقی طکی بر لری جمله شکار	بزقله قاف عشق عشقا لری یوز
عقد ادرنه دندر حلقه بایزیدضا عهدنده کتاب یوان و حسن خط ایله مود	
اولا اکابرو عیالند بوم مطلع بر شهید و شعر شرت شعرا انا اسناد اولوز	
قنده وارم سایه سرو بلندم وار کین کیمه قول اولم سنگ کینیم وار اریکن	
عقد ادرنه لیدر نامی کلیدر لیدرم شیخی اولغی دیکله مشهور و جلد اول اولی	
علی اید حکمه عهد ایلمشدر طریق علم سلوک اید و اخر التی اقی ایله کینک مدر	
مغزول اولوشینه خاطر معارف پیشه سی سنگ عزل تمادی ایله متکسر و طریقه	
اکف و اقراندن متاخر اولوب آینه امانی رنگ تقدیم امتیاز متکدر اولغین تیر	
ایله ایله تقاضا اید شوی نظم ساده و کلام موزون متوکله اید و کسور و کتون کلدر	
بنی طینله اطفال و شور دیارالی	واریه شمدی بنم دینده مجنون بدی
رود آهم بنی کوبینه ایلمز اولدی	جسته تویر ایلمش کیشی بی قاره عملی
دو کرم کوز یا سینه اطرافه بن نقطه کبی	یاردزه دهنجون ایدرم رمل علی
عقد بغداد ایدر نامی احمد در مولانا تمس در بر معین ن دار السلام خطه	
بغداد بر اصر آمدن ایدی کند و سی دخی بنغ و شوا ایله اشنا اولغده دیده جان	
کل معارف و کالات ایدر و شناسا هدا بخت و بیایله درت عهد و بین ایدی اگر	
اکثر طایفه اعیان نظم ترکیده صرور اول و دقیق و خفایای زبان زبوره	
غیر و اول در کین فریور ک شکار ر مبادنه و استادانه اولغده سر قد قبول اهل عارفانه	
نیوزنه استنبوله جان بنغ در زمانه شیخ اولو کاشانه شهر نور در طالع و لاح	

انگله

اولا بنغ سحر افرنی مثال بروین بر مره جمع انید و تذکره ترا ایشدر نو ایشدر	
جان سبای بولدی بازار دهر جوه وای	کل خدنگ غزه کیدر اکلطفایت قایوج
قان ایدوای قاشی یا اولدا اولکلده تن	یا زک اغزین آرزو آخ چون نهران
اوق کینی فتاده اندک بیانه کر چکم	خاکدن کلک کتوردک بنه ای بروکا
عهد دیار ورم کلون ایدر فی نظر	کور غزا اولک کوز ورم ملک عجم بنم
عقد نامی محمد در بابا سینه حسن بر روم ایله نده قائل قضایا موزون ایکن	
ترک تقاضا کشت و شون اتمش ادرنده قاضی مدرسی دیکله مدرسه بانی	
و واقعی در عیال فریور ادرنده مدرسه مدرسه اولد قان گره انایطه	
قاضی و حاکم اولمشید حکایت اولنور که دیار بکرده با سینه او اسنده قاضی	
ایکن قزلباش بو عاشره ایدر اولوب دیوانه کبی سلسله و زنجیر ایدر رئیس قوم همراه اول	
شاه بی انتباه بکت سپاه وصل پناه یانه وارد قده در درون عین	
ایتمیوب جوب زبانلق و شیرین بیانلق ایله طهارت خفا سگ مجا و سردار و شایخی	
و مردار اولمشید ظاهر انزه صورت اخل ص کور کله سرد کسکله الیزند اخل اولوب	
بعده دیار روم در سو کله کده تصرف منصف ایله موسوم اولمشدر کوز موزون	
مدخلی و اکثر معارف بر باره الی و ارا ایدر شمرنده عالم یوقدر بو قطعه انکدر	
دی تایش منصف اله ده دانگ زمانکدر	یا طول مدتکدر با زمان امتحانکدر
اگر چه کار تقدیر کدر او کار حق خدا کدر	یورکی سنده دورش بریا که دن ایشدر
عقد مناسرت در نامی کجا اهل علم و عرف مقبول طبع و لطف شان کینه ایدر	
جیاد کالات حق توارد با حاجی اب نظر ندن دور اولغده منظر هدا عطا ناقان	
او امسک بخریب اولمشدر طریق علمه ملازم اولوب مأمول و مشولی اول منصف	
وصول بولدین روضه جنان و سرای بهشت جاودانه دخول اتمشید اشغار نده	

<p>ظلال ظاهر و عین و نمایان اید و کی بوزل بکلیت عنوانند روشن و عیندار</p>	
<p>کاشن صنعتده بر عین زیا بسین</p>	<p>باغ قدرده یا خود لاله عرسین</p>
<p>نورین صورت انسانده یا خود روخ</p>	<p>که بوائینه حسن ایجره هوید بسین</p>
<p>کور نور عکس آینه خاطرده</p>	<p>مهر و شکره ناپخته بید بسین</p>
<p>نوله کر کاشن کویو که ارم دیر کویو کل</p>	<p>یوزی جنبت بی کویو بوی طوی بسین</p>
<p>ای عین دل بر مرده می اسیا ایتدی</p>	<p>نوله کر باره دسیم وار عین بسین</p>
<p>عین نامی منظر در یکا حلقه عینسی ایکن عالم عینسی غیر ایلیند طریق علمه سالک اولو</p>	
<p>ملازم اولد قن که خدمت مدارسه علومه قائم اولد قنم در زمان و فصل</p>	
<p>و نشا بن بوییده عرفانه بی و عین ایتد که استنوله قن ایتد قن در</p>	
<p>اید ایتد در کیر وی کسی و باز وقت اجتهاد اید معانی عرسین اید و اصل</p>	
<p>از رو نواد اولد اکابر و عین زما ایتد و الفت قلمش اولد مرکه احوال و اطوارینی</p>	
<p>بلند راقم هر دو بوزل طرح اید و یاران صف و اخلاق و تابع ایتد کلنده بوزل ایتد</p>	
<p>بویو ایتد سا که بکر بره تا بیان دنی</p>	<p>بنده بدم جوق و در بوج عرض سرگردانی</p>
<p>وار و فرج اید راه عشقده نه وار</p>	<p>ولک اولد سو قد اروح روانم جان دنی</p>
<p>بیره کیدی کند و بکرند و کیون لعلک</p>	<p>اول عجب آینه قالد چشمه حیوان دنی</p>
<p>در دوش عشقده جگر خونین و دل پردا عین</p>	<p>باغ دهره کلمشدی لاله نمان دنی</p>
<p>ای جان او نم جهانده کدن مر و وفا</p>	<p>اول پیری و ش عینده طور مزه و زور دنی</p>
<p>کوز عینان دلک صفال ناوک خرکان دنی</p>	<p>باشق بر سود اید صیالک زلف مشک افت دنی</p>
<p>کوز سیدن یوسف کلچره می یعقوب و ش</p>	<p>خزله قان عینده دیده کربا دنی</p>
<p>روشن ایکن جام چشمه در روغ فایده</p>	<p>سینه ده بر روزن اید صخر جان دنی</p>
<p>بزم گلده بادده ایتد کله پردا جام عشق</p>	<p>صنکوز جنبون کیدلک خالیدر اید دنی</p>

<p>خار خنده عینک دکل قان عین حافی بزم انور اولد خنده خندان دنی</p>	
<p>عین برودندر علم و کالی صد در میل ده و لوازم و درام معاصر و کمالا تکمیلده</p>	
<p>ایتد در که معاصر تر ایدده و مدارج ترقی به تصاعده اولد بوشواتک در</p>	
<p>دلی قالد ای پیری آشفته حالک اولد</p>	<p>یا نیم زلفکله هر دم یا مالک اولد</p>
<p>کاه لعلک عرض ایدرین کاه رخسار کز دل</p>	<p>دلی وار بر وجه عتقه الک اولد</p>
<p>سند فتم اولد کوز لکله بر ایدم درده</p>	<p>مصحف رو بی برض ایلد حافظه براده</p>
<p>عین در اسلام قبه اولد کرام حسین و بلاد اولد خطه پاک بغداد دندر</p>	
<p>حسین در اشعار ساده و کشته و کثرت و وفورده مرتبه صد و عدد زیادده در اشعار</p>	
<p>و تمایزده رو کلکده هفت راقم هر دو کلک بوندر که بر او عین بویا ایتد</p>	
<p>شاه عید ابروین نمود ان صیب کمال</p>	<p>ایتد فردا عید چون میدانش ایتد کمال</p>
<p>عید اولد او یک استرین اولد کمال</p>	<p>او عین کل اگر چه کد اباد شاه ابن</p>
<p>عین نامی مصطفی در مقدمه سابق ایدن عرب زاده افندینک مشیره زاده سید حضرت عین</p>	
<p>لطف دعوی ایلد طریق بر توفیق علمه سالک و نصنا معاصر و کماله بانغا با بلع مالک</p>	
<p>عطا افندین ملازم اولد قن صکره طریق قضا به عازم ایتد لاروم ایلینده یوز</p>	
<p>اقی ایلد قاضی حاکم در حکم قضایل و کمال ایدر ایتد و کدن دل و جا قلاید فرایند</p>	
<p>معاصر ایلد پیر ایتد قضاة ایجره علم و حلم ایلد مشهور هر جنبی بمورد در بوشواتک در</p>	
<p>وقف الغین غمبار نامی عبدالرحمن در سواد دیده قران اولد اق شهر دندر</p>	
<p>اولد تحصیلنده حضرت والد جلیلد ایتد ایتد کله نیمی فنون و فضایل اکتب ایتدیدی</p>	
<p>درجه استعدادده قریب اولد قده شعارین نظم و شرایب و طریق کما صخر ایتد اولد فنده</p>	

اولدینده دهر ایتد

اول اتقاده حجرات وفاده کن کن بومی دیندر سرکوی فانک خاکساری
 ایقل طبری یعنی عیار آینه ضمیر تابناکی بخبار تعلقات و قینا بدن پاک ایملکل
 و فائل مرآت افک اولوالواح در و بر فل چندن صور نقوش اما کوی کوی و
 قلب عیارینی بونه می مده ده سوک ایملکلون طرعه علیه نقشبندیه سوک ایملکل
 بوز صبی اولی نده دبوشور بها و مقبول هنر و ران اولمشید بر صبح مذکور کونند
 غافل اوله کوزک آج عالم کبری کسین سدره دلوح و قلم عرض معلکین سن
 عبده اربع و اربعین و سمایه دله بلطبع نغمه سراسی که قبه روی نوای عاتقانه می
 ایله صد ایملکل غلغله انداز چرخ مینا اولمشید مقابله کتیب اینک عجاز ایله
 اول مقام بزرگ رویال ایله سر فرازا اولمشید نیچه آیام می ورمیت کرام اولو
 خدمت عطا حضرت ملک علام و طواف بیت کرام بر احترام قیام امام اوره
 اوله حتی منلا سرور عالم وحدتک شامی و اسماعیلک تا بنده ماهی اولو کونند
 سلطان عالم بکلی درویشی مسلم ایکن شهزاده سلطان مصطفایه خواجه اولو
 اختیار یکندوی چاه چاه القا ایملکل مزوقا و مزوقا دنیای بی شیفه و باز
 بلند پرواز باز می مکر و فریبه فریبته اولد قده عیار بوقطعه بلطبع سوار اولو

سعاد مد اردن سال تمیز	ای سدره شمس عرض پرواز	وی طیار قدس عالم راز
ای طوطی باغ و رایان رفعت	وی بلبل کلمات عزت	باند دیکل نه در بو حالک
قطع اوله مکر که بر و مالک	طیرانه بجای اول قدر بوق	سیرانه خیال تنگ بوق
ترک ایلیوب اشیا قیدی	دلان جوق و مکان انسی	پا مالک ایکن منابر عرض
منفور که ایکن منازل و ترس	رفعتده ایکن تنزل ایملکل	لهزنده ایکن نذل ایملکل
نه دانه دور دور دینی بو	روشمک نون اولد بوق	کم ایقل سنی بو و هر هملک
نه بنیدله اولد ساک بوق	پوشنی ایملکل یزلی مسکور	یا مکر ایله و ایملکل یزلی مسکور

بوشیکده سنگ بودانه نیلر پایکده سنگ زایغ نیلر
 صیاد اول بودام صالک ای هی کور کونج بو خوابدن
 غزم ایله رو اطوار اشیا سنی ایله دروشن شش مکان
 مهب جوهر کی تراب ایملکل سر مالک اولو هبیا مشور
 صمنه که بونظم دلیدیری بر در و کور بو بندیری
 بل تا تعلق گذار سولر حکمت الهک عیار سرور مزبور تعبیر و تعبیر بودام
 مکر ایلی تعبیر ایملکل کونند و با شنبه کلوب اول ماکن مشرفه و هواضع مکره بی قیوس
 بایزیدک اولغنه خواجه اولمشید سرور بوقطعه کوندر که باعث اول اولمشدر
 مقدمانه اهد و اربعین و سمایه دله سلطان البرین و البحرین خادم الحرمین الشریفین
 سلطان سلیمان خان سفر واقین ده ایکن عیاری بو سنلی دیشیدی

نه بیلور غمی هر جنون سما اول احوال بدن	نه بلبلین قیسه شیرینی هوس و کونکندن
کورالم ای صبا بوشو سحر امیزه عالمده	نظر اولو کور هر بر شیرین سخنن صور
عیار مقدم شاهید استرک ضرب الملقا	عیار اول بولر اولمشده کلند صور

سرور دخی غزل مذکوره نظیره دیوب اخنده بومی دیشیدی
 برایکی ترکی بیتیله غرور ایملکل رو اسیدر سنی اراک ایملکل ساری بر اهل سخنن صور
 عیار نیک بو معنادن مرآت ضمیرنده عیار قلوب بالماوه شیشه بیلورین کوی قطعه
 مزبوره ایله مافی ابالی اظهار ایملکل قطعه مزبوره سرور نیک دخی خنده دراز
 وارد درکن جانب سوال قوی لغین ذکر جو ایل اظنار اولمشده بعد مزبور عیار جوده
 عیار محفوظ و مکنوس اولمشید یکد و قعه سلطان بایزیدده یکجسارده بو بوس اولدقن
 سکره پاده خط بخش و عطی بخشا و الکاظین النعیظ و العاقین عن التمس دلیده
 ایله و ذات ملکی سی محاسن صفاتک رضیع اللب و عکارم اهل قل شریک العن لغین

جواب طول

واقع جرم و عصبانیت بود و حال ایستاد و موسوم و صحیح بنی و طبعانی تم
 عفو و نیسان ایله مرقوم و موسوم ایله و تشریف پادشاه ایله خطوط و انظار
 خسروان ایله منظور مخطوطات و کتب مشرفه بودی قرقاره و نیز از بغدادی
 ایشید اول ایله خط از کس بوغزنی تبع ایتمده که قضا محلی تمن قلمت
 بگزیدن کوزلم یا شنی شراک عینیه باندی کتبخانه کوزلم کبابک عینیه
 بعضی بیرفغان بهرم شراک عینیه عینک ایرجایدن کوزلم صیابک عینیه
 اشکله اسپا دیده دور ایلمام دوندی یا شنی ایکی کوزلی اسپا یک عینیه
 دیده کوزلم بر کج در دروم اشم کورنوبه حضرت عزت مابک عینیه
 اول خاقان بزرگوار اقلام شکار ایله کوله چشمه چمن از کباب ونای لغیر میدان
 شی عتدر و الفا در بار ایله که بر لفظ سیر ایله نیچ قلم و شی خط ایله ربالای
 رفته ده مثال طغاب و صراغ غزالی یا شکریدی بلام انی کم ایشی کما قاضی سواد
 زبور فی بابدهام بصرای دیو جناب سعادت دستکاهان ایشید شریفه ایله کما قاضی
 مرحوم اگر چه بر کوی شاعر ایله اما مقبول و مرغوبی وافر و کوزه طوقوب تر از وی
 انظردن این اشعار دخی اشکله شمشعانی کی تکاثر در منظوم کتابی دخی وارد هندان
 اوله و شاعر بوشهری اشعار اول شاعر نامدار که مقبول اوله اشعار نامدار
 نقش این حتی الامال طاق میا اوسته کوزلم ابروین اول بروی غزالی اوسته
 ای غباری سنگ اشعار که هیچ که بر ذره چه نوز قوندوره مز
 مکر اول کاتب مستعجل کیم تا قرونچی مرکب طوره مز
 ای غبار که کبر زه شراک عینیه که دیشر صوبونمز سه تمم جایز
 خط اوله عینیه گاه غمیل ازل کلم شاهد بودوی زرد ملامتده هر قسم
 دل سوخته تیرک اغزنه ای قشیری کان بیکنان کله ایچون دلکش دلم

بوکله سر و زیره شوکه سرور لک ایلدی میدان شوق ایچینده دلاور لک ایلدی
 کیمکه بوجوخ پیره زنه مایل اولدی مردانه لایحینه بوکون ار لک ایلدی
 زتا زلفن ایشید بی دین رقیبه عرض کوزل اول صنی نیچیه کافر لک ایلدی
عبارت کرجی زاده نک کوچک او علی کورد چلبیدر طریق علمه سلوک ایله و مرحوم
 علی چلبینک او علی منلا چلبیدن ملازم اولدقدن کوره غوغالی شعر و انشایه فردو
 نظیره دیرین دیو غیب سودایه دو کشید اما دیدکی ایبا و سویلدی کی مهمل
 قطعاً انصبا علی و شهنام دیرین دیو دیدکی ایبا کبری بریل هرگز ارتبای
 یومعه حالی بریش و انیو ایله در کون او تو هیئت و صورت مسوح اولد و غندن
 غیر حکم انشایه بالکله منسوخ اوشید مجلس ده مرحوم اهد یا شانک بروده برفون
 اول حضرت امیر محمد اوله قصیده نظیره دیرین دیو بواستدینشید
 بانی قصر کرامت حضرت سلطان امیر اختر برج حقیقت حضرت سلطان امیر
 کوه درج طریقت حضرت سلطان امیر میر ایوان سعادت حضرت سلطان امیر
 کیفیت حالی موسوم اوله ایستد معلوم او عین غیر شعری مرقوم اولدی
غزالی روم ایلمده قره فریام شهر بنامدن در نامی محمد در طریق علمه سلوک ایله
 اخمصر قاهره قاضی اوله مرحوم شیت زاده دن ملازم او تو بعد روم ایلمده
 قاضی و حاکم اوشید حساب او از طنبور نواز اهل ساز کندی صنی کندوی
 بر ساز اختر ایشیدر علم رمله دخی استاد ما هر ضمیر دانقده عدیل و نظری
 نادر عقلیه فراقله نبغه سنده اوله اهل التیاعک دله برقی تخط و بیاض روی
 ایله اجتماعیه نظریه حال اولور و عاشق بر ملا لک خوشی فریه مبدل اولوتی
 عتبه و صالون خارج ایکن نه طالع سعادت داخل اولور دغن بلوبدل لبرده
 اثر اولدوغنه عار و ضمیر شاق بی صبر و اراده ارزو وصاله غیر طلب و مرام

دن

دوستان

یون ایدر کنه واقف اید مرحوم عاشق صلی تذکره سنده حکایت ایدر که مرحوم شمس
 یاشنه در دعوی سیادت ایش ابرین غنچه کلزار کبی یاشنه سبز دستارها ^{بجای}
 بجای بر است کلو صورت سیادت کوز قائم بجزه ده نایبه و از مار شرافتکستان
 ناشیمه ده نایبه اولاد و غن غالب قوت رطله بلد و کز دیدکده بیض رویه حره ^{غرض}
 اولونچ ایده لم دیوسق البغزل ^{منه} اظهار ایشدر اشعار ساده در پوشوا کدر
 قابوی دیوار اید و از باغچه نازد کند و سین بر کوشه ایل سیر ایدر چازد
غزلی مشا و مدار منور ان عالمقدار و مجمع منبع شوای بل غن شاعر اول شهر نامدار
 کیجه وارد در نازنای محمد در صد کفیل کلامه ایکن غوغای سیل و قالی ترک
 اید و موکو اولشید ارز و کشت دشت مالک ایل اطراف ریح کونی حسی اید و
 بریده لشکر اقامت و استرا بر ایش باد کبی هر دیار سیران ایدرد و مثال
 جو بیار هر وادی برو اولورد افسونه اربع و خمین و شمایه ده استنبول
 کلکده دل غزلی غزم وطن اید و بوقام ماتم و شیون و دار اشجان و خزند اشک
 جناب حضرت ذوالنن اید کفقا که طبع متعرف و اشعار بل اشعار سائیه براعت
 نزاکته متوف اول شواد ندر اجلدن بر مقدار امان بو شهره جه اولسنده
 ریح کمان یونیک بو اشعار اول شاعر نامدار ک لوح بیانه اظهار ایشدی و ک کون زنده

دیدم که درد بجز دلک چاره نی در	دیدم طبیعت صفت انکا چاره سینه در
دوست دل خراب و بیاب و خزینه کم	مال و منال غصه یاره خزینه در
عشاق کینه ایش شفقک شها	رحم ایل بو تو لکده بر ادنی کینه در
دل من و ضیال بک نور اهدی	شهر بدن قیاس ایدر اولسکانه در
یاشینی قطره قطره غریبی روان اید و	ایشار قلدی پای سمنه شیمینه در
کز در قرص می طبله ایچنده مال	مشری در هم انجمل در کم آل

قلدی بعبد خورشید سعید غایب
 غنچه او زره در یلیدر عشاق حیات
 اولور کرم جان ایل اندر جسم ناکه ایش
 خکله عارضک کون سی بر بدن طوطی
 سپهر و مهر سخلک طوطی هنک طین زهر
 کلوب کولم الویجه خطه ارام ایشدی کیش

سیر و زینل غنچه جمال اولق دیکلمه و چشمیه تاریخ دیشدر هسنا لک عینان کبریا
غزالی نامی محمد حسن ملاحظه مانند غزال اولدوغی نور غزاله کبی خضر خضاد
 عا و ایا مداح صفا جامع جهانده بی نوع انک ذاکر و تالی اول معدن
 اعلم شهر برونگ شاعر شیرین مقام اهل معارف کمال سیران کبی شوریده حالی
 رند او باش لا ابالی در طبعی غایتده کتاده قید تصلف و تکلفن ازاده ^{بصفت}
 امر او معاشر شعر و ظرف مشهور انام و مقبول خواص و عوام ایدی کند و ^{بصفت}
بیت کوزی اهورک شوریده حالی • هوا شوریده سی مسکین غزالی
 و بین انک سدی برادر دیکلمه مشهر اولدوغنه بنا بو بیت دیشدر **بیت**
 بجنون که بلا دشتنی کشت ایشدی سر اسر • غنچه کلدی دیدی حالک برادر
 او ایل حال و بادی سن و لنده کتفیل علم و کمال اشتغال اید و سلوک طریق ^{اصطلاح}
 ایش کدن کیره اول زمانده شهراده سلطان تورقوده که شهرادکان روم ایچنده
 فضایل و علوم و تربیه اشحاب فنون و نوم ایل موضوع و موسوم ایدی خدشده
 دامن در میا اولق ارز و سید منیانه و از و مرحوم مر قو ک محبوب و مقبولی
 اولایا ایلک کرساغ لطف و حسنا کچیکه کوباره انعام بیکران ایچک اصحاب
 معارف و از با لطف مجاور و فر و وارد و صادر ایشدی خدمت انصاف

صراخی مثال معین کمال لطف و نوالی ایدو کیده ر مجلس شهنشاده بی حال و منت
 و شهنشاه مرقوم اصنی لطیف و کلامه با نبل او نمین مرتبه توب و و هدیه و ال
 حتی شهنشاده اول انشاده مصره کتید کده سعادت و ارادت شهریار کامکار
 ابریشید و سائیه اول افتاب دولت و اقباله مفارق اولمشید رتو اولنور
 سلطان سلیم ماضی کت طنه جلوس و کردن کسان جهان حضورنده زمین بس
 ایتد کده شهباز بلند پرواز سلطان قورقودی شکار انگلیز مغیب بهخت همایون
 و غم قضا موقونلی اولد کده شهنشاه مزبور سلطان ظم و جاه تضرع نام کوندرو
 برادر جان برابر دن توقع تضرع اولدر که بزم جهانده بکامان بیال ایل
 برادر مصحبت اولنور رضیوز کم بریز کج مذلت اولنور دیشید اغوشنشه
 مرقوم طویلوب بریل کرده شهیدان و اعیان ارکانی وجود بر عنوانی
 کبی متداعی و ویران اولد کده غزالی هوای مشید فرغت و بر و قربنده کیکلی با
 نام قرینکد او پیسنده خدمت شخت ایل قنات ایدو بو بی دیشدر **بیت**
 ضیان چشم اهورله هر بار کیکلی بابا دیونک بی یار **بیت** بعده بی هوای جاه بنزار
 آرزوی ترو تازده ایدو کوننده دل چانوز سلوک منصبه اغازه ایدو سوری
 مدرس اولمشید مده عرفیه می تمام اولدین در دولت کلوب ایلی سعادت چون
 یزنده او تور مدک نیز کلک دیو سوال ایتد کلانده سوزی بر او نمین او نور و حضور
 ایدو مدم دیو جواب بر شش در بو طیفه ایل اقتدر مدرسین تولیتی ایل الو بلی
 ایل مدرس اولمشد قدر افندی قاضی سکر ایکن انورس فتوایین طلب ایدو
 قاضی کردنی نوعا شوه ایدو یایک کل در دیکده بو قطع بی دیوب منصبی **قطعه**
 دنده بیکه باران **بیت** لطف سبزه زاری تازده اولنور
 کردد رایج اوازه اولنور **بیت** افسه لطیف اوچون کلکی تو
 چمانده کوجک بزرگ کتنده **بیت** متاع هفت اندازه اولنور

بده نیتون طبع مقتضای از روی مناصب و مراتب فارغ و تائب اولمطایای
 و خزان شهنشاهین ایدو بیکه علوفه ایل قنات ایتد کده مادر ایتد شهنشاهین بریزه
 نهری چشیده اول لطف دل جرنینی ناله و ایندن کین انجمن شک طاشنده توطن ایدو
 اندو جامع و زاویه و مقام بناسنه قصد ایتد کده حساب قران زما مرحوم سلطان
 تها و عانه و زرا و اعیان و مجله اکابر و ارکان دیو بو قطع ایل در یوزه ایتد
 چونکه میر محمدان اولدم **بیت** اکابر بر کت امیرانه اولدر یتیم مانندی
 صد دهر کجیده بردانه **بیت** عکس راه رطل اولد هر کوش بر نکاش
 و سیر یول ارادله هرگز **بیت** اصیاع اولد زیاد دریا ذکر اولنور شایر ای تمام و
 علی الله و ام دلبران سیم اندام و اصحاب عرفان و اکابر و عیال ایل ذوق و سعاده
 بردوام ایکن بر خوی **بیت** و ای غیم لایکده و آله هر کند و دن بعض افغان مشهور
 صادر و اکابره ر بخش خاطر و بر بعض امور ظاهر اولد و غنندن غیری محشور
 بیکه منظر نواید و مواهبی اولد و غنی مرحوم اسکندر جلنی کفتاب و جلالت زوال
 و سعادت و اقباله چشم بر چشم زمانه دن زخم عین الکمال ایز و اول ذات عالم
 منصور و اصلب بردار او کجی بالا فوه برادر که مرغ خاطری اشیانه رودن
 رسیده اولو هوای مجازده بر و از ایتد کده سنه ثمان و تلیس و تهمینه ده
 علوفه سین صره یتید ایتد و زو او کجی کده مشرفده اقی ایتد رانده دخی بر کج و
 ایدو بو تاریخ زیبا دیشدر **بیت** بتوفیق الهی این بنارا **بیت** بنا کردم درین بالاد که
 بنام حضرت سلطان سلیمان **بیت** زدم مانند زر بر سنگ سکر **بیت** بگفتم هر او تاریخ با دا
 نرنگه بهی مانند کج و اول یا جلیل ال اعتبارده تقاعد ادن خلایق عالم و صدق
 الم و خندان مناصب اولد و مدح دوستان و ذم دشمنان ایل بو قطع قصیده کوند
 منکر ز کم دیار غریبده **بیت** گشتی مسرور اولو صفا سون **بیت** دور اولور که حکم ایتد دن

بلد اعدا یوزین دی کورن	حصاء ایسی سن انی شمال	نذر احوال وز کار ای
شویله بکرز که رود کلک	نیچ بالند اول دیار ای	بوکتوی بنی چو مشهور
<p>او عین بقدر اید اعتبار اولند آخر باغی سنده بر کون اقل ضایع غریب و اما مثل اصحاب فضل و ادب بعضی که بر حسب ایدو انرا اید معاشرت و مصاحبتند لیکن مراجه نون عافیت کلدی بر باره استرا ایدو بن دیو یا تور کن بهای یاران صفا و خلان و فی انجن دنیا پر خنده ستر کله صبر آخر و مجلس کا غزده میان ایل دایر اولدو یک اکلدی بو وضع داشت فرزاد نایم و حایر کیمی تلقین و کیمی ذکره مباشرا اولو اولنده مرغ روح بر فتوی کلست جنبه طایر اولمشدر اهل ملک صغیر و کبیر تعظیم و توقیر ایدو حرم محترمه نمازین قلقدن کمره مسجدی او کنده او حظیره سنده دفن ایلدی و کان ذلک ساجدی و ابرین و سحایه غزلیاتنگ قبای دیبای وجود طراز لطف ملا ایلد طرز معلم و لغتین میان بلغاده و ستم کل در لکن تکیا و قطع و تاریخاری مقبول و مهت قبول اصحاب عقول روا بیک ایچوق مهابت و معارضه کچشد جمله دن ذکا بیک سپاهلی و غلامی مستانه بی ادبانه برو وضع ایلد کده انفا سی زبوره تادیب تمجید سعید الله که این مطبخ سکن ایدی کاتبی اولن رو آبیک ایلد مجلس ایدو ارالینه شکر ایلد لاقده عبد الصمد قالیق رو آبیک حکم لیدن جکر رو ادنی اولد اولحق مجلس اولن اولسود یوبد الصمد ک ان او بر و قویب یک واقف اولن و یوضیع ایدر لکن کویا</p>		
کل سر جاوز الاین سنا	جالی خالی دیو دیو دیندر	ای اولاد ضعیف بارن
اعا دو کد و ذکا بیک	تور دم قاقی کل بر کون	دو کد عبد الصمد روانی بیک
بشنه قاقین دو کد کونی	اعتراض ایلدیو بنی کل	دو کد قعه سینی الککم
طوقنور بر اوچی روانی کل	درو آبیک بطن اولدو	برو آبیک نکر دیر لر

بالوتن بزین ایلد دیر لر	و صیابیک خنده بولود دیندر	شو او قید صیابیک بیک
دیرم انک قولاغنه بیت	بوغز لکر سنکمدرد دیدیک	اسی جقازیه بندرب
<p>دیزیر مصطفی پشادرنه یا ننده مرغ اوزرنه بنا ایدو کی کبری دخی اتام کمدین دیار عقیبا به خرام ایدو جو سر سردن کدرا ایدو ملکت سلیم باقی به سقا ایدو کندی</p>		
تاریخی مقبول انام لندر	بلدی مرحوم مصطفی پاشا	کوبری در فی الحقیقه کونی
یا پد بر کوبری شرح ایدو	ایده کلمه بو حسی به انها	دخی کوبری تام اولادین
اگاشد ایچوم سیل قنا	کیدی مرحوم دیدیلد تاریخ	کوبری کیدی مصطفی پاشا
<p>و مرحوم سکندر طینک و قاتو تاریخ فی نظیر و مثال در اکره تاریخنده جوق اولدو</p>		
لکن ایچ سحر صلال در	میر سکندر اعتبار کوزو	ای کوی کل عبرت الیو حالند
صالی فولد عاقبت کورک	بو قدر عزت و سعادت	دادوبن زهر و قری اغرنده
قالد هیچ اثر صلا و تدن	اولین نجم طالعی راجع	بعده وارد کمال فرزند
قوندی توز چهره انانته	حصر تهمت حیانتدن	رفعه وارد اولدو امر شریف
ناکند در که عدالتدن	هکله یلر سوی آسمانه همان	کوتروانی خاک زلتمدن
کیند دونه دونه سما ایدو	داران دیار چشتدن	بوینی بخلو قول اولدو درکا
اولدو ازاد قید ختمدن	بصمد یر ایغی شادیون	باشی قور تلدی چون ملکن
ایده مراح خوش نظر سنا	تور تلوپ عالم کشفندن	اولو دیر سی انک اضلا
خالی اولاد هیچ نفعدن	دید اهل سما اگاش تاریخ	ایده غزم سکو لطفندن
<p>همانا بویا بی غمت سماء معادل و بو معانی انیقه در شقیقه به قائل شو ایدو ابو حسن علی بن محمد الایبار نیک وزیر نصیر الدوله محمد بن بقیه به دیدو کی مرتبه در عضد الدوله فرزند صلیب ایدو اصحاب جسدین الحاسین دیو صیاصد غزوه انتاب شاده کچیر قنادل مشاعل ایلد صیاصد و ارجه کچتد و در رابره روا اولدو</p>		

ص

عضد الدوله دار دنیا دن گذار ایلیخ وزیر مزبور بردار ایدی اتفاق اول
عضد الدوله دخی تخت جبروتی تا بوی منزل او تو سزای خود بر بهایی مردوا

وفنا ایگززل اولد	علو فی حیات و فی المات	بجق انت احدی المرات
کان الشرح لک صین قاموا	وفودند اک ایام الصلوات	کانتک قائم فیم خطیب
وکلمه قیام للصلا	مدد بیدیک نوحوم ختفا	کده اما الهم بالعبات
لما ضاق بطن الارض عنک	بضم عک من بعد المات	اصاروا الی قبر و استنابوا
عن الکافن ثوب القیت	لغظک فی التوسنات تری	بجفاظ و حر اس نفقات
وتشعل عندک النیر ان سیلا	کذ لکنت ایام حیات	رکت مطیبه من قبل فید
علاء فی السنین الماضیات	ذکر فضیله فیها تاس	تباعه عنک تغییر العوات
ولم اقبل جبرک قط جذا	لکن من مناق المکرمات	اسات الی النوائب و استشار
فانت قیتل تا رات نیات	کنت بحر من رف الی کمال	فعا و مطالب لک بالبرات
وصیر دهرک الی حن فزیه	اینما من عظیم السیات	و کنت لعشر سعدا قیام
مضیت تفرقوا بالحقسات	خلیل باطن لک فی قوادی	تحف بالدموع بحار یات
ولو ان قدرت علی قیام	بفرضک و الحقوق الواجبات	ملأت الارض من نظم النوائف
وتخت بها خلا اتنا نجات	ولکنی احبر عنک نفسی	مخافه ان اعد من حیات
وما لک تره فا قول تسفی	لانک نصبت مهمل الی اطلال	علک تحیه الرحمن تری

برخا نراور ای روت اولنور که بوا بیست عضد الدوله استماع ایتدکه نوکید
مصبون اولنور بوا بیست و مرابغ دینیش اولید دیندر **علا** قول لندن بعضا کاکر
علا اولنور خلص مزبور ای اختیار ایتددر طریق علم سلوک ایدو ملازم اولد قدن
روم ایلزنده متصرف منصب تقضا اولتدر بوا بیست کزیده اشعار و منتخب گفتار در
سایه دیوار دلبده بنی قوک منتظر تا کلمی اوستوه خورشید خشت نمیزم

ای صبا طوتد کیر لطف کلر اراکن
اشنانق بومی ای کعبه بیکانه نوازل

دامن کلمی صا تو برین اچر سن یار اکن
ایل او بی صبا فی الکت بزدر در دیوار اکن

علا مولانا علی بن یوسف الفناری در تحصیل علم مجتهد و طالب علمین اختیار است
وتعاب ایدو شغل ایچون دیار بی حسیا و نیجه مدت مهرا و سمر قندو
اقامت ایتددر بعد بر فو ای حب الوطن من الایمان لفظا باینزید خازماننده
ینه روم عود ایتدکه ناستر مدرسه بعده مرادیه مدرسی اندن برو قاضی
اولو بعده قاضی عسکر اوشید او بیل مقدار صدر صدر ایتد بر قرار اولتدر
بعده عزال اولینوب ینسکر بیل قاضی عسکر اولنوبه معزول اولتدر دیار روم
الفسار مکرم اضلاف و بی حسن عراق علو قمت و بمو قمت عظیم شان و رف
مکان و کمال حسب و جمال و نسب و شیم مرضیه و سیرت ایلد شهره جه و مقبول
زماندر علی خصوص مرحوم مرقوم انوائ کمال و فضایل ایلد موصوف و زمان
و هنگام صدر ایتدکه تربیه قوابل و اما نله مشغوف ایدو کی معلوم و معروف در چونک
احوال فضل و کیمایی کتاب شقایقه مطور در لاجرم اولنور باده کلام و مقال
بر مقدار تصور قلب عنان جواد خوش خوام قلم میدان اعلان معارف و ارا
معطوف و بذلت بیان منظوماته مصر و اولد کند و لرند روت اولنور که اول
عبدن اینک روم ایتدکه بولد و موقوف اولنور کیمیا عدا ایلدم او بی یک غزلدن
زیاده غزل خوانه حافظه ده مخزون و مطالع و ابیاتدن نیجه لای ایدر
صندوق در و عده کسور و کمنون بولند دیو بیور شدر در و الله تعالی علم
کند و لرند فی مدام اشعار غلبت نظامی صرافی بال و انبویه اقل مد جام است
قزای عباراته مصیبه و غلظت غرض خوش منظر اشعار ضوب و گفتار مرعوبه مکرر و
اصحی بقلو در اگر صی دات انور عنوان سزید بر تر در لکن تمینا و تبرکا

اول فاضل نامدار گرشحات کلک سجازند بعض نظرات مطالع و اساتیت اولده
 بن او مردم که جهان پاره بگشاید اولده
 بنی ازاده ایکن عشقه گرفتار ایدیک
 بد دعا ایتمزم آقا که خدا دن دیوم
 ای غمی ناله دزاریل اولور سکر برادر
 سوز دل ابر تر مدام اولدی ایش تاربت
 تیر بار اینه غمگ خوش کلور اولک بگشاید
 ایش کلر کلایم داغ سوزانم بنم
 رینه حیرت اولور بزمین ایدی قالدی ای غمی
 یار کور دکه سرور ندن دکلر کولور
 ای زیاده دل شیرینیت د نام سکرین
 ناکه گفتی سر بنه بر خاکیا یم ای غمی

عنی اسوده گاه جناب کونما ختم کتاب منوی اولی متر قونیه دندر نامی خود در
 یاز بیجی اوعلی دیکله مورو در حال اوغز غامض شام شرف انجامده متعرف خدمت
 تولیت درسته اربع و ثمانین و مقامیه ده فصل سا ایل جناب شهنشاه سامی بکلوب بیجی
 ترقیات رجوائزه و صلا مظهر اوسیده شوریده مشر و کث ده طبع کسند در نظم
 اشعاره دنی اقتدار وارد در بوتر صیغی مشهور اولو خلق ایکنده مذکور اولده بنده
 مدد اللهی سور سگ مدد ای یار دیدم وعده وصل خلا ایله زنها ردیدم
 غنی مزاج ارواح مکارم اخلاق مبارک انوار مزاج و شفاق عمده علمای افق
 مرآت جمال کمال استحقاق مظهر انوار صفا علوم حکم مصدر افعال انواع فضل اکرام
 مکر بهر عالم فضایل کوب نیر سما حسن شمایل خلقت در استوده صفا طراز

معارف

معارف غایب ایل مطرز و مایه وجود پر کرامت سی عا نه بناهت و شهادت ایلد
 معز اولو بساطین قلوب اساطین انام غم علم شامل و عا ایل کجانات بحری مصاحب
 فضایل قیاسی شکوه علوم عالیه دن اقتباس ایکنجه کانه کوب در سی اول موع
 علا القدوة الفهامة بحر کمال عالم اول انکه غنیمت از القاب طلعتش نزهت دل
 وصف ذات شریفی تعریف و توصیفون غنی و مستغنی اول مولانا عبد الغنی افندی
 اول جائزه قصبه فضل و ادب محل و مقام کرده نام قصبه دندر با بارینه امیره دیر
 متعین قضاة اسلام دن بر قاضی بر حسین اصترام ایدی خدمت فلک رتبتلر نیک
 طبع فضایل موقور آن التدکیت معالی الهور فحواسی او زره مطارح هم عالیه کبر
 معارج معالی بصورت و تصدق شریفی بظلم و مراتب سامیه معصوم اولوتنه
 همت و جمله منتقدی کفیل جلال فضایل معود و عنان کیران سعی و اجتهاد کبر
 وادی تکمیل فضل و رشاده مطوف اولمغین اصحاب علم و عرفان میبایسته فایق
 الاقران نادر الله و را ملال مثال مشار الیالبین اول شرییدی بنا علیه پرو
 چمنز ارفنوی خورشید عالم زهد و تقوی سید آموز جا هیر ام مشعل اقر و زبیر
 ظلم مرحوم چوی زاده افندی که باران فیض و احسان بوستان وجود از با عرفانی
 کضر و افتاب عالمات مکارم و عوار فی حیره ضمیر اصحاب معارف منور تربیت قبول
 زمانه ده قدوه زمانه اوغله فرید و یگانا و کوه هر قنده محاسن فضایل ایلار است
 بر سر و شیرین شمایل ایشیه البسه انی در کنار ایتمک کاری و مهر نه کلده که بر بنال علم
 کمال بر هر حال انکار ان فیض غامی ایل نشود و غا ویرک شیشه و شیوه ذات بکوار
 اید خدمت پر مغفترین دانشمند ایدینوب منظور نظر مزاج و مکارم اولو مرحوم قوام
 عازم بهشت جاود اولو قدوه ملار اول شرد در الی قیامه ایل مدرسه مصطفی پاشا
 خدمت افاده ده شده او زره اولد قلمی وزیر اعظم مشیر نجم جلال الله اول

صلاح العالم محمد پاشا استماع ایتد که اول بولوی لاکه خاک مذکورن رفع میگردد
 دره اتعاج اکابرو اعظم اید و ذات پرفضائل و مکارمی صدره کجور مشیدی
 و اول ذات بنمیش و بی بدله را بسامیه و مناصب عالیه بی محل ایملک و وضع آتشی بی کج
 معنای برین کتور شیکه مدرسه بیلی خانیه ده مدرسه علوم عالییه اکیکن شام نرف
 انجام بعده قاهره طاهره بر احترام قاضی اولاد باندیده معادجه الاسلام فائز
 و دو رویال سده فخر الانامی جائز اولاد قدن که مزول اولو بعده ایکی دفعه
 سلطانیه محیه قاضی اولو ذات خورشید انات و مشرقی اتاری حروف
 استفهام کبی مستدعی صدر اوین مفسر صفت صدر اولشید حقا که بر ذات
 شریف و غیر لطیف در کج حسن و لطف سر بریده دست پرور عنایت سبحانی
 صفای طینت و نقاب جبلتده محسود و منبوط امثال و اقرانی اولو ضخیمه منبری عام جهان
 نامی معارف و طبع فضائل سمیری مرات صور انوائه لطف ذات کامل انصاف انوائه نوبت
 او صافه محلی و موشیح جنزار روزگار سائیم معارف بشمار اید محلی و مروج در واج
 فضل و کمالی آن الله فی ایام دهر که نجات فی اسی اوزره مشام جان جهان نیانیده
 فایح افتاب عالمات معارف و لطایفی اطراف و اکناف بدیع سگونه روشن دلایح او
 انوائه علوم و اصناف فنونده مبر و علوم عقلیه و نقلیه ده عدیل نظیری نادر اولاد
 صفری و کبری تکمال و ترتیب مغان نظر اید استدلال اینکه نه حاجت که جمله علوم تخصص
 علم کلامه اول قدوه انانک تنوقنه دلیل نامدر که کلای محض کمال اولشدر و مکرر تکریر
 اید کجری بحث نظر که قطع ارا و فکر در دعوی در این اوزره دال اولشدر

عقل کلینش او بود تمیز	حکمتش بصیرت طبع را تنخیز	استفاد از علوم او عظیم
عقل بالفعل در فنون حکیم	علم دین و حقایق اسلام	مربوع کرده همه بعلم کلام
حاشیه بحر بیاد ترفیع بر حاشیه شریف تمیق و تنسیق ایشدر در که اول کتاب مستطابک توفیقی		

دین لبران و ضیال سخنوران کبی نازک و دقیق در طوب و تفنگ انکار اول همین
 حصارتک در و دیوار ندان بر طعش قوی برق امحال و فقیه نظر را اید اول حصین
 نامداره یول بونق محض ضیال را حق وقت وجود کسود آب خورد جو بسیار فضل
 بشمار در شمار فضائل و کمالات اید بار و راسد و ادر و پرجم پر خم را یا اقل
 چنان زده دست معارفی انجامد بسبب ضبط و تنجیر ولایا فضائیده خافق و منتهج
 اولسزادر هر نغمه در با که بیل بر اینه بر اینه صنایع اول کلکتان قدر و اول
 مدینه ترنم و سروده ها هنک و آغاز اید هزار لایک و بسیار دن اندک اید
 ریب و شک بلا شبهه تفنگ در و هر کجری که اوان همان با کمال فضل و کمالک اجهانده
 نلسن بیغ فحش مقال اصدار و ابراز اید جهره بدیع اجهال دن نقطه خاک
 وصف حالی اید کونده کلام و مقال یوقدر زبان عام ام ارشد بوسف او مقصود
 هزار بار بود معرفت بحر تصور چونکه شهباز مدح و شناسی فضا کون و مکنده هر آن
 طایر و ساعر وصف و اطراسی بحال و محافل اعالی و اما ننده مدام دایره اولو
 لس هر باد و صحرای مقیم و فرایا بدایح بی غایاتنی جامع و مظهر اعظم و اکابرده
 تالی و ذاکر در پس اول شهباز بلند بر وازی دانه و دام حروف و اقلام اید
 شکار ایملک ضیال خام و بدایح معانی و مشایرینی طریقه ایتمه حقیقه و مجاز
 و اسلوب مرغوب اطناب و ایجاز اید بسیار و عیان فکری استیلا او نام مقول است اید و کمال
 ضیال حوصله بحر می بزم مہبات جهات در سر این قطره حال اندیش
 لاجرم بودند زیاده گفت کیت اقلام مناسب حال و ملایم مقال دکل در بونق
 فضائیدن فضل لطیف اشعار و مجتیل و مانند انشا لفظ اشعار و ارد در باب
 خاه سنده ما کسویه بلا جبار و التماس شجاع بر اشد ظلمت رکاکت محبت و متوار
 بوبر ایملک اشعار غزلت شعرا اول فضل و زکار که رشتی اقلام در رباری

وینج طبع بر اقتداری در که تمین و تبرکات بت اولندی

برهلقایه دو شکست دل زار و ستمند	صالحش غزال مهره منبر صبحی کند
بر غزه ایله ایتدی کوکل مرغنی شکار	شاهین بختلو بر کوزی مستانه نملوند
خاک سیاه بوز سوره کلام کبیاه وار	لطف ایله چکمه دانگا ای سرو سرب
دوشد عصابه شیشه بجز ایچره دریل	لعنکن ایر و پاره لیوب کند وزنی قند
خاک اول بولنده دم اولد شایده ای غنی	برگز قدم بصوب ایله سین زاری ستمند
حقا اسانفت از سر هوای جام بزم برون	از ان از بزم می هرگز نخواهم زد قدم برون
تعالی الله چه قدر نازین و دیند است این	مگر سرور و است امد از بانه ارم بیرون
مپندار جو پیران بر موی سفید است	ز صحران جوانی تشنگ زد علم بیرون
طالع در باگز کون کوتر مین در و ایچره	استما بر بلاد در عاشقه دود سیاه
دنیا به در زسیم نوله شراب نابی	کم رشک استما در مهر نیلگون صبابی

غنائی لطیف بساین و حدایق محفوف و ممتاز و لطف هوا و نظافت فضائل
 سر بلند و سرفراز اولد شهر استنبول اندر نام علی در ایام جوانیده تحصیل معرفت و سلوک
 طریق کتابت ایله وزیر ثانی ایکن و دایه عالم فانی ایکن بیله پاشاه است
 کتاب ارا سنده جلا شان و رفعت مکان اکتساب ایشدر اغر ز غایم لدر یوان سلطان
 کاتب اولدو قادر اولدجه تحصیل کمال ساعی و طای و جمع نمود معارفه مجد و در غای
 بوایامده و دایه جهانی و غم سرای جاودت قلندر تا نیشر خلص ایله ثروت و غنا
 و تحف و هدایایه و مال و اموال عزیزه و نمود کثیره نایل اولمشید بوندره بجز بر
 او بجزین بختیره ارسال ایتدی و اشعار طاعت شعار ندندر

ای لاله رخ کلنجبه تشبیه ایدم سنی	سن پادشاه عالم او در و شش کلشن
اول نهال ال بر شمز یوری اقدام ایتدی	یاد ایلد و مسوه و صلیک طمع خام ایتدی

فخری نامی محمد در دیار محمدن صلوات علی کلوب جنب کیماده مقبول اسم اول
 اولاد پاشانک اولاد ندند اسکندر بیگ او غلید متصرف زعامت شجاعت و غیر
 و فتوت و مرو و دانش و معریرنده طبع عرفان جواندر شویله کم دعایم کوشش
 زمین و رز شده استوار اولد کر حکم استهار و بر موی بی ریب و شک و کماندر بون

دکل در خطا که اطراف لیله نانه کلندر	جناب خضر در کم جنبه حیوانه کلندر
بزی قدر قلمه لطف ایت و اعطای نار چمنند	کوکل بیروانه و شن ناز اوقایه کلندر
بجستی سکن و روانه کی کل دیر لر	افندم یاد هم بهر نیکیسک کی کل دیر لر

حرف الفاء فانی قلبه دندر عیسی خواجه دیر لر ایله لطیفنیک خواجه علی لعل
 عجب مدح و اطرا ایشدر ایراد ایتدی و کی شونده قطعاً عالم بوقدر اولد شو بودر
 مطربا وقت طبر بر الال دفعی دنی ساقیا جالی کتور خلکسک اولد شو شرفی
 لکن بوعسری جنب مثال منظور نظر ارباب مقال در

دور لکده سنگ میخاره برین بر جباب	باش اصبی یالن ایتی اواره برین جباب
حسادل صافی در و نر ایلر ز اینه وار	پاک چشمی نظر دیداره برین بر جباب
کایناتی بی صمتش دهری المرعینینه	وار میدر دیر لر سه فانی زاره برین

فانی نامی عبد الکریم در مشاهیر قضاتدن قلبه قاضیسی ایکن ذوق ایدر خلکسک
 او غلید ز زبیر زاده دن ملازم اولدو عربستان ده متصرف منصب قضای اولد قدره ایتدی
 و اما دنیا دن دخی قضا و طرا ایتدین قضا الهی ایله عالم عقبا یه سز
 و بو جهان فانی دن گذر ایشدر بو اشعار انک گفتار ندندر

نور حسن کم ترا شنده او موش کوشتر	حصان قران کویجده موسایه اش کوشتر
میل ایتدیر غندن دل کیسیریشانه	روم ایلمینی ترک ایلدو دوشده عرشانه
فخری برو قاضیسی ایکن ذوق ایدن اجه زاده نک او غلیدر بابا محمد جلایی مرحوم	

سلیم

طراز بنده ایکن اول شمرده حاکم ایکن جزئی مزبور اول مدینه ولادت یافت اول
سلطان فک رفت سلطان سید خان از ارزنده رضاعاً اخوت اول شد بنا علی بن
و نواز شده بغیر مقید اولور بر ایدی صحن مدرسی ایکن مال مالی اسب زواله
شکست و منزلی کون کی بالای افلاک ایکن کند اجل اید قوما که اینوقت است اول
لطیفی تذکره سنده مزبور ابراهیم پاشا و پیکسند و وفات یافت در دیندر
لکن خط والد ماجد اید کسور در که بوسوز خطا در ابراهیم پاشا و پیکسند
شکست و شمایه ده ایدی اول کون موالید بیچ کسند فوت اولدی اما پادشاه
اولی سلطان مصطفی و پیکسند که سید سب و شین و شمایه ده ایدی رو
سلطان و پیکسند شهر بر بدست که مجلس خنده حضور خداوند کرده فحاشه فوت
اولد اما جزئی طبری سینه شمس و شمایه ده و دنده شمایه و قبائی مرشد فوت
سید کاشی یوزده لفظ سنده نام صبح و شوی شمایه ده طالع در شوار انگر

چون بوش اول اول برترین حرکات	قبلت در صانورم ای صیاتی ظلمات
بمان مصحف اطفال اشک چشم ای دلبر	او قور لرکت عشق سده دایم صو کبی اذر
هر دم اول هم تنگ طره عنبر شکنی	عقله دمه و سودازده شک ختنی

زاتی دست حوادث ایام ارتقاء علقه سید انتظار مندن کوتاه و ثانی در حسن
ملک سید اولاد و غنه رفت کنگره برج و باروسی کواه اول قصبه کوتا پیه
شایع طریق سینه دن بر شیک او غلید طریق علم سلوک اید و بطریق اتمام تمام
شوق اوزره ایکن قاید تقدیر باباسی طریق سینه سوق ایشید پنجه مدت بای بوی
دامن و صده چکش و تخم فرغت و انزوای زاین فرغت و قناعت کشیدی
هرگاه عباد الله خدمت و عطا و نصیب اشتغال و جرای در و صغیر و کبری قنیه
بند و روغن تذکیری اید اشتغال اوزره او تو جو اهرفظ و زواهر و عطا اید

بیخه و اهل شرف و فخر رندتایب و نیکی که اهر حسن است دیده طریق صلاح
سدا ده راجع و آب اولمش در شوی بر او سلوک و بر خط اوزره نظم و ضبط
مجلس عظمه سخنان شیرین و کلمات رنگین و حقوق لطف و طرائف ایراد اید
روایت اولنور که برقیم اید ارزنده رقابت واقع اوغین و عظمه حکایت
طریق اول زمانده فرنگستانده بر کافر وار ایش دیننده ضلی قیم ملعون
دی شخص مزبور تعریف اید در نیمی ماه و سال اید که از روی ملک متعال اید
الام جود ملال ایدی اخوسته ثمان و ثمانین و شمایه ده دیار عقابیه انتقال
وارتحال اید فراتی مودتی تکالی و وصال اولدی بوابت انگر

طرف اولد اوس کتید هو ایشید کرد	نیده بین الی پرو کن دنیا کتید کرد
خال مشکین اید اول کاکل بر صین اید	کار نادل عتقه حوامی دره سی
کشتنده عالمک اید مز بو ستره بیچ کس	راغل از اده و عیل گرفتار قفس
قنویا شتم دمی دم دریا کبی اید خروش	بلرم قنن کلور هر دم بخا یارب جوش
عشق یول اولد اید ازین ایشید کرد	اولام ابراهیم اید زاتی فرقه جوش

دفعه سلطان سلیم سلطان بایزید ده بو قطع سینه بین اید شهر اولد
چون حکم قادر و قهار سلطان ازل
بخنی کور که کتیه تا بونه بندی بایزید
تختی بر شاه سلیم الطبع سلیم اید ایلر

زده هوای گرم و بیشه زار فراخ و درختان بار آور و سبز اید حدائق
فردوس برینه مبارکه کسناخ اولد ایشید برود ندر اوز و فردوس دیکله شهر
تواریخ و محاضره اده عظیم استخسار و خزانه درونه بو مقول نمود نامحدود
استخوان استخوان و اید مردم سلطان بایزید خانانه سید نام ادو اوز
سکن حله کتاب تالیف ایشید اول شاه عیجاب بو جمله دن سکن حله کتاب

ماعدا این احوال ایچکون بوزر کس اشغالی التماس اوزره اولدوقده مانند فردوس
 طوسی اولدو شاه سئوده صفات حقه ناشایسته ایستدیکده اولوم نوم بوزر
 بومده کل قرار اولمق ناچار دیاریم قرار ایشیدی کلمتا مقبول طبع کوی کوی
 قطع مرتبی و مصفی اولمش اشعار بی صفای امان کلام موزون و معنی مقول سیدر
فردوس روم اینده موره موره ده قصبه مرسته دندر طریق علم سلوک ایلدو
 ملازم اولدوقدن کوه قاضی و حاکم اولمشیدی بوشو انک در
 باشی نیده بن ویر فریم یونکده انی بونیده چیه بر کورترم بار کرانی
 یوزنه خط کلک اولدی رادم بار کجا خضر ایشیدی دلا فکا شکار کجا
 امانا بو معنای مروجوم والدک بوطع غرآشده سرفه ایشدر اول مطلع بودر
 شوق رده ایشیدی اشقی مسکن بقا ای خط دلدار کلاک خضر ایشدی کس کجا
فردی استنبول دندر زمانده جو یبار لطفک سر دنا ز برورد و عالم حسن ملاحظه
 و فردی ایدی بیده روی نیکوسی بریش اولدوقده برش ایفونلر تشویش ایشیدی
 ایکن افتاب حسنی زوال ایشید عمری فی کمال ایزد اخره انتقال ایلدی بوشو انک در
 بنم ماه سه چردم کیر بر شیکلاه اگری ایچون باشم او سنده اولورد و دسیاه
 یوز برده کولده ذره صوفی قدر قرار غز هر حاجی اولدی کون کیسی اول شهر بار غز
فروغی ولایت صار و تندر قصبه احتصار دن هیر قده ماشو ارباب ملت شعار دندر
 کند قصبه سنده جهت تولیت و کتاب ایلد قضا اید و تکیه بهانده اختیار لنگر
 منزلت ایشید کوشه نشین مقام انزوا و فرغت اولمشید اشعار پر عنوانک اوی
 فروغی بیست جهت ایلد فرم و خندان اولدو شعرا و جهاندر بو اشعار فرورد ک گفتار دندر
 پادشاهم خاتم لعل در افشانی و ار عالم حکم ایشک مهر سیلی نکی وار
 توان حسنکده دندر کورتر رسن لعلک ای افندی بن قولوکه بوشو انکی وار

اویدر وقتده کیدرین بر سر اشغالی کسکه ایوب انصار بیده قربانکی وار
 برو فایز کولم ایدی کیشدی یار اولدو کجا پانیه دو شدم صبا کپی قرار اولدو کجا
 کافر اولدو کوی ایوب عالمده لبر سوزین ایی همانلر بوبولده اختیار اولدو کجا
 ریت اولنور که مزور بیت مذکور ایچون افکار ایشد کلهنده کافر اولدو کوی دیدار
 دیو توجیه اید و الیزند خلاص اولمشدر **فروغی** قسطونید کوشه نشین و عزلت کزین
 کسند در خلق اینجیده شایع مقبول طبع بعضی مقطعات و مطالع مشرق و مغربند
 لامع و طالع اولمشدر بوشو انک گفتار دندر
 اول اهو چشمه اینجنوب رقیب دیارین ترک ایدر سگ سگ سحر
 عالمک جون کذر ان اوزره در ریش کجا بنی مسرور و ملول ایشید ذوق و الحی
 کتخدا سینه دیدم بر اولونک نیجه اولمق ایرر منصبه ال
 دیدی رمز بل کجا چاره بودر طولش اول بر قیودن اودن کل
فروغی نامی احمد در طریق صفای فوق علمه سالک و مقام معارف و کمال مالک اولدوقده
 فرغت ایشدر حال بروده کوشه فرغت و انزوا ده در بوفنده ظاهر و بیدار
 اولدو اشعار یوزنا کنگ فروغی روشن و شکار در بوزر ای اشعار فرورد ک گفتار دندر
 تیر که سینه می طو تری سپهر یوره کی اولد دمردن اگر
 سینه مک ز چنه در نادی دینل بیگانک طوقنور می بکای قاشی کمان در مانک
 سیمان نام برد لبرسم اندام ایچون ایشدر
 ای لایق ایشی تن کلی کل اولدی حسنه یاقدی بنی قال انک عشق ایشک سیمین
 وزن سه را تونله جانیدر ایشدر جهان حقا بودر موز دندر اول پو کلیمین
فروغی نامی مبه الله در سادا کثیر الکبریدن منظر کلام لید منصب کلم الریس اهل البیت
 اولدو خاندان سادا عمیم السعاده اندن معنی شام شرف انجی ایلکین عازم دار السلام

فروزه شهسوار کاشکوه فیها مصباح اولاد عبدالفتاح افندی که خواهر زاده سید
سلطان سلیمان فی خدمت نیک خواجہ سی اولاد مولانا علی اللہ اللہ خدمت مند
ملازم اولاد قدن صکرہ طریق قضایہ سالک و عازم اولاد حاکم قضایہ
کثیر الا فی ضابطہ داخل مالک مالک معارف و فضائل رضیہ الشیخا محمودہ
تخصیص کمالا کلیہ و جریبہ شایسته بر ذات کامل در عالی خصوص فن جلیل
تخصیص و تکمیل اتمکله تمامات حساب نام جمیل اولاد فن مزبور معارف عمیق
اولاد صفا که طبع عالی منشی بوفنگ مبدع و منشی سی کویت مدار و بر شہار اولاد چون
کوشش و ورزش اوزرہ در بوبرا کی معیات و اشعار مزبور که گفتار نازند

نماز قدر جو یک سنگ شاخ کل تر در	دما ننگ زہ نجھ رخلرک کلرک اچ در
کورنجہ خالکی رو بکده فاکد مردم	ترار کوکلک زلفکده ای مهر و مقرر در
غبار خطی ظہر اولاد رویندہ جاننگ	دلایینہ اہل مفاضیلہ مکر در
ریاض جنبک اہد سخا الی اسی اوسپی	کسب غیب سیمینی یارک باکہ بہتر در
بجہ مور بر جمع اولی اوزرہ دلدارک	بشیرینی جان بخش فروغی شہد و کرد در
قولہ دان و شر حملہ شہر باد کارم	کدایم باغ عالمہ المہہ کر و بارم وار

فوسو و لا صار و نذند طریق علم سکو اید و بہرہ دار و مالک معارف کمال بیتار اولاد
ایسا سحر فوسو و اشعار غزل نمونی معنی دار معقول اصحا جمع و منظور از با نظر در

دلا بونہ اقوب مہر کجا آب کبھی	یوزنیہ اور صاحب کنسک شراب کبھی
حقیق حقیق صوب کبھی اچ قانگی ہر کس	جہان فانیہ کوزدیکہ کل جباب کبھی
قلم کبھی نکر دیر لر سے لوح خاطرہ یاز	کسہ یہ دیدہ قلبیکدہ کن کتاب کبھی
بوغہ جان و دلگداز برق پر لرینی	کلای تیغک جگرہ جالیدی تیغ پر لرینی
شمع و پروانہ فوسو بوجیب ختم اولاد	نور و اجاق ایدہ حضرت حق پر لرینی

دل صنوبری جام شرابیل اچلور
تشان عجبہ کل افتابیل اچلور
قبکدہ یارب عشقم متاعنہ قیو آج
کہ با رستہ بختم او با بل اچلور
بوندو کوزم ازک توزیلہ روشن اولاد
زجاج ساغر بادہ تر ایلہ اچلور

فصل مکتبہ صحتک سر و سر بکند شہرہ جہا ابو الفضل افندی کہ مرحوم متلا ادر
فرزند سعادت مند بیدار و اہل حال و روزا اشتغالندہ و جرات غریبہ نیک انگام
اشتغالندہ مباد علوم عالیہ کما ینبغی تحصیل و سایر عمارت و رسو علی ما ہو الموم
تکمیل ایدو بروندہ لفظ مدرس اولاد قاضی بغداد نیک معینہ ایکن قاضی عسکر
مؤید زادہ بہ دانشمند اولاد نذند ملازم اولاد اول ایا مدہ روم ایلہ قاضی
منہل ظلیلہ ایل مرحوم مر قویک بدری متلا ادر سیک عداوت سابقہ سی او نمین زبورہ
تصد اذیت و جفا ایلہ اولی محبت قضایہ سابق او فو متقا اولاد قدہ مزبور فی
بالافہ قضایہ رضا و بیز و روم ایلرندہ قاضی اولاد بعدہ مؤید زادہ تکرار
روم ایلینہ صدر عالیقدر اولاد قدہ انواع مکارم و حسن ایلہ خاطر و بر این اباد
و شہم لطف و کرمی ایل غفور درون پل مشون کل کبی خندان کشیدی بعدہ
دفتر دار اولاد نذند نزل اولاد قدن کرہ روم ایلہ دفتر داری اولاد تکرار اول
سر دفتر اصحا فضل منصب دفتر دار قدن نزل اولاد قدہ نواحی شہرا شہنوب اولاد
نام ہر مقام بلند و محل منیع و برجای شریفہ کہ قدر کمال کبھی عالی و رفیع ایدی
بر باغ پر زین کہ نمونہ فردوس برین درار است اید و نامت با تعلق و انتہا
و ما تقدمو الالفکم من خیر جد و عند اللہ بشارت دلتو اہندن خیر و اکاہ او نمین
من ہی مسجد اللہ بنی اللہ بیت فی جنبہ مضمون نمونہ اقتدا و بو بایدہ اطوار و
مقتدا یا ان بزرگوارہ اقتدا اید و نیجہ مدت بخیسی فریبندہ بر جامع دکتا و کتب
باید و اوقاتنی انواع عبادت و ضرب و صنوف طاعت صرف و نمود کر انما یسی

همیشه علماء و مشایخ و صلح کنندگان و قلمبند حسن و قلمبند نال وجود نامدار سینه دار
روزگار دره نیمه انکار ثبات و استوار و راسخ و برقرار و محکم حیات نیکانی
چنان فایده متمتع و بهره دار از اول حال فرخنده مالی ماهدق طوبی بلطال عمره
حسن عمل اول شیدا ایام عمره بفرمانی این طالب ثواب و دایه و طالب بقا و دو
اول طواف بیت الله حرام و رویال سده سده اصنام خیر الانام ای چون طفل
عزیز بسته ای و شکسته بسته اول طریق بر توفیق ده ایکن سینه اشیتن و شانین و شاد
بیک کویا اوام افغان ایله مزم کوبه جنان ایله صفی کفصائل خلق و خلق ایله سلم
صغیر و کبیر و فور کیا و ظهور فرستنده بی عدیل و نظیر مد اخل بقای فضل بموگا
ذات جليلة مخصوص وایت زکا و درایتی عنایت جناب عزت منمضی و منصوص
لذات المسامره لطیف المجاوره معلومی کثیر محفوظی عزیز خاطر نده اول قدر قصاید عریبه
و لفظ ادبیه و اشعار لطیفه شعار و انار و اخبار و نوادر و اسما و ارایه یک
اقدام مشکین ارقامه شمارا و نطق و خا و مشکبار کومر شمار ایله اصدار و اظهار و نطق
بیر و مرتبه اقتدار در صغر سنندن ملازم سلیمان کامکار و مجالست و زرا و
اسطین ذوی الالباب ایل متادب و خلاق اسلاف کرام و خصائل اما مثل عظام اهل
تمتلق و متذب اول شیدا سن بلوغه و اول بالیخ اولین انار معارف و لفظ سینه رار
ضمیرند فظا و نایب اول شیدا سلطان بایزید خانه زکر دلیف قصیده بلوغه و شریف
ذیوبالذان حضور خاقانده قصیده سن او تود فده ضیر دعاسین و حد و عدد ذیون
جوایز و عطایا سین الوب اول شاه کریم زکر و از حبیب و دامان بر زبر و سیم شیدا
سلطان سلیم خان ماضی خدمت نیک باها منتلا ادریس خدمت ار تباط تام و علاقه
مالا کلامی اول مرتبه دن افزون ایله یک اقدام ایله اعلام و ارقام ایله اقام اوله
حکایت اول نور که سلطان مرقوم منتلا ادریس مرحوم دیار بکر قاضی بکر لکن و بر تو

یک یک شک و بر مرصع شمشیر کوندر و کوندر و کی حله حسنی صحت و سلامت معصانه
صرف ایله مزوا و غلغوز حقه فرات بال اوزره اولان بر تربیت ایله زور
بیوشن در مزبور کاشان شب مولف و رسائل و مصنف و وارد در دیوان حافظی
غزل نزل قافیه بر قافیه متبع ایشدر اشعار غزلت شعار حضرت خواج حافظ
شیراز فیض روح القدس سابع و لایح اول عمل نظم بی تکلف و عیب بلکه ترجمان
کن الغیب اید و کنده کمان و رب یوقدر لاجرم اول مقوله نظم پاکه جوایز بر یک
طریق صوابدن دور اولو ناظم مزبور کجک و کی تعب و رحمت و زور و سبب
مشور اولد و معنی مانند افتاب بر نور نغی و مستور دکل در مرحوم مرقوم کجک
و نوادر سبب و حب در جمع اولت بی فضول ابوانی مثل بر کتاب اولوردی
جمله دن بری لطیفه سی غایتده خوب و مرغوب در که غفلت و انما فی سلطن
ایضلال ایله امر اوامال و سایر مباشرات اعمالک ظلم و وبالند اعتدال مزاج عالم
کون و فاده ایشلال و ارکان ملک و وجود و امکانه بسو جنوب ظلم فراوان
مانند زلف مشون ایشلال کلوب ادنا و ارادل اصاغ و اسافل ای و افاض
وامالی و اما نده تصد ایله عنده و ظلم عادی عجزه و ضعیف رعایا ساکنه
تصد اید و کندن حال کلام علایم آخر الزمان روز بروز بار و وعیا اولد
هر آن حکایت ایله و تقلبات جرح دوار و تغیرات اطوار دور سینه کاردن
شکایت اید کده صرا و لنرا اصلاح عالم خود جناب فضل توام خدمتند فرض
اتم دکل در نی شکر و شکایت و نی بر نقل نکایت اید کده بزور اقدام بیان
کاشن وجود و امکان اولنر کلکتا جهات سینه و شاد استکیم اید لیر زانی
خواب و سبب و بر یک صواب میدرد دیو جواب و بر ردی بو اشعار انگر
از حال نقطها بخط عنبرین من صد دانه عشق بر جگر مشک چین من

بربر کل زنگس تراب میرزا
 است با سل اول ماه
 چاک ایدوب جیب و صلی در
 لا یقیدرای جانم سینه جهانداره
 و زلب کلاب برشکتاب میرزنی
 کون کینسی اولدی عالم مشهور
 بنی اول نکلان ایلدی مجبور
 بندگی چاکین جورک مهرک اول اغیاره

فضله هر چند فضل بلدان جهان ظاهر و باهر و لطافت هو و نظمت سحر
 و عذوبت مایله ای حسن ارم و سبانی صاحب و سائر اول شتر استنبول اندرانی
 محمود در قره فضل دیگه نمود در مباردی احوالنده کفصل علم صرف و کوه استغفار
 ایندکن کره نظم اشعار ابداره صرف قوی و انظار ایدو اوقاتی دکان
 ذاتی ریحتم و حال و قالنی نظم شمشیر بیتا رقم آیتیند و مرحوم ذاتی به تمام
 ایدو مزبور کرد خان کینورد صحتی مرحوم صاحب قران زمان سلطان سیستان
 او علی شزاده سلطان محمد کسور ضحاننده شعرا و زمان و بغداد و در تصدیه
 دیوب ذاتی که قدده عصر وزبده دهر ایدی تصدیه سین جمله دن مقدم او قدده
 فضلی نام بر شکر دبنام وارد در اجازت و پروک کلسود و حضور سلطان ایدو تصدیه
 کند و دن صکره او قدرش در بعد شزاده سلطان محمد مغنی به سنجی و حقه قدده
 فضلی کاتب دیوان او شید شهنشاه مزبور ک دیوان عمری بوزینو اول هر
 کلشن جوانی نهال امید صاحب و شکست صرصر خان و پایال نگبای ایران
 اولادده شزاده سلطان مصطفی استاینه آنت و استماید و بیخ زمان اول
 کلشن بصفاده ببل کویا او شید احوال اول شهنشاه ملک صفی کتد فی کمال
 دست و اقباله عین امکان و افتاب عالم سعاد و جلالت کسوف و زوال ایر
 شایسته سلطنت و کامرآ و ارث ملک و تخت سلیمان اول سلطان سلیم شزاده
 ایکن جناب کریمه التاج ایدو ایدو دخی کاتب دیوان صاحب عنوان او شید

اول زمانده کسب عین و سحایه رضا ننده صور تصور است فی خلیام ایلد بر ارم کل
 عزم عیدگاه دار السلام ایلدی حقا که شو نازک و خوشترنگ قرص سم و سیکه در
 زکاجوهر و صفای بیکرده رشک نقد شمس و فواج عود قمار ابیا و اشعار ایل
 شام دل و جان اهل عرفان بحر و معطر بوفنده فضلی با نظری نادر صاحب انساب المائنه
 شاعر ماهر در مولانا عیدیه و خیال و مضمون تصدیه وارد در بحر جزده سما کون
 نام کتاب و کتفه بحر ننده دخی بر نظم مستحکم و کلمات طرازنده خلعت ادلوانتک و ادر
 جمله دن مشهور او تو خلق ایچنده مقبول و مذکور اول کل و بی در حقا که بر نظم خوب
 و کتا مرغوب در کل کل کبی سر آمد و مقبول عین اولاد و بی کل کبی نظر و عین او شندر
 و بدین خوش طبع کلستان عرف اول نظم بلاغت عنوان عالمه داستا ایتد بوزیر
 اشعار و ابیا اول نظم ستوده صفاتک کلمات بلاغت ایا تندر

بیلینک مجنون شیرینک دلا فرمادی وار
 سکا کوز عاشق دل عاشق و جانین عشق
 چون ایرد شیر عشق جان ایرق نینک صبحی
 ابو جانینی غیرک ایر کور رسین و صکره جان
 سر اسر سوز حال اولق کرک ای فضلی اشعارک
 سن بو جان سن یله هر فلک می شن سین
 کوز لرم اچره او نین سین ایکی کوز لرم
 قلبم ادم اوزره سن و نه مدک یقینقل
 دنیمن علف کبی کل بیعت ایت دیدم
 لذتی کلامک اهل مذاق اول بلور

عاشق با که صور هر شک استاد وار
 تمده هر لم جانا او لودید جمله عاشق
 شهید عشق او بیجی استر علم کفن عاشق
 نه دیر سین نکلان او سوخی سنی جانسون
 که یانوب یا قد هر گاه انکله او قین عاشق
 نوع بشرده کور مدک یوضه ملکی شن سن
 بلسم ایکی کوز مد سن جنبه بیکی شن سن
 ای باشم اوزره دور اید جونی قلک سن
 هیچ قولق قبر تکد کسوا تنگی سن سن
 چه بفضله سوزده سن کان نکلکی شن سن

و صفی بیده بو ابیا کل و بکلار دیدنیر بواره ده بکدا کوفتاید ویرد جان عدا

صفتش برده در عرض ایله در کار کل	سکه مرآت ضمیر پاکدن رخسار کل
یتدی اول موسم که اچماغی کو کلر ملکنی	اوله کلشنده ریاحین ضلیله سردار کل
بیوفالوق عادتین طوئش انکی ندر بوکیم	عمر دن اولمز جهان باغنده بر خور دار کل
قنغی بلبل قانی طوئش بلزم کم مقصود	کله سیر خار اولور که مبتلای نار کل
حدود سبعین و تحایره ده کل من علیها فان	ده سنده سکران و صهبای کل سنی مالک
الا وجهه ایله است و سرکران اولدقه ترک عالم	وجودت خوار و هجرت ملک است
نایب دار اید و دنیای دنات مدار دن انک یار	و آن الاخرة الهی از انوار نذر
مرتبه کل معظم و مجل دیوان بر عنوان	وارد در بوبر ایکی کلام و مقال اول ناظم حلا
هر کورن بیدار اید اب دیده گریانی	ایلام حقیق کوروش کب یوق جانانی
قنغی بتدر بلزم ایماغی غارت و قیلان	سنده ایما یوق که سن لدر کیم یامانی
بلز ایدم بلک انزین سرتینی دشوار میش	اغز و کی یوق دیدیلر دیو کلر کج و ارمیش
خوشم کم دیدم کرم یا کوزم اول خاکباد نذر	زیبا اولر اول کوز یا شینکم تو تیا نذر
فایز اید عشقک اوز که مملقار دن	وز جان نذر صغدی عشقک بلاردن بنی
کرم قل کسماقی التفاتین بی نوالردن	اکدن کله و کی ضری ریغ ایت که اردن
صبا کو نیکه دلدار ک ندر افتاده لرها	بزم برددن کور سن بر خبر ویرا شناردن
مقوس شکرگ کم و سمه بر زنگ طوئش نذر	قلجدر که قانرد و لیکلر زنگ طوئش نذر
جسمی یا ندرم رجم ایت یا شمه ای بغزی	غیبا طایت یا غسوم ماکم تو یا ننده یا ش
اولور خرب که کون بیکلر کلر که تر عاشق	سکا اسک کل کولکد اینر برددن بر عاشق
کسیر فرخ و صکله ماه و افتاب بند	غرض سید و صاکدر بوای و کون جان بند
دو بی برو افلاک رجم دور ابی کون	در دجوق هم در دیوق دشمن قوی طبع نون
سایه اید ز ایل افتاب شوق و کرم	رتبه اد بار سجا بایئه تد برددن

مقل دون نعت صد طعنه مهر برددن	بخت کم شفقت بلای عشق کون کون برددن
یلده بر کلا لنگ تکمین دانشین بنات	صوده کس نر و تک تا شردوت وار کون
کر بلاده بنا اولنان چشمه بواریخی غایتده خوبدر	کوییا بو چشمه بر سفادر
راهه کوشنایر حیرت جو	لوله سی انک من در صودی
صوبی از برش او قور و او	ماجرای مهری بزم سوسو
<p>ما حسین ایگرسن شقیقه صو و سلطان سلیمان ایمنه بو صما انک در</p> <p>شرفیت است کچی لیلیع عاشق رانامل • طلسمی کشته بهر حفظ ان سلطان در یاد</p> <p>فغانی کتایب قلمند ندر لطف با یزید خان اولاد ندر لطف عبد الله سنی قیده ایکن</p> <p>اول شمشاه پیر عزازک حضور نیده علم مثال ستر از ده و شهباز وار هوای طبع و</p> <p>بر وارده اید غزایب کلا و عجایب التفات قاندر که بو فغانینک فی نهال وجود باغجه</p> <p>یایدار اولوب نیت و خدای اصحاب غراض ایله منصور وار بردار اولمسه شهنشاه</p> <p>بکر نده اکندر نامه نظم ایشدر اشعار رغبت و آهنگ بولاجقا و اول مردسان</p> <p>بی حسن و قبولک بر و جهله کوزه کور نیجک حالی یوقدر بو شعر انک در</p> <p>یا شتم مرد ملرین چشم طوئردی بو کجه غرک • یولکده ساینل اولشدر یورر شادی ندر</p> <p>فغانی عدن از با ذکا وطن منبع شوا و عدن اهل سخن زمین نزا بهت کره سنی</p> <p>نظما و فضای بی عدیل و قرینی محند و وطن اول شطر طریز اند ندر نامی رضوان</p> <p>کند و سلیقه القدر کی بر عنوان در عباری حالنده علو کله دن نحو و صرفا</p> <p>صکره عمرنی کحقیل غلت و نیت و تکمیل بدایع و عرفانه حهر ایمکله قدوه شوا</p> <p>او یوقوادم و حوائی نظم قوافی ایله سماء غلت و هوایر نصحه هه پیر از</p> <p>اولنردن و فی البقلام برت ارتام و دام و درانه نقطه وار قام ایله نذر</p> <p>سلا و انسجانی شکار اید شهباز نمتاز لردن اولشدر هه که اشعار غلت شعرا</p>	

طریق استخوانی علم
سلطانان و تک در باغچه اول
سجا اولور

نقص سبب است که در این کتاب مذکور
 است و در این کتاب مذکور
 اقدام به شرح آن کرده

و قصه در تارک لطافت اصداغ حروفی محسود و این جور زبان عصاره
 عبارت است از آیاتی مسکروان سخن دانان زمان الفغانی سلیس معانی تفسیر
 اشعار بجا شاعر آه عاشق در دناک کی سوزناک و کلمات بلاغت سمائی آید
 روان در روان و سوزناک و کلمات سوزناک و کلمات بلاغت سمائی آید
 کلمات بر عنوانی بواقیت بدایع صنایع مکتوب حاصل هر چه هست مکتوب بجا و بی بدل در
 اگر در این اصل انکافا تقاضا ایتیموب بر مقدار اصل و برید و جت صیغه کلمه در ازیده
 مستجاب او کید یوق شاعری کلماتند بلکه بخیسین جیاتندن او صدور در دلی
 فان الزرایا بانفاس موع روح شاعرانه بانی واسطه سید روح الله
 دخول ایتد که بعضی اصحاب غرض که منظر فی قلوبهم مرض در زبور شایدا برهم
 باشد یا درخی مشوال ایدو اولیاده درخی مرغی و مقبول اولاد ایدو ایما وزیر زبور
 نفاق ایدر لریا و کجا به مشار و مساویسی ذکر ایملکه بازار غضب و شقاوت نفاق و در
 ایدی اتفاق اول انشاده از با صنایع و حرفد بری طلسم ایدرم دیو تو جودن
 عوج بر شکل دوز و کتور دکده وزیر زبور شکل مسفور و مسفوری فی حقیقه طلسم ظن
 ایدوات میداننده قوسی فرشتو سنده دکدر شیدی وزیر زبور که اعدای ابرهیم
 باشد درخی مسلمان اولیوبت پرستگدن غمرا اتمش دیوس و هینت ایتد کلمه
 تا کما اعدای شما وقت زمانیدر دیوسنی بویتد بو ایتدی دیوغز ایدر اول
 بیت دو ابرهیم آمد بدیر جهان یکی بت پرست و یکی بت نشان
 و وزیر الذکر ایجا نفا که مکاعد و مخادین صحیح و واقع ظن ایدو جوف نفا اولایح سنی
 ایت وجود حیانت سلب و بی گناه اول در بندی منصور و ابردار ایدو بی سلب ایتد در
 یصدی که در ظاهر اجسم فغانی کوکراه دونه دونه یصدی حق اوه و صفا کوکراه
 ماننده اسمی کیدی کوکراه یا سکر بویادی انک دغانی اسمانی کوکراه

بگویند که در این کتاب
 مذکور است و در این کتاب
 اقدام به شرح آن کرده

بوبرقاج اشعار بجا شاعر اول شاعر نامدار ک در	
فتنگ بایندی خالک کدر ای مهر و	ستاره در کم اولو پیر مهلا لام پیلو
شیمیم کاکلک الممش نسیم کلشنده	دیش که سنبله سنده امانت اولسون
عرقدن ایلدی چون دامیننی نلفک	طورر قور کف نار عذار و که قرشو
دیارد لدن اگر کم بجرسه بیکانک	دی جاننه او غرسون البت ای کمان ابرو
فتغنی یا شنگی دوک روز صحر زلفنده	اق ایچ قاده کون اکتیدور مشل در بو
اوایل انده حسینی کلکس ایملکه الطبعی غزل زبور حسینی نام شاعره اسناد میخند	
اغلو سه بنگا بردم اجیوب دیده لرم	کوره بین طورسون ای کوزوم خون کرم
یزن او ستون اولد کورد و کوره بین دکن	که بهن ایچره بنم او کتا اولدرد و بنم
بنی اگری صقار ماسون یا ننگه خیر سرتز	بوزینه سوزسون اولوب بر اوج قائم اول
دو کلا قانی خلقک که مرکز ال ایلر	بزه کلد که طوقنر کجا حال ایلر
د مرغنی تیور و بدین خاکیده تجب	بیرک ای قاشی کمان سینی غزال ایلر
مردم دیده کنار ایملکه اول سرو قدی	بیتش ایکی دره دن صو کتورر ال ایلر
بو خارستان عالمده اجنر سه کل مقصود	نه غم ای تبیل جان جو کله کله اعدم موجود
اور و پدرباشم صلا دغزک بیخیز مشین	کوزندن او جباری صفا دکل مترکان خون بود
ویردم دمان دلبره دل غایبانه بین	مقدار دزه کور مدین اندن نشین
لعنک حدینده اجه مز دزه ج دمان	امر از غیب واقف اولن طبع خنده دان
صحنه جوهر دار و صحنه جوهر ابدار از ارام معاند و منار عده برمان طبع و جت نافذ و نفس طاهر	
حده اودینه تیغ نهار کانه بانه در	جوهری یوزنده کوردن
تیغ جوهر اکجون ارب دانه در	بر در کله کله شمشیر ابدار
تیغک سیر و جوهر بر بر کوکاهی	خون دلم یوزنده شفقن
یا ننگه مرغ دل نوله ارام لیه	بر ایچنده جوهری در کله در
تیغ نهاره نوله دریم نخل از غولان	تیغ نهاره نوله دریم نخل از غولان

جوهر شکوفه کیمی دانه در شرف غایت اول نه ملک ملک
 شزاده سلطان مصطفی سنت اولد قده بوسیده بر صفا مشهور و مقبول ظهور در

صحنه استخوان کون طار و جگدی رقم	صحنه زرین سلم
خاکبای فرش شاه اینک فرش قدم	طلسم کرد وقت قتل ایوب بینه زفل
تیر از تیر بر شهاب بود کمان جوفی خم	دیگدی بر زرین قتی میدان کرد و نه
اسمانیز بروج جوض چون دیگدی علم	شاه خاور خوقه قجی صصار چاره

و ابراهیم یا شایه دید کی بوسیده سی دخی غزا و بمیل وی نمت در

اولدی بروج قلعه کرد و نده جوی گران	برو مکه چند شامه جنگ ایگه اسما
باروی جوض جعدی بنرد اینک ایمان	الادی نینه تیغی بهرام دار و کیر
اود یا قدی او قلعه کرده ناکان قصبه	اطراف کائینه خیر صالحه کنشش
اوبود قتی عالم کو اکب جعدی میون	دخی بودر کر خجابه خواب جهان بولون

و سایر قصایدی دخی مقبول سلم در جمله سی مشهور عالم المؤمنین تطویل اولندی
فقیری روم المینده اکوب جوارنده تا تو ده دیگله بود اولان قصبه ندر فرقه
 وزمره شوادن کشاده دل شاه باز لغه مشغول و مشغول طلبه و جلال مستغنی پرونده
 اولان جوهر عشق جوانا و اشک چشم کو هر شش ایله کولی و کوزی غنی کنه ایله طوائف کسل
 تعریف ایله و جگر جرده بر کتاب دیشدر بوکلمه وصف شواده اولان ایستندندر

نذر سوار ک بلدی حالین	او کوب هر کز لونی جان	ایمن دام ایلیو بیمنی دانه
طولاشوب که دانه کتبان	ایور لوقه بره لوقه حال	نیجه حیرت آلاک حیالات

نمازه نخبه ال کسون کر که بر سن اولان برالده عاصی برالده سغز باده
فکری نامی در روشن ز ما شی زاده دیگله مو و بیکانه و خوش در زبور دخی عالم
 المعناد طریق علم بر داده سلوک ایله و مسافه حرکتی ادر نه قاضیس ایکن دخی

پری پاشا زاده دن ملازمت انبیا بولد قدن صبر سالک منصب اولدی حقا که فکر
 دقیق شوی رقیق سیرت جمل منزلی اشیل هر مرتبه ده مدح اولدی صفتی
 قضاة ایکنده نغم فراوان مبدول معاشرت و مصعبتی لذیذ و مقبول کسینه اید
 بحیدر که عیسی وار عیسی جرد ایله اولو طایفه فایده قطعاً تعلق و تقید ایموب
 بلکه فرقه زمانه مدام لغت زمان ایکن آخر کزنده مکاره دنیا کی هزار ابدن
 فالش و طوق هر بر قدرین نیچر مرد هرک بوینه صالحش بر مجوزه سمط
 و خداوند شومایه مبتلا اولو اولخت و بلا ایله دریش و زار و سینه بی کینه سی
 اولست و عنا ایله خروج و افکار ایکن عالم وجود دن ترک دیار ایله اینک
 رحلت دار القرار المیش در افکار افکار اولو بر کنایی و جگر مزجه بهرام و
 و نیچه شتر انکیز و قصاید غمت بهره سی وارد در افکار افکار بمیتالندن محله
 جلیلیک عروس وجودینه طوق و ظلال المنجیون بر ایکی سی ایراد اولد

ای کوکل ایتمه نلذذ نمت دنیا ایله	نیلدی فرماده شول بر پیره زن صلوا ایله
سودی دل بر صسم سیم تنی	هی مدد کافره قول ایتمدی بنی
کچدی برین بنده سین یاره منافع مدد	یا ندم اود لاره منافع قدن عا شکر مدد
بختم او نیم کوز اچدر مزالم ناو گلاری	بر نظر ایک بکاهی کوزی اچقر مدد
مکریا طوغری کونه کومسترد دلدار کصفق	کوردو کی دم اول میده مری عاشق مدد
کف پای مک یاره شود کلو کوز لرم سوز	قبرش کوز کوز اولمش اول کف صکاره

فکری دیگر بر وزن ال حرفت خوب طبع و خوش صحت کسینه ایدی لکن طلب معرفت
 وارز و سیهتله کبی اولان صنعتدن فرغت ایله و سرو مشال باغ جهانده فایغ
 و ازاده اطراف عالمی هر با کشت و تماشا ده ایکن کشته حیرتیزر سیرت اولمش در حال
 فرس و معانی استننا و دیده دل جا کمل عرفان رو شننا اولمش کسینه ایدی بو شوخ فکری

کردم

اخ الموفق

اعتباری فی رجب کونده بی نظیر سدری مفت گسورده بوطاق شش درده
لقبول صغیر و کبیر مختصری نهایتده استادان مختصری خود بوضع بکار
یکانه در اکثر آثار و اشعاری معلوم جوان پیر اوغبین ایراد اولی طولی و کثیر آندی
فهی خدمت والد علی التثانک دوطه وجود بر عنوانندن فی ایا اولی نال
فضل و عرفان و سحره فضایل مثره لرندن سرزده اولی انصاف و افضان
علم و ابقانندن بری در کرامت خود اولی عبدا حق برادر کبیر بدر نامی
مخدوم مجمل و مجید در خدمت والد ماجد قاضی شام شریف ایکن اثنتین و
و ستمائیه ده ذات پر وجود عالم وجود شریف اید و کوب وجود اقی بر فرد
ظهور دن لامع و نور شید ذات رشید مشرق مشرق و نوید طالع اولی و
محمد خیر تاریخ واقع اولشدر جو قدرشناسیدر افزود کرد و زیادت شد
جو ذاتش در جهان آمد جهان در جهان خدمت والد بر افضال عا غروردن سر
سروره انتقال واری الابد کلزده طفل خود سال قالمشیدی داعی بی بغض
تر بیت پدرانه زین حلال استقامت قیام اید و بحمد الله الملک العلام تحصیل
فضائله کالاتی نهایت کسی وافر و کوشش علم و ورزش فنده جدو
اقدامی فضل بی ارقانی کی متکثر اولو بر خواص الشبل فی الی مثل الاله
فهی انوار دکامی حلی و ظاهر و مانند تباشیر صبح صادق روشن و با بر
تحصیل جلائل فضائله ابا کرامتیه مقتفی و مقتدی اولاده او اولی شفا
مقاصد متاخریه همدی اولو ذات او هدی که اولی ثانی و ثالثه معاد
فضایل پیره و ازش اولشدر و اجازت قبصا فضل و عرفانده امثال او را
مغبوط و محسوط اولو ذات پر وجودی آیت سجد مصحف وجود اولشدر لانو
فانه شبل ذاک الاله الفسار و ضور ذلک القرآن حالاد فی غنی دل بری

صباي دلگتای کسی طلب اید شکفته و صا خاطر صلیندن غبار موانع تحصیل و تکمیل
رفته در ممولدر که عن قریب افراد روزگار دن اولو اوازه اعتبار و
اشتهار غفلت اند از فلک دار اولاده و از با فضل و کمال عمده اصحاب
جاه و جلال ناظم مقاعد الفروع و الاهیول ضابط قواعد المنقول و المعقول مسند
نشین منصب فتوی خلوت کزین سرای فضل و تقوی حال شیخ الاسلام مفتی الانام
اولاد جوی زاده افندیکه طوطی جان تهنیت فتوالرنده بو طرز کویا اولشدر
ذات نیکوی تو در فضل و صلاح و تقوی بر ترات از همه عالم و علی القتیوی
خدمت فلک قبضانندن ملازم اولاد قن که بنای سرای معالین رسید
و تاسیس ایکن سالک طریق سعادت رفیق تدریس اولشدر یومی قرق آبی ایل
مدرسه مردینه ده مدارسه علم و کمال مشغول اولاد قن صکره و صولیا به خدمت
مدرسه مزبوره دن مجزول اولشدر الولد سر آیه خوانی او زره ذات صلیل و بنیه
میراث اولاد معارف بشماردن نظم اشعار ابدار اول تبه ده اقتدار و انار اقلام
شکبار نیک اول در جده اعتبار و اشتهاری وارد در کشور که دست ساعی غریب
دو سکا می قیامت و بقای نوش اید قبه عالم وجود و امکان بر فرودش اید و افضال
سید عالم و نوب و انوار محشر عا با فروزی ایل بعضیه مالک جنان خلق چهار و
چنان او بنده ریگان یوقدر و تحصیل و تکمیل فن سما کوشش اید و سهل زمانده ضوابط و
انتقاد اید تالیف و ترکیبده استاد اولو بو قن شریفده دخی نامدار و پیر اشتهار و
بو بر ایکی مکتب و اشعار اول مجذوم بزرگوار که انار اقلام در بار بند ندر

کیچه دلدار بیدار اولدی بر شمع تانجه	توبایینه یوز سوردم مراد او زره
او یورکن ناز بیدار اولو نالمد اول لیر	او یاندر دم صفا بزمده شرح صفا کستر
شکست اید لب لعلک صفای جام بشتیدی	رضک یانکه هوس بولدی نرات اسکندر

سنی اولاد ملک ای دل او خوبی سرتی که
 بکند و صفنده جان با بسلا ی جوقی برین
 فراموش ایمنی و سیوف کعبه و بیانی
 غبار ر بگذار که ار ایکن ای مردم دیده
 حیاتم نحو اولور نازیده گفتار ایله اما
 الغده نامک ای فنی گلستان معانی در
 تراش ایته که خطن سفید اول دبر رعنا
 نازک گفتار نه بشیر مجلس اغیارده
 ناز جان بوسود یکله نمرده لر گفتار کله
 جور کله صنر آینه خاطر عاشق
 عهد ایس طوز و صور صواکلی صور مز
 یار عید ایردی دیو ایلدی نوشنده
 سر کولده باکده دون ضایه وعده ایتمشک
 زخم شمشیر ترک رازی افش ایتمشک
 عاشق سوز و آ اول کون کبیری
 نقاب رو نیک اول لاله رخسار
 بار بلای عشقنه خوبانک ای کوه کل
 هر خطه بیکناه او ملک جور ایذ و کفای
 جو هر بر میان آن ماه بسته
 ای دل بوسن باده و بیانه دنی
 فیضی راقم حروف اول عبد الله و دره کمرک برادر کلمتری مظهر کلام اند من سبل

ذاک اولاد اولاد محظوم و مجد در نامی حسین در روم ایلمنه ایکی دفعه صدر اولاد
 ذوالقز و القدر مرحوم عبد الرحمن افند نیک عروه و تقای لطف بی تاملتتتتتتتتتتتتتت
 خدمت نندن ملازم اولشدر اول شفیق شفیق ای تقنین فی الطریق ایده لم دیو
 داعی اضلاع مراسم مدارس افاده بی خادم اولو انظر طریق صف رفیق قضایه عازم
 اولاد ای حقا که حضرت حسین در دریای فتوت و مرو فدرت کتاب
 عنوان صحیفه مائز خاطر دریای معاطر و فیض نظاری از مار معارف بیشتر ایتمش
 و محراب جنان بکار نشانی قندیل بن عدیل فضل و عرفانله مشهور عمری کشف حق
 دمانده نجات غلت و بر اعنی سر او از حسینی ای معتم و غنچه جنان و بهارک
 عراق کتایم بدایع و بیای ای مبتم در ذات معالی فر جانک معارف بید و ایچ
 توسط کلام و توسل اقلام مسکین ارقاب اظهار و اعلام اولوق ضیال فام و لرد
 خانه مشکفانه اول وادی دور و درازده خرام ایتمک امر مظهر و و اوم در معنی
 اضوت اراده عجاب اوله مدایح و شایر بی ایبنده نیجه فضول و ابوابی مشتمل
 بر کتاب تالیف اول نور معنی خود فر و شید احترام و اجتناب ایذ و نشر
 مدایح و متانیلنده اطن و اسباب و لندی شهنشاه طبع بر عنوانی اقلیم فضل و عرفان
 ضابط و حار و بر فوای اولاد سر بید معارف و کمال ایدره و در ندر بو شعاع غلت شعاع
 مسیح فضایل و علوم مالک رقی مالک مشور و منظومگ گفتار در بار نندن
 ابرار بیک جانده عجبه دل ایده نه
 پای اتنده صفت کبکبدر بوز سوزر کوب
 دیو اغیار کور اومی منزل کور کور
 فیضی از باز عا متد ندر بیچ مسونده کفار نابکار ایله بیچ بیچ اولو بیکار نزنده کن
 قولری قتل ایتمدر بوبیت حساب حال اولشدر بیت قیرم او سینه نمند ناینوب اول و دیو
 مخلص اولشدر نوز ایتمک او مسکین او سینه فیضی حرف باده مذکور اول طور سون زاده

برادر کبیر بدنامی بقصد در طریق فایض البرکات علوم و کمال آئینه قضی ترفیع و تزیین
 طریق و سبب سابقه نقیب الاشراف مفتی اولاد مفتی زاده محمد علی دن الوفا
 خدمت شریفان ملازم اولو منظر انواع الفکا و مکاری اولشدر حقا که
 انواع معارف و لطایفی جامع و مشرق ضمیر منیران اهل علم و فنون خط بارق
 لامع حلیمه کماله اید انصافی روشن و طبع در اذان اهل اذعان صفت فضائل
 و عرفانی اید روس ملو و مطمن فضایل حلیمه و معارف کلیمه و جزئیة شخصی و
 معین انشا و اقرانی میاننده تماشا کایه و فرس انی الیه معنوندر حالا مفید
 قطع مراتب و مناسبات اولو بوی قرق ای اید خدمت مدارسه علوم و فنون
 و خواص بوی برای اشعار اول ذات فضائل دنا که انشا فیض طبع بر اقدار
 شویله کیدی سینه دن قد کایا قاشی کلان
 بکنجه رکذرندن اوشاه خوبانم
 نجه برالده می سر فکس انر طوطه لم
 کل کبسی الده اوغجب می مر اطوت
 کول کلک سلا سا حلنده اور مدین کر
 بزوی دلدی تر ضویشان ظالمک اوت و جیدر بکنان بومهار دخی انکو در نام

در لندی پیره کدی بولدم اندن
 در بجه بجه کلای سیر ایچون جانم
 اق کل کبسی عرق نوش ایده لم تر طوطه لم
 بخش و نوش الم عیشا قدر عنا طوت
 بنه رکافر اولدم اسیری ای کل خانم

بمزدای بلاکشان اولای باسم با
 قلدی صدر و قلب باکی بودن سیر و فد

حرف القاف قادری نامی عبدالقادر بو عبد قاسمک والاه طرفندن جلد در
 قاعده ولایت حمید و قهر قفا و نزهت بی جانب استا دازلدن انواع مدایح و منقبت
 ایلدیر تاسیر و تشبیه اولاد قعبه اسیرتہ دندر امیر حمید قعبه مزبوره ذکر
 اولنانه قادر نک اجداد عطا مندن شیخ قطب الدین العزازی حضرت زین علیک

جد المؤلف مر طرف الام
 رحمه الله

اینگله

اینگله اولاد فخانی الی هذا الان اسبارة زاده دیکله نهره حاصل عامدر
 ذکر اولن ان قادر امواج محفوظ و معلومی مترکم و سلاطین اولاد مرصوم قره
 سیدید ملازم اولو بوی علی وفق العاده بعض مدارسه خدمت افاده مداوم
 اولاد قدس کمره رو نیگوی وجود در راه و نمود نامعد و دایله بی و با هم بچون
 طریق صغیر رفیق قضایه سالک و عازم اولشدر درج دهان والد قدس اشیا
 انشاء انباء احوال علمی زمانده بو کونه کوه پشته اولورد که اول زمانده صمد
 و سرتاج علمی دور اولاد مرصوم تاج زاده مزبور قضایه رضا و بیروینک کبسی
 قدر و رفیعی قاضی ایلیک بین تفسیح در سن قاضی لغه قادر دکلس دیو تعلق اشیکده
 عشقه بر حجت عربیه بحر اید و جنب کردن سر برینه عرض ایندکه معنی
 قبول اید رضا اولو مطلب عباسی اولاد قضایه رجاستن زیاد ایلد حجت اشیکده
 بلاد مغلیه قاضی اولو احوال بعض خدمت سلطان عا بقدر ایل اسکداره سکنه ار
 اولد قده اسکندر وار ظلمات ایل ملک حیات باشه تنگ و تار اولو حدود ارضیه
 عالم بقا کشت و کذا ارایدی حقا که مولانا سالف الذکر رفیع القدر سلیم الصدر کثیر
 التسلف عزیز التعلق تالیف و تصنیف قادر علی خصوص علوم عربیه و فنون ادبیه
 فیلسه رایج و ماهر ایدی خدمت حضرت والد روایت ایدر لرایدی که بر دفعه برو مسافر
 وار و اول زمانده عالم معارف خورشید ساطع حجت طابع خدمت مولانا لای مزبور
 بر کچه نصیب اید و بساط معارف و طالع لطف و خوشنوب انشا کلام و مصنفه لامعی
 اشعار فارسیده اولاد معانی غزیه و نکات عجیبه نظم عربیه یوقدر بس بو جهتد کثیر
 فارسی رایج اید و کی ظاهر و واضح در دیود دعوی ایندکه مولانا مزبور انکار
 اید و شعور بر ارجح واضح در دیود دعوی اید و حصان مجلس انکار اید و کجست و غوغا
 آنها بویحی اثبات مدعا ایچون سزبلد و کفر معانی و نکات فارسیه ای و کلام

شوریه در طبرستان بلخ و سمرقند و اولادین دیوبند اهل کتب اشعار فارسیه در بلخ
 و ایبائی او قورقورجه مولانا سیف علی قورقور نظرین او دیوبند دعوتی
 شود عدول ایشان ایدرد حتی لامی انصاف ایدو بوعلم و حفظ حالانی
 عصر اولان قدوه دهر کمال یا شازاده قورقور ایدو کنده ریب و کمال یوقدر
 دیوبند کسک ایدرد فریورک انشائی فی فایق و ضلی رفیق فی سیه و رانی
 ایدی روایت اولنور که قلعه رودس کفار محوس المنده ایکن مولانا فریور کاتب
 موضع ده قاضی اولو قلعه فریور نه کفج و ضلی ذمت تحت سلطان عالمه فرض و
 اهدرد یوصیا قران زکما و فرمانده به با طول الوض سلطان سیم ماضی قدر
 عرض ایدر که اول شاه غیور خلیفه غیور اولوب اول مقوله قلندر که انگ فی کمال
 اولنه وانگ شای کچنده مخصن اولان پان کوزه نگ قتل ایجون ریح پیمان
 کوندر ایدر کقاضی فریورک و منک لطافت انشا و صلا اداسی اوله عرضی
 یا مال ایدوب گرفتار بلا و کمال ائمه اشتباه یوغیری یوسویش بود کوفتیا
 فضل نظم اشعار ایداره قادر بلا یونده علی و نظیری نادر در بوغزل
 معروف و مشهور اول ذات فضائل موفورک زاده طبع بر شعور ایدر

بچه بر صبر ایدره بین تیر بل رهنه بن	جریه دانی یعلی نوا اولو پیدر بدتم
بیل کیسی چنده قنوب کل او تاغله	جنون یوراک کیسی بیز لاله داغله
بکاه کیر اولور صراحی عجب کل	لم نیجه پهلوانی بصر بر ایاغله
دل طغلی کوز لر بله و شوب بجر آغله	او کندی صوده یوزمکی ایکی قباغله
بروانه لر غن کوب انوار حسنکی	در و شیر در رک طولانور جیراغله
کونکده قادری رقیب دیر کورن	بلبل چنده هم نفس اولوری زانله
بچه عجب بود زده عجب مویه معنایا	و معتبره فواغله عن ذکر ما شتری

و ابلا عشق بن الهوی عن ذوی الابهة و الهبا خلق بن الصفا حقیقه المشتهرة بیان
 اجمال المحوطة بحیط الفحج والدلال المشتهرة علی مرزعة العنبر یوقرها زانله مستطی
 یوق البصر یصل الی قاع صغصف من نور کمال السوء و کجور ینتهی الی صایط من مسک
 اذ فر حجاب عن النظر و فی وسط باب من کافور خذایه زانله التسرور ینتهی علی
 الترجس والورد و الی یمن و انواع لطایب الریاحین و نفایس فواکد الزادس
 تلذ الایمن و الذوائق و الطایس و فی حیوة عین حیا شار بها خضر لم یصل الی
 ینصب علی حوض من نور اجمال فیروی المتعشون فی قنطار کلال بانفس دره بحر
 البصیراتی فی فقاء مسرة المشد فی صندوق الیمن و من حجره الزمن فوقع
 الیخذ و الیصل بحسب الرضا حکم الحاکم الموقر الی علی بصحة البسج بالتعالی فی نفیس
 الاشیاء علی ما علیه الفوسجری ذلك و حور فی نوره شهر المثال من سنة ازل الازال
 عن تاریخ حجرة الکمال الی مدینه الفعول و الانفعال شهود کمال بصر من الیمن
 الازان ذوق بن الکن شتم بن متاخر الکن المس من سایر الابدان
 قابل دار السلطنة ال عثمان اولایه حکم طنطنیک کورک کل سندن و طایفه مقصود
 حساب ریت و جله سندن طریق تصوف سالک اولو حالیه ذات کامل و طبع قابل
 علی مفاوز و مهاکد یسید اخر الامور کوشنه صمم عارض اولو قدن کوره اشک
 ملک قدم و ترک عالم حدوث و عدم اتمش در بو شتر انک در

دو شتم نافر انکله بچه بر یانم	شوخ دسوز کیسی اوقه کوز مدن قائم
قبوسنده قولی اولوق درم اول شاک	قابل کور بنی عالمه عجب سلطام
دون کچه حال رفک شو قینه کرم اولو جیرا	یا قد ای میباره بنینه الشکر کیسی دایم

قاصی فسیلین علی طایفه سندن در زغیج تککاه جهانک مردقانی و سما معار و کمال لاری
 کون جله سی خطا واقع اولو و برمان سلط در ک اشعار اشهار بویو میا خلقه و شیخ اولو شدر بو شتر انک در

شوا انک در

جامی اولور سه لب جانانه برابر	دنیاده برایشد بوک چاق قانه برابر
بیک یوزی مور یوره کی ایینه کورم	کا ولدی یوزه یوز سن تابانه برابر
باشی کوک ایر رس اگر سرد سهی تک	اولمایه بوکون قامت جانانه برابر
سیر و زدن در طریق علم سلوک ایشد در ارباب اذعانک قبول قبولی طریقت اشعارینه وز اولاشعرا و زما نذر بو اشعار تک در	
واری بر عاشق در سنده تکوادی	دوتم از بنا عشقک ایلر نده صناعی یوق
صنعه کم ایره بیکانکی دلدن ترک	کس حائل اولمز ایکی کوکل بر اولیون
ساقی نیر صفا در دایلمه سامه صومرا	یا عزیز و بر عزیزه کله قدح این طور
لیلی کوتاهیه نذر نامی بر ایهم در طریق علم سلوک او کو مرحوم ناظر اده اقمه تک کلیش نظارت سما فضل و کالاتک خادمی اولغله مرحوم مر قو تک ملازمی اولدقون کده اقضاک عازمی اولمشید فن پیاغمده طبعنگ قبولی و در قایق و ورقایق شو و انشای قبولی وارد در بو بر ایکی اشعار غزلت شعرا اول شاعر بر اشتهارک گفتار نذر بو قدر کنه او غمزه سی خونیده بنده در • شام صبح اولدور نده دکل در اولنده کولوب اصل بیکه کولنگه قتی واردیر سین • اهل ای غمزه بانه نطق کل زمانه سیدر قوری نام فرخنده مانری عبد القادر اوغین مخلص بوری ختیار ایشد اول ذان رشیدک اصلا ولای جمیددن قصبه بسیاره در موجود زکر اده یه معید اوکوس سلوک طریق تدریس ایلر سعید اولمشید مدرسه ثمانیه دن بر وقاضی سی بعده اناطولی قاضی عسکری اولوب اون سبیل مقدار صدر صدارتده دایم و طایفه علمایه دادو قائم اولوب مودول اولدقون کده اول سر و شن تقوی منصب شریف فتوی ایلر ایلال اولمشید بعده انتظام عقل فعاله بر مقدار اختلال کله و کنیدن غیر ریاست منصب صدارت فرقیته حسن صورت و در نیایشیفه اوغین معارفه جاه و جلاله کلی حال اولوب	

قد زانده کتقل او فتوی اولغله قدر و مجال اولیون بالا فرقه منصب فتوای
وامال نیویه دن صور استغنا کو سروب بروده اختیار کوشه انزوا ایشید
انده مسجد و مدرسه بنایند کله کله رشیح و حسین و ستمایه ده خشت و کربت
فتوای رها بولوب اهنک عالم بقا ایشید حقا که قران و امثالی میانده صیل
المنقب جزیل المواهب صدر منتس قدری مرتفع عقد فضیله نظم و خلق لطفی
الطف من یم بر ذات شریف و کریم ایدی افادت پناه شی و استاد ابو سعید
خدمتاری بوکونه کونرفشان اولور لر ایدیکه اول سر و جو بیار فضل منصب صدارت
عزل اولوب اول ایشاده روم ایلی قاضی عسکری اولد و غده مرحوم مر قو تک لطفه
ترتیبینه مظهر اولوب خدمتدن مهربانامول که رجا اتک منقده حصولده طوبه
اولد و غندن غیر میا نمرده اولاشقوق حد و عددن ازید و او فرای
بنای علی بادشاه هفت کشور دراری فریدون فرسطنه سینی خانه ترتیب ایدو
یواللی آتی وظیفه اتمک عت اولدم و بو فرقیه وظیفه تقاعد بو مقدار اولمشید
بودای دفاک سبب اولدم دیوانه حاج و افتخار ایدر رید سایر بیلین فضل بو غده دینی
و خلق ایجیده خیالی اشتهار و ارایدی حقیقه نیرات کلی سما بل غده متلایه و الفاظ
در رباعی دقیقه ایلر حالیه ربوایه و اشعار اول ذات بزرگوارک کلی طیب نذر
صدا اولد کوسبک روح اولمی روشن کبی
خلقه کبی کسنگ فابوسینه اورم قولان
کوشه کیر اول بده اردند جه سیر قل
اسیا و سن غیر اوله او کومه بولدون

تیره طبع اولوب کران جان اولد در دن کبی	تیر طبع اولوب کران جان اولد در دن کبی
بتمه سبب کیر حو اردن یقا روزن کبی	بتمه سبب کیر حو اردن یقا روزن کبی
دور بین اول کورم کنیدن دیده روشن کبی	دور بین اول کورم کنیدن دیده روشن کبی
خوده بین اولوب دقیقه کوزله پرویزن کبی	خوده بین اولوب دقیقه کوزله پرویزن کبی

وقاضی عسکر کدن عزل اولمشد قده دیشدر
ندود اشحس نرنگ او در یله دانم وار
ارعت ملکنه شام نه تو غم نه او تا غم وار

تعلق بخفی قطع المویسدم امشاضن	بوعالم گشت زارنده نه بستانم نه باغم دار
نه غم کدوبه قدر منصب اول و زوجه	بجد الله کف صحت و امن فراغ و ابر
شاه نامی عبدالقادر بود عبد قاسم که اقا رسته معارف و کمال طالبند جوان با فهم و ادب و خردمند	دری بعضی حکما ظاهر او بود ایامی در معارف و کمال طالبند جوان با فهم و ادب و خردمند
عرض اید و عاشق بی دلره جانان کاکل	ایتدی شفقت لری بی سرو سامان کاکل
صبر رسته جان صبر و قرارم طائر	کورسم اول بار پریشانی بریشانی کاکل
فته در کرچه سراپای قدر جو یک	فته نک باشی درای مرد خوامان کاکل
بنده جمعیت خاطر نیجه اولسون قدرک	باشن عجزی ایتدی بریشانی کاکل
نیجه براتش عشق کله یا نوبت قدین	نیجه بر هر کله قاضی یا قاضین
عکس انگشتنی جام ایچره کورن ایتدی حلال	به نود در کشتق ایچره عیان اولشدر
الفرجک سینه که در درونک یاره عروفت	دلا احوالکی مکتوبه بخکاره عرض ایلد

ایدی حرم سرای شاهی و حریم و حکیم سعادت نیاهی ده نشوونما بولوب شهر امینی بیده
 شهزاده سلطان مصطفی نیک دفتر دارمی ایکن متصرف منصب اول و اولی بیگم اولیدر
 نامی محمد در مقام طریقه علم سلوک ایدو قدوه دهر مفتی و عصر خواجه حلبی افسدی
 ارتباط ایدو عقد مالنه بر باره انتظام و انضباط کلمشیکن مرغ دل منقار امل ایلد
 حجب جانی التقاط ایچون نه بابا ستمه اسلاک و اخر اطاعتتید اولاننده
 متصرف لوا اولدقدن کجه کربت عالمون ره بولودوش برهوشنه اعلام
 واکفای اجوبتت روان تا بولجخت زمینه روان اولمشید بوطلع انکدر عزی
 نمون کسه غم بیوق دل غمخوردن غیر دوزنیوق اوسته بوجوخ کرفتاردن
 قدسی قدسی مکان صنت اشیان غرق در یارمت رحمتی خواص همان مغفرت سجا
 بحر محیط کمال در دریای انضال مرحوم عرب زاده افسدیر نام ارجندی

مرحوم واعظ ملا عربک فرزند علم و ادبیدر سلطنت سلیمان خانک خواجه سی اولاد
 الدین افسدیر ملازم او بود مدرسه علمیه و مراتب علمیه به نایل و طریق بر توفیق
 علمده طی فیاضی و قطع منازل ایدر مدرسه علمیه سلیمانیه به و اول اولدقده
 افتات دولتی زواله و ذات پر کمالک سعادت کمال ایز و فلک طالعنده نمایان
 اولان کولک سعادت غارب و نهان و شب بچور مختندن بخوم کجوست ظاهر و عین
 او بود ثوابت مثال بری فلک نامن ایکن خاک ذلته و آدم کبی ایتت ثانیته ده ایکن
 زمین محنته دو شوی بی جرم و بی عیبیا محض ظلم و عدوانله اول صاحب فضل و عزیز
 ضرب تقدیر ایلد عزال ایتدی کلزنده موسی وارد دست فراغنه بجوار دن خانیفا
 یترب فرار ایدو مدین الطی حضرت دینا جو یا اولدقده خج زما شدر برو
 قرار و مکان ایتتید هما نابود کلو محنت و غایب مبتلا اولدو غنه باعث اول
 ایدیکه مرحوم مرقومکذات معاکسری امر معروض و نهی منکرده ساج و سالیله
 قایل اولوب ان لم استطیع فبیل نه کلامیلا عامل و لغین زبانندن بعضی صدور
 و امراء دهر و وزراء زمان بحضور و رجور اولمشید اتفاق مرحوم مزبور
 سخن مدرسه اولدقده حضرت شیخ الاسلام مفتی الانام قدوه علمای دهر الفاضلین
 وقایع زید و عمر و در دریای وجود مرحوم مغفور ابو سعود افسدیر را فتحد
 الدی دیوبانه ایلد اول بانه ایلد برده عرضی منک و شیشه ناموسی منک
 و قدر فیعلربنی بو ظلم عظیم ایلد سبتا تمشیدید بعده صبا قران روم سلطان سلیمان
 رسوم مرحوم مرقومک بیکناه و نظوم ایدو کین معلوم ایدینوب اه صیحا هی اورنگ
 سلیمانیزی بر یاد ایتتمنده اشتباهه بو قدر زیو و اول تشش فتنه نک استغانه
 بادی اولار ستم پاشانک اه صیحا هی ایلد باشه صیفا صغنه اکاه اولوب
 ابرفته باز ایدیکو خو اسی اوزره نه صحن مدرسه مدرس اولدقدن صیحا

سلطان کند و مدرکین است ایدو بعد قاهره قضاة غنی چنانی
 کل کبی خند ان تیسید بعد اول اربینده که زمان شدت شتا و هنگام سورت
 اول تو کثرت بفر و باران فلک اشیر کره زهریر او تو عقاب زمانه اشیا فلک
 بیغه مهر و ماهی طو کدرش و حلاج زمانه بنده بر فی دکان زین طو کدرش
 عا کر غم صاعقه بار مانند تاراج کران شکر تاتا رملکت کستانه عدم نیجاده
 و بین اسفندیار و بین تن ایکن بهمین دی افنگه جنگ و وغاده ایدی **نظم**
 زین بند کشیده جو بهی جهان زال را در قید آهن **نظم** خلاق از هم سردی دی
 فسرده خون جو رو بین در رکوی **نظم** صباغ چمن زر مسوک برینه نوره خام المشیدی
 و میا خوش و جوی کان بنیم اولو بسجمن باغ و ران ممدن رضام اولمشید **نظم**
 زمانه که مهر عالتا باشی سحاب سحاب و غمور غامدن جو موز و حصن حصین ابرده
 بنان او بو کشف مثال اش کوسر زید کشتی به سوار اولو در یای تان دن لیمان **نظم**
 روان اولدقه **نظم** بر اید از میان جگرک موج کشتی را جو تیر انداخت در اوج
 صحرند باد خزان سفینه بر سینه بردانه اما کی اندد او نیند کشتیک مقامی کامی
 بالای افلاک اولو کامی ار امکاهی مقور خاک اولورد و کاهی شدت روزگار اول
 بکار ز خار سل دمان کبی جوشان و خروشان اولو سفینه **نظم** جوج مثال ابر زره **نظم** جوج خروشان

سعدان فلک مهر فلک دار	بهر باد کرد آب دوار	میش کاه مابط کاه صاعده
مدارش کاه ناقص کاه زاید	سعد که مستقیم و کاه راجع	کبی مکنت غارب کاه طالع

اول انشاده ملاح روزگار باد با کفانی ستون کشتی ابدانه ساز و نکره اول
 اول فلک جو دینی کان فنا صالمشید بر موج سیم زورق سفینه **نظم** ایدو
 رجوم مرقوم کشتی وجود اشعه المشید خدمت مولانا چند زورق سفینه
 جبال صیا و نامن نجات بتو اهل کشتی ساوی الی اصل بعضی من الماء دبر ایکن

خال بینیا الموح نکان من الموقین روایت اولو نور که اهل سفینه دانست و صیرت دن
 مرقومک غریق بحر فنا اولدوغنی نیجه کوندن کراه بلدی عجبدر که جفا موقوسایلم
 فصلک ماهی ایکن قوت ماهی اولو تقام رفیع سرط و صوت ایکن طوطی سگ اولو
 صوت اولو و معارف و فضایل پیشا را ایل در یای بی بن و کنار ایکن بر موج ایل
 غریق بحر طماک و بوار اولو صفا که مرقوم مرقوم علی روک تقام بنامند و فصلک
 زمانک فحاشند زینک فضل و عرفان صد کون و کانه بویل بر در هوا راز **نظم**
 و غواص روزگار کجا مانل و شاکل لولو بر اعتبار واحد اجد واحد کور مش در
 روزگار باد صفت انجا بر مقدار مهلت و بر مکن بحر است و مسوداتی بیاض تک
 امکان اولیو انار اول شهره اعیان اولمشدر بو قطع انگ در

هنوز دانی انار چنده ایکن	نه قانز لوتو در ردی با که دوران
طو غلدن دریم اغلا تقدر ایشی	دخی کولدر می بر خطم بر آن

نظم از بقدر نامی امیر شاه کند و دخی علم و معرفت دن کاه بر ذات بر لبه ایدی
 قدوه فضلاروم کمال با پشازاده مرقومک موتا سندن ملازم اولدقدن صبر کراه
 بعض بقاعه متصرف ایکن اخر علم نده زحمت صحیحستلا اولو اول نخت و عسنا ایدو
 خانه صد آره جی و آل اولد قدوه قرب حضرت منانه روا اولمشید اگر چه بیخیز ایدو
 اشعار و اراید مکن بر سینگ یوزه کلمه اقتدار بو کند اگر کند و زنجی هر بری بر
 شاهوار اید اما نفس المامرده کوش بر هوش بغایه کوشوار اولغزلایق و سزاوار اولمشید

یازه لخط و وفا عشنی کرد چینت	مهر ایدر اولو اوه پاره جفا کین چکینه
خط لعلک ایریک مهر سلیمان زمان	بل مسلم ایدر در بر ایکی اهر منت
صالتو کرد که بوزلف پریشان قونیند	عینرینه در که کیر مش صانک جانان قونیند
نکر لعلک قونیند کیر سه رقیب تولدکم	کیر سکنک خاره نکل لعل بدشان قونیند

بهر حال بول انگ در

قندی بر ولید قناد و شکر زیز اولدو فخلص مزبور کندوب باعث تمیز ایشد زیزان
 معصره فکر و زمانند سکر بلات و سیم مکرر وقتانید قضا کفتار قابل نظم
 اشعاره افزای ایدن بلغی قضا کسرتند تاریخی اشعارین برشته را دیو
 اکثری کتابه تواریخ روزگار در جلدن موصوم قوه بی بی نشانی اولدوقده
 دیدو کی بوتاریخ در که هم بیت مهری ایشدره مصطفی بن جلال تو قیسی و روحی
 افندیگ انتقال و ارتحال بوتاریخ دیشدره بقایه کدی سعد الدین ثانی روحی
 عاشق چلی قورد نام بزرگیم اندام عاشق اولدو اول ماه انور منزل منزل کت
 سوا ایدو اول عاشق زاری بیخه کرک بچرا که گرفتار ایشد که قندی بوتاریخ
 دیشدره قورده عاشق ابوب کندی اه نه بو اشعار مزبور کت

قنده قندم دلبر اهل آب بعلک قندی	کم بقا قندی دیو بهستان ایدر مهری
بلوک بلوک یورین شیوه کاری کوردکی	طرف طرف چکلن آه و زاری کوردکی
چکوب چکوب گنور ریند جو ره عشاقی	کره کره طوشن زلف یاری کوردکی
چون کشد کز زلفه یارک پریش اول یوری	قاره جنگ و ایشی نی کینی لال اول یور
یاده عالم اولور سگ رقیب غم دکل	امن دلداری قورده معصره سلطان اول یور

مخدا استن و سین و سیمیه و افزنده بودار و پناه با سندنک اولو ارتحال دار
 البقیه ایشک ایشدره ابی ایوب انصاریده قوجه نشانی بنا ایلدو که مسجد کوه کینه
 که شو او طرفیه مدفنرد فنون اولشدره و فاشگری اه حیف قندر حلت یکدی دیو تاریخی
 قیاسی طو نیزند رخل قیاس اوزره نامی قیاسیدر اسم مرسو سماعی اولمعه
 الی الابرکنک داخل درجه سماعی اولشدر طریق سعاد رفیق علمه ساکک اولوب
 بو طریقک متاعب شد ایدین چکلر بر حال اوزره ثابت برقرار دکلیدی کانی ضیایی
 بیک طریزی اوزره سپاهی اولو کاهی سپاهی او غنی علوه سنه سلطان اولشید کاه

گاه سلطه بایزید خان شفقت نامه لرید ملازمته مایل و راغب اولمشد افزین بر
 مفید و ترتیب ایشد کی مقدمان مستفید اولوب مجلسی کار عاشق کی ریخ بیوه
 اولغین صلی امیر مرهوک موتا سند ملازم اولدوقدن کره سمت قضایه کنگ
 و عازم اولدی حال اوزره قضایه نذر بو شترانک در

پایک غباریم سنگ ای غلبه لکار	اگر بی که خاطر و کلمه غبار
قودم بن بر حصار عشقه بنیاد	قوز بر طاشنی بیک اوله فرماد
نیجون ویرر رقیبه اغزی ادرین	بکم شیرین دمانکدق سنگ داد
قیاسی سلیله العذرا بچره کورد	بنا مجنون دیدی عشق اولسون استاد

حضرت ابی ایوب انصاریده نیجه مدت قاضی نایبی اولدوقده بو بیت دیو ایشد و
 روزه او قورده بیت قیاسی صحنه قاضی نایبیدر اوقاضی بیک قاضی نایبیدر
عزاکاف کاتبی لقا هوا و نطق فزاسی قلام مشکین ارتقا کت کتابت اوتوق
 امری لایدو که ظاهر و بیدار اولدو کاتب قدر اقدیم لطف و مکتب شهر مزوره سر
 تیمار ایدون شهر قبت اساطیر و سبر و دندر فاتح قسطنطنیه اول سلطان محمد
 اول غلظت بایزید خان ماننده بو عالم فنا و عده قدم بصاش اولدور کت کتابت
 صنعتده مهر و قلم مثال هر کونه خطک نشخه قادر اولغین فخلص مزبور مؤثر اولمشد
 قصاید و اشعار کتب و اسفار او اینل کبی نابود و ناپید اولمشکین مطلع غزالی
 حسب حال ارب صفا و نقل بی طرف او تو ساغر صهبالدن و دلگد و شمز و بر

اولمکه بزم ایشد بلبلی الالاقده ببل کبی انکلا کویا اولم
 یند ای جام مصفا سنی کورد کسه مجلسک رونق سین دینه ده اردک
 عاشق چلی مطلع مزبور شامی نیست ایشدر و الله تعی اعلم کاتبی انکلا کویا
 کبی عابین اب و نا شه سینه بندر نامی مصطفی در صغر سنه قلم کبی کت کتابت ایل

طبعش اولمغین کاتب خوش نویس اولمغین معتمد طریق علم سوک ایدو لکن بامده
 نکنت اولمغ مرادین ادا به کند ویده قدرت و کنت اولیوب و مان سکنده دی ابراهیم
 دو نمکه قلیت اولمغ اصحاب دولت و از با عزمه عرض صحت اینک استقامتی بود
 بنا علیه ترک عالمی جاه و جلال ایدو اختیار کوشه قناعت اختیار و بعضی امر او
 اکابر علم و کاتبی اولمغین بعضی اکابر که سوره بقطعه ای تاریخ دیوب یوز اسک
 اولدوغین دانی دیندر سه نوله عذر و طوط دربارن خدمت سوره قصور حرم
 اولمغیندر که تاریخی سوری مشد دیکه یوز بوق کاتبی غلطی سید علی عیله
 مشهور انواع محاسن و حکام نامحسور ایدو معروف و مذکور در بابا بایزید کتبه
 و کند و کاتبی و هیئت معارف و کمال طایبی اولوشو اوظرف ایدالت و ایمان
 زمان و منور و این ای صحت ایدو جرعه جام سخاسی مجلس صیفا سنده حاضر
 و ظاهر اولناره مدام صلور و سفره انعام و عطا اینده و رونده به علی اللدوام
 ایلور ایدو خانی سی صاحب عرفان طیبی و ماوی و ضیلا وادی عنای اولو مبتلای
 فقر و عنای اولناظرنا و عرفان طیبی و شکار ایدی نه کم اولنایک شو اسند مولانا یقین
 بونه قبایله جودی و کرطه آواز سیدی علی روی خواج قوام شیراز
 خنا و فضایل و معارف و عواید دریا کالت و لطف اولنارسال خانه جودنا اینده
 بر اغوب جزیره استانده صلور لرایه یتیم مزبور شرف صحتند دور و بر پانده
 بر ایکی کون لکورا اولدقه انده اولن اصحاب آواز و از با سوز و آری اکوب کوی
 دیو اول مقام منیع کوندرش در اول بنی بودر و از غم کوشه مقصودهینه

متظرد دل فرسودهینه	کوشه کوی صفانده کوسیم	دامن زهدی اودهینه
صالحه افاده ظریف آوازه	کوش اورسکده مقصودهینه	اکلف نای محمد قاسم
اورسک حسین عبودهینه	حده بازی ایدرک کورجی	ویر جنبش اولکف جودهینه

کانه زایلور کاهیشی	اولمغین می بهلودهینه	یاد و کدر کوزک غلطی قوی
خواجده بکله بکر بنوع غلطه	رواق فلک نطای ایوان کیوانه برابر و لنگره	طاق سی التصاتی با تم تر ضلع لیس رشک نگار خانه چین بر قصر خورنق
و سپهر این بنایلده که اول زمانده	مزبور ایدو جلیس و قرین اولن مشور و کور	افزین بر تاریخ و قطعه دیو دیوار فلک کردارینی تزیین ایتیم سید کندوسی
تقریر و فرق یدی لفظنی تاریخ ایدوب	بوقطعه یدی دیندر	
مهندس طرح ایدو رسمن بهای ش ابادک	یا بلنس سعد سعده بناسی چون تمام نش	
کوبه کاتبی اتامنی مسرور اولدو اولد	حسب ایتدی که تاریخ تقریر و فرق یدی نش	
بعده صاحب قران سلطان سلیمان خان	بنای برای جود طهماسی ویرا ایلگون	
دفعه ثانیه ده قصد ایران و توران	ایده کی ایاده بری ریش برینه دریا	
هنده قبودان اولو کیتد که نسیم مرام	ورجاسی مقتضای هوا سنج ایتیم باد	
مخالف و ریاح صفاک باد بان	تقدیر کشتی تصویر و تدبیرین صحت خلاف	
بسیار ایتیم صفاک صفاک بر فوای	بحری الریاح بالاشتی السفن خواه و ناخواه	
نیجه بیت و ورطه ایدمکت کجواته	دوشوب سلطان البر و البره جانب بردن کلک لازم	
کلده که بکراته جوقب کند و به موافق	اولای ایدو سندن و مند و از زبانی	
و خا سلا و لایتلرینی حسیا ایتیم	اون کز پادشاه تحت تشنگ عبودیت سید	
خدمت سلطان شاه نشانه یعنی که	مورث مال اورنگ سلیمان یوز سوز و حضور	
حضور حضرت سلطان سلیمان خان	کلده که اول لاطین کاکار و خواقین ذوی	
الاقدر که خرافت و شفا عیله	مزبور ریاض امان اطراف لطف و نوالید	
مزهر و منقر ایتد که صکره یوز لای	اقی متفرقه لک ایلدق عدا حسیا ایتیم ذوی	
اشاده امر نادری حق ایل صوفی	تکل نفس ذائق الموت سع جانده و اوارا	

کلی من علیها فان در یکجه چنانچه ایریشیوب صرصر اجل مهلت و اول و میویب سستی بد
 حاصل وجوده ایکن روزگار مخالف لنگر حیاتن اوب عثمان سیران فنا نامه
 صالحیه اول سفر و سیاهمنده جوق بلا و خشت حکمش در سرگذشتن و سپهر کوه
 دشتن بر کتاب اید و ای ف جناب فلک قباب بخیزد علم صبا و میننده در حیض
 قدر و مهارت و ار در اسطرلاب و ربع نجیب و معنظرات و معدن ذات الکرسی عالمانده
 ترکی برین مقاله اوزره مرات کاینجا اولو بر سنالسی و ار در اول فنده قدرت و
 استطاعتی ذکر اولنن رساله دن معلوم و مفهوم اولور بوبر ایکی ایسات و
 اشعار اول شاعر غلبت اشعار اول سیاح فلک ننگ گفتار نذر

دستم الله بکدر دست بر بالای دست	دست خون بود کز ایندی بچهره خانی
دمیدر صون لنگر جامن بغایت دردناکم	خداک غزوه مشکله ساقی سینه جاکم بن
مزارم اوزره بگون اوزره فراک اهل اکم	پلنده اولدو کوم انظر دم دلبرک اما
خوزه ایل نعد اشکلی انک دری دکل	مهری کوه کله اول منک چون بری دکل
شیرین آدینی الگه اول انگاری دکل	چرخسوزمانیه فرما ددر کوکل
میخانه بجهه اکه مساوی بری دکل	طعن ایندی و کسنی غافقه مسجدده و غنک
داینسوز پدنه زاهد بزم الکره اولدر	نور بزم ایسک یارین شفا عفو الهز و ار

کاتبی اول ذات مکارم سن قدوه اهل ذکا و طنک نام نایسی حسن و حدیث
 مکارم اخلاص صحیح و حسن میان احاد نامده اخبار مرام بجهه و قیاسی مروی
 و معنی کردن دل جانی قلاید فراید معارف لزمین و امثال و اقواله تعالی و تنوق
 نور افتاب عالمات کبی کسوس و معین در حرم سراسی سلطانیده کشیده بالا و بوسان
 خدمت خاقانیده نشوونما بولد قدن کره طشره مقوب کاتب دیوان اوغز عنوان
 بولوب ملو انشال صبا نام نشان اولدر بوزمانده نهال گمانی رسیده اول

رؤس کتابدن و دفتر بلغاده قیدی موجود اولا سرمد از با خط اندرون کتایبده
 قلم مثال بهر و قلم و جهانده عدیل و نظیری نادر اوغز حالار شمس الکتب سلطی ننگ
 نایبی و جلال ایلد قیق امور خاقان ننگ کاتبی در نظم اشعار ابداره
 اقتداری و اردور بوبر ایکی اشعار انک گفتار نذر

جهانه کلکه عشق اولدی باعث	بنم فرمادله مجنوننه تاملت
یولکده کاتبی خوج ایندی وارین	غنن بییه مکر اولد کده وارث
کوکلی مراتینه قوناسون دیو کورد ملال	مسویر ایکی کوزم یولوکه مانند سحاب
نازیده یمن سیرینه غزم ایته خزان	صنغ طوره تاسرو و منور بر طوره دیوان
دور رو نگده چمندن بو سوغنی دل فرمان	سرو کبی بای بند لاله و ش بفرنده دلین
راه سچایچ زلفنده قالوردی خشنه دل	شمع روی لیلک تار ابره طو ناسه چران
چون هوا عشق دوشد کوکلک ای کاتبی	نه تاشای غنن قیل نه هوای بانه ورنه
طیپ جان و دلم چاکن در کرم سوز اهلان	پایون خاکسره اولدی رشته و نحو اولد سوز اهلان

کامی افندی نامی محمد در باباسی صاحب عرفان مرادیه ادرنده مثنوی خوان اولغین
 کند و لری مثنوی خوان اولدی و یکله مود و خلق جهان ایشید طریق علی عازم اولدی
 استاد و استاد الانام شیخ الاسلام مفتی الانام مولانا ابوسعود الهامد علیه
 رحمة الملک الهامد حضرت لرنیک خوان فضل بیکر اننه نامهم اولو سوزده نواید و فوایدینه
 خادم اولغین خدمت شرفیندن ملازم اولمشدر بعده سالک حکمت تدریس اولوب
 الی افچه ایلد و ار کسطنطنیه السیه قسطنطنیه محیه ده مصطفی پاشا مدرسه مدرس
 اولو شیخ بدت اولدر کرده ایچ اید و اولدرجه دن پاییه اخوی بیلی و بیلی
 اقرانی کند و دن تنوق اتمشید هزار خشت و الام ایله نامید و ناکام ایکن انصاف
 جناب جلالت انصاف کاتب اولو صا قران زما روح سلطی خان رفو کد سفارش

بضایح و بدایح مجید و معالیه مستحسن و عنوان دل جانی انواع و اصناف لطیف
 مرقوم ایذو لازمند کند و مدرسه لرزان بزمی است ایگله خاطر خرونی فرم
 خندان ایذوینه زمان غیر مدیده دره لطف بصری تشبیه و مقدمات اول جمله
 شکت و رافتنی تاگید ایذو دفعه دار انفرادی قضایای تعلیمی ایگله بوده
 صاحب قران زما فرمانده زمین و زما سلطان خاگله صفحه دل و جانی کل من
 علیها فان رقیب ایله رقوم و دیباچه ای و جلالتی ملک الایام نذ اولها بین الناس
 سلطوره رسوم اولو اول شاهه جل محل محاصره سکتوار ایکن محاصر کج اولو
 اوزک سلیمان بن امیر جناب سجا اول شاهه سلیم الطبعه سلیم ایگله اول شاهه سعادت
 نون متوجه اردوی ایا یون اولو برایکی کون شد اوردینه بی شرف نزول بورد
 بعض اصحاب و لنگ زبوره غرضی اوغین رعایا ننگ اندن سکایتی وارد بورد
 ایگله دریلر بعد اول و ارث تمام کج و کت سلیمان اول و ارای بر سلیمان
 سلیم خان ثانی خد متلنگ زمان دو و کار اینلر نده جزیره قبرس فتح اولو
 قضا جزیره مع توابعها الجزیره اول جناب صاحب جزیره تعلیم اوغین لکن اول
 متوله بلا سیرتلا اولعدن معصود اصلی و بوکونه قضایا رعایا ویر کدن مراد کلی نوره
 فاقه اضطرار ندن بر بقدر ارض اولو اکتب غنا و یار و تحفیل در اتم و
 اما بر فوای ماکل مایمتی المراد بیدر که نثر اول حسنی دخی حال اولیو جزیره جزیره
 رعایا و بر ای صغیر و کبیر و ضعیف و تواناسی طوره تمشیر غزاه و بجاهدین
 و لغت حاصم حاه جاه و دین اولو بقعه آتیه اولو مؤف و ملو فردنی
 نوره طوب و تفنگ و صدیه تیر و ذنگ و رعایا برق تیغ بی درنگ نجر
 زبان حیران و دنگ اولو حرات و ذراعت قدر و استطاعتی اوغین
 جزیره مذکوره برایکی سال قلب از با کمال کبی برین اولو اطراف مالک

اسلام دن رعایا سورگه فی اجماع مقرر و ابادان اوغینک مدده و مدید قضا بورد
 مکنه اقتدار لری اوغین ناکام و ناکار بومی طغیان ایله تقاعد اختیار
 ایشید سست و ثمانین و ستماییده ساتی اجل و دستکافی صیابینه سوزن
 الودعما صونوب صدمه حماد بنا کلام و مرانی مکت اندام طویجی نذ و
 بر فتوحی بالافره سبزه زار عالم بقایه خرام ایلی صفا کج حبه جنان و روق
 دل جان و دریجه اذان طابن عرفانی مشاعل مقرر کج ایله منور و دماغ
 سگان صومعه جها و قطان قبه زمین و زما رواج مغنکین فواج کج ایگله
 ایکن شواهد بلا کسرت نذر انشا ایله دخی زمانده کلی عنوانی و میان خلق
 خیل نام و نشانی و ارایدی صاحب قران زما مرحوم سلطان سلیمان خان امام غزاه
 حضرت نیک کیمیای سعادت نام کتابی تریجه ایگله فرمایا بورد بوردی بر مقدار برین
 شریفه و استعداد بلغیه لطیفه ایله ترجمه ایذو لکن تمامه ایام معتمد و مساعد
 در انوش شاه مراد سعادت اولیوب موانع و عوائق و بوائق علیاتی اول ترتیب
 ترکیب اوزره اختتام مانع و عائق اولدی بعده تواریخ سلطین و علمای روم
 تألیفه شروع ایشیدی انک دخی اتمامی معلوم دکل در بو اشعار انک

اومده که عرض جمال ایلی دفع ایذو بورد	گشدر اول قمری یاقه سی اگا مطلع
بوسن خطله یا قوت لبلر کدر ایکن	آلتر اشغله استخوانی مقطع
شرابی از دیوساتی تعقل ایله کم	ایاغی صون الویه کل داخل بنفع
میل ایشیم اوله بهاده حذف کبی	دزدانی اوله کوز یا شن الم صدق
الذکفنده کی برایکی بوله زار اولو	حوص ایشید بوره کی قیز در دلف کبی
بلا عشتی کل ای عند لب سولیشلم	که مشکلا سوال و جوابه اچلور
کوردی طلمی بحر روی صبح معصود	شودیده کم کج لر ترک خوابه اچلور

توت او جز نارا آمدن دیار یاره بزم بهج	حجت نامی المیوتوب کبوتر واره یار
تاشاسینه طویا یوسا میدو صلت ایکن	خیال یار اکرامی دل اواره می یارب
ایسرو نازلاد خدایه و بهاری سکنک	بن عندیب زار و کم کلیداری سکنک

رستم زما و میشد سکندر نشان صبا قرآن دورا مرحوم سلطان سلیمان خان وزیر
اعظم رستم پاشای غزال سید که نضکره نینه وزیر اعظم سید که بوتاریخی کور و منقوط
و غیر منقوطه سی مستقلا تاریخ اولورد میشد در عصر سب رام رستم ثانی
کامی کامل عالم ربانی مظهر جمال کمال یزدانی سرد فر صوفیان صوفی خاک نور
بخش مجاوران قبه اقلان نقشبند عالم تقوی و صلاح و زین صفا رشاد و صلاح
در دریای کمال اولاد شیخ جمال خدیو نیک برادر زاده می و استی سعاد
اشیا ننده خانواده سید در خدمت شریعت سیدالانامه ایکن سینه اشیا نین و
و سحایه ده ترک منزل نفا اید و کوشه بقاده حلقم و آرام المیشدر مرحوم سی علی نیک
خدمت بر حجت فرالردن ملازم اولاد کامرو اولاد قنده یوسف زینحانی نظم المیشدر
لکن اول کتاب صفا بر فوای اباده ایادی سب کوی چو کمان دیور و صبا اولاد شال و در
الطیر هوایه تیران اولاد وجود اجراء ندان نام و نشان بو قدر بو اشعار انکدر
کریم اولاد کوزل اول سرور فر از کبی
 کوزل اولدر که تو نگه اولد شهبازی عشق دستار نینی نمیدی کم او قور کم دگر بنده خلقه بگویم دیو یار ایتدی کر بنی اولدر دلقاق که قلام حکم |

کرامی نامی عبد الرحیم در قضا یا فضل و کمالک اسماعیل و اعی اولاد والد بزرگوار حضرت
برادر کدر یدر کرام حروف و در تک عمی در والد علی آلتان حضرت نیک بر بر
مرتب اولاد خدمت بر نمیشد زنده دامن در میان اولاد تحصیل انوائ فضایل و عرفان
ایتمید و بکت تعلیم و ارشاد ایل علوم عقلیه و نقلیه ده فایق الاقران و قوه

کبیری
روم امده اهل حسن و صاحب معرفت
عظایر با بزرگوار زنده کبیر و زنده
فوت اولدی اکره فن شعر ایکن
و طرز و روش خوب بیوردی ایکن
طد خدمت صنایع شعریه بی از بیوردی
بو شعر نفس بر و اختراع زاده طبع
ایبداع و ایجاد و اختراع زاده طبع
خاصیدر ختمیله طبع و صاحب طبع
ای دل کامی با کامی انی بلندی
مرحوم زید بر عصر زنده اولاد زین
کوزه کوراد شهر و معاصیر
مکور کور و بر زردی مرحوم کاتب
و وجود و بر زردی و کاتب
شرفی بو طبقه می خنده و کاتب
کبیر کوران سنده همین تعداد ایکن
تعداد و بر عدد کاتب و صاحب طبع
تعداد و بر عدد کاتب و صاحب طبع

علم المؤلف

مباحثه و مناظره ده مشارالیه البت اولمشید طریق علم سلوک اید و ذات ارجمندی
دانمشد اولد قده نهال وجود بر انضالی باغبان کمال اولد بوستان خدمت
دکله دل و جان ایلد چالشور و عثره وجود فضایل بهره سی نوباره بانگ کمال
اولمغلاصحا مدارسه رغبت و منافه اید بری بردن قابشور ایددی بو حلاله شیخ
الاسلام مفتی الانام مولانا و استادنا ابو سعید اسکندر الله فی دار الخلود
خدمت نیک محراب عبودیتینده دایم اکر کوع و التمجید ایکن بعضی اوصاف و اطوار
برنجیده اولور مرغ بال ذی بانی اشیا نستانه لوندن رسیده اولد قده برود
قاضیسی ایکن مولانا عبدالباقی آقندی خدمتند عازم اولد اولادن ملازم
اولمشدر ذات فایقنه شایسته و لایق اولاد ایدیکه سالک سالک بزرگ
اولمغلاصحا مناصب مطالبه و صل و اقدام اقدام رفعت و عزت نایل اولدکن
ادرنده حسیه مدرسسی ایکن قوت باصره لرینه ضعف و فتور عارض و طراس
اولمغلاصحا مایل اولمشید نیچ زمان و روم ایلنده قاضی و حاکم و امواج بحار
کرمی اولاد یارده سلاطین و متراکم اولد قدن کوره والد علی آلتان انا طوبی
قاضی عسکری اولد قدرده قضا حاکم اول ذات الحیا نیک محاسنی اولمشید بفرده
قاضی ایکن سینه اشیا نین و عثمانیه و سحایه ده آن اینیا ایا بهم مجتهد اوزر نه نعم
اباد دار السلامه حور معصوم فی انجیم ایلد تنعیم جاودگی نایل اولد بو مضمیق
حسنت و تباهی دن سمت رحمت نامتناهی به و آل اولدی صفا که مرحوم مرحوم
انوائ معارف و فضایل ایلد صوفی و موسوم ذات بر صراعی اخلاق کرامی ایل
متعلق اولمغلاصحا قضاة روم اولد اولد انشال و اقوانی میبانشده سر و کبی بر افراز
و طایفه قضاة استود و صفا ار سنده مانند شهباز جمله دن ممتاز و بلند بر و از
ایدی طبع دراک و ذهن تابناکی بر مرتبه ده چابک و چاکا ایدیکه ایام قضاة

مباحثه

که حکام متارکه افاده و استفاده در هر محل که طبع کمال و عقل اوله عرض اوله
 بعنایه الله تعالی و هدایت اول مجله تحریر و تقریر اولن ان اصول و اجوبه
 غیر و نظیر بیاد و مسامت ایدرد و زمانه صفت عالی منجبت سخا و ایلاکانه
 او بوفای صفت نوالده ابرین مطر و ابل و اساله و اجراء مکرمت و فضالده
 بحر سائل ندادت ابرند او رشی سخا سخا سخا از بار جا و سوال اصداف مثال
 جو اهر و لال ایله مصلح و مال مال اولورد و کهر کهر دستکدن غنچه کلکتان
 کی دمان کشتی کشاده ایده سخا کف در پاشی صیب و دامانی شبنم کیمی پریم
 قلمورد کلکتان جهانده ابناء زماندن بخلق عالیت نایله سرو عنان کیمی سرآمد
 بالا ایدیکه جمله عباد اللهی ایت و شفقندن اهل و عیال و اقارب و خویشانی کیمی
 بلوب انکر کس جانی دل و جان یله خوانان او تو ایت و سرور لایله غنچه کیمی
 خندان و الام و اغنیای ایله غم مثال کریان اولورد و یارانک منظر از نظر
 حاله سنی عنایت و اتمای قادر اولدی متقاطر و باران او تو شمع مثال
 خلق عالم ایچون یا نریا قلمورد بو جلدن نظم شعر اید شہرت شعرا شعرا
 نامدار اولوب اشوعه معنی لطیفه و نکات دقیقه و باروقه و خیالیه رشقه و سخا
 کلامت بلا سماندن انوار خورشید نزاری ضیاء کواکب شبتاری کیمی و اضلال
 پیدا و شعاع لطف و ملامت و انباء غت و قصا انفا فیض و عبارات بلیفه سندن
 مانند نورد کالای و هویدا در نته کم ایراد اولنان کلمات باسدادی طبعی
 مزبورہ شاهد صادق ایدوکی نور افشا عالم کتاب کیمی لامع و بارق

فلک حاله ای خواجہ نظر قلزم سین	چرخه اطلس نفاش ایدو کیمی بلزم سین
چرخه طایفه ہر نقد را ستوار ایدم	بیرک افندی اتی و دارا اوستی وار ایدم
اونجه یاد ہم کشته عشقک دعا لردن	الکدن کلدوکی خیزی درین ایتہ کلدردن

دیر مز صحنکوز اول مہر بہان ارایمی
 دام نظره دوشک اگر چه نجیہ لبر
 کعبہ کو یک کلکسون دیو یاران صفت
 باکہ جہا کر کمر اولعل روان کرک
 دیدم ای تشنیم لعل لب خند انگه
 مرصبا ایتہ سگ ایتہ عاشق دیدار اید
 غم ایدر لر مش بنی بوانشک کو ہر پاشل
 شہد لبوک دیدم ای شوخ دل بسند
 عبرت الہ بوجہ غمگرا کو دوعالم بنی
 غم عشقکل بر شوریدہ حال و سینہ چاکر بز
 بز ی بردن کوردوکی بود کوردو کارای
 تجلی ایدہ انوار جنک خانہ دلده
 وصالک تبسمیون ایتہ اغیار ایتدو کن بارہ
 سلا یا قدسین ایتہ کرامی ارزو ہرگز

بکزر اغزوم دیوانہ نونہ المز رانی
 کو کلم سنی طو تندی بنم ای روح مصور
 قوم سیر قاپو کو وارد قیاسک باد صبا
 اول کیشی یہ جان کرک اندن جہان کرک
 دیدی ای یوانہ مشرب صوصد کیمی قانکہ
 تک ابراقہ در صبا ایتہ دستم اغیار اید
 پادشام باکہ ظلم ایتہ شیل یا سشل
 پاک اول عقیدہ سی دل بغلزدی قمشد
 اہ کیم عبرت غم عالم ایتدی غم بنی
 بز م عیب ایتہ اہ غم فز امر دردنا کر بز
 غبار اولد و غمزد در یوکہ چو نہ خاکر بز
 جہان الا شندن لغت عشقکل باکر بز
 اوللک اولد غم کسہ مہر اگر ہلا کر بز
 غم ابا ایچہ برتر دامن و برینہ چاکر بز

کشتی و یا کرمیاندہ کدوس نام فقیدن کشف مثال باش جو شہر حسینگ برادری در
 زنجی صبا دیوان ملک بل نعلک تسرو حاقی و بوزمرہ تک صبا نام و نفا کچر ساکن ایسا
 و نفا رند او الا نظار کوزینہ طقونور و مجالس شعرا و طرفادہ و قنور کیمی بوقدر سلطان
 خان جامع یا یلدقہ اول بخوری اولان مزبور او بوی بعضی ایتہ قنای ایتدو بز بخوانکر

دل رقیبیدہ کو دوس سن صنی اہ دیدی	برج عقربہ بینہ سیر ایدر اول ماہ دیدی
باہ کلشنده کو دوق مسک کفتار و کئی شرم	بر ایایہ اوزرہ طور و باہ کلک ایتدو
کشف ادرہ دندر مقماد ایتدو کد طریقہ ساک او تو کن رو دل و جانند کجاب سلا	

ص

کتاب مرغ و انوار علم و فائده تراکم ظلام جهل و پایان تقدیر ملک علم و معارف
منکشف و منفتح او یعنی راه و قلم کتبات او شنید حال کلمات اما و اما فی حقیقت
اوزره اولو متصرف منصب امارت در بوشعارانک گفتار نذر

کج باقدی بقر کوزینه سن کعبه جهانک
ای ششام سیده کورین دکل حبیب
یوزنی سوزد دایم ساعد سمنگ

کال زرد ولایت انا طویل بر غم نام قدیدر فاجح قطن طینه مرحوم سلطان محمد قاند
وزیری اولی سردفتر اصحاب بلاغت و انش و وزیر خرد مستشرق محمود پاشانک
نظر کیمیا اثر لرله زرد وجود نامدار کمال العیار اولو سبک معارف و کمال
شکوه قبولی اعتبار اولو شید مولانا مزبور کفضل و کمالی سیم رشک عاشق
بر ملال کی موفور اوغین وزیر مزبور که عثمان سرانیده خواجگه خدمت میل
مانور اولو شید وزیر سفور عازم سرای سردر اولو قدده ادره فربنده
خاص کوی نام قصبه بنا ایتدو کی مدرسه علم و کماله اشتغال
اوزره لیکن مدارس اعلی ده طوائف کردین ایله فنون استیجی تکرار و مجلس
عالم بقلا ده فرقه قدسیان ایله ساریل محمد ملک مجیدی تذکار ایتدو رحلت
ایلدی روی زرد مانند زر صفرا ناصح اولو موضوع کلام مرتب نظام
صفراء فایق اوغین لقب سطور ایله شایع اولو شنیدی زمانه شنیده شعری کمال
بولوب منظور نظر ارباب کمال اولو شنید بو برایکی اشعارانک گفتار نذر

بلبلک فریاد ضد گد نذر رکدن کل
سینه بی بیکان تیرک چون کلوب ایتدی کدر
قلدی شنید او کلمی اول حشمتی شهلا لر نیم

عاشقک افغانی لعلک نذر رکدن کل
بن دیدم کیندی کی جانان دیدی کو کلدن کل
ایستدینغا صبر می زلف سمن لر نیم

باده و محبوب عشق اهلینه لایق در دیدم
ای کاش بونن یو لکه خاک قدم اولوس
ابرو لک کمانه بینی ییپ قور دیلر
توما دیلر صنوبری یا نیکی صیالنه

کالی نامی اسمعیل در سنده و ازاده سیانده دفتر دار زاده دیکله شهوار اولو
حسنه و اوصاف حسنه ایله مذکور اولدو غنندن غیر نزهت اباد قلب پر
انواع معارف و کماله محمور و صالح پرفضالی منصب غلام کمال اولو خرد و فن
لمطور در علوم عربیه و فنون ادبیه ده راسخ و کلام و معارف کلیه و صنایع
جزئییه ده عدیل و نظیری نادر در شنوی دانلق ایله شهره وها اوغین کمالی
شنوی ایله خلق جهان سود مند ایدر لر اید سود ایله بال پر کالندن ارزوی ده
جلا دافع اولو بر مقدار جوالی ایله صابر و قانع اولو شدر ابتدا ایزد فریشدن بوز
کلیه اولو حوادث و وقایع جامع تواریخ بر کتابت و نافع تألیفنه شروع ایتدو
استماع اولو نور لکن اول بدر لامع هنوز قام اولو شایع اولو شدر اهد در که
اتما میل موفق اولو بودنی در یای عدم نامیوب سایر اعداء ملحق اولوس بو اشعارانک در

کالی کلیسونا نام قصبه بنا مند رک کالی بعضی امرایه بنادم و مصفا و کالی بعضی قضایه کاتبان
ترک سود امرات و صبا ایتدیند کالی کل کالندن بوی لطف فایح ایدو کی بوی مطهر شهوار
ظاهر و لایح در سکا او کیمکه جانا صمک جانغی وار یا سنی و یوب انکا طابینک ایله
کنایه دوا ایزاصحاب کالاه مدار و دار القوار شوار ابل عت اشعار اولو لایح

ناهی حسین در صیر تنیک برادری اولو سینه جا گل خد متنده جایک و جلاک
شاکر دخی منظور نظر اعتبار و اختصاصی اولو خرد معارف و لطایفندن بهره دار
اولو زمانه خلی اعتبار بوشید مانند انار هر بار کشت کوه و د ایدو

عاشقک افغانی لعلک نذر رکدن کل
بن دیدم کیندی کی جانان دیدی کو کلدن کل
ایستدینغا صبر می زلف سمن لر نیم

خانقاه دینا که گاه بقادک در دیو باد صبا کی بر بردن گن و از آنجا که گاه است
 سماء و صفا ای که تحصیل سوز و کد از و گاه قافله تو کل و زاد فخر ای که از این
 اشعار معنی دار و سوزناک و الفاظ و اداسی بی یا که در بوستان فروردین
 پشمی مهر کلام میدان انگ بود کی اول قاشی تو ندر انگ بود کی
 سیک جبرلی بود که منت فناده مست بی افزین ای هر صه گاه لا مکانک بود کی
 خضر و عیسی کی بی جاک در سبک روح اول منظر ملک دکل اوسق زمینید زمانک بود کی
 ای کوکل جالاک اسبک صبا نظر قل از در غم ایدر تمانه دک اب روانک بود کی
 ای کنایه عرصه نظایر پرواز لیت بود کی کیم کندر طبع اسبک سن و بهنگ بود کی
 خاطر قاتر را تم کج و فضا و ظاهر اول بود که اگر چه شاعر فروردین کند طبع
 مضار بلا غنچه طایر قصبه سبق اولو میدان المذر و عرصه گاه فصاحه گاه شاعر
 غلت سماء آینه شاد در لکن بو طبع خوشتره لایق و بیت ثانی مدح رسول یزدان اول
 سایر ابیات موافق دکل در بو اشعار دینی فروردین گفتار ندر

دکل اواده سر و من سیم و مهر و رنگ	قبر من صبت و جوینده ای اغی جام کلونک
تبع سر نیز که یاز و سینه می بجان در	خضر در ظلمتده کو یا صیحه حیوان در
کنایه گاه ابروسین او کرسین که زخدا نک	سخن میدانک شدی انده طوب و چو کانی

کوه ای و لای انا طو لید کیوه نام قصبه ندر افق رسلین ال عثمان کاسر تاج
 شامان ایران و توران نیش تره پیمان نوش ترغیب نمشین و ادر از فیض انعمان
 اغراض صیت ساه قرین ای سلطه سلیم خان باضی مانده جمله عا که بر آردن زمره
 ارباب تیماردن آید اول شاه قریح انعامک نام بر احترامه کنز البیان نام بر کتاب دیوب
 کنز ابیاتده ایراد فخر و امتالی التزام ایشدر بو ابیات اول کتابدند رشید نامه گوای
 بولور اتید و کن اول کم بنگر که او اولد و در سورر شد اوشه طوغری سوز ای کون درون

توسنگ غم کل طغوز شهرن اگر کمال الهه کم منصب قرانه کیر و غلی و آن غلی قرانه
 اولور نور اولور کر صبی اونته کم اولان دولت مقابره کلجک بعد عا کلونک
 دعا لن او زاده و مرصبا دن اونته کم کو غری لطافتد باب خوشکو آر مثال کو تر
 دیو آدوم و صال کبی جان پرور محل و معر سلطین عدا کستر اولان دار سلطینه
 العینه قسطنطنیه فتحه زندر ساقی و کوثر علی مرتضای ابراهیم اوله مخلص فروردین
 احترام بلشید شایسته سر بر باد ای سلطان عدالت دستکامی خدمتنده باش
 جان ویر بکله مغر و مباحی اولان سینا هی زمره سندندر بو شاعر انکدر

چقر مشن باشی بقاعه غنچه جابه خوابند	بمان در بینه قالمش لعلی کورشن جان بند
بار عشقه ضرر عشقک اخرا چندن	اغمر ایکی کوزم صالی یوک با چندن
سیر بند قفایلدوم بودر کم	کون تیری اوته سینک او چندن

کیفی رأیت وجود اما سیه سنجاندن خافق او پویای سیه کانت مساک طریقی
 ایشیدی اخردل بیماریه چاره تیمارد در دیوبض امر ای نامدارک دار اشفا
 جای کبر او بخود در دردی بر بقدر علاج پذیر او نشید اجزاء خیا لاندن حاصل اولان
 نسخه کلام و چون بقای کیفیت حالتدن عاطل و ضالی دکل در بو شاعر انکدر
 او یار خوابه وار مش چشم پر شمی خوب فاسن او یور شهباز و شیدر قنادینه خوب
 یوز جویر ناصح بلایه روی خوب دن وجهی یوق یوز سو یوبن کوزم خوب دن

وقف السلام لانی ولایه صکار خاندن زمره قضاة جلیل العنوا ندر
 علمای روم جامع الفضائل والعلوم حائز کمال انسانیه فایز عنایا سببیه
 مرات جمال با کمال حسنوا الحنی و زیاده مرحوم و منوره کمال باشا زاده دن ملازم
 اولو نیزه کتابت فتوی ایات ساسیما لرنده خادم بعدة بن بوقصیایه قاضی و حاکم المذر
 قلعه قصبه ایشوهر دم ایکن عاشقک بکلن یا غنی یوز صوبی ایل جنک

بو شاعر انکدر

ضیاء فزده فکرات و صف داننده دلدار لای تا کنگ او در کوه هر مکنون
 لطفی کبار افاضل و مد جامع الفنون و علوم نظیر و عدلی مانند عنقا معدوم
 موسوم او پو حساب رسایل شریفه و مؤلف مصنفات لطیفه و جنات علوم و
 فضایل انامل در ریضائیل ایزال و غواشی اید و کتب معتبره به تعلیقات
 حواشی ایدن مولانا لطفی در که آوازه فضل و عرفا قبه زمین وزمانی بر
 و لوله کوس نام و نشانی عرصه گاه جهان و ایوان کیوانی پر غوغا اید و برق
 کلامی ابصار اصی انظار طاف اولاد و غنیدن غیر علی و فضلا و امر او در
 هیبت سلطنتدن سمناک خلیف ایدی مواعظ و نصایح مستفان اید اکابر و پادشاهان
 زمانه زبان طبعی در از ایتد و کندن هر بر بنگ اسلام انتقامی حرکت و ایتزاز
 اوزره اولو متر صد نکبتی و مترقب زلت و ذلتی اولور ایدی جمله دن اول
 زمانه اول اصحاب فضل و عرفانک مقتدا و طایفه شریفه ارباب تحقیق و اتقانک
 مقدم و پیشوا سی جامع انواع معانی و انضال خطیب منبر فضل و کمال اولاد مرحوم
 خطیب زاده نک حاشیه بجز بید شریفه تا ایتد و کی حاشیه سن تزییف ایتد کله
 مقید اولاد و غنیدن خاطر شریفی متا لم و مضطرب و کان در و ننده ایش کینه و
 انتقام مضطرب و ملتب اولمشید و اول مانک علی سندن مندر عرب اید سلطان جهان
 شاه درویش نشان قربی العالی مقوی الضعفا مرحوم سلطان بایزید خان حضور زنده
 بخت نواقض و ضودن ساهته ایتد کده ذکر بی تیج بعض کلمات شنیع و وقیح اید
 مزبور اطلال ان ایتد و کندن شاه جهانک مرآت قلب صیغاسی بر عقده رکود
 و پیر شمه خاطر عا طری نبار کدور اید فی اجماع معتبر اولمشید صلی بر پانه اید
 شاه جهان مقربان سلطنت و مدبران مملکت اتفاق اید و منلا و مزبور نظر اید
 افضل او پو طریق توفیق ضلالت و دایم عالی خلقی افساد و اسلالت در دیو

نقبتی

نقبتی فرمان ایتد و کلزنده مزبور دن بخجیده و دست و زبانند الم کشیده
 چشیده اولاد بعض اصحاب بعض وعدا حاشا اول صاحب فضل و عرفانندن
 موجب بعض اقوال و افعال شاهده و معاینه ایتد کدیو عرض شهادت ایتد کله
 علمای زمانه سی اقتضای ایتد قتلند جرأت اید و منلای مزبوری نایل سعادت شهادت
 ایتد بکر و تقدمت شهید اتاریخی اولمشدر مرحوم مر قونک مولای شهید ستوده
 بلده توفیق در سنان باد علوم الیه و فنون عالیة تحصیل ایتد کدن کره مرحوم
 علی قوشچی عجم کله کده تلمیذ خاصی اولو علوم ریاضیه بی درخی تکمیل ایتد
 مدارس عیدیده ده افاده علوم ایتد کدن کره صحنه بعده مرادیه بر سوده
 مدرس و لغوی بنای سرانی فضلی مشید و مؤسس اولمشدر منلای مزبور کاد ضیاء
 اطوار تکلف و تصفدن لم و عار هر کس اید طایبه و ملطفه و مجازده و حیوان
 اوزره لا ابا مشرب اولاد و غنیدن حاشا بی دین و واسع المذهب صاب نور ایدی
 اول شیر دلیری مقید زنجیر اید و مانند یوسف اول ذات فضایل مشحونی مجبوس
 مسجون ایتد کلزنده سلطان بایزیده کوندر دو کی ایتد ندر
 اولدر پنج مهر و وفا ایزین دیش کر ایلر بی مهر و وفا اولد و ک بی
 وزیر اعظم اولان ایر اهریم پاشا به کوندر دو کی ایتد لطفت سمان ندر
 ای مروت معدنی لطفا سی سلطان علم
 دامن یوسف کبکی چاک اولاد ذیل عصمت
 وی با این جد و زوال عتیق ممد
 خصم بی انصاف دندان ال کریم ممد
 علی قوشچی مرحوم اید دیار عجم بید کل منلای مزبور بی شرط واقف اوزره مر ق
 اچ اید اولاد دار حدیثی او تو ز اچ اید ویر کلزنده منلای مزبور دیشدر
 ای هر عجب صادت در کم حدت ایتد ک
 بنیادینی بقدرک همه ملک عیبت ایتد ک
 بردهری بهیر او چون دار حدتیک
 نقض ایلوبین اوننی دار حدت ایتد ک

آتش اوزره صا که عنبر کاکل مشکین دست	یا قدی جان بزمنده بخر کاکل مشکین دست
دوزد داد ز بر خط عنبر سالی	چکدی عباسی علم کاکل مشکین دست
کویا حال پریشام انگلش دبرک	رحم ایدوب کوشنه سولر کاکل مشکین دست
ثابت اولک خطک جونکم مزدور حقی	سعی ایدو تزویرن اورتر کاکل مشکین دست
طوتد و چون مصر حشک شکرین فرعون خط	سید عرق اولش سر اسر کاکل مشکین دست

لایحی نامی مصطفی در روم ایلمده سردرد یکله مذکور اول شهر مشهور دندرسولک
 طریق علمده نهم مهورداوزره بذل جهودا بیتدکدن صکره نساجد بات کلشنیده
 جانده برسیم ایریکله سفردیا مصره تقیم ایدو سینه بالینی غبار رجاء جاه و بلاد
 پاک و جوهه ضمیرین کدور اعلاقی و لوائقدن اتاریجا هدا و انوار تجلیات
 ایل تابناک ایتمک رجاسیله نیمه زمان خدمت استان کلشنیده معقم اولوگاه اوراق
 بارکی کلستان استاننده دوکلور صاجلورد و کاهیی غنچه کیبی رشحات کتاب
 شوق و انجذاب کلوب جلود و کاه خزان دیده برک هینا کیبی جامه و دستار
 عاری اولورد و کاهیی دیده غمدیده سندن تراشمال مقاطر اولان اشک
 و شریک مت ایل مصر کیبی جاری اولوردی بعد شهر استنبوله بعبوله افتقا و
 نیمه زمان سر و مثال باغ عالمن دامن کشان و کاشانه قن غمده در دل دوز
 کشان اولشید صاحب قران عالم مرحوم سلطان سیل خانه وزیر اعظم اولان علی
 مزبوره سالتام و انجذاب بالاکلامی المؤمن منزل مقامی مرصه فاض و عام اولان
 اتقا عالسید جنابی مزدم شیخ و شار اولعل صیدعالیجا اولشید خلقک
 مزبوره فاعقل ایل اعتقاد و ار ایدی الله تعالی علم رتبه نظم و شعوی
 سافل و درجه اعتبار از با نظر ردن ساقط و نازل در بوشو انکدر
 قوی فیضک ایرر بار کاهدر آیشیکک شورم که فلک مهر و ماهدر آیشیکک

طریق کعبه تحقیقه رهروان اولنه	جناب حضرت برشاهر اهدر آیشیکک
قیلگدن اوزکه اولوردی بولایحی یسند	تزییب و بی کس اولانه پناهدر آیشیکک
دیلمک لازم دکل نعل و الفکر کدوکم باره	زبان حاله سولر انرا اجوب قویا به

لیطی مولدی قسطونیدر اوایل حالنده تحصیل علمه اشتغال ایشیدی بعدیه قرآن
 ایدو بعضی علمایر جلیده کتاتب ایل کسب تعیشیت قلمشید حاله استنبوله بیر
 یتز قاضی مثال کمان ایکی بولکلش شجره صیابی برکت بار اولو صوش و قد و
 سلام مرک و پیام اجل المغنچون منحنی اولشدر زماننده شووات ایل شهرت
 بولوت تذکره الشعرا تحریر و املا ایتمک زقنه مبتلا اولشدر متبع اصبار شونده
 لوازم و مهام کاری مرعی اتمد و کندن غیری حلا و عبارات و لطافت استعار
 بری خاطر افسرده دل کیمی لطف و لطافتدن عاری اولوب اجاره اقدام نش
 ایدن از با غلت و براعتک مجلس اعتبار زنده کاهه حرف کیب الالف لیاقتی و
 شاهدان قبیح منظر و کریمه سیکر کیب بز اهل کاله کلکه صورت یوقدر جمله شوائی کندوک
 مسقط رأسی اولان قسطونی نام شهره آتیب و اتیا ایتمک یاران مسفاکتانچ بود
 قسطونی نام نام ویشدر در بوجله ایل شعوی انشاسند بجه ایدو کی تحقیق و قور
 اشاری دخی و مطاحال اولدوغی معلوم اربنا مقال در شوهار انک گفتار نذره
 مورحکین اوزینی کرستانکدن
 بزرگ غبار پای سنگ کوی دلبر ز
 نقش و کوئی ایینه جانده سیر ایدر
 جعدن یکس ایتدی سبعة سیاره و قمر
 زلف عنبر باروکی یوزدن کورسک و جوی
 ظلمت شب ایلویو بد عالمی صنمک سیاه
 شاه کسوانی زلف پریشانکدن
 اولورک ایایغی توزی خاک کمر ز
 فخر و فنا سر برینه مالک سکندر
 ساقی بود و لسته هفت کشور ز
 چونک ای جوری بر شمر کلشن ضنبده مار
 باد اهدن سونمشدر حرایه مهر و ماه

کوزم یا شینی بخراندم فرا قله جوالدن سنکله قانی ابر نظام صور مزدی ار اقلدن
 لطیف هوای لطیف و ابی خوشگوار او غله ممتاز ملان اصرار او یوب نونه قننا
 بحری تمها الانا را اول شهر برودن بر ضواجه مالدارک او غلیدر که طوطی لطیف
 شهره هر وضع و شریف ایدی مرحوم کز رسیدید ملاز میت میسر اولد قدن کره
 منصب قضاوت قضاوتی و نصیب او فرالوب کسبیم وزر و تحصیل اموال تجید
 اشد کده استنولده مدرسه بنا اید و کندوسی مدرسه اولمشید نجه مدت صلاح
 تقوی اید کوشه کبر عالم فنا اولد قدن کره طوطی ستان سرای ملک بقا اولمشد بر شو انکده
 کز کوشن جرفی منوندن فراغ وار بو عالم کشت زارنده نه جفتم نه اورا غم وار
شاه مقرر ایستلین عثمانیه و مهابانوار منایا بجایه اول قبه الامام شهر
 قسطنطنیه دندر اول ذات کرم الحیاتک که فیض حیای دستند ابر بهاری حیای اید
 نام شریفی بجی در عالم صبا و تدن که هنگام تحصیل موفقدر عروس کمال انسانیه
 نظرات ملک سیرتند جلوه کرم و سعادت کتابت کرامت رفیع رایت علم با علم حاصل
 شاننه ناطق اولد و بی کائنات علی علم و فطرت شان سعادت معرونی ماصد مضمون
 کلام غلت مشونی و الفلم و ماسطرون انامل در حیای اید مقدر و مسیر او معین
 تحصیل فنون الهیه دن استیفا اشد کده سالک خدمت خوانه و استیفا اولمشدی
 بر زمان دیوان سلطانیه محاسبه بیک عنوانی اید معنون و کوشن محایف و ذمات
 کوشواره مانر و مضامین اید توشیح و مزین اولمشید حقا که مستوفای اقام نجه
 شهر و انعام اجمال کمال ذات و تفصیل حسن صفاتی اورا اوج سبح طبعه کز
 اید مقاطع فکر و کمال اتندن بسبب یک قلم دکل در روحی استاد فائز آیام دهل
 خزانه ذات با احترامی اولن کارم بی ارقا مندن بر رتم دکل در اید در ک
 بقایای جاه و جلال انصیل و اجمالی اید تحصیل اید و عامل آیام ذات سعادت انجالی

جانده کلهک با و اطله جوالدن و غم وار
 بودنی و غم وار اید و غم وار

عا
 مستوف
 ابر کاتب

در عمده اید و کی مراتب مناسبتی سلیم ایملک و اول مقام منبع و قدر بیل اوله
 زمانه مزده طوطی و طبعی نفس بلا غنده کویا و وصف قند شد لب اید شکر خا اولن
 کلیم نجه صرفت و بیانده اظهار اید بیضا ایدن شعرا فصیح الکن و نظار شیرین
 زمانه نذر بو بر ایکی ایشیا مرغوب اول ذات خوشبوک بو کله جلیله کز بر او غم وار
 اختار اشد کله ای اشعار فصحت صحوب و بل غلت او سلوب نذر

<p> درم قلمده خوش تیغ بر آنکده قالمشده بیسکده دکدر نقش کنی نجه رسمشده پیشانی نطق سر زلف بریش آنکده قالمشده نذر حکمی دل جلا دغمر کی ای کمان ابره مرد و دسر کو بیکه او کومبتدل اولدی کجی فرماد یل جنون با که هم قالمشده اشعار ایملک بکدرن طعن نا اهل </p>	<p> نجه مطلوبه کز قانی سنکله یا کده قالمشده بریش ن ایملک عاشقاری یا کده قالمشده بنم دست اید مدر که دامانکده قالمشده نشان اسر سگ استه زخم بیکانکده قالمشده اغیار سیر رویه بو اشک کوزل اولدی وادی عشق کتب وارد در بو کون ناطق قوی طونقی بلور سین قول اید ایضا </p>
<p> اعلام روم ایلنده اسکوب نام شهر اید مقامده توطن اید و بر ایکی هتله طریق رغبت اید و انی جهت معیشت و سبب قننا بلمشید روی نیکو سی اهل نیک و کلفا اولد غننا نخلص مر قومه شهره انام اولمشد کابن و معدول و جاننده مقبول ارفان بازار نجه لعل ایدار و کوه بر اعتبار اید و اظهار اید اشد بو اشعار انک در </p>	
<p> زاهدک کو کلنده غیب عاشق اید ارباب عاشقک حالات و جدین اختیاری صمگوز ای قلمد کیشیده اینه قننا اولوق کرک صغیر حد کده بارک صمگوز خط غبار </p>	<p> با جرم کیشیک با شنده بر شوای وار در باره مشوه سی او مده قومز اختیار قویه تا کم اکا کرد که در ندن غبار ذره در در کم گنیش خارین اشکار </p>
<p> اعلام نامی محمد در علین قبا راده دیکله بر اشتهار اولن قاضی تک فرزند هونکده </p>	

طوبی بویا انگ کما و مقالی در و بوی کبیر او چون مختار طبع با کمالیدر

بالت یوز ویره لی یار ایتم شیریندر	بب بو عو غار او ما یک باستی التند در
شونک تفرقه کم اتدی دست بی دادی	او کومه دوشدی عدم ملکه اولوب دادی
مثال بادیر کشت دست راحت قل	زار کاکلی کوه غمایت بودر وادی
صنعه رحمانه عباد اوله بر دم غرضی	هر قن صوفی سماء ایله شیطانه دوز
یعین اولما سو اغیار اوله سو یلک یه کون	مد دا اول کونلری کوریم الله ایرانه اسون
بود بولسا شاید بزم دلداره وارم بر کون	ابولدکده بلار د فلک یانم ایانه اسون
عذر اسون اویم ایغینه یوز نورسون اعدا	نشان نعلیکه کبکیسینی کوز قولانه اسون
کلنک جان لمی منتظر در سمل یاره	ریک اول جا یک سواره تیغ نشاهین ایر

لوی ولار دروم ایلمده برشته نام قصبه در صفای و صحیح بیلنده رسوم
اولا نقوش ما سوانی کورک ایله ولوح قلبی غبار اغیار دن ده فنجون طریق
تصویر سلک ایتمیدی نیجه مدت قطب فلک کرامت محور دائره هدایت مرکز انک
اراد کتور و تحصیل کمال انسانیه به صرف تمت ایتمیدی اشغالی همان لوح مثال ده
مقوله سندن در کانه نقوش و رسوم قطب رسوم دکل در و کلام سندن مجرد کلام مورد
و معنی اولقدن غیر حال معلوم و مفهوم اولمش در نه کم ایراد اولن مقالند استدلال

نیجه دمدر صبادن بر اثر بوق	ایکون کوی دلبر دن ضریوق
صفا نمخی نه سنده دضرت ز	طلو درانی آما بر جکر یوق
قنی ای بویا هر دم بخلمد و سوندک	صمانی عهد و پیمانی عجب بجز درون کونک
ایتم او کتدی باشم جرح فلک نشین	منفقووی کوردم چونه کلکمی سن
قلبی غلغلن ایر و فرقن ایدرسن	ای می عمل دلریا چونه کلکی سن

حرف الیم مالی یار حصار او علی دیکله شهره داور دیار اولان فاضل نامدارک

اسون

ادخلادر

او کله در قید تشویش ریشون ازاده و روی اطمینانند فلک اطلس نور محاسن
زاده غریب شکل و صورت و عجیب وضع و هیئت دایما منزل و بی کارای و همیشه
رند کله قیاساتی اوضاع و اطواری اولو کشف کشف حیدرین بری اولغول زوره
غایت خفت عارض و طار او شید که سکنه و وقار دن دخی با کله عاری نی
بو حال و شانندن صد و زر تا انکا منصب تدریسی روا و سزا کور یکس سالک منصب
قضا اولو انا طولیده و روم ایلمده بلاد کبیره به قاضی اطمینان سنه اثنین
والبعین و تعالیه ده کلیونام شهر با احترامه قاضی اسلام ایکن دائر جام
دفع نزاع و دفع خصام ایچون خواه و نا خواه جناب قاضی حاجان حکیمه ساری
وفاتی بودر مالی حقه قلدی حاجی تسلیم نر زمانده شرا ایشهار بولان شوا انک
اول عصرده دام و دانه نقطه و حر و ایله تدر وان معانی و لفظ مانونی شکار
و در هم و دینار فکرت انظارینی شار و ایشار ایملک سه قدان نوادر و
لطایق در کنار ایدن ناظمان لطافت شعار دندر بو برای اشعار انک کتور

کاکلک اول صید بکر کم جنان او سنده	نمزه لرا اول صید بکر کم سنان او سنده
اشک خونینلا هر دم چشم کرایم بنم	شول صبا به بکرزای دلبر که قان او سنده
قد بالا ک اوزره جان رف قشاک سندنک	بکره مشرک زانده که سرور وان او سنده
لعل سکر باری اوزره طره طرار یار	ای کی کجیم در کویا که جان او سنده
او کینه صنوبر قد یاره عجب اولم	بریکر که باستی طشیره اولانده اولم
اشک واه کوه کل انانور سن	یله او یوب صوبه طیا نور سن
ای قدح قشغی بزمده که اوله یار	اول ارابی طغوز طولانور سن

مالکی نامی عبدالملک او خین خلص مزبور ایله خلص اولمش در بقده ماند کور و مطور اولان
قادر نیک فرزند بر مفاخر و ماثر بر بیا نسبت و حال متوال تفصیل ایله نیچ او خین

بوقطعه انک جمله لطیفه در
دو کتدی طالع خوش حالی
دخی منصب دیوانه بی چمن
نه یوز ایله دیلان منصبی اول
که سکر صفا سوزی کجمن
لطیفی

وله
بدر کم باری یا خنک
بن او نور سن قله یا کانه
خال المولف

بوقطعه انک جمله لطیفه در
دو کتدی طالع خوش حالی
دخی منصب دیوانه بی چمن
نه یوز ایله دیلان منصبی اول
که سکر صفا سوزی کجمن
لطیفی

شرح احوالی که از نسخ اولندی داعی راقم هر دو تک خالی انواع معاصرو کمال عالی
 خزانة قلب سعودی نمود فضایل نامحدود و در ایله مالی بر ذات مستجمع المکارم و العالی
 صدر اقبال جهان و بدر عالی قدر عالم فضل و عرفان مرحوم والد فردوس مکانک
 بحر تربیتند قریب اولی که حبیب بلای فضایل اید و آستانه افتاده لرزنده خادم
 خدمت اعاده لرزیدن ملازم او میشد دار السلطنه السنیة قسطنطنیه و محب مدرسی
 اولاد قدس که مصر غنا و مبارک مالکی او می چون بخت قضا نک سالکی او میشد نواحی مصر
 قاهره ده عنایت ملک قبول فیوت قاضی اولو بوده انا طوبیة صند قلی نام نصیبه
 اجراء قضیه شرعیته ده بردوام ایکن متاع وجود نامدارینی حازن فلک صندوقی قبره
 صالحیة و لولوی شایهوار ذات بزرگوارنه بازار روزگارده اعتبار او لغین
 جوهری ایام اول کوهر بر اصرای نینه صد زمینة المشیدی بو اشعار ابدار
 اول ذات بزرگوارک نتیجہ طبع در ریارید که ثبت اولندی

یاری مست آنکه بورسمتک متازند	طینور حسنک شویله طوره مزنازند
دید با خط کله و کن رخ جانان او	گردنم قوندر دیر ایینه جان او سنه
سویله که اول ایکی لب عاشقی ایله ایاکم	گر سکوت ایلسه بردم قان اولور قان
روی رخسارک اوزره تازه فطکی کور	مور رشید صانور دل در دختدان او سنه
زخم خدنگ را اید خون اولدی بو جگر	بود کلو یاره یاد شهم قنده باش طوتر
جگه کرک خدنگ جفا سندن ای کوکل	اول قاشی یایی لیکه جهانده سور جگر
الدن چورد جانی بوسکین دلی کورک	مقالب زلف دلبر اندن نلر چسکر
ساجین ظره کیمه زک کورد مالکی	بر بیچ تاب اولور کیمه اونجه چین بجر
ره عشقلده جانان شید لر در چشم در بایم	اکادست بلایا میش کر لر در ایکی قائم

مانی بابا جاتی علی دیکلمود افاضل قضاه قضبان بردان سوده صفاتدر

نامی شیخ محمد در کلستان مله تک ورد خندان و گلزار شیوه و نازک سرور و انی
 مصور ازل و ضلوق لم یزل صحیفه وجوده رو نیلوسین مثال ارزنگ مانی ایدو شو
 مانی چه بود صورت بی عینش چه بود مانی منم که چهره کشای ملا حسیم
 فو ای صدوقه حال مجالی او لغین غلصه زبور اختیار ایشدر حالا اولانا طوبیة
 صدر اول مولانا اعظم جامع العلوم و حکم منلا احمد افندی معلول افندی
 ارتباط ایدو خدمت شریف لرزیدن ملازم اولو طریق تدریس لک و عازم اولندر
 عنوان جوانیده قلم نکات و خیال ایدو رسم صورت قیل و قال و تحریر نیتوش کلام و مقال
 دست از مایق و طوطی اطبع برزاک می معربلات و فصاحتده شکر خالق اوزره در امیدر
 مدارج ترقی ایله قصر کمال متعال اولو ذروه قیل تنوقه اقدام اقدامه شکر خالق ایدو شو

ای خط سیاه عارضه بانانه طوشم	یوز قاره لغن ایله ایانه طوشم
انوش نیانین طلب ایتمه کمر آس	مانی مدد اول سرور امانه طوشم
ره عشقلده نه نم چک کورکل درد و تلک	ای شه ملک جفا شدمی کوردر کورکل
برزه کلک الی او بیکه باعث اولوق	اولدی ای حام صفا بخش مبارک قدک
ای مصور او بیک صنفه بنانین یازدک	رو سدا انکشتنی بکر بر ایدر کین قلمک
ارتوب دشمن داعی او سنه داعی اوردی	اولد ای فانی دختنه زیاده الک

غزل بزور راقم هر دو تک بو عشرت لیه نظیره واقع اولندر

کل کل اولدی کیمه رخلری هر بر صتمک	یریر ایلدی نینه کلاری باغ ارک
ضون عشاقی اچر سگ می کلگون یرینه	نوش جان ای کوزی مستانه زیاد اولد
خلق غشتر ایدر کله اگر چه او مرز	بره اول منی جگه مسیه خاک قدنگ
مدد ای قشلی یا قانی کر مدر کوندر	کم بری بیکه بکر ناوک جور و ستمک
بلبل دل بوله درد یله نغنا احسن	خار لر ایدی نینه دامن اول غنجه تمک

متنی نامی محمد در عهد ما حرف قافده قدسی گلجی مخلص اولی عرب زاده افندیگ
 فرزند نبدیدر کندوبه ابا و اجداد ندن میراث اولی علم و عرفانگ تحصیل کرده
 تکمیل معارف جوئیده و زرش انجمن جوان ایدی صفا که نخبه زمان ایدیکه یعقوب فلک
 حسن یوسف کم کرده و نایب ایشید بوی سیر این خودی استخام ایشد که این
 لاجدریچ یوسف ایل کویا اولشید و نجه ایام ایدیکه کلبه افغان جهنده در درخت
 و ایشیت عینای من حزن دیوب چنمان نوزاشانی کبری ماه تا پان و بری هر روز
 غیبت خوردیده سی ایل کریان ایدی طلعت غراسی مشاهده ایدیکه فمالی جان شیر
 القاه علی و وجه فارتد بصیر امضوی اودره قریر و بینا اولد که مصور اولد و روح
 مثال قدرز ابر کشیده و اندرا **ن** حیف که دست تطاول هر غدار بسجس حیاتی همکل
 عنقرین بری و عاری اید و اول نال نال کمال لطف معروضت سپهر بر خافت
 اولدی و احسرتا که اول نوردیده نک نوری رسیده اولو شکوفزار وجودی
 تمام اجلدین صر صریاد فنا ایل برک خزان کبی فاکه صاچلوی و تند باد اصل اثر
 زده کی و اصرار و شدت عواصف قضادن کرد بلیت و زار اول نال نامداری
 زمین فنا به چالدی **ن** درینا که نور شید روز جوان جو صبح دوم کم زندگانی
 اگر چه مجرّه روینده اولا خاک عبیر بوی چشم بوی دور ایلگون القار بسند ایلدی
 لکن با نجات و کز ند اولدی و براغ سوز ایلد سیچ سینه مرده لرین احیا ایلدی
 بر جوب ایلد نیم خسته لره درنا ایدر کن تقدیر ملک قدر ایلد امن حیاتی دست اجلدین
 فور مغنه در نا اولدی بعضی امراض دفعی ایچون چوب چینی ایچکه مباشرت اید و ایام
 و موسم دبا اوغین تویق چوب صد و بایه نووی اولوب نسته ایشین و تسعین
 هادکی رد ایلد در کز نوز موئی سیانی و ابر و بارکی کبی قوی حیا و خطار و دجو کز نوز
 معال در درج دانانی کبی منتظم بعضی کلما وارد بر ایشا انگ کلما تند ندر که هر اولدی

میخواست

<p> بنی مجنون مثال ایشدک بواستغفندرسند احوالی عرض ایچکده و شکی فرصت عقل و دل صبر اولدی رو ایزم غم ایچره درد نکله یا اولدر یا وصال کفر قتل احیا تشبیه ایدر اولد شوامویه میانک وصال امید ایلد چونک ویردک چاکه نیجه با قریوز و کده هر کون ای بری بلغم چشم خیال حسنکله برر و اقی در شیخ این طار دیو جلبدده عاشقده </p>	<p> وفا و مهر او من محمد نگیر و دیوانه در سندن بر خطه یا ندن بنم ایرلادی فرقت ای جان ملا زده قالدی لکنا صفت ای روح روا ایلکسیده نه منت ای منقعی تمدی قتی انجلدی نزاکت او نیجه جلد کوهل امدی بلای بحرانی رضو که بکزه دن الفته مهر رضانی قاشک عمیل طاقم ای نیجه طا قدر چشم صباب و ساغرمی کوز قول افکار </p>
<p> مثالی جوهر وجود ارباب معارفه معدن و منبع شعرا شیرین معال و پاکیزه سخن اولی دار الفضا در نذر نامی حسن در معاد اهل عرفندن ایکن صنعت علم و معرفت راعب و بعضی از با هنر ایلد قرین و لاشین اولمغله تحصیل معارف و لطائف طایفه فی الواقع قابلیت شانی اولمغله جوئی زمانده اشغال و اقرانه غایب اولوشور ایلدی بنظیر و مثالی و نظمای دور آنک شاعر شیرین معانی اولو عند لب زبانه قدس مانده نغمات غزلت ایلد مترنم و طوطی چشمان شکرستان فصاحت کلمات رنگین ایلدی مکلم اولدی بر قاج زمان فن معانی کوشش ایچکله انده دینی فضیلتی نام و نشان پیدا ایشدر هنوز داخل ششین بدر جناب کریم و ما بدن ماثول و مسئولدر مدارج بقایه معصی اولدی اناطیج بر اقتداری قز ایلد اولو حضور خودی و اصل حشره حیاتی و برخوردار اولدی ماه حیوة معانی اولد اولد اولد اولد اولد دایما جاکه بود بر اکی اییا غایت سما اول شاعر ساوکل کلما ندر که هر بر و سطر اولدی دیرین پای بوسه عاشق زاری خلدرد ● او بر کوز کوره خسار و کئی ایلد کوز لدر </p>	

قیوب کو یکده کو کلم راه عشق اختیار
 سعاد کلور دیو عید قرض فال
 طبعیم کوردیکم جنسه مکن دکل صحت
 دیدم افراط کلور اول المهند ان او
 فکده که ریاض المزمین ای شری غرا
 اول پری کو ستر میور وین طبع تر صاندنم
 شش چا یکسو ارک انجینی ادیکه
 ناراهی مثلک طو شفق اشش
 چاه سرف و کبود اجره نماندر جنجک
 اسمانده ماه نو در یاده ماهی خوف
 تشنه دلر کوردو کی دمه نوله جان دیر
 شولیکه کجکدر که تنده سید و غن بلز شها
 طعمو دلرله مثلک کیر و بدر کو کلنه
 هم حال الی نقد صبر و کنی اول ضو اجم حسن با

بجدی می محمد در بر غره زادر که تهرادر نه دن نمایان و بر خورشید بسیار در
 افق بلده مزبور دن طالع و رخشان اول شدر بقدا تحصیل معارف اشتغال
 و تکمیل فضایل ایله قناییل دل و جانینه اشتغال ویرد کدن صکره اخیری زاده محمد طبع
 مدرسه لقا با یزیده مدرسه ایکن بیت اعاده سنه ملازمت میرزا آقاسی و طبع
 منصفه ظهورده جلوه کرا اولدقه دو قنایاننده در دیو صحت قنایه با نایل اولو
 سلک قنایه قنایانده اول اولای صفا که جامع معارف و کمال انشا و جائز نکارم
 انصاف نفعی علوم و فضایلده جاهلی نفع و بجدی ایشل و ایراد معانی بیدار بیاند

ذات کامل الصفا ناشی غیر ضیل در خطوط کلی بر عنوانی عنوانی بی هر چه کسب
 و تمام سلام لطیف از عالم بخنور و کتبه گذاریده ابریش اولور بوزمانده چو کان زبان
 کوی قضا و سگار بوده اند اصحا عرفا و عراف عالیشانند در بوبری اشعار در قمر زده کلک کجا بیدر

سحر بزم چنده زلاله غنچه حرا	میل سحر فالتش شیشه در اغرنده بر
رد اید و سورد کلنده خلق ناموندن	سویس اینجی سکر سلیس مجنونن
دیدیلر قشک الغدرا یکی قاشکایکی را	بر دیوب ایکی دیوب قومدی انی شها
خواجه عشق یوش اوغل نیدر بو اشک تر	تیر اهر قاره قو لقلده اتمش او قار

نه دور در و رکده صوفی کم	ایکل کلکی بانسی وار	بجدی کنین سورکا دیشل
بورین بنانی دیشل لدار	ارادم بولدم کونده یار	بو نمز اگ بکرز بر جفا کار

خین الوده ایدی خاک رکده یوزمز	اغلی غمیل انی بودی ارتدی کوزومز
دیر مشور صبر و قاری عاشق در زمانه یوز	کو کلر قاشدر اینجی اک خاطر مانده یوز
بکاکو ستر تک رخسار زیبا سینی جانانک	اولوبدر با شتی اتنده سر زلف پریشانک
بولوب عشق کله شرت طو تدیلر اطرانک افقن	بنم جوق بود و کم سن از کیشی صنم قشک
دل صوق در ددی بار خنده اغزیه قلم	پوشه اغزی واردی یوقدر انک ای صم
کوزرم بری برندن اغلر ای سیمتن	خاکیا یوکه نثار ایتکده لولوی عدن
جوق نغم ایتدی دلبر لوب الکستان	اول کل رخک اولاین بلیل دلینه قربان
کرمسو کوسین غم سیلاده آه و زاریل	قیس فریاده کلبه سولیشور کسارل
خط و اردینله حاشیه روی یارده	انمه ای کوکل جوق اولور سور کنارده
ساقی ایتدی بر راغیل یار انی	پادشاه در نوله ایلر سه اینی دیو

قلیه طرزنده محیه دیشدر حق معقول طباع خوب عنرا ایجاد و اضراء ایشدر بر یکی
 نوات اول رساله دندر شمس لاله سراج الاله امام زجاجی فنکار شرح الفوتو اشهر

لذین وقاد و طبع نقاد انوری الطبع سنائی التریک یکادان نقالی قالیانوار
 اذبوللانو از سنار بیگل من بیگل انور مسئله سائره بن بیدی جمهوریشین
 تم اللیل الایلا یوج فی آنها رسجا طویل سلطان دی الایلا و نم اضادی از بنا
 العلوم و حکم لقبه القایم بامر الله و بقول البعض المستصفی بامر الله
 حرمی غلطه دند ز خدمت ارباب ارسه اینه کنه کت کتابت و نیات ایلما
 ایشید بنای علیه اکثریا غلطه ده ناید کتاب اولو خدمت زبوره ایل خدمت
 ایدو انی ایزو طبیب و اعظم ارباب ایشید بنج مدت دخی سلا نیکده بو حالتی دور
 کچر بو در یادن استنبول کور کن عقاب وار بر کافرنا بکار کچر زبور لری شکار
 ایدو در دمنده ایل عیال و مال و منالی ایل با سرام اسیر اولو بنج زمان جانی کبی
 بسته اخلال و زنجیر ایشید بو حاله بنج ماه و سال بچکده کندوبی و اولاد
 با و کسوز و تحصیل کچون کفیل ایل استنبول کلوب اکابر و اعیان و اشرف و
 ارکان دیوان و مقدما کند و ایل سبقت حقان ایدن یاران و اخوان کای
 کوشه ککستانده کل کبی زبور ایل خدمت ان دکا کبی کلیمه اخوان جهانده شمع وار
 کند و ایل سوزان و کریمان اولو صدیق خالص ایشانندن در یوزه انام و اشرف
 ایشید کتبات مقدار درام و دیناری جمع ایدو کتک ایشانسنده در یایی وجود
 ولته او دوروز کار کوزه دکن صر صر فکشتی حیاتی سحت مخالفه و شروب
 هزار حمت و اشوبله گرفتار کرد ارباب عشا و غرقاب عشان فنا اولاده ایشید و سندن
 صیدر رئیس بزبورک اولاد و عیالنی طیر مقصود ایلان کبی فکشتی و اغلالان
 ازاد ایشیکله در دمنده ک روح روان شاد ایدو ارالرنده توی بنیاد اولان
 عصر فتوت و صداقتی دست لطف و مرو ایل اباد ایشید بحر خسرو شیرینده
 دیندر طبع شوخ و ندیم شیوه اصحا لطف و قبولگ امدی اولو حرم سرای بنده ایلار

افکار

افکار محرمی اولد و غندن غیری در یایی سخته سفاین بقا سوال حال اول
 واقعا شکار و ایزو ایل محافل و امالی و امثال ایشید بو بر کبی شکار ایل کتک ایشانسنده
 ایزو کچرک سورر عشقکله بر دیوانه در
 عالمه اسرار عشق فاش اولدی اه کم
 ایدو مزحج انشین عقلکله سیر و سلوک
 کچدی ایزو اول هندی بر جواب ایشیدم
 محرمی معنای غیره ایشید زنه راتفتات
 سیر کچون روشن جمالکله هر حساب ایدو
 خدمتده نشین حسنگ دانی پوشیده
 ساکن کوه بلاد غم غیب و ایدو در
 خاطر شوریده عالمه یوقیره ربخیده در
 لذت کامل اولور می اینه کم فایده در

محمد افندی و هو المولی الفضل و العالم العادل ذو حسب الصمیم و الالاکریم و الترفیق العظیم
 و البیت المخصوص بالتقدیم در دریا قزو غره شجره فتوت منبع زلال فضل و منیر
 زلال نیایح کمال بشرط و بسطن فضل و عرفان قاموس لانی متلانی تحقیق و
 فایح معقلات غوامض مسائل کاشف مشکلا او افر و او ایل واقف بقاصد احکام
 علوم و فنون رافع حجاب استار فہوم و فنون ناظم مقاعد الفروع و الالاول
 ضابط قواعد المنقول و المعقول لخدمه اهل العلم علی اللماق و ارث مناصب الفضل
 بالاسحقاق زمانه نزل کچدوم مکرّم و معظّم در کمر حرم بسطن افندنگ فرزند مجاہد
 منجی در حقا کفره بجد رفیع نور صباح کبی شارق و علوجاہ منبع کوب نیایح و حور
 و ضاح کبی مشکلا و بارق مجاہل نجابت جبین مسیندن لایح و انار و انوار ارباب
 غره غرا سندن کاتشمس و ضیہا ظاہر و واضح اولوسنا سنا روی صفا سندن
 لامع و اضواء بجد و محال پیشانی نور شید تمثال لندن روشن و ساطع المغنی
 وجود شریف و طیبلی شواہق صیال سعاده متعلقه اویسی نور شمس وجود سندن
 اشرف و اچل اولو فضل و عرفانده امثال اقرانندن متعوق و اقدام حکارم
 انضال ایل قصر عالی قدر جاہ و صلاح مستحق او لجا عنہ خلق جہا واقف و جاہل سیر

۱۷۳

که غنای آن جمله است با کلام مترنم لریدی سخن الهلال اذاریت نموده
 ایست آن سبب بدراکاملا نثر فی الواقع سمن باد بای غنیمی زیر ران سمنزین
 الوب بی تکامل و اهل عنان عنایتی وادی کسب فضایل مملوف اولشیدی
 ذات ستوده صفاتی فی الآیام والیس کتب علم و کمال تکمیل فضل و افضال متعوض
 اولشیدی پس قدوه علماء عصر و اسوه فضل در هر او تو بجز بیکر آن فضیلتی مورد اعتراف
 نام و دریای بی پایان عرفانی مقصد و فادیه خاص و عام اولشیدی و آری تامل
 خورشید صبری شمع انجمن انوار و ایینه رأی منیر کجام جهان غای کسری از کجا
 انکار در سبب علوم و کتب فضایل کذا او مجموعه حقایق و دیباچه حکم
 عرار حامد و مانری کل نسیم کی جمله روی زمینده ابلش و شامه کلمات خلق کریمی
 نسیم بهار کی هر دیاره یا یوب صحیف و مناقب و فخری مانند اوراق باستان
 جنان خلق جهانده صلندر اخلاق و اوصافی مذهب کویا برود زمانده بر طراز
 مذتب بوستان استانی روض مزهر و غام اکرام و انجمنی سحاب نمط در
 وجود شریفی کبیریه فضایل و مکارمده اسد صنام و دست مبارکده اولان
 قلم سبب صادم در وجود ابوسعود افندی خضر تازیدن ملازم اولو مدارس علی شریف
 معروفده تلوح الواع اشاعه فنون استیکر که قضای شام شرف اینج شریف ذات
 بر اصرار ملایک کسب عنوان و استقامت در قضای برود فی تقلید سعادت شید اول
 دفع کوسه اید و دولت با پور طالب و عاشق اکن قاید تقدیر راصله بر کسری
 شمر زبوره داخل وصال اولمدین قضای قضای شهر ادرنه به سابق اولشیدی
 بعد ساعه فلک ساقیه اسلامی مضر ضیام سید مقامی اولو ذات خورشید
 انارتی منصب سبب صدارت بریق و لمان و نیز و طغرای ان سعودی اید منصب
 مزبور مشهور وجود بر عنوان اولدقدن که طنب ضیام سعادت و استقامت

سبب صدارت رومه او تاج جلا و اصرار بر بوط و استقامت احوال اصحاب
 فضل و کمال کف کفایتی مفضول و منوط اولو نجا آیام روم اینده صدر پر
 اولشیدی فی الواقع منفتح تنعم اقبالده جبین طبع بر کالذی اسبی و کجاهده
 سبب اید محضر و شاد اید تیشدر لاجرم غنیه دولت و کمال شکفته و خندان
 اوله روادر و مبداء استشاق نغیات سعادت نازدن خاک بطن عطلتی
 کلشن خاطر عاظر نازدن دور و مجور اولشدر در طبع دوام جاه و حلال خضار
 عزت و علایزنده مدام در استان بر اولشدر از سیاره سعادت تری مستقیم
 اکن ناکاه رحمت اید و قدم جلال تری مدارج سعاده تصفا اکن تقاعد اولدی
 لکن مشتری به راجع اولقدن نزیان و ماه آسمانه کاه لیل و کاه بدر اولقدن
 بنقصان فی الواقع محققان مواقف امکان و مرصدان مرصد دوران
 اولنزه روشن و لامع در که افتاب عالم تاب دست مشرق سعادت نازدن بروفق
 طالع اولو از دیدار در جاکمال اید اوج اعلا ایصال بولدده مورد سبب
 زوال اولدو ظاهر و ساطع در و روشن نجوم اقبال برود تیره و بر نوال اولدو
 اولیوب کواکب متحرکه مثالی کاهی مستقیم و کاه راجع در **سفر**

فاصله کواکب اقبالت اگر رحمت کرد	نیست برد امن جاه تو از آیه عیار
زانکه در عرصه میدان فلک رحمت	استقامت پذیرند نجوم سبب

من بعد مأمول و مرصوب و مسئولدر که دیوارستان سمنزین فی الجمله رفته که اولشدر
 دست عنایت حضرت پروردگار اید معرور و استوار اولو او کیدن دخی حکم و اعلا
 و ایینه ایستایی کینه لرینه تصادم و نزام اشرا دردن غبار انکسار که قوتشدر
 مصقل دست ارجند اید مآقعد مدن انور و اعلی اولو میامن برکت ان لعنندن
 لزلتی حسن باب شامل حال ذات فلک صبا کبری اوله و شمس من بعد الغروب طلوع

چونکه کلمات جهانده انصاف لسان حله عالمیان اظهار مدح و اطرا را بر منور قدس
 سگان ایوان وجود خود او صفا سود در نیک رواج مشکین فوایدی ایمنه
 معطر او شد در طی منازل تعداد فضایل زنده جواد خوش خرام اقلانگ نه قدر
 و شهباز بلند پرواز مقالک هوای شرح کالزنده طیرانه استعاضی و اذر
 هر چند ذات بزرگواری و جناب فضایل شعاری عنوان شایسته بود بجز ده مرقوم
 و حضرت معانی نظام منکام بر اضرائی و صفای ایل بود نکرده در رسوم اولی ذات
 شریفانه نظریین عیب و عار و محض موت و شمار در کن جمله فضایل زدن فضل عظم
 انظم فضائی جوهر آبدار و لای شاهوار ایل ستم و توحش و کلتا بر امت
 بکلیت رشحات کلک بخار و غام اقلان کوهر بار ایل محض و مریخ ایتد کلرین اظهار
 اعلام ایون بر تیر و تیرینه اقدام اولی بود یکی استیظا تمام اولی استوده صفات کلمه

اید رسم و جویاری ماه تشبیه	ایده از با عرفان الی ترجیح
نظر کلمه دمان یاره بسبب	دیدنی غنی ایون فیه یاف
بعضی اجباب بر تویی منصفی بر تیرینه قدس نیستی ایون اولی است کلمه کرده مگر بر سوز در	
بر یزیدخت و دولتون نوید دستا ندر بو	عروس دولت و اقبال ایون کوانت نازد
همای دولتی صید این صالوب شهباز اولی	کود احکامینی سیر ایل نه شهباز جهاندر بو
تند داعی دولت اولی ارباب اخلاقی	که خاطر دن کیده بدیم مگر زماندر بو
علمی مرد کسج علی المقدسینک تصدیق صافده یاف ایتدوی رساله بود اولی مگر سوز	
کتاب الملک لار دنا د	الی جز الزمان و اگر د
بعین العلم فی تصدیق	ازاج العین من عین العباد
فمذا کامل کاف و راه	لیس المقاصد و اللراد
امام عالم بالفضل باد	علی الذوات قدسی الصفا
	روی حقا و روی کاصاد
	من الساعین فی تحصیل زاد
	فطوبی الذی قد ضاعه من
	علی اقصی العلی فی کل ناد

حیط الفتا و کز فقه و مختار نهج الحق مار • بقرق نمود ابد ابد لیل
 علیان صابر جعابا نواد محمد صلی جائز کمالا حسی و فایز سعادت و هسی و کسبی
 جامع علوم و حکم منبع وجود در کرم معون علوهم تیمه و شاخ فضل و کمال تیمه
 قلاده سعادت و اجلال واسطه عقد فضایل رابطه جلال فضایل دره بیضا
 بر حیط تعارف غره و صحابه جبهه صفین و لطیف درج کهارم اخلاق در شینی
 برج کرام فضایلک مهر کرمی بوستان دانش و اذعانک نهال بلندبالا و صفت
 عز و شرفک لولوی لاکا آسمان سعادت و اقبالک کوکب سعادت عالم عظمت و اجلالک
 ذات بر شرف مجدی غره جبهه النبی قره عین الحکمه کل زیبای کلار مروت
 در کمیتای در بیای نیت قدح کردن بزم کارم چراغ افروز خجسته دانست
 سواد دانش ذاتش که عین مردی است سواد کرده ملک بر بیاض دیده خور
 بودای ضعیفک بو اولی اوق پریشانی جمع و تالیف اکتیسه علت غائیه اولی مرات
 ستوده صفاتری بجلائی سورعاف غیبیه اولی مسند نشین صدر گاه فضل و کمال
 سریر اراد ایوان سعادت و اقبال کوکب سعادتین شرف عالم فضل و عین بر تویی
 سراج و کاج سجا با طرز از اخ سلطنت عالم فضل و کمال فواید سلطنت جهان شریف
 ان خواجه عالی هم ریه وجود و کرم • سرنامه فضل و حکم سراج اصحاب کمال
 غصش فی دوصه فضل نا محصور و نور دیده سرور و صورتیدر نهال وجود پر
 کلتان فضل و عرفانده کشیده بالا اولی رواد رکاب خورده جو بسیار فضل
 و هلال ذات ایضالی یوما فیوما بدر تابان اولی سزادر که اولی خورشید فضل و
 مستفیض افواء و انوار در **نظم** • هر بوی که از مشک و قرنفل شوی
 بویت کران زلف جوینل شوی سر سعادت معرقی آسمان سعادت و اجلال کسرت
 دلیل بویت که سعادت کبر انکا بدر در و وجود عالمی صدر نشین اوج سعادت

برهان واضح در که انوار بابت جبین مبینده هر بار بار قدر در
آن الممال اذاریتوه ایتت ان سبیر بدر اکاملا فی الواقع حقا محود
مغوب الو سبب دکل که وجود پر جود بر آمد که مهادت بدن شتی در رباعی
قول فعل و وضع و ادبی مدوع و مقبول اوله غریب دکل که بنا بر ذات سعود
مکاشفه علم و حلم و وقاره مهادت کمال احوال منیع بد و معال او بی غنه محلا
کبری و صغری فضیل و کمال جمع و ترتیب اتمیش در ترتیب امور علوم معقول اوله
باید اهر مجز و بدر که تصحیح طریق نظری عقل اولان کور شد در حال اول تشبیب
ایکن بعنایه اللد الملک القاب فضائل و معارف حیا و شامل اوله ظاهر اوجود
بر جود هنوز هلال ایکن فضیلت و کمال ایله بدر کمال اوله در برعت فیم و صفت
دکاده بر شهباز قنار در که جره باز قوت متخلله هوای دقت افکار و نظاره
انگله پرواز اتمیک امر حال و طایر شکسته بال فضیال اوله ادرید طیران ایکن کفوفینال
اوله اشرید بقیدی بوالده سعید فحواسی اوزره اخلاق و اطواری مدوع و ذوات
نیکو کاری مرضی و مقبول نهایت حیا و ادب و کفایت و وقار اوزره لیل و نهار
تحصیل معارف بشماره مواظب مشغول در کند و لرزه میراث اوله کمالا بسیار دن
که نظم اشعار ابدار در کاخ دخی غایت کنت و اقدار ابد او اظها اتمید و در
زمین و زمانه جواهر زواهر غلت و بیان ایله کوه هر بار قنار بوبر ایکن اشعار بکالت
شعار اول مخدوم نامدار که انار قلم سکار و زشتی سحاب کلک مدار ایدر

نه بشکر کند و کن بلغمی یارب تیغ خونریز	نه قاندر و کند و کن یاد ایزدی چشم خونریز
مرآت رو یاره نظر قل جهانی کور	کلزار حسن دلگشته بق جنانی کور
ایات حسنی دست حق کلک صنع	بازش جمال یاره نظر ایلانی کور
بخت کوزینی آج نیجه بخت او نیجوسی	هر دم عدم ایلینه کویس کاروانی کور

در که

کل

کلای طبیب جان و دل انصاف کل مدد	در درد و مکل خسته اوله ناتوانی کور
ای هر وقت یار له سر قیاس این	الجمعلق ایتمه اوله و نخل رو آن کور
بلبل دل باغ و راغی گشت ایدر یار	کل یوزینی کور سیه عالمه هرگز خادیز
دی کوه کل صحرای سودای سواد کولفی یار	طی اولمز کیم بر شمع جمال یار سز
منزل مقصوده ای ال اوله بر شکتی	راه غمده بر هر عشق رخ دلدار سز
عشقن خالی دکل درای محمد کوه کل	بر خیب ایدیه یوز کم اولمز ز هیچ کار سز

محمد امین هلال وجود زمین فلک مبین در میان پر لقا و نر یعنی غیرت سپهر برین
دهر باغ ارم ایلینده مبین اوله قنار زمین ایله رشک کفار خانه چین اوله
بلدان جهان ایگزه هر چه ن بنی عدیل و قرین اوله شهر قزوینک مصفا قنار
ابر در یکله شهره دهر اوله شتر دن طالع و شارق اولمش بدر سما معارف و
حقایق بر ذات بر کزیده و طبع فایق در صلبه مر و مضمار فتونک سابق سابق
طما سگد مانده معترف منصب و زیری اوله میرزا پیک سابقینک که سلسله
انت بکر شیخ بهاء الدین السهروردی حضرت تکریمه منشی در فرزند سعادت مند در
نخل وجود سعود ریاض شهر معهوده نشو و نما بولوب مرآت ذات سعوده
مصقل معارف و کمال ایله ایلینه عالم نما اولمشید اوله دیار بهشت نژادده اش
رفض و الحاد استحال انضام طویحی انده منزلی و مقام طویحی و اول کوشه ادم
شالده ارام ایکن بیرون حیرت امکان اوله قدده شو و اذا الله یا تغیرت عن حالها
غده الدیار و اسرع التحویل فحواسی اوزره بابا کر خوف و هراس طما سن بر
بر و سواسن دن نظیره شیخ صنعی الدین اردبیلی که اجداد نیک مراری اوله
دست ظلم و عدواندن کر نیران اولنله دار الامان ایدی انده محقق
و متوطن اولمشید و دایما جواهر بند بر اندی زمین دل جاننده نثار اوله

بنم خال بر آستین آمدن عبرت ال و بود یارده که مقام قوم ضال در تکرین خاطر است
خاطر گذن طشره سال دیر کرد اول اشاره پداری دیار عقابیه گذار
استدکده مولانا قاضی زاده که رود که علم و فضل ایله بیکانه و اهل وجود
و طبع روان و قلب پرمیضا ایله مثال رود ایوی المکر مرافقت و موافقتی ایله
مثال انار کوه و دستنده گذران اولو باد صبا کی و مادر و تلاله پویا لوقا
مانند فرات کشت و گذارری شد بخدا ده اوغز اقده اسکندر پاشانک نظر
الکافیج الاکنانی اولشیدی مکن بو جلدن شاه ضال ضبیر اولدقده مولانا تک
اهل و عیال و مقاروا موالتن نه غارت استدر دکده انده دخی تکرین و قراره
بجال حال اولو غنیت منند ایله بصره به توجه ایله بصره ده ایکن مولانا نجی بود
جان کی بصره دن نهان اولوب روح مثال عالم قدس روان اولدقده بصره
کشتی به سوار اولو جانب هر موزه روان او شکرید ناکاه دریای عمان باد
مخالف و دریاچ عواصف ایله جوعه نوشتان کشتی باده کی جوشان و خروشان
اولو تلاطم امواج کوه مثال ایکن کشتی کای رخ طولا کی عالجیج و کاهی غوغا و غوغو
قراب اولوب کاهی معتدل اوج افلاک ماهی کاهی در دریا راه کاهی اولامای اولورده
کی سوی محیطش دراز کی اوردموی مرکز تن باز کی چون انجم سیاره سیار
که چون کنبه در و آریتر کی در اوج که در بر توه کاهی کاهی منموده
اخوالا مرغیاه موج من فو قد سحاب منظر حال دل بر صخرابی اولو باد کشتی
کریسای شوق بی صبر و قرار کی دریده و بلا سر و قد آن مثالی مستقیم اولو تیر سفینه
کمان ابر و جوانان کی متوسن و خمیده اولشید عجبدر که دریا اول بحر محیط
عرفانله بود کلو اشتاق بید ایتمکن کشتی دخی نیجه زمان جان کی اول روح
چشمده مکان ایله اول لولوی لالایی ال اوزره طو تکرین عاقبت دریا

تکر املق ایله و زنجیر زلف خوبا کی در هم اولو اجزا سفینه ایلی مانند حروف
بری برندن جدا ایله کشتی دخی بلر لک ایله اول کوهر مکتیابی الدن صو کوهر مکتیابی
روز کار زور کار سفینه به اولو شاهواری صفا وار سفینه به چکدی دیو در وقت
ایله بیاوردش بزد یک کناره زردش بر سنگ کردنش پاره پاره
فی الواقع بر سفینه که دریای عمان ایله ملان اولو اول سفینه غرق اولشیدی
طعن و ملالدر و بر کشتی که جوهر فضل و ادب ایله اولوب کوه و قارانه کوه
براعه لکر مثال دمون دریا به دو شهر نه محل کلام در سعادت زمین که اول
کوهر مکتیابی در سفینه ایله دی و حبت و دو ایغنه کلوب اولو در شاهواری
بو طریفه در کنار ایله دی احوال در یادده بود کلو سشد و قدر حکیمه بر بیت
همدون فرغت ایله ذراع و زغن نه که همند و ستان رو ذیوب عا
دل جان جانب شیرازه پرواز ایله و انده دخی اشتیاساز اولوق محال و کج
ببسی درویشانه ایله خراسان اندن بنی بلاد شروان و تبریزه کلوب اموال
مور و نه ده بقیت قلن مال و مثال ایله نیت جی الاسلام و رویال سده طر
الانام ایله باد صبا کی طو ربوب محمل شاق اسفار ایله و مثال صوبیا بر برده
قرار ایتمیوب کوه و کشتی کشت و گذار ایله کب علیکم باتن م فی آخر اثر تک
مضمون ایله عامل اولو ایت رحمت کی راحه اراق متلای شام شرق انجانه نازل
اولشید و انده دفتر دار اولو شیخ کمال زاده ایله قرابه نسبی لری اوغین
خدمت علیه لریه کمال ارتباط و اتحاد و اختلاف مرتبه سده و اصل و نایل
اولشید بعده طالب تجارت سعادت دنیا و اوفت اولنله سرمایه روم اولورده
معلوم و مر سوطی اوغین حصول مایرید و وصول مایرید ایچون دفتر دار مرقوم
خدمت ملک ضیائی کی حکیم خدمت شریفیلنده دامن درینا و کوی مثال

چو کان خنجر بل غلط و دران اولی در اسطیقه العلیه قسطنطنیه و حقیقه کلمه
 آسمان قدر قدر آسمان کی متجی و ز مدارک انهام و سپهر رفعتی رفت سپهری
 خارج خطبه ادراک او امام اول سلطان الغضا و برهان العلیا خورشید اوج
 سعادت و اقبال کو کعبه برج فضیلت و کمال خواصه افندی حضرت تریک
 آن خواصه که است که تا نیرغاه تمام تدبیر حال دست و تائید کار ملک
 قبله گاه اصحاب عارف و کمال و قبله جای از با جاه و جلال کعبه توافقی شایسته
 و در کین خطم جلال غضا ملکیه رویا ایستد که منظور نظر انعام و انضالی او
 جناب سپهر اصرا ملنده و حقیقت اختصاص تمام و توبت بالاکلام ایملکه توبت
 بایز خان ایله بین الاقران قدر و عنوان بوشدر فی الواقع سر رفعتی اوج
 سمایه اوله روادر که خاک آستان سعادت اشیانته رویا ایستد و در
 وجود نامدار دار الضرب جاننده کامل العیار اوله لایق و مراد که پوده
 اهل سلانده کند و قال ایستد ششم بحر کی آسمان نعتی عروج این خلیق و
 جدیر در که اول تمیضان آسانه مقابل اولشدر و نهال وجود جوان
 اخواندن خلاص اوله بری در که جنت سعادت و رفعتی داخل و اول اولشدر
 حقا که بر ذات شریفی که انواع کارم اخلاق در ارم اشفاق ایله موصوف
 ذات ستوده صفات حلیه کمال بی نهایت ایله مزین ایله و کی نور خورشید
 مشهور و معروف جامع فنون دانشوری مالک ملک کلام سخنور درج درون
 معانی مستحوی جواهر زواهر مجامد و ماثر ایملو و محایف مناقب و مغاوی
 مجامع اصحاب باطن و ظاهره متلوبت و بر آمده برانده نصیحت شکاری
 انکشت نمای از با حکم و مشار الیه بابینان اصحاب قلم اولو شورا نشاد
 بدیضا اولد و کون کی ظاهر و هویدا در بویا آمده طبع عالی و ذات کی

نظم

نظم انخار ترکی بر کوشش و در شش ایملکه تمام مرتبه ملکیت و اقتدار اید او
 ایلیوب رقم زده قلم حکار و رشحات کلک سحاب رفتار کوشواره کوشش اصحاب
 عرفان اولمغه و زیور کردن هوش ارباب ادعا اولمغه لایق و مراد در نیرغاه
 کلک جان جاننده غمخیزان جانیم کلام کوشش ایستد و بیجه مشهور و سنبل فرک
 خاطر فاتر و عین صحت فرح فراوتی زرد الیه منبسط و شرح و عهده نیرغاه
 اول ذات کریم الحیا ایله صبحتر جمیع و منظم اولو عقیدیل و نهار کی سر رشته نصیحت
 و خالصتر منقطع و منبرم دکل در بنا علیه بوندن زیاده کیت پادبای اقلام
 میدان انکار کلامده کفایت و فراوان و بر کجیون منقطع العقول و مخلص اللیام کفایت
 ایستد غایت ایما نند عودت شام بلف استوده اطواری میخ و معطر و مثال ششم
 بتنا قلب الیه نیری و منفر ایملکه نصیحت سما نند که حریر و سطر اولندی

صفا و جوهرینی بدم که بارک امتحانیدر	دل و جانده انک مهر بری لطف نهانی در
نکار سینه می تیغ نکلک چاک ایدرم	طریق عشقده افرو وجود خاک ایدرم
تم غبار یو لکده کدر و بریر اگر	سروشک چشمه ریگداری پاک ایدرم
غم فراق و بلای عتاب ممکن صبر	رقیه میل ایدیک کندومی هلاک ایدرم
غم ایتمه بار نکلک کمان کبسی قدم	که تیر اهل افلاکی زخماک ایدرم
مکر واقف نشد از درد جان سوزارمن	که بیدردانه بگشت از برم امروز یارمن
ندارم با کسی کاری نه از کس بردم بار	همین عشق و غم عشق تو باشد کار و یارمن
سپردم دل بدست دلربا تا چه پیش اید	فکندم باز خود را در یلک تا چه پیش اید
دگر بر وانه سگشته ام تا چون شودم	دگر چون شمع سرگرم بجای تا چه پیش اید
بعد جا بستم از تار تعلق رشته جانرا	بر لطف کسست عهد بیوفایی تا چه پیش اید

محمد فخرت صحیف جلال فضل حاصل روزنامه مواهب و فضائل خطبانه فصل

محصل اموال معارف و فضائل سرد فتر کفایت دیوان سلطان فذکره مستوفی اموال اصفهان
 عالم علم و عرفانک خود شنید روشن ضمیری و دستار نشان باش از زره بر آید و بند زاده که
 بری در زمت عامل قلب میبندد در عمده اول معارف جمیل باقی قومیوت با تمام تحصیل
 و ایراد معارف کالات و لطایف توفیق و تطبیق با تکلیف محاسبه وجود سعادت بی تکلیف
 ایند که در صکره طریق بر توفیق علم ساکن و عازم اول قاهره طاهره ده قاضی و
 حاکم ایکن عزیز نیل رحمت رحمانی اول آن محمود طیبیدن ملازم او شد در اینجایله
 مدرس اولو مدارسه فضل و کماله امتثال او را از انتر سابق ایکن قاید تقدیر
 عنان عزیز تیرنی محنت قضایایق او شنید روم ایبندد کیشهر و سلا نیک و بونک
 اعتالی قضایای کامروا او تو بعدد دفتر دارلک عنوانی ایله مکرم و معزز و بطراف
 وجود بر نظر طراز دولت و اقبال ایله معلوم و نظر او که حقا که علوم و معارف دن
 اوفی و نصیب ستونی ایله خطوط صوریل فیضایل مرات صغیر حقایق تصویر بند مری و
 ملو طخوانه حافظه زنده نوادر و حکایات و لطایف تواریخ و الحاضرات و سایر معارف و حکایات
 جو اهر و تفاسیر سجد و غایا طزون و غوغو طادر بوقته دخی از مالش طبع ایملکه بی غیر
 دست کوهر نشانند لانی منظوم و منثور مرقی و غوغو طالمش بوزر ایکی اشعار المکرر

جان گلشن آفریندوشن بحالنه اول بافتک	اولدر در تیریزنگ یا تیریزنگ یا قاشک
ایمان اوچ سنک ماه تابانی نوزک	طابان عید وصله غره غرا قشک
شکر خوبانه فقط خوب منشور رفک	هکین اجرا ایلزدی حکم طغوا قشک
ملت عشق املنگ کجرا بی اول وجه و بی	ایکی طاق اولش انجانی مثل دبی املنگ قشک
یا دلی بستر در اول کاکل سنبل مویه	کوکل اشغه در اول زلف بریشان مویه
ماه هر کون قشقی طغوا سی نشان قره لر	مثل و مانند او کور او هلال ابردی
قیه عاشقانه زدم ایله دل سنکینک	دیگه اول شوه طاش اکثری اولور افرود

سنک

سنک قلم کل کلزاره شامه سرفرو
 قورایشیکه خاکنه هر کون سر مری فلک
 زینت باغ چهار شک جنان خواهد شد
 زال صدال فلک تازه جوان خواهد شد

نوی حال وجود روی جهان زینت زین او تو ساه جبینی مسوده بعدد سرفرو
 مستقر رأیت سپهر سلطنتی نقین اولو شهر قطنطی دندر نامی حسین
 بازار باشی زاده دیکله شهرت پذیر او شنید بازار زر و زکارده مبتدای خودی
 مزاد ایدو احوال مرموکده قیل و قال و بندر گاه جواب و سوادله تیر خانه سیم
 حاسده سنان و جویای سسال فضل و عرفان او نلر قصب قلم مشکین رقی بود
 چشمه حقیقی و ایقان اولو سنان ایندینک خدمتنده دامن در میا او لحنی
 خدمت شرفیندن ملازم او مفضل کسب معالی و حکارم ایتمیشد بعدد اعداد قضایا
 مالک محتمه و افراد قضایای شرعیه دن بعد و دایکن دایمه وجودیه بقصور ایندو
 قضیه بقا سالیه کلمه او شنید معارف خویه دن بهره دار و نظم اشعار دخی اقتدار و کار

کمان ابر و در کمان که ای مهر و هلال انگر	سوزک طغروسی بود در کمانی اگری خیال انگر
کوزکل قد و زلف و فلک مسلم در	ترجمه ایله کم عاشق بو عالم در

نوی مسلمانیدندر وادی بیل غله بویا و شاهد مراد و فرامنی دل جا آفرین
 او خلع جوینده شود یا بنده نه مننگ ظاهر و عیا او تو مجیدر که کند وی روی ستانی
 ایکن دیده جان کل معارف کصیل و شنایی ایتمیشد وارث علم و هنری با سنی
 تمام باشی برابری بر فرزند لطیف المجرى دارد در دایم مباحثه و منکام غره
 انکله سانسف و محاوره او تو معارضه بالکل او و محروقدن معارعه با تراج
 و التیوف مقامنه و ارر رید یاران صفا فرزندینی کند و سندن ترجیح و تقدیم
 ایند کلزنده بخشش عظیم جکردی افر بوبار جفا جکله طاقی بوخت و سندن کلمه

۲۷

بوزر ایکی اشعار المکرر

استطاعتی اولیوی ستمه غمان و غمانی ستماء ده عالم بقایه حلت ایلدی سلطان اجماع
 والی و لایه مکتوب وجود آینه جمال کمال حرم و انقباه افتاب عالم سلطان
 پادشاه سلطان مراد فرزند ایدیه الله تعالی و تواتر حد درجه عدل است و شیدارگان
 رعیت بر روز اول قدردان جلوس های چون دعوت و تزیین بقطعه تاریخی دیشیدی

ماتف عینی دیدی لوی انگ تاریخی	اولد اقبالیله داو عالم سلطان مراد
داعی زاتم حروف دنی بو تاریخی دیشیدی	سلطنت بولدی مراد دینی بیسیر

حی الدین ذات بزرگواری اولاد و اتحاد منافع قناری اولاد حی الدین اقبالیله
 حی الدین دین مبیند رال غناری الی هذا لان خاندان فضل و عرفان اولو تجاری
 کریم الاطراف شریف الاصول هر بری جامع عوارف و معارف اولمده ممتاز و علم
 کمالن اجل طرائف و مطارف ایلر افزاز اولمش و هر برنگ وجود معارفی
 موفوری لیالی زمانه مانند بدور اولو جناب فلک نصیب بلینی شمشاد
 روضه مطور قلمش در عامه رجای فرسان حلیه علم و کمال و ابطال میدان فضل
 انضال هر بری عرصه مساحت و مجاوره ده شمعان یوم اتقی لعمرو الله در منلای
 مسعود دنی منبع الوری والد یانه مطلع العلم و التصیانه کلام مجد و معالک جزو
 و کار مکارم و مفاخرک بدایه و منتهاسی وادی علم و در علم سالک مسلک سوسا
 اولمغین اسلا کرانه خلف رضی اولمش در ذات پرانتب انگ رتبه جلال
 جاهی اول درجه دن افزوندر که واسطه اقلام و اسطی اید تبیین و نص
 ریاست تاته و صدارت عامه سنگ صراحتی اول مرتبه دن افزوندر که تکلم کلام
 و توفیر مقال ایلد متفر اظها رو توجیه اوله ولایت روم و اناطولی معاصره عاقله
 اول علی جلیبک فرزند در خادم علی پاشا که حبیب و اولاد علما و فضلا
 زمین بانده نگاهشته و زایت رعایت اصحاب در آدوش موشنده افزا

ذات ملکی ملکاتی محاسن تک رضیع البک اولو کرامت اوصاف و مکارم اخلاق
 طینت پریرام اشفاق ایلد شریک العین ایدی منلای مرقومی فرزند ایلدینو
 لوازم و شرایط تربیتی کما یبغی تقدیم ایشد و کندن غیری زبور کون مدر
 شریفه بنا ایدو مفتاح تدریسین دست افاده سینه تفویض و تسلیم ایشد جزئی
 مدته جام مرانی رضیق انعام صاحب قران سید هشام ایلد طوطی شید که اولک
 بیش بل صدر اعظم مالکد روم اولمده و آل مایر روم اولمشید منصب ایدر تدر
 معزول اولمچق دست بجای و رتبت حرام و زیارت روضه بر طهارت سیدانام
 ایدر شرف و مستعد اولد قدس کمره مقلد منصب فتوی ایشد اندن دخی استغنا
 و استیفا ایلدوب معکف گوشه فراغت و انزوا اولمشید مرحوم مرقوم غنی بنده
 اکل و شریب ملازم و مداوم و حریص و نایم ماکل و مطام اولو معده گو یا نور
 ایدی که داخل اولو اطعمه حال سوزان اولوب وجودندن اثر نمایان اولمیزدی
 و یایر دریای عمان ایدر کساقط و لاقط اولو تقاطت بیکر اندن برانده نام
 نشان بو نمزیدی اخرا طموه و الوان عالم امکان دفع کسر سنگی و سد جوع تنگ
 امکان اولمچق ستمه اربع و چنین دستمایده بودار تحت مداردن دار
 الضیافه جناب انیم که و فیها ماشیه النفس و تله الاین در وفا که تیاخیر
 و لیم طیر ماشیهون ایلدینم ایتکه روان اولد امور دین و دنیا سنده نضلف
 و تعسف و تکلف و تعسفندن و آل مرتبه و سواس و جنون اولو افعال
 قانون شرع و عقندن بیرو ایدی هر متاع که بازار دن آترا ایدیه یا صاحبان
 ابتدا اولنه هزار باراب رواند یومیخه انی استعمال تمزیدی حتی مدادی نمی
 نیچد دفعه صوابه یومیخه قولمیز ایدی بو بابده غرایب و عجایب بید و شمار
 ایراد ایلد انکار اولمادی کلمات بید و کرانی و مرتب و مکمل دیوا وارد در بوا

اول ضابط شعار و ذرا معا کردار گفتار نندار که بر کا و میثابت اولدی	انغری با کلکله قائم نوش اید و اولدی
قطره خونم انکی میرنده قالمشدر نش	بجرا شکم کبری طومر کوری منک قائمی
پشمه لرا وزره کمر در ایکی قاشم بنم	او کر لکر حکم صبر جمیلی
ولی صبر کد داعی اورانی خوش	دلی جی دن اسک اولسون درد
مافرخانه نک معانی خوش در	عجب محبوب سن ای شوخ طنناز
دلی دیر بریم اولمز ویر سم اولمز	اولی دیر کور کی جی اینا نمز
لنگ صوغز سنگ انکا ملزم اولمز	
<p>فین جلی جلال خود بر کالی قصاب دیار فراماندن نیکه دلیکل عنوان بولون قصبه دن ظاهر و عین اولمش در نامی محمد در اشعات انوار فضل و در عین اب جهالتده کراه اولراه مادی اول استاد شیخ الاسلام مرحوم ابو السعد حضرت نیک فرزند فضایل نهاد پرورش کلشن دانشده سر آمد اول مرحوم جلی نیک ایینه ذات معانیینه مقابل اولمخود صورت ملازمی طلعت فاولاد قدن صکره سالک مسک قضا اولمشید حال قضاة قصبانک بنامند و کرم و در و اید طایفه مزبور شهرة ایا مند جلی دور اس کمال معارف و جتنی شمار اشیا لطیف سی صفت سخن مرده لرینی اصیا ایملک لوله اقلام منکین ارقا مند چشمه راب حیاتی اجرا اتمدر در روش سیر خنده روی کشاده صورت مطروح الکلف صحتی خوان خون و ملاادن کسر و مثال ازاده و مرآت بحاله سی غبار الام و علمودن سادده اوقاب نجه ساعه تحصیل فضایل و عرفان مقصور و محصور انواع مکارم و فی اسن اولمش و مشهور در بوبر ایکی اشعار بوجلیه نبت او بیخون اختیار اید کلکی گفتار نندار</p>	
سندن یا نوب یا قلفه جانا ملکه	طوبدی دضان الش اهم فلک لره
کوزکن یار بن بیمار اید اهرسته	دیدیلرکم اوللو اولد جان کوزدر خسته

بوی

غریبه ایا خواجده نوار کومر یز	دو سگده طلور در امن چشم تر یز
لطافتدن او بویچه فرزد بر آورد	اجلد باغ زخده بهار شفقبا لو
جانه خواجده کوز و چین بک اول ماه	اولیه صاندم که اینوب قویم کوردی
اولدای بنجدین بجر کل خسته هزار	کل شر اید علاج ایتدی طیب کلار
کریسا او ما یک مطلع مهر لطافتدر	اولور انده جالی افتابی هر سحر پیدا
مازکن صفت قند لعل هر نیک رفاه	یار کد لذتدن اولده اولد کفت پیدا
<p>فخار سادای عمیم السعادتک مرتضی و مختار و عورت ما ستمه نک ذات ستوده اول و حمیده اطوار امیر ما شمینک اولمدر که سابقا مذکور اول امیر نیک بر آورد در غلت و بیبا اظهار خریدار و دعوی طیار انمکل عتای بی غایت محض با در یاری مراد و مرانی الکتور سید شو از ناه و بلغا و اید تحصیل غلت و بیانده و امن اولمخله صنعتی فی اجمل با شمه تیور مشید بوبر ایکی اشعار انک گفتار نندار</p>	
باده نوش اینم کل اغیار له دیریم کولور	مدد اول لبر طیره نتر دیر اولور
زلفین نسیم آجوب ایدیه می خدین انکار	اول کونی کوسر و جیب با کوز کوز
بزم چمنده لاله حمرا ده زاله لر	فخار جام مجده کور نیور حباب وار
غریبی بجر فراغ او یاره ایر مزال	امید وصلی قوای دل کناره ایر فال
قالبوب قیامت ستر بولنده سایه کبی	ایقده قالدوم او قدی صیاره ایر مزال
لبن سترین نوله کشف ایت کفت ر	سوزیلا چلور عالمده اسرار
اولمش شفقه سی اول کاکل عنبر بارک	وجهی وار اولسیریشان نوزده لم
<p>مدتس حق شهر طرا بزانان طالع اول بدر لام خورشید اسمان قولا کوب رختان جهان هدا شریف اخلق و کرم الحیا منظر انار و کان قوتیب اول کونی افندی کدر رغر مود و و دادار شسته عروق و شر این خلق جهانده منک اولشدر</p>	

مقدمه طریق علم ظاهری به سلوک اید و سخن سعادت در مدارسی نماندن بری اول
 عالم علم و عرفان منزل اشیا اولدقه تعلقات بیوگلا و کلا در اصحاب ننگ
 کرد الیشنی دامن خار رو جانلرندن سکوب ذیل وجود کرامت مثال خاشاک
 تعلق جاه و مال لدن قورمشید که ذات قدسی سفار و تجرد ناری جماعت
 امیرش و اجتماع قابوب خلوة بتسل و تقطاعله او تورمشید حوالی سطنطیه
 بشک طاشنی نام موضع ده متمکن و مقام اید و مسجد و مدرسه بنا اید و اول اشاده بود
 اعتذار اید و دینید **طاش** همانک ز غزیه الذانوب خلق قزل یا شیلر بر اغیل او نر
 حضور طفلی بوق استوبن بشک طاشنده طر اغیل او نر میر و وزیر از با خلق
 ارادتن و صغیر و کبیر اصحاب مجلس افادندن او تو آفرانده دینی اید **طاش**
 خلاص بویجی الرجال بحبال کواسی او زره یور ز نام موضع ده مکان اید
 انده دینی مسجد و مدرسه و تمام بنا ایشیدی و ادرت ملک یکما فرمان فرمای
 مالک عثمانی مرحوم **طاش** سلیم نانی خد متلنیک مرحوم مرقوم محبت عالی و خصوص
 جنانلی او غین حرم سرای قلب بند کوار لرن اشعات نصیاح فیض انار ریل
 بر انوار اید و لالی کلمات حقایق شخارینی گوش اوشلرینه کوشوار ایتکیون حضور
 مجور رینه دعوت ایدرد و انز صند در و نلندن لالی ابدار تشار ایدر
 خدمت شریار کوشش اذعان اید قوق طور ایدی سنه ثمان و سبعین **طاش** ننگ
 اید و ضعیف کننده کوشند جان بو نمندی قربان اید و بیگ کویان احرام
 طواف کعبه جنانه روان اولدی اکثر کلمات جذوبانه و بد لایانه در خلص فریوری
 موثر اولد و دینی بو معنای مشور در بو ایستاهزل کونیه می غایتده مشهور در

تمام کجنده دلاک بریش کورده باشه	باشدن بنی جعدی د ایلدی ترانه
باشومی آسره ایلد و ندر دلا ازاره	فان بشدن ایش اولد ایشد و کلدی

کوز قید و غومی کور مز دین قصه و **طاش**
 صبرله کوردم اولمز ایزد بچی سکوب
 چالده آسره رطاشه قصه ایشد کلدی
 اه ایتمه ای ایش بود کلور کورده
 فرما دیکدر رکه کونکم صاللا بنم
 وارلق تو چون بر در رشادی ندر نام ندر
 نفس مقید تر ایلوب قدو ایز او لیس

خلصی صاحب قران ز نام مرحوم **طاش** سلیم خانک او علی سعید و همید کشته ایش
 طماس عنید اولد مرحوم شهادت **طاش** بایزیدیک مقدمات خواجی سی اولد جعفر
 افندیگ او غلی در کند و دینی شهنشاه مز نورک محبت و فخلصی او لغین بو فخلصی
 اختیار ایشدر با با عالم عقبا به حلت ایشد کده اختیار کوشه لولت و انشار
 مقام قناعت اید و یومی بکری اچی اید شد اید و عیب مناصب فر ایشد **طاش**
انکدر اولورین ایزترین سورین جانم این طیب دل و جاد در لاله در نام سن
مد زمره سپاهی دن اعیان بندکان درگاه عالینا بدن قره طی طلی
 دیکله مشهور در سپاه و بیکر کون خدما سکت و مرآت خانک متصرف
 او تو او افر حالده سطنطیه **طاش** ده امین بیت المال او تو شجره وجود
 بوستان حیاته متورف ایکن ترک مال و منال اید و بود ارفنا دن کلزار
 بقایه انتقال ادر حال اید ساغر کلک مدام کیفیت اید مالی و عقار اشعار
 سوزش و حالتدن حالی دکل در بو مطلع انک در
 کوه غم چشمه سیدر چشم کرباش دکل سطر تاریخ در او سنده انک قاش دکل
مد خضر وارلب در یاده فرار اید و بلدان جهان ایزه صد لطف در کنار

تمام کجنده دلاک بریش کورده باشه	باشدن بنی جعدی د ایلدی ترانه
باشومی آسره ایلد و ندر دلا ازاره	فان بشدن ایش اولد ایشد و کلدی

۷۷
 ۷۸
 ۷۹

ایدین کلبو نام مقصد برشتهار دندرنانی محمود در محرم سنج اسلام همتی الانام
 موطر اذان الدهور بلانی کتیفة ومقلد اعناق الشهور بجوهر ترفیفة
 عالم العلوم با رسوم وحدود مولانا استادنا ابو سعید خدیو متلذذ دولت
 ملازمت بهره ور اولوب منظور نظر اکبر انزلی اولمشید منغل شب فروز نجوم علوم
 استدالید واصحاب افاده وندریه اقتدا ایستد کنگره ولایت کفده
 متصرف خدمت فتوی اولمشید حالا مولوتیک کوتا ایستده خدمت قضایه سبتر
 بدایع بضایع معارفی اولدیارده ناسرجم الفضائل محموده لخصائل فضل
 وکمال ایلموروف هر یادی و صارد در بوشو انکدر

باده می نقش کرک جانی بی یارک	دوه طایف در اوغزینه دروسن اعیان
نعلی نقش کوزو ای مهر عالم خاکده	شوقدن نعل کدی ماه نوا فلاکده
مهر خاری صفت ایست او بهک مطلقه	سراعدانی نهایت اگرسین مقلعه

مدی بدیع ذات طیج صحایف الکو انده صریح و رشک ساهه ابر صفا سند رویان
 دایکار و جوی اولان شهر دلفوز نقیبه سیر و زدن ظهور و بروز ایشدانی
 مصطفی در تحصیل تمام لوازم فضائل و مکارم ایتمک عازم اولوب قصر مقصور
 معارفنا محصورده مقیم و رازم اولدقده سیف صادم جامع المناقب و الکرام
 منظر کلام لاتاخذه فی اللدولہ لایم قاضی زاده افندی خدمتده دایم وقایم
 اولوب بعد مرحوم عطا افندی خدمت علیه سند ملازم اولدقندن کهره بعض
 قضبان قاضی وحاکم اولمشدر حال قضایه شهر سیر و زایل فیروز اولوشد
 علوهم اوزره توفیق فضل و کرم و کثیر قدیم و حشم و مططاق و عنوان اول
 امثال و اقرا میسند حینی نام و نشان بوشد فضل و عرفان اولدق خلق جهان
 معارف و کمال ایله آرا و ظاری کبی باطنی دخی اصفا صلح لطف ایله سیرا در بوشو انکدر

نیلور قامت دلجوک المن باد سحر	او بر او اوره در رکندی هو ایستده یلر
کوسن کر سه باد سحر خیز نجمیدر	بر خوش خرام سر و دلار اصلندورر
بران ایدی عالم رخ دلداره لیکن	خط کلچیک کورمشت دوتدی اولانی
ان سنکده اولان حالتی کوردکده کوزم	بتلا در دو بلاه منی اولان ایتدی

طیعی مالک جزایر کلیدی اولغدر اس اروس و صفا و مقانت برج و بارکی
 وصول طوب هوایی دن مصون محروس اولان جزیره رود سدندر بستان
 زاده افندی خدمت نیک خطه فضل و عرفانک طیعی اولغدر غرق در یای طیعی
 اولبو خدمت علیه لرندن ملازم اولدقندن کهره قضبان ولایت اناطولی
 قاضی وحاکم اولمشدر شیریه نجات دلیر و صلاصلا در حرم مصطفی پاشا
 ایران و توران ایچون غزم کیرددر ایدو صحرای ولایت شیروانی و کیشک
 بدمشارک باشی ایله لاله زار و نهر ارس و صیحه اولان طایفه باغینه نک خونی اولر
 سرخاب ایستدکده اوردو همایونه قاضی اولمشید حالادنی برنج ماضی اولد
 قاضی در اشعار بجد و صفا و مدح مشایخه خفته بگرنده برکتنا وارد روبرو کی ایست

اول کتابدن در حق بتلا	رشته نظمه کچورن سجه	شهر وجوده کورن تحفه
مغیرین باده کلغام ایون	جنس تراکیبی انکاجام ایون	شبه نمود کرفی مدخنده
اولمشید حضرت کرفی بکر	خوی پسندیده ایلمتیر	ذاتی کالاییل موصوف ایدی
نام شریفی کیمی بر و ایدی	هر سخن در کبی مرغوب ایدی	لوحه دلده سور کلموب ایدی
نام لره نامی انک اولدی	نام لرانک قنادیل اویر	هت ایدر نام لره پیروش
منزل مقصوده وارریر و تن	حاکم یوز سور کچون کلچیک	چونکه کل عاشق بغداد ایران
بو مطلع دخی انکدر سه	می ایچک ایچون کله در میکیوه	ای ایله ایچی اووم کوزو کوزو

رد جمله رجال و مرد عالم علم و عرفانک فردی اولغدر متب تمام مناقب و صفو

قورق یوق

اولاً قصه مناسرت در تحصیل فضل و کماله فی الایام کمال اشتغال و فقیه بان ذی
 فیتله بهدیه در غله اشتغال و زره او بود انتمند اولدده افندی
 ملازم او تو طریق قضایه ساک و عازم اولمشدر حال میان قضایه مجازات
 و حلیه کماله ایلمروف بر ذات استود صفات شرقی ضمیرند خوش آینه ایست و طالع
 لامع و طالع اولمشدر بو شاعرانکدر

مردم و نیک اوغلی در زمره بندگان عجب سلطنت و طایفه سیاه ظفر پناه جناب قانیندر
 زعمی زمانه سنگ فرد و میدان اشعار و دانشانکدر در زمره نیکو و اولوب بدیع
 کلامی وارد در خط ای معناه قادر شاعر و کج بو ایست انک گفتار نماندر

دوره دن جمعی کون رضای تابی بنیدر	قره کونر کونر با تمز لقی شبنیدر
سنگ بوزنی بره دوشترن کاکلیدر	غنی کل کی ایل دین انک لبیدر

مرا می مطبع سلطنتیده اباعین جدا شیز این کند و می حسن خطده مثال سیر او
 داخل زمره کتاب یوا اولمشدر اصل انواع نم سلطانی اولوب امثال او اتانی
 میانده مکریم و مرزا اولمشیدی تحریر ولایت حمید ایل ما مور او بو متصرف خدمت
 فر بور این نال جا و امیدندن میوه مرام و مراد حاصل اولدین و یا به قدر
 نامواک مسؤل اولمشد و اصل اولدین دفتر عمری دور بیکو غایت تجلیل و شتاب
 ایل عزم جناب سر و حب ایلشیدی شامی نام دلبریم اندام تر و ارفع است
 طالع ورق اولمشدر منزل منزل حرکت و سیر ایدر که قسطنطنیه تی روی بی نظر و در
 ایدر شک سپهر برین ایدر و بیل کلستان غت اول زمانه غزل سر انقل و طوطیا شکر
 قصه اول ایامده شکر خالقا ایدر کلر نه فر بور بویی حسن قبول ایل منظور اولمشدر
 کلدی اقباله بعد یوز و زوز اولمشدر ایلدی شرف او جوان شامی

رومی

مردی اب روی حسن و صفا اولمشد جوانان بر صبا کی آب خوشگوار ی مانند سرب
 سکرین شیرین و کاکل بر چین دلبران نازنین کی و ایدر جانفرا می نافرمان
 مشکین او کوب چشم اهووان ناز و جمال کی سواد می لکث و فردوسین
 مانند سگ مردمان حوری لقا اولمشدر استنبول در ندر نجه زمان غلط استی
 اولمشد بعد بوریند فرزار اولمشد و انواع نکارم و اخلاق شهره داور
 دیار اولمشد علی جلینک فرزند بر علم و ادبی در تحصیل علم و کمال مشغول اولمشد طریق
 علم استعداد حسن قبول اصحاب فضیله موصوف اولدده قضای استنبول دن
 تقاعد ایدن ایشی زاده حسین جلینک مایده فضل و کماله خادم الموعده مستوف
 نعمت و او اتانی اولمشد خدمت عالیست ازندن ملازم اولمشد قسطنطنیه مجیده
 متصرف خدمت بندر فیض و عرفان اولمشد بعد کار بان اهل ورجاسی
 و ادبی نکت قضایه رو اولدده قضایه قضایه اجراء حایز قضایه سبوق اولمشد
 عنوان بولوب بوزمره علیه میاننده ضلی نام و نشان بولشیدی حکام میان
 خلق جهانده مردم دیده کی مقبول منظور و کمال انسانیت ایل بین ظهور
 مذکور در اخلاق حسنه و انفاق حسنه اشعار دلبرانه کی مدوح و مشهور
 دام و دانه نقطه و خرد ایل تذروان معانی طبع مالموتی شکار و لالی ایدار
 نکرت و انظارینی شار و ایشار ایکله سهی قد آن غت و فصاحتی در کنار ایدر ناظر
 نکت اشعار دندر بو برایکی اشعار اول شاعر بر اقتدار کدر

یاره شورای به سپهر جمال	قمری یاقه اولمشد ساک هلال
بو عید عالمه در بادله درد کوارین	عشقکدر ایشفا سنده کویکل بیارین
افتاب عالم ارا طوغشده ای بری	خانه دل مهر خضر کله بر انوارین
خواب غفلتون اوینا مشد چشم کاین	بیا عشقکدر کوزم بر کسفت بیدارین

دانی صورت بولمندی در عالم ای بریا	رشته زلفک میان عاشق ز نارا یکن
اورمندی دانی جلاد قضا منصوره ال	دار عشق کده نگار مردی بردار یکن
شاه با طاق کسری ن شاند اول ای	یا خود دیوار حسنه نزد باندر اول ای
بگش دست قضا سبب انگش تیر در غمگ	بگش دست قدر نده کاند اول ای
شاه حفظ ایتم کجینه حسنگ طلسمید	تورش ای تیغ جان ستاندر اول ای
بری برین با ش او سر کجی کشتیکر اسما	ملا عرصه سنده بهلو اندر اول ای
باشه صفر کار عاشق کجی باشدن	کجی باشد عاشق در حلق باشدن

مستی اورند در بخانی بیک زمانده مانند یوسف کجی حسن جمال و صمیمه دانی
 کمال ایله مشهور جهان اولو بخانی بیک پریشان کمال غیرستی و کشته صخری ایله
 چشم مستی اوغین کند و نک حال بر بلانی و مزبور جهان کمالی خلق عالمه دانمیزد زبوت
 اول ولد ندرت یا کوز بن دکلم هر کجی دیوانه درر سن بری سپهره ملک منظره کجی
 امروز نوجوان ایکن سلطان بایزید خان زمانده جام جام ایله مست و
 سرگردان اولو و دایه سرای جهان ایشدر بو شترانگدر

بنم صراحی کبی ساه تا جدارم یوق	قولی یم ایگک او یکله اقدارم یوق
می است صوندی اولو روز ازل	ایکلدن اول منیم رخنی غارم یوق

مسئله ذات شریف ملک صفی عظمی معارف ایله مهر سپهر معارف بلس کلستان طایفه
 مرکز فضل و انضال محیط نطق و کمال اصحاب معارف و کمال انگ مسلی دار باب
 فضایل ستوده صفاتک فقد رانم هر دو فک منزل کرب و غمی اولانم بجای و بجای
 منشا قضی بر است شعار و محمد فضلاً حقایق دینار صفی اشجار طیبه ایله محفوظ
 و ریاض بیعت انبار جنات بحری کشتها الانهار ایله موضوع اولان قصبه اسپاره دند
 تحصیل انواع فضل و کمال و تکمیل دایره اصحاب معارف و انضال ایله و حسب العاده

علم آخر مؤلف

سلوک

سلوک طریق استغاده ابتداده جناب کتباب مفتی الانام صحر العمام و البحر القمام
 منظره دقایق اسرار التاویل کاشف حقایق انوار التنزیل المطلع علی خواص الترابک
 و المعانی والوقف علی غوامض لکت القرآن و التسمیة الشیخ استادنا ابو سعید العماد
 حضرت نازدن نایل ربه ملازمت اولدقدن صکره سالک طریق بندر سلیم لویب روز
 قصر معتبر بنی تشید و تاسیس اوزره اولو قسطنطنیه بجهته ده فرق ایله بندر
 ابراهیم پاشاده مدرکین **تذکره** و ایچون آیدار ایشاق صلی بول مشهور در درو قضا یافته
 دیوب کجی طبع معارف اقتصایله متوجه قضایه قضایه قضایه قضایه قضایه
 خدمت علیه لرینه محض قضایه و عین معارف اولو قضا او طار امانی ایگک استرا یکن
 قضا اسما اولد ایکن نوشته اما سیه قاضی سی اولدقه شهزاده سلطان بایزید
 علم نصیب و طبعی افزایسته و سنگ فلکین شرو شورینی اطراف و اکناف انداخته
 ایدو بر قاج اشترار بکردارک اغوا و اف دیله عقوق و الک سعادت نهاد کندو
 پیش نهاد ایلیوب قرنداشی سلطان سلیم شهر یار ایله ایگک جنگ و بیکار ایلدکه والد
 بزرگوار می صبا قران سپهر اقتدارک دخی سلطان بایزید بو اوضاع پسندیده
 حرشیده خاطر شریفی مغرور مات قلب صفی مکرر اولمشید بنده علیه
 نصرت مائردن سلطان سلیم معین و مهر کوندر و کده بایزید شهنشاهک صدمه تیغ
 جهان کنایه مقاومت قدر اولمچی کاتیم عمر مستفوه قوت من مشوره مصدوقه
 حالی او تو دست اختیار و صطباری پنجه و چنارکی لرزان و ابرصا عقیه یارکی
 دیده و دلدن اشک ریزان و افغان کنان منبرم و کز لرزان اولو بوم نغمه المر
 منضیه اتاری ظاهر و میان اولمشیدک شعر برداشتم دل ز امید کی کاشتم
 بر برداشتم زخمی کاشتم تر حسب قران ز نامر حرم سلطان سلیم خان شه بایزیدک
 من ایگک فحوا سی اوزره طغیان و عیب ایله انقباضی و حجاب دل و جانک کت انقباض

واذعان ان اخوانی عجبه علیه ورسیده به عرض ایتمدی دیوژال ایلی و بیجا زمان
 ماردن مایوس و م انواع غموم و غموم و الام بی انجمله موسوم اولمشدی
 اخوالا موسوم نوز وزده که اقبان بار و اعتدال میل و نهاره روی زکار
 خندیده اولتودرختان بوستان کست زنگین عاری ایلی یکدن بس
 صیغ پوشیده اولمشید و شاهدان کلستانه مخور و سرکران یا تور ریک جام لاد
 زرین قدح ایله کل کی شراب رغوانی نوشیده اولمشید موسوم لطف انارده
 انجاری اختیار حرکت ایدره سزاواردر که زمره طرب انگیز ایلمی خوش
 اولمشید و ابکارین باشلین پرده دن طشره هجره سر بریدر که ترنم دلاویز
 ایلی فخته غزلخوان اولمشدر اطفال باه کوزلین اچوب خواب علامدن بیدار اول
 وجهی وار که هر صوبه لریوزلینه ابر بار نثر باریه بوقصیده لرینی سوندقه
 جریده جوام و کناهلرینه رقم غفوه و ان جملکله ریاح افراح چمنزار قلب معالی
 وزان اوکو غوغو مضطری درم و دنگ اولمشیکن نسیم سرد و صفیای خندان اولمش
 ولاده هر کی سوزنه دل ایکن سه غنچه مثال شبنم سمرت ایله خنده زنان اولمش که
 اول شاه عدالت عنوان قضا محلی بخد و دشمن دیوجناب جلالت نشاندنینه
 احسان ایلی بو ابیات اول قصیده بلانت سماندندر

صلا عیش بگرد و رسان دلا اکنون	که دست کنت جو کرد و ریزه بوقلمون
نقشه و کل سبیل شکفت رنگارنگ	شقایق و من ویزه رست کونا کون
سوچن حرکت کن در ابتدای بهار	در ابتدا متغذ بود از آنکه سکون
حالا دخی زمره قضاة اسلامه حالی گاه کسر غزل و رفیع نصیب زده منی او کوا	
بو طور ایله عمر کج و بجزه طیبه وجود مسعود ما و کیموه خلود ایله شاد اودت	
امید معانقه عروس عمر جاوید ایله کایه در حقا که اشعار غت شعار و کنتار	

قصتا و ناری فصحا و مخالفین بجد و شماری کبی مقبول مستم و کلمات برات اناری
 مقبذات ستوده املوار کبی صین و کمد مدام اشعار غت نظامی صرافی
 بال و انوبه اولمشد جام کست قزای عبارات و کلام مصوب اولدی مقبول قول
 اهل غت منسوب و بس اسرارک و حساس اصحاب برات با کلمه مستم اولور
 بقیه السلف صد لالی بفضل و شرف عدیل نظیری نادر شاعر در مرتب و کمل دیوان
 ترکی و فارسی ابیات غت عنوانی وارد در بو اشعار غت شعار انک کنتار نندندر

تبع عشق یار له سینم کور غزیناره دن	بن قوی در دو بلا چون بر آتش باره
یار ایله اختیارم کیتدی عجب دکل کم	یاد ایله کج اسم بی اختیار کریم
ایچ یوزک شهر نور یاب اولسون	چوز صبح دهر مشک ناب اولسون
خط رخسار یار و صف ایله لم	بیک گلستان دگر کتاب اولسون
مسلمی بندن اولسون دیر من	اولسون ای شاه کامیاب اولسون
ایین صور بر صلیح قدر دیدو کی	اوتمش رقیب اوزماندن بر سور
خمرک او قند پادشهم دل سپر اولسون	تک بن قولکه بر کوزا و صیل نظر اولسون
برکز اینک کلمه ویرانه بهر سنگ	خاک قدمک دیده به کل بهر اولسون
محبوب و میه توبه بیورش نه زاهد	بیورد غنی ایتمیم توبه بر اولسون
کیمدر در دیرک خنباراه هر یکده شها	یلدر بر بر سیکدر صحن چمندن حایه
بوی زلفن کتور رسین بزه اولمش برک	ای نسیم سحری سوبله الدق خبرک
در دغه بوئے سلب طنان کرک	ای طیب جان مدد اولدم بنگا در مانک
خضر و شایر شکواب صیات لعلکده	بج صبر استون بر آدم اکر اولمش جانک
مسلمی یارک اف قد قاشی نونی بیتر	غم دکل خال و خط اولنه کوزله آنک
عشق دل بر یکا طعینه اعدا بر یکا	اره ده قالدیم بنی ایله خدایا بر یکا

کیند بر بولبلجون رو و چون نشان ماه تابان بر کجا مهر دلار ابریکان
 خواجه عطارک دریا ابرارینه تنج ایندوکی قصیده بلاغت شعرا نندند
 سرور از تاج زر بر سر اگر چه ز نور است
 ای بس سرها که رفت و ماند خالی از فرش
 با طبع کاران اخوت چون آب دوزخ است
 عیب بر دل من چون سیم زرداری کف است
 راست در وزن تنی از دغل لفظ و سیر
 عصر بوم جمعه ماه صفر تاریخ گشت
 هم بدین هنگام ورد ز انجام کارشین
 سببی زمینی تصادم اثرار و اضداد در دور و هوای غایت اعتبار است
 و اب پر صفای عین جبهه زلال و مغرور او بوی حوالی اسکو بده برشته دیکلا
 معلوم ظهور اولی لقبه صفا موفور دندر سی صفت سخن مرده لرینی حیا و مزایا
 اقلام مشکین ارق منند اب صیقا اجرا ایندو کی چون محاسن زبور اید شرت بزرگوار
 سزادر و کلام روح بخش و اشعار جان پرور اید اولی نظم بلاغت کسره مشعانی
 دینک و ادب حقا که جمال صور احوال مرآت قیاس و قالدیه منظور نظر اهل کمال اولی
 زبور معادل همانل و مشابیه و مکمل ناظم بحر حلال و شاعر ساحر درین مقال جوده
 منقده وجود و صورت نمای مرآت حضور و شهود اولی مندر وقت خیال و لطافت
 نزاکت مقاله عدیم النظر و شعرا در روم بجزه ثبات نشسته دیکلا لایق و جدی و ادب
 غلت شعاری مانند خورشید فلک اثر عالمگیر و شهرت پذیر در دیوان لطافت
 عنواننده جمع اولی ضلیل معانی بردیوانده جمیع و سما و صحایف ابیاتنده نمایان
 اولی کو اکضایا بر بریده طبع اولی مندر دینله بدیع دکل در اقام قطره مهارت
 تام و خوش نویسنده قدر مالا کلامی اومین مرحوم علی پاشا تک کاتب دیوانی

و عطار و صفت محراب حکام جلا عنوانی اولی سید اخوزیر زبور کسب بجموعه کلکی
 جمع اولی ابیاحیا و اوراق منبر خزان کسبی با دعات ایل تار و مار و پرچم
 وجود بر فردی صرف فنا و تکبای تکبای پریشان روزگار اولی قدوه مرحوم
 تاج زاده نک خاکبای تاج سر انگلیون استان زرتنه التی ایدو اولی ابیاحیا
 قبا ایت و انما ایت سید کاتب دیوان لفظ اولی و کسب بجموعه زینت کافق
 بزرگه غزاه عام قصیده بر مهر چهار ادر در دیوانه زین و زین غلغل و صد ایت سید
 خواب غلغلدن او نیما نغمه عیون از تار
 شویله جانلند بیل از با چنکم سروک
 کلرک انگلیون عارضی و صغن محریر
 کوشش مانی بطور صفا که کشدن حلقه
 فاخته چونکه اندوه بومیشدر سروک
 میر تقی میر عینی نشانی پاشا
 سبب و نظکی الدجی الینه شورا
 المزم اغزیه بن معنی و خاییده هیچ
 جسم خنجره کی جان غارینی اولی و چون
 هر صوبه لریوز لرینه ابر بهار
 اینی باغده او کاسه ایدردی رفتار
 موجدن مسطر اید نمش صنایع انهار
 نازل اولی صوا و زره قطرات ابطار
 اوسته مدح او قیوب اولی هواداری
 که آیره مرفضه نشانی خدنگ افکار
 دلده سببی اولی هر بر رنگ استغفار
 و کلم طفل که خاییده اید نیم افطار
 در برنگدن ایدرم امیکده بر غرت و عار
 اخوکار بر قاج بیک ایتیمار ایل روزگار کسب بجموعه
 بقا اید و تخت ملک فنادن خلاص در ما بولدی مسیح فوت شد تاریخ و قفا
 بوبر قاج ابیاحیا غلت سما اولی قدوه شو انک کلامی نندند
 محبوب در دهره ویرن رونق وین
 ان کرک محبوبه کانی ال اوزره طوطی
 کربود فتر کیده کلمه سببی مثلنی هیچ
 بتلرله بولور نیت که دیرک ایچی زینت
 یوسف بر خاندان دانی بونور کوزیلش
 بیرینه اولی کلو یا زلم که اولی لفظ تراش

خیمه عشق اورد و خالده قحط طبع
 سحران کوز لب جو نکم یا تو قدر جان دل
 معلان با یک یار نه دوش که شرایه شو بدکم
 بو اولی نعمت دکلمیدر مسیحی بیره بکم
 قیگده شو لقدر قانینا قدی کوز لرم یا
 اگر سهوا یلیوب او یکنیمدی لعلکه خاتم
 کوز و صندرم دن سیه نقاب ایدرم
 بو قطر قطره دوشن اشک چشم دوشم
 خانقا اچینه زاهد نیته کم اوراد او نور
 سوز سندن قز از ور خری زکمان نور
 کیمو بچوق یا ندون برک لب اینه کوز
 کوهله هر حویه بچو کی کسی قونوب
 مسجدی قونوب او حق حجاب نه نور طوطی خلق
 سنای سجا عتده رسم دوران اولی صبا
 وزیر اعظمی مرحوم رسم باشانکه کتخا الرندن
 مصطفی کتخا انک نمال دوصه بر صفاد
 هبط انوار ظاهری و معنوی حظیره جناب مولوی اولی شتر قونیه ده
 نشو و نما بولتو درویشان دریشان خوش خوی ایل مصائب و معاشرته
 بکدره بکروی او اعلی شام دل و چار و ایچ فرفرو فنا ایل خوشبوی اولی سید
 که قرق الی بیک اچ زعاسکه قنات اید و از دیاد منصب معال یکن خدمت
 اصحاب جاه و بلالده ترکنگ و بو تمسیدی حقا که کلمات بر بلا و بیایه مشام
 جان مسک و عنبر کیمی محرز و معبر و اشعار غلت شعرا مانند عود قمار دمان

خلق جهان معطر اید شعراء غلت کستر دندر قبای منقسی طراز سیاد معلم و اوصاف
 کریمه لرینه شرف انما جناب نبوی منضم اولو اشعار با کمالی کبی قران و متالی
 میاننده علم اولمش بردات مکارم شیم و معاکم در بو اشعار انکدر
 نه غم دل نه غم دیده گریبان دوشم
 بوشه لکیر کمال کماله عیان دوشم
 شوق قدر آرایه بین شاد مقصودی کم
 جنت وجوده طبعم خشن میدان دوشم
 چکرم غم چکرم کوز ورم خاک قدمک
 اگر ای نور بصیر کل صفایان دوشم
 کیدمی فکر لب یار شامی دلان
 کاندن بیچ اولای لعل بدشان دوشم
 خط بصیرت رو دبری بن قشده دوشم
 افشام ایشدی سیر کان کشته دوشم
 سینه دن خاک دل حیران حیران
 انکدر در اسک دکل معان مها اوسته
شیر استنبول دندر اطراف واکنا فجا باد بهاری گسری کنت اید و سوز
 مایل طریق صیدر المخله خلقه اراد تلمی کوشن جاننه بچوب اول زمره
 بنده حلقه بکوشی و جام محبت و سوز نمود تلمی کنت مست مد هوشی اولی سید علم
 اد و ارده دخی صبا اقتدار اید او کار حضرت لطف سلیم خان ثانی کتخا
 سیم اولمدین مغنیاده ایکن استان ملک نشا لرنده در یوزه لطف و نوال
 انکلیجون رویال ایلد کده زحمت اجل رویی روی مال کبی زرد اید و خاک فناء کوشم
 فراتکه ضعیف ناتوان و در دنیا کم بن نکلدن شهره شرف یاره باره جا کچاکم بن
 کیمی اولدره ای ایل اولی نفس آقا بو بن اوللو سین قتل اینه که هلاکم بن
مصطفی غایت عقل و سداد و نهایت فلاح در دایله شهره عامه بلاد معلوم
 جمله عباد اولی خدمت مخدوم حقایق بناهی نظر انظاف نامتسای ای شهباز
 هوای نفس عرق غنقا د قاف حقایق و ایقان جهان کالاک در یای خطی
 و عالم فضلک قافوس و سبطی حال لطف سلیم ماضی مدرسه ایلد استقبال ایدن

بوشوا انکدر

والی هذا الان نجيب مدارس عليه دست و جوی ساد فضل و کمال ایدن مالک ملک
 هوشمندی مقدما شام شرف ایجاب متفاد این انتقال ایدن قافله جلیسک
 فرزند سعادت مند مصطفی جلی افندی در ذات ممتاز و مستثنای زمان ضیاء
 سن متمیزه بالغ او نجیب ضیاء فضل بجای بالغ مالک اولدقه خیرال انبیا
 منصف بالابا فی اسی اوزره نظر اسرار حکم و کمال علم و فضل اید مقبول استلم
 اولقی ایچون اقدام اقدام با باری کی طریق سعادت رفیق علم مالک اولدقه
 زبده علماء ایام شیخ الاسلام و معتد الانام مفتی کتاب کریم سجا و جیره
 مرایای مزایای فرقانی مولانا و استادنا ابوسعید اسکنة الکریم الودود
 فی صدر خضود و طبع منضود و ظل مدود خدمتار دن ملارک سعود اولدور
 بعده مدار عالی و مراتب سایه به اتم ایدو و صف جلیل و خیر لری بوجلیه سواد
 و تحریر اولدوقده مدارس سلیمانیه دن بری ذات فضیلت کسرت زینة محفل مشوی
 حقا که انواع فضائل و معارفه محلی اولغله بین الاقران ترغ و معنی مرات
 ذاتی مصقل کماله محلی علوم عدیده و فنون کثیره به فائز و بخت تکمیل نفس
 انشا اولد فضل و عرفان حاوی و نورد در فارسی و ترکی اشعار و زبان
 عربی اوزره قصاید بیختم شعاری و ارد در مرحوم مرقوم تفسیر کتاب ملک
 علمانی اتمام ایتد کلرنده بقصیده غنچه نظار دیشدر اخلق طوطی طبع بر فی قوت
 و بیانده شکر مکرر و قند مسکه معنیرینشدر بوکلام غنچه ایا اولد استوده صفات کدر
 کنش کیسی بکام کون سن ایلد عرض حال رقیب کوره بین ای شکرنده هجو هلال
 سعید اولدی یار ایلد ایدر اغیار رصیا ایلدی بندن ایتدی دلدار مرصیا
 و کزالی بکاکلیجک مرصیا ایچون ایلد زبی تکلف ایدر یار مرصیا
 سوسو تبرجک عالم هب بحر اشکدن اولدی مالامال

کرده جلوس حضرت سلطان سلیم خان
 تاریخ این اگر تو بر می ص کن
 الام الام الدمع بحسری کوا بل
 و هل عم غم الدهر لکن من کلهم
 و تفسیره التزیل فایقا قد جاء
 و ارشاده العقل السليم الی به
 واقواله اقوی الاقا و یل بینهم
 و فی نکات بینات کما نها
 فنی ظلمات اجمل من یقیدی بها
 برتسلطت بودش ملک باخود
 نه از ربیع اول روز دوشنبه بود
 تقدیر رجا لا یجذب حل
 ام اختص به مدنائی غیر زائل
 جمیع تفسیر النحول الا و ایل
 مزایا کتاب اللد اقوی الی ایل
 فیاض احوال و یا خیر قائل
 علی اروس الاسلام منوال المثل
 فها هو آ الهمدی فی المنازل
مصطفی افتاب وجود یرنوری توسیة
 ایشدر توسیة توسیة لفظندن تحریف و تصحیف اولق احتمال کاهمی طوی
 نخلص ایدر لمکارم افلا قد شهرة افق اولد غده اربا استیهاد استحقاق
 جامع فضائل انبیه و حاوی فضائل قدسیه کلک فضل و عرفانک سرور بلبلک
 حاله مدارس سخن نمائنده دن برنده مدرس اولد کوکک مصطفی جلی افندی در
 تحصیل فضائل و عرفان ایدو میان اقراننده هلال مثال مشار الیه بنیان
 اولوب ساکک طریق علم اولدوقده قضا مصر قاهره ایلد بر عنوان ایکن عثمان
 جهاننده غریق دریای رحمت رحمن اولد مرحوم عرب زاده افندی دن ملازم
 اولمشدر در حالاد فی مناصب مراتب لری معارف و فضائل لری کی برقیده و استیبا
 والاسعاده و کمالا تلقی ده در صفا که ذوفنون عالم بلکه محیط عالم فنونی لای
 قاموس سلیم موصوف بالاعین رأت ولا اذن سمعت اولد علوم غریبه و نوادر
 لغت عجیبه بی جامع و مل اولدو هر برنده تفوق تام و مهارت مالک ایدر ایدر

استاد کامل او شدر اخلاق سلطه فی الحال و الاثره ادلور کتاب بلاغت
 تالیف ایشدر در اول کتاب مستطابده اظهارید بعضیا ایدو واضع قواعد و قوانین
 فن انشا و رافع سبک اسلوب تحریر و املا اولد قریب اعلام و ابداء ایشدر در
 و قلمیه طرز زنده رساله بلیغی و درخی پنج رسایل و مقالات مرضیه لری و از ذر
 شریه و سلا نظمی لری نمانیده عا و شایخ اولمغه صیرت فرای از با عقول
 اولاصعب و دشوار و ایدیلده ماهر و راسخ در جلدن مجموعت مکالم و معالی
 دیباچه او تو سلطان علمی و معلم سلطان اولنا خواه افندی حضرت زیند دیدگری قصیده
 مخترعی در الحقی بوقصیده بیضا نظیر اولق امر حال و بو طرز نغزده بوندن
 کلام و مقال دنیگ کف ضیال ایدو کی معلوم و مخروم اهل کماله حتی بو بلیغیه تحریر
 او بیخون بوقصیره ارسال ایشدر در بوابیات اولقصیده دندر

بچه طوغندی کوردوم ماه نهان سعده	چکش فلک نقاب هر جهان سعده
انجم سباه قونمش طوبلو هب منازل	طاق سپهره چکش کور فرقدان سعده
شمس بر بخت کور کورده سعده زاج	قربان اید نیگ اسر نور زبان سعده
ایتمش نمانت غصه تقریر قطب رازی	داماد اید نیگ اسر کیوان توان سعده
یا زینش دیر حکمت انشا مناظر زنده	خواجه جهان دوت دست نشان سعده
سر کونکرده اولور نوله اشکم سائل	صوبی اول بوی سر و الخجه اولد مائل

بیش عا دیار کنج صحنه خارج محبت اولر نیر اولر
 معلق بیدی قریب التی در نی نقش ایشدر باری جهان زمین مالی زمانی اسمانی
 مصطفی زرد منظر عا یا سبجانیه فائز کالات انسانیه مسجع صفای علوم
 مستبط رفایق حدود و رسوم منظر ضایا مطار حوا و مناظرات و مبع
 مزایا مباحث و حکایات حاله ادر سخن نمانیده دن برنده مدرس اولمغل سبای

سرای فضل و عرفانی مشید و توسل اولانا مولانا مصباح الدین افندی زات پیر
 فضائلی و جنات کریم فضایل و عظیم انوار فضل اسمان فضل و عرفانده مدرسل
 و انواع و اصناف علوم و حکایات حاوی و مل اولمغل مخلص شریغی و لطفای
 کی کمال در اول سیم فام کوشش فیه بنامد لقا ظاهر و هویدا اولونو عیدر که
 کوشش اتون پید اولشدر بوتره مجاهده و اشتغالده سیم وجود کریمین
 قال ایملکه صرافان بازار عرفان قاتنده کامل العیار فاقد ان فضل و ایتقان
 میاننده بر اعتبار اولشدر بنا و علیه شیخ الاسلام مفتی الانام منبع سرای
 اعراف مطلع انوار معانی القرآن جناب استاد مولانا ابوسعود الهامی
 منظور الفاضل کثیر الاعداد و التعبدادی اولو فرزند لندی محمد علی افندی
 ملازم اولونو مخدوم زاده لرینه دخی استاد و معلم اولشدر معارف کلیه و جریده
 راسخ و ماهر ظرفی انجامله مصفا و معاشره او خله تکلم زبان فارسیه تمام قادر در
 طائفه علما که حسن خطی او لبوب الکثری بوسعادت کج بهره در اماک
 جناب مویک خط نسخ تعلیفده خوش نویسیک اید تمام شهره و در معارف بیچار
 بری که نظم اشعار ایدارد در صوبه طبع بر صفاری اولوادی به روا و جارحی
 و انار طبع بر اقتدار بوی شک تبت و رایحه عود قمار کیم منشر و سار در نویسی
 اشعار اول ذات بدیع الانار که گفتار ندر بو جلدی تحریر او بیخون کوندر ندر

خال زک باینده دمانک کورن سها	بکر ز دیریه انکا سها نخی سسی
بزم نکرده مطرب و نی آه و ناله در	اشکم شراب و فکر دمانک نواله در
میل ایسه حسنی یار زواله عجمیدر	خورشید اگر بلند اوله میلی زواله در
ساقی غنچه نم که بسنده بیاله در	گویا ختن غزاله سی اغرنده لاله در
زیننه دل اوزانه دلاسی بکره دو	زی شانه نسبت ایلمانی اطلاع در

دادم در شان اولاد یعنی بودم که بماند	غبار کفشد ابر و در شدی جانانک
سهام تیرک او چند تا کجست جان صمد	کلوب بینی فصل ابتدی اولام تنه برانک
شرف بولد سبک گوید لکنده سرفراز اولاد	آبکده کاغذ پاره جویم اولاد در بانک
کل خود رو اولادش نیتش کند و ناره	قرز من جملتند غنچه انور سینه ناره

مصطفی سابق حر و مسطور اولاد غری افند نیک فرزند بسید در حال کف دست
 عن غفوان شبابده در بنایه الله الملك الوهاب اقصای همتی استجاء معارف
 کالات سخته کهور و قصارای همتی احوال قضای فضایل نهیات جانیده
 مقصور اولاد غنچه سبکی اکتساب صفای علمیه معطوف و از نه جد جوی
 استحضار دقایق حکمیه بصرف شب و روز شاهدان فضل و عرفان امتزاج و
 اینک و ابا و اسکا کبی نگارم اخلاقه تمام انصاف و ارخندوم پسندیده
 و حمیده اطوار در شویله که عنایت بی غایت کرم کرد کار اید حقیقه روزگار
 دوجه وجود بر اعتباری بر ضرور دار او کونال مسعود کلت صیانه نایب
 پانیدار اولاد انشا الله الملك الغفار غایت اعتبار و اشتها بوسی نوز و شکر
 سبیدار کبی روشن و آشکار در حال نظم اشعار ابداره کوشش و بدر بزرگوار لری کبی بونه تمام
 اوزره در بوبرا کبی اشعار صفا اشعار اولاد و نایب در کار انار طبع اقتدار بدر

مقصود من کوشش یوز و کوه بر نظاره در	مانع اولور انکادنی اشکم ستاره در
ایام بخر یارده همد ملک اتمدی	یا عنده شمعی داغ لک یوزی قاره در
رفعتده در شود کلوب بزم ناره آتمز	ایچ اوناردن یره دوشمش شراره در
ابرو لکل خلک ای شوخ شیوه کار	بجوشن عشقه بری مبریری نو بهار
ابرو لرو که دوشد و کنگ تری اردر	ایچ او کس کس اول زلف مشکبار
بر باره طور دسیم او بری طور نوبت	عالم خراب جانم ایله ایلمز قرار

اچ کنا راب روان دتری نوله **●** اچ ایلد کجه کولک صخرین کنار
مثلاً مصوم نامی محمد در هلال وجود بر عنون ریاری فراسانده مرو لا ایچان
 خلق جهان و ملاح انوش جان اولاد شهرت نشاندن طالع و عین اولاد اوزره
 سیت افاقد دشت قیاقدن دار السلطنه العلیه به کلوب بدر تابان اولاد
 فی الواقع کوه هر کان معارف ایدی برندن جدا اویغی قیمت و بهای عین اولاد
 افتاب عالم تاب بر برده فرار ایله نوری اشکار اولمز و شهباز بلند پرواز
 اشیا شننده ممکن اولغده صد و شکار اتمز بود بار خسته اطواره بر تو انداز
 اولاد نه هماغه وجود خطیری اولاد خانه فقیر کثیر انقصیده اشیا ناز و سید
 طریق علم و عرفانه سالک اولاد نه زمانه شننده شهرت شعار در انتمز نایب دار
 اولاد نه سلطان الا فضل برمان الامثل سرد فر صاحب کرمیت وجود آیت محمود کف
 وجود مطلع انوار درایت و بصارت مح اثار سعادت صدقات حضرت نازدن که انوار
 اصفا و اضواء جلا و جنات بر انضالندن طار و لایج و رواج سعادت و اقبال
 اول ذات بر کمالک شمام شمالیندن دم مسک و بوی عود کبی جای در نشسته
 ان فواجده والاب سزانه فضل و ادب هم قدوه فیض بزم هم کلمه ملک بزم
 خواصه افندی حضرت نیک مهب شمال فضل و کمال و مهب سبحان سعادت و اجلال اولاد
 آستان سدره اتقالرینه رویال اید و اول جناب بر مکارم بلازم اولاد
 مغبوط اقران و امثال اولشدر حالاروم ایلنده قاضی و حاکم تحصیل معارف
 کمالات مواظب و اوم در اهل روم ایل کثرت فتلاط و وفرت نایب طبع اولاد
 اطوار و کلمات و اشعار تمام روایه اولو بزم اولاد غنی اشیا چون اید در
 اول بسیدندر که شاهدان روم ایل کثیر الاضلاط و الامتزاز در لایق قول
 کلام لفظ سیم و نازک و خلیل محیا و اردر بر ارام سینه بوماسی شهره انام اولشدر

فاضلی که از دانش او روشن شد	ایچه بر خلق جهان بد ز حقایق مستور
بگر فکرتش تنق ستر قضا را حرم	دل با کس نظر لطف خدا را منظور
والد مرحوم مغفور خطی شریفی از طرز و مطور در که فریاد با بجا معید زاده	
مشهور در لفظ با نیرید و درنده بخش بدست در ان بخش حاشیه جگر دیده حاشیه	
باز شد در اول نیت ایله کند و به معید فخلص ایتم شد معنی علی حلبی معید اولی فی ظن البین	
دیتم در زبان ترکیده نمه دین شود اندر شاعر پر کوی در نظمی میانه اکثر کلام	
ساده و عاشقان در بوزانی بعضی نظر بر ترانه بخلیفین و در زبان با خلق زمانه او شد	
طالع خوش اولدوغی جرج ستمگر دیندر	با ستم بوجه بلا دلدنی دلبر دیندر
عشقی با کلمیدر بلبلی نالای ایدن	نالای سی بزم الملک میدنی ساز دیندر
دفر عشاقه باز من رقیبی طوطی لم	کل انصافی ایله اندن اول بود فر دیندر
ای معید کی کوندر کولوب قان اغلق	کندی کند دیندر یوخسه کوز لدر دیندر
معید نامی محمد در شیخان اقبال و مد جامع انواع الفنون العلوم فضا یل و	
و محاسن و لطف مانند خورشید پر نور مرف و مشهور اولوب اکابر و اعیان	
میاننده امثال اقران و اکفا و اخواندن تقوی ایله موصوف و مذکور اولوب	
مرحوم معید زاده افندینک قره شجره وجود و نهالستان مکرمت وجودیدر	
اجداد بزرگوار که بگوتیان دیکله پراشتار در دیار مرشده غایت فضل و	
کمال و رفعت جاه و سبطت جلال ایله نامدار اولوب ملک ذوالقادر ربه صید و	
الوفله بین لجه و خلیه اعتبار بوشدر مر نور دنی بیتا علم و کالده عربی او شد	
در ریاض فضل و عرفانده نشو و نما بوشدر تلمی و شایخ علم و دانش سیمه تلامذده عرفان	
و پیش جن ارای عالم علم و کمال زینت افزای سرای معارف و فضال موشوخ قلم	
کمال مصحح مقال فضل بی غایت انواع حکارم اخلاق مشهور هر چه بی کمال و	

محمود

محمود بر ذات معانی موفور در حال فرق ایله بروده صحریه مدرسه ان معزول در و	
انواع لطیفه مواب و مشغولدر چونکه معاصد و مجاهده ایله رضوا اکت	
واقدا م اقدام شاهراه تحصیل و تکمیلده مختلطی در آمد در که هر آن تر قیده و هر باز	
فضائل نصیحتی استیلا تعلی و تقوی نموده اولوب بویکی اشعار و ابیات اولی استوده	
نوشته ایدن دلشنه جاناجره لعل ترک	ادین لکیز بردنی عالمده اب کورتک
المزم کل جلالی نور چشم عینمه	توتیای دیده اعیانکن خاک درک
ارزو بوی زلفکدر شاه سبیل کبسی	خاطرین مردم پریشان ایلمین عاشقک
جام می او پر سه بیگی کز ثجب او طرز	الذن الودوشنده صیا و ادب لمر
کل بقبر خاکپای عنبر افشانک کورن	سبیل قلم نظر زلف پریشانک کورن
کورین کوه بلا در کوزه لم با شکر کل	راه آتیم فنادر قره رن قاندر کل
دیشکر ذر لبرک با قوه تشبیه ایدیک	اوسوای کان دفا سنک ملک استینه
بر کورن کلی معید خاکپای یار ایله کوره بین اوسون انک خاک نذرت نیت	
معینه مقدمار بیس کتاب دیوان لفظی و نویسنده دقایق و جلال احکام فاضل	
اولو قبای جلالی طراز ریاست ایله طرز و دیوان عالیت انده ذات معانی	
طغر انوسین جناب لفظی او لفظی مکرر و معزز و نیکو زمان رفعت و جاه سودا ایله	
جاه نذرت و روشن کرا هرک دستگیر و معینی و ضرر حوادث ایله بنای اراکله	
منزل اولی در مانده هرک باعث فرار و تکلیفی اولی محیی طلبیدر ک نظر عالی	
ارشی شاهده صورت دانش هنره معصور و مخصوص و صعوف صنوف مکرمت و	
معروفه موصوف صفت کانه بنیان موصوف صحیح الاق و یل بلج الاف ایله بنیوال	
مخوده خصایل مد و صه اشتمال بر ذات کامل الصفت در خانه ک و قلم	
زبانینک صحایف املا و انشاده جریا اول مرتبه در کل در کون اقلام مکرر کل	

صفا کدر

قابل اعلام اول و کتاب مدح و ثنا و دفاتر العباد اطرا سنک کثرت و در
 اول در جردن افزونند که کتاب جهان عمده شطرو و تحریرند بیرون
 او لغت امکان اوله لاجرم اشعار صفایق شعرا سلطنتا کما کما شاعر اوسه
 روادرو اول البکار افکار که یوزندن سق احتیاج و اختیارات واضح ابرار
 رفیع الیه رسد از مقدار طریق علم سالک و ذهاب اولدقدن کراه دیوان
 سکتایه کاتب اولو قطع مدارج و مراتب ایدر که صاحب جزیل المنای محلیانک
 تذکره جلیس اولغل اعتدال شواهی مناصب اتمند نظم اشعار ابداره اقتدار و صدق
 در و طوق و یارده عروسان بلا لغت لایق بعضی لایق شاهوار و جواهر اعتبار
 وارد در بوج مشهور انکدر دور اسامیم نعلک نمیدونی خون اولش قلم مانند شیر یا رسیده برنگون
 معنی استبولدند سالک طریق علم و کمال اولدقدن کراه محبت قضایه مانیل اولو
 قضایه سوده فضال سکنه داخل اولمندر حقا که بوستان بلایت و کلمات فصاحت
 مانند سر و سرافراز و میان شعراء زمانه امثال و اقرا نندن مستثنی و ممتاز
 اسماعیل بدیع البیان و اقب الفاظ طویل المعنوی ایلد زین و صباح لطف و ملاحت
 اتق کلام لطیف و مطلع عبارات شریفه سندن منظور و معین در بوستان جناب
 روان و مامینی جو قدرها معین اولدر که اصحاب دلمندن ظهیر و معینی یوقدر
 بو بر ایکی اشعار و مطلع نامدار اول شاعر سا جوک اثار نندن که ثبت اولندی
 صراطیله بزی قورمه و اعظاض صحنه صحنه
 رنند و کدو کن ایلدده ایدو اف بن
 جلیقی خون لود اولوب هر دم کوزم
 یق کو کلازی مهر کله یاب یاب یا یق
 سفال هر کرک باشند قدح باده مکرک
 بجنردن ایشدک بزکانه نور قورق
 صقلیما د بوسری طر جقدرت
 وفا کی کور مد عمر کلجه بودم یاشی
 جفا سکنینی ای لبر و فامیدانه طاشی
 معنی اولمغه نرم بلا نکر ندعیاشی

اولمندر

تعال

معنی ولایت ایدندن اولمندر و میکلا اشتها بولان قصه نامدار دندر علم ایشد
 بار و توفیق و سداد ایلد قایم و اعلمه تحقیق و اذعان ایلد تشدید مبانی
 عرفانده دایم ایکن غریب بخار رحمت رحمان اولمندر جوم عربزاده دن
 ملازم اولمندر اول اصحاب سفینه دن سهل امانه جقوب جبال سکنده
 عاصم اولمندر دندر و اوقا ساعتان قطع دعاوی و صومایه نصر اولدن
 قضایه سوده صفایق عداد نندن معدود و معروض ایدی بوالده ایکن کسب ایشد
 تعین و سخاوت قضیه سکلارده توجه بر منزل صیانت بچیده عنان اولو عالم
 روا اولمندر بوننده دخی فخر اقتدار و مرتبه قبوله صنوبر اولمش اشعار اولدر بول
 بوجخ بیره زن ای ل دکل در مانه دو | کشیک باشی صبا اولمندر سر مانه دو
 سینک داغ کوز اولمندر مکت سنگنی | کل کور ای شیرین دین اعلی طاشن سنگنی
 کوز و رخسار یار باغده ایلد بیل کلکل | کوزندن نرکسک اولمندر سنی اوچور بیل کلکل
 معنی سابقا مذکور اول شاعر ایلد بر قصبه و بر کل دندر فرازنده زیت مقال
 طرازنده خلعت بحر حلال نخلیند کلستان بلایت مرسله میوند صور ان فصاحت
 دیده دل و جان کل معنی و ذر و لطف ایلد و شننا غواص لایق اشعار او معین
 همان بیکران عرفان اشنا چشم جنانی باغ موفته نرکس و از ناظر و اشجار
 بوستان معنی اسبجالم و باران نرکس طری و ناصر طمطراق الفاظ
 غایتده مقید صرخ مرد کلامک بناسی عبارات ایلد اولمندر و مشید در عبیدر
 اولمندر و ملک بلا غنک شعری کمالن بولشکن و کلام حالت بخشک جامی حقوق
 رفیق نرکس طوشکن معین و ظهیری اولمندر مانند سلمان دن و خندان
 اولمندر و غم تربیت و کمال اکابر و اعیان چمن اردل و جانانه
 هرگز یاران اولمندر بو اشعار بلاغت شعرا نکر در

یکم نطقه دمان بول بر ذره جیب
 یاردن خوشنود و اعدادن ملا دین
 صافی جلدک کربان تعلقدن الی
 اکتفالدیکه دمانک یادنه ای ترو
 بزک نقش اولدق معک طلقه حلقه دای
 دامنیت دراز اطلب کوتاه دست
 صدف وش کراوی صد پاره قاطر
 اگر حایل اولماسه ابر مو انخ
 بن اولن ساهبا زهمایون جنایم
 چون اولدم گرفتار دام حواش
 دکل حرف مجبول معلومیدر ارب
 زلفکدن استسکه بر عنبرین تلی
 شکسته بالین اول مرغ بی پرو بالم
 طقوب بکنیه صیت ایلیمه ازاد
 اغیار جفا ایتمده همزنگ فلک در

در ارم بوع ایده سلطان سر ابرده غیب
 شاکر زکلدن و سکن خاردن رنجیده نوز
 سر و کبکی کوشه عز لنده دایم نوز
 با شمر الو ب عدم ملکینه دک غرم ایده نوز
 روی یار کور که باشند ایامه دینده نوز
 رتبه اقبال کای پایه ادبار است
 نشانرا یتک اولورد سوزده جواهر
 ظهورم اولیدی کنش کبی ظاهر
 محقر شکارم اینکن نسر طایر
 شکست ایتمدی دور آبرو بالم افر
 اگر امر غایب اگر امر حاضر
 معراض صندی دتردی مشاطنک الی
 که قادر اولیمه بی دانه بردم اراد
 او واره دانه او صندنینه دونه دایم
 افر بزی ده صایغ قومز اولدوده حکدر

طیغی نواحی تو قانند رغایتمده قلکس و عیاش می برست و او باش ایدی
 که بیانه مثال کوشه میخانه دن بر قدم طشره بجز و خم می کبی خانه خاوه
 کوب دوشوب سز عمری تپی اولمجه اندن بیرون اولمز ایدی مدح شایه
 مدام سوز و پیر لکی عالمنده دنی سانه صهبا مثال عینک و عصا طو ترن
 الی و کور کوزی ایدی کوچیه معانیم مثال مکان ایدینن از با فسق و
 و اعلی معنی و ملاهی ایل مدام معجز و مباحی اولن اهل خور و طغیاندن

ایدی صتی اولن مانده لقا بها اولن فاتح قسطنطین مرحوم لقا محمد خان بزوره
 برقدار سرو بان کلن شودیو جام صهبا بک دست تو صنوب معبد شرب شرا ایدیه
 تنبیه و تا کید شدید ایتمشیدی افر اولن دفع مرض خاوه صیق عینک غیر علاج
 و بقول امراض و عیله بدل ایتمشیدی افر اولن اوز که سنه اولمز دیو بر در دو
 بلاد هیتان مرصیان کبی کند ویه شراب ایل اصقان ایتمشیدی عفا
 ذنوبه برتر بفضل عیوبه بو اشعار غلبت شعار انک در

بجز کور و بن سوز دروغ اوده یاندی	شمع اغلدر غم کورد یا شمع قانه بویاندی
کو کلم در شلی عشقنه دیر کوزده بر دم	دو کد گیره قانونی بره دو کلانک
زلفکدر رنگ مصحف حسنکده نگارا	تفسیری در رایت نور یلده خانک

منزل یکم می محمد در داغظ و ناصح عابد و صالح اجمعه ضمیر منبری انوار مجاهد
 و ریاضتک تا بناک و آینه طبع دراکلندن رنگ تعلقات عالم آب و خاک زدوه
 و پاک اولن جهره کشی صبور معانی لطیفه اسوه الو عظیم بدرالدین خلیفه ننگ
 فرزند دیندیر جناب بر عقل و خرد هنوز خرد سال و کلشن بهمانده نخل و جود
 بر جود تازه نهال اینک مرحوم رقوم ریاض ان انتقال و عالم قدس انتقال
 ایتمکده صفا جوهر و ذکا بیکر ده بی بهانه اولن ذات فریدی صد زمانه ده
 بردانه اولعلیه یتیم قابول الکمال فی الیتیم فی اسی اوزره تحصیل فضل عمیم ایتمشیدی
 فی الواقیه نور خورشید طالب کبی روشن و ساطع در که لؤلؤ شاهوار صد
 بردانه اولعلیه بر اعتبار اولو کوشواره کوش اعظم و اکابر اولور و جوهر
 دکان امکان اجمعه غایتمده مقبول و قیمتدار اولوب جوهری ویم و ضیال
 اکتعینن با ایتمکدن عاجز و قمار اولور بوستانده بر نهال که بردانه اول
 تربیت باغبان ایلدنی حال کشیده بالا اولو اغصان و افغان مرفوعه سنده

تاریخ طوعه و لا ممنوعه اولاد نکل وافر و نکات اولور که دست مخیده جنبان و
حائز و بایرا اولور القصدات مستقیم فصل و مستحق الالیا بحقیق علم و کمال تکمیل
انواع معارف و فضائل ایل برین اوج کتب العبادیه دانستند اولاد که کتب مستقیم
و افاده ده سر و مثال ازاده اولاد مولانا اعظم جامع العلوم و حکم به الدین
زاده خدمت نیک مدرس مدرس سلطان سلیم خان اکن منصرف خدمت اعاده اری
اولاد ملازم اولاد در راسب سلسله طریقی علم اماده و حاضر و بوستان و وجود در کمال
سعی تربیت اطفال و اکابر ایل بی و ناضرا اکن دیوان سعادت ایوان سلطاننده
علم دانشورانان هر فنده رایج و مار طوک اطراف و اکنافدن استان
مطاف عبودیت نام رکله کده ترجمه ایدو جواب صوابی انشا و اعلایه قادر
بر ذات جمیل المنان و جزیل المائز زینت دیوان علی و ارایش منک
بارگاه عالی اولی دین و دولت امهم و لازم در دیو جناب بر نکار طریقی
وزراء دولت و کلا سعادت سابق طریق کتابت الدلیل بحمد الله الملک الکبیر
زمان سیرده اول امر خطیرده اول نکل دست برد و اقتدار ابد و اظهار
که اعوام کثیره ده عشرت سیر مقدور دکل ایدو کی نور اقیاب کبی مخفی و مستور
دکل در مدارج معانی قدم قدم اعتلا ایکنه و معارج عزت و علایه ایق این
صعود و ارتقا فلفله انشا و اکنال زندن فائق اوجای لایع و بار قدر که
افق چسبیدن ابله و جد و کوب سعد و سعادت اقبال هر بار طالع و قدر
و غنی مثال هر تاج اصحاب جاه و جلال اولاد سربند و سرفراز اوسلی محقق و
مقرر در کفضل و کمال ایل اقران و امانت سروسهی کی کشیده بالار
و ممتاز در مقام عزیز مصر و زار و مدبر امور ملک و ملت اولاد استان
تذکره حبیبی اولاد حالا وزیر اعظم و شیر منظم صیحه پاشا خدمت نیک خدمتده

اصحاب

اصحاب حاکم مرده برین بر سوز ایل اصحاب ایدو اولاد اقامت کتب فرجامند
دایما اصحابی ابرار و زره در صفا که ذات شریف و حب التشریفی فراد
معاف و فضایل و قلا ید جلایل حسن ثنائیل ایل محلی و مزین رخسارنده بر
انوارنده فائیل اقبال و دولت همیا خورشید عالی منزلت کسبی روشن
و عین در حدت ذکا و ادراکی و جویان عقل جلالگی بر مرتبه در که پیر
ضمیر عقل در اک دبستان فهم و فطانتده طفل نوح خوان و و هم دور
اندیش مایده ضبط و کم و بیشنده طفیلی خوان او کشر بو جلاله ایل خوان
در و فضائل معرو در رخر معارف و جواهر زواهر نوادر و لطیف ایل
اول نکل و مشهور که زینت احاطه و هم و خیال دن بیرون در مجلس
انتظامه مجربنی خاص و نادر کلام سوزینه هزار نظیر و مثالنی فی الحال کزار
ایدر لرواخوان و یار اندن بری زمین مشایخه و محاوره به هر کوه ایل
ایله در حال نیجه جوهر بر اعتباری نثار و ایشار ایدر ایدر میدان عرفانده
سند باد پای طبع مطلق العنانی جولان اید کده قنی به بلواندر که انکله و عود
مبارک ایل و عرصه ذکا و فطنتده اسب صبار فنار فهم و اذی نه سوار اولاد
عزم میدان اید کده کم قادر که انکله مبارزه و محاکات اید صحت دلگش
و مصیبت جانفراسی منزل ارتجاع و مزید افواج حاصل کلام و نیجه تحریر ارتقا
اولدر که وجود شریفی جمله نوادر ایا مازدر نیجه دمر که کبوتر دم کش جان
قفس سوس جهنده بهوای مودت و محبت بر نالان و نیجه شهر و ایل و امدار
طوطی جنان و عمامه خاطر اعصاف شاعر باطن و ظاهرده ذکر مناقب
و شرفا خول ربان در و نیجه زماندر که اول نجم روشن عالم عرفان
بلد و زبانه شکر و نیجه فصولدر که عشقه خلوص جاودا شجره اولاد

وینچ لیانی و ایام در که علی التوالی و آله و ام دستتصاریف ادوار و جوگان
تغایب روزگار ایدمیدان جهانده کوی شمال بد غلطی او تو کامی عزیز
عود کبیری اتش امتحانده سوزان اولدق و کاهن بط و عود ماشد کوشمال
یافته دست امتحان اولدق همکام بهار و ایام ششاده سانوسروردرد
دردی سیکورد حاصلی بوانه کلنج بود هر پشت و قدر کرم و سردینی بل
یکجوردک بران اول روح رواندن جدا اولمز و برظنه اول آرام دل و جانین
مغارق اولغی روا کورمز لاجرم بوغدن زیاده شد مدح و نشانی صلی و صل
منظوم و مشورا یله مزین اتمک محض تکلف و بوغدن ارتق قصر عالمقدراطرابی
نقوش اولوان کلمات کونا کون ایلا منقش و ملون اتمک عین تفسیر لغوین بوغدار
ایله خنقار اولکند مانند کار زخاری عدو و بیماری اولان مغار بسیار نندن
بری که نظار ابد در انکار دنی کمالی اقتداری دارد بر بویایمده مقابله دنی فی کلله نقیذ اول
اولنده که هر کجندن آهسته بولون طبع مشکک ری غایتده نامدار اولکد بولونکی اشعار و موسیقی
اولان استوده صفاتک بولون بر او غمخون آستار و انتی اید کلری کمال نیت بیاندر

سردی تار کاکلی نومی میانی دی بول	ماه رولراره سنده بلن شو اول کوزل
کر اولورنگ وارد اولد کویکه از رده	یا کیمت یلایام یا قدم رنجیده قل
شورمه اولدی بدن باده ایله اوده	نار قلفه اصلا صلا عز یوقدر
جکدا غنچه اولاه بیداد پره در جرفی	افندی بشو الهسه روزگار اولور کین
حدود کیم نفس اتمشدر خایه عشقک	اگر چه عاشق افتاده لر کیردی اکابید
کشی اولمایوب ای دل زبردست بادشاه	یار او باشینه باش کجکله بولمز دست
مقصودم ایچون غیره تو تسل قدم	و کله دونوب صکره تامل قسدم
کوردکله جنا بکده سنگ جمله سی بر	ای بار خدا سا که توکل قسدم

کوکل جنون اولور زلف عیشتنگ کلدی
چیناشد ایلر بلبل دل خار سرتدن
کم ایار کندوسین دل چار سوخت و نده
فراموش اتمین مردک دعای خیردن کرا
بجان بخشگی یاد ایت کندید کجهر منلا
باسم الله بخش اهل عشقه علم سرمد
نوع سرکندون قسم فرشت عالی اید تو زاری
نی آشم آهسته افرکن سو سو باران کبی
علا سالی نلینش زلفکله کر چه عبیر
ادم غره اولمه دوست بچان اولور غایت

مومن پریزرین دیکله شیره زمان وزمان اولان قصبی بی عدیل و قریندن
بهار دیکله شیره ایام و مشهور انام شاعر بنا ک شاخ وجود نیک باری وصال
بوستاحیه اولان فرزند بدیع الانار و عجیب الالوار بیدر نامی عبد المومن اولمغله
خلص زبور مؤثر اولمشید بودنی فنون جنون نندن اید و کی ظاهر و باهر در والد
علائق ان مزبور ایدر حبا افندیده شریک اولمغله اوصاف عجیبه و احوال لیکنه
اطلا عکر او مخین عجایب و غزایی روایت و حکایت بیورر لرایدی جمله دن یه
خواجه حافظ شیرازی و مولانا عبد الرحمن جامی کبی جمله اشعار سلفدن اولمغله
انتقاد وار ایدر قصبه مزبور شهر پر زین دیوب و کندولی مدح و طرا
ایتد کده دایما بولمیی اوقیوب بهر بادر در درون تکرار او قدیمه فریاد و
زارینی و آل صرح دوار ایدر بوبیت بی یا فر دیوبایتین کجک و دیده سن فنبال
اولیت بودر نفوس کرا ایلن مومن بیک منزلن شهر زیند غیسن یوشه فراساندین

۷۸

وبری دخی بواید که هر یک اول شب در زمان غنچه کد دیوان شعاری
 اولدن افرینه دگ و قیوب بلایه بو اظمت اوراد کی ترکا نیک قبال
 ایلی و بری حی اول ایلی که زنجیر پاره زاده کجوب صدم کوزه کله ای اظه
 و اول غم مشوم و منصور میا ننده سافوردیکله کوردردیر ایلی حتی
 شهنای بجزنده سافور زانده صفت جنگه بوبت اول کتاب بندر **نظم**
 نی تیره اورد کجهر نبال سوزین قندیل لر حال نر بو عنا ایله ایما پاده اولو
 سلطنت امینه سنده ایلی واستاد لرینه غایتده بعضی وعداوت اوزره
 اولوب پادشاه اولسم جلوسنی قتل ایدر دم دپردی برده یار انشدن
 برسی یا شرکا کئی دخی اولدور رسیدک دیدکده انلی قشک پادشاه اولغنه جا
 دیر ایلی مروه سعادت ایلی به معنی ایکن دانمشند اولو سولای سعادت سزای
 باله جیلر خواهی اولو اولدن دخی فراغت ایله منروی کوشه قنا اولد
 صکره قاضی عسکر لردن دفعه یومی قرق اچی ایله سدر سطلب ایله و اخر مراد
 واصل و طلب مراد حال اولمچی زواندن الی اچه علوفه ایله قنایه قابل اولد
 دستار کچر کین و ناپاک ولباسی ملوث و و سخناک زولیده موی نایه رسد
 الی ابریق طهارت یا پشامش و یور کوزی اغتال و ضواید الشمس اهبان
 اولغنه قریب بر شفق شب ایلی بر غارتک اشی ذمتده بو بیی دیشدر
 بر خینک صور رسک دانه سین **سکر** ملک بجزه یوتوق کرامت
 هر ی طایفه زانان نظم و شعردن دم زمان اولنلردنر زمانده عام حس
 ملاحتک سپهر و کبک بویه و نازک تابنده مری غره غرای مطلع صبا زهره زهره
 سماحت اولد غنندن غیری خروما اثنت لایم الشمس ولا التذکر فی اللیل
 فوالی اوزره دست مری بکفر کئی کلر طب غله اهترار و بیکله مقنن **قطعه**

علیک

علیک علیاً صلیاً و قواکظ اینی اقطاف و آبت ایدو عراسل کجهر معانی
 دقیقه بی جگله تصرفنه کتور مکلر بر ابرده خاطر نده ابکار انکار منظر و علم
 الی ام کلشن اشعار بر ایا منند متقابلدر اکر صیر ماننده شو او طرف ایله
 و الفت و مهر و محبت اوزره اولورش کجوب کجوب کجوب کجوب کجوب کجوب کجوب
 ابرمش و سر ابرده عصمت و عفتنه تا حرم حرام کیرمشدر بو اشعار انک کفت نیند

اقتش غمده کجا اولد کجور و ندر و ندر	کوکله صیدی و خانیله شررد و ندر و ندر
جان جانبا زینی کور کجور ابر شکیچون	رسمان سر زلفنده اینر و ندر و ندر
خاکبا یو که یوزین سور کجور کجور کجور	سر کویو که کلور شام و سحر و ندر و ندر

اسکندر زدم بر دلبزم اندام ایله تمت ایند کلر نده بو مطلع دیشدر
 نیچ اسکندر علم لالی صوی املیند و صونر کتورد و زور کجور کجور کجور کجور کجور

خوابدن اچدم کوزم ناکاه قالدردم	فرشوم کوردم طور بر ماه صیره بری
طاکم سعدا اولد یا خود قدره ایردم	کم کجور کجور کجور کجور کجور کجور کجور
نور اقر کوردم جانندن اگر چه طاهر	کند و سی بکوز مسلمانه لباسی کافری
کوز و می اجوب یوخه اولد بچشمون	شویله تشیص ایردم کم یا ملکر ریبری
ایرد چون اب صیانه مری اولمز حشره دک	کورد چون شب ظلمتده اول عیبا اسکندر
بن او مردم که کجا یار و ف دار اولد	کم بلورد کجور کجور کجور کجور کجور کجور
سنگه کلر اجهانک کل نورسته سی	نور و اولد که هر خار و خنه یار اولد
بدو عا ایتمزین اما که خداون دیرین	بر سنگه کجور کجور کجور کجور کجور کجور
شدی بر حالده یوز کجور ایکنه دیننده	دیر کجور کجور کجور کجور کجور کجور

پاشا جلای عیله معرو و مشهور اول کجور کجور کجور کجور کجور کجور کجور
 زمانه بی دیشدر ایشد کجور کجور کجور کجور کجور کجور کجور کجور کجور کجور

پنج کوندر اورج طور بوسین • اشک سیکله بیرام ایلموئی
 میرزا محمد صدوق دمان سید شریف جرجانیدن بردر کرانمایه و در
 سیاد و نهال سعادتدن بر شاخ بلند سایه طرازنده خلعت فضل و کمال فرارنده
 رأیت سعادت و اقبال کاستین عصای طراز نسب عظامی ایلموئرز و معطف
 نباس وجود پر جود سخی صفات ناظهور و اکارم خصان نامعدود ایلموئرز
 اولو قصر عالیقدر منقبتاری لید زب عنکم آرجس اهل بیت اراشی ایلموئرز
 و کلی وعاء افراد و احاد بشردن منظر حال فرخنده مال الالموده فی القبر
 اولو ممتاز و مستثنی اولو طره ناصیه السعاده غره جبهه السعاده انک قدر
 عین الامام عین انک اکرام نور صدق و فتوت نوحه صدق و فتوت نوحه صدق و فتوت نوحه صدق
 کشد بنام عالی بتمش علی حالتی اشرف دیار روم اولو جامع الفنون و العلوم
 خدمت میرزا محمد در کرام پیشرفتمی الدین اشرف در بدر بزرگوارری
 سیاد ایوانک طاقی عاقل ناطق محارم اخلاق ایلموئره اولو میر عبد الباقی اولو
 والده ماجده لری طرفندن جد بر جدی بر طرفندن جمال دران کزنده علمای
 حاکم حکیمه فضل و عزت اولو مولانا قاضی جبار و بر طرفندن دینی سید سعادت
 و شریف پیشرفتمی بعد اایام و شهر کلاه دار دنیا اولو مولانا غیث الدین
 منصور در دیار خنده خاندان شریفیه اهل سنت و جماعت اولو دینی صفار
 کبار میاندی بر اشتها را اولو حالری اهل بیعت و ضلاله قابل اخفا و امر اردی
 بها خلعت بر زینت جلال و سطوت و در بیای زیبای مهابت و شوکت بیت
 سعادت خلق نینه جنت و جاک اولو دامن مذهب مذهبی خاتون اهل اشرف
 ایلموئرز چاک اولو مزید طهارت صفات مانده حالری بو موال او زره جاری و
 مراتبی که اظهار اعلام اسلام در برده اصحاب و خفقاده فی اجماع متواری

اولو

اولو سید بعده اول زمره باغیه و فرقه طائیفه دن مذهب اهل سنت ایلموئرز
 اولو بخروج سخی من المیت فو اس اوزره اولاد شاه نکت پناهن سحر
 معری تاج بر اتمایستن ایلموئرز اولو شایسته تاج کامر شاه معمل
 شاه طهارت سینه بر نیه شاه ایران زمین اولادده اظهار شعار اسلام و ایمان
 ایلموئرز بدیع الایه مذهب اهل سنتی و اصل فرق فرقان تمیز اولو
 اجلان اسلام انتقام اهل اسلام اولو نسف دنیا ک دست نکت ایلموئرز
 و هر بری کین غدر و خفاده مکین اولو زمان فرصتی اظهارده ایلموئرز
 افر سرداری اولو فرق اشرف بری بر برینی افاد و اضلال ایلموئرز
 تسویلا شیطانیه ایلموئرز اولادده منلای مرقومک مقارای نکت و
 نهقی مذهب شیعی می مرو نکت کی عالمدن کوزر و مانند عنقا مسی سعادت
 ایلموئرز دیو شاه مزبوره هجوم ایلموئرز خواه و ناخواه یوسف حال بی جرم و بی گناه
 و اظالمان کیمی تنگ و تاریک بر چاه جانکاه اجوه جبر استر در چونک یوسف
 مثال عزیز مصر سعادت و اقبال اولو مسی مقرر ایلموئرز برایکی کون مجوس زندان
 اولو نه غم و افتاب اریری اوج سپهر برین املق مقدر ایلموئرز بر زمان زمین
 نهنده مکین اولو نکت و اقا افتاب عالمات شب بچوردن صغیر علی
 بر نور اتمیز و بدر دلفروز و قوه محاق جانسوزده او غزینجه کمال ظهور بولمز
 عمل بد خسانی و یاقوت زمانی نیجه زمان اندوه و حبس زندان کافی حکیم
 خاتم شان سبوس سلاطین ایلموئرز زیر نکتینه المزل و لانی متکلی نیجه ایام و بیعت
 صدوق صدق بر ضبقده و عمان نابید اگران و کفقه بلخی و دهر و شوری
 دریا طمینی عقدا هو الیه انتظام کلز بعده اولو شاه سعید دست ظالمان
 شهید اولو اول شاه سعادت شان جام حامی دست لیاقت جنت اولو ب

کوفتند جان ستمدنی اسلام و ایما بولنده قربان بشد کده اثناء فتر آمده که اول
 بر ضلالت صاحب غدا کسی بریره کلوب مترکم او نمشید و باد افوا او ایدر
 امواج قن متلاطم او نمشید بر جالتد حبس خلاص اولادده اول یارده
 مجال قرار او یحیی موسی وار فرغانه غداردن خائفا غیر قرب فراد اید و توحید
 مدینه روم نطق مر سوم او لشکر یاسه اربع و ثمانین و شمانه ده روی مال
 سده سلطان فلک نمکین اندو مقامی افتاب عالم کتاب کسی اوج سپهر برین اولادده
 مولانا احمد قر و بینک و ظیفه سی که یومی التمش اچی در تعیین او نمشید ^{نظم}
 منت خدایرا که بیا یون و کاسیاب از غده کسوف برون آمد افتاب
 بعده ذات ماجد لریک بسج انوا و مغاف و حامد و ایساجد و محال دن مالک طایف
 و تالد مغنی و قاضی آمد اولاد قدن صکره دار اسلام بغداد حکومتی ذات عالت
 سمانه بایه داد اول تو ضمیمه قضات مشهیدین اولاد با مقصوره قصر بر سرور کسی
 زیب و زین و بیز و انزن قضات طرابلس شام خاک بوسه بر اضرائی الیکب
 افتشام ایلدی بعده قضات حرمین ایدر تحصیل سعادت دارین ایدو اول
 دیار طرابلس اعتبار ک صفا و کباری منظر و الطاف و اعطای بشمارای اولو
 معلول زاده برینه نقیب الاشراف دیار روم اولو منصب جلالت شریف
 ذات عالی منقبتری الیکب شرف تازه و تحصیل نصرت و نزاهت بی اندازه
 ایلدی بومد عایه موافق شاهد صدق قدر که سنه ثلث و تحسین و شجایه ده
 قحط باران ایل حال زمین و زمان بر مرتبه به وار شیدیک هر جبال اخضر نوده
 اغیر اولو بسبزه زار لردن جو یا ایدن تراب عین سراب اولو بد این زمین
 زهبت این ده اولو حضرات و ریاضین محض تراب اولمشید خلق جهان
 دشت کربلا ده اولو تشنگان کسی بر کرب و بلا اولو بدایا اشری آه و اولاد

اولمشید حسن و جلنده بر اجم صوا اولاد لبران کلود و حوری و ن سنبیل
 بر اجم صوا یون میاننده اولان صخر ایداره دوشدیلر سیاب عوالی قلعه
 جبال فلک مثالدن انیمکله انده مادن اثر ما اولد و غنه استدلال ایدو بود
 اید خلق جهان مجنون مثال طفلاره دوشدیلر مسکین زمینکجا خلقوه کلوب
 دم اخرده ایکن بی رحمی زمانی کور که پنبه ابر بر ایزونیه بر قطره صومکله خاک
 دردناکک جلا مملکی یا نوب محتاج و سبیل اولمشیکن خست دور که کور که کا
 بر صبه صحر تزیادی و اصحاب فقر خورنق رونق مظهر حال فاصبح نقیب کعبه علی
 ما انفق اولو و قریب اولمشیدیکه ان اصبح ماه کم غورا فواسی روشن استکار
 اوله هر چند صفا رو کبار استسقا و استسقا و استسقا را یون جناب کرم غفاره دست
 مست و ضر اعتلر نی کشوده ایدو روی امید و رجای خاک ذلت و افتقاره
 ایدیلر برسی سود مند اولوب تیر دعا که هدف اجابت و صل اولدی اگر چه سیاب
 دیده لرندن باران شکرکی ریزان ایدیلر لکن انبات نبات مرام حاصل اولدی
 اول انشاده جناب عالی دست ما یاب خذومی نقیب الاشراف اولو که مشرفدن
 دار السلطنه العلییه داخل و باران رحمت کبی ساحت شهر مزوره نازل اولمشید
 عایه اشرف ایلر و یارب بر من استسقای روان اولو آه التشین و ناله حنین
 ایدل اسما نزم ایدو کوزد کیم شکرکی نثار ایدیکه اولد بر کوش غدا ره بقدر
 ملایمت کلاده خدمت ایچون با و سببانک و بوده و سجاد دفع شکر ایچون اراد
 کرب و قطرات بجا رسوب جسته وجوده اولکده همانا آسمان اول سادات اعلم العیسی
 که کوکب فضل و عرفاندر خاکده پایال اولد و غین کور یکجک طور میوب فریاد و
 و اویلا به شکله و یا خود اولکان سخی و عثمان کریمک صفا دیده سندن بو کلو
 لالی ایدار و جو اهرنا مدارک نثار اولد و غین کور یکجک بی افتقار هر طرفدن

یعنی پیش از آنکه اسما حق العدم کرده اند و اینها نشان دهنده اولیاد است
 و حضرت ستوده اطوارک یونس مملکتی ایشان را یکبار غیبت باران این کمی بار در زانو
 میکنند از بهر شرفیت ملائکه ایشان اسمانک فکلی طاشدن دکل که اول خوردیده
 رسولک چشم کوهر اندوزندن بود کلو کریم جگر سوزین کوز و در دل کریمان
 و اول کلو این دل کل در که اول جگر کوشه بتولگ نامه و اینین کوز و نالان
 اولیه محمد و آله علی آنتان قاضی شام شرف انجی ام ایکن سنه ثلث و سبعین
 حجت بیت الله حرام و رویال سده سدره هترام حضرت خیر الانام نبی ایل
 شهر شام رو شونده اول شام کی لطف و صفا و افق بلده مزبوره بی روی
 خورشید انار تلک حسن و صفا و یرد کزنده محمد علی آنتانک منظور انظر
 لطف فراوان او تو قدوم سر رسول ربی عین سعادت بشکریدی و اول همایون
 رفعتی کولده استرا ایکن یرده بولاق دیو یوز یرده بکده شکر قیلوب فرایض و
 رعایتلرینه دل جانله امانت تشریدی اول زماندن برود یار و مدد مبعادت
 اید و اعتبار یرینه دن کلاکه اول عقده دخی مستحکم اول شید ذکر فضایل علمیه لرینه
 تحریر اقام و تحریک اقلام باب اظهار و اعلام ده نه ایضات ایده که حیات
 اصناف علوم و شمول انواع فنون و رسوم اول مخدوم معالی رسوم میراث در
 عمده از با فضل و کمال اولد قریب اثبات ایچون تکثیر مقال اید استبدال نه
 لازم که نور مبین علم یقین جبین سعادت قرینلرینه بدر بر اجلا لرندن مقال
 ایشدر ملج و تنالرنده بو میر که استاد بشراکما بدر در اول ذات اکلک عقل
 اول اولدوغنی مقدمات عقلیه و قطعیایله برهن و مدلل در کانه مبداء فیوض
 غیبیه عقل حاد عشر در نقابلرینه قضای قسطنطنیه ضمیمه اولو الف سلسله ایل
 منبوط اشال و اقرا اولمشیکن مرض طاعون دن والده سنی انتقال ایدی بود یار

طوره

طوره بحالی اولیوب تنون طبع متمسک اوزره قضای مزبور ترک اید و مکرر
 قصص ایل اول اماکن شریفیه بهر هلت ایلدی عجایب اوضاء و غرایب اطوار
 ظاهر و باهر اولو بر مقتضای جنون افاعیل غیبیه و اما و بی غریبه صادر اولمقل
 بود یار دن مسز اولمشدر با این جمله مخدوم مرقومک ترتب و مکل دیوا مضع
 تحیل کلمات قصص عنوانی وارد در بوبر ایکی اشعار اول سردن سادات ایم سعادت
 و نقیب اشراق عا سماء مستلینک انار کلک سحر و رشحات قلم مدار ایدر

کبرستانخانه با در عرصه دل می نهد	سخنه ناز تو میجو اهم سرای او دم
ندانم که در جهانم افکند الشمس	زمن ام نهانت رازی که دارم
بطاعت صدساله نتوان خریدن	زمن وقت مستی نیازی که دارم
کعبه که عاشقان کس جان بقرانم نکرد	اشرفی در خاک و خون غلطیده پس قربان
بتاب جود آرزو بس کشتن اشرف	ترسم که خبر یابد از ذوق بگرد

میری قصه اسپاره دندر سر حلقه سلسله اضیاء و ابرار و صد برف
 لالی نامدار و در غرر بر اعتبار اولو جد بزرگوار در اول ذات پرتابیک
 نام نامیسی امر الله در صفا که بو عاقل جهانده بود کولانی عثمان بر صد فغان
 اولق هرگز واقع اولمشدر و بو قدر اهل دجید و حال که هر بری امانی فضل و
 کمال در بر مصلحت نمایان و لایع اولمشدر قطره نطفه سنده نه صا وارد در
 هر بریسی بر بگرداخر و بی کنار و شجره طیبه وجودنده نه کرامت وارد در که هر
 بر نهال سر و مثال ظاهر و بیدار اولمشدر بخرج منها التلو و المرجان با صدق
 دل و جا کبشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السما صفت حال اولاد فضایل
 اول منبع علم و هنر دن منشعب و اول سخا کمال بی بدن منبک اول حضرت امک
 بعضیسی بو جمله ده تحریر و تسطیر اولمشدر یکسین نام قصیده خادم شریع سید الام

جد المؤلف

ایکن

دکان امر الله قدره و انما قدره انما هو اسی روشن و انکار اولوب یا اینها انفس
 ارجعی خط و فرمانه اخط و اذعان اید و خادخلی جنی اریله شتبع و
 ستین و تعالیه ده عازم دار جان اولدی فرزند ارجمندی قضا یل باب
 مس اعد سادش هر شوال لفظن تاریخ انتقال و ارجالی ایشدر رت و کل
 دیوا مصنع و خیل ایست غت عنوان وار در خانی اید معار او لغین اکثر غزلی
 اول طرزده اولو فرورک غزلیانه نظر بر دو شدر بو اشعار انکر

اعضا که او فتسو کو کن سنگ ملا	تا ویریه دندان شک دلبه زجت
مددای شوخ غمزه کار مدد	جانه ایدی غمزه کار مدد
ایر نه کور و سرخ بل وین امرانک	خون جگر نیک اثری در فرقانک
عاشق مین کور یک دلبر بدی چمن	یعنی که خسته دگر کوره باشی برانچمن
زلفک چینی کور دم رضا رک او زره صندم	طفل حبش بر ایش کلدسته دن قوجان

میری بابازی دیار چکن مرز و بوم دیار روم قدم بصان طایفه ارجی
 خواجه بنا لادن کی میردیکه شهرت پذیر اولمشدر اول سید فخری
 فخر طبع فضایل موفوری اولمشدر خلق کثرت و تصنیف اید و کثیر زاده
 دیر زانی یکی مولای شهرت آسار و برود در رعایت مراسم کماله
 قائم دوایم اولدقدن کمره مرحوم حسن بیک افند نیک منظور نظر مکارم و مراعی
 اولوب جناب شریفین ملازم اولمشدر حال آنکه مخاطر فضیلت مقاطری
 دلتنگ و طول در که ادرنده دار حکایت مدرسین مؤلفه در متوقع در که
 عن قریب پایه ارتقا ای صحن مراد و مأموله وصول اولدحقا که اول جناب
 علی آتاش و علی البرهانک اینه هم میر خورشید تنویر مصقل فضل غزیر و علم
 کثیر اید فضیلت و بی صحیفه جاید قلب عینالی ارقام لطیف جلال اید مرتب و کمال

ادضا و اطوار میرانه و سپاسیانه صید و کار اید عید اولوب فرود سینه
 نامدار در محمد عصار که هر و شتر کی سیر ترجه اید و بلا زیاده و نقصان
 کتاب مزبور نسه زیاده ایدم دیوخی را ایدر ریه فن مجاده و فی حق کوشش
 مشکل کشای بو و ایدیه بی و زرت اید و معار کبی نامدار مقبول و مدوح صفار و کباب
 اولو بویر کی صفت و اشعار اولد استوده صفات کور جمله کور اولمغین ارسا شدر

کوکلی کوی تھارک کجی اب و هو اسند	مجال اول مشرب کجک اوار لکک هو اسند
کور چشم سیاهین شکلاهی کوشند	ایکی شاهین در کوز لرشکار ری سندن
برز عشاقه باز دق یا کلاک دو کجی ای	شکایت ایلدک باره رقیبک بدلقاسندن
و بریدی کورک و صلی متاعن نظر دلبر	دلکله اولد کجی دی انک میری با سندن

دو چشمه بولسور مرم	کجه فردی طایفه بدین صر	دتر ایدی صبال او مورق
جوخ سنجابی کجی شوق	در وصف اسب	جوخ و شوق و نمکه ایدر دوی
اسوده بیر نقطه موم	صیروب انسه یلکه آهنگ	سایه سینی کجی بر روی سنگ

سید جناب ایدت نصفا سعاد قباب مقصد ای انه دیندار سلطان علم فضائل
 قبله از نا علم و عمل کعبه صفا دیدار باب نخل عمده المفسرین واسوه الطربین
 مولانا ابوسعود اسکندری دار الخلود حضرت بزرگ فرزندی اولد حلی افندی
 والد ماجد لر نیک ایام حیاتده مدرس معالی ایا اولوب مرات قلب پر از خشت منده
 علیکم باتشام صور ارتسام بولد قدده نصفا شام شرف انجام ایلد مقبض المرام اولو
 نیچه ایام اولمده پراسترآمده خادم شرح سید الانام اولدقدن کمره منزل اولو
 بعده نصفا حب الشهاب ایلد کار و اولو سانه حصو امال کجی صال و اجم احوالنده
 کردان غنچه خاطر کی ششم سرور وافر ایلد بی و خندان اکن هجبت حیانتدن
 گرفته دل او کجی مجلس عالم قدسه ایل اولو و طیوف علم ولدان فخلدون ساقبلندن

لا فيها غول ولا هم نیز فون صیفنی نوش ایله ترک عالم قانتر اکثر یاشی
 شعرا و ایام و ظرفا ایچم ایله اوغین سبک معارف میزان اعتبارده قام
 و کالاً خرنیه ده خیل صحت و نام ایدی حسن فطرت قام ایله اولونجه قطع لر
 جمع ایله ونجه مرتقله و زور رب سرمایه مکرزند کانی و تود نامعد و د انوال
 اکاظر ایتیدی ز با قاریده اولان شعرا خیل عجمانه و سنادانه در بر برگی اشعار اول خنده
 تر ای نوش کلام اول جا میتوان گفتن بیان بخش لب را اب حیوان میوان گفتن
 بر این وفاستی میا نرا بنیالست این جنین نازک فیضی کی توان بستن بحالست این
 ای در دلت باهل و فاجور و کین هم چشم بنار زهرن مردان دین هم
 بر حوم مرقوم بطلعی دید کده اول زمانه اولان شعرا ن شیخ ایتدی والد علی
 آتاش بولم بلغت نشانه جلست کوی ساقی بوده ایتدی اول مطلع بود
 دین میرد ز خلق با شوب کین هم خوشند هم نمیشود ان به بدین هم
 میل تاج دیبا زبای کلام اولان اقلام مشکین ارقم تار بود وقایع و حوادث
 منوال مقال ایله شیخ ایله کده و نویسنده احوال و اطوار اولان خانه غریب نگار
 بولمده او صاحبان معارف کردار شیخ ایتدی کده صدر اناطولید معز اولان
 جامع المعقول و ذات حمیده فعال حضرت ستوده او صاحبان سابق میدان فضل و
 کمال صدرین جامع مکارم و فضائل فرط اراج اشفاق و مزیات استیمال اشفاق
 ممتاز کلشن علوم و معارف و بوستان کالاً و نظریه مانند سرور سرفراز طبع
 بلند قلّه قاف صغایق و هوای فضیله و قاعده هما پرواز اولور خفا مبارکند
 مخایل دو نور افتاب عالی منزلت کیمی روشن و بین میدان فضل و عرفانده
 انشال و اقرانندن مزید بقی اولدوغی تحریر لطیف و توفیق شریفه سی کی
 دلایل قاطعه و بر این سطح ایله مدلل و مبرهن اولان ذکر یا ایتدی حضرت تکر

نامدارا

انزه

انزه نام فتنه بر اصرار اولان اذیال اشتغال و درامن فصل فضل و کمال لادن
 دست موانع و خار علایق منقطع و شرایط و عمل استعدا ذات معاندند
 باسر با جمیع اولو طریق علم سلوک بیورد قلنده صور مرابای علوم طیفنا بل مرقوم
 احسن انی و معلول فضایل و کالاً ذات سوده صفا عله غانی اولان نظر
 ات داد منبع السعادت معلول امیر افند نیک اناطولی قاضی عسکری ایکن کده
 خدمتدن ملازم اولون منظور انظر رعایت و مکارمی اولمشدر بعد مدراس
 علیه و مناسبه به اعتلا و ارتقا ایدونجه دفعه سبک فضل و عرفی کمال آفتاب
 و امتی نده ز خالص العیار ایدو کی ظهرو واضح و دفعا تل عند الامکان
 یکرم المراد او بیان میداننده امثال و اقرانندن سابق و راج ایدو کی ساطع و
 لایح اولو بو واسطه عظیم ایدو مدرسه علی پاشای عتیق محل اداره رصق
 تدقیق و تحقیق ایله شید بعد ادرنده اوج شرفی مدرسی ایله نام و نشان
 بولوب تشریف سخن ثمانیه ایدو بر عنوان اولد قدن صکره افیج اولان عثمان صاحب
 قران زمان کاسر تاج اهل بنی و عدوان اولان مرحوم سلطان سلیم خان مدینه
 مشغول مدارسه علم و ادب ایکن قاضی مدینه حلب اولمشریدی اگر چه جوان
 زمانند بعض اصحاب حد و عدوان بر بره جمع اولو بر فوای و العقوه فی غیابه
 حجت یوسف صاه و عزتی چاه مذله القایمک بحسب النظر مقتضی المرام اولدیرکن
 عنایت بی غایت بجا و هدایت بی نهایت رحمانی ایدو عزیز صلا و جاه زنجی
 اقباله اگر می شواد دیوب چوق مدت کچدین عزیز حضرت و مالک ملک و نعمت
 اولوب بر و سوره حرمه قاضی و حاکم اولایل مدینه مزبوره ده اظهار شعار
 و معالده و خدمت دین اسلامه جان و دلدن علی الدوام قیام ایکن ارباب
 اف دون حسد و طغیان استخوان ایدو شیطانی ایدو متدرع به اسب عصبان اولوب

صیقلی

بر حسب استنباط ابریس مقدما که در شرح قول لطفه جناب عالی مشنون قضا منور در
 منزل ابیدردیل لکن بوالحدن چشم اعتباری کور اولدی که افتاب اوج دولت
 کردنته اید مسور اولا و تیر اسمی اقبال جادید ترض ابراشو بیاید اولو موا
 تقدیر مواج تدبیر ایلرد قلال و انوار الفکا ملک خیر دست خدای و تدویر ایل
 سدایده **لنظم** بحر فرعون به نیز نکضیا چه کند چون کیم از بی ایجا ز غصا بر کبر
 بکله الله تعالی اعدای بد نهاد کیم انتقامی بقارعه سپهر اهتیا ملرند در خنده اولو
 قوت بارو سعادت نکرند بر نیز خصوم پیچیده و جلوسنگ کشف و ارسر نکبت ایلر
 کشیده اولوب بچون الله الملك الوهاب افتاب عالم تاب دوری عقده کسوفدن جنگ
 اولو پشام محنتی صبح سعاده تبدل و قافله امان و احوال آماره الام و ملا
 طربی اقبال و اجلال تحول اولو قسطنطنیه حیه ده حاکم و قائل امور شرعیه اولو
 صکره ذات خورشید انارنی منور ایوان دیوان مهادرت اولدی

هر شادی که چرخ زاو فوت کرده بود	انرا بیک لطیفه قضا کرد روزگار
محتاج بود ملک پیرایه چنین	آخر ادا کرد روزگار

فی الواقع نور افتاب کی روشن و لامع در که اولد استنوده صفا که فی کل آن
 خدمت دین مبینده کوشش بشمار ایلر بکیم ضمان علی الاقبال امانت طایفه منشورانی
 طوفای سعادت پیرایه مهادرت ایل معنون اولسرا و احق در و اول جناب سعادت
 که علی الدوام کند و خواب و خوراک حرام ایلوب میدان کزیر دلایل و مضار
 سائیده کیت فایده مدام حرام و پیره بوجیب و ختم علی الایام انک غالب
 سپاه رجا فواد ساطیعه مرام و مراده تلقی ایتمی معر و محقق در کتاب هدایه
 هدایت ربنا و عنایت سبحانی ایلر بشرح کزیر اتمش در که غایتده مقبول و مرغوب
 و نهایتد پسندیده و خوب اولو شروع مقدمی الهام پیشین کی منسوخ اتمش

و شرح اسلافک ایتد کلمی عقود و ائنه الهود برسوز ایل منسوخ قلمش شرح
 الفصیح تعلیق لری و صدر تشریح جلیله لری و شرح المواقعه دخی هو امن لطفه
 هرندن تجر سائل منصفی لری و اردر هر بری مقبول ربنا انظار اولو افضل
 روزگار میانشده اشتها بر بندر مبادی ایام صبا دن الی یومنا هذ اذره
 خاک برداشته افتاب عنایت و طفتی ومانند شاع ضعیف بنیه پرورده
 ابر اقلری اولو صد خاطر فاتره نیت لطفه حسن لری بران و غنچه باطن
 ظاهر داعی مخلص نظر شبنم کرم بیک انزله ناضر و غذان در لاجرم نوبت
 همچو ایه ضمیر و بوضطره خاطر فاتره جایگیر اوشید که اول حضرت و الی ربنا کیم
 البسم واجب و مختم جز ایل و جلال اتمش نیدن که رقاب شکر بیست محل با بر منندن
 حایر و بایر و وصفا ساین قیاس ذکر شده و آسندن عاجز و قاصر در هر
 یک و بسیار دن اندکینی بیجا و عیا تلفیق نشا ط اندرایم بخوانند کان
 منزع ساینم بدانندگان فتره دلا ز ابرارم بکار غم الوده کاترا شوم ننگار
 اما شولذات جلیل و کریم که توفی و جو انهم نضرة النعم فی اسی و زره انوار خلد
 رفیع صیین مبیندن لامع و اول حضرت بر مکت و وجود کیم سیم فی وجود
 من اثر التجدد متغایر انا ربز کو آرزو ابر انوار نندن ساطع در توفی و
 توصیف غنی و مدح و اطرادن مانند نور ذکابی نیاز و مستغنی در لکن بیت

سخن بدمخ توار آسن عرض انست	که نزد اهل سز رونق بود ما را
ذکره منقبت افتا معلومست	چه حالتست بمشاطه روی زبیدار

سایر یکنند فضل عربی و فارسی و ترکی اشعار و بوننده طبع بلند رنگ نهانیده
 اقتدار و اردر بوبرایکی اشعار اولذات فضائل شاعرک یادکار فکر و نظر
 بر اعتبار و رشحات سحاب کلک شاعر و نظرات زخار خاطر نزر کواری در

لی
 لعلی او بنو حسن خلیفه
 دادش و او را میرزا دادند

<p>لعلی قدا و کینور مش قد و کسر و جن یونس جان ویرانه و سلم دریم ایم دشمن ابتدای مهر کز دل سنگین شیرین اثر گل شیرینک شکر در دیر امیش ای غم گوشه فحش نیکوب و شاد یاران گلشنه عرض جمال ابتدای بنه هر دل کبک حسینه بنجه ال ابره اول سیمبر عرصه احسن و مهندسه سر آمد در بو لطف که کوز و عارض یاری میلی ببارین انیسار اغوزندن او یار ابروی کج و کجین باده دن بو خجلی ارباب</p>	<p>دادی الی و امیرز با الله ای شکر شکن کر بو عهد نین و ف ایلر سه جانان شسته بن طاشی باشه باشی طاشه اورد که لکن طوطی کویانک اغوزینه بود راغی دشمن میلین شدی بویله توبه کار اولی بد مجتهدن یره کجلی کوزوانی صور از دوار درانی بکلر ای کیسور کاکل یار ایل اول ای سیاه ابر در گلشن ایچره سکه جک یر لار در صور باکده بز بوسه و یردیم دل اغوز و یر خاطر صغندی بسونک منکر اولدی قوج</p>
--	--

میلی و هو المولی الفاسل والعلم العال کشف لموض المشکلا حلال امور
 کریم الاوصاف والالاق عدیم المشل فی الافق مستح صایق العلوم مستنبط
 دقایق حدود و آرزوم مولانا التمهیر بلطنی بیک زاده جعله الله تعالی من الذین
 احسنوا طینی و فایده پدر معظمی دفتر دارلق منصبی ایل معزز و کرم او
 لکن جناب فضایل نصایب بیک که مضار فرسان کالایک سر ضعیف در سمت تحصیل علوم
 و فنون میله اولوشه باز طبع بند پروازی اسما نفضل و عرفانده طیران و طواس
 نهاد ملک شرای زمین علم و ایفانده جولای ایلدو ریاض علم و ادب اب سچی و
 طلبی ایل سیرا و کلت کمال و بوستان فضل و انضالی جو سیرا جبه بسیار و کوش
 سی پیشی رایل سربز و شاد ایلد حقا که و نور علم و فضیلت و صفای لطف و خصلت
 ایلد ارادت صفای حمیده و شایسته دیده و نکارم اخلاق و مراحم شغای ایلد سیر

بر وجود شریف و بر ذات لطیف در که غایت علم و نهایت حلم و وجود طبع حدت
 ذکا و انواع نکارم و او صاحبی ایلد اشال و اکفاسند سر و مال کی متنازو
 مستثنی و جمال حال فرضه مالی زین بهارت و طیبه جلیه سعادت ایلد مزین
 محلی و مرآت ذات ستوده صفات مصقل معارف و کمال ایلد روشن محلی در
 انوار فضل در شا دجهت مبارک کردن برو جهل ظلم و باهر در که مکر سیرد و وار
 انکه دعوی مساوات ایتد دن قالمشدر و اشعه ضیاء انشوری اسار صیابین
 هما یونده اول طریق لایع و طبع در که روشن شتاب تار و ثواب کواکب
 سیار انکه دم مبارک آورده دن و از کلمه در علی ال اجمال احوال شرفیاری
 بو سوال اوزره در که ضیاط قدر قبای صفای یقینی قامت وجود بر سر
 راست ایلدو دست ایام ردا کمال ایلتی مناکب علیا رینه لایق و سزا کور
 عزیز ملک کمال یوسف مصر استیصال اول انسان افندی ملایمت ایلد کار و ا
 اولد قدر کمره مدار کسب تبوی اعتلا و ارتقا ایلدو قرق اچی ایلد مدرسه داود
 پاشان عزول اولدقه هیز برتیه معاش و کمرمت چایکسوار نصهار علو وقت
 اصف پیمان صاحب حب قران مجوم علی پاشانک ذوق فقر تربیت و عطفی
 میان جانلرینه بند ایلد دل دل صاحب مبرایه سوار اولمش ایدی الی اچی ایل
 قدریه مدرسه اندن ذات معالی اقتضایه مدرسه ضایک خاص قید او نوب
 اندن وجود شرفلرینه که سما فضایلده شوای یانیه در مدرسه شرفیه ثمانیه
 تفویض اولدقه مدرسه مرقوم رویال جناب معالی شستری ایلد معادل
 مشاکل بهشت بهشت اولمشیکه بعده چاررکن سرای اقبال و عناصر اربعه عالم
 مجد و معال اولد مدرسه سلیمانیه دن بری انتمایه سده علیا ریه تحصیل انواع
 عزت و علا ایلدو اندن بیت الله حرام ده شرفها الله الملک العلم خادم شرف

سید الانام و فیصل قضیه شرعیّه خاص عام او شایکین اول کلین کلین فصل
 قضیه مکّه مشرفه دن بی وجه و بی سبب عزل اولند اگر چه دور ایام و سبب دور
 بر مقدار صحتی که نمایا او نشید بیون الله تعالی حالا اهله لطف و
 مهری عیب اولد وقت و عزت سعادت تری که فی الجمله کان کی این بو خید حالا
 بخورگی استغنا بولدی بلی بی شبهه بی برنج کج بیشتر اولز و بی زحمت نعت
 معذره اولز بی شگاه سعادت اول که و ار که شاق جاده طلبه صبر ایلیه و جمال
 کعبه مراد اول طالبی ایلیه که برنج بادیه نقب و نصبه منجمل اولغجه جانیه صبر ایلیه
 بقدر الکل تکلیف المعالی نزهت و سیه قاضی اولو خدمت شریه مینده
 دایم وقایع ایکن اندن دخی معزول اولو خاطر فضایل شموی غنی صفت دلتنگ
 و بنفشه کیمی خرون و ملول اولشید حالا مجد الله تعالی قضیه ادرنه و اولغجه
 روی سعادت تری کل کیمی خندان اولدی کوی سوره مزبوره جناب فضایل بوفوره
 تقلید اولند قدره زمانه وضع الشی فی محله صورتی فی الحقیقه شاهد ایله دوام
 رو ایله پیوند لرینه استدلال ایلیدی و سیر دور اعط القوس بارها معنای
 بی شبهه و مراعاتینه ایله استمرار سعادت ذات معالی مدار لرینه عاجز و عیازم
 اولدی امید در که بعد کلمات عزت و اقبال تری صرصر خزان اختلالان کخوف
 و استان سعادت و اقبال تری امداد عنایت ازنی و اسعاد دعایت لم یزلی انکخوف
 اول خدمت شریف لرله اولان محبت سابقه و مود لاصقه و جنب فلک قبا لرینه اولان
 اخص و افرو خصاص متکثر مقتضای اول ایلیکه او ضادات کامیاب برنده
 مستقلا بر کتاب تألیف و تصنیف اوله لکن بیامت و ملات تطویلان اختیار
 احتراز اولنوب بو مقدار قال و قیل ایله خصصار اولند بو برگی اشعار بلاغت
 اولان ات بزرگوار که اول برشته لطف و نواک اول منبع سلسله معانی اول غمان

فضله

فصل در فائز اول بحاطب رار تحقیق و ابقانک شکر کلک شکر قطره غلام افکار بیدار
 نر کلدی سنگ ششکده ای بی صفت یار
 یار اغیار ایله عزم ایلیجک در یار
 دور ایله و زلف منی دیده کوی مرایه
 شو گلویاره رکدم خضر بالینک ششکده
 نغمده اما نید و نوک شو دکلو اعلام
 روز و صلمده او پرسم نوله بن جان الن
 کور مد اول یوسف ثانی کیمی صبا حال
 دست جور کل خرابه کلاکت خایه
 ساقیا جام شرابی اله دستم نهم
 یا کله دستینه خن اول نهال بریند

بی کنون یوا اطفا شهرک طوبی بر طافه
 طفل دل اغلی ورق قالدی بشکاه شنده
 قیودان زاده یا شتم دونر سوز
 بو سیم تکلیف سن بر ایلیک صانور خضر لهار
 کور نرا اهله اشکم صانور لر نوح طوقا
 وقت عید اوله او بر رسنده رکطان الن
 کوی کشت اندم سر اسر نه صرا اید کنعایین
 لطفه موز قیل کل کولک ویران ایمن
 طو غمشر سیمانه ایله نرازل بیجان ایمن
 عاشقن قربان ایله کون طوبی سیمه قان

بیل برودن بزاردن بو غشرون بدل ایله سرو سرافراز کیمی ممتاز در
 مرغ دل ای شور کل کویکه وار مانه استر
 اغله و غم بو که مردم بنم اول سرو سخی
 ویردوی رفعت ای دل فلک الدنه
 کله و کجی قرشودن نازیل جانانم بنم
 طوز مزاق کوز لرمدن قانیله یا شتم بنم

بیل قصه نوه برده دن طایر سلاطین ماضی و عابر کتایبی ایله تحصیل کفوف
 معیشت اوزره مطبوع التمثیل مقبول قصایل صبا بطحصولا لطف بوسنده
 نمود امعار طریق ایراد و مصارف نظره واقف اشعار و ابیات ربه قلم موصول اولون
 کلام اصفا اهل کالانده محضی و مقبول اولمشدر بو برگی اشعار بوجمله برر لطف و اختیار

در ایستادن

ایستد و کیدر

لعل باریه جان و دلدان سیده و ازاده نوز
 صوفی کتک بوم میکده ایده خوا
 نه ظلم و حیل رنگ ایده بوستانه جوان
 عجمی جمع بقایای برک ایدر صبا
 دو کلدی برک درخت آفت سما دیدن
 انجمن ایگه بادی جنبده دفتر دار
 صبح صادق اولور اول مهر درن کلن
 سبیل سبایج نام قصبه دندرامانت و نظارت قالمش در یای غیش و عشره
 خواص مثال طالمش سجاده فرض و ناموسی صوبه صالمشیدی بو شتر انکر گفتار نذر
 یکی بروک اره سنده کورین حال سدره دن پروازه سان بال جلدی جبریل
حرف التیون نادری مرموم و مغفور عبد الغنی افندیگ نال و صه بر مندی
 و در یکدانه صد وجود ار جنبدی و اول فصل روزگار و خلاصه انام و نقاوه
 روزگارک فرزند هوشمندیدر هنوز نوسن نوسال ایکن انواع معارف و کمال اعلی
 و مرات وجود هم بود مصل فضا ئیل نامعدود و ادب عالی او کواق کمالا بحدود
 فایز قدح معالی اولدوغی حیرت فرای اولی انهی در پدربزرگوارری که حاجت
 در معارف و فضایلده بی ثانی و تالندر حوزه اقتدار لرینه جمع ایتدی و کی نمودنا
 و معارف و طریف و تاللد کمال و نظایر وارث او تو بر نغوی اولد ایتدی جو اذیع
 نمیه لرینی وادی انشا عطف و توجیه تکلیف شبل ذاک الاله مضمونی معلوم مفهوم
 کل اهدا ایتدی در فی الواقع لولا اقلاندن جا ک اولی مانند زلال اولسه غریب
 دکل که انکا منبع اول جبال فضل و کالدر و نهال وجود بر کمالی نور سیده ایکن
 اولسه عجیب دکل درانی مرتبی اولی بانغب معارف و افضالدر شویله عنایت

بی غایت پروردگار ایلد و صه وجود پسندیده اطواری بر خوردار اولد
 سرو مثال جوان اخواندن مصون و نکی حد ناندن محروس مانون اولغله بوستان
 جهانده پایدار اولد پدربزرگوارری کبی پرستهار اولوسی روشن و اشکار
 بو بر ایکی اشعار اول مخدوم نامدار ک گفتار بخت شعار نذر
 در دکلک عند لیبی چمن قلدی نالار
 مژگان میر اید کوریک چشم قانک
 شاید تحمل ایلیمه خبیله کلا در
 قدم کمانه دوستی ولی مبتلا کو کل
 نقاش دل سواد مهنک الدی بر توین
 بر سر عرضات دفا ریح ماه دستار
 سندن شکایت ایتدی کلی ایلیمه سپهر
 صید ایتدی مرغ جان او شهباز تیز بر
 رنگ المنو مدد لب دلدار دن شکر
 هر کور دوی تذر و خوا مانه جان اثر
 حسنک یازلدی صغیه سیمه بو شوتر
 هر عامتباب اولور بی دل سبایی هر زمان
نامی اول ذات الجدک نام نامی و اسم ساسی محمد در پدربزرگوارری که کن
 آسمان عرفانده بدر پیرانوار در کل اربنا علوم و قدوه اصحاب فنون و تقوی
 زمره اصحاب علم و ادب دن قاضی مدینه حلب ایکن معارف رجا و حکم نافذ نذر
 ایل دست ساقی اجلدن کل نفس ذائقه الموت شربان چنان اولوشته بار تیلند
 پرواز روح رو ک بو خاکدان جهانده کلت کلت جنه نظیر ان ایدن سر آمد
 اصی فضل و عرفان سرد فتر از با ذوق و ازعان فرست مجموع مطبوعه
 سر بلندی خدمت مولانا پیر احمد جللی افندی در ذات شریف جلال نشانی کدر
 برج معارف و عنص لطیف سعادت عنوانی که هر سپهر لطف ایتدی مطلع خاندان فضل
 کمالدن طالع و مشرق دودمان دست و اجلا لدن شارق و لامع اولد
 الی هذا الان تصاویر و عثمانیه نک چهره کشاسی و تصور بی تصور ایت
 خاق یته نک زینت فراسی رشک زدای مرایای قوانین و احکام رنگ نکی

طوایر و مناسبات اسلام عنوان صحیفه جاه و جلال و فخر و جلال و جلال و جلال
 اقبال و لوب ابان بن جدام جهم و جد ایله خدمت ال عثمانیة مثال قلم در
 قدم ایدو مداد اسما متابعت خط فرمان نرنده جاس و روان و پیوسته نگاشته
 اطاعتی بردوش و مکر خدمتی در میان قلوب کوی صفت میدان عبودیت
 چون اظنه در وان اولنا مرحوم جلال زاده نکند و در جلال نشان
 کثیر ال صفت ظاهر و عین و لامع و روشن اولش در اوایل حال زندگی ایام
 تحصیل هنر و هنگام کسب کمال در حرزات صفا صفا با نندن غبار بر عارض
 و ایمانی پاک انکله مجلای صور علوم و ادراک او بوقلم نغشید ضیال صحیفه و بال
 بلا جلاله رسم و تحریر ایتد و کی صورتی محال اینیه خصوصه جلوه کرد و عو
 معنی و شواهد در اکات اوله توانی ادنی توجه و التفات جنانی لرینه
 در بر اولور دیده همت بی انتاریه هرگز کسب کسل عارض و طاری
 و خورشید اقدام تا طری ظلام عدم اهتمامه متواری اولمزید **شعر**

هر که را اقبال با در زادر بهر میشود	همت اندر هر صبی بندد میسر میشود
بر خوی غمزدان شعر شوائس کتابها نفیس	آنه فی الزمان خیر طلیس کلیر است و بوسه

و تفریح حدایق و بهارستانی مطالعه کتب نضائیل و عرفان فلسفیه و تد اول کویس
 شراب ادبوانی اداره کلام بر نکات اصحاب تحقیق و ایقان بلنید زکس طر فغان
 نظاهری انوار و انوار علوم متکاثره دن او زکریه ناظر اولمزیدی و ضمیران
 ضمیر عاظمی رشحات بحای سخن انکار بدن غیر بله سبزه و نایب دکلیدی جنب
 معانی کتب انصاف فضل بی با نفا مابلج مالک اولدقدن کله طریق علم سلک
 اولدقدن مرحوم مرقوم خدمت معاصر سولر نیک بلال وجود یمتانی انافان
 بدر کامل اولو افتاب عالمتاب ذات فرضنده صفا افق عزت و در نندن

طالع و لامع اولغله بر تو اند از عالم امکان و منور زوایای قبه جها اوسته
 و عالم اولشید و قدم قدم در جها عزت و ابلال و مصابعد و قاعد و
 اقبال و اصل و نایل اولی غنم لم و لمانکی واقف و جازم اولشید و دیده
 بین ایله نگران اولدقدن حسین بسیننده اصائل درونک لامع و فشان
 و خائیل عز و رفعتک ساطع و عین اولد و عین مشاهده ایدو قلم و ملک املا
 و انشا مستحرامه بر صفا سی دا و راق و اطباقی غلت رقم زده کلک بر
 الای الی اولغله عن قریب منشی دیوان قدر و قضا و تحریر مناشیر احکام دنیا
 ایچون حضرت بارفت و علل لرین تعیین ایتد خرم و یقین او زره اولشید
 بنا علیه جناب جلال نشان لرینی که امثال و اقترانی میاننده فایق و قلم
 امثالی ایچره مشار الیه بالبنان اولغله انواع رعایت و نوازشه لایق و شایسته
 طریق بر توفیق کتابة سائق اولشید فی الواقع مرحوم مرقوم ک نظری صحیح و
 راست اولدیکه لوامح انواع سعور جاودا ساعت بساعت لامع و طلائع
 انار و فود ک امرانی مانند خورشید اسما روز بروز بارز و ساطع اولوب
 تابشیر صبح دو افق وجود فایقندن ظار و لای اولسی کوندن کوبه روشن
 و واضح اولدک و مناشیر بی سعادت کف بر کفایت لرینه تسلیم اولجاغی دم عتقا
 و دم صبح صادق کی باهر و ساه اولدک بعضی وزراء عطا تذکره صلیک
 خدمتی ایدل استخدام اولینوب رئیس الکتاب دیوان سکک و نوسینده جلال
 دقیق احکام خاق اولو تو پا دله جلال نشان مرحوم سلطان خان زماننده
 اوراق مرقوم عزت و اقبال و صفحات روزنامه سعادت و ابلال قلم
 رقم و خاه عنبرین شام لرین مرقوم و صحایف ایام و لیا و جواید نضائیل و
 رسوم کفایت و مرقوم در ایتل مخطور و مرسوم اولو نخبه زمان طوایر نویسن

جهان

اولاده زهره زهر ابرم فلک منیاده ذات فصد صفات کور و پویست
 نشانی اید در تویی که از سر ملک تو ملک انست صفتیک از دفتر تو یک ورق است
 جناب و اختری مثال قلم و زرا عظام لندن و سیموب هر آن اوراق می شود
 کمی بشیر او زره مکان اید کوندن کونه افتاب دست و غزنی بروی رفت
 عظمه ارتقا و اقدام اقدام و اتمامی مصداق و عیایه تصاعد و اعتلا
 کوسر و فارسی قلم ایکن صاحب علم اولو شفق رأیت بدیع الایه
 شهنشاهی و پرچم توغ فلک فروغ بادشاهی سرد و نور و تارک مبارک
 سعادت مظهر رینه سایه انداز اولمخه ذات بر اصل علم مثال اصحاب جاه و حال
 میانده مستثنی و ممتاز اولمشید امیر الامراء بر عرش و حلب شهبها اولمخه
 صکره منصبیل تویی ازلان نامزد ذات رنوع و منبع اولمخه کیر و اولمخه
 استخدام اید سر افراز اولمشید جمله اول جناب فلک تکلیک رای رزینی شکل
 کشای خلق و فکر حسین و مستنی صورت نای مرایای امن و امان اولود ذات
 سوده صفات مطلع افتاب عقل و سداد و منبع عیون صلاح و رشاد اولود
 سلطان و فرمانده زمین و زمان نوشیروان با عدل و داد پادشاه سلطان
 مراد حضرت نیک صیر میز خورشید لعل نه روشن و عین او عین مظهر انواع لطف و
 احسان و جلای صورت نوازش فراوان اولوب تشریف و زار ارزانی اید
 وجود خورشید اناری منور سپهر ایوان وزارت اولمشید جمله اول منصب
 والادن استغنا اید گوشه نشین منزل استغنا اولمشیدی لکن تویی رنوع
 سعادت مدار دست تقدی اغیار دن صلی برین روزگار اولوب برالای
 ادب و اراد اول محبوب شیرین شمایل جوب چویر مکالمات خاطر عا طای
 بریار اولمشید بنا علیه اول منصب رنوع و عظیم دست تفرانه توفیق و عظیم

اولد

اولمشید همانا نشانی خلق منصفی بر و سدر که ازلان ذرات جلا مانوسه نامزد
 اولمخه غیره جبر و اگر اه ایل و از و جناب و لیت و خلیق نیچد فدائی تطلق اندک
 طلاق رجعی در دیو و سوت شفاعت اربا سعادت تلافی کفاح و تحت نظر قرار
 کلور اید و یا خود ذات فایقرانه بر عاشق صادق قدر که برای کون مطلوب و
 محبوبه فراق الهی بنات بر مرده نگ نزل و ابرانه و غریب طشته تک و صول
 اشتیاقند اشد اولو شریک مرکز رینه حرکتی و اب روانک و سگلت تاجر کجایی
 جلال نشانه منجذب اولو دایما تحت علیک لرنه چکلور اید فینده طبع عالیت نینگ
 مثال ضعیف و مثال اقرانی میبایسته نهانیده نام و نشانی و در در بوار بلا
 شعار بوجلیه کج بر و سطر او تمغیون اختیار طبع مختار لری در

یا قین داغ غمی سینه ابدال اولمز	تعلل کسمه درد دلنه دال اولمز
نکوزل مسکن اید ملک جهان اولمشه فبات	صا و زو خرمن مگری یل ویر فرزند مات
صیدا ایچون مرغ دلی خرمن عالمده کولکل	دام نزل و لیر جلد در قور یلی قید حیات
عسک حنینه اولمشه زلفی سردار المیش	دلدار اوب هر برین بر تار ه بوزار المیش
ات صابو میدان عشقه قتل ایچون عشاقنی	کاکل سگینی کندویه قفادار المیش
حفر و تیغ و کندین بلینه بند ایلوب	شاهسوارم مویسیانی سگدار المیش
غزه سی مرکانی کجی دلدن اما دلینه	بغزینه با صوانی کندویه دلدار المیش
کچ غم اولمشه سوز بودل ناشاده	کله دی اربا محن با که مبارک یاده
دوستلق کیدن او کرسین برکا دشمنک	اضططایتمه صا قن کب اید دیناده

نامی اب و هوایی معقول و مرغوب اول مدینه بدیع الاسلوب شهر اسکو بندر
 بکلی محمی بیکله موصوف و مشهور امانی شهر مزبور میبایسته حسن حال اید حسن
 خالی هویشان کبی معروف و مذکور در بو شعر انکدر

2

دعی وار در کوزلم با شینی عثمان المیز
خاتم لعل و ضلیل الدلی دل افکینمی

اول پری با که جوق ایش ایلها قان المیز
شکر مور بل بو فنی سلیمان المیز

نامی اسمی صحر در دیار میدون نصیبه انور الله قاضی دیکلمه و بر قاضی
او غلبه در والد جنت مکان قرابت فی الجمله و سلسله حبیب دامان دل جاننی جوهر
تربیت و حسن ایل پرستیدن بغیری قدوه افضل روم جامع الفنون و العلوم
ضلیل بوادی عرفانه مرشد و نادی اول استادنا ابو سعید الهامد حضرت زین
دانشمند ایل و آستان سعادت ایشیا نرینه خادم تکلم خدمت شریفانندن ملازم اول
اول عبیه عیله به انما و انبیا ایل عالجه ضیلی کامران و کانی اول شید کن بر جوی ایش
اذانت اکرمت الکریم ملکنه و اذانت اکرمت التئیم مر د ا
دیده جانم والد فردوس مکاندن کور دست حالنده نمای اول مازوم مرقوم
نیض در ر ایل اید جری بی بر بهیتر مستور اول تو ابناء آیامه بعضی صادق نام ایش
ایکون اول ان تیرت و مدعی حاشاذم و قدح ایلرد و ایمانا بوجبت بیضا صدق
حال و احوال اول کله شکر لفظ ربیت بر و ا طول غری فلما صار کلبا بعضی رضلی
اخو کار عمر و زندگانیدن بهره دار اول یوب الهامی نام قبیه ده قاضی ایکن والد علی
نم فرا و ا کوزینه طو و داعی اول شید بر ایکی ایکن کره عالم ظاهر دن کوز یوموی ایل
جزایه اینک و افعال افعال کسبیه سی دارد دنیا بی مثال قرض باشنه تنگ ایلدی
اشعار لا یقعد و ا لخصی مجرد کلام موزون و معنی مقوله سیدر بو اشعار انکدر

عشوه در بو کوشام زینشوده در بو نایز
کوشی به هر طرفدن روز کازل ویرک اول شکر
قبیله عا شقه ذلت رتبه ضیلی رفعت
مراد این اول مدین عید و سال یاره ایلر کدر
کونکی کوندن افندی قولگده دفتره یاز
نصیب اولما بچ شام مراده ایلرک اول شکر
بو کون ظلم ایتمه دنیا ده بکم یارین
ایکون کچ غمده روزه جهرانه نیت وار

نامی محمد در سطنظینه دندر مقما حوق الغده مطور و مذکور اول ظاهر طاهر
افتخار آت منبج السعادت مولانا امیر گلک فرزند معارف موفور بیدر مرقوم
زاده افندی تک مکتب علم و کماله خادم اولمغه خدمتندن ملازم اول شدر حال توز
اچی مدرسه دن معزول و تحصیل و تکمیل معارف و کماله مشغول طبیعت شتوی سی
فضیلت علمیه ضمیمه و جواهر زواجر طباعت و برکت کردن دل جاننه نیم
اول شدر حسن خطی درخی مقبول اشعار و ایش حسن قبوله موصول اول شدر
جمله نزاکت و لطافتندن روایت اول نور کعبی وقت محاسنده انا شیب
ظاهر اول تو ظاهر استن و سالی تکذیب ایلرک اول درخی مقابله قصه شمشیر ایلرک
قره سور و صفاتی بو یار کور بو معنایی غیر بلیکی انکار ایتیم یار اننه واقعا
بن بو موی سفید ایلر اوسم وجودی استشفال ایلر و بنی اسرار ایش نومه ظلم ایلر کور
و مجلس بزم انسه بزم ایل اهدام اول طر ایلر و کوز در ایلدی بو اشعار انک کنتار بندر

بازار حسن اچینده اول کیده بهاسکنا	ویرمک نه ایلدی روح روانم شها سکا
کل یوزک کو یکده بیچ کورتر مدک کیدی کنا	نقد اشکم کلسوا ای روح روانم یونکنا
امدوز و لعل لیک بنده که ایتیز سن راه	اویدور رسین الوکی غیره الذن فریاد
کر چه دیر لر کتور رادم باران او کچو	کور فرما تا نجب دیده کریان او کچو
فرقده بتر سا که غم یار نو ال	غم بیجود لا ایلر مز ایشک خون صال
بیل کسپی اه ایلر کو یکده حبیبک	شاید ضررک ایش اول تازه نهال
بو طرز حسدینه سلمان کبی نامی	احسنت غزل دیک ایلر کوردی کمال

نامی قبه الاسلام مدینه بر احترام مقسم سیول منی و سول اول شدر استنبول لاند زین
فضائل باب مولانا الفاضل و البدر الامل هدایه الزمان عنایه الرحمان نهاییه فضل
برو تحذ غایت نبی اول علما آیامه سرور عبده مولانا فضل افندی استانبول

منشی او فخر مشهور و مذکور در بوغزلی باقی نامه شایع او عین مزبور بود که
 الام موفوری هیکه بادی بو واقع اولدی تقصیری ترجمه کرده مکرر اولمدر
 جهانک نمشدن کند و اب داده مزیدر
 غنا صدر نده موز و نا اسوده
 همای اوج عزت کیبی غیر نتردن ای نامی
 ایندوش جا که قلم نوله نقلسیر
 کلدی دیار روم کوردم دیوزگی
 اراد جمله شهری پرستو صوفی صوفی

نجانی مشرک یوان عبت بیت القصیده مجموعہ قصاید ابلغ سخنوران بلط طراز
 اشونکه شناسا دقیقه پرداز شوار و مک پیشوا و نسی درینج و تویع بر
 وز انکک طوا نویسی اولن شاعر سحر افزین و ناظم عدیم العبدیل و القرین در صوفی
 طیبه ایل محفوف بلدان روم اکنیده عذوبت و لطافت هوای موسوم موسوم
 کلتا صبادن کلتا و بوستان اردجا نفا اسواد کیسوماه ر ویا کی دلا
 و مهوره چهره سیرانی طرب انیزدم عیسی انفا سننده مضمون نشا اب حیات هوای
 جان پرورنده نجر اولن دار القصر و المینه حروسه شهر ادرنه دندر کن نشودن
 بلده قسطنطنیه اولندر و الد ماجد بزرگوار بیدر نامدار لر مقدمه مسطور اولن
 میری افندی دن نقل سوز و حقه دانا نلندن بو کونه نثار کومر و لعل ایدر ایدر
 شاعر مشهور مرحوم مغفور احمد بابا ایله حروسه بروده صحبت و الفت ایدر شوار سحر افزین
 استان فلک کسیننده نشان بر دین بریره جمع اولن نامه صفت اول ماه خورشید منزلندن
 آریلز و حلقه کی باب کرم و جود نیدن ایز طراز اولن نشا ده مستطاب کار با طراز
 شیخ مخلص و نوح ضامن فیض اللفظ و بلین الکلام بر عسر بیدا و ظاهر اولد و بویامده دونه
 رف بوی نزل لطیف دیوشده خاص عام اولد بو بر اکی اییا اولن لردندر

صفا افلاک درونم شرری دونه دونه
 سن او کاسین دیویر بر اصلور اینه لر
 اینی بر می بصر زلفک بردار اولانک
 شام زلفکله کوکل مصری خراب اولدی یو
 کعبه اولاسه قیبه ایل کون لیل و نهار
 بو صفادن که قدح غزین او پرورنده
 نه روا در بوکه بن قامتی حلقه قسیم
 کوز لرم قبله ای کیسی اولویدر نوله کر
 حقا که بر جوای الفضل تمقدم کیت اشعار پرز انکی میدان بلط و صفا حقه
 سابق و طرز نزل و ایراد مشله شعرا و بلغای بهاندن فایم ایدو کی نور افشا
 مغرب و شارق کیسی لامع و اقدار طرز نزلده جهانک و صید و طور مشله زمانک
 اولد و غنیه مرحوم والدک بو کلای شاعر در نظم مشره دک شهر و کامل دیه شعرو نزل
 کلمیکه نجانی کیسی مرفی المنش سلسان شایب معانی ضلال اسالیف الباسن سندن جاری
 در ریاض لغت مقال مجاری کلامی بیتانندن نمودار حیات جنات تجری منشور طبع
 بیتانی طراوی غزای حسن مقال اید معنون کردن دل بر کالی قلاده وقت ضیال
 ایل محلی و مزین در لغت ادا ایل سورش کلامی جمع اتمکله بزم اصحاب کمال و قبول
 شیخ اولندر خواجه جهان قلم و دانش مروارید صفت تحریر و املا اولن مولانا
 تواریخ ال عثمانیه اسطرلاب نظم و نثری ایل هر کسک ارتقا قدرینی معلوم و صفای
 صحایف کلا منده معتبرات اطوار انامی مرسوم ایتدکده عمر مزبور و مرقومک مدح
 تناسنه اطرا ایدو حسر و روم دیکله موسوم ایتدر و توفیق و توفیقده ایزاد
 ایضا لغت سماندندر **شعر** سلطان سخنوران عالم در دین سخنورست خانم

سرمه صوفی بود و صوفی
در همه

علی الاجمال احوال فرخنده مالی بنموال اوزره اولشدر که کفیل لوازم معارف و کما
توانی و اجمال اکتیو افتاب عالمگیر کیمی شود انشا ای شمرت پذیر اولاده اشتاده
که برود هوا و شدت سرما بر بریده ایدیکه کوزه سیرا بدن چکیده اولاد نظرات ای
خوشاب اولوزد در روز صراحی دن برود اولوز طلین رشحه شراب یاره لعل تاب
کورینور که مفارقه جبال و تلال شدت سرما دن یوما کجیل الولدان شیبافحو اوزره
سید اولشید خورشید رخسان زمین وزماندن و نکون بحیال کالهن المنفوش
مناسنی شاهده و معاینه فلکشد زمین نایا بیدار کحال و اطوار نی کور که ظهور
برف ظاهر ابریزرانی او لشکن یندر در تیره و طمانی ایدی بو العجب حال که در زمین
سیمه ایکن مانند صیغه سیم اولوز سحاب آسمانی کنج هوا بر شایهانی اولشید افتاب
رخسان جوانان سیمبران ایله دعوی مساوت آید و کچون خلقدن حجاب اید و کور
ایدی هست و در نادات زمینی کور که بود کلو سیم فر او آیر التند دفن اید و اندن آ
شان کور سترزد خلق جهان شدت برودند انشدر بر ستر کینند انشدر انزل ایدی
و جمله عالم بیزم مثال اوده و بسوا بقدرین هر بار ناده ظهور زید جناب غایت عشق اول
زمانده قسطنطنیه کجیه کلوب مرحوم و مغفور پادشاه منظم و منصور فاتح شهر فر نور سلطان محمد
خان بوقصیده شتایی بی ویز و منظر الطاف و انعام عامی اولشدر

بیزم او دنگ باقر بهیمه مخاسنه کینه
لغته نعم الله ما فضل صاحب سعاده
مولانا ابی شازاد و قاضی المشافق
بیزم شوال غنچه که در قلع او تمامند
بعد الفطح هیند در رزتهای مامولانا
خلیبی بحر الفزاییده در کور بیزم اول
بیزم تک فرقی بود در ابتدا انشدر
ذکر او نشاید کار در هر چه
کما عیب

اولدی جونیم طایر فیه هوادن نازل	فرز عسکر طربدن کولک او هم حاصل
اشتر مست کبی صیدی کفن سیره سحاب	بغدی قافله عشرت و شادی مجلس
کوندوزین خلق جرا غیلدار در کفنه	بولیوب در دله بر باره اود اولک هر دل
مهرج کرم و سایه الطاف اده	شاه انجم خشم و ماه عطار در منزل
خان محمد که او کردون عظمت در کینک	بنده سی اولغنه خنجر و دار اقا قائل
ریمان زرا ایل حشره دک او بر کفنه	بولیوب دوتنگ عسکر نه حق و حاصل

بغده ماه ارد بهشت ایزد کلتها جه نمودار بهشت و بوستان زمین نموده خلد برین
اولوز هوا و اعتدال بخش صبا قاب مرده نایه ده انار انفا کسب حجابی ظاهر و
ایدو دل عاشقان کبی فراب و کار هر مند ان کبی بی اربتاب اولاد کلتها نایه
رفر مهوشان طراوت و صفا بولوب مثال عذار سیمبران حسن و بهادرتشید
اول کسب بیل کشید اشتق کل رعنا یله باغ عالم و عالم باغ اوزره صالوب
درون دلدن در دله نوا یه اغاز قلمشید صنوبر و شاد سر نازدن سرد ناز ط
مدام تجر و نازده اولشید باران نیک مشاطگی بود بستانه روان لوب
بنات نبات که ککانشان حجره نوبهار و تنق طرازان جمله اشخار در دره
کمون و حجاب کاندن منفه ظهور و مجالی عسانده جلوه کنان اولشید بوقصیده
بهاره و صورتیه و پرد کده سینه زار جاننه شکوفه اجشار نیران اولشید

فندان ایدر جهانیه فضل نوبهار	نیت که جان عاشق نمکینی و مسل یار
دیر لکه دور جام و زمان فر حد و زور	بود دور و یرم عا فلک باده زمینهار
تریا که تویدر لقه لعلینه لاله لر	کوروب چنده آب روانی مثال مار
بر سر کوی ایغینه یوز او رمایه چون کیدر	دونه دونه ترانه ایل باغ جو بسیار
یارب سعادت یله جهانده بو ازدواج	چون دور مهر و عمر مسیح اوله پایدار
اولاصفا و عیش مراد یله بردوام	نیت که عهد خسرو و چشید اقتدار
سلطان محمد ابن مراد اشرف ملوک	دارای تاج بخش سلاطین روزگار
شام نجوم کوبه خورشیدمه رکاب	بیرضا توان و قدر قدر و تم نبار

بعده سلطان فر نور کجیا ایتمها النفس المملکت ارضی دعوا مرقه افا ایدو مالک الملک اید
و انشا بر موجب توفی الملک منشا و تشریح الملک منشا شمشاه فر نور که انزل
برات خلعت و یربع حکومتی الود و فرانشان تقدیر باطلنت و دار و کربنی

دو شریک

اساس کارگاه امپراطور زلزله فنا اید متداعی و منهدم و شرقاً قهر جلا صدقه صحر
 اعلان مستاقط او لغت منهدم او شنید و اول انشاده نامش را شیر عدالت اول
 در حرم سلطان بایزید خان سلطنته جلوس اید در دهان که میان نام شریفی اید فنده زنا
 و اعطاف محافل و بنا بر اسماء القادرات بر مغافری اید فرحان و شادان اولادده
 کیت مدح و ثنا قلاید او چون لا مذکور خفیه اید و بر تو منظور انظار کارم
 و عوایدی او بشدر بوابیات اول مقیده دن انتخاب او بشدر

بر دوزخ فکشیه جالینه افتاب	مشکین کلاک سین کچونک عنبرین نقاب
مشرق ایلندن او شنید شاهبازم	مژده قنوب او شنیدی باشه نواب
صیاد جوج زان شبی قلعه شکار	شکل هلالی قلمشیدی چنکل عقاب
یا خودم شفقن ابروی نهت رمل	عین سپهره آشنیدی شب به نقاب
سلطان روم خسرو افاف بایزید	کسری روزگار و شه عدالت ماب
لوح ضمیری ضبط اید احوال عالی	قول مؤلفی نه تم صفی کتاب
شاهانم که مجلس مد عکده ایلرم	بر تار ایل هزار نوانیت کم رباب
دمر سوزوه تر بیکدن ایره کمال	کم تاب افتاب خورشیدی اولور کلاب
بیدار اولنگ که درده ایر شور داکر	عادت در چور در دار آتشف سحر
هر صبح آشیکدن او مرفح باب دل	کوکلر قیوسی ایلور ای مهلقا سحر
هر لحظه تازه روی و جوان او شکید	کون کیسی ماه رویه سورر صفاح
فی انجلی بکرز ایدی ضمیر منیر که	بوله جهان فایده رسم بقا سحر
خوش وقت او لمسوی که لاله کده صبح	بر اشرفی بشنگ او صنده بولا سحر

رجوم سلطان بایزید خانک علی خا ایلار اول و مجالی صور لطف فراوا اوین فرزند آن
 فلک کینی حد ایچون فنا بل نصابی تعیین بیور ایدی جمله دن تزارده فلک کار

شاه ملک حضرت سلطان عبدالکدنی جده قد علم کی خدمت ذات کرمند اید
 قلم مثال کتابت کیش عبدکاتبی و دیوان جلالت مکاتیب عطار رد صفت کاتبی او شنیدی
 بعده اول جودی تر و وجود زلازل فنا و عدم ایل ترک عالم وجود اید و سواد اید
 جلالتی منظر و کواکب ثواب صیانتش او حق بر مرثیه دیوب دیده سندن ایل خون
 مثال فرات و چون روان و سرشک حسرت و ابطر و اقطار کنت کاتب شنیدن بلدان
 او تو اسمان کی دوزخ و زمین کیسی باشه خاک کیت خجوق دار سلطنته العلیه
 یوز اور تو ملازم رکاب سعادت انتب او شنید بواب اول مرثیه ندر

دل جبریده الفتون ادکل ایل تراش	فلندر اول کجور لایده لر سبابش
اور کوزی ایل یقه جهانم کم کنشک	یوزینه طغوی بقانگ کوزندن آقر باش

حکایت اول نور که شاعر زبور منت شاه مذکور عاشق شنیدک و بسته زنجیر کت و
 و اول خسرو شیرین بیک فرمادی اولی حسن و جمالک نجون مخزون ناستادی
 او بو حسن عالمگیر نیک کامل شکباری کی پیشان روزگاری وقت بمثال و بی
 جو بیار صفت بی صبر و قراری او شنید اگر چه تزارده عاشقک بر بندک نس و ار
 فحواس اوزره شاعر مزبور در دلدن خبر دار ایدی لکن اعلی و اظهاره عالی
 و بو حالان هرگز قال و معانی غنیدی تر نهانی جان کی صفتک شعاع اش در ویز
 او شنیدن نه سورش جنانی هرگز زبانه کوز زیدی اول شهنشاه صفت نشان دخی
 مهر و جنتی مهر کیسی عالمی سبک و عشقن کامل العیار میدرد یو کج تجرید اور
 امتحان اید و نشانه صهبای عشق و محبت ایل قان نل و جام غرام مدام ایل مست
 لا قبل ایکن نینه اول عاشق بی دلی بزم شراب و خلوت سرای فلک جناب دعوت اید زبور
 دخی بولک خبیر او تو بو غزل نظر اید بوجو اهر بر عیبار مجلس هه نثار امتیذر
 سنبل صیقل خاطر عطر اولدی کلر خلک بزم ایکی کون بر اولدی

بازار غده دلیدر او کم مراد اولوس	دلال عشق النذره بوکون اخرا اولدی
تیغ محبت ایلکم اولدی شهید کم	روح القدس صبا زه سینه صرا اولدی
دیر لرک شرا به خرابات از نری	شاد اول کوکل که التون ادک باقر اولدی
بیرام اوله وکل اجد ایچین کنی	صبر ایدیه بیدی طوته لم شاعر اولدی
بوتنجیم اچره مؤید بخانی	بیچاره عاشق اولد ایسه کافر اولدی
عده خانی سگدشت مرحوم سلطان بایزید خانک اولاد ماجد سعاد تراذنه شزاده	محمود بی غصه قدغه بنی اولمده اشال اولرانی میاننده بر عنوان اولمشید طوای غالی
کیمی بین الانام نشان بو شید حتی غموزل بدل اولموشه و الما خلک نتا بختند	
صفا که بنی دور زما جلدی جویری	بر طره ری شکفتن جلدی جویری
منشی قدر دون بنی دیوان فضاده	عالمه اولم نشان جلدی جویری
نقش ازل جدول و بکاره قویج	دوران بنی بر خپ زبان جلدی جویری
صو جود بیوا ورتایه کورمش کرمی	یوق یرره اول موی میان جلدی جویری
طوغ و بکن اوق کسی بولنده دل خاکی	الدی له بر قاشی کان جلدی جویری
عده هزاره سالف الذکر کدنی باه سلطنتده نال وجود طوبی مثال ایکن کیم بکت	
برکد بار وجود نامدار بنی و شجره حیا بر کوفه و انوار بنی تار و مار اید و اولده خاک لبت	
دبوار ایدیک بومرشد دیو بر کمال کلت است شاه بر اطلاق نوز شدر اولر تیه	
دنیا اوی سخت و ریج و عنایمیش	صحن صفا دید کلری ماتم سراسیمیش
بردستماله کفن آخر سلسله بزی	دیز که بو کد امیش اول یادش امیش
دیبا اولید ساک دیدد دانی کور	کم بو ننگ پنجی مردم ربا امیش
عده اهل جاه و بلادن فرات اید و هر ایدیه بیک چم و صیف ایلقت ایلتدر	
کنور کوز علوم اولین و آخرین دقیقه دان آتی فضلتکم علی العالمین خاتم فضل	

کمال نکین و کینم فضل و یقین اولو خانی خلصی ایلد کور اولد مرحوم و شعور
مؤید زاده ننگ نام پر عنوانه ترتیب دیوان ایوب نظر الطاف و حسن اولد قدر
بجرت نبویه ننگ طغوز یوز اون در سینه کشتی حیاتنگ طوفان مآذنی خانی
میترا اولوب ننگر نشان کرمه ننگر بر انوب انده مکان و قهر ایشدر داخل شهر
و فخر بنده مد فوندرم اولمیش کلدی سکین و میلدانه ننگر قبری مشهور و معروف در
رحم سبی بیک مزاین یابد و در تاریخ وفاتنه کندی بخانی مای دیندر رحوم
بخانی شاکر در دن اولد مولانا صنی تاریخ مزبور حروفی قلب ایدیم **نظریه**
ناگاه ایشد صنی بیچاره حلتک تاریخ دیدی مونک کتدک بخانی آه
لکن اهل املا و انت او نیا یاران صفایه روشن و هوید ادر که کتدک لغظی یا
املا اولمق لازم کلور پس تاریخ مزبور بوجهتدن موصول منظور در کتدی بخانی
آه دنیک اولی واحری اید و کنده آستباه و مر اوقدر بو بر ایکی شاعر غت شاعر
اول شاعر حوصت و نارک و بو بر قاج ایسا بر آست غت سما اول طوای شکرستان کلانک
یاد کار قلم شاعر و نتایج طبع بر اقتداری در که بین اچم مشهور اولد دیوان غت
عنوانندن اتنی ر انوب سمت و محرر و سطره کلدی

خطریخ یار اهل محبت اجلی در	غافل یوروم آج کوز و کی کون کسیر
نرس کوز دکه او یکنه لی قد و کتشت در	باغک بو کورر کوزی و اول طوترالی در
ایو وار رتره سی مسینه می افکار ایلر	خوش ایدر غزه لری کو کلی بیمار ایلر
بردم ایکن لیت دنیایی بر دم صاندیلر	بو فنا کلر ارنیک عیشنی مردم صاندیلر
اهل دلر کور کجک آینه ده تصویر کی	بغزه بصمش یا تور عیشی مریم صندیلر
چاک چاک آینه قر از لنگله کعبه حبسین	زنده لر کتشد رابر اهرم ادهم صندیلر
نکارا تو بتای خاکیا یک اوزره داو	حکرم سرمه دن اسک دکلر کوز تراو

غم نبردلان اول ملا کانی که کینه غنچه چاک است یقین لایق است که
 کمتر ای سرور و خاطر داند امکنگ در دله قزمش استاد از انامکنگ
 نسیم نامی عباد الدین در دیار بغداد در ناحیه نسیم در آن ایام
 ایله نسیم اولشدر زمره سادات ذوی الاثر میمانده ضعیف شهرت شمار اولوب
 اگر چه او ایل حالده کشتن جنان و بوستان دل جانانه نسیم فنزوا اولغولوی
 عشق و محبتی مشانه تیور نسیم کن بو طریقه رفیق سادات تیور شد او فضل
 الله و وفی به اراد کتور شد طریقی او زره ریاضا و مجاهدت کملک
 شطرنج قدم بصورت باده محبت و صهبان بود پیمان و وجود و غر خلقندان
 زیاده کملک کوی بدنامیده خاک رسوا و مذلت فتاده اولوغ عنان اصطبار
 و افتخار دست اقتدار ندان کشیدی کیفیت عشق سلطان عقده غیب اولغول
 بی اختیار کشف استار و افشا اسراره اصرار کشیدی و عقلا و شرعا واجب الای
 اولان کلمات هر سر باز کرده اعلا و اظهار کملک مدینه طبله فنوای اتم شریعت
 و طریقت قتل اولیوب بحسب الشریعه قتل ابا کملک خونی مشوب اراقت اولغول
 فی الواقع چونکه سلطان سر عشق و غرام اعلام غلبه و استیلا فی تالی افرایخته اولوب
 مغلوبان موکه صیر در طریقه بلا و محنت انداخته ایده و طریق داشت و صیر
 کشتگان بسر و پا اولان مبتلا کر رفیق عقل و رهنمای ادراک کن جدا ایده
 ضعیفی که حزن اسرار رموز حقیقت در اخفا اسرار ربوبیتدن عاجز بود
 خیفی که حاصل حال و بعید احتمال بار شریعتدن ناشناخته ناچار درون
 دردناکلندن ناله و زاری ظاهر و بدیدار اولور و اول کجیه محفیه مانند روز
 ظهور و بروز ایله و زار نهان روشن و آشکار اولور نه کم سالک اطوار صریح
 و مجاز سرور میدان عشق بازی و انفر از خواج صاحب شیرازی میسر است

این کلام از نسیم است

دل میرود ز دستم صاب دلا خدارا دروا که راز نهان خواهد شد انکار
 و شاعر مزبور دینی بود دیده و میسر در ریای محیط جوشه کلاهی
 کونیه مکان فرود کلاهی سرازل اولدی افکارا عاشق نیچو المسون مدارا
 ترکی و فی رسی یوانی وارد در نسیم اسادت دنیای تماشاید که سلطان اودما
 زمانده دیار رو کلمش و خلق کلماتدن بوی فنا المندر بولر کی اشعار مزبور کلمات

کافر کور بچه زلف و رنگ دیدی ای کمال	امنت بلذی خلق القیل والنهار
دلسل صبح سعادت محمد عربی	جبراع شام قیامت محمد عربی
انکه بروی ماست میگوید	روشنست این روا میگوید
سبلس گفت ملک حسن مر است	کج نشستت و راست میگوید

تثانی ولای قرمانده خلاصه ادوار نسیم مقدم و تالی دلیل و نهان کتور
 خراین رازق فلا سالار واقفان رموز حقیقت و مجاز مهربان عالم کون
 شهباز بلند پرواز فصحا کلام کلام خطب معنوی نام کتاب شنوی جلاد
 الدین مولو صفر تریک اولاد ایجا د سعادت نثر اولر نذر قیصر تبر حرم و قلم
 و خسرو ناهید بزم و بهرام رزم سلطان افتاب اثر خاقان حبیب نظر دارای
 کیوان عظام چشمید ثابت خدام فاتح مالک جهان ابو الفتح سلطان محمد فنا نیک وزیر
 مشرکی تدبیری و شیر خود مستشیری ایدی مقدمات طریق تدبیریک مرد و ذوق
 اولد قدن صیگره پادشاه مزبور ک طفر اکش نام همایون سعادت فقر و اولوب
 بجه ذات خورشید انار منور قبه جلا و وزارت اولشدر زماننده
 ایله شهره جهان انشایی قبول مملو و انس و جان اولشدر کمن شوده اول کلواری
 خلقده مذکور و مسطور است ای افکار یوق در بوی طالع است طالع دو او خدمت نه
 صدق عنایت اوله طاعت نه فایده تر فقیر تر التفسیر بو کور نشیح استیدم

نداری نوازه و ناله غمی بود قافله
 کید در صغی حسنگه غمگ سبیل تر در
 سخامی قالدی ای دیده جهان بود بیک
 خرد در بو محقق ال در آن تراش انگ

نقوی هوای جانفرا طبله عطار کبیری خوشبو و مشکبار و خاک زمین بر
 ریاحین مانند مسکت بت و ناز ناز اولاد شهر در زندان ظاهر و بیدار
 اولش در مقدمه عطار اولاد قدس که جمع ادویه و عصاره میوه حکمت در دم
 حاجی جابینوس عالم بجز در برد فخر صوم مولانا اخی چلبند معاد و نظارت
 طلب اید و مظهر حسن و ضیعت اولاد قدس در ده در نایاب و نور دم
 او کله و حکیم امین او دنی اخی چلبی جوانده دیشتر هر کم ایجدی نصوص شریفی
 صحته توبه نصوص پند بوشور زبور کلام ملک دل سبزه شایسته ای بران اولاد
 ازتهای فرقت و پایدان جوان اولاد کل **نظری** دار السلطنه العلیه تنظیمه محمد بن
 نامی حسین در بزجی زاده در یکله موف حاجی موف و کمال اید موصوف در موف
 الدین افندک ملازم اولو طریق قضا عازم اولش در بوشور کفشار بند

اولاد حسن و انعم شکر نیک پادشاهی بن
 در دنیا اولدم بر دم جهانده غلان
 اید و اهم علم قلم بل شین سپاهی
 بل ایچونی کلام عالم چو الهی بن

نظری هلال وجود افق و لای مژگان ظلمت اولو باد صبا کبی و مادو
 تل و سحاب مثال محبت و جبالده پویان و انار کردار کلمات جفا کبی
 ایدر کردار سلطنه العلیه که مرکز و مدار جمله آدم و کعبه مراد و مرام خلق
 عالم در داخل اولاد قدس نظر قبول اکابر و امامان و اصل اولش در قصبه خرقه
 نادره زمان و شهره دوران اولی تو بیدار نظر اکبر سلطنت جهان فرمای
 زمین وزان حضرت کلام مراد خان اید معبوط و محسود اقران اولی مرتبه
 نایل اولش در حال شکرستان مجلسه جهانده شکر مکر لطف و احسن اید نظری

فضیح بر طوطی شیرین زبان و کلمات صحت لفظ زمانده کل صدر برک انعام فراوان
 نقیبه اداسی ملیح بر تبیل هزار دستا ندر بنی نوع انسانک باه الابراری در
 دیو طوطی طبعی دایم کویا اولو بسط طبع هزار دستا نی حاجی نغمه سرادر بوی
 اشعار بو کتابه تحریر انعمون اخی است اید و اشعار ندر بنی نوع انسانک باه الابراری
 که میشد ناله همین گوش میکرد و عمو کویا بلفظه دنی کویا بستی بوده ایگه اقدام اید
 استاد طبعی انی دخی تمام ایچون بنیاد او رسید دیو بنیاد اسمعه بومحاسنی او قوری

هر که سخن از زلف تو بنیاد کنم
 دیوانه شوم هزار فریاد کنم
 از بهر جنون مرا چو در بند کشند
 در بند همان زلف ترا یاد کنم

نظری دیار قزاقانده بر قافل دورانک او علمیدر بر جوان ماه روی و شکرین
 بوی ایدیک چشم دوران نظیر و اقرانی کورمش و برد لب سر و قدوسین
 خدا ایدیکر دست هر همتال شبیه و مثالنی ال کور شید رفرد لوی و تمنا
 روز وصال کبیری تابان و زلف دلا و یزود درازی شب فراق کبی پایان
 اولد غم غمغری دیده ادانی و اراد لادن ایینه جهان بیتیای دور و میان
 دلبرانده رویه سیاه اولق خوفند سایه دنی مارب و نفور ایدی بولدن
 غیر شایسته شیره بن کار قصاید و غزلیات حکم و استوار استی اشعار
 یکدمت و هموار کلماتی بقول و سلم جمله ای عظم شعرای عالمان بلغای روی
 شاعر غلبت نظری و قضای زمانه سینک ناظم قصه انتظاری در اما صیف
 هزار صیف که هنوز خطا شیره مانند خضر لب صیانه رسیده اولوب سبزه
 موی زیبا سی سبیل بهشت کبی کنار جو بیار کور شده دمیده اولدین مویه
 عمری کمان بولدن زخم خورده تیر نظر عین الکمال اولش در بهار غم و شکوفه
 صیانت تمام اچلدین فران و فنا اید موشدر سلاطین ال عثمان ایچره بر علم

رایت بدیع الایاتی کی سرآمد اولاً فاتح قسطنطنیه مرحوم سلطان محمد زبور صاف
 و احوالی استماع اید و حضور بند دعوت تمثیلی یولده کلور کن دعوت
 پادشاه ذوالکلاله اجابت اید و اثنا سوره دیار عقبا به گذر ایلدی کسب
 بوقوله حکایت و روا ایدر که بر شیخ نامدار و عابد بر میز کار کفرزند
 لبندی و ارایدی که از الرنده بنای حجت و اساسی نمودت حکم استوار
 ایدی بر مقتضای ناز و نیاز و اغوا و افاد ناشی و نماز میان نرنده اش
 و نایبیت ایل غایت حرارت و اراکین نفس در قیامی بر مقدار برودت
 ظاهر و بیدار اولد قدح جو اولان جوان بدیع الالو بیک سنگ بجای ایلد
 ناموسی استند و کندن بدی شیخ مذکور دیگر و رجب اولو شاعر نوروز هر شیخ
 بر تائید ایدر بولری شعر عیال شاعر اول تا غم قصه دار کفشار ملاحت

کل عارضه او معارضه عجب اولوز	کم یوزی ایلدیده هیا و ادب اولوز
دایه غمگ که هر و محبت نشاند	سینه صقلم که سعادت نشاند
قدک قیام کل فراق و شرد	زیر اقیان فتنه قیامت نشاند
فضل کلدر طلب مایه کلرنگ ایدر لم	نغمه چیکل عیش اتمیکه اهنک ایدر لم
خاطرین بلبل و کل صحبتین ایلر لم	صیحه کلشنه کل برین و بر کس ایدر لم
چون خدنگینه انگ مانع اولان جوشن ایلر	باری چون جنگ ایدر ز جوشن جنگ ایدر
نهار اسن سز اولان دم ندم	دم در زغم و وقت ندم
ایق بصحت که قائم دوک د لبر	بجده الله هلا دمدر قدمدر
نظمی نظمی اغریله ختم است	که جلالت ننگ صوکی علمدر
قولر و کی بی کنه اولدر کیم ایدر تک	بوتظای سنده ننگ صوچی سلطنتیم
ضلع اول بیروزه در کم عمل نایب استند	ببرک اول عمل کم در خوش استند

خانک اول ایلی بر تو صحنه در شکل صبر
 چشم کرمایده ای لبر خیال قدک
 قائم شول الد و شدر که در استند در
 یوز استنده وطن طوط کوز او لریج
 زلف ابرو کی کور ندر بر نزار افرین
 ای نظامی و صلا شاد اوله و جرحه ملول

نظمی در انصاف المینه اولان شهر ادر نه دندر صبا قرآن زمان مرحوم سلطان
 خانک بنده زاده لرندن اولد زمره سیاه ظفرینا بدن اولد شوار زین بدیع
 ایدر دید کلری غزلک نظیر کایله هج ایدر هر برین کند و در فی نظیره دیوی
 اولان سلطان کندر نظره صو شدر صنایع و بدایع شوی به کوشش بشی ایدر
 اطوار زما و اتارد و در ای کویب سوی و فلک اطللس کی نجوم نقطه دکن و از
 فیک ثوابت کی کواکب الحما لم ییزن اشعار دیکله اشعار بوشدر کون شونده اول
 و کلحوالت او میوب نظمی مظهر لطف و ملامت اولددر بو غسزلی بدر کلدر

دمانک بوسین قلمی تمنا	بر اولز فکر در یوق بر صفا
باز قدر اهل عشق اهن الم	طواف کعبه کوی صفا سین
لطف بر لدا تک کوی صهر	وی قلبیک نهار اسنک فاره

رو اسین بولدم عالمده **اصحی** وصف یعنی خارج محل عقول حول اولو بلوان
 ایچره مستثنی و مقبول اولان شدر استنبولدر مرحوم قدری افندی انا طای
 قاضی عسکری ایکن کاتب دیوانی و نویسنده تو قیامت بر عنوانی اولد
 لکن مانند غمگن خانه خمار و مثال صبا طایم شراب مدام هوادار المعین
 رو جهانده سرو مان بولویوب افسوس با شصهره کیند که کاتب اولو اول

سلیمانیده توقت اولوب اوقات و ساعاتی بو توله کماله صبار و دایما
 کاری تحصیل لطف و معارفیسه بودر ایکی اشعار مزبور ک گفتار نذر
 چک ایتیه سینک ای دل اول کله اده زانو
 اچلی اولر ایکن اول بهاره فرشو
 کو کله مرغی تو نمقدن اکلش
 مال تازه در اول ایکی ابرو
 طویر می چیزینه تشنه کو کلم
 کشتی صوبی جوق اچر اوله صیرو
کفاری غلطه دند زقا شصیدر دیکله استهاری واردر مقدما زمانه سینک گفتار
 نگاری صنعت سانی نقش کاریده ثانی یاری اولور استاد بنزاد دست ایدیکه
 مانی جهره کتار رسم ایتدی کی صورت رعنائی کورد کده صورت چین کی صیران اولور
 و مصوران کار خاتمه چین و خط سیاه قلمه صورت نما اولور و تمثالی معاینه اتصم
 صورتی بجان اولور صیرتدن دیواره طاینب تور بی فالور کتار متلداری
 حرر ایله حال فتار قیلور کده صورت کل زیبا نقش ایله سبل در هر طرفه هزاره و
مثنوی بزیدی شش ماری المثل ک
 کورن دیردی انکار و معصور
 ایدر کشت کلزار جهانی
 یازیدی صورت آب روانی
 غلطی لولوی تقوی بیله شناوران دریا ایلر آشنا اولغین رسیک سمته سالک
 اولدقده انده دجی کامل و قور اولور ما ندر یاج دریا گانی ایغی انه لیتد
 بو جله ایل سفینه اچره کشت دریا ایدر کن سفینه اشعار و بحر نظارن صفتش لای ایلر
 اندن دوشور و دلدن بران کمزیدی استون قلام و باد بان اورا قله یلکن ایوب
 عان عرفانه دو من طوع تمسید اول ایلدن سر برار ای کشور سنا مرحوم سلطان
 سلیم ثانی خدمتینه ندیم اولوب جام شراب کی داخل کشتی و سعادت و سرور مثال
 حرم جلالت و شوکی اولیتد حدود ثمانین ده صیغه حیانتک نقش و نگاری بوزن
 صورتی اولدقده عالم بقاید و اولیتد طوقه هیت و خوش صحبت سنایدی بو ارانک گفتار

۱۲۴
 صل ایلم ایلردی دیو کیرمه قانه
 هیچ اولامی افندی قیم کندی جانم
 سرودن بالاتر اولمش حیات دلبر کوکون
 نارسیدم داغی بر ایلدق غنجدی دون
 لذتینه لعلک بگزتد و کچون دادنی
 باش از دکن سکر کز الدق لیکد دارینی
کافی لایت ایدین جانلر ندن روشن و عیا اولمش بر قابل جوان ایدی طریق
 علمون مراد قلم مثال ال دیر مد کده طریق مزبور دن فرات ایدو متوجه کت
 کتابت اولیتد انوه دخی نامراد و ناکام ایکن بخور جام عام اولشدر دیده ذل
 جانب عرفانه نازگانه کاهی نکاهی اولمخه اشعار غزلت شعاریله سماره بیگانه تبند
 ماهی ایدی بو اشعار مزبور ک گفتار غزلت انار نذر
 در سین او قور کن قیرناک کتابن زرد
 شیوه این از برابر وارسی جازدن
 بی عمل فتنه کیر مز دیو غوغا را ایدر
 کویا الدی کیمی جنتی زاهد غمل
 جمله شفا کله اشکلده بر کر چه ایشی
 بتدی بزم ایشومز اشکلده واره کله
نوری لطیفه قولی اوزره کندی وطنی اولاشتر قسطونیدر صدقه ال عتی نیک نوری
 و بو خاندانک باعث از دیاد سرور قاج قطنطنیه اول مرحوم سلطان محمد خان
 قضاة عدالت عنواندن ایکن ترک حکمه جهان ایشدر آتی ایوب انصاریده
 مدفون اولد اعرب چلبی ک والد ماجدی در بو مطلع انگ در
 قامت شمشاد و کله او کیند و کچون ناردن باشنه او شدی نه غوغا قلدی مرغان
نوری قصر سرای اعتبار و واشتهاری قصرای دیکله فلک مقدار اولاشتر سوده
 اطوار دن ظاهر و بیدار اولشدر نامی نور انقدر نیچر خدمت والد فردوس
 دامن در میا اولور ذات بی عدیل و نظیری مده مدیده و کثیره ده کاهی شرح
 و کاهی هدایه و کاهی تفسیر او فو غله اقبال و قرانی میانده خیل بر عنوان و شهادت
 حقا که انواع علوم و معارف معرو و اصناف فضائل و کالاته موصوف هر همتیله تویج

او تعالیای بزرگوار و قادر خدمت والدین مرحوم خواجگان افندی
 ارتباط ایاد خدمت علیه زندن ملازم اولاد قدس سکره طریق تدریس لک و اعزاز
 اولشید قرق ایچ ابرقطنیه علیه ده کینچی مدرسی ایکن طریق تدریسک فخر و قیاس
 محل التیوب طریق قضایه کیر شد بر دفعه والد فردوس مقام قاضی ضام طرف
 انجام ایکن بعضی اعدا و صد مرحوم غمز و نفاق ایست کلانده خدمت والد دفعه
 انها ایاد و مرزوره کوندر دکده یریدون لطیفوا نور الله باقوا هم آیت کریمین
 درج ایاد و خدمت والد کسبب از دیار رعایت و نوازشی اولشید معارفه
 کالاته نهایت یوقدر جمله دن کینچی کینچنه راز کتانه ذیل نامه سبعة سیاره
 نام ایکی بیتا بر کتاب تحریر اتمشید کینچنه راز کتانه که سجه جای کیر اول

کتابک اول سیری بودر	حداد اولسه کر نعم کلام	اسمیلید بولور اول طرز نام
حدایکون درج ایده کور بودر	بر لطف اوله تانم سخن	شکلم اوله امرزی بال
بولور اولسه اول کور دنیال	تغیبه سوله ینه اول کتابت	بجز آینه انک اهل سیر
یازدیله نجه مجلد دفتر	حلیه سیر مینه تم و قبول	کتور و نجه حدیث معقول
چالوب بر نجه قاضی عیاض	یازد غنم ایده مدد آفی	نه بخاری نه صحیح مسلم
هر بری بلدی چون اهنی	احمد جنلی ده هکدی امک	ایک تخریر اولو مستدرک

خدمت مواجبه کرده افلاک سیر ایتدو کنه دیشدر **سه** انی سیر کچون سیر فلک
 فرقدان دن اورونو بودر **عشک** مذکور کتابی دلبره تشبیه ده بویتد اندندر **سه**

زیور سنک محبوب مثال	اهل بوسه ایدر عرض حال	کرچکم جاهه سی ووم سلوبی
روشنی طرز عجب شوق نوری علماء در و کشته افغانی مرحوم و مغفور له عبد الباقی		
افندی کقول ایدی طبعک تحصیل علم و کمال قبولی اولمعه مرحوم و مغفور له رستم پاشا		
بیش کیش ویرشیدی وزیر بودر ک انظار لطف موفور یله منظور اولمده و غنندن		

دکیر و رنجور اولوب اکل برش کوفتیه دوشونوب بو حالده دفعی کالن بولمشن بلایا
 افیونله کاری تمام اولمشید بده مصره کید و ائنده ایکن افتاب کمر نیک نوری
 زایل و نجم صیغ اول دیارده غارب اخل اولدی مرحوم خیر الدین پاشا سلطان
 نجمیه ده جنلی جامی دیکله بنام مشهور خاص و عام اولان جامی که قبه رسیده منقام
 انکاکاش فرش اولمدم دیور رشک ایدرد و مهر و ماه او تمام جام اولوق شوقیل
 لوله دیدیه سین بر اشک ایدر ایدر بنا اندکده اول زمانده اولان شوقیه بلای طراز
 تمام مثال اول جام بی انبازک شهاب ریلح و شناسنده انبیا ساز اولوقده کور
 دفعی بلح جام مذکورده نجه ایست دیوا طرافنه خطاط جلیلی ایدر دوزو بویتی دفعی قابو ائشته
 کوشن ضبده کوشراستین غلام نلد میر کچرک نور یاسیر ایکن جام معنی **مرحوم**
 عاشق جلینک تم غرافلیق طویب حمیمه کوشراطلاقی خطاط غنله در دیو بور باغی دیشدر

سجین طر جمیمی کوشرا دن	لایق اولمز پسند خلعتنه
نور با جاهه کانی طوتدی فوقو	یوری اص بونی نوره خلوتنه
نوری شهر فلک اباد قصبه بلغراد دن ارباقلم و صاحب دیکنجی علم و کمال مالک دیوانه نقش و ابدال مزاج تند صحبت و صواب مزاج انصاف و افر کوی خاشاک و خاشاک دردله زرد اولمشید بکروز ایو ایکی قنلو یا شتم بر رال ایتدی ولی الماکی	

بر قاضی حقه ده دیشدر	ایندی شهری افندی سولیل	دیلم کم اوینی تکریمی
خضر ایدر افندی جگر تیز	ایل دعا ایدر که شکله	نوی روم طینه خاک غیر
سرتنه نظیر اولمیں قصبه بر سرتنه دندر استنبوله مهاجرت ایادو بعضی امر او وزر خدمتنه وصول و شرف صحبتنه متوال ایلسک بندکان صاحب قران مرحوم سلطان سلیمان خان دخول اتمشید بعد شتراده کان عالی شان سیاننده او تاغ کیمی و کلتان سلطنتنده نهال سر و قد ایکن تندر با دجل ایله منزل و محلی خاک لدا اولان		

اولشید

شهنشاه بجل و مجد مرحوم لفظی سجاانه بقدره همت لعیان و الجار ایدالکالی
 سراوشید آخر اول در یای کرم و طمان آحت اول شهنشاه عالی شهنشاه
 بیکران رحمت رحمانی لافده نیند در دینده کاتب دیون او شید مرحوم سلطان
 خان سفر ظفر فتح و انده یک کاروان اصل ایام افناد سوادید و ملکت بقایه و ان
 کثرت اکل برش افون اید یوزی خون و حالی دیگر کون شید بوشو انکر

صاف دل کی کلوب مجلس رندانه صفا	انوی صوین ایتدر کور صفا
صوبه توغش کل بگز دهنی دلدار	ابکلا صو ویر یکا غز رندانه صفا
چون اولور جام میک شکل صفاده	جام میدان طلو اولسه نول مینی صفا

نوعی صدایق و ریاض صیفاسی نمونه مکتب فیه انهار من کس صفا اول کوه
 جانفرا سی وصال لبران کبی دکت و سه بر همت و بهاسی کوی جوانان کبر
 کبی دلکش و عینا اول ملغزه دیکلا شوره اول تقصیر نامی بی در جناب ملهم
 باصوابدن یایی خذ الکتاب نداسنی کوش جان اید اسماء اید و غایت شوق
 و نهایت التیاء اید کفیل و تکمیل علوم متنوعه بمنته سالک و نصیب معارف کلمه
 و جزئیة به بالغ مابین مالک اولد قدق کرده مرحوم باغی زاده محمد علی کوی کس
 سلیمانیه ایکن بودار فانی دن مقصور جناب عالی به انتقال و احوال امتیازی
 مدرس مزبور به مدرس اولد قدده خدمت شرفیندن ملازم اولوب بمکتب رس
 سالک و عازم اولشدر حال فرزند مالی بوجلیه املا اولند قدده فلک رفعتی مه
 سن مدرس اید رفیع وستی و پایه قدر جسی اول منصب اید رفیع و بالایی
 صفا که ذات سوده صفا کمال لطف و حسن فطرت و صفای ذهن و ذکا طبع
 اوزر مجبول مغلطور صورت غوب و شیر مرغوب صفا حمیده و سنی پسندیده
 اید بود و مشهور تکمیل معارف و لفظ مدام مشغول اولمعدنی نوعی میانده مدوح

مقبول

مقبول زمانه مزده قدم خود قسطل مدارج عبت و نصحا ارتقا و کند
 اید کسار معانی بدیع الاناره اعتلا ایدین فرقه نصی و زمره شوالین
 جمال بقا رشک روشنان ارایک معارف و لالی اشعار لفظ شعار و شایع
 عروسان لطیف اولمعدنیانه دورن و شده زمین وزمان اول جمله بلقی دند
 کلمات بخت سجا اصنا ضایع اید موشح واقم لفظ بدایع اید موشح معانی
 حسن ادا اید بیاید و خزانه دوون لفظ مشقوشدن حد و عددن افزون
 نیچه در مکتون نشار دامن خزان ایدین عرسا و در مید فیه صند نیره
 خانه سین الملوب جو اد طبع بر ایدانه جولاً ویرد کهه قنقی شاعر در که انگل
 مقابل قد و عرصه بلغت و بیانده بیکران قلب بر ایدانه منزل ایدر دکه
 بیج ناظمی بونور که انگل مبارزه به کلا وقت معنی اید لفظ اد اید شیره کبی
 امتزاج ویر کلا کلمات رنگینی غایتده خوشتر و شیرین اید و کی جایی عینا و بیج
 بر سفینه یوقدر که نفایس و امته کلمات لفظ ایاتی اید ملوا و لیه و بیامع و خافدن
 بریر اولمز که انده ایام مدایح ذات و صفات مذکور و متلو اولسه لاجوم بوندن زما
 مدوح و اطرا ده کنت و کوا تمک لخص غلو در اشعار عبت عنوا غواص و اشعار زمانه
 باش اگدر مش طبع با کالی بوفتن بر ایدالده کارینی کمال ایدر کوشدر مرتب و کل
 دیوا بلی عنوانی و صغیر و کبیر میاننده نیت پذیر اولمش اتا برید و کرا و ارد در
 رخی دست کوه بر پاشی نیچه کلمات لفظ سجا طور میوب نیز مده و طبع معارف پیشه
 نیت اندیشه اید کان عرفانی هر زمان قزمده در بوبرقاج کلمات بخت
 امتزاج مشرق قلب مطبوعندن طالع اول در التوامع در

مدد روح روانی اولد کل و عده مزید	وصاله و عده امتیاز فراموش ایدل کبی
ان لطفه ایدای غنی کوه کندن هر نیم کبی	اگر کلدر اگر خارا جفارد اید موشح

بزرگ صورتها اولادک ملائم کرده آقا
 وصاله بر زمین عشق پریم اولادک
 او تو یوب بیا نکه طو استکال او رره یار شور
 اول صغیر رفتار له بر سر و بالاد کبیر
 سنگه خرونگ اولوق باک شاد اولوق
 اچکده لاله وکل بلیل اولوق خور نفس
 نه قاده تو کلنگ او زره افندی تالور
 تعریف ایدر سینه اول ماهی اهل دل
 ایلمک سنگه مزار با شو یار کران
 کیوب اول شوخ سینه چورده قبای کلگون
 دو کندی نقد اشکم کوزلم انور دیر اولوم
 صیو آینه قلبی یوزین جانانه دوندری
 چورده با سید کرمه دل اول سرد ایلور

ناری ششم زلال نثر و نظم او تو اکثر خلق عدم و فم اولاد شهرت این قصه
 بریزریند نذر مقدما تفصیل کمال استغفار ایدو معارف و لطیفین حال قائل
 صکره قعبه فر بوره ده گوشه فراغت اختیار ایلور توشه قضا ایلور و کور
 بیل و نهاری صغیر و عباد حضرت بار این **ششم** کونی بتدی تمام اولدی بهاری
 صاعیدی باد مر کیده بهاری بو اشعار مزبور دک گفتار نذره
 صوره نذر میاوردنکلا حال مز چون یوق نتیجه ایچ جبر قیل و قالمز
 بار کرانکن بزه بو جگه غزطی غرض غم یو کینه اولکای مز بو کون سردمرا فراموش کرده
 یارین روز قیامتده نمنت ظل طایبه بو غزلی میان خلعه مذکور در

بیوف خان اولاد غنچه نازک	شاه ذورا اولاد غنچه نازک	مور و سرب مال دیو غنچه نازک
ایلیخان اولاد غنچه نازک	بن کدای سر اوغلی غنچه نازک	مصره کلا اولاد غنچه نازک

نالی نال وجود صفا و نضا طبع لطافت انتماسی باغ و راعی رو مهون کیمی
 و خرم و گلستان بوستانی رشکد یاض ارم هوای غم زد اسی امتدال بخش نهار
 و ریاضین روح افزای مطرد ماهه سنگان جمله دیار اولاد حروسه برودن ظاهر
 پیدا اولمشور نامی صورت در خانی خلصی لیه مذکور اولاد ذات فضائل موقور رجوم
 مؤید زاده دین سخن مدرسی اولدقه ملازم اولو مقننقا ذاتی او زره رعایت
 اولوق لازم ایکن اکثر اکابر داعیه ایچو ایچکلا رود داعی و اعظم اولمشید
 اچکار هزار زور و زاریه پیلونه نام قعبه ده میخال اوغلی مدرسه مدرس اولد
 اوغلی محمد بیگ ایل صفا و فسادم اولو امیر قوم کبیره زارالت جو بیارکی
 فر بوز ایل بل کشت و گذار و هر بار که هوای شکار ایل سوار اولمش این وار
 قولنده قرار ایلد و شمع مانند ضیاء بخش سرای سردر و مجلس نشسته صراحتی مثال
 دافع غم موقور ایدی بعد معزول اولو تیر بی کشتان اولین بقیده عیاش
 انعام و احسان ایدر استقبوله او تو زواج ایل مراد یا شامدر سینه مدرس اولدقه
 طبعنده اولامی بر سنگ و شاهد باز لک تقاضی ایچکله یوز اللی ایچ ایل علی
 قاضی اولمشید اول یا مد کشته افق اولاد مرقوم حق حلی و کوبزن ایل صغیر
 قران صفت کلن سلیم ماضی ضامنه وارد قده اول شاه نسوده فضایل مزبور
 افعال واقو اللز نذر اضی اولدقه مردود ستره عالیشان اولو هر بری
 قربت مان اولدو غنک تقصیل الحق حلی بر چه سنده بیا اولمشدر اول زمانده کج
 ایلدو اعیان بنا مک بعضی صمد عالمی م اولدقه مقصد انتقام ایل مزبوری معزول
 ایشید نچر زمان بلای غزال ایل معزول و کشت فووفی و ایل خرونی معزول

افکار خانه و کار در آخوانه تمشک جناب روانه نویی حضرت سلیمان خانه است چون
 بهانه او شود یو قطعه علیه عرض حال تمیزی مراد و مراندن سوال و لند قدیده بیک
 ای سالیان ابرقت المندر اول قطع بود در کیم کمدن تکایت ایلمین
 سرگشته حکایت ایلمین | اهل علم فقیرینه تمدی | کیم در مزرعایت ایلمین
 گاه تدریس و کفایت یونین | اینجی ذلت دنایت ایلمین | کجابر تونیت عنایت ایلمین
 و نفسی و کفایت ایلمین بعده وزیر خاتم عطا مرحوم ابراهیم پاشا و دفتر دار کجا
 مرتبی اهل هنر مرحوم سکنده چلبی زمانی اولوپ بی الدین افندی و قدری افندی
 عالی صدر عالی قدر اولوپ انلرک صلا و عطیاتی دخی علوفه مستند زیاده اولوپ
 هر کون دمت و مصائبندن جدا اولمزیدی مرحوم مرحوم سالی الله الملک القوم
 اخر عمرینه دک شرب شرایدن کجوسا غصه بانی مداوم الدن قومزاید و مرض نوبت
 مبتلا اولخله عصبی پیراندن دیورقدن بر قاج ایق کورنجیه حاکم ایتمزیدی راقم
 حروف کئی اولامولانا مسلمی افندی حکایت بیوردر ایدیکه او اولمزنده پیر سینه
 فالوب یاران و اخوانیل ایدرات اولمز امکان اولمغین اوزون چار خودده
 جوقچینر ایچنده بردگان بید ایدو انده اولمز و بینه و رونده تمامت ایدر
 بو حالده ایکن نال لاری کیم نجه زمان محوم مرض و بیری ایله خشک سال اولمزنده
 تند باد اچلد یقلوب برک و باری بریشان روز کار اولکه اکثر اشعار و مقالی هر
 چون طرزنده عینا اولمغین سمنده طبعی اول و ایدین منعطف ایدو عنان هفتی
 وادی صده منصرف ایتمکه امکان اولمزدر بو اشعار انلرک گفتار نذندر
 حاتم کیدی نازل بر سیمان کوزل | شو شو بله دینه جک بیری لوق جمله کوزل
 صونیدی هفتی نجه کیمی سبز جاه دن | برسوستی قوطیل اولکل بیره من کوزل
 قوجر کوزل تو جالادی دیشین نالی | ایکن کوزل سین ای ایکی کوزل ایکن کوزل

کرم اولوپ سن صنی کند و پیر بصیفیون | گاه سمور کیمی نافه کیر نیم تنی
 یاسوق اولیا بکلر یا کوز لکر کیرت | شول ریاضت کیدی بکلر کیم لر نیم تنی
 ای نهالی کجاصبر سربخارک پای | باشم ایچون قتی اسککل ایدر نیم تنی
 اناجی و غزلیه سید و تمار در اول زمانی ایراد بلا اطناب انکار اولمندی
نالی نال وجود مرتفع و صفا و کین سنان دیکله شیره جه اول قاضی تک کلتسا و جو
 کتیده بالا اولمزدر نامی بر محمد در طریق بر توفیق علی سالک اولد قدده و بورا در
 دراز جانکامده قطع مسالک و طی مهالک ایدیکه سر و بوشتا تعلیم و افا ده اول
 مولانا اعظم جامع العلوم و حکم لطفی بیکنداده افندیگ شهرستان فضل و عرفان
 و اول اولد قدده قلیت کمالنگ بر مقدار مراد و مرانی حال اولمزنده مولانا مرحوم مکده
 مشرفیه قاضی و حاکم اولد قدده ملازم اولوق امید یلر کاب سعادت نصیب این
 ملازم اولوق اولذات فائین برگزیده فضل مغرب و مشارقدن سایه مشال
 مخارق دکلیک مکده مشرفنده مولانا مزبور کیم بعضی افعال او و ضامن رنجیده اول
 شهب رطبع ممتاز اشیا نه استانه لاندن رعیده اولد قدده مکیه اعدا و تعرض
 در صددن احراز ایچون مولانا قاضی سینکرم خدمتنده اشیا سار اولمزنده
 مولانا مزبور دن ملازم اولد قدن که دیار و ورم عودت ایدو مدارش فزون
 علوم مداوم اولمزدر حالا ادرنده بکلر کیمی مدرک سینه مقصدی خدمت تدریس مقام
 تکمیل ده دائم العکوف اولخله فضائل و کمالات ایدو و موصوف افتاب معارف مکتومه
 لایح و حق و پاسن باطنه و ظاهره کون کیمی ظاهر و عینا اولون نال ذات باکالی
 بوستان فضائل و معارفده پیر برک بار اولمز و قصر وجود فلک مثالی انواع کمال
 و لطایف ایله بر نقش و نگار اولمزدر بو بر ایکی اشعار مزبور کدر
 خاک کیمی بر برک کل تر اله کیر مز • قدک کیمی بر شاخ صنوبر اله کیر مز

مرات دلی عکس رخ یار ایله سیرایت
 کو ستر مک اولور دینجه اولور اغین او یک
 تیغ کیسی بر جان چهنه چاشور اولمز
 ایله در نهالی او همک بر منی و صفتن
 بر ایندی نقشی قسید صورتا استاد
 نهالی رشته کیسی کوک نه غم قدم
 یونیکن علقه جام کی صافی درون
 بزم خورشید ضیا بخش او یک شمع شک
 لاف مریں او من اوجم کوکل نایل اسک
 سویم بر حمت نظری کن که در جهان
 چون رو باستان طیند شما بسود
 جلال الدین البرکة مشرف فقرا و مجاورینہ جلالت نام فلور پیر من حیات و احاطت بلو کده
 بر صیده غلت شعارد یو اولد یاره اولدیندر بوبرکی ایسا اندر حریفان نظر بر جلال توران
 مراد جمال تراکشته منظر چه حرم جمالیت باخشن که معظم جمالیت اللہ البرک
نامی قول اصلند در قدده اربا نضائیل و افاده اولامرحوم حاجی حسن زاده نک
 دانشمندی اولو بجه بنایتی و کی مدرس یه رفی مدرس اولشید استنبولده مصطفی پاشا
 مدرسینده مدرسین کن اربا صلاح و تقوی ایله اینس مشایخ و سادا ایله ایسین ترک
 حکمت مدرسین ایله و عازم طواف بیت خدا و درو عیال سده رسول مجتبی اولو اول
 غلظت یفایز و در و علیک جانیز اولد قدده عایت ذوق و نهایت سرور و شوق فدای
 دل جانان خوف و بیم آیموب ایتدی و کلسه جانبی نالی سلیم و کان لک ستمس
 و عشقین و عمامه مزبور ککلا و ابیاتنده اول شکلو لطف و حیات مرئی و منظور

دکلمه تفصیل احوالی کتاب تعقیقه مذکور
 تا کم کوره طلعنکی ای یوزی قمر
 ویردی لعلینه در دیندی مریک
 جهاندر یوزک ای دلبر جان کش
 اراد کوکل بولدی سینک کیسی بر شوخ
 ای یوزرنیک مدهتی شریک کله ای
 و بوشو مشهور دخی اگا اسناد اولمور
 لاله صیدی قزل باجیلد شاهی کیسی
 رافضی در لاله تا جن باده و یازد یو
 ای نهالی چاریاری سو محمد عشقنه
 لطیف تذکره اشرا سنده دیشدر که کلمن ل مزبورده محمد و بایزد کور اولو نظری
 اشرا و عبارتهای بیگانه او کی طعنه و تحریف خلقه بانه اولمور اولمور در حرم سلطان سلیمان
نامی اول ذات ستوده اخلاق نام شریف طور اقدار نسیم عنبر نسیم باغ و راغی دماغ مکان
 جهان معطر و نور نور اشجار مرغزار دیده فلک دوار منور ایدن دار انصرو المین تجیه
 ادرند ندر میر شید این مرحوم دو قه کین زاده قاهره طاهره ده میر بران کین
 صدر نشین سر بر عثمانی مرحوم سلطان سلیم ثانی خداتنه ریاض شهر مغرب ده قیدار یا
 و سلطنتن سرورش ازاده ایکن بیشکش شایان و هدایای پیکرانه و نالیست
 جناب شهنشاهی مظهر الف و اعظمتا متناسبی اولو وجود پروردین نروار
 قرب سعادت بنیهای اید و مجلس خاصینا در خلدن غیری و اصل نایت مرتبه
 قبول اولشید شهنشاه مرحوم که فرزند ارکان قندلشی بایزد خان سلطنت بیخ
 ستاندن هرات اولد قدده اهنک اذربایجان و خراسان ایله و اهل سنت و جماعت

بانقض اولای ملایین و در وقت سردار شاه شیطان طوار و دیو کردار آدم صاحب
 نزاری نخست و اخوان اولای سرانی دارالامان فلتن ایدو و از و انده مهان و نسیب
 اول کافر و ظالم مسافر لازم اولای رعایت و نصیب ایون حاضر زهر ز قور اماست
 و نصیب چکوب اگر ام ضیف برین مظالم و صیف و هماندارق بدلی بردارلق اصفی
 کمان کی اول بدکان اگر ملک و حجر کبشی به کبر ایکی یوز لولک ایشید و نهال و صالی
 بال براد لانه دکتید و اول کور او یحیی وانی کور قبر طوله در صحن کوز زرنی اول
 شمشه ملک فصا لک مال و منالنه دکتید کت شاه کابوس و نخوس شمراده نکه تلمه
 احوال و اسبابی نهب و غارت ایدو کند و سنی غی کبوس ایشید و زندانی سلطنت
 دخی سر سلطنت بی شاک و ساه و منازع و محکم کند و سیالم او یحیی سلطنت با نسیب
 قتل ایدو ریگون طوارق چلبی اول شاه ایدو ایدو ایلی کاید کوندر شید مرحوم مرحوم
 دخی شاه مخدول و مشوم و از و از الرنده جو ق مباحث و محاورا او تو کور
 اول بدنام خاص و عام و سردار اقوام لیام و قائد و راعی و حشرات و هوام اولای
 شاه کبیت انجالی الزام و ارتقا ایشید در جلادن بری اولدر که اول قوم بی رواج کلمه
 بی دست و سر بر زدننده اولای تاج بزم ایما غزدر دیو فتی ر و ایتاج ایدو کورنده
 مرحوم دخی ظاهر بو تاجله قبره بله کیموب کوفه کی تاج و اسباب دخی او نهاد و غلغای
 و حاج دکلد ریس بو تقدیر و تقوی و زره و نیادن ایما نر کند و کلر دیکلر
 دید کده جمله سی طرم و کجوج اولوب هکذا و جده نا ابا و نا کل مندن غیری سوزری ایشید
 حقا که مرحوم طوارق چلبی غایت سخا و انفاق تلمه شمره انفاق اولای انعام عامی فیضی
 کسی دایم او بخلدل تشکان خرو و حوا اولدر کاب سعادت اقزانه ملازم ایدی اول ایدو
 اول شمرای و ایدو و رونده دن نیجه قور اباب حنا بیسی ایدو غمور و هر رنگ خاطر
 ویرانی انعام و نوازش بیکر انعام ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو

اولیه کوفی اولدر که ابر دست کبر با شنی نثار و ایشار جو اهر ز و اهر فلیه بلایا و
 زندگانیدن بوزمان غدا آردن بهره دار اولمسی سلوم و از با تجار حال جهان
 بخروم ایدو یک خزان و دفا بن ایام بخشش دست احسن و انعامه و فی اتمردی
 و زمانه دنی و خسی اول کوجو نفیسک انفاق اولسته تحمل قلمزیدی عاقبت اول
 زنده جاه و جلالت ز غم چشم زمانه دن عین الکمال ایدو بعضی اصحاب غلغای و شفاق
 و انفاق و دروغ بی فروغی مشتمل اقتراب و اشتقاق ایشید و انفاق مرحوم سلطان
 ایدو کلنده طبعه شمشیر سببا ایشید کام اول جاننی مرالذاق ایشید طبعه نسیب اولای شاه
 بگو بو تارخی دیو جلی حلیه سباق ایشید ایلیه حق اکتصباتی طراق
 جناب سعید شهید اولمزدن مقدم غمسنزل ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو ایدو

جان اولک شهاشا بد قصود نه واصل	سلطان غم عشق دل اولالی منزل
فتکوم دلیل اولسه نوله غمزه که زلفک	مشهور در الدال علی اخیر کف غسل
ای قاشی کمان تیر حواد شدن النمز	بیکانکله سینده جان اولالی یکدل
اولما کشتی عالم اسرار غم عشق	تحقیل علوم ایلیمه دن اگر نه حاصل
ظلمتده فالور دم شب بحر انده نهانی	اهم شرری اولماسه کرسا کشت عمل
اول سرد فرجود و کرم شهید اولمزدن بر دغه دخی دار سلطنته ایشید بیکلده خدمت	والد عدا آستان مزبور نصیب ایدو دعوت ایچون غمسنزلی کوندر مشریدی
روشن ایشید بو کجی شمع رخک جا غری	بقیه شوق ایشید بودل ویرانه غری
زاهد ایزمی و بی نیازی ترک ایلمز	ساقی دور کور طولدوره بیما غری
شب فرقتده غیب زنده فالور سوغنج	تیره لکدن بولمز بیک ایل جا غری
طویسون کیمه سنی کل بو کجی روز دن	روشن ایت ماه کیمی کلبه ویران غری
ای علی صوغلی به بجلاری زنجیر رک	چونکه ضبط ایدو مرز بزدل دیوان غری

نیازی بدان جهان بجز در مقام تو صیغ و توفیق عشق سربازدن سستی و
 بی نیازی لغت هوا و عذوبت نایله بی شریک و انباز اولاً شهر بدیع الالوه
 اسکود بندرت از مزبور فن موسیقی ماهی اولی که اکثر با مرتع کو اولی بی ادبی
 مرتع متکوایدی مروج ضیایک اصفیایم سخا ابراهیم پاشانک بزم صیای
 اولی مجلس نموده جام هم دراز اولی غایبه گسب خاطر لغین من بکنک
 محرابت بنه سرفروایموب ملازمت اصحاب دولت و حسن و غلو کوشیدی بر کون نیازی
 مرتع ایاس پاشانک مجلس سنده اولی غایبه و آوازه بلاغت و بیایه قول
 طوقند قد حیا بی ریاضت از سبب سپاه طغر بنامیدن اید و خدمت جلیل
 و عطیات جزئیله منظر امتیازی اولی شانده روی نیازی جناب کار ساد و سوس
 و بو عالم محنت و اخوانده خدمت ارباب دولتدن کریزان اولوب درگاه خالق
 بی نیازه یوزا و میشیدی اگر چه زمانده مرتعی شهسور اولوب قبول اهل اصول و اصول
 مکن بخدی اولی انصیفا و مرتعی نسبت تقویم یارینه مقوله سی اولی شوشو انکار

کوشه غده خیال یار در اکلنجی مز	بلبل عشقوز دلا کلزار در اکلنجی مز
عری حویق اولی تو نم زلفک بنی ترک ایلز	اکسک اولی مرقنده ایسه وار در اکلنجی مز
جنت فردوس کجین زاهد بو کون غم کلکز	ایکی عالمده امین دیدار در اکلنجی مز
اقید و کوز یا شینی بلبل کسی نالای نوز	بروزی کل سرو خوش افتار در اکلنجی مز

کچ فرقه نیازی گاه غدر کالم	گاه و صف یار ایجا در اکلنجی مز	هوای عشق دلبردن کلز
بلا و در درخشدن چکلز	نیچم کم پیدا ایسم اوکلز	یکلر بودی کو کلیم یکلز
ینه بر یاره مغنون اولی استر	غم جویله کزون اولی استر	دوشوب طغلا ره جنون اولی استر
یکلر بودی کو کلیم یکلز	ایله بنم کو کلیم ال یار کلز	بو مربع دخی بوکلر

نیازی بلوان و کلا رودی بجزه مانند شیب افروز بلده جنت منال و عیبه بی نظیر

بی حال اولاً شهر سیر و زدن مثال حکم و فرمانی جمله جهان برق ناصحت بی
 و تیغ بی در بیخ قری روی دشمن غداره صاعقه و انشفتن اولی ارموم بلور
 بایزید خانک شو اسدند ترکی و قار غزلیت و نصاید بیکرانی و شمشاه مزبور
 نامه رت و مکل دیوش و ارد در احمد پاشانک اکثر قضای اکا جواب اولی شدر مرورد و کرد و شور
 ایله شاعر مزبور کلماتی نسبتاً اولی موسی صفت کان لم یکن شیشاند کور اولی شدر بو شاعرانک

زلفکچینده بشود کون طوقه یار	تحقق ایله کرکت الیله صلی
اهوی فلک جویچ پلنگدن امین	بیر عکس سایه سینی ایده ملی
اهوی فلک کوردی حشر شیر لوانکی	خون جکندن دم صبح اولوی در لالان

نیازی نامی عبدالرحیم در سوره بر عره الیوید دن بر کل آر بند و اولی و در قضای
 بزبان بر میوند در که بو ایاده شیخ الاسلام معنی الانام اولی جائز فضیلتی الفوی حاج سعادت
 ادیب و الاخری عالم فاضل بحیر کامل مستحج انواع الفضائل و الفواضل مولانا العالم
 العالم شیخ افندی حضرت نایک فرزند دلبندی در سنوز و اول شتاب ایکن جائز معارف
 فضائل بی بدر هلال وجود ایزد انک مطلع علم و کمال دن بر وجه طلوعی وارد که
 مأولدر عن قریب الایام بدر کامل اولی و افتاب عالمات ذات کامیابنک مشرق
 فضل و نوالدن بر حاله ظهور و سطوحی ظاهر و بدیدار در که رجو و سولدر فی اقرب
 الازمان ضیای بخش عالم فضائل اولی حقا که خذوم خوش طبع و نیکو ضیائل و شیر شمائل
 تکمیل جلایل معارف و تحصیل کماله مشعوف و مایل در سایر فضائل دن فضیل بنوده
 اقتدار و وزن و توشیح قلایه کتب و اسفار بعض اناری وارد در بو شاعرانک گفتار بند

زلف و رخ فیضالده سبل و نهاده	سیرم همیشه سبل و کلدر بهارده
دل فلکی نیچ اولیه عمان غلده کم	اغیار او سرو قدی دمادم کنارده
قدم اولدی بجزله طاق اولی طاقتم	صبر و قرار قالدی بس بی قرارده

بر بوسنده الیادق روزگار ده	بل کسی بلک اول صمک وصلنه ولی
بلبل کمی نیازی قاره آه و زار ده	لایقی ای کل اعلیٰ من غیره سن عام
دل جزونی انکاد و غینه خاطر مقلدی	او مرد و خاطر غنی لطیف الی الی
کوزه بگذردم ای صلی بجز او آ	بچار که غرق ایوب در یای جوش
باغ و صالده طمع خام ایدر رقیب	مکنی که میوه و صک او نصیب

فصل عالم و عقل و خبر کامل هر چه فضائل بدر است حسن ستمایل مظهر ترف منون
 کتب منار انوار علوم ادبی مرآت جمال صورت استحقاق مراد و احوال کارم
 اطلاق خاطر فضیلت نقاطی نمود عقول عشره روی لجوی فضل و کمالی ما صدق
 کلام و جوه یونید صفا که مستبشره شجره طیبه فی سن او صفا اینیه تصویر خضای
 الفا داننده مقاصد فضل و عرفان واقف مواقف تحقیق و ایقان اولاد
 مولاد افضل و علم جامع انواع العلوم و حکم کلمات فضائل کمال از چندی لطیفیک
 زاده اند خد متدیر که طفل قلم رصیح سما که میوه همداد در حال فرخنده مال
 صفا کرده صفا کلام دلپذیر ایل تحریر و تقریر است و کده ذات فضائل ثنوی
 بای تمسک ایل قضای زعفران موزول ایدی نام اجدری محمد در برادر غیر میلی
 اختیار ایمین بزد فی مخلص نبوری شعار و دنار ایندک دیو کو هر بار اولور ایدک
 صفا که بر جره باز بلند بر و از در که صید و شکار تذر و ان فضائل دایم کاری
 و بر بحر ذخر علم وافر و عمان بیکر ان فضل شکار تذر در کفار و خاشاک کدورت
 و خوشنقدن عالم و کار اولو باران بهار فضل و عرفان کشت زار جهاننده
 متناثر و متقاطر و ظهور انوار عارف بیکرانی شود دیده خاطر مهربادی و
 و محسوسه اسن باطن ظاهر هر چه و فر در محوم والد قدس اشیا و جنت ملک
 مجلسه تحقیق و ایقان نرنده صفا اولو سلک طلاب فضائل اکت بلرنده منسک

و نقد وجود سعود لری یوته تعلیم و ارشاد لرنده منسک اولد قده محوم بر قوم کرد
 طایع و نامت و نشر مناقب و صفا فرید رطب التک اولو بجای و حی فی الکا بر فضله
 مدح و ثنا و توصیف و اطراف الریله کو هر افشان اولور لرایدی قده اول علم و
 تمیز مفضل و کماله بر عزیز اولو سرد فر افضل زمان محوم و مغفور له
 سنان افندیکن ملازم اولو بر و سحر و سده طار عس عدیده طرس
 اولو الی ای ایل از نبقده بعد در اسلطنه اعلیه قطنطنیه بحیده علی شیا
 مدرسنده بنای سراسر ای فضل و کمالی مشید و مؤسس اولد قدن صکره تدریس سلطان
 بر و ایل تشید مبانی عزت و علا اید و اندان سخن ثانیه به جمال ذات حوری
 شکره امت شکره کبی انواع بخت و سزا و بر و بعد از میره قاضی و حاکم اولو
 حکم شریعینه اول محمد و کمترین و ذات بی عدیل و قرین خادم اول شکره جو تک
 غنچه رعنا کبی ذات بی نظیری عاقبت باش اوزره بر ایمیسی معر در بر ایمی کون
 باغ جهاننده دلتک اول غم دکلدر و جناب با عقل و ذرا منکنه ابواب محب و معال
 منقوح اول مسی تحقیق در دست بخت بر زمان قبولی اچفده صورت جنگ کوسر نه
 الم دکلدر لعل و کمر کانه نشه اندیشین حکیمی فروغ تاج شامان بر اصرام
 اولمز اولولوی لالا مضمیق صدق و تلخی در یابی طمینی عقد احوالی انتظام اولو فر حال
 ایمنه و تکلم بهاسنه نقصان کلمه و کو هر زکین خاک نشین و لغو حسن بهایند زبان
 کمر بهار بخت باشد باز بر بخت چمن چیز کل بر سر کشتی ای مرغ خوشخوان کلم
 مرین با مولد سؤلدر که افتاب زعفرانی عقد کسوف فضل اص بلوغ اوج غرنده
 لامع و مستیز او بو کو کبختلری که حالانی اجماع رعیت ایتد رینه بولنه کلمه استحقاق
 پذیر او بو متوق و مقدر عدر که من بعد مناصب علیه و مراتب سینه به تعالی و تقی ایل
 اقران و اشانند تفوق ایلید هر چند کمان بط کلام نیروی استعاره و ایهام

و بازوی کنایت و استخام ایله بنا کوسه ای اهتمام دک کشیده اوسه سهام بین
 مناقب بجد و ارقا نشانه هدف اتمام رسیده اولوق امر حال و جناب معانیج
 طایر مقال بیر امن شرفات شرح فضل و کمالنده پیر و از اتمک نهایت تعریف ذات
 شریفانه و اصل اولوق شخص فیال ایدوکی صبح صادق کبی لایح و سوز عاشق کبی ظاهر
 واضح در لاجرم بوندن زیاده خوانی و معنی غریب حلی الفاظ و صلا تراکیب
 اداسته و ضیاء کلام اظناب و اوتاد تجسس و ایهام ایله آراسته قلندری بولگلو
 فضایلین فضل لطیف اشعار و معنی قبیل مطالع ابدار و اردر بوبر یکی اشعار اول
 ذات نامدارک بولجلیه حکیر اونیچون اختیار ایتدوکی گفتار در در بار لر ننددر

اول شایخ سروده بید عدل ایتدوکی لانی تو	ای عجب حق قبول ایتدوکی خانی تو
بوصل اولدو روزی ای ملک ایتدوکی دان	اولم تا کوریم بر دانی روز احوالی
کی کفایه کینفیده کندین ایتدوکی تشبیه	نیچه دونک کر کدر قوه لرده هوه فحاشیه
امر نه کوز و در هم و درین امرانک	کوزی یا شیدرانی دریدر فو انک
اوغش بوی سنبندن ایمان	دوستم ایشمال شمال یسین
و سکنه ایودو کم بید میدر	و هم اولدر که موتم اولد یسین

وقف الواد و احدی نامی عبدالواحد اولم کلخص زور اختیار ایتددر
 مرحوم قره داود افندیگا و غل سلیمن چلبی نک فرزند بیدر کلبرک رضا رشک کلزار
 ایکن روز کار زور کار لوراق وجودین باد هلاک و بوار له تار و تار ایتددر
 طریق علهه دانشمند ایکن توبه و انابت ایدو مشیایه علیه زینتیه به اراده اولد
 صکره عالم عقبا به حلت ایتددر بولج زاده طبع در در بار بیدر
 ایتددر خنده لک لولوی لاکسیرین کوستر لعل لیک ساغ صرهباسیرین
والی در نه یقرب ارکنه کورسی نام قصبه ندر مرحوم سنان افندیکن سدر ایکن

اترک دانشمند او تو طرعه تراغیت ایدو شایخک برندن دست انابت بخش
 طریق صوفیه ده ضیلی کوشش قلش و مرحوم طریق افندی خدمتده دخی اولو
 انردن خلافت الشیخ بوبر قاچ ایتدو حقیقانه و اشعار تصوفانه انکر

مسیحاوش اولو دیکور رادنده بر دم ار	انی ضایع ایدر ضیفا که بلبر یچ ادم وار
او قودک اگر مهر نگینکده اولد افقی	سین زمان اولدک یوری دستکده خاتم وار
نثار ایتدک لردل بایک اول سرو بالانک	کوزم یاشی ایله جاتدن ارتق وانی تم وار
نقشه سیر ایلمین نقاشی بقون نقشه	جاننی جان استین و سر سولت جان بخشه

والی هوای جانغز اسی اعتدال بخشیم بهار انهار زلال کردار ایله نمونه جنت
 بحری حکمتها الانهار اولو بلدان جهان ایچره دلبران خوش طرز و لطیف سلوب
 کبی لطافت و صفا شکر اشوب اولو اسکو بدندر نامی احمد در قضاة کسوفه صفاتین
 بر نیک فرزند فضایل سما در لوازم و مهام تحصیل تکمیلی صکر و اماده قلو و العاده
 سایر طلب کبی سالک طریق استفاده اولد قده فضایل و کمال پایه درجه علیه
 اولسین ادرنده انی زاده محمد طلیک خدمتده مدرسه سلطه بایزید خانیته ده
 مقرف خدمت لعاده اولد قدن صکره منصب اده جمله عبادت خدمت اولم فضل
 عباده در دیو طریق قضاة سلوک ایله ذکر جمیل زینت اشاده و یرش در صفا کمال
 رفیه و اطوار رفیه ایله مو و فضایل ایتدو کمال قدسیاید موصوفه ایتدو
 صفا انواع واقم کمال حاوی واحاد ناس صلیت فضل قیاس و صبر شهر
 وقار موفورینی حاکی و و اووی در علی الخصوص کتب رسائل علم تصوف و مشغول
 و دیده خاطر فیضی مظاهری سریه تصنیف مشایخ و اکابر ایله مکتول اولمغل اشعش
 ای کانون در رننده مطبق و مشغول در کمال جلالت غایت نصب بر کوه شتابددر که نور
 قلوب ارباب عرفاندر و اشعار غزل شعرا بر عود قاری در که معطوفت نام

صد ششمان بخت و بیان در کردن و گوش و سوس نام در دروغر کلامی و بطاهر
 زو اهرابیا بر نشانی ایله کجی و فرین کلام بر صفا و ایستادگت ایله اکابر بلغا ایام
 و اعظم شوار انامد ایدو کی حوز و محبت در قرب و مکمل دیوانه مصنع و خلیل کلام
 بخت عنوانی وارد در اشعار بر صفا بر دلبر عناد در خلق عالم جان کمالک حیران
 والهی و جمله از بادل خط خال بختیا ننگ و دال کاکل عنبر نمانک با به و والهی
 حالادخی بیل طبعی کلستان سخته کویا بقده و طوطی و شکرستان بختیا سخته
 شکر خالقه در بورا یکی اشعار بخت شاعر اول شاعر نامدار که درین
 غم زلفکله شیشه بورسون بورسون
 عاقبت بر خفته طوقمز ایه سبیل شکر
 جام کفلامه شیشه رفتاره کلوب
 ابرویوب و زو صالو که چکن ماتم غم
 یا دقل والیا وصف خط و رفتارین
 بولگده شوقه فرخ ایدو یاشین دیده برون
 نیچه ترجیح ایدو بین یوسفی جانان غم
 دنیل حسنک ایات خط کمانج
 هلال صنم رفک شفته به ادرینش
 بری کرک ساکه دل و جانان ای ملک
 طراوت بغلش زلفک جمالگده صفا وار
 غرق سیتلا بلا بر عاشق غلایدو در
 ساده در مرآت تشبیه ایملک خسار و کما
 والهی ادرنه دندر نور زاده دیکله مو و عنقوان شبانند الی هذا الامعار

فضائل

فضائل ایله نالوف اوایل حالنده می و محبوبک والهی و صبر بزم شرا یک سانه صهبای
 کی زار و سرگردا ایکن مناصب علییه و مرابک دنیویه تیارک اولو طریق پر
 توفیق تصوف لک او بو میدان و عطا و نصیحه مرد معارک اولمشه بو ایامده
 اولی و اعظا لک تمام بنا ملندن و طوائف و کرامت ضعیفی فیما ملر بزرگد عظمده
 رصیق بندینی نوش ایدو الام و اخوان جهته فراموش ایدو و هر نیک کلام
 دریا رکی خوش ایدو و صوفی صفا عرش ایدو فراموش و خوش اولور ایدو
 طبع راسخ و کلام و ایضا صحن و شایع و لطیف تارخی و وارد در صفا لفظیه مایل و معتدلی

سنگ کل رعنه می زاد زید زود	بیک سلا حداروش باد بید بود
نای احواف اثر علت افضا ندر	سرو ناقص روشی کبک فراماندر
درین عشق در باغ شمشیر کاند	بیشکم درد بجز کله ایشم الله کاند
مردان عشق اچینده اولمز او کیم عید	کایده تکبری اوله بالاشین چود
قناز صیقلو سینه سینه دانگ ای کل	بوکاسه سر طبطلو در صا چه قر نفل

والی شکر زایت تعریف و توصیفی والا باغ جهانده نال مدح و تاسی سیده
 بال اولاشهرت شعار روم ایلنده قبت یکی بازار دن ظاهر و بیدار اولمش
 بر قاضی زاده در نامی عبید الرحمن لار حالاجره دل جانته منجات اصحاب
 کمالان اقسا سنبله اناره و بجای اولی اکل اکابر و امامانده کوشن حال اولمش
 اداره ایدن طلا زمانه دن برداشتمند نامدار و شهرت شعار در واصل
 شباید ر داخل ریج عمر با شبا ایکن حایزه فضائل و معارف بید و صفت اولمش
 کردن دل جانته قنایه کمال ایلد حالی و غز و وجود رصیق لطف و نواد ایلد
 مالی در عنایت بی غایت لایزال ایلد بو حالدن که زایل و خالی اولمشه اقلمش
 معارف و کماله والی اولمش کون کبکی ظاهر و کمال در تقوی و قد و شجر و ایضای

و خلیل

حقیقت و منظوم بعض کتاب بلا ایا
 در بوبر یکی اشعار پور کوهن رند نذر
 بحر یزید بفری یا منش عاشق مدینه در
 حق بود در کم لاله مراد خدی وادیده در
 ایر مکر دور اوقات بالای لقم
 اقتاده ایم ولی که بلند اولدی همتم
 وارز یا نخبه صانور اول سرد و خوشی
 انبیا زنا بکار دلالدی اقسیم
 بحر بنزده در کرانایم بم بکون
 والی غیبی بلز ایسه مک قیمت
 بونسی لب جانان ایچون عسرق
 عیش ایلیک اهل دلاله ایله کیف اتفق
 نه فتنه لایله اره برده جیم فتنه
 وصال خوبه قوی بر و بحر رغبت ایدوب
 جوتظم اولد دل اکره ویره کوهرنی
 یا کوه کل کندی آفرشته لکن خاک ایدر
 فاش قل در دوکی ای اهل فکر کشتی
 صورت حال مجل المیسو اولاه وشی
 وادرنه لیدر کبھی زاده دیکله مشهور در در نه سرای خواجھی ایکن ملازم اولو
 بعده بعضی قصباته حاکم اولدنده افواج احوال ایلد ملاطمت و مترکم اولد سیفینه
 حیانتن عیان فتنایه فرق ایدو دیار افروته عازم اولدی بو مطلع انک در
 نوش شراب بل کتر بلای دل در دالنه اولور لب لبرد وای دل
 و بود هلال وجود دیار قرمانده لارنده دیکله معلوم ازاد و بنده اولان
 تابنده اولشدر نامی محمد در طریق صفار رفیق علی سالک اولو نخبه زمانه متوالد
 فردوس شیانده مکان ایدو ریاض وجودی تمام لطفنا معبود ایله محضر
 ونیم القای عیبی ایلد شجره دل و جانی منور و منقر اولد قان صکره مفتی الانام
 استاد لکله اعلام مرحوم ابو سعید افندی خضر تارنیک مدرسه علم و کمال
 خادم اولغله خدمت شریفه ملازم اولشدر مناصب تدبیرین بعضنه مدرس

فایه قلاع و بلاد سردار ار با ضبط و ریاض بکشد و مرحوم مصطفی باستان کاکر
 تاج ارباب صفا اوغون سردار عسکر اهل سنت و جماعت اولدنده خدمت معال
 نشان نرینک فتح و ظفر کبی اکتفا و مانند خبث و اقبال هم کاب کیران طاروس کوه
 اوغین شام شرف پنجامده فرق بیکه اچم زما ایلد طریق علمدن غبت ایتددر
 خیال دیار اولور کتاب تیسدر الحی نظم خوب و کتاب مرغوب معنای بی کبی و فنیق
 و انفاظی رو دیار کبھی بو بدر بوبر ایکی ایت اول کتاب مستطاب بنزدر سربالیف و مدح و اولد
 وصفت بارده کیندر
 یه اول خالق زمین و زمان
 اولو او از رعده نغمه تصور
 جبهه بر دین جواهل قیوم
 ابر نیغافه بشلای کیم لر
 اود تیوب کل انکاعلا ایدر
 یا یلوب جسم باغنا باع ان
 مرده ایکن ایشدی کلین
 کلشنگ اولد بو حیانه دال
 جمله هب صیقل جفودی نال
 قتی نورسته ایددی هکل
 ایکل ایدی او تدمه بیل
 یسوب مهندسخ کلزاره
 با دطور مرصا کله کوره
 علی نکل کون علی حسبی
 ز دفتون جها علی جلی
 کاک انک نامنه دیر قیفا
 حجت فضلی ایلدی رصف
 کور شو اخلق منکر بدبو
 که اولور نازک تنگی بو
 بلایه قویور تازه جوان نرینک
 تهرسه نولناز کلک ایلد پیر
 کلشنگ باغ نظرده عذاره ارنی
 ز کاس کوزی صیقل کل کلک
 خط سبز و ک رنگ نوله لطافت و برسه
 باغ عالمه تها رونق کلدر چینگ
 یوق یره لیلرک اور سینه دو شمشیر کباب
 ولبر اسویله صوتا سوار ایتینگ
 بویجه کوندر که عدم ملکنی طور مز یوقکر
 بولدی ذره چه عالمده وجودی سین
 یوری نالی دمهر سرفتن برقیبه رن
 نوله شیرین ایلیک صورته فراد اولد
 و حقی قاضی زاده در فنا سرد ندر خاور نیک شیریه زاده سیدر خاور نیک
 هر تربیتی مزبور بشنم کبی خاکدن قالدوز و بر ذره ادنی ایکن و اصل مرتبه

سعد

اولغله

فایه

نصر قدری مجازی سبک سماک او تو منزلی کون کبی افلاک او شنید روم اینه کرمه قاصی
 ایک سنه غمان و غمنازه ده رکه عالم آب خاک ایتیمید بو اشعار انک گفتار نذر
 چرخ سرگردان بر ساکنه تابان ایل | حاصل تمدی ظهور کستی یوردر بر جان ایل
 در دیله بر چرخ چون قامتی دو تادار | دستنده دود اتم کو یاک بعضیا در
وزنی از نیک نذر بصره بشدر برش ایونی مقوار وزنی ایل یکلین بینه غای
 مغلوب اولو خانه دل و جانندن اسبوت و قوی بکلیه منوب اولمش کسبیک
 کلایه ضریفی بکشت و ناقدان کمالا یا ننده تام اوزن و کامل العیار و کسب قبول
 ایل مسکوک بعضی مطالع و اشعار وارد در بوشور غایت اشعار انک گفتار نذر
 جلا ویر شیم خانه خاکبای در بایل | صاقن کمال کورت بویر طویا ایل
 یکدی قوس قزحی رزم ایوه مانند لیر | قلمندن فلک کان طرای مهر نیر
 غم زلفک جگرین هر ز قدر مشکل ایل | اولومدر رباک کوسرم خشک ایل بر اش
 کوسرمه نوله خله بنایند بنی یار | اشفه سیم بو بخد زاندر که سن انک
وزنی نامی عبداکریم در مناسرت نذر والد فردوس مکان خود مننده مداوم
 استفاده علم و عرفان ایل دانشمزدن ایدی موصوم مرقومک روح بر فتوحی
 کوشه نشین ملا اعلی اولده تده طراز منده ضعیفت و بل جکوب اخبر ادر ارم کرد
 حکومت بر بیستلا اولده حقه نیاتلرین ایدر کن سنه ست و ثمانین و ستمه ده
 اخرت رحلت ایلدی شد بو اشعار انک در
 در خانه سنی یا قدی چون اول یافا | یابدیم درود یوار غمی اکتا بنه
 قدینه کوره دیکک جابسونی جانا ناک | اول بوی سوده دیکک اعلا کر ککنی ناک
 عورتی بفتون اولان چون و غمادی | وز نیاتلر سیم کوب بر ایکی ز جابسونی
و صافی کتک صغیر الم ص سی معلوم طبع خرد هین اولان اول بدیل لایه مکت

سلطان بایزید و سلطان سلیم خان زماننده ادر زده کسراکی سلطان عظیم علی ایکن
 ترک دار جهان و اینک برای جهان بشدر دیوانی مرتب و اسما بی نوع استادن
 هر اسمده حرف بجا ترتیبی اوزره غزلیه واردر بو اشعار انک اختر اعیان
 کوز مدر کوزلم کوزکی جانینک سون | کوزه کوسر کوزو کوزون ابران اولک
 اغلقدن کوزو کوز او یقان اولک | صقبه کوزون کوز او جندن نجب کوزون
 کوز لرین کوز لر ایکن اولک کوزوم کوزوم | کوزا و حیلده کوزه دکن کوزه کوز اولک
 کوز لر کایتیدی وصالی کوزکی کوزدن رفیع | ویدلجی کوزه او یو کوزو کی کوز لر کن
و صافی روم اینه صوفیه تام تصبر بر احتر امدن طریق علم سالک اولوش اشعار
 دانشمند نامدار اولده بعضی خادیم کرام طرفندن نظر لطف بر مزید اولده
 خاصیه مهید اولمشدر معارف و کمال تکلی ایینه سینک مصقل فهم و دانش ایل
 بجلی در بونده دخی اقتدار وارد در فن مجاہدی کوشش و ورش اشعار نقطه ایست
 دل شوریده اول یار جفا جوالالی | بکلیوب یولرینی دیده تر صبح و
 اشک خنین ایلرین ایتدی شود کلالی | نای دل کیتدی دید و کدی کیر ارصان اکتا
و صلی قیامت وجود قبا صبح و اطرایه لایق اولوبلد ارم ایگره صوفیه دیکک کوزوم
 اول شرفا یقندر طریق علی ضعیف فداکت دیده و ام کشیده اولوش دشمن ایل
 هنر اولان و نیادون پرورک یا یمال نشت و زنی اولمشید بو ایامده حضرت
 بعضی افاضل انامد ملازم اولمشد همد مراد و مراب فی اجمل و صلی اولمشدر بر قوت
 وز و اشعار و ایست موفور هر وادیدن مقاله قادر بودر بو مطلق انکدر
 دلایجان بر ندر یورک غرق خون اولمش | دمان غنچه سی فکرینه و از دسر کون اولمش
و صلی و صنی خارج صیغه مقال اولوش ممتاز بلدان غنیت مثال اولمشدر فیروز
 سیر و زدن موصوم حسی ایل کسفس و همد اولمشد علی شانک برای سعادت سزایه حکم
 اولوش

و در وقت کار عیبی و کتک و مکت
 اوزره سنه کتک ایلدی بر ایکن
 بر کا بو حضور بو قطعه ایلدی بر ایکن
 تا خج فن بیان اعلی وصال حضور
 منعت شو ایجه اوزره او حیدر و شکر
 شعرا استر مسیحی تنگ کوز با لقله اولان
 صفت عالیسی کوز با لقله اولان
 شعرا جید غیری و ضعیف اولان
 بو شکر سولیک خلق ایجه اولان
 ایلست موصوم ای کوز با لقله اولان
 اطفاف

انکدر

اولوش

شهباز وجودی ضایع چون آمد و دادید طیران ایدرد و هر برنگی که با آنانی
 بردند احش و نوالی ایدر شهرت حصول و نجاه روان اولور دینچه مدتی
 مزبورده والی امور جمهور خلائی ایکن شراب ناکوار غائی ذائق اولغده صافی
 انک بار حرارتی متعل اولیوب بالا فر جوهر روح کند و سندان فارغ اولد و تحت
 ایدر جنون و امنی اولد و غی عروس زمانی خواه و نا خواه صبر و اگر اهل طایق اولد
 حقا که لایق توفیق و سزاوار توصیف ظلم دقیق ضیال و شاعر خوش ادب و لطیف
 چمنزار صبا نند بصران غیب و بیانیات و میزان و میرزا صفا و لغات ایکن
 نعت سیم ساکت و زان اولد زنتکم بو ایراد اولت ایسی مثال صدق مدعا مزبورده

قدرتیر که ایره جاننه جانان غن	جانن کونیه روز نزل اهر جانان
یاره مکه قنوشی دگدی بر دم صغی	گریه اوگرندی کلور دیده کریانان
یارب توکیه عالم اینجه دل اولد	باری اولور هر کوزله مایل اولد
دل صبر ایدر و صلک اسید یله چرک	عمر کیسی اجل دخی مستجی اولد
ای صغی ننگ کماله انکار ایدن انک	شوی کماله ایر مزایدی شاعر اولد
عکس رگ سنگ بودیده فوتایده	گویا برک کل بر در شراب نایده
کندینک عکس کور و صواجره قدرک صاندک	قالای اول صیرتله بلر در کنر ایدر

و فی نامی مصطفی در نقاش صحیف احوال و در تمام صور حال از با مقال اولار ارام و کرم
 علی زاده سید کریم الخلیفی ایدر تحریر و ترسیم اولنان مرحوم عبد الرحیم افندیگ
 وزند دلبندی و نهال بروندی در سنوز طفل نوه سال ایکن بدیر ابراهیم و انضیالی
 عقبایه انتقال و ارتحال ایلوب صدها نده در نظم و جودی شیم قالد قده ای
 هر و نک جز ترسینده مری اولوب کند و میراث اولامعارف و کالانک تحصیل
 دل و جان مشغول مشغوف و عنای اهل حق صوب از دیا معرفت معطوف و مصروف

این عم الموقوف

ایدو اعتناق عروس سخاقت موقوف احتمال صوفی متاعب و ساق ایدر کونیه
 و انار ظلام کس و افعال مستلزم غرور افتاب اقبال اولد غننه واقف المعین غایت
 شوق و نهایت توقد کسنا جنانه جو بیاض غار فرا و آجازه قلینده و کماله
 نهار و سهر شب تباری چکک بسط طوع افتاب سعاد و بختیار بلینده و صغی بولید بحر و
 سطر اولد قدده عالم حلیل و کبیر زکریا افندی ملازم اولد و تحت قضایه عازم
 اولغده لطف نظمی کیمی حسن خطی دخی قلم مثال الکتور ش بوفنده دخی صبا ایدر
 اولو کار باشه شور زدر بو بر ایکی اشعار غننه غار مزور کزاده طبع در در بار

کشته صخره خوریز ایدر سین سون	ای کل باغ لک سون او سموی شنی
سینه ده راز ننگ وار ایدر و کی بزمین	نوله جاگ ایلر سیم صخره کلر تنی
سروی پالنه ایدر شیوه رفتار قدی	زلفی اشغه قلمور سنبل و برک کنی
داغدر تقیقد زار و زبون ایتدی لی	بر ایکی منقری جوق کورد بزه جرف دخی
صحن کلر اولد لکشل اولور سه و صغی	که کیویدر بو کون کفینه لب سنجینی
لب لعل کربار کسنگ جاننن عبارتدر	ناله قاتنگ جان قیامتدن علامتدر

وصولی ذات عالی هم و حضرت معاشیم بعضایع بدایع مکارمک صفا مایه و مدارج
 معارج غرت و اجلانک قصر رفیع پایه سی در سما تحصیل فضائل و عوارفده بدر
 لامع و اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده بی جامع مظهر انوار مکارم اخلاق
 مراتب جلال مراتب اشفاق مهر سپهر مراتب بدر عالیقدر عالم مناصب اقلیم معارف
 کمالانک میر سربلند خدمت مولانای اعظم منلا طیبی افندی که نام الجبیری محمد در
 باباری لک سیم چنان خاقان اسکندر نشان جا بکسوار میدان حکومت رانی
 حضرت سلطان سلیم ثانی فرمانده جهان و مالک مالک ایران و توران اولدین و صغی
 باشیکر ایدی اول جلد خدمت مولانا ربیب نعت و دست برورده لطف و امانت

اولوب لوازیم و تمام تر بیتزنده لطف نام وانعام مالا کلامی نمایان اولوب
 اول افتاب اوج سپهر پادشاهی دن و طیفه ذره بردری ظاهر و عین اولوردی
 غام اشعاع علی الدوام چنزار دل جاننه ساک و سیاح لطیفی بنک قطرات و رنگ
 متواتر و متعجب ایدی بعد هصصیری اولان جتی قادینک دفتر اختر بنی الامثل
 جمله ختصاصی نوکله و تصور بی تصور خلاصی شید اولود و عزت کی رنگ
 سعادنت سبب بزدن ایریز رخت و نضرت مثالی کند و بی بران جناب کلا تصفیه
 جواقل بیری اول سلطان سعادت توونک جلوس هایونلری اولد قده نهنسار دن سعادت
 خانه لرین کوجر و دار السلطنه العلیه کتور دکلمه بروسه حر و برقصا سنی است
 انتمزیدی عبده دار السلطنه استنبوله قاضی اولونان دن منصب صدریه وصول
 بوشکری اوج دفعه شهر زبوره قاضی و حاکم اولون بعد العزل فی لوازیم خدماتین
 دولتده دایم وقایع ایشکریدی بوا یا مده امام تر سو سینک سر اوج الوانج نام کنی
 ترجمه ایدو اول کوسن کلمه کالی حلی و حلل عبارت شریفه و استعاره لطیفه ایلد فرین
 محلی قلندر و اول شاه در عینا بیاس و می گوید کلمه جان کالنه حسن و با ویر
 بوفنده دخی نایته اقتدار و طبع قضایانل همیشه لرینک بود ایدیه دخی جوق
 اناری ایدر بورا کی اشعار بلاغت شعرا اول جناب بزرگوار ک انار طبع در
 دوشتر مکن ای به بخم اشکم بر بیکوندر
 هر عالم کشت ایدر اطراف جرفی موسو
 مویا نکلده مانک بخش مایندک یوق بره
 دمدم دشت بلاده فرنگنده دلبر
 کوریکسن به جبینی هر یکدن فلک
 قلمه بوینده بنم یوقدر ایلر
 بکایار اولک طالع ستارم قانی دو کور
 اولغوسن افتاب حسنه بدم رو برو
 قالد فرق انکلی بیری بزدن جوجو
 اقدکب شمدن بنم سیلاب اشکم جو بکو
 شکر ایچین طونور منزل منزل کوبکو
 یار تیغین بله لبسم نه بلر

ناز بجز کلام یا نوب کیتدی یوردک
 ره فرقتده وصولی مردم
 صحرک سینده جانانه دیلر
 رعد اهل فلک لر ایشکر
وصو تیغ غلام نزار و جهاد عبده و د و سوا و عنده منت و اجزاء اوزره
 کتیده و هم بر قنات ام اتقامله داس ملال فلک مینافام کی کشت زار
 اعلا ای دین اسکا در دیده ایدو شعله سنان اش فشا خرم سوزد
 دین و ایمان اولایحیا او جانغدن کفار ناکار ایدر ایا جنگ و جنگار
 و اجام و اکام نجات و بت مدام کنام و پیشه سی اولان احمد ضارم امیر بر کلام
 امر ابحره علی کی سر آمد اولان میر بعل و مجده بیکدر که حالا اوزره کوسن امانت
 و کوه نای اقدام و بهای قبه افلاک بر ولول ایدو صیت و صدای صد و کوا
 ایوان سرای جهان غلغله و پیش در صفا که بو طایفه شریفه بی غاد و فرقه مزبوره
 خلق و طبیعت اول نجات و شجاعت ایدر و کمال اقدام و مردانکی و نهایت کمال
 فرزاد کی ایلد موصوف مطون ک انرا اولمقدن خروج جسم و سنا اولوق اولوق حسین
 حیاته گلکونه جیانتان اولمقدن پیشه ذاتده نغش ظاهر و عین اولوق
 احری ایدر کینه جازم اول مردان ار سنده ایت و سنا امراء شاه جهانده شال
 رایدر کفار ناکار بوجوق بوجوق قلعه سپهر کی حکم و رفیع بر لره بی اکا طریق
 ایلد و صوبو لوق ارجال و مهر کوش غدا آر بار صفت دلکند دلدک کیر نتره خوار
 انی ایندن جوق لوق محققینال در کفار انکرو بنار هیات شدت و با سندن انگباب
 و انکراس اوزره و صر صرا صبر رفتار اساس وجود صلا استین سنی انهدام
 و اندراس اوزره در کفار بیخ نتره از دنا شالی ایلد بی بی اولوق خوفی جانک
 ماصدق کلام فهم فی امر میرج در تیغ بی رفیقه کفار ناکار قیرال دیدر و بوزال
 ملائکه منظر حال مالهم من ال اولشدر بر عم تیغ شجاعتی شاننده دست دولت

و طره مشکین را بی برشته مشطه فتح نصرت اولد و غنندن غیر ای بیای غت
 سما لطیف و مقبول سهام اشعار صفت شعرا نشانه قبول اهل عرفانه وصول
 قلم غنک میخندانی اولد مرتب مکمل دیوانه وارد کرد اول دیوانی عنوانده ضعیف
 کمالی بیخیم اولد نوبت سرود خاقانی اولد بورد بوردی بیست اول امیر خیر کمالی بیخیم
 کرد اما کله ای زنده دستم دار و صلبیده
 بحر حسن ایچره نولای در یکدانه سکا
 بزه اهل خلق المیش قصه او غنجه دهنک
 زال دهر کدکل اینس سر موی سفید
 طرز باقی به موی یور او بیدر شوک
 او میانه کوزل اول لغت بنوده کوزل
 طوتام حکم طریش افندی پوه مری
 اولی بیکی جانه دیر مردکی سنی برداش کرد
 نامی حمزه در کار بادل و جانک جهان دن بلاد کریمان اولد
 مدوح و محمود و فضیله حسن و بهاسی شهود عدول ایله مشهور و مشهور اولد
 داخل شهر وجود اولد شریطین علم سلوک ایله که ذات سعادت مولانا اعظم جامع
 الفروع و الاصول ناظم المعقول و المنقول مولانا تاج الدین افندی خدمت وصول بود
 ضابط علی بنده مرعی و مقبول اولد خدمت علیه لرندن ملازم اولد اول سال مولانا
 میسول اولد حاله اللی ای ابرقاضی مدکر شده مستقر خدمت تدریس اولد خرابی
 کمالی تاسیس اوزره در عرصه گاه معارف و کالاتک مرد میدان و میدان مروی تنوگ
 فارس و مکران ایله جنبه دوستی یونده باش و بررگلا اموره صبا عالیله مرآت
 اولد نور قادر اولد هر کس مصلح و مقاننه بنور صد اشعار بر ذات سوده طواردر
 یونده دنی غایت قدری اردر بوجلیه حریر و نفیون بوشعاری ضیاء التیوردر

بوز سوز و انقیاد غلب بودیده تر	شاهرا مکرده الیه کیرسه ایامی تو زینی
صاقن شکم سنی بزخیره چکر سرو مشال	دوشد کرداب بلایه بو کولکل زورقی
خوبل ایچره کولکل برتر اشته اگدی باشن	ماسوا عشقنی باشدن ایله برتر باشن

آورد و سر کوزل و م خاکه هر کله کل تر
 کحل ایله کوزینه زمره ارباب بصر
 قامت یاره او شمه پوری و ارای غزل
 بحر صرته قودی فکر کنار دلبر
 ماسوا عشقنی باشدن ایله برتر باشن

و نامی حاجی عبدالوهاب در نقاوه فضل لطف آثار نادره وقت و وهیدر در کار
 عالم و عامل و عارف مالک اسب المفاخر القالد و الطاهر خدمت حضرت والد صاحب
 برادر کمریدر دارالعلم و الکمال اولد سعادتخی نه بر اهل لنده تحصیل علم و حضرت
 خدمت شریفین ملازم میسر اولد قد صکره مضائق و نمازم تدریس کمال آینه
 منت قضای عازم اولد شورش و فرس و مایله آشنا و دیده جانک معارفه و شاد
 اگر معنی عیون اراده می اولد صفا و القابل بنده فی فصول و ابواب حریر اولد کوزل
 بیجا بلنده الهاب لغتده شمه دار تیا بوغید لکن شکیفه کشی کند و کنیزی مدح و اطراف
 معنی طاهر و هویدا اولین بو قدر ایل اکتفا اولد بوردی کتبخانه شیخ طبع بر ایدر

کوکل قادر دکل اراده سیر گلستان استر	سحر کلنده بلبل کبیر فریاد و فغان استر
او غنجه دور حشیده اچیلور کل کبی آما	انگای بلبل بیچاره صبر ایله زمان استر
یابنده زاهد شهرک نکا و یاده همت	ایمان اهل ریاض صبا ظهردن نهان استر
قدیمی اتنا سندن وفا میدینی کسی	کوکل بر نور سگ یونده ترک باش و جان استر
قناعت ایلمز اول شاه خوبا بر کد ایسل	ینجه دمانی بیچاره کبیر ناتوان استر

بطله کو کحصارده قاضی ایکن دیشدم دیوشعاری ایدر ایدی
 شها تا مسکن سن زدیار کو کحصار اولد
 کوزل اولد کوزلرم یانکجا اول کوزل حصار
 کوزل یابده دن زاهد نمانی استر بن
 سوره اول نامر یانی استر بن

با حسن طبع اید و جانانینک بیدیم
 کور یک بیگ جان ایله سومر کپانی اشیرین
 کون کیشی سوره عالم حسن قناری
 عشق نامی طوئن ملک جهانی اشیرین

و سی نخل جودنا زیننی و لا ایله نیدن ادره دیکل شربت شکار اولان قنده مدار
 سر زده و صورتنا اولان دار السلطنه العلیه قسطنطنیه بحیه نشو و نما بولگوشنده
 اولشدر اول باغ بلاتک سروانده مقدما مذکور اولان مقانی کک لشیره زاده
 نامی اولی ایلخند خلصی قوم ایله مرسوم اولشدر طریق علم سالک اولدوقده قدوه الا فضل
 والا کابرد اوئی احادیث کجک کابرد لیس کابرد منکلی ایله انندی کلا سعاد کتبی سکنه
 منسک و منظر و کردنی لاجنه جواهر زوایا لطف احسان ایله منتظم و منسط اوین
 جناب بیکار طرزدن ملازم اولشدر افتاب نقال بطونک اتق قبول اهل کماله طوعی و عام
 کلا منک حشریه لطف و نطق مندن طبعی ظهور و نبوی وارد ر یو آیدمه بلبل کل صفا
 اولان دل کویا شایسته غلبه نومسرا و اول نجات دلیزیر ایله مدح و ثنا لایق اولشدر
 شهادت در بر و بلند وجود نامدا شویله که بقدر استقامت هیاتده پایدار اولوب حال اوردو
 برقرار اولان کجکدن برشته تار اولجای روشن و تمکک در دیو بر ایلی اشعار مزبور کدر

نامه که بقا دوغینه اول نکار بی وفا
 ای دل غم دیده بندن بر قولاج کلامه
 سیر کیمی کور بیکر او جندون کوزه لم
 غم زنجیر بلا کی قر نخب چکه لم
 کوکله کیرک ایدی اول بت شیرین
 کاشتر کسمدن ای دل غرضی کوا سکنک
 مرغ دل پرواز ایدرکن هر کوزی
 دو شمع کیتدی قونلق سن بها پرواز
 سخارم ایلمزکن اول طیبنا زبردک
 دلا اویدرک اولشدر کاشک بلیم بچ بوردر
 قشک یابینه دل بیدم چکلام معلقاردن
 چها ایچره بت دیره طیانر کچه کافر در
 سنی آنا کور بده طبعین کوزه بر ابردر
خود ایله مانی حقیقه ادر نه دلدن مشایخ حلوتیه دنی شیخ زاهدی زاده دیکل

صوبنده و ازاده اولان کسنگ او علمیدر نامی عبدالرحمن در طریق علم و عرفانه
 سلوک اید و سربنی سامانه و طریقینی با پانه ایرکوزو قدوه الا کابرد والای علم مروج
 محی الدین افندی ملازم اولدوقدن صکره طریقی تصوفه سالک دیارم اولو ذرات عالمی
 شایخ ایله قدوه جملة مشایخ اولان باها الدین زاده خدیو کوزدن دست تور اولوب
 هر طریقده استاده حدت و احاطت عین عفت و عبادت در دیو شمع کبی هر کجک حدت
 حدت بر بر کتک زنده استاده اولشیده بعده حسب قران در مروج سلوک سالکین خان اینک
 تسخیر ادر با بیجان ایتدی که قیصریه نامی ایله شهره انام اولان شهر سید منتظر مدینه
 بجاشیان جهانده قصر عالیقدر عالم ارواح طیران ایشید غزایب خالایندلر که
 شیخ مزبور دخی جندون کلورکن اول شهرده غزم ریاض ضوان و اینک تفریح کار
 ایشیده المرحوم حاجت مستقر روشن عینا اولوشوخ و مرید بربرده کلا ایشید دو
 طبله ایله صید ایشید اولمدین شراب ناکوار معانی مجموع اولشدر بوطعه انکدر

دوین پوش در دیکم عدو	یاش السید طوطه زلف دلبرک
اه ایدو دیدی ایر اقدن نغی	طوطه بردم کم قرو سون ایلاک

تالی افتاب وجود بر عرفا انوره نام شهر دن طالع و وقت اولشدر مزبور دخی مانی
 عبدالرحمن در سالک طریق علم اولدوقده قیلم علوم و فضایلده حسب سریر اولان
 ذاب حیل و خطیری عتق مادیه فضل کلبولان موصول امیر افندی ملازم اولان مانی و مانی
 قریب اولدوقده سلوک طریق حق تعالی نظریند دلیزیر اولشیده حد و حدیث مانی عین
 خالوس نداسنی اسماع ایتدی که نهات شوق و التی علم غزم ریاض خلد برین ایشید خوش
 طبع و لطیف صحبت اهل علم و حسب معرفت کسنگ اید بو اشعار مزبور ک گفتار نیندر

باشید کوز لرم مژه می بر در ایتدیلم	بلسم که بو قدر دری قندون در ایتدیلم
دو نمندی خلق ایتدن ایرکک م صیام	عید اولک سا قیلر می یلینه دور ایتدیلم

باش اولک دست با راه او سر ایشید
 هله با راه دور اولک قور شون

کامل الفقه قانون قصص اول صدره	کتابا بوسی پیر سیمین استر ایله
بر او دکلی محمد پروانه یقان	مشتوق دعا شقه بر ولور سوز عشق بیگ
جسم و جان هر کله اولدی لامکان	کون یورک سیر ایلیلدن ذره سان
نیچون سر باز اولوب اوینر کیوتر	دلا او اوزه عشق اولم کر
همچو عشقای لامکان بی	بر کون اولاکم ایده دهر دنی
جاهده اول اول بولدی ترقی وقت	اسکی عشقده او شاه ایلمی طغی رغبت

نامی باباسی دلا بیگم مهاجر تل داخل ملکت روم اولو بودنی اولاد رسول
 واصفلا بتولدن اولغله فخلص قومه موسوم اولمشدر هیئت افعال واحوال بر وفق
 مرضی اوللا صاحب قران مرحوم سلطان سلیم خان ماضی ثقی الله شراه و صلح کنه منواه
 خدمتینیک مصابله نندن و ناظم انواع عفا فرومنا قبلندن اید صتی بروری
 فریور با با کسک با بویضا ایله اید وکی مجار به ده زخم خوردنه تیغ شنا اولغله عالم
 رول اولمشید کند و سنی روم ایله ننده قاضی و حاکم ایکن ملک بقای عازم اولمشدر
 شری هم لطفندن نصیب الفاظ و عبارات ترکانه طرز غریب اوزره در شوق انکله

نیمه سلطان ایلی بی سرد سائل ایله	بزم می المیشتم دون کچه سلطان ایله
شولک انلس ایلی بی جنون کیمی صیوان ایله	وه که خوش بلدی کی یوقدر بی ادمه

نامی اسکدر دندر باباسی فقه قضایه و زمره ساد اعلم البرکاسپاره نام
 قصبه دندر فقیه زاده دیکله شیره انام ایدی سالک طریق علم اولو منصب قضایه
 مشغول اولوقدن صیگره اسکدرده متوطن و مشهل اولغله قصبه مزبورده
 مشاهیر اولمشید شاعر فریور معارف و کمال لایله سمور حال قاضی دار السلطنه
 اولاقره طیبی زاده تک ملار اوگوانلی فضل موفور بله منظور بوستان
 جانی انهار لطف بیکر ایله مغور اولمشدر بو بر ایکی اشعار انکله

کیسورک شهابی قانن قور تدیلر	سکین غزال بچه بر قایه نافر سین
اول کوشه می اولور ایچون اولور تدیلر	ماز تخیدن یوری خوف ایتمه ماتی
کمال اولغله تحصیل حال ایتمشدر بو اشعار انک گفتار نندندر	نامی ننگه دیکله مشهور اولاشردن شهرتشددر همد امیل معال محرم اصحاب
او زود دست قضا اغزینی بور نینی کشدر	مکر اول لعل کسک خاکه طوی ال اذر کشدر
او شوب اوراق کل کل صحن کلستانی طومشدر	کورلدن دغله کسینک زین اولد غنجانا
کلاهی اهلکد و د کبود کوه کشدر	اولدن عشق سیدک بر تر ساجی طغک
عرقه باده نابی بری بیرینه قمشدر	لعل عرقنا کینه او کیش د پو شقا
شهابک ماتی جریخ فلک این اوزا کشدر	شبت تاریک غمده او کینور شش شسته

نامی وجود با نسی رود لجوی زمانه خال دین و باغ و رای غونه بده جفا
 عدن فادخلو ما حال دین اولو سمعت و لطافتده عرصه عرفیه کی بهر اساک
 سحرا تا بناکی عبیر زامشک سا اولاجر و بر و اندر کردن حالی قلا ده سیادت
 عالی و قصر قدر و ال اسس فلک حماس ال الموده فی القری ایله مرفوع معلی اولو
 اولاد الی دینی ما شمدن تحصیل معارف و کماله مداوم و شب و در تکمیل تقاضیه
 مجد و عازم اعناق دل و جان قلا یه لطف بیا و معانیله پرو شاخ و تمام انواع
 واقعا کل مده ماهر و رایج برقبول ناظم در اگر چه مقدمه صنعتده سراج ایدی کلکن
 حالا تحصیل کماله قبله سراج و ماجدر مدح انار و بار و ای اطبا و انکار کلام حاج
 دکل در وقت معاهده دینی تمام نامدار اولوشو استیفا و استخراج چنده غایبه اقتدار
 اولدوغی جای عناد و لجاج دکل در یورکی انبیا و مشائخ اولادات سیادت با یک کلام نندندر

کلنجی بویله کله کیشی تک ایا غنه دوست	بر کن جام می صوندم کلونوش اولدی
اجل صامن صونوب و ران ویرر کرکینه	جم عصر و سلیمان زمان اولسک بودیده

امیر مجلس اولوریم جمعی صحبت شده	غلام حلقه بگویم بسیار خدمت شده
بنم فرما دوغم با نغمه هر درد و بلندی	بنم مجنون کسی وادی غمده مبتلا شدی
بنم خسته دل خاطر پریشان زار و کردار	مشوش حال و گریه ساکن کنج غنا شدی

چو خاک سیاه بی مسک از فروبوی ریحی ریاض مانند نکت خود
 غیر کلهتسارم و عمارتک جو دشمنان الهادندن متواری پرده افتاد و پ
 بسا تین شهر سبا اول شهرت اسبابی کورگیک جالتدن با بود و نایب اول اول
 برود ندر سواد دیده ای کمال و سواد قلب ارباب افضل اقام معلوم متولد
 و منقول و احسن فنون مقبوله پیشوا علی زمان و یکانه فضلا دور محیط
 فضل و ایقان مدار و مرکز سپهر عرفان ساو اسالیب اصول و فروع مستخدم و در
 معقول و مشروع بحر حقایق و کثر فضایل مجوعه مطبوعه و حقایق و صلیان و کمال الی
 صیرت نزال اول مولانا اعظم قره طی در بابا کر قاضی صاحب دیکله شده انام ایوبی
 مولانا مرقوم تحصیل و تکمیل فنون علوم آیتد کرده مرحوم کمال پاشا زاده یک مجلس پر
 حاضر المصلح غنی خاطر سعادت ملایم اید خندان و ناصر اول و قدن صکره مدارس
 و علمیه دن نصیب و وایه لرین الوب مدارج جاهی قدم قدم بلند پای اول شید و ن
 قلب بر کالی رصیق عزت و اقباله محلی اول غلام راقی قدر از جنبدی اتصال اول
 متبع اول شید ایکی نوبه بر و ساینون ادرنه و حیه به اندن دار السلطنه بالعلمیه
 قاضی و جمله انام بر شیر ضمیمه و افعال در فیه نسا کر و راضی اول شید شهر مزبورده
 متصرف قضا ایکن کجایه کجایه قضا و قدرده استر داد و دیت حیات حکم و حضا
 اول نوب بساط حکومت و قضا سی کی استیجی لکبت نوردیده اولد و سانی قضا اندن
 جام کما خواه و نافراده اولد شرب عشق ایلد اقی جان زهر اولد و سانی انواع خود
 بحر ایکن صالایه غایت بود کجایه جناب بزرگوار لرینک بوفنده در حق اقتدار

اولو مقبول نام و ممدوح جمله خاص و عام رخسار در دریا و اردر بویا رخسار انکار	بیمه بجز ان عن جو تکم اولد او کدین اول یوق
رنگ کلزار بی غم کور کج	بتر جک غصه خطک بار نغمه بوزن بوق
باش اگر سین صمدان غیر یابد دل	بقا سین جلوب چاک آیتدی غنج
خطا قدم خطک کلدی دیدم	دو کر لره افندی طب دنج
کل اولدر جری قورتر بلادن	میانک کسی بو نیم قلدن اینج
کر چه هر هر وید دل دیر مکه ماهر در کل	رعار البیون ساکا و لنج
دیرش زلف و خیاره نم عمر دوتم	سن صمدان غیری باش اگر کفر در کوکل
اچم بجز زاهده یار کدانی سیرنی	اوسون ای دل دوتک پانیده و عمر کدر از
	عاطلیک دکه بر نازانه قلک کشف راز

مرحوم شیخ الاسلام مفتی الانام ابو سعید حضرت تلمیذ دیشدر
 حکمتده بو علی اولد کر شعره ظهیر اتمیز ظهور اولمحتی کسبه خطبه
 ای محرف فضل غریبه سلطان اول اعزیز قالدیم ایقده دانمک اولمز سر و سنگر
 مدی مطبوعات اسلام و ایمان و مجمع اصحاب فضایل و عرفان اول دار السلطنه
 قسطنطنیه حتمیه دندر نامی مصطفی در صفا و کبار نیاننده صلاحتی دیکله آفازده
 اشتهاک و اصل قبه جوج دو آرد و قدیم سپهر زرنگار اول شدر هقا کشور اولد
 کبار و فی مندی و صفا ایاتیک تمام بنامندن اشعار غزلت شعاریک لطافت و حلا
 حسن و صفا سیران کبی روشن و عیا و کفایت ظرافت اتاریک رشاقه و صفا
 ضیا و متاب و انوار افتاب کبی لامع و روشن اصفا و انوار نظم قادر صفا دیوان
 شاعر سافر در صدای آتشار و اعتبار قبه فلک دو آرد غزل و او از اتمیشدر
 و صفا بحال عشاق و مقبول در غیب جمله افاق اول اسکار و در زبارا روا
 مجاز و عراق اول شدر خلق و بها جامع دینا و حافل علیاده ایات مدح و تناسی

ذاکر و تالی و ساغر خاطر اکابر و اساعز صغیر رقیق اطرا سیلیه عالی او شش در علم آورده
 و خصلت افتداری نظیر روزگار در بوبر یکی اشعار غزلت شعرا را اول شعر نامند اول
 جفا که دل عشاقه دلکاره کرک
 بلعینایت و رحمت کنکاره کرک
 سهر کور که چکر سینه بر ما می
 همان فلکده یک طالع و ستاره کرک
 جاکشی نیچو بوزدن کورم دین دلگ
 شکسته ایند لرکسی پاره پاره کرک
 ارتقاش با خدنگه جسم نشانه دیک
 نازک نهال سرور را اول باغ جان دیک
 تیرنگه سینی تیر آتیک دلگ دلگ
 شد نگر و عصای دل نا تواند دیک
 ای جان طبعی تیغ ننگ سینه آتیک پاک
 کل دکه باغ عارض دلبر تیر دیو
 کل سوزن مژگه نیه نازکانه دیک
 عشاق اینجده ایله هدایی بی سرفراز
 سرو و چناره کلدی نیه باغبا دیک
 قومه صود صفا عارض عالمتابک
 ای یوسف زمانه بهشن کس نشانه دیک
 جو بلده دکل ای یوسف ثانی کرد آ
 چکوب دوند وکی اندن بو پیش دولا
 کتیدی عقلم کیسی اول روح روانم کل
 رشک چاه ز قنک بغرینی دلای دانگ
 بر ما می چکر سینه به شوک کچه برده
 نیه حشر او یحیی سینه به جانم کل
 روشن دل اول مال کیسی دور نموده
 کیدی جنون شقدن کچر دلستانه
 ایله کرا و صلندی او صلتم بزم دیوانه
 مثال کعبه ترا نور دیده عشاق
 کورن جاکشی مشتاق کور میں مشتاق
 دم کلور غموا و نور صوجلی قان ایلیک
 عشاقی او نیه بر دم اینوب ایلمز قرار
 سیر ایدر اصفهان و عراقی او شهسوار
 دور سبکه رهنه چکمش کتابدن
 میخازده ایق بصحی بری بو نیور
 صورتده صندی معینده یا بیلدی خاطر
 لیلی النده کاسه جنون عامری
 بر کور مبنده کیله شها انده سبازی
 بن تا تم قنکده کنش شهرکی سیر ایدر

شمل کوز که کوز تیه لی اولدی دل خوا
 وای اول عمارتک که علیل اولد ناظمی
 امیدم بوفادن اولد قنکده از سید
 خدایق در ایلر شک خارادن که سید
 که الام رقیب که غار باده حیران
 او نور قننده ایسه عاشقه بر در سید
 صوب جان کجک یاریل هدایه قالدی
 نه جاندن بر اثر ظهنه جانان دن قننده
هدایه نامی حسین در افتاب ذات نواری خاندان نیشماردن طاهر و بیدار
 و هلال وجود بینای انق علم و کالدن لامع و اشکار او تو مرحوم و منور را فی
 زاده افندینک نخل کهری و در حوض ذات افضانک نخل سعادت کسری فیهتر
 بو ایامده تکمیل و تکمیل معارفه اقدام تام ایملکه قران و امثال میمانده تمام
 او شدر صفا که بو سن و لده بود کلو هنر و کمال کسب ایله مالک جودتقال اولده
 صیت فرای صغار و کبار در و ایام شبها و جوانی ده که نکام هموس و آرزو
 وصال عنوان در تحصیل معارف و لطیفه کوشش بشمار ایله ناظم بحر حلال اوستی صوب
 عبرت اولی ال انظار در شویله که عنایت بی غایت سبحانی و احسان بی احسان حضرت
 صمدانی ایله مال وجود اسب زوالان مصون و ساه کلشن صیحه جوان اخوان
 محروم و مومن اولو نخل وجود کلشن بقاده پایدار اولد بونده که کلشن
 و شتبار بولسی نند نور افتاب سپهر دار در بر موجب عاده خادم بر بکارم
 طریق علمه سالک اولو ملازم اولد قدن صکره سمت تدرب عازم او شدر بو ایامده
 سنجیده و ابیا پسندیده لری مکارم و اخلاق جمیده که می غر و مشهور و الیه
 خاص و عامده بدایه و شناسی متلو و مذکور او شدر بوبر ایکی اشعار مزبور که گفت
 شاید وفا ایده دیو اول یار چرخ
 صبر ایلمدیم ایله عمرم اگر وفا
 اهم بلی بها ایدر طور میوب گذر
 طلاب اشکم اول صنگ یولسنه دور
 که چه زخم تیری اول قاش کالک تنده
 یاره عشاق تالانک بلنر قننده در

کو کله آردی فغانم دانی روم آید و آه	برده قلمز اهل در که آید و فریاد و آه
لطف و جفا نه مقدار آید بهین	تاتی جوق او نزدل بچاره مقدار این جور
عشاقی کوز بریده نظر ایلمز او باه	دیگر که بوله کلور اول شوخ شیوه کار
صالحم جو زور قلی در یایی عشقین	کرد اب غده قالدی کولن نیمه روز کار
زلفکله عارضک کوره لی دلبر اسک	بریده آینه اولدی لبتلا قرار
دوندردی ناله جسمی اول یار سیوه	کوز شیردی دو کرسه کول خانه و شزار
اولز کشاد طالع ناشادی دوتم	ایله هدای ششدر فحشه آه و زار
هلاکی و لایق قرماندن ظاهر و نمای او شدر مقدما طریق علم سلوک آید و وصل	
رتبه استعداد او لشکر ترک ارزوی مرام و مراد آید و برای آنچه جنتی میست	
آید و قبول نامه فناء فتنیدی امام مسجد یار صهار او بونچر روز کار امام و	
و اول صاحب عرفان نچیز تا جامع جهانده مقدم و بشو ازم آیدی او ایل حالده هر	
غزه سی خونی به جان دیز و دلبران سیمبانگ هلاکی و کیه لبت و عشق آید کال	
او لعل غلص مزبور فخر قلب هلاکی او لشید نه کم کند و می دیشدر شعر	
سر کوی وفا نکیسینه چاکی کوز لکر او لکونی هلاکی نر خیل فارسی دان و صبا	
عرفان کینه او لغین خلق جهاندن بوستا و کلت او قور کرد روز کار نده شرای	
شعار ویز و ضیلی نامدار او لشید حد دشمنینده عزم غلدر بر او شدر بو شاعر انگر	
طیب جو ده آید و فخر و فاقه دن ناری دیدم نه چاره دیدم یکم شراب دیناری	
می ایچیند او هلقه ایله	مست او اریلر ایله
بزه جام جهان نمایله	قد بالین استدم نوز
بن زار ناتوانک نر در غم و بلا ده	بختی قیوسی بغلو مکن دکل کت ده
بسیکون دارلرین که خطا زکھاری	کل کسی بناده طوتر کن بنده لم اسراوی

هلاکی و لایق وجود قبولی مطلع ظهور در حال قبول اولای قبه الاسلام شدر استبولون
 طلوع آید و از با مقال ایله اجتماع و اتصالی او لعل کوندن کونه قطع منازل عرفان
 ایدر که بدر تابا او کوب از با استیها ل میانه هلال عید کیبشار الیه بالمشان
 اولمشید اصحا حوت و از با صنعتدن ایکن کتاب نظم و نثر دن حرف زبانت
 اولمشید جسم نزاری قسم ایچیده کی نال مثال خیف و هزار دقت چشم دور بین
 نمای اولای هلال کیب غایبده ضعیف لغین مجلس منوره غیر پردن اصحا و اوی
 ایدو کی روشن و اشکار ادر حق کسما عبت و مطلع فضا صک تا بنده هلالی
 سلسال متعلق عالم نزاکت و کلتا متکاب زلالی در بر هلال ایدیکه مطلع وجود دن
 ظهور ایدیکه تابان اولمشید و بر باه رعنا ایدیکه بریق و لعانده افتابده لامع
 رخشان اولمشید بر بدر منیر ایدیکه دن استعاره انوار قلمزیدی و جسم
 مستقر ایدیکه صغیر و کبیر کلام دلپذیریه لکوندر میوه اگر اسناد محرت و عاقر نرید
 مرتب و مکمل دیوانه و مضع و مجمل کلمات غلت عنوانی وارد در حد و حنین ده
 بدر وجود بنه مقده فائده ضوف ایز و اول ظلمت دن انجلا بولعه امکان
 اولدی بویر ایکی اشعار غلبت شعار منور ک گفتار نندندر

شکت اولسه صراحی جام گلین بر قرار	مشکر قیاسات کت اریق یا جید ادر
بریدر رویم اوزره کرد و کرم اشک خون	ابجر سن بسیر اظالم و ام اولسون کی
فتح باب اولمشید دیو و وصل باردن	طلعه دوش قالدی کوزم کتمز در دلداز
یاره راغز آچور در دروغم شمر ایدر	کیم کیم قان اعلم بودیده خونبار دن
بنی یا بنده هر کیم کور رسن برسی	صانور تصویر بیدر بریده خشمه فراگد
غور حسند دلبر که نازه یوز طوطدی	بلای عشقه عاشق نیازه یوز طوطدی
صدق لای کل رعنا نناز بلبلدن	هزار دستله لول بی نیازه یوز طوطدی

التو کیه قین کل کبی اولنا زک بدن **بینه** قفت قفانه کیر منج وای ظلم کور
هلال وجود مطلع شهر برودن طالع و مرحوم طالع با زیزد مانده اول نقد
 غایان و لامع اولش در ز مانده هلال تعالی بدر اولش و حاله اول اباده
 نام و قدر بوش دیوانی تربیت تکمیل المیش کن بدر وجودی افق جسد
 غارب و انار و ایست بری کبی کوزدن غایب اولش در همانا کلماتی مرور
 اید کسب کلیل اوین کلان قلمش و دست ایام اتی تان کلام
 صامت در یور ایلی اشعار غلت اشعار انک گفتا رند ندر

کون کرم اولو ایزده حسینی اتمون	استب و زکله کونده بین السماء والارض
عشقده سم اشک شول دکلو قادرم کم	کعبه تک طوانی اولش در ر بجا فرض

هدی قصبه سوده صفا ابره لطف ملاحظه حایر قصب اولو شهر بدیع اولو
 قصبه مرغوب سکو بد ندر شهره افق اولو مرحوم اسحق چلینگ بنده و بنده
 زاده می و جناب فضائل نصابتک طو نواده سی ایدی مرحوم مرقومه و فاندکی
 بعضی مفاطها تک کاتبی اولو بعضی اصحابه و جلالک همدی مصاحبی ایدی و و
 نام قصبه ممکن و متوطن اولو اول جمله طرح بنای کن ایشیکن بود از قفا
 حرکت ایله سرای بقاده ساکن اولدی بو شهر انکر

هر یکک بو قدر یا ننده بر صفت همدی	هم کونی ضایع کجور هم روز کاری هم دنی
همدی دیدم چو که کلدی یا سی هم دنی	خنده دزدیده ایدو دیدی لبر همدی
نی قید اولام دین بو جهانده کدارک	نی منت اولوق استین اهل عبا کک

هلال نجام و همای و موالی عظم و اما فی فایه نخل و مقام اولو ازینق نام قصبه
 بر اضر آمدن در سلطان مراد خان غازی دور زنده به عالم فایند ملک باقی بیوازی اولو
 شردند شخی و احمدی ایله معرا اولو بری بر علیه معارض و مناظر مدام نجلد سنده

تادم آخر ساغر خاوره و مشوره طور میو. دایز ایدی بجم همای سینگ بنتر نام سینگ
 ترجمه ایشدر عوام ایچنده مشهور اولان منظوم نامه لر مزبور ک در

نت کم دیشدر	لالای سر و قد و لاله سیکر	مبارک طالع و فرزند هفت
کفای غنچه باغ لطافت	عذاری ورد کلر از نظر آت	یدی اسلم حسنک شتر یاری
طغوز مید ان فرطک شوک	سکلا چون سبیل و کل	سلامی چون نوای زینبیل

هوا بو ایله قصبه ایلی کبیب کبی حیا افزا قیلوب اب بر صفا و جو بیار صفا سی
 مزیل کدر استانوم و کروب اولو شهر طفت مصحوب فحیه تبر و دندر حاله شهر
 مزبورده عبد المؤمن جامعده خطیب ادیب و ارب فطن و لبیب فضائل و معارف
 حایر نصیب اشغال اقرانده کور خطیب منیر لطف و کمال ایدیکه غریب و عجیب
 کلک و بوستان کرمی کبی شرح ایدو شر احدن سرور شکی نک کلامی شاه زوی
 جرح ایدو کلک معارف و بوستان لطیفه انواع الوانله نقوش و مزین بر صرح ملک
 طرح بنای ایشدر صد هزار ان فرین استاد نه ترجمه کدر کفلی کسی نوای اولوب
 طریق سوا بی لندن قومشدر تحصیل علم و کماله اشتغالدن غیر حلقه قوایی صرف ایشدر
 صدر شریعه حاشیه تحریر ایشدر بود کلو فصاحت و فصائل موفوری و ارا کین کمال
 هم و از نا کریم منظوری اولوب کسب کفایت غریب و بجزور و مانند سبیل و سبیل

قلمشدر بو بری اشعار بر نور	نیجه بر لاله زاری کوز لیم	کلشن حسن یاری کوز لیم
مسک و عنبرده یوق دوا	سبیل زلف یار کوز لیم	دلی هر دلربا به و میر لیم
دلبر شیوه کاری کوز لیم	کلنکه میان بزم رقیب	یار یار بر کناری کوز لیم

خونین اولو کاخن محشید داغ دل	زین اولدی برک لاله ایله صانکده ایل
دانه کله قالدی طروح بو نینه اصد دستن	درمان یلر هوایی ال قالد و زو هوای
حشر آب غیب کجدی هوای جان	چاره نه یاده ایچوب بزده کجیدن کجلم

حرف الهاء یعنی نامی علیدر کار با ذات بهبود رفت برج و بار و کاردی نموده
 کما و وعت سوزنی موازی فلک الافلاک اولافیه الاسلام دار السلطنة العلیة
 قسطنطیة منجیه شهر وجوده واصل در تیم ذات فریدی هفت شهر مرز بودن
 ظاهر و حاصل اولشدر بیا درگاه عظمت بنا هر صاحب قرانیده طور ناجی باشی اولش
 کند و سنی بجری اولش اول شاه سرفرازگ هوای همتنده جناب عبودیتله پرواز
 ایدر کن غنای حق کمال شهباز سمای جلال اولش اولش جلال افندیگ
 چکال عقاب ارادته بوده او گو اوان پیشین تقدیر خدا من ایدو سر نازین
 جناب پراغزانه سوده اتمشیدک شیخ مذکور علیه جمه - الملك الغفور عزت نهاد
 علاوه سعادت ایدو بونگنای کثرت و وحشتدن مقام وحدت و ریاض حقیقه
 ولت قیوب مرقد نورین که ملحق و فودر رفت و مهد اطراف مغفرت در سوره
 نام موصوفه نقل اید کلانده اول موضع کنده کنده و بسکن بنا ایدو استمداد روح
 حضرت شیخ ایدر معنک کوشه فرغت و انزو او شیدی بعده اهل عیال اولش
 بلای فقر و فاقه دن عذر ال احوال اولدقه مرحوم سید علی حلی مزبور که فرج و
 حواجی تکفل اولش لحاف القضا و اعطای منزل ایدی بردف طومنی سوزنیده
 کشید و کوشه اولش سوزنیده و نظره دیو عین عقلا بطریق سوزنیده سوزنیده
 صوبی بر فقه دیشر کمی کا عاده بر زن اول بوجت سیرین ایدن اولش
 عالم بری یوب بکر هو اسنده یین بر علی ایله انک عقلمند ادر اکنه یوف
 آخر نفعه اولاد و عیال قادزا یوب نهایتده سو حاله مبتلا اولدقه عرض علی
 ایچون منطوم بر سر لایوب صاحب قران دریا نوا اولدقه غرق در بیای حسی و نظری
 فرادانی اولش سوزنیده بکینه حبیبینه کاکا بند کاشه محبت عنوان اولش اولش
 اقرانی ایچره نام نشان بولدی بوبر ایکی ایتیه بنت سما اول ساه دندر

بخصوص اول شه جهاندارک	بحر و بر باد هی خونگادک	ابو اجدادی غلامنده بلر
طور نجی باشی ایدر شهر	ایکی سلطان روم هم بنده	اولشیدی بیکرمی بل بنده
اکنت سوز و سوزنده	باش تو شدم ره خطارده	بنوب انگده های و اوده اولم
عشوه دوتیه بوده ایدم	تا انکاد کک صنگ اسماعیل	که بنرد اولمز اول بنرد اول
اول سوزده ایدو قضای	نفس قدم حواله بیغ و تبر	بن بورزم ایچره کمان بنیر
جان ایدی کمان جذبشی	دور عدل کما تنگده بودم	امن و سایش اوزره در عالم
مکده بر مشوش خاطر	مکر الا که خاطر شایو	بولور البت کس دنظم روح
شبه بجز رایون دکلمی سراج	مردش بر کاوله بلنغ و بلنغ	عنه نظم طبعی اوله سمند
شعرا حیل ایچره افصح اول	بیخ انظار مستی اوله	سمن عشقه کلستانه
صنوعه حاجی بر شوقی پیمان	ایقین بر نظره ترانه هال	ایده خاک نوانی در خاص
مشق طری ایلی اصبیا	سرملا بی ایلمه کویا	ایده کر کلستان عسرفای
ایلمه روح سعادت سیر	انظرا کلا من لک کوش	روضه سنده نظای ایدو ش

بعد حضرت صاحب قران مرحوم سلطان سلیمان سوزانده ایچون گرفت مائرا
 قونیه وار شکی اهل و عیالنه ایچد ابدان استنبوله خدمت بنا جامع جدید
 ایچون انتخاب اولن خدامدن اولق امید یلینه استنبوله عود ایشیدی
 اخر صورت ماعونی حسب قبول ایدیه تصورنده نمایان و افتاب امل و رجاء
 مطلع طلب استدعا سنده تعفف سخی لامع و عیال او یوب فرمایونه صخر اولم
 آتمی ایدر علوفه مسی قطع اولنوت سروسامان در تیم کبی کشفه دل نهر ارحمت و کرم
 ایدر پای در کل قالمشید بواشاده بیشتر بلا و عذاب ایدر بنا سراسی صافی
 منزل اولو عالم بقا ده مقام و منزل ایدی و اولن شیک اهل و عیال تیم قاب
 درد و فراق بکر لرین دونیم ایدر صفا که مرحوم متعینان شوار و روم نظری

شاعر قصه روزگار دره انکاشا بر در شاهوار هم اهدا بعد واحد ظاهر اولاد
 ناظم ساچوردند بوبرا یکی اشعار اول شاعر نامدار گفتار نندند

سری با بی سزا بر جهان بر و یاد در	صنیفی اوج ایدر اوجی صنیضی ایدر بود
کوز یا نشی گیتی صوبی غم گیتی آشی وارمش	تنبیه چگون دیگر عقل و معاش و ارمش
جنون ایدرین کل گوشه گوشه جلا بندن	دیار عقل دور اندیشی وار کنیدن بلندن
رقیب اولد و کنه یار ایدر زاری	اولوسی شیوه نینه دک باری
بینن نان و نمک صنما که دامانده در	بریتیم انکم چاک کریبا نمده در
عشقک یولنده غصه غم باکر زاد اولو	کتیم عدم ولایتی نامراد اولو
غزبال ایل غبار ایل نوبت نینه	دطر اولاک استنوز دلا یار اولو
اوسر وقت طوغری چوبش بوبر کول مرغی	یوجهر برده پرواز ایلک استر کول مرغی
یوست قیدین قوتی پنبه دانک بورد	اکی بیز قله یوری عالمه چل یوف بورد

مردم سید علی شاعر در دریا امیر کبیر عطا بودان پاشایه بر سبب ایلک
 اولاد فی سبیل و غربت و لطف و شفقت کوستر و بر جاریه حسنی ایلدیش یک ایل اعطای
 ایلدو نظم فنو حاشا و غزواتنی رجایه شید اولاد فی سخن اسرار کبر نزه نظر
 ایداره شروع و ابتدا ایلدو ایلک بیک مقداری بیت دیلدکه مزبور قیود
 کشتی صیقا غرقاب تا اولو امر حق ایل باد بلا بیرقدن کلدکه اول ابیات
 عیانت انتظام اتمام و اختتام بولدی بوبرا یکی ابیات اول کتاب

بلغت ایا نندند	جنبش ایدر و نه در بای عشق	ایلدی مرغابی کویا عشق
باغده و راعده ارغمار	کویکه یوز سور کویون عیار	سزها نکه غداسی اولد و غنه
برش و افیون بودر استدل	ناس اکثر تنفر ایدر کج	صلی زمره اولور میال

طمن طمن لند و اسبانیم دین دین طبعی
 ینه شوق ایلدوب کیردک طمنهای طایون

ینه شترده لر باشد آتوبن طوبلر کیم
 انده چنگ چوغازیلرک تمشیر عریانی
 یتیم اوجله هر تیغ اولو بروج زرد در
 برش و افیون اکل ایدنلر حق بودر
 ادک اردنجه ذم ایدو یوزین کورد و کج ریش خدا ایلدکه در

تیمی ولایه کریمان سید غازی خانقاه منده اولاد بلانک پتی و خانقاه جها
 سرو پا برهنه بوریمن ابداللرکے خوف و بی ایدی طبعنیک بوفنده اقتداری ایدر
 اولون کلک ایدر نون روشن و شکار و ظاهر و بیدار در بوشتر انکدر

کون یوزک کورمک در مهسا طور چکر نور	خاکیا یک او یک استر ایلر نور چکر نور
شجر ایلر حشکه پروان اولوشدر قمر	شوقنکله هر عالمتا طور مز چکر نور
پاسانکدر مکر سیاره لرا فلاکده	کجی لرتا صی دک بنجاب طور مز چکر نور
ماجرای اشکیون در درد و غم و حکمک	جوی اشکان یکان طولا طور مز چکر نور
ای پتی کوزک آج جان مرغن ایدر دک	اشبو جوج اولوشن بر عقاب طور مز چکر نور

مولا و منشاسی کنجینه بر ازنده دیدو کی کبی ایدر ولایتی درد و تنورم طایفه
 علی اوغلا اولدقدن صکره کجوری ویایا باشی اولو اندن تولیت بتمت سلوک
 ایدر اندن زعنا ایلر گوشه فراغده قنعت ایتدر شوار و روک قیام و کسارند
 و بوزمانده اولاد فضیلتک ماب الا قنای در نندند اشعار در در بار نیک اداسی
 دل ارباب هنر کبیب صافی و پاک کویا که بر کجری خاشاک و آینه تا بنا کدر اکثر
 مقال عشق و حاله ظهور و صد و ایلدک صبا عشق بر ملال اولوشدر
 رباعیت مین و ادای جان بخش و روان ایلدک اساسی مرده لرین اصبا
 ایدن شجاردن و کلکونه گفتار در در بار خفا شعار زین و زینت و بهار

دیار رومده صاحب خفا و لایزمره فضی و ندر چونک غایت اعتبار و نهایت
 اشتهاک بوجوح ذواره افتاب از ظاهر و بیدار در بوندن زیاده کسب خانه
 مشک فشان مضار توفیق و نسیله تک و یو و بیک کلام شاه اطباء و اسباب
 بست و جوایمک خفا متعین حال او معین بومقدار مقال ایله اکتفا اولمش
 روزگار زور کار کرم و سردینی و بوجوح کج رفتارک در در دین کجوب
 ضعیف روزگار دیده و کار از موده کاهیی اوج غرتده در صعب علیاده کاهیی
 ضعیف زنده خاک فرسوده اولمش در مرحوم ابراهیم پاشا اسکندر جلایی بقصیده
 ویر و خلوت حاصل مینه دخول و مجلس صفا و الشریه مشول و وصول بومقدار
 انظار و عطا فکریه منظر و مانند هلال انکشت نمای ارباب کمال و اصحابی سهر
 اولمشید موالی اعظام ایله مصابری و امامی کرام ایله محاسن و ارباب
 معارف ایله معارفه علی خصوص مرحوم فیض ایله معارفه و محاوره مشهور در
 قران زمان مرحوم سلطان سلیمان الفاضل ایله دیار کتیده کده بقصیده دیو خیالی ایله
 معارفه سین ابد او اظهارات تمیض در اول بقصیده بودر

بیکلم کون کیمی اقا سنجیده ترقه چری	قره طرغ قرالم قیره لم سرف سری
باک او کید خیالی یه اولار غبتلر	حق بوردی حلال ایلریدم شورتی
بن ارنلر نجفیم اول ایشقر تبری	بن صواش کونی چری ایم اوچا خورده

بقصیده رسم باشانک معنه و اول اولده محض صفا و صفا کیمی بیک حضرت
 ابی ایوب انصاری علیه السلام توبتین ویزو وان غرندن کل کل نره قیلدیم
 توبتین بعد لطف اورخان توبتین ویزو مهل زمانده استنبوده لطف بایزید
 توبتین انعام و حسن ایشید لطف و حسن ذاتی او لطف بر جزئی بقصیده
 ایله تفتیش و غزل ایشید عریان با عیال و نظام اما و اما لن دل بر ملال کیمی برین

حال ایشیدی اخی کیمی بیک زعامت ایله اختیار کومنه عزت ایشید بوی
 اشعار و مطالع ابدار یاد کار قلم غلت انار و اثر طبع بر اقدار ندر

صبح صادق کیمی ای غافل اغردی صغلك	ضرب یوق سنی بنیله بوغز را چلك
هر نفس اکر میندی آه و افغانم بی	اونودردک اهد و بیانک کبی جانم بی
قریزی چاه کیوب ایله اولدرم بی	چاق بو نیق قانه کیرمش دیمو کورن
کوزد نوری کو کلو مگ سر درک عمر مگ آرا	بزمله دست اولر مگ عداوت ایله بار
ایله یلید قشکر ک فکری املال سانی	افتابم بر غیب کوسه سردینا بنیله
ندر بلدی اول خال سیاهی و یار اوور	تولمش عنینیل نقطه در ذال عذار
باشکی غوغایه صالمه دولت دینا ایله	یایه ادنی ده قلمه منصب اعلی ایله
رحم ایده رم دیو سکا بر کون مانده	کو کلو ای کله باری بنم بر بلا ایله
اولدرم بی کل بر کون او کورده کرم ایله	قانوی دو کوب جانغی ال دم قدم ایله
رقیبکی سورا دلدم عداوت ایده مزم	کلاب کویکده هرگز حقارت ایده مزم
اول صنم عاشق برت اولم دیو قورده	انگیون کیشیش کیوب ویر منر سلام
ایکی قات اولد وجود قوجه دتمه قالد	ملک الموت سلامینی اکلام الدم
حصید انگیون اول ملک ایوب ایتام	ایم فلکلر او زره قورر خطقه خطقه دام
بیمار ای اجل بو کیم بکل یا نم ال	روزی فراق دلبری کوسرم جانم ال
عرض اید کون یوزوکی یا شتری جمال	بلن ذوالنی کنش اک کلکک مهال
دری دندانکه بکر تدی صراف سنک	یوقدر بر براییه اورا جفی وار لنگ
انجور سکا عاشق اولد و نک ای ملک	قایل اولدم اولکده رنجیده خاطر اولد
ایه چهره کوره مز اولدق کنش بو کیم	بن بی ستاره ایله الشما دی یلدرک
سنی سود و کنی جانم سکا اظهار ایده	دکه در دیل کنا من کشی اقرار ایده

عالمک بود صفی در دینی در مانی و تیر بجز اندن اولش بی یک شیدایی	بومتاع و صلت الی انکوز بحرانی و دار قاره لرکیش کان ابرو رنگ بیسی وار
عقلی المقدن ایجا نم ال دیدم انکا اکثر فقیری وعده و ملک حال	اول بری کولدی دیدی هکله لان جاندر او را فندی نذکو محال
در پایاد شاه اید و اول سرو می تمام کیمی او داره یا قدی بو جا کوی	دوران مینه قویه کتور ک قیامتی قاینه کیردی کیردی کله اول بری
ادم هوا اوله برک حران کیمی در یا کیمی خدائی سکا کوندر خدا	توری یره هوزمه اب روان کیمی زینهارقه الکر الینه طوغان کیمی
صف نغالی مسکن عالی تصورایت یحی محیط موفت اولانه واری کور	طوغله یرلرک یو جوسینه دغان کیمی در یایه بولی او غزین اب روان کیمی

عبد علماء اسلام سرد فرافصل کرام صدر شین مقام
استحقاق زبده دهر و قدوه افاق ذات بر فضالی مرابم فضل و
کالی اصیا ایدوب مظهر حال فوخنده مال و و مبتدا یحیی اولان
علاء زمان زکر یا فندیک مال بوستان فضل و کالی و غره شجره
معارف و انضالی در ذات استوده صفاتی سابق تعیب الابرار
اولا معلول زاده افندیکن ملازم لرا اولش در در صفا که بر ذات
شرفیدر انواع فضایل و معارفه موصوف و بر مخدوم عالی در که اصفا
مکارم و معالی اید مشهور و معروف سبزه زار جنانی باران عرفان
بیکر اندر سبزه و طری و کلت نادل و جان جو یار معارف بی شمار اید
کجانات بحری در قامت سرافرازی ریاض معارفه ممتاز اوله بر در
که و کان تقی و بر ابوالدیه کلان مظهر در وهلال وجودی کوندن کون

سما و فضایلده بدر تابان اوله خلدر که انکا فیض اضواء و انوار اید
خورشید انور در **سید** چنین بود پیری کس چنان بود فرزند
نخایل دولت و اقبال جبین آینه تمثالنده ظاهر و عین و قائم مقام
پدر بر جلال اولی غنه جبهه بی نظیر و مثالنده ضیا بدر کیمی روشن
تابان در چونکه اول مخدوم نامدارک و ذات استوده اطوارک
افتاب وصف و اطراسی برده استفاده متواری دکل در لاجسم
میدان بی فضل و عرفان شده کتسان و توسن بیان کشیده
عنان اوله رواد در و هر چند اول شهسوار میدان معارف و کالات
و طلبه علوم و فضایلده حایز قصبه اولان جناب مکارم ایانک هوای
مدح و شناسی بالای هفت اسمندر بس شهباز بلند پرواز ناطقه
اول هواده طیران ایتکدن و از کل سزا در نخل وجود نامداری
بوستان جهانده بر خور دار اولان انشاء الله الملك الغفار اوازه
و اشتیاق غلغله انداز جسر خد دار اولمی نور خورشید نوآر کیمی روشن
اشکار در مرغوب مقبول گفتاری و پسندیده صغار و کبار اشعار
در رباری وار در بو بر ایکی اشعار بلاغت شعرا اول مخدوم نامدارک

کوکل او مر نیچد مدر که یار غجزارین قرشومزده غیره میخانه ده جاننا ابر	اولور سلف الهی کورر بو کون یارین یا غزندن کجیه تکلیف ایسک ابر کج
بنله حشره اول قدی قیامت مایل اولمی ای لطف خم اندر خمی قلاب محبت	قیامت وار دیمیزی خوشه قیامت مایل اولمی هپ ساک جکلای دل ارباب محبت
جو قزماندر محبت بجز کدن اغرای بر جکدک بیچاره دل عالمده برغم قالدی	یشودر نوله اغز دیر کوزم مرد طری حاصلی بو عالم قانیده عالم قالدی

عالمی دهر الم اولای غم دوشدم	جانانم عشق کعبه عالم دوشدم
بارنگ خم ایلدی قدم اولم کبسی	آفریدم بوسه شهن طوغز اولم کبسی
سورسین دایم ای لای یاره زوره	دعوی اول طیب جان و دل انکا نذر درک
پیشان عزان اولم کل عساری صومله	نه بانگ خلیدر ایان ناز پروردگ
منظری سبب حسی اول در انصر و عینه ادر نه زخمیه دندر شهر مزبور از باب	
جهان دن و طایفه مزوره نک اصحی کالاتن ایدی بو اشعار مزبور کفتم نذر	
اول پرینک وه نذر صابن بلیم عین	او تورر کلدر طورر دیورر رورر
عاشق اولدم نینه بر دل بر سا کوردم	جان بخشی دین بجز عیب کوردم
تاب ملان تن سیمین عرق ز اوش	در و کوهر لر مزین بت رعنا کوردم
زمره قضای معدلت عنوان اولان مرحوم کاد سنان اولم نذر	
وابنای میاننده علوشان معرفت و کمال و مهارت و انصال و خلق و جان اول	
مطبوع و مقبول خوان زمان ایدی ملازم اولدقن صکره سمت قضای عازم	
جزایر غریبه قاضی و حاکم اولمشیدی اول ائشاده بادقنا چنزار بقا سنه	
بسوب و افتاب صیگر زمین مائده عزوب ایلدی بو فنده دخی خلیق بلینی	
وار ایدی بر مقدار عمر و هلندن بهره دار اولیدی کر چکن صاحب	
دختهار اولورد بو اشعار انک کفتم نذر	
از مید ریوضه های لب لعلک جوئی	بهی افق بر یک سویه انرک یوتی
یکم قولنده در اولن شایباز غیب	یکله صانور اول سر و سرافراز غیب
کوردم اول یوسف کن برهنی واقعه ده	ویا نوب ایلدکم ناله یی بغیر ایدم
ینه وردرخینه بر لب جان پروردگ	صد هزار اول ای ملیل دل جان و کوردگ
بر داد ایلم انسانی جهان بی منت	ارایک چک دلا منت اول نامردگ

مرض عشق دیردک که فغان ایلیم	مشدی دهری انکندگ نذر ای دل درک
بزم خسته یقینی لب اولی افغانم	برنگا سنده جونی ناز قیلوب نیرس
بویغ منیع صبی معارف و معدن اربا لطیف تحت شعورای بلاغت شعار	
اولا یکجه وارد ادر نذر صیرتیک بر لدری فخی نه نیک مست باکی کوی	
عشق و غرامک عاشق جلال کی خانقه جهانک درویش و دریشی و ابدان کوی	
اولان سینه چاک در طریق علمان فرغت ایدو مزوی مقام قناعت اولدقده	
مصرده مرحوم شیخ ابراهیم حضرت تکریم ادراد و تسلیم کورد خدمت علیک ارنده دل	
وجان ایلدیم اولمشید بعد طاب عرفان مثنوی اولوب ناطم کتاب	
مثنوی اول مولانا جلال الدین الکو حضرت نرینکد و یال سده بر اهلک ایتخصل	
وجد و حال ایدوب استان فلک مشانده سماء و صفا ایلد فلک کیمی کردان	
و فی مثال در در نالان اولمشیدی مثنوی دان و صاحب عرفان معارف	
کماله طالب بو مقول لطیف و نوار برده برادرینه هزار با غالب	
ایدی اشعاری ممدوح و مقبول مرتبه قبول لیل کماله موصول اولشدر	
سنه شفت و عین و شماییده فوت اولوب سود لیک ده رکندر	
صغیر آبا دده طومدر بو بر اکی اشعار اول مشاندا در کفتم نذر	
بزنج ریای سرشامان جهان نوز	بزخاک کف یای کد ایان زما نوز
بز کلمه ز غلغانی لبیل بانگ	بز نغمه سرایان گلستان جنا نوز
اناقی تبون طومش ایکن نالمازل	بز طرفه در در کم نیه بی نام و نش نوز
بی نام و نش نوز نجب قوس قصار	هر تیر بلاکم ایتلور انکاش نوز
ارباب محبت بزوی یوسف بیلور آما	اصحاب جسد کوز نیه ای دو سست نوز
اهل در داوین اشکر منقاسین الملک	بجا صور ندر تینی بن بلورم در دنگ

پنجم زمان ایدیکه طایران و هم فضیال فضای بان لب الله جل جلاله
 حقیقت و مجاز و قوام و خواتی اطناب و ایجاز اید پر و زده ایدی
 وقت اولدیکه شمس از غنچه اشیا ساز اولد و نیکی لیلی و ایام ایدیکه
 کیت خوش خرام اقلام اقدام اید اید میدان بخت و فصاحت و کلام
 تازه ایدی بریدر که پائید عقالی و زماکت اور لفظ بر مقدار ارام اید

- بحمد الله که بر رخ زمانه • بیایا آمد این شیرین زمانه •
- وقع الزمان من انما بفضل الله تعالى والنعمة •
- فی شهرة اربع و تسعين و ستون •
- من بحره خیر الله •
- وینتقین •

SOLEYMANI	E	N
Kisim	Yeni Canii	
Yeni		
Es-i	835	
Tasnif	92:8 (496)	